



جمهوری اسلامی افغانستان

استراتژی انکشاف ملی افغانستان

یک استراتژی موقت برای
امنیت، حکومنداری، رشد اقتصادی و فقرزدایی

ترتیب شده توسط:

هیئت نظارت ریاست جمهوری بر استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان

جنوری ۲۰۰۶

بسم الله الرحمن الرحيم

امروز افغانها دارای حیثیت کامل اند و به جهان اعلام میدارند که ما از خاکستر
تهاجم برخاسته و برای همیشه زندگی خواهیم کرد.

از گفته های رئیس جمهور حامد کرزی
در سخنرانی افتتاحیه شان به شورای ملی به تاریخ
۲۸ قوس ۱۳۸۴

مخففات

بانک انكشاف آسيایي	<i>ADB</i>
مجمع انكشافی افغانستان	<i>ADF</i>
گروپ مشورتی محیط زیست	<i>AGE</i>
كمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان	<i>AIHRC</i>
اداره كمك به سرمایه گذاری افغانستان	<i>AISA</i>
قوای ملیشه افغانستان	<i>AMF</i>
اردوی ملی افغانستان	<i>ANA</i>
استراتیژی انكشاف ملی افغانستان	<i>ANDS</i>
پولیس ملی افغانستان	<i>ANP</i>
صندوق وجهی بازسازی افغانستان	<i>ARTF</i>
اداره كنترول و تفتیش	<i>CAO</i>
سازمان همکاری های اقتصادی منطقه یی آسیای مرکزی	<i>CAREC</i>
شورای انكشاف اجتماع محلی	<i>CDC</i>
فرماندهی نیروهای مشترک (افغانستان)	<i>CFC-A</i>
گروپ مشورتی	<i>CG</i>
پولیس مبارزه با مواد مخدر	<i>CNPA</i>
صندوق وجهی مبارزه با مواد مخدر	<i>CNTF</i>
شاخص قیم اموال مصرفی	<i>CPI</i>
مجمع ترانسپورت و تجارت آسیای مرکزی و جنوبی	<i>CSATTF</i>
اداره احصائیه مرکزی	<i>CSO</i>
د افغانستان بانک	<i>DAB</i>
خلع سلاح، ملکی سازی و استقرار مجدد	<i>DDR</i>
انحلال گروپ های نظامی غیر قانونی	<i>DIAG</i>
سازمان همکاری های اقتصادی	<i>ECO</i>
برنامه خدمات لازم شفاخانه ها	<i>EPHS</i>
تولیدات ناخالص داخلی	<i>GDP</i>
اداره عمومی مستقل برای مبارزه علیه فساد اداری	<i>GIAAC</i>
فهرست انكشاف بشری	<i>HDI</i>
سروی عواید و مصارف خانه وار	<i>HIES</i>
فقیر ترین کشور ها	<i>HIPC</i>

گروپ های مسلح غیر قانونی	IAG
کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی	IARCSC
سروی توحیدی تصدی های تجارتی	IBES
سازمان بین المللی هوانوردی ملکی	ICAO
دو اطلبی رقابتی بین المللی	ICB
مساعدت های انکشافی بین المللی	IDA
بیجا شده گان داخلی	IDP
نهاد مالی بین المللی	IFI
صندوق وجهی بین المللی	IMF
موسسه بین المللی غیر دولتی	INGO
استراتیژی موقت فقر زدایی	I-PRSP
نیروهای حافظ صلح بین المللی	ISAF
بورד مشترک هماهنگی و نظارت	JCMB
صندوق وجهی نظم و قانون	LOTFA
وزارت مبارزه با مواد مخدر	MCN
اهداف انکشافی هزارساله	MDG
سروی نمونه یی چند شاخصی	MICS
اداره قرضه های کوچک در افغانستان	MISFA
تناسب مرگ و میر مادران	MMR
وزارت زراعت و مالداري	MoAAH
وزارت دفاع	MoD
وزارت مالیه	MoF
وزارت امور خارجه	MoFA
وزارت امور داخله	MoI
وزارت عدلیه	MoJ
وزارت صحت عامه	MoPH
وزارت امور زنان	MoWA
وزارت احیا و انکشاف دهات	MRRD
چارچوب میان مدت مصارف	MTEF
چارچوب میان مدت مالی	MTFF
برنامه ملی محیط زیست	NABDP
پیمان اتلانتیک شمالی	NATO
بودجه ملی انکشافی	NDB

استراتژی ملی مبارزه با مخدرات	NDCS
چارچوب انکشاف ملی	NDF
برنامه ملی اضطراری برای کارایی	NEEP
اداره ملی حفاظت محیط زیست	NEPA
سازمان غیر دولتی	NGO
برنامه ملی سرمایه گذاری	NIP
برنامه ملی دارای اولویت	NPP
سروی ملی ارزیابی خطر و آسیب پذیری	NRVA
شورای امنیت ملی	NSC
مجمع انسجام امنیت ملی	NSCF
برنامه ملی انکشاف مهارت ها	NSDP
برنامه همبستگی ملی	NSP
سازمان همکاری و انکشاف اقتصادی	OECD
دفتر شورای امنیت ملی	ONSC
کمیته نظارت ریاست جمهوری برای استراتژی انکشاف ملی افغانستان	OSC
در سرحدات	OTF
اصلاحات اداره عامه	PAR
انتظام اداره عامه و اقتصاد	PAREM
اداره مصارف عامه	PEM
اداره مصارف و مالی عامه	PFEM
اداره مالی عامه	PFM
برنامه عامه سرمایه گذاری	PIP
اداره رشد امحای فقر	PRGF
برنامه اولویت اصلاحات و ساختار مجدد	PRR
استراتژی امحای فقر	PRSP
تیم های بازسازی ولایتی	PRTs
انجمن آسیای جنوبی برای همکاری های منطقه یی	SAARC
مصونیت آینده افغانستان	SAF
مجمع انسجام امنیت	SCF
سازمان همکاری های شانگهای	SCO
برنامه نظارت پرسونل	SMP
سیستم حسابات ملی	SNA
تصدی های دولتی	SOE

نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد (در افغانستان)	<i>SRSG</i>
طرح سکتور امنیت	<i>SSO</i>
اصلاحات سکتور امنیت	<i>SSR</i>
کمیته انسجام اصلاحات سکتور امنیت	<i>SSRCC</i>
پایپ لاین عبوری افغانستان	<i>TAP</i>
اداره انتقالی اسلامی افغانستان	<i>TISA</i>
ماموریت همکاری ملل متحد در افغانستان	<i>UNAMA</i>
پروگرام انکشافی ملل متحد	<i>UNDP</i>
صندوق اطفال ملل متحد	<i>UNICEF</i>
اداره مبارزه با مواد مخدر سازمان ملل متحد	<i>UNODC</i>
مهمات منفجر ناشده	<i>UXO</i>

فهرست مندرجات

ب. مخففات.....

قسمت ۱: دیدگاه کلی پالیسی	۱
فصل اول: دیدگاه و نظر اجمالی	۳
۱,۱ دیدگاه حکومت در مورد افغانستان	۳
۱,۱,۱ دیدگاه سیاسی ما	۵
۱,۱,۲ دیدگاه اقتصادی و اجتماعی ما	۶
۱,۱,۳ دیدگاه امنیتی	۸
۱,۱,۴ تحقق دیدگاه ها	۸
۱,۲ توافقنامه افغانستان	۹
۱,۳ معرفی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان به مثابه یک استراتژی موقت برای برچیدن بساط فقر	۱۰
۱,۴ منابع عمده برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان	۱۲
۱,۵ این استراتژی چگونه ترتیب گردید؟	۱۳
۱,۶ چارچوب سیاست و ساختار برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان	۱۵

فصل دوم: انکشاف افغانستان: تاریخ نوین و پیشرفت	۲۱
۱,۲ افغانستان دولت کنونی را در سال ۱۳۸۰ (دسمبر ۲۰۰۱ م) به ارث گرفت	۲۱
۲,۲ زوال سیاسی و اقتصادی: از انقلاب ثور ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ (دسمبر ۲۰۰۱ م)	۲۲
۳,۲ پیشرفت از زمان موافقتنامه بن تا حال	۲۶
۴,۲ همکاری با جامعه بین المللی	۳۳

فصل سوم: مشخصات اقتصاد عظیم و فقر	۳۵
۳,۱ نظر اجمالی	۳۵
۳,۲ محیط برای اقتصاد عظیم	۳۶
۳,۳ مشخصات کلیدی اقتصاد افغانستان	۴۰
۳,۴ فقر در افغانستان	۴۲
۵,۳ تاریخچه فقر در روستا ها	۴۵
وضع فقر در شهر ها	۴۹
۳,۷ فقر و اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده	۴۹
۸,۳ نتیجه	۵۵

فصل چهارم: موانع و چالش ها	۵۷
۱,۴ موانع در برابر امنیت	۵۷
۲,۴ موانع در برابر حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر	۶۰
۱,۲,۴ سکندر ضعیف عامه	۶۰
۲,۲,۴ عدم مؤثریت کمک ها	۶۲
۴,۳ موانع در برابر رشد اقتصادی و اجتماعی	۶۳

فصل پنجم: استراتژی انکشاف ملی	۷۲
۱,۵ یاددهانی	۷۲
۲,۵ امنیت	۷۲
۵,۳ حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر	۷۴
۵,۴ توسعه اقتصادی و اجتماعی	۷۶
۵,۴,۱ حفظ میزان بلند تولیدات ناخالص داخلی	۷۶
۵,۴,۲ امحای اقتصاد مبتنی بر جرایم	۷۹
۵,۴,۳ سرمایه گذاری های استراتژیک عامه	۸۰

۸۰	زیر بنا.....
۸۲	ارتقای ظرفیت نهادی و منابع بشری.....
۸۵	حفظ حقوق مستمندان و مصونیت اجتماعی.....
۸۶	ایجاد محیط توانمند برای تشبثات و سرمایه گذاری.....
۸۷	۴, ۴, ۵ چهار منبع مقدم برای رشد و ایجاد زمینه های استخدام.....
۸۸	زراعت، مالداري، تجارت زراعتی و صنایع روستایی.....
۹۱	استفاده ثمربخش از منابع دولتی.....
۹۲	معادن و سایر صنایع استخراجی.....
۹۴	همکاری منطقه یی، تجارت و ترانزیت.....
۹۶	۵, ۵ تحقق دیدگاه ما ذریعه تأمین ارتباط، مشاورت و "تعهد اجتماعی".....
۹۶	۶, ۵ اتصال استراتژی به سکتورها.....
۹۶	۱, ۶, ۵ ساختار رکن استراتژی موقت ملی انکشاف افغانستان.....
۹۸	۲, ۶, ۵ مسائل مشترک.....
۹۸	۵, ۶, ۳ رکن های ۱ و ۲: امنیت و حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر.....
۹۹	۵, ۶, ۴ رکن ۳: انکشاف اقتصادی و اجتماعی.....

فصل ششم: مسائل مشترک..... ۱۰۱

۱۰۱	۶, ۱ مسائل مشترک.....
۱۰۱	۲, ۶ برابری جنسیت اجتماعی (جندر).....
۱۰۱	۱, ۲, ۶ توضیحات.....
۱۰۲	۲, ۲, ۶ تشریح خط مشی.....
۱۰۳	۳, ۲, ۶ مسائل و موانع.....
۱۰۵	۴, ۲, ۶ استراتژی ها.....
۱۰۷	۳, ۶ استراتژی مبارزه با مواد مخدر.....
۱۰۷	۱, ۳, ۶ توضیحات.....
۱۰۹	۶, ۳, ۲ نظر اجمالی بر پالیسی.....
۱۱۰	۳, ۳, ۶ موانع.....
۱۱۱	۴, ۳, ۶ استراتژی.....
۱۱۳	۴, ۶ همکاری منطقه یی.....
۱۱۳	۱, ۴, ۶ توضیحات.....
۱۱۴	۲, ۴, ۶ شرح پالیسی.....
۱۱۵	۳, ۴, ۶ مسائل و موانع.....
۱۱۶	۴, ۴, ۶ استراتژی ها.....
۱۱۹	۵, ۶ مبارزه با ارتشا و فساد اداری.....
۱۱۹	۱, ۵, ۶ توضیحات.....
۱۲۰	۲, ۵, ۶ نظر اجمالی بر پالیسی.....
۱۲۰	۳, ۵, ۶ موانع.....
۱۲۲	۴, ۵, ۶ استراتژی.....
۱۲۴	۶, ۶ محیط زیست.....
۱۲۴	۱, ۶, ۶ توضیحات.....
۱۲۵	۲, ۶, ۶ شرح پالیسی.....
۱۲۶	۳, ۶, ۶ مسائل و موانع.....
۱۲۷	۴, ۶, ۶ استراتژی ها.....

فصل هفتم: امنیت، حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر..... ۱۲۹

۱۲۹	۱, ۷ یاد دهانی.....
۱۳۰	۲, ۷ سکتور ۱ : امنیت.....
۱۳۰	۱, ۲, ۷ نظر اجمالی.....
۱۳۱	۲, ۲, ۷ شرایط و موانع.....

۱۳۴	 استراتژی سکتوری	۳,۲,۷
۱۳۷	 هماهنگی سکتور امنیت	۴,۲,۷
۱۴۳	 سکتور دوم: حکومتداری سالم و حاکمیت قانون	۳,۷
۱۴۳	 نظر اجمالی	۱,۳,۷
۱۴۴	 شرایط و موانع	۲,۳,۷
۱۴۶	 استراتژی	۳,۳,۷

فصل هشتم: انکشاف اقتصادی و اجتماعی

۱۵۳	 مقصد و ساختار این فصل	۱,۸
۱۵۳	 سکتور سوم: زیربنا و منابع طبیعی	۲,۸
۱۵۴	 نظر اجمالی	۱,۲,۸
۱۵۴	 زمینه ها و موانع	۲,۲,۸
۱۵۶	 استراتژی سکتور	۳,۲,۸
۱۶۲	 سکتور چهارم: معارف، فرهنگ، رسانه ها و ورزش	۳,۸
۱۶۲	 نظر اجمالی	۱,۳,۸
۱۶۲	 زمینه ها و موانع	۲,۳,۸
۱۶۴	 استراتژی سکتوری	۳,۳,۸
۱۶۷	 سکتور پنجم: صحت و تغذیه	۴,۸
۱۶۷	 شرح	۱,۴,۸
۱۶۸	 زمینه ها و موانع	۲,۴,۸
۱۷۰	 استراتژی سکتوری	۳,۴,۸
۱۷۳	 سکتور ششم: زراعت و انکشاف دهات	۵,۸
۱۷۳	 شرح مختصر	۱,۵,۸
۱۷۳	 زمینه ها و موانع	۲,۵,۸
۱۷۶	 استراتژی سکتوری	۳,۶,۸
۱۸۰	 سکتور هفتم: مصونیت اجتماعی	۶,۸
۱۸۰	 شرح	۱,۶,۸
۱۸۰	 مسایل و موانع	۲,۶,۸
۱۸۲	 استراتژی سکتور	۳,۶,۸
۱۸۷	 سکتور هشت: اداره اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی	۷,۸
۱۸۷	 شرح	۱,۷,۸
۱۸۸	 زمینه ها و موانع	۲,۷,۸
۱۹۴	 استراتژی سکتوری	۳,۷,۸

فصل نهم: اداره بودجه و نیازمندیهای منابع برای استراتژی انکشاف ملی افغانستان به منابع

۲۰۶	 مقصد و ساختار این فصل	۹,۱
۲۰۶	 دست آورد های کلیدی	۹,۲
۲۰۷	 تقویت بودجه ملی	۹,۳
۲۰۷	 سند مصونیت آینده افغانستان" در تخمین مصارف استراتژی موقت و کامل انکشاف ملی افغانستان	۹,۴
۲۱۱	 سند مصونیت آینده افغانستان" در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان	۹,۴,۱
۲۱۲	 سند مصونیت آینده افغانستان" در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان	۹,۴,۲
۲۱۴	 سند مصونیت آینده افغانستان" در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان	۹,۴,۲
۲۱۵	 سند مصونیت آینده افغانستان" در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان	۹,۴,۲

فصل دهم: افزایش مؤثریت کمک ها

۲۱۷	 یاد دهانی	۱۰,۱
۲۱۷	 استراتژی افزایش مؤثریت کمک ها	۱۰,۲
۲۱۹	 اصول متقابل برای مؤثریت فزاینده کمک ها	۱۰,۳

۲۲۳	فصل یازدهم: انسجام و نظارت
۲۲۳	۱،۱ مقصد و ساختار
۲۲۳	۲،۱ چارچوب نظارت و انسجام
۲۲۵	۳،۱ کمیته نظارت ریاست جمهوری
۲۲۶	۴،۱ گروه های مشورتی
۲۲۸	۵،۱ هیأت مشترک انسجام و نظارت
۲۲۹	۶،۱ جمع آوری و تهیه اطلاعات
۲۳۱	۷،۱ نتیجه

۲۳۲	فصل دوازدهم: مشوره ها
۲۳۲	۱۲،۱ مقصد و ساختار
۲۳۲	۱۲،۲ مشوره ها در برنامه موقت انکشاف ملی افغانستان تا اکنون
۲۳۵	۱۲،۳ مشوره های آینده
۲۴۰	۱۲،۴ توافقنامه اجتماعی براساس ارتباطات
۲۴۰	۱۲،۵ اداره و جستجوی منابع برای روند مشورتی
۲۴۲	۱۲،۶ میعاد برای انکشاف استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان
۲۴۵	۱۲،۷ نتیجه

ضمیمه ۱

۲۴۸	جدول چارچوب پالیسی
-----	--------------------

ضمیمه ۲

۲۵۹	چارچوب سیاست اقتصاد عظیم افغانستان
-----	------------------------------------

ضمیمه ۳

۲۶۰	چارچوب میان مدت مالی افغانستان
۲۶۰	۱۳۸۵-۸۹

ضمیمه ۴

- ۱ -	توافقنامه افغانستان
-------	---------------------

اشکال

۹	شکل ۱،۱ چارچوب عمومی برای برنامه انکشافی افغانستان
۱۵	شکل ۱،۲: پروسه مشورتی در مورد برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان
۱۶	شکل شماره ۱،۳: چارچوب تنظیم تصامیم کلیدی
۱۷	شکل شماره ۱،۴: ساختار برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان
۱۹	شکل ۱،۵: چارچوب برنامه یی برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان
۳۶	شکل ۱،۳ توازن تولید غیر رسمی و غیر قانونی
۴۰	شکل ۳،۲: ساختار شاخص اقتصاد افغانستان
۴۳	شکل ۳،۳ اوسط شمار ماه هایی که در ایجاد منابع اساسی عایداتی نقش دارند ۱۳۸۴
۴۴	شکل ۳،۴ اوسط شمار ماه هایی که یک خانواده بیکار است ۱۳۸۴
۵۰	شکل ۵،۳: عدم مصونیت انرژی غذایی - ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)
۵۱	شکل ۶،۳: دور بودن از مارکیت به مصرف کالوری تاثیر می گذارد
۵۱	شکل ۷،۳: عدم دسترسی به مارکیت تنوع غذایی را متاثر می سازد
۶۵	شکل ۴،۳ موانع اجباری سکتور خصوصی
۶۷	شکل ۴،۲ مصارف پرداخت های غیر رسمی
۷۸	شکل ۱،۵: میزان لازم، ممکنه و تخمین شده رشد واقعی تولیدات ناخالص داخلی

- شکل ۲,۵ رکن ها، سکتور ها و مسائل مشترک برای برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۹۷
- شکل ۱,۱۲ : روند مشورتی استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۲۳۲
- شکل ۱۲,۲ صفحه وبسایت استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۲۳۴

جدول ها

- جدول ۱,۳ شاخص های اقتصاد عظیم ۳۸
- جدول ۳,۳ احصاییه یی فشرده در مورد شاخص های کلیدی فقر ۴۷
- جدول ۴,۱ مصارف تجارت در افغانستان ۶۶
- جدول ۱,۵ : سرمایه بشری افغانستان : بهترین داری ما ۸۴
- جدول ۴,۵ ۹۳
- جدول ۵,۵ ۹۵
- جدول ۸,۲ شاخص های کلیدی صحت ۱۶۸
- جدول ۳,۸ شاخص های تجارت ۱۹۳
- جدول ۴,۸ : ساختار میان مدت مالی افغانستان برای سال های (۱۳۸۵-۱۳۸۹) ۱۹۵
- جدول ۹,۱ انطباق مصارف سالهای ۱۳۸۵-۱۳۸۹ سند مصونیت آینده افغانستان با سکتورهای برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۲۱۴

قسمت ۱

دیدگاه کلی پالیسی

فهرست مندرجات

پیام رئیس جمهور (در حال تسوید است)

پیام کمیته نظارت (در حال تسوید است)

اظهار امتنان (در حال تسوید است)

فشرده استراتیژی (در حال نهایی شدن است)

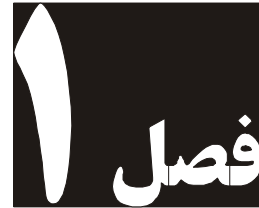
۱	دیدگاه و نظر اجمالی	۳
۲	انکشاف افغانستان: تاریخ نوین و پیشرفت	۲۱
۳	مشخصات اقتصاد عظیم و فقر	۳۵
۴	موانع و چالش ها	۵۷
۵	استراتیژی انکشاف ملی	۷۲
۶	مسائل مشترک	۱۰۱
۷	امنیت، حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر	۱۲۹
۸	انکشاف اقتصادی و اجتماعی	۱۵۳
۹	اداره بودجه و نیازمندیهای منابع برای استراتیژی انکشاف ملی افغانستان به منابع	۲۰۶
۱۰	افزایش مؤثریت کمک ها	۲۱۷
۱۱	انسجام و نظارت	۲۲۳
۱۲	مشوره ها	۲۳۲

مأخذ (در حال نهایی شدن است)

ضمیمه ۱ جدول چارچوب پالیسی (به فایل جداگانه مراجعه نمایید)

ضمیمه ۲ چارچوب میان مدت مالی (به فایل جداگانه مراجعه نمایید)

ضمیمه ۳ توافقنامه افغانستان (در حال نهایی شدن است)



دیدگاه و نظر اجمالی

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ

۱,۱ دیدگاه حکومت در مورد افغانستان

نمونه حکومتداری و انکشاف امروزی حکومت افغانستان از عقیده باستانی "دایره عدالت" سرچشمه گرفته است. آن گونه که عالم اسلامی قرن نهم ابن قتیبه^۱ مینویسد:

هیچ حکومتی را بدون سپاه نمیتوان حکومت پنداشت؛
هیچ سپاهی را بدون سرمایه نمیتوان سپاه پنداشت؛
هیچ سرمایه‌ی را بدون رفاه نمیتوان سرمایه پنداشت؛
و هیچ رفاهی را بدون حکومتداری عادلانه و سالم نمیتوان رفاه پنداشت.

یک سده پس از او، سلطان سبکتگین در غزنه چنین بیان داشت^۲:

نخستین کاری که باید انجام دهید این است که از خزاین شخصی و عامه به خوبی نگهداری کنید؛ زیرا یک سلطنت فقط زمانی میتواند به موجودیت خود ادامه دهد که سرمایه و ثروت در اختیار داشته باشد. ثروت و سرمایه نیز بدون حکومتداری سالم و حکمران دانا به دست نخواهد آمد و حکومتداری سالم نیز بدون عدل و پرهیزگاری وجود نخواهد داشت.

۱ ابو محمد عبدالله بن مسلم بن قتیبه کتاب (ایون الاکبر)، از کتاب تألیف لندا دارلنگ

“Do Justice, Do Justice, For that is Paradise”: Middle Eastern Advice for Indian Muslim Rulers,” *Comparative Studies of South Asia, Africa and the Middle East*, Vol XXII No. ۱&۲ (۲۰۰۲)، ۳.

۲ محمد نظام "پندنامه سبکتگین"، از ژورنال جامعه سلطنتی آسیا (۱۹۳۳) شماره ۶۲۴ توسط لندا دارلنگ.

دایره عدالت این پیام را می‌رساند که حکومت بر نیروهای مسلح متکی است تا امنیت را تأمین نماید و برای حفظ نیروی نظامی حکومت نیاز به بنیاد مالی مناسب دارد، که این هدف را فقط در سایه رفاه و انکشاف برآورده می‌تواند. تأمین رفاه و پیشرفت به نوبه خود بر پایه عدل و حکومتداری سالم استوار است. آموزه های اسلامی دایره عدالت، عدالت را در حاکمیت قانونی میدانند، که بر عقاید و ارشادات دین مبین اسلام استوار باشد. این اصول حکومتداری سالم را به احداث سرکهای تشبیه میکند که برای مسافرت و انتقال اموال تجاری مصون باشند، یا شبیه به ساختن یک نظام آبیاری می‌داند که باعث افزایش محصولات گردد، و آن حکومتی است که در آن صداقت عمل تأمین، منازعات با دوری منصفانه حل و فصل و حقوق نیازمندان و مستضعفان مصون باشد.

با تأکید کامل بر مفهوم دایره عدالت، در مقدمه قانون اساسی ما نیز چنین بیان گردیده که حکومت موارد زیرین را تأمین خواهد نمود:

۱. با ایمان راسخ به ذات پاک خداوند (ج) و توکل بر مشیت ذات او و اعتقاد به دین مقدس اسلام؛
۲. تحکیم وحدت ملی و حراست از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور؛
۳. تأسیس نظام متکی بر اراده مردم و دیموکراسی؛
۴. ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض؛ خشونت و مبتنی بر قانونمندی و عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی ها و حقوق اساسی مردم؛
۵. تقویت بنیادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی کشور؛
۶. تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم برای همه ساکنان این سرزمین؛
۷. و سر انجام تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین المللی.

درین بخش دیدگاه حکومت در زمینه انکشاف افغانستان الی سال ۱۴۰۰ هجری خورشیدی (۲۰۲۰ میلادی) و مراحل تکاملی و میکانیزم های هدایت کننده حکومت برای رسیدن به اهدافش بازتاب یافته است. به منظور تحقق این دیدگاه و برای کار و فعالیت در جهت رسیدن به اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده (ام. دی. جی)^۴ و به منظور به جا آوردن توافقنامه افغانستان، حکومت افغانستان برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان را تهیه مینماید. برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان پایه و اساس رایزنی هایی را تشکیل میدهد که بر اساس آن یک برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان تهیه خواهد شد.

امروز افغانستان در یک دایره بی عدالتی گیر مانده است. تولیدات ما ناچیز است و هنوز هم با کمبود وسایل تولید مواجه هستیم. قسمت اعظم ظرفیت تولیدی ما را در حال حاضر یا تولیدات غیرمجاز (مواد مخدر) تشکیل میدهد و یا بر فعالیت های اقتصادی کوتاه مدت بنابر استفاده غیر متداوم کمک ها متکی هستیم. که هر

^۴ مراد از اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده عبارت است از فقر زدایی، فراهم آوری زمینه برای تعلیمات ابتدایی، کاهش در مرگ و میر اطفال، بهبود وضع صحتی مادران، مبارزه علیه امراض، تأمین برابری جنسی (جندر)، تأمین تداوم محیطی و ارتقای امنیت فردی.

دو عامل یاد شده باعث از هم پاشی بنیادهای اداری میشوند. بدون داشتن یک اداره سالم و عادل نمیتوان امنیت مردم را تأمین کرد و حلقه معیوب فقر را در هم شکست. درحالی که فقر لزوماً باعث بی امنیتی و بی ثباتی سیاسی نميگردد، اما زمینه هایی را فراهم میسازد تا در آن مافیای مواد مخدر و دیگر نیرو های فتنه انگیز رشد بیشتر نمایند. هنگامی که جوامع فقیر خود را از لحاظ سیاسی در حاشیه و از لحاظ اقتصادی محروم تصور میکنند، بی گمان چنین جوامعی از رنج و آزار و بیگانه گی هایی که رهبران مواد مخدر و دهشت افگنان بنیاد گذار آن هستند، دچار رنج و عذاب خواهند شد.

هدف ما این است که در ۱۵ سال آینده این حلقه بی عدالتی را با تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان، با به جا آوردن تعهدات افغانستان و با رسیدن به اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده، به یک دایره عدل و انصاف مبدل سازیم. در حالی که استراتژی انکشاف ملی افغانستان بر آماج ها و استراتژی های پنج ساله تکیه میکند، ایجاب مینماید تا دیدگاه ما دراز مدت باشد تا نه تنها موانع کنونی از میان برداشته شوند و دست آوردهای کوتاه مدت حاصل گردند، بل برای نسل های آینده کشور، افغانستان بهتری را به میراث گذاشته باشیم.

۱,۱,۱ دیدگاه سیاسی ما

چشمداشت و امید ما تا سال ۱۴۰۰ هجری خورشیدی (۲۰۲۰ میلادی) دولتی است با داشتن بنیادهایی که با حسابداری روشن جوابگوی خواسته های مردم مستمند باشد تا اشتراک آنان را در جریان های سیاسی و تصمیم گیری ها در سطح محلی تقویت کند و در فرجام آن موانع اجتماعی را که ناشی از تفاوت های جنسی، نژادی و موقف اجتماعی هستند، نابود سازند. ما سعی خواهیم کرد تا **دیموکراسی مبتنی بر اصول اسلامی و قانون اساسی** را با انجام انتخابات منظم، صلح آمیز و عادلانه در سطح ملی و ولایتی به پخته گی برسانیم. توقع داریم **شورای ملی** به یک نهاد مسئول سیاسی تکامل نماید تا بتواند مراقبت و توازن قوه اجرایی را تأمین و نیازها و منافع تمام ولایات و ولسوالی ها را در سطح ملی تمثیل نماید. ما در نظر داریم تا توانمندی تمام سه بخش دولت (اجراییه، مقننه و قضایی) را بمنظور ارزیابی و موازنه نمودن قدرت های یکدیگر تقویت نماییم. به ویژه، ما بر نهادهای ساختن دیموکراسی در سراسر افغانستان به وسیله رشد روابط شهروندان با دولت از طریق تقویت مجالس منتخب در سطح ملی، ولایتی، ولسوالی و روستا ها تأکید خواهیم کرد.

ما سعی خواهیم کرد تا اداره مؤثر، حسابداری و شفاف را در تمام سطوح دولت ایجاد نماییم. در داخل یک نظام حاکمیت واحد مرکزی، ادارات ولایتی و ولسوالی ها ظرفیت های شان را انکشاف و گسترش خواهند داد تا بتوانند خدمات مؤثری را فراهم سازند. پا به پای آن، سعی و تلاش به سوی ایجاد یک حکومت قوی مرکزی نیز ادامه خواهد یافت. کار و فعالیت **ادارات ولایتی و ولسوالی ها** طور مؤثرانه صورت خواهد گرفت تا هماهنگی میان اولویت های انکشاف ملی، نظارت بر مصارف و جمع آوری عواید داخلی را بهبود بخشد.

برنامه اصلاح ادارات دولتی بر تقویت اصل مبتنی بر حسن انجام کار در ادارات تمرکز خواهد نمود تا روند انکشاف اجتماعی تأمین گردد. وزارتخانه ها و ادارات دولتی مرکز و ولایات مؤثریت و مثریت بیشتر کسب خواهند کرد و با کدر های مسلکی با مهارت که بر پایه اصل شایسته گی استخدام میگردند، تجهیز خواهند شد. دستگاه حکومت تشکل و تعادل مجدد خواهد یافت تا وظایف و مسؤولیت های اساسی را به خوبی منعکس سازد. سعی خواهد شد تا معاش کارمندان ملکی و نظامی در سطحی قرار گیرد که با سکتور خصوصی قابل مقایسه باشد.

زنان از براننده گی روزافزون در عرصه های سیاسی و اجتماعی کشور برخوردار خواهند بود. تعداد زنان در قوه مقننه تدریجاً تعادل جنسیت و نمایندگی سیاسی شانرا بازتاب خواهد داد و موانعی را که در راه دسترسی زنان به امکانات اقتصادی و سیاسی موجود اند برطرف خواهد کرد. **حقوق زنان در افغانستان در مطابقت با اساسات دین مبین اسلام به طور قابل ملاحظه بی بهبود خواهد یافت.**

با فساد اداری مبارزه میکنیم و عدالت و حاکمیت قانون را تقویت می بخشیم. تمام افغان ها دسترسی یکسان، منصفانه و شفاف، به عدل و انصاف مطابق به قوانین کتبی و منتشرشده خواهند داشت. تمام ولایات و ولسوالی ها دارای ادارات فعال و چارچوب مناسب عدلی خواهند بود تا بتوانند حقوق اتباع را طور لازم حفاظت نمایند. توقیف خودسرانه، شکنجه، اعتراف جبری و مصادره غیرقانونی دارایی ها کاملاً از بین خواهد رفت.

با پشتیبانی از آزادی سازمانها، رسانه ها و جامعه مدنی، ما دموکراسی را در سراسر کشور انکشاف خواهیم بخشید. انکشاف دیموکراسی در رشد آگاهی های عامه کمک میکند. این آگاهی مردم، جوابگویی های آنان و طرح سیاست ها و مشورت های آگاهانه شان برای دیدگاه دولت سازی ما ممد واقع میگردد. علاوه براین، ما سازمانهای غیر دولتی را همکاران مهم در مساعی انکشافی خویش می پنداریم و پشتیبانی از کارکرد های شان را در کشور ادامه خواهیم داد.

۱,۱,۲ دیدگاه اقتصادی و اجتماعی ما

تا سال ۱۴۰۰ هجری خورشیدی (۲۰۲۰ میلادی) تمام افغانها از فرصت های یکسان برای رسیدن به رشد اقتصادی قابل تداوم و مساویانه برخوردار خواهند بود. اقتصاد کشور از حالت اتکا بر عواید غیرقانونی و بی قاعده به شکل اقتصاد قانونی و خود کفا مبدل خواهد شد. توقع می رود که فقر ناشی از عواید پایین کاهش قابل ملاحظه بی پیدا خواهد کرد و بساط گرسنه گی شدید و مزمن کاملاً برچیده خواهد شد.

دیدگاه اقتصادی ما عبارت از ایجاد اقتصاد بازار آزاد است که در آن کلیه افغانها بتوانند بدون درگیر بودن در قاچاق مواد مخدر و سایر فعالیت های جنایی سهم فعال داشته باشند. برای برآورده ساختن این مأمول، ما یک زمینه را برای سکتور خصوصی مساعد خواهیم ساخت تا منفعت قانونی را حاصل نموده و مالیات مناسب را بپردازند، بدین ترتیب، عواید عامه افزایش خواهد یافت تا در عرصه خدمات عامه سرمایه گذاری شود. سرانجام، ما می خواهیم از وابستگی به کمک های جامعه بین المللی رهایی یافته و یک اقتصاد پیشرفته و

قانونی را تحت رهبری سکتور خصوصی ایجاد نماییم که فقر را محو نموده و زمینه زندگی باعزت را برای افغانها فراهم نماید.

بمنظور نیل به اهداف کمک به فقرا حین محو اقتصاد جنایی، ما در نظر داریم تا همزمان در سراسر رکن های امنیت، حکومت داری و اقتصاد سرمایه گذاری نماییم. در حالیکه اولویت های ما در هریکی ازین ساحات در چارچوب استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان و معیار های پنج ساله ستراتیژیک توافقنامه افغانستان گنجانیده شده است، ما به طور خاص روی آن ساحات تمرکز خواهیم نمود که باروری و سودمندی پروژه های ما در حال حاضر و آینده بشمول برق، سرک ها، آبیاری و ارتقای ظرفیت های نهادی و بشری را ارتقا میدهد، زمینه برای انکشاف سکتور خصوصی را فراهم مینماید و از حقوق فقرا حمایت مینماید. حین هدف قرار دادن سرمایه گذاری های ما درین ساحات، ما کمک به ساحات رشد تسریعی بشمول انکشاف روستایی (زراعت و صنایع روستایی)، اداره سرمایه دولتی، معادن و صنایع استخراجی و ترانزیت را جستجو خواهیم نمود.

با ایجاد یک ماحول مصون، از لحاظ سیاسی پایدار و از لحاظ اقتصادی مفید، ما به سکتور خصوصی کمک خواهیم نمود تا رشد نماید و ازین طریق زمینه کار را برای مردم فراهم نموده و عواید را بطور فزاینده افزایش دهد تا زمینه دست یافتن به اهداف انکشافی هزارساله برای دولت فراهم گردد. ما می خواهیم هر چه زود تر روی پا های خود باستیم و یک عضو کامل و مساوی در سطح منطقه و جهان باشیم.

مردم ما بزرگترین سرمایه ما را تشکیل میدهند. **سیستم تعلیم و تربیه** ظرفیت های انسانی را به گونه پیشرونده انکشاف خواهد داد. تا سال ۱۴۰۰ **تمام اطفال کشور به تعلیمات ابتدایی دسترسی خواهند داشت** و اکثریت آنان خواهند توانست که تعلیمات ثانوی را نیز تکمیل کنند. جوانان و فارغان جوان به تحصیلات عالی دسترسی خواهند داشت که امید واقعی اشتغال در آینده را به وجود خواهد آورد. ما در امور مربوط به جوانان خویش به گونه گسترده سرمایه گذاری خواهیم کرد تا اطمینان حاصل نماییم که فارغان مکاتب و دانشگاه های ما برای ایفای مسؤولیت های تخنیکی، اداری و رهبری در محلات کاری فردای شان مجهز و آماده اند. برای گروه های محروم و بی بضاعت کشور امکانات رشد مهارت های فنی فراهم خواهد شد تا فرصت به کار گماشتن را در داخل و خارج به حیث کارگران ایجاد گر به دست آورند.

بهداشت تمام افراد - به ویژه مادران و اطفال - با **دسترسی بهتر به خدمات اساسی صحی**، خدمات ضروری در بیمارستان ها و دسترسی به آب آشامیدنی صحی و امکانات بهداشتی به طور قابل ملاحظه بهبود خواهد یافت. **روش های های مراقبت صحی بهتر** باعث این خواهد شد تا مردم ما با صحتمندی و قدرت بیشتر طور فعالانه و مثمر در فعالیت های اقتصادی سهیم گردند.

حاصل دهی فرآورده های زراعتی افزایش خواهد یافت. تنوع در زراعت ایجاد و اثرات مخرب اقتصاد متکی بر مواد مخدر بر نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به پیمانه قابل ملاحظه بی کاهش خواهد یافت. با ایجاد یک نظام عصری و قابل اعتماد حمل و نقل و با درنظرداشت وضعیت جغرافیایی محدود به خشکه افغانستان

به یک منبع تجارتي و اقتصادي مبدل خواهد شد. علاوه بر زیربنای ترانسپورتي و راه های ارتباطي میان شهرها، زمینه بهتر دسترسي مردم به برق و آب در سرتاسر کشور فراهم خواهد شد.

۱,۱,۳ دیدگاه امنیتی

محراق تمرکز در بخش امنیتی **تأمین صلح، آرامش و عدالت در جامعه** است که در آن دولت انحصار استفاده از نیرو را در دست داشته باشد. ولی در پهلوی آن حقوق تمام اتباع نیز حفاظت میگردد. هدف ما این است که افغانستان به حیث یک دولت **ملی کثرت گرا، اسلامی، صلح دوست، مرفه و با تأمین آزادی شهروندان در منطقه و جهان شناخته شود.**

توجه و حمایت مداوم ناتو و ائتلاف نیروها به رهبری امریکا برای مبارزه با تروریسم، تندروان و مراقبت مافیای مواد مخدر لازم خواهد بود. با آن که شاید در سال ۱۴۰۰ مابه وجود نیروهای بین المللی در افغانستان ضرورت نداشته باشیم، ولی یک اتحاد قوی ستراتیژک با جامعه بین المللی لازم خواهد بود.

تا سال ۱۴۰۰ ما **اردوی ملی جدید و مسلکی** خواهیم داشت که اقوام مختلف کشور مشمول آن خواهند بود. ما قوای مسلحی خواهیم داشت که از نظر تعداد قابل مراقبت و از نظر مالی قابل تحمل باشد. **پولیس ملی طوری تنظیم و اصلاح** خواهد شد که به یک نیروی آموزش دیده و مجهز مبدل گردد. اردوی ملی و پولیس ملی پاسداران و پیروان قانون خواهند بود. ادارات امنیت ملی کشور کاملاً تحت مراقبت و نظارت ملکی و مستقیماً در برابر رئیس دولت و شورای ملی جوابده خواهند بود.

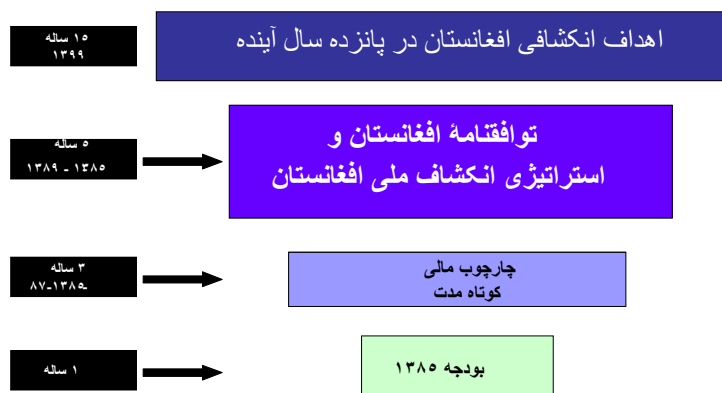
۱,۱,۴ تحقق دیدگاه ها

به منظور تحقق این دیدگاه ها، استراتیژی انکشاف ملی افغانستان چنین پیشنهاد می نماید که یک سلسله فعالیت های مرتبط با هم در بخش های (۱) حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر، (۲) امنیت و (۳) رشد اقتصادی و اجتماعی انجام پذیرند. برای رسیدن به اهداف مورد نظر، برنامه ها باید از حمایت کامل حکومت افغانستان، کشورهای کمک کننده، و مردم افغانستان برخوردار باشند. مهمتر از همه، این برنامه ها باید نیازمندی های مردم کشور را برآورده سازند؛ زیرا آنان طی سالهای پیهم، مصایب جنگ را متحمل گردیده اند و امروز آرزو و توقع آن را دارند تا به مثابه شهروندان یک دولت مشروع و آرمانی، مهارتها و دانش شانرا در راه تأمین صلح، رفاه و عدالت اجتماعی در کشور به کار اندازند. استراتیژی انکشاف ملی افغانستان یک میکانیسم اصلی است که به واسطه آن حکومت و مردم افغانستان میتوانند چنین دولتی را ایجاد نمایند.

استراتیژی انکشاف ملی افغانستان یک استراتیژی ملی را برای حصول اهداف مورد نظر در یک چارچوب زمانی پنج ساله مندرج در جدول (۱,۱) ارائه مینماید. از نقطه نظر مالی چارچوبی را برای بودجه سالانه و

چارچوب پنج ساله مالی را برای میان مدت ارائه خواهد نمود. همچنان راه های رسیدن به معیارهای پنج ساله را که روی آن با جامعه بین المللی در توافقنامه افغانستان توافق صورت میگیرد ارائه خواهد نمود. این استراتژی، افغانستان را در راستای رسیدن به اهداف انکشافی در پانزده سال آینده سوق خواهد داد.

شکل ۱.۱ چارچوب عمومی برای برنامه انکشافی افغانستان



برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان یک سند مؤقت است که استراتژی ها و اولویت های سرمایه گذاری را برای بحث و ایجاد تصحیحات در طول سال ۱۳۸۵ میان تمام طرفهای ذیدخل به شمول اعضای حکومت در سطح ملی و ولایات، شورای ملی، تمویل کنندگان، ملل متحد، مؤسسات غیرحکومتی، جامعه مدنی و سکتور خصوصی طرح و پیشنهاد مینماید. در جریان این مباحثات حکومت حمایت جهانی و داخلی را برای تحقق کامل دیدگاه های حکومت در مورد دولت سازی جلب خواهد کرد.

۱.۲ توافقنامه افغانستان

توافقنامه سال ۱۳۸۴ افغانستان که بتاريخ ۳۱ جنوری ۲۰۰۶ در لندن روی آن موافقه صورت خواهد گرفت، دنبال و ادامه توافقات بن در سال ۱۳۸۰ است که بتاريخ ۵ دسامبر ۲۰۰۱ عقد گردیده بود (ضمیمه شماره ۳). توافقات بن چارچوبی را برای جامعه جهانی طرح نمود تا برای ایجاد یک حکومت قانونی در افغانستان کمک نمایند. در حالیکه معاهده افغانستان چارچوبی را برای جامعه بین المللی ارائه مینماید تا برای ایجاد یک دولت و پیشرفت به افغانها همکاری نمایند.

در کنفرانس بن افغانها روی یک تعداد پروسه های سیاسی به شمول ایجاد اداره موقت، برگزار شدن لویه جرگه اضطراری برای انتخاب اداره انتقالی، تسوید قانون اساسی و تصویب آن در لویه جرگه قانون اساسی و انتخابات سرتاسری برای ایجاد یک حکومت نماینده در افغانستان موافقه نمودند.^۶ با تشکیل شورای ملی پس

^۶ در توافقات بن فیصله های دیگری نیز صورت گرفت که شامل فرستادن نیروهای بین المللی همکاری در زمینه امنیت یا آیساف که توسط شورای امنیت ملل متحد منظور گردیده بود؛ تشکیل نیروهای امنیتی تازه به همکاری نیروهای بین المللی، اصلاحات عدلی و قضایی، ایجاد کمیسیون مستقل

از انتخابات ۱۳۸۴ افغانستان توانست تا پروسه بن را به پایه اکمال رساند. اینک در توافقنامه افغانستان، تلاش می‌ورزد تا تعهدات متقابلش را با جامعه بین‌المللی تجدید نماید تا به این وسیله دولت سازی و تلاش‌های انکشافی در افغانستان ادامه یابند.

پروسه بن ارزش تعهدات مقید به زمان را برای رسیدن به معیارهای پیشرفت ثابت نمود. این ضرب الاجل‌ها باعث تحکیم تلاش‌های مشترک برای رسیدن به اهداف مورد نظر گردید. ولی در عین حال، توافقات بن پیمانی میان افغانها نیز بود که باید توسط سازمان ملل، نظارت و مساعدت می‌گردید. معاهده افغانستان یک پیمانی میان افغانستان و جامعه بین‌المللی است که در آن هر دو جانب تعهدات شانرا اعلام و معیارهایی را که باید مشترکاً آنرا نظارت نمایند طرح و تعیین مینمایند. توافقنامه افغانستان معیارهای پنج‌ساله‌یی را در سکتورهای امنیت، حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر و انکشاف اقتصادی و اجتماعی توأم با مبارزه با مواد مخدر به حیث یک موضوع سرتاسری طرح و پیشنهاد خواهد نمود. در حالیکه این معیارها تا هنوز پیشبینی نشده‌اند، دولت در نظر دارد تا این اهداف را به حیث بخشی از عملیه سال ۱۳۸۵ که ما را به سوی اولویت سازی روشن، ترتیب دهی و برآورده ساختن اهداف انکشافی ما در برنامه کامل استراتیژی انکشاف ملی افغانستان رهنمایی میکند، پیشبینی نماید. زیرا اولویت‌های دولت در مشوره‌های استراتیژی انکشاف ملی افغانستان بطور فزاینده واضح می‌گردند و روی انتقال تخصیص منابع تمویل‌کننده برای دست یافتن به این معیارها دقت به عمل می‌آید. حکومت افغانستان مکلفیت‌هایی را که توسط معاهده افغانستان برایش واگذار می‌گردد ذریعه تطبیق استراتیژی انکشاف ملی افغانستان ایفاء خواهد نمود. در حالی که حکومت اولویت‌های عمده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی را برای مشارکت کشور با جامعه بین‌المللی جمع‌بندی مینماید، در عین زمان استراتیژی انکشاف ملی افغانستان استراتیژی مشروح تری را در مورد برنامه‌های خاص که ذریعه آن حکومت تعهداتش را انجام خواهد داد ارائه خواهد کرد.

۱،۳ معرفی برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان به مثابه یک استراتیژی موقت برای برچیدن بساط فقر

در سال ۱۳۷۷، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پروسه‌یی را ایجاد نمود که بر اساس آن به کشورهای در حال انکشاف پیشنهاد صورت گرفت که اگر یک برنامه ملی را برای فقر زدایی در (سند استراتیژی فقر زدایی) فرمول‌بندی نمایند، در عوض بدهی‌های شان معاف خواهد شد و یا بدهی‌های دیگری با شرایط امتیازی^۱ برایشان اعطاء خواهد شد. بنابراین، از آن تاریخ تا امروز حکومت‌های مختلف، بیش از هشتاد سند

حقوق بشر، تشکیل کمیسیون خدمات ملکی و ایجاد بانک مرکزی برای ترویج پول افغانی با شفافیت و حسابداری. ولی باوجود اینهمه، کنفرانس بن محدوده زمانی یا معیارهایی را برای اهداف یاد شده معین نساخته بود.

^۱ دقیقاً مستحقین باید واجد شرایط ذیل باشند: ۱. موقف کشور فقیر که بسیار مقروض باشد ۲. تدابیر فقر زدایی و حمایت از رشد و انکشاف را تصویب نموده باشد ۳. در درجه بلند وام دهی بانک انکشاف آسیایی و تسویه وام دهی بانک انکشاف آسیایی قرار داشته باشد، به استثنای موارد خاص. قابل تذکر است که افغانستان نظر به شرایط خاصی دارد در حال حاضر بحیث کشور درجه بلند وام دهی بانک انکشاف آسیایی قرار دارد و نخواهد توانست بحیث کشور فقیر که فوق‌العاده مقروض است ارزیابی گردد تا قروض اش معاف شود و یا نظر به تصویب تدابیر فقر زدایی از قروض امتیازی مستفید شود، ولی اهمیت خاصی که این مسئله برای ما دارد اینست که ممکن است در آینده افغانستان بتواند واجد شرایط معافیت از پرداخت قروض گردد، و به این منظور باید یقین حاصل گردد که برنامه‌های ملی ما مطابق به استراتیژی موقت برای فقر زدایی است و شرایط سند موقت استراتیژی فقر زدایی را برآورده می‌تواند.

استراتژی فقر زدایی^۷ را تکمیل نموده اند تا مشمول پروسه یاد شده گردند. استراتژی موقت افغانستان در پهلوی مسائل دیگر باید اهداف "اصول رهنمودی" سند موقت استراتژی فقر زدایی را برآورده سازد^۸:

۱. تعهداتش را مبنی بر فقر زدایی اعلام نماید؛
۲. وسعت و زمینه های فقر را توضیح نماید؛
۳. عناصر عمده استراتژی فعلی فقر زدایی را ارائه نماید؛
۴. برنامه همه گانی را که برای مساعدت به طبقه فقیر در نظر دارد به گونه موجز بیان نماید؛
۵. چارچوب سه ساله اقتصاد بزرگ را ارائه و چارچوب پالیسی سه ساله اش را توضیح نماید؛ و
۶. یک روند مشورتی را برای انکشاف کامل سند استراتژی فقر زدایی جدول بندی نماید. هرچند برای سند استراتژی موقت فقر زدایی مشوره با طرف های عمده، لازم شمرده نمیشود، ولی انجام این کار مؤثر خواهد بود.

تعهدات حکومت افغانستان مبنی بر فقر زدایی، در دیدگاهش جمع بندی شده است. کمیته ریاست جمهوری برای نظارت بر استراتژی انکشاف ملی افغانستان در جواز ۱۳۸۴ (۱۲ جون ۲۰۰۵)^۹ آنرا به جامعه بین المللی ارائه نمود. فرمول بندی اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده و تعیین اهداف و مرام ها با در نظر داشت اوضاع خاص کشور تصحیح گردید. حکومت متعهد به بهبود زندگی مردم است. ستراتیژی که به نفع طبقه نادار کشور است و در فصل پنجم روی آن به تفصیل بحث صورت خواهد گرفت، آرمان حکومت را برای فقر زدایی صریحاً به اثبات میرساند. حدود، ماهیت و اقسام فقر در افغانستان در فصل سوم درج گردیده است که چگونه گی اقتصاد بزرگ کشور نیز در همان فصل مورد بحث قرار گرفته است. در مطالعه تحلیلی دوساله دولت در مورد مخاطرات و آسیب پذیری به سطح ملی، نظری بر مشخصات فقر و ناداری افکنده شده است. برنامه های اولویت ملی دولت و دیگر برنامه های سرمایه گذاری عامه در فصل های هفتم، هشتم و ششم توضیح و تفصیلات آن در جلد دوم این سند درج گردیده است. این فصل همچنان عناصر عمده استراتژی های فعلی دولت را مبنی بر فقر زدایی ارائه مینماید. جداول مربوط به سیاست پنج ساله و چارچوب اقتصاد بزرگ بر این گزارش اضافه گردیده است. (که بالترتیب در ضمیمه شماره یک و دو قرار دارد.) و بلاخره، جدول و میکانیزم های پیشنهادی در مورد پروسه مشاوره که هدف از آن ترتیب کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان میباشد، در فصل دوازدهم درج گردیده است.

برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان در بر گیرنده مقتضیات بیشتر از استراتژی موقت فقر زدایی است. فقر در افغانستان عمیقاً به بی امنیتی و اداره ضعیف و غیر مؤثر و همچنان به علل معمولتر اقتصادی

^۸ تطبیق عملی استراتژی فقر زدایی درجات مختلفه موفقیت را در قبال داشته است. بعضی اوقات این استراتژی به نسبت ضعف کشور برای تطبیق معیار های انکشاف در سرتاسر کشور به ناکامی مواجه گردیده است. به اثر فرانس ستیوارت مراجعه شود: *Do PRSPs Empower Poor Countries and Disempower the World Bank, or Is It the Other Way round* (۲۰۰۲).

^۹ در حقیقت بانک جهانی و صندوق بین المللی پول حکومت را ملزم به برآورده ساختن تمام شرایط فوق نمی نمایند. چنین الزامی شاید با اهداف نهایی آنان مبنی بر تشویق کشورها برای اتخاذ استراتژی فقر زدایی در تضاد واقع شود. ولی با وجود آن این شرایط یک رهنمود را در مورد توقعات هیئت هاییکه چنین استراتژی را منظور و یا رد مینمایند ارائه مینماید. *Joint Note to World Bank and IMF Staff, Interim - Poverty Reduction Strategy Papers: Guidance on I-PRSPs and Joint Staff Assessments of I-PRSPs*. (September ۷, ۲۰۰۰).

^{۱۰} " افغانستان تحکیم صلح و ثبات و فقر زدایی را با استحکام پایه های وسیع رشد اقتصادی متوازن تأمین خواهد نمود که شامل حکومتداری سالم، تأمین عدالت اجتماعی که باعث تقویت طبقه نادار کشور میگردد و تطبیق پروسه های دیموکراتیک است)

وابسته است. بناءً حکومت، عامل های فقر زدایی را به شکل مستمر افزایش خواهد بخشید. دولت رشد اقتصادی را ذریعۀ تعمیق و انکشاف پروسه تقویت ظرفیت دولت، تسریع خواهد نمود. با آن که خدمات اجتماعی فعلی برای مستمندان لازمی اند، اما غالباً به شکل کمک های غیر قابل استمرار خارجی صورت میگیرند. برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان در بر گیرنده ابعاد سیاسی و اجتماعی به مثابه بخش اساسی دیدگاه انکشافی ما است و هدف از آن فقر زدایی به شکل متداوم از طریق ایجاد وضعیت اقتصادی میباشد که فقرا در آن با مساعی تولیدی بتوانند خود شان را کمک کنند.

۱,۴ منابع عمده برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان

برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان در بر گیرنده عناصر اسناد استراتژی های گذشته است. روند بازسازی با کنفرانس تمویل کننده گان در توکیو (۱۳۸۱ هـ.ش) آغاز گردید که تمویل کننده گان تعهدات شان را مبنی بر حمایت از ارزیابی نیازمندی ها که توسط ادارات بین المللی - با عجله و با معلومات کم و بدون مشارکت با اداره یک ماهه موقت در افغانستان - صورت گرفته بود، اعلام نمودند. اداره موقت کشور اولویت های ستراتیژیک را در چارچوب انکشاف ملی به مثابه قدم نخست به سوی در اختیار گرفتن روند باز سازی، هماهنگ نمود که جهت حصول مشورت ها در اوایل ۱۳۸۱ هـ.ش نشر گردید. در آن زمان، نگرانی عمده افغانستان اجتناب از فاجعه بالقوه بشری بود که ممکن از برگشت تعداد زیاد عودت کننده گان، خشکسالی طویل المدت، و سالهای جنگ و فشار های دیگر ممکن بود، به میان آید. در همین چارچوب، گامهای استوار در جهت مداخلات مبنی بر جلوگیری از فاجعه متذکره و نهادن اساسی برای مساعی در راستای تقویت ظرفیت دولت (دولت سازی) نهاده شد. سه سال بعدتر، خطر فاجعه بشری به اندازه قابل ملاحظه کاهش می یابد و دست آورد های زیادی حصول و اولویت های جدید دراز مدت در مورد ارتقای ظرفیت دولت، به ظهور میرسد. برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان به تاسی از چارچوب انکشاف ملی یی و بودجه های سه سال بعد (۱۳۸۱، ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) ترتیب گردیده است و در ضمن، اولویت های جدیدی در آن برای حالات تازه در نظر گرفته شده است.

در اواخر سال ۱۳۸۲، حکومت متوجه یکی از کوتاهی های دیگر کنفرانس توکیو شد. در آن زمان، واضح شده بود که در ارزیابی های مقدماتی نیازمندی ها، مصارف بازسازی کمتر تخمین شده، اولویت های ستراتیژیک که مصارف قابل تخمین را وائمود سازد، در آن موجود نبود. حکومت با همان موسساتی که ارزیابی نیازمندی ها را برای کنفرانس توکیو انجام دادند، اشتراک مساعی نمود، اما این بار دولت مساعی خودش را هماهنگ ساخت تا دیدگاه ستراتیژیک دولت تأمین شود. در نتیجه، در گزارشی که به نام مصونیت آینده افغانستان یاد میگردد، اهداف ستراتیژیک انکشافی افغانستان به مثابه رشد اقتصاد قانونی کشور تعریف گردید که باید با سرعت زیاد عملی شوند تا بهبود محسوس در زنده گی مردم رونما گردد و فقر را به صورت قابل ملاحظه کاهش دهد و همچنان به حد کافی وسیع باشد تا زمین ها، کارگران و منابع دیگری را که قبلاً در اقتصاد مبتنی بر مخدرات مورد استفاده قرار میگرفتند، با امحای مخدرات، جذب نماید. در گزارش مصونیت آینده افغانستان، از فرضیات وسیع و حدود مصارف واقعیهانه تر و مبنی بر تجارب، استفاده به عمل آمد تا

برنامه های آینده با در نظر داشت سطح سرمایه گذاری بین المللی در افغانستان، عیار گردد. در گزارش یاد شده تخمین صورت گرفته است برای این که افغانستان مصون تر باشد و مردم آن قادر به زنده گی در شرایط بهتر گردند، مستلزم سرمایه گذاری به اندازه ۲۷,۶ میلیارد دالر امریکایی میباشد که در خلال هفت سال تعهد و در ۱۲ سال پرداخته شود.

با در نظر داشت تخمینات و استراتژی فوق، حکومت به جوامع بین المللی برای به دست آوردن تعهدات و حمایت های درازمدت مراجعه نمود. در کنفرانس ۱۳۸۳ در برلین، افغانستان تعهدات تمویل کامل برنامه های سال نخست و تعهدات قسمی پلان های سال های دوم و سوم خود را به مبلغ مجموعی ۸,۲ میلیارد دالر امریکایی به دست آورد. تا زمانی که مصارف به صورت کامل تعیین گردد، در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان از تخمین مصارف در گزارش مصونیت آینده افغانستان برای سکتور های مختلف بشمول سکتور های مختلف که در عرصه ای مختلف تعدیل گردیده استفاده بعمل خواهد آمد.

افزون بر این در گزارش پیشگفته از سایر اسناد قبلی ستراتیژیک و ابتکارات گذشته، استفاده به عمل می آید. این اسناد مشتمل بر برنامه کاری برلین که توسط کنفرانس برلین تصویب گردید، اسناد ۱۲ برنامه اولویت ملی، اسناد ۱۶ برنامه سرمایه گذاری عامه، و یادداشت پالیسی های اقتصادی و مالی دولت افغانستان با موافقه صندوق بین المللی پول است. همچنان در این سند از ابتکارات مستقل ستراتیژیک - مانند گزارش انکشاف بشری افغانستان و گزارش هایی که اخیراً توسط مراجع تمویل کننده و ملل متحد ترتیب گردیده - استفاده به عمل آمده است. (مثلاً ارزیابی معمول کشور توسط ملل متحد و گزارش انکشافی بشری) و نیز از یک سلسله گزارش های نهاد های مالی بین المللی و نهاد های غیر دولتی در آن استفاده گردیده است.^{۱۱}

۱,۵ این استراتژی چگونه ترتیب گردید؟

ترتیب این سند ستراتیژیک در سال ۱۳۸۳ از راه مشاوره با سیاست پردازان ارشد افغانستان - به شمول رئیس دولت جلالتماب حامد کرزی - آغاز گردید.^{۱۲} تصمیم به عمل آمد که افغانستان باید یک استراتژی موقت ملی را برای پیشرفت خود ترتیب نماید که خواست های استراتژی موقت فقر زدایی را در ۱۳۸۴ و نیاز های استراتژی کامل فقر زدایی را در ۱۳۸۵^{۱۳} بر آورده سازد. روند ترتیب سند استراتژی انکشاف ملی افغانستان رسماً توسط رئیس دولت حامد کرزی، در سال ۱۳۸۴ در مجمع انکشافی افغانستان آغاز گردید.

^{۱۱} برای فهرست کامل اسناد مآخذ این گزارش، به فهرست مآخذ در اخیر مراجعه شود.

^{۱۲} در مارچ ۲۰۰۴ میلادی، دوکتور اشرف غنی وزیر مالیه سابق اظهار نمود که استراتژی موقت فقر زدایی به ما اجازه خواهد داد تا اصلاحات خود را در کلیت حکومت تعیین و اولویت های آنرا بدانیم. (از بیانیه وی در ۳۱ مارچ ۲۰۰۴ میلادی در کنفرانس برلین) در ماه اپریل ۲۰۰۴ میلادی دوکتور غنی اظهار کرد که تجربه جهانی نشان داده است که استراتژی فقر زدایی وسیله خوبی برای تعیین اهداف مشخص ملی از طریق روند مشارکتی و فراگیر است.

^{۱۳} رهنمایی در مورد استراتژی ملی فقر زدایی را ذیلاً مطالعه نمایند.

به تاریخ ۲۲ جوزا سال ۱۳۸۴، گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان ساختار هشت رکنی برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان را به جامعه بین المللی و مراجع دولت، ارائه نمود.^{۱۳} مشورت های متذکره و بعدی سبب گردید تا دولت بتواند برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان را تحت سه عنوان تدوین نماید: (۱) امنیت، (۲) حکومنداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر و (۳) انکشاف اقتصادی و اجتماعی. روند یاد شده تحت مراقبت کمیته نظارت ریاست دولت برای استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و دیگر مقامات بلند پایه دولتی صورت خواهد گرفت. کار های روزانه استراتیژی توسط گروه کاری نظارت کننده بر گروه های هر یک از موضوعات، اداره میگردد.

به تعقیب ارائه معلومات در جوزای سال ۱۳۸۴، تعداد زیادی از مراجع تمویل کننده و نماینده گان جامعه مدنی نظریات کتبی شان را تسلیم نمودند.^{۱۴} دولت مشورت های غیر رسمی را با سکتور خصوصی و نماینده گان جامعه مدنی انجام داد. گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان نیز فرصت داشت تا به صورت غیر رسمی با ۴۰۰ تن از رؤسای شوراهای انکشاف محلی (که از تقریباً ۱۰۰۰۰ قریه نماینده گی مینمودند) هنگام حضور شان در کابل برای اشتراک در کنفرانس ملی ماه اسد ۱۳۸۴، مشوره نماید.^{۱۵}

بر اساس دستور رئیس دولت، وزارت های مربوط طرح های استراتیژیک بخش های مربوط شان را که خلاصه اهداف، موانع، اولویت ها و استراتیژی ها، و نیز شاخص ها و نیازمندی به منابع را در بر داشت، ارائه نمودند. معلومات یادشده همراه با نظریات حاصله از مشورت ها، سبب شد تا اساسی برای گروپ کاری جهت ترتیب مسوده مقدماتی برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان پایه گذاری گردد.

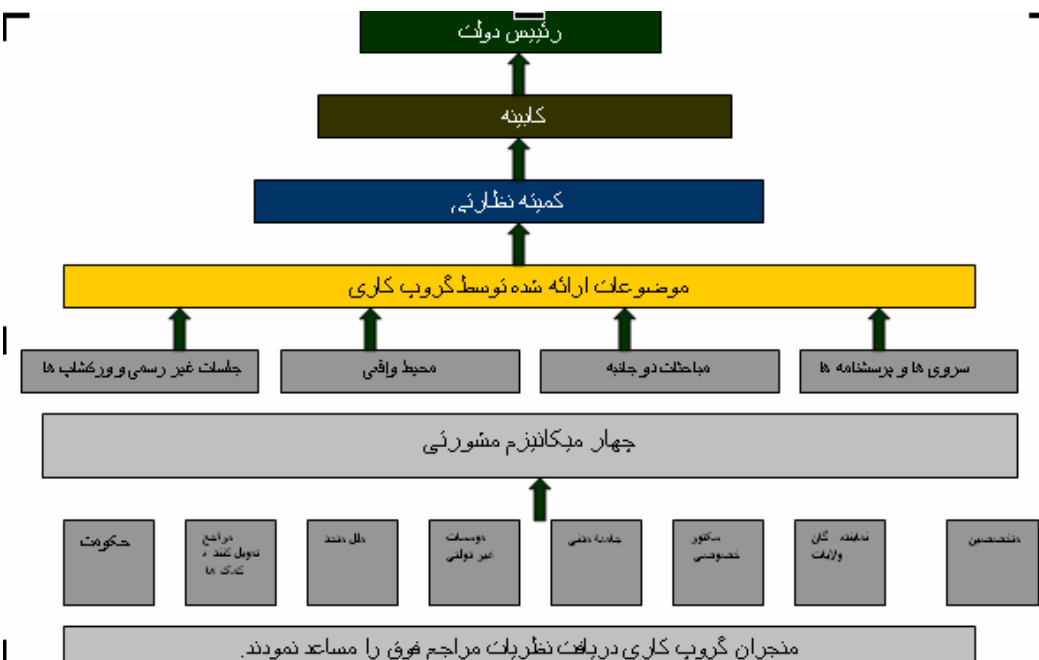
گروپ کاری بعداً نتایج عمده حاصله از برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان را ترجمه کرد و به مراجع تمویل کننده و نماینده گان جامعه مدنی و وزارت های مربوط جهت اخذ نظریات بیشتر پیشکش نمود. گروپ مشورتی خارجی ایجاد گردید تا مرجعی را برای اخذ نظریات مراجع تمویل کننده و همکاری نزدیک با گروپ کاری در تمام مراحل پروسه، تشکیل دهد. ارتباطات وسیع باهر یک از وزارت ها و ادارات دولتی زمینه را مساعد ساخت تا تفصیل دریافت های آنان مورد تدقیق و مباحثه قرار گرفته بتواند. به تاسی از نظریات حاصله، برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان مورد تجدید نظر قرار گرفت و سپس ترجمه و برای انتشار، آماده شد. این مسوده، اساسی را برای مشورت های بیشتر در داخل حکومت و با جوامع و گروه های وسیع ذیعلاقه درمورد انکشاف افغانستان، تشکیل خواهد داد.^{۱۶} در تمام این پروسه، مشورت های غیر رسمی با برگزار ساختن جلسات دو جانبه غیر رسمی با گروپ کاری استراتیژی انکشاف ملی و کمیته

^{۱۴} در حمل ۱۳۸۳ ارکان متذکره عبارت بودند از: ۱. اداره سالم و حاکمیت قانون، ۲. همکاری منطقه پی. ۳. امنیت. ۴. اداره اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی، ۵. زیر بنا و منابع طبیعی، ۶. زراعت و انکشاف دهات، ۷. سرمایه انسانی، ۸. تحفظ اجتماعی. از آن زمان، بتاسی از مشورت ها با مراجع دولتی و جوانب ذیربط، تصمیم بعمل آمد تا تعداد ارکان را به سه رکن کاهش داده شود (به شکل ۱،۵ مراجع نمایند) که تشکیل سه رکنی، نهایی ترین شرح برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان را تشکیل میدهد.

^{۱۵} تمام معلومات ارائه شده برای ترتیب برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان در وبسایت www.ands.gov.af موجود اند.
^{۱۶} در حالیکه دریافت های متذکره نه از نظر علمی مدار اعتبار بوده میتواند و نه جامع هستند، اما برای مذاکرات در مورد نگرانی های جوامع محل و در مورد پروسه متذکره، اساسی را تشکیل میدهد.
^{۱۷} خلاصه مشورت های برنامه ریزی شده در فصل دوازدهم این مسوده موجود است.

نظارت، و مشورت ها از طریق وب سایت مربوط، www.and.s.org.af صورت گرفت. پروسه مشورتی ذیلأ به صورت گرافیک دیده شده میتواند.

شکل ۱،۲: پروسه مشورتی در مورد برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان



۱،۶ چارچوب سیاست و ساختار برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان

این بخش فشرده چگونه گی ساختار برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و فشرده محتویات هر بخش سند یادشده را روشن میسازد.

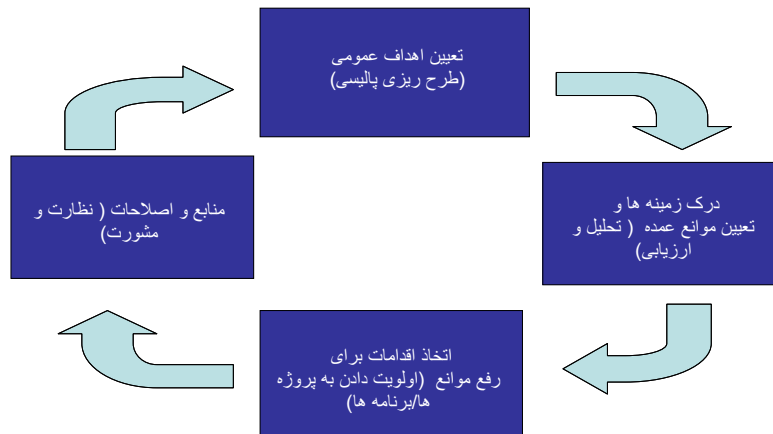
۱،۶،۱ چارچوب تنظیم کننده تصامیم برای برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان

تصامیم کلیدی در برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان با نظر داشت چهار پرسش تنظیم گردیده است که ذیلأ در شکل ۱،۳ نشان داده شده است:

۱. **هدف چیست؟** این سوال سیاست پردازی حکومت را رهنمایی مینماید.
۲. **موضوعات ضمنی و موانعی که باید دانسته شوند و برای تحقق هدف حل گردند، کدام ها هستند؟** این سوال تحلیل های ما را رهنمایی میکند.
۳. **کدام استراتیژی ها را باید ما برای حل مشکلات یادشده طرح نماییم؟** این سوال روشن میسازد که کدام ترکیب برنامه ها برای حل مشکلات بیشتر مؤثر اند.

۴. چگونه باید استراتژی های مطروحه را تمویل، نظارت و هماهنگ نمائیم؟ این پرسش جاگزین ساختن استراتژی ما را در میکانیزم های هماهنگی بودجه یی، نظارت و ارزیابی، رهنمایی میکند.

شکل شماره ۱,۳: چارچوب تنظیم تصامیم کلیدی



با استفاده از عین چارچوب تنظیم کننده در تمام سند، ما می خواهیم تا قابلیت تطابق تصامیم و درک بیشتر نحوه اتخاذ تصامیم متذکره را تأمین نمائیم. استفاده از چارچوب متحد الشکل و تکراری امور ترجمه و استفاده تطبیق کننده گان و سایر مراجع ذیربط را آسان خواهد نمود. همچنان از آنجائیکه نحوه تعیین سیاست ها، پروژه ها و تخصیص منابع سهلتر خواهد بود، بناءً مشورت های آینده را آسانتر و پر معنی تر خواهد ساخت. به پیروی از همین چارچوب تنظیم کننده، جلد اول برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان به چهار بخش تنظیم میگردد:

۱. بخش اول (فصل اول) که دیدگاه عمومی، هدف و چارچوب پالیسی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان را در بر دارد؛
۲. بخش دوم (فصل دوم الی چهارم) که تحلیل اوضاع ضمنی و موانع است؛
۳. بخش سوم (فصل پنجم الی هشتم) که فشرده استراتژی های کلیدی به منظور رفع موانع و تحقق اهداف پالیسی را در بر دارد و نیز برنامه ها و پروژه های مشخص که دولت آنها را در اولویت قرار میدهد، در آن درج است؛
۴. بخش چهارم (فصل نهم الی دوازدهم) دربر گیرنده اداره امور مالی عامه، نظارت، هماهنگی، و میکانیزم های مشورتی است و از طریق آن، برنامه ها و پروژه ها تطبیق و تصامیم مربوط به سیاست ها تصحیح میگردد.

در حالیکه بخش سوم جلد اول اولویت های کامل انکشافی دولت را مشخص میسازد، درین مرحله استراتژی ها را در رکن ها، سکتور ها و برنامه ها ترتیب ننموده و اولویت نمیبخشد. زمانی که معیار ها و استراتژی ها در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان در (۵/۱۳۸۴) کاملاً برآورد شود، اولویت و ترتیب این

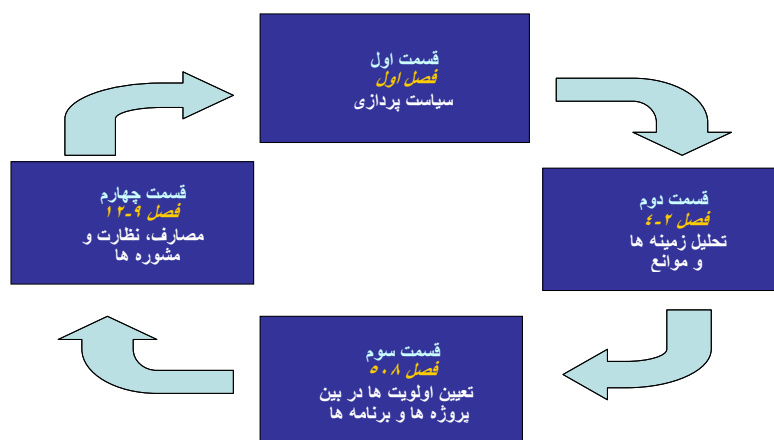
استراتژی ها روشن خواهند شد و سرانجام در برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان منعکس خواهند گردید.

برخلاف جلد اول برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، جلد دوم تاهنوز شکل سیاست دولت را به خود نگرفته است. بل در نظر است تا اساس محکمی را برای پروسه مشوره های برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان در ۱۳۸۵ ایجاد نماید. درین عرصه، برنامه های موجود و پیشنهاد شده دولت و یک جدول سیاست های مشرح به شمول مسوده شاخص ها در برابر سنجش هر برنامه پیشنهاد شده است؛ چنان که برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی را با جزئیات تمام ارائه میدارد. برنامه ها نتایج مشوره ها را خلاصه نموده، شاخص ها آن را به وزارتخانه های ذیربط، تمویل کننده گان و مراجع مربوطه دیگر که به حیث بخشی از روند انکشاف برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان تنظیم شده است، منعکس میسازد. این استراتژی ها، خلاصه ها، و شاخص ها به حیث بخشی از روند مشوره با وزارتخانه های مربوط و دیگر مراجع ذیربط در سال آینده بررسی و تجدید خواهند شد.

در جلد سوم، برنامه های ستراتیژیک وزارت های مربوط، کمیسیون ها و سایر نهاد های حکومتی درج شده است. خلاصه سکتوری مندرج در فصول هفتم و هشتم و خلاصه برنامه یی مندرج در جلد دوم بر برنامه های ستراتیژیکی بنا نهاده شده اند که در روند مشورت، برای استراتژی موقت متذکره، ارائه گردیده است.

بخش اول این سند به گرافیک ذیل در شکل ۱،۴ ارائه میگردد:

شکل شماره ۱،۴ : ساختار برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان



بخش اول: (روند تشکیل سیاست ها) در **فصل اول** مورد بحث قرار گرفته است که فشرده چارچوب سیاست های برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان در آن درج و نگرشی بر وضعیت افغانستان را تا سال ۱۴۰۰ هجری خورشیدی در بر دارد. فصل اول که محتوای اداره، عرصه های اقتصادی، اجتماعی و امنیتی

میباشد، آجندای پالیسی انکشاف عالی و واقع‌بینانه را که بر اساس آن استراتیژی ملی انکشافی تطبیق خواهد گردید، ارائه مینماید.

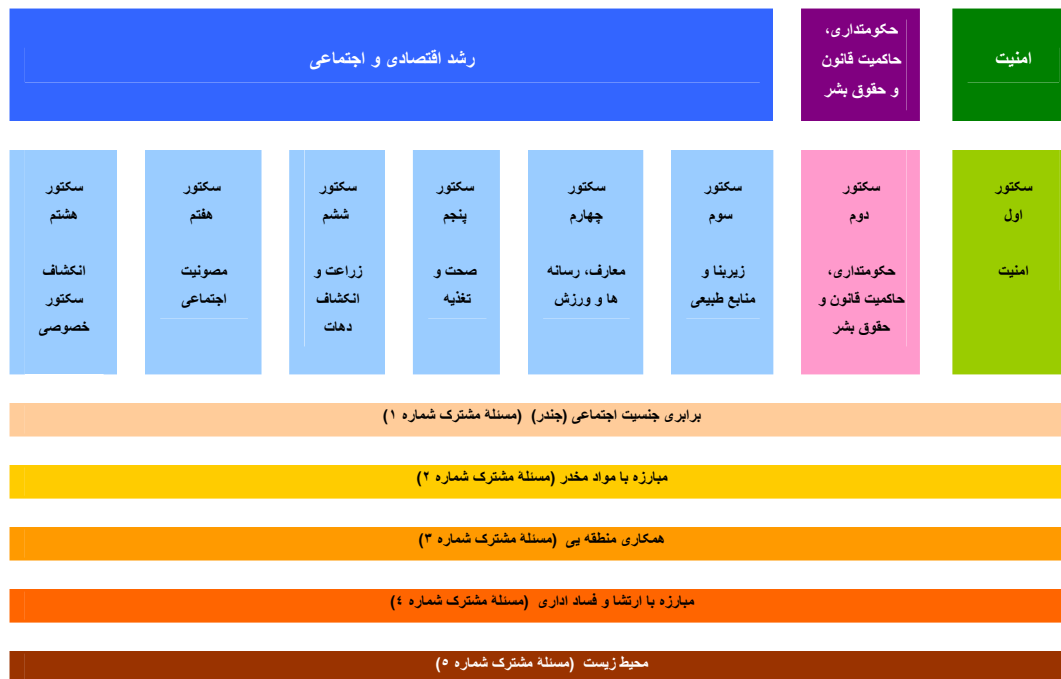
بخش دوم: (تحلیل شرایط و موانع) در **فصل دوم** آغاز می‌یابد. سروی ویرانی‌های گذشته که سبب ضعف حاکمیت و حقانیت دولت از یکسو و مانع انکشاف مراقبت بر سکتور رسمی اقتصادی از سوی دیگر گردید، در این فصل انجام شده است. بعداً در فصل یادشده، مروری بر پیشرفت‌های حاصله از آغاز کار اداره موقت تا کنون، صورت گرفته است.

فصل سوم: تحلیلی بر محیط اقتصاد عظیم و طرح مشخصات فقر در افغانستان در این فصل صورت گرفته است. **فصل چهارم:** موانع کلیدی عدم تحقق نظر ما در مورد عرصه اقتصادی و اجتماعی و نیز مشکلات سیاسی و امنیتی را مورد توجه قرار میدهد. به صورت مجموعی، فصل دوم و چهارم ترتیب اهداف پالیسی ما را در خلال ۵ سال آینده توضیح خواهد کرد.

بخش سوم: (استراتیژی‌ها) در **فصل ۵** آغاز میگردد که اصول استراتیژیک مبنی بر تعیین اولویت‌ها و ترتیب تسلسل برنامه‌ها و پروژه‌ها را با هم ربط میدهد. با اقدام اخیر، این قسمت بر نقش‌های کلیدی معیارهای رشد امعان نظر مینماید که در اتخاذ تصمیم در مورد انتخاب استراتیژی رقابتی سکتوری، تخصیص منابع، و برنامه‌ها ما را رهنمایی خواهد کرد. (جدول ارقام مربوط به چارچوب پالیسی که رهنمای ما در تعیین پالیسی‌های اقتصادی در خلال ۵ سال آینده خواهد شد، در ضمیمه شماره ۱ گنجانیده شده است.)

فصول ششم، هفتم و هشتم استراتیژی‌های ما را تحت سه رکن، هشت سکتور و پنج موضوع فراگیر و عمومی طبق شکل ۱،۵ در ذیل به صورت خلاصه توضیح مینماید:

شکل ۱، ۵: چارچوب برنامه یی برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان



چارچوب تنظیم کننده فوق شیوه های برنامه یی فعلی را ساده تر میسازد. حکومت از این ساختار به منظور تحقق موارد ذیل استفاده خواهد نمود:

۱. تسهیل موافقه بر تعیین معیار ها در مورد پیشرفت که به وسیلهء حکومت نظارت و توسط مراجع مختلف مربوط، تصدیق خواهد شد؛
۲. تعیین شاخص های سالانه و معیار های عملیاتی برای برنامه های مشتمل در این ساختار؛
۳. تعیین ترکیب مصارف؛
۴. ترتیب چارچوب مشورتی برای وزارت های مربوط، مراجع تمویل کننده، تطبیق کننده گان غیر دولتی و دیگر مراجع ذیربط کلیدی در خصوص تنظیم کمک ها.

فصل ششم: اهداف کلی پالیسی، معیار های قابل سنجش در پیشرفت، مسائل اساسی مربوط به وضعیت فعلی و موانع، و برنامه های کلیدی برای موضوع مشترک را خلاصه میسازد. فصل هفتم با رکن اول در عرصه های حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر، عین کار را انجام میدهد. رکن دوم موضوع امنیت را در بر دارد. فصل هشتم رکن سوم، انکشاف اقتصادی و اجتماعی را خلاصه میکند. هر برنامه با تمام جزئیات آن و با شاخص های تعیین شده در جلد دوم برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی تشریح گردیده است.

بخش چهارم: سند با **فصل نهم** آغاز میگردد که فشرده چارچوب ملی بودجه یی کشور در آن ذکر گردیده است. از طریق این چارچوب، برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان با میکانیزم های برنامه ریزی مالی افغانستان ادغام شد تا ثبات و استقلال مالی تأمین گردد. برای موفقیت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان

لازم است تا چارچوب تخصیص تمام منابع برای رشد اقتصادی و اجتماعی مشمول آن گردد. اقدام اخیر بدین معنی نیست که مراجع تمویل کننده باید تمام کمک های خود را از طریق دولت انجام دهند، بلکه در مطابقت با اعلامیه پاریس^{۱۷} باید تضمین نمایند که سهمگیری های آنان مطابق به استراتژی انکشاف ملی ما خواهد بود.

فصل دهم: اصول مؤثریت کمک ها را مورد بررسی قرار میدهد و در این راستا، حکومت تلاش خواهد نمود تا در همکاری نزدیک با جوامع بین المللی، کار نماید. با بازتاب دادن روحیه اعلامیه پاریس، حکومت تلاش خواهد کرد تا مطمئن گردد که کمک ها به صورت فزاینده رهبری حکومت را حمایت و ظرفیت آن را افزایش میدهد.

فصل یازدهم: نحوه نظارت شفاف، هماهنگی، ترتیب و تجدید نظر بر سیاست ها و برنامه های دولت را در استراتژی انکشاف ملی افغانستان از طریق روند مشورتی مندرج در **فصل دوازدهم** بصورت فشرده توضیح میکند. دولت معتقد است که نه تنها اصلاحات مهم اند بل اختیار داشتن برای اصلاحات و مشوره ها میان طرف های ذیربط دارای اهمیت معادل یا بیشتر است. در این راستا، ما تدابیر مشورتی را برای تقویت گفت و گو در مورد سیاست های عامه میان مراجع ملی و بین المللی بشمول حکومت، وزارت ها، شورای ملی، ادارات ولایتی و ولسوالی ها و نیز مراجع تمویل کننده، جامعه مدنی، و مراجع تطبیق کننده مانند قرار دادیها، سازمان های غیر دولتی و سکتور خصوصی به راه انداخته ایم. با نظرداشت مشورت های یاد شده، دولت توقع دارد تا استراتژی انکشاف ملی افغانستان را در ۱۳۸۶ تکمیل نماید.^{۱۸}

^{۱۷} مجمع عالی (در پاریس)، اعلامیه پاریس در مورد مؤثریت، مالکیت، هماهنگی، انسجام، نتایج و حسابداری متقابل برای کمک ها (۲۰۰۵ میلادی)
^{۱۸} استراتژی انکشاف ملی افغانستان تقاضاهای سند استراتژی فقر زدایی را برای دریافت قرضه های بانک جهانی بر آورده خواهد ساخت.

انکشاف افغانستان: تاریخ نوین و

پیشرفت



۱،۲ افغانستان دولت کنونی را در سال ۱۳۸۰ (دسمبر ۲۰۰۱ م) به ارث گرفت

تاریخ اخیر افغانستان بالای مسیر انکشافی پر خم و پیچ فعلی عمیقاً اثر داشته است. به منظور درک اندازه چالشهای انکشافی فراراه کشور و طرح یک استراتژی مناسب به منظور غلبه بر این مشکلات، مهم است تا برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان جایگاه خویش را در وضعیت تاریخی کشور تعیین نماید. حکومتی که در سال ۱۳۸۰ (دسمبر ۲۰۰۱ م) توسط اداره موقت به ارث گرفته شد، بوسیله سالها جنگ، بیعدالتی و ورشکستگی منابع از هم متلاشی شده، قادر نبود نیازمندیهای مردم افغانستان را برآورده سازد. به عنوان میراث حاکمیت کمونیستی، بسیاری از افغانها از دولت توقع انجام وظایفی را می بردند که دولت اصلاً قادر به انجام آنها نبود و یا هم کارکرد خیلی ضعیف داشت. گرچه مجاهدین و نیروهای مقاومت به منظور دفاع از عقیده، سرزمین و عزت شان قربانیهای زیادی دادند و متجاوزین را از کشورشان خارج ساختند، ولی به منظور بازسازی کشور شان نتوانستند متحد شوند. نفوذ خارجی روزافزون، منازعه داخلی و حاکمیت طالبان، افغانستان را به یکی از فقیرترین کشورها مبدل ساخت.

در جریان این سالها، در نتیجه عدم شفافیت حسابداری و عدم ارائه خدمات اساسی، ارتباط دولت با مردم قطع گردید. دولت در اصل خیلی مرکزی شد؛ مگر در حقیقت غیرفعال بود و یا تحت کنترل مقامات مختلف قرار داشت. برای سالها، کارمندان حکومتی ملوث به فساد، معاشات کافی، و آموزش های لازم را برای مقابله با مشکلات جدید دریافت نکردند و فاقد رهبری و تجهیزات برای انجام وظایف شان بودند. دولت رهبری یک اقتصاد تبه کار و جامعه یی را بدوش داشت که توسط گروه های مسلح به کلی ویران شده بود.

این چالشها پیامدهای تاریخ پر آشوب افغانستان، به شمول مداخله روزافزون کشورهای خارجی و گروه های هراس افکن بوده است. شرح مختصر این که افغانستان چگونه به این بدبختی دچار شد، نه تنها اساسی را برای تحلیل

استراتژی آینده گذاری میکند، بل، همچنان نشان خواهد داد که این حالت، حالت طبیعی و یا دایمی این کشور نبوده است و نتیجه یک رشته بدبختیهای مشخص میباشد.

از سالهای ۱۳۳۰ به بعد، دولت به سرعت بسط یافت. دولت افغانستان نیرو های بزرگ اردو و پولیس را تشکیل نمود، تعلیم و تربیه را گسترش بخشید و زیربناهایی را چون سرک ها، پل ها، بند های آب و برق اعمار نمود. سکتور زراعت و مالداري سالم نصف توليدات ناخالص داخلی کشور را تشکیل میداد. افغانستان محصولات زراعتی و همچنان دیگر محصولات با دوام ارزشمند تر مانند قره قل، کشمش و پنبه را صادر مینمود. در سالهای عادی حد اوسط نیروی کالوری گرچه با فقر غیر مفرط مشابه به هند و پاکستان بود. مصرف پروتین در افغانستان اندکی نسبت به همسایه هایی آسیای جنوبی کشور بلند تر بود که یک مقدار زیادی پروتین از گوشت و لبنیات حیوانات اهلی بدست میآمد.

دولت یک تعداد صنایع دولتی را در بخش هایی چون انرژی (گازطبیعی)، سمنت، نساجی، حمل و نقل و مخابرات ایجاد نمود. این چنین ابتکارات در زمینه ایجاد تصدی های کوچک و متوسط تولید محصولات، به خصوص در داخل و اطراف شهرها ممد واقع شد. مناطق روستایی که استفاده از تکنالوژی انقلاب سبز گندم در سالهای ۱۳۴۰ و اوایل ۱۳۵۰ را آغاز نموده بودند، ازین روند منابع انکشاف متعددی را نصیب گردیدند.

افغانستان در سالهای ۱۳۴۰ (۱۹۶۰م) و اوایل ۱۳۵۰ (۱۹۷۰م) شدیداً روی کمک های خارجی اتکا داشت. عواید داخلی بیشتر به عواید گمرکی، تجارت بین المللی و فروش گاز طبیعی بسته گی داشت. باوجود انکشاف حجم دولت و مقیاس فعالیت های آن، مصارف دولتی هرگز از ۱۰-۱۱ فیصد توليدات ناخالص داخلی تجاوز نمیکرد. عواید داخلی به شمول فروش گاز طبیعی، با کسری که توسط کمک ها پر میشد، به ۷ فیصد توليدات ناخالص داخلی بالغ میگردد.

دولت در امر فراهم آوری تسهیلات آموزشی برای اطفال افغان، خاصاً در مناطق روستایی فاقد منابع بود. حتی بعد از انکشاف سریع نظام آموزشی از اواسط ۱۳۳۰، الی سال ۱۳۵۷ صرف ۳۷ فیصد پسران و ۸ فیصد دختران سنین مکتب در مکاتب ابتدایی شمولیت حاصل نمودند. مشابه به این، خدمات صحتی از اواسط ۱۳۳۰ الی اواخر ۱۳۵۰ بیشترین در مناطق شهری و نیمه شهری انکشاف یافت، اما حد اوسط عمر هنوز هم پایین و مرگ و میر نوزادان، اطفال و مادران بلند بود.

۲,۲ زوال سیاسی و اقتصادی: از انقلاب ثور ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ (دسمبر ۲۰۰۱م)

کودتای کمونیستی (انقلاب ثور) در ۱۳۵۷ و تهاجم شوروی در جدی ۱۳۵۸ منجر به یک دوره شکنجه فراگیر، جنگ و تباهی گردید که تا اخراج قوای شوروی در دلو ۱۳۶۷ ادامه یافت. رژیم کمونیستی که توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت میگردد سعی داشت تا از طریق معرفی افکار خارجی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شیوه زنده گی افغانها را تغییر دهند؛ اما مردم افغانستان از آن جایی که همیشه در مقابل تهاجم بیگانه گان ایستاده گی مینمایند، مقاومت نمودند.

فروپاشی رژیم کمونیستی در سال ۱۳۷۱ منجر به یک دوره بی‌نظمی داخلی گردید که تا بعد از تصرف کابل توسط طالبان در ۱۳۷۵ نیز ادامه یافت. تحت رژیم طالبان، هراس افغانان پایگاه‌های شان را در افغانستان تقویت بخشیدند و بتاريخ ۲۰ سنبله بالای ایالات متحده امریکا حمله نمودند که منجر به از بین رفتن پایگاه‌های شان در افغانستان و سرنگونی حکومت طالبان گردید.

جنگ‌های پیهم، بیشتر از یک ملیون افغان را - که بیشتر شان را افراد ملکی، معیوب و یتیم تشکیل میداد - از بین برد و باعث از بین رفتن بسیاری از سرپرست‌های خانواده‌ها گردید یک سوم نفوس را به مهاجرت واداشت؛ دهکده و روستاهایی را که در آنها بیشترین نفوس کشور زیست داشتند، ویران نمود و تعداد زیادی از قشر تحصیل‌یافته کشور را مجبور به هجرت ساخت. بسیاری از زمین‌های زراعتی و چراگاه‌ها مابین گذاری شدند به حالت غیر قابل استفاده درآمدند. سیستم‌های ضعیف برای تنظیم نمودن تجهیزات کمیاب آب، در کشور از بین رفتند. در جریان تهاجم و مداخله خارجی، بسیاری از سرکها، پل‌ها و پلچکها که این کشور محاط به خشکه اعمار نموده بود، تخریب گردید. سرکها و پلهای محدودی که باقی مانده بودند مراقبت نگردیدند. افغانها غالباً فاقد توانایی بودند تا از مکاتب و کلینیک‌هایی که وضعیت ویران شده‌ی را اختیار کرده بودند و برای اهداف معین غیر قابل استفاده گردیده بود، مستفید گردند. در جریان جنگ، مکاتب و شفاخانه‌ها یا به آتش کشیده شدند و یا هم به پایگاه‌های نظامی مبدل گردیدند. یک یا بیش از یک نسل فرصت آموزش را از دست دادند. خانواده‌ها به سرپرستی مردان که آموزش تدریجی و اشتغال زنان را پشتیبانی مینمودند، یکبار دیگر آنان را به خاطر مصونیت‌شان در برابر خطرات احتمالی محبوس نمودند. این همه منجر به ایجاد سدی در راه پیشرفت عادی زنان افغان گردید.

شمار زیادی از چالش‌های امروز مستقیماً به آن زمان پیوند دارد.

در نتیجه، افغانستان ظرفیت دولت‌سازی را از دست داده و ما تعداد زیادی از چالش‌های امروزی را مستقیماً به زمان هائیکه ذیل شرح گردیده اند، دنبال کرده می‌توانیم:

انهدام مشروعیت و ظرفیت دولت - سلسله کودتاها، تلاش برای تحول اجتماعی از طریق اجبار و خشونت با تکیه بر آیدئولوژی بیگانه و تصرف اداره توسط فرماندهان مسلح مشروعیت دولت را تقریباً بطور کلی از بین برد. در جریان حاکمیت رژیم کمونیستی، استخدام و ارتقا در خدمات دولتی، همچنان شمولیت در موسسات تحصیلات عالی، وسیعاً بستگی به عضویت در احزاب و گروه‌های فرعی حزب حاکم و وفاداری به آنها داشت که این کار باعث متضرر شدن استخدام براساس شایسته‌گی را که قبلاً وجود داشت زیان مند ساخت. بهمین گونه در جریان سالهای حکومت مجاهدین ۱۳۷۱-۱۳۷۵، هر منطقه و وزارتخانه توسط یک حزب جداگانه اداره میشد که موقف‌ها و منابع را در اختیار حامیان خویش میگذاشتند. درحکومت طالبان، صرف روحانیون جنبش حاکم می‌توانستند پست‌های رهبری را اشغال نمایند. یک تعداد کارمندان ماهر و ورزیده در جریان همه این تغییرات در دولت باقی ماندند، اما تصامیم در مورد کارمندان براساس مهارت‌های تکنیکی و بر مبنای تخصص مسلکی استوار نبودند.

حکومت به حیث یک افزار از تدارک حد اقل خدمات برای مردم بازماند. گرچه کارمندان وفادار دولتی میکوشیدند تا وظایف محوله شانرا انجام دهند، اما دولت یا یک افزار ایجاد وحشت بود و یا به سادگی از هم میپاشید. دولت ظرفیت جمع آوری حتی معلومات اساسی را در مورد جامعه بی که تصور حکمروایی بر آنرا مینمود، از دست داد. شیوع جنگ در ۱۳۷۶-۱۳۷۷ نخستین مساعی دولت را در امر راه اندازی اولین سر شماری متوقف ساخت و این روند نا تمام باقی ماند. دهه ها جنگ باعث بی ثباتی مزمن سیاسی، متلاشی شدن جامعه، نظامی سازی زندگی مردم، و رقابت ها بین نهاد های نیرومند در سراسر کشور گردید. ناکامی مکرر دولت های متعدد باعث ظهور ساختارهای اداره غیررسمی و تسلط زندگی سیاسی توسط شبکه های غیرثابت اما بهم پیوسته جنایی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی گردید.

حکومتداری ضعیف، نبود حاکمیت قانون و تخطی از حقوق بشر: طوریکه رژیم کمونیستی تلاش مینمود تا از اردو به منظور تحمیل اجباری برنامه خود استفاده بعمل آورد، گارنیزون بزرگ نظامی بطور پیهم در مقابل رژیم وقت سرکشی آغاز نمود. تعداد زیادی از افسران دستگیر شدند و یا به قتل رسیدند؛ یک تعداد زیاد به خارج از کشور فرار نمودند و یاهم به نیرو های مقاومت علیه رژیم کمونیستی پیوستند. تعداد زیادی از افسران بلند پایه بی که نجات یافتند، نیز به کشور های پیشرفته فرار نمودند. رژیم و حامیان آن سعی ورزیدند تا اردو را احیاء نمایند، اما اردو در سال ۱۳۷۱ کاملاً مضمحل شد و به خطوط قومی، منطقه بی و حزبی تقسیم گردید.

در نتیجه نهضت مقاومت مردم افغانستان، نیروهای کمونیستی که توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت میگردیدند نمی توانستند اداره ولایات را رهبری نمایند؛ زیرا دولت بیش از آن نمیتوانست ارتباط خویشرا با مراکز ولایتی تامین نماید. سقوط سیستم اداری باعث ایجاد یک خلاء شد که توسط گروه های مسلح گونه گون پرگردید. این گروه ها مشتمل بودند بر جنگجویان تنظیمی مقاومت که توسط کشورهای خارجی تسلیح گردیده بودند، همچنان گروه های فرصت طلب و جنایتکار. به ویژه بعد از عزیمت نیروی های شوروی، از آن جا که رژیم کمونیستی نم توانست اردوی بزرگی داشته باشد که بقای آن رژیم را تضمین کند، از این رو به پرداخت پول به ملیشه ها آغاز نمود تا در جانبداری از رژیم بجنگند.

به منظور مبارزه با مجاهدین و نظارت مناطق شهری، رژیم کمونیست تأسیسات موجود قوای پولیس و ادارات استخباراتی را وسعت داد. همچنان محاکم جداگانه انقلابی و امنیتی به وجود آورد و تعداد زیادی از گروه های ملیشه و مسلح را سازمان دهی کرد. به عوض فراهم نمودن امنیت برای مردم، این ادارت با خط مشی مشابه ارباب و تخویف را گسترش دادند. دولت های بعدی این نهاد ها را حفظ نمودند و از ایشان برای مقاصد شخصی خویش، اغلب با به کار گماشتن کارمندان مشابه، استفاده نمودند. طالبان نیز نیروی جداگانه پولیس را ایجاد نمودند تا تفسیر خود شان را از قوانین مذهبی تحمیل نمایند.

توسعه اقتصاد غیر قانونی - در جریان دهه شصت بسیاری از همسایه های افغانستان مساعی موفقانه بی را در امر محو کشت غیرقانونی کوکنار تعهد نمودند. سقوط دولت افغانستان زمینه جستجوی منابع جدید را برای

قاچاقچیان مواد مخدر فراهم نمود. زمانیکه کمک های خارجی برای گروپ های مسلح بدنبال خروج قوای شوروی کاهش یافت، جنگسالاران و ملیشه هایی که با خارج روابط داشتند در جستجوی مدارک مالی شدند و اقتصاد متکی بر مواد مخدر را سودمند یافتند. دهقانانی که با تخریب زیربنای زراعتی، عدم دسترسی به بازار ها، سقوط بازار ها، کزیدیت و انکشاف زراعت، تورم بلند پولی، افزایش در قرضه و نقصان بیش از حد و سریع معیشت خانوادگی مواجه بودند، ناگزیر شدند تا به کشت کوکنار روی آوردند. همینکه اقتصاد کوکنار توسعه یافت، دهقانان بطور فزاینده قادر نبودند تا انتخاب استراتژی های محصولاتی خویشرا داشته باشند. قرضه هایی که برای محصولات زراعتی و مصارف خانوادگی اخذ شده بود، اغلب باید به وسیله تریاک پرداخته میشد که اینکار دهقانان را با یکنوع اسارت قرضه تریاک مواجه ساخت. در جریان دهه هفتاد، افغانستان از جمله فراهم کنندگان پیشتاز مخدرات در جهان محسوب میشد. در پایان همین دهه، قسمتی از محصول که در افغانستان به مورفین و هیرویین مبدل میگردد، نیز افزایش یافت. افغانستان از لحاظ اقتصادی بیش از حد، وابسته به عواید حاصله از مواد مخدر گردید.

اقتصاد متکی بر مواد مخدر اساس اقتصاد غیر قانونی را ایجاد نمود نه تمام آنرا. جنگجویان و قاچاقچیان از طریق مواد مخدر به ثروت های هنگفتی دست یافتند که از مدرک آن اردو های شخصی را ایجاد نمودند، زمین ها را اشغال کردند و در سایر انواع قاچاق سرمایه گذاری نمودند. اینان به طور آشکار، جنگلات را به منظور فروش غیر قانونی چوب قطع نمودند، لاجورد را به بازار های جهانی قاچاق نمودند، نفت را از ایران قاچاق کردند، محصول گمرکی را بر امتعه گرانها مانند مواد سوخت وضع نمودند، پیمانهای عبوری را که افغانستان با ممالک همجوار عقد نموده بود به منظور قاچاق اموال بدون مالیات از مرز ها، مورد تخطی قرار دادند، و حتی دست به قاچاق انسان ها به ویژه زنان و اطفال زدند.

انهدام سرمایه بشری : زمانی که رژیم کمونیستی از سوی اتحاد جماهیر شوروی سابق حمایت میگردد، با کودتای ۱۳۵۷ به قدرت رسید، نخستین اقدام این رژیم بازداشت جمعی، شکنجه و همچنان اعدام آن عده افرادی بود که به حیث یک تهدید در برابر قوانین و اصول شان ظاهر میشدند. این گروه قربانیان شامل تعداد زیادی از تحصیل یافته ترین و ماهرترین افراد کشور و سکتور خصوصی بودند. آنانی که از توقیف جان به سلامت بردند بیشتر از کشور فرار نمودند. تعداد زیادی از افراد تحصیل یافته در ممالک پیشرفته جاگزین شدند در نتیجه، برای مدت دو دهه از وقایعی که در افغانستان رخ می دادند، دور ماندند و بسیاری شان قدرت به کار انداختن و رشد مهارت های مسلکی خویشرا از دست دادند. رژیم های بعدی همانا اذیت و تعقیب گروه های رقیب شانرا ادامه دادند. فرار افراد تحصیل یافته از وطن در سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۵ و متعاقباً در دوره حاکمیت طالبان ادامه یافت.

رژیم های بعدی، رهبران احزاب و روحانیون فاقد دانش را در تاسیسات آموزشی توظیف نمودند. نظام آموزشی که افغانهای جوان در داخل و خارج از کشور با آن مواجه شدند در جریان این مدت به حیث هدف سیاسی-ایدیولوژیکی مورد کاربرد قرار گرفت و ظرفیت ها و دانشی را که نیازمندی به آن احساس میگردد، رشد نداد.

تخریب زیربنا : تکتیک های جنگی و ضد شورش و نیز کاربرد اصول زمین ساخته توسط رژیم کمونیستی، گروه های متهاجم خارجی و تروریست ها مناطق روستایی و کشاورزی را شدیداً متضرر ساخت. رژیم کمونیستی، قشون متهاجم خارجی و سایر گروه های نظامی سیستم های آبیاری را ماین گذاری نموده، آنها را منفجر ساختند و مردم در امر احیای آنها قادر نبودند. نیرو های متجاوز خارجی، ادارات استخباراتی و ملیشه ها سرک ها و پل ها را منفجر ساختند، سیستم برق و کیبل های انتقال آن را تخریب نمودند و ستیشن های برق فاقد حفظ و مراقبت شدند. بعد از بیرون شدن قوای شوروی، چاه های گاز در شمال افغانستان مسدود و وسایل تخریکی آن به غارت برده شدند. تولید مواد غذایی به نصف کاهش یافت. تقریباً یک سوم نفوس- بیشتر روستاییان -به کشور های همجوار مهاجرت نمودند و این در حالی بود که کابل و بعضی از شهر های دیگر شاهد هجومی از ملیون ها بیجاشده داخلی بودند.

فروپاشی مداوم اقتصاد - رژیم کمونیست، به کمک روسیه، نقش دولت را در اقتصاد، توسعه بخشید و دولت را در امر ایفای نقش جدید سازماندهی مجدد نمود. به منظور جانشین ساختن نخبه گان ماهر ی که محبوس، مقتول ویا مجبور به ترک وطن شده بودند، رژیم کمونیست و حامیان خارجی شان نسل جوانی از تکنوکرات ها را با شیوه تفکر و طرز حکومتداری شوروی به شمول تعهد در امر توسعه نقش دولت در اقتصاد آموزش دادند.

بعد از حوادث ۲۰ سنبله ۱۳۸۰، افغانستان به یک قضیه ویژه برای جامعه بین المللی تبدیل گردید. پس از وقوع حادثه ۲۰ سنبله، این مسئله درک گردید که فروگذاری سیاسی و اقتصادی افغانستان جهان را تهدید می نماید. به منظور تأمین امنیت جهان، ثبات سیاسی و انکشاف اقتصادی افغانستان یک امر لازمی میباشد. حمایت جهانی از افغانستان، تنها به منظور کمک به مردم افغانستان اولویت پیدا نکرده بل، این اولویت به خاطر منابع منطقه و جهان شکل گرفت. تاریخ ما مستلزم توجه همزمان و عاجل در قسمت انکشاف اقتصادی، اصلاحات سیاسی و ثبات امنیت گردید. ما آن امکانات گسترده را نداشته ایم تا این تداخلات را در ردیف قرار میدادیم در حال حاضر نیز این امکانات وجود ندارند. طوریکه بخش بعدی این مسئله را واضح میسازد، مشارکت قوی میان دولت افغانستان و جامعه بین المللی منجر به پیشرفت های متقابل در تمام عرصه ها از سال ۱۳۸۰ بدین سو، گردیده است.

۳,۲ پیشرفت از زمان موافقتنامه بن تا حال

در سال ۱۳۸۰، افغانستان با داشتن عواید اوسط سرانه که کمتر از ۲۰۰ دالر تخمین شده بود، نه تنها یکی از فقیر ترین کشور ها در جهان محسوب میگردید، بلکه کشوری بود که تاسیسات و زیربناهای آن شدیداً متضرر شده بودند. نگرانی مبرم دولت افغانستان و جامعه بین المللی عبارت بوده است از برآورده ساختن نیازهای

بشری مردم، تأمین بازگشت مصون و اسکان مجدد مهاجرین و آغاز اصلاحات سیاسی و ایجاد تاسیسات دولتی.

امنیت: از سال ۱۳۸۰ گام‌های مهم مقدماتی در جهت بهبود امنیت و حاکمیت قانون در کشور برداشته شده است. اردوی ملی جدید ایجاد شده است؛ پولیس ملی افغانستان روند اصلاحات و آموزش مجدد را آغاز نموده است؛ تعداد زیادی از ملیشه‌هایی که در سال ۱۳۸۰ در وزارت دفاع تجمع کرده بودند، ملکی ساخته شده‌اند؛ طی برنامه آغاز جدید به تعداد ۶۲۰۰۰ جنگجوی اسبق که در وزارت دفاع روی آورده بودند، خلع سلاح و به زندگی ملکی سوق داده شدند. از آغاز برنامه خلع سلاح و ملکی‌سازی و پیوستن دوباره به جامعه در اکتوبر سال ۱۳۸۲ برای شصت هزار تن آنان؛ کمک‌هایی - از جمله، آموزش‌های حرفه‌ای - صورت گرفته است. جنگهای افزون از دو دهه باعث گردیده تا روابط قوی شخصی، وفاداری و وابستگی میان قوماندانان و افراد آنها ایجاد گردد. این گونه روابط هنگام جنگ مقاومت ضروری بود اما میتواند باعث ایجاد موانع در جهت تشکیل نیروهای امنیتی مسلکی و شایسته گردد.

در مرحله بعدی، دولت روی برنامه انحلال گروه‌های مسلح غیر قانونی توجه مبذول میدارد. به اساس تخمین ملل متحد، در حدود ۱۸۰۰ گروه مسلح غیر قانونی شامل یکصد هزارتن نیاز به ملکی شدن، خلع سلاح و پیوستن مجدد دارند. دفتر ملل متحد به این نظر است که از جمله این گروه‌ها به طور خاص یکصد گروه آن خطرناک هستند.

دولت افغانستان برنامه تحکیم صلح را به مقصد تشویق جنگجویان اسبق، آن عده طالبانی که در اعمال تروریستی و جرایم سنگین دخیل نبوده‌اند، آغاز نموده است تا آنان با اطمینان خاطر به کشور باز گردند و به جامعه بپیوندند. چندین تن از رهبران اسبق این گروه خود را در انتخابات پارلمانی کاندید نمودند. هم اکنون تعدادی از این رهبران به حیث کارمندان محلی ایفای وظیفه می نمایند.

همکاری‌های منطقه‌ای در بخش امنیت با آهنگ خوبی به پیش میرود. دولت دو کمیسیون دو جانبه مرزی را با پاکستان (به شمول امریکا) و با ایران (به شمول انگلستان) ایجاد نموده است تا با نگرانی‌های امنیتی دوجانبه مقابله نمایند. افغانستان و همسایگانش اعلامیه‌ای را در کنفرانس برلین در ۱۲ حمل ۱۳۸۳ دوباره مبارزه با مواد مخدر امضا نمودند. تحت ریاست جرمنی، افغانستان و سازمان ملل متحد یک کنفرانس به تاریخ ۲۸-۲۹ سال ۱۳۸۳ در قطر در باب همکاری‌های منطقه‌ای در عرصه پولیس برگزار گردید که همسایه‌گان افغانستان و کشور‌های تمویل کننده در آن اشتراک داشتند. یک گروه کاری متشکل از چهار جناح یعنی افغانستان، پاکستان، امریکا و انگلستان نیز ایجاد شد تا در مورد تجارت مخدرات غیر قانونی تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. در بعضی موارد کاهش امنیت به نظر میرسد که این کاهش باعث افزایش در فعالیت‌های دهشت افگانه و جنایات میگردد. حملات بر قوای ائتلاف - به خصوص در شرق و جنوب افغانستان - به شمول حملات انتحاری که در افغانستان بی سابقه میباشد و استفاده از مواد منفجره پیشرفته افزایش یافته است. سال ۱۳۸۴ برای قوای ائتلاف از سال ۱۳۸۰ بدینسو مرگبارترین سال محسوب میشود. تروریستان اکنون

کارمندان ادارات خیریه، ادارات دولتی و شهروندان افغانستان را که با دولت همکاری دارند هدف قرار میدهند. حملات تروریستان در برابر سازمان های بشری غیر حکومتی از سال گذشته کاهش یافته است و علت آن ممکن است علاقمندی تعداد محدود از این سازمان ها برای کار در مناطق روستایی و نگهداری از خویش در برابر حملات باشد.

سماجت گروه های مسلح غیر قانونی که معمولاً با تجارت مواد مخدرو سایر بخش های اقتصاد غیر قانونی بسته گی دارند زون هایی را به وجود آورده است که از مجازات در امان اند. این گروه ها که بعضاً بر مواضع محلی و مناطق همجوار خویش اعمال نفوذ می کنند، علاقه مغرضانه به عدم برقراری امنیت دارند.

اصلاحات سیاسی، اداری و قانونی : با انتخاب مجلس قانون گذار ۲۷ سنبله ۱۳۸۴ و گردهم آیی شورای ملی بتاريخ ۲۸ قوس ۱۳۸۴، دوره انتقالی چنان که توسط قانون اساسی افغانستان تعیین شده بود خاتمه یافت. با به انجام رسیدن این مرحله طرح سیاسی که در توافقتنامه بن صورت گرفته بود تکمیل گردید. دوره گذار سیاسی با ظهور فرهنگ کثرت گرا، سهمگیری زنان، سازمان های سیاسی، آزادی رسانه ها، اشتراک عامه، آزادی اندیشه و تشکیل اجتماعات همراه بوده است.^{۱۹} دولت تدریجاً قادر شده است تا تسلط خویش را در بسیاری از نقاط کشور توسعه دهد. گام های قبلی در توافقتنامه بن شامل لویه جرگه اضطراری در سال ۱۳۸۱ بود که در آن اداره انتقالی ایجاد گردید، قانون اساسی در لویه جرگه قانون اساسی در سال ۱۳۸۲ تصویب گردید و انتخابات ریاست جمهوری به تاریخ ۲۷ میزان ۱۳۸۳ برگزار شد. انتخابات شورای ملی و شوراهای ولایتی به تاریخ ۲۸ سنبله ۱۳۸۴ آخرین تعهدات افغانستان را در توافقتنامه بن به پایه اكمال رساندند.

توافقتنامه بن همچنان خواستار ایجاد یک تعداد تأسیسات دیگر گردید. که از آن جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال ۱۳۸۱ بر اساس فرمان رئیس جمهور ایجاد و نیز درج قانون اساسی شد. کمیسیون اصلاحات قضایی اصلاحات سکتور قضایی را آغاز کردند. رئیس اداره موقت بعد از افتتاح اداره اش، ستره محکمه را ایجاد نمود و طوریکه قانون اساسی هدایت میدهد، رئیس جمهور اعضای ستره محکمه جدید افغانستان را در ظرف سی روز بعد از آغاز کار ولسی جرگه، با تصویب این جرگه، تعیین خواهد کرد. د افغانستان بانک به منظور نشر پول جدید افغانی "به طریقه شفاف و جوابگو" اصلاح گردید و دولت یک کمیسیون موقت اصلاحات و خدمات ملکی را ایجاد نمود. دست آورد های برجسته یی در امر بهبود وضعیت زنان وجود داشته است. قانون اساسی برابری زنان را در برابر قانون و احضا تصریح میدارد. سهم زنان در لویه جرگه اضطراری و لویه جرگه قانون اساسی و تخصیص کرسی ها در شورای ملی تضمین گردید. بعضی زنان به حیث وزیر در هر کابینه ایفای وظیفه نمودند. زنان ۴۴ فیصد رای دهنده گان ثبت شده را برای انتخابات ریاست جمهوری تشکیل دادند.

^{۱۹} مجلس اعیان پارلمان (مشرانو جرگه) توسط شورا های ولایتی تعیین میگردد (یک ثلث دوره سه ساله)، شورا های ولسوالی (یک ثلث دوره چهار ساله) و رئیس جمهور (یک ثلث دوره پنج ساله). اگرچه انتخابات شورا های ولسوالی ها، همانند انتخابات پارلمانی و ولایتی، نا وقت نامعلوم به تعویق افتاده اند.

^{۲۷} پروژه حاکمیت قانون افغانستان، جدول چگونگی تطبیق قانون، ۹ قوس سال ۱۳۸۴

برنامه اصلاحات اداری آماده شده است تا چارچوبی را برای یک سلسله برنامه ها و پروژه هایی فراهم سازد که این برنامه ها و پروژه ها، یک جا با هم دیگر، یک محیط کاملاً قانونی، اداری و فیزیکی را که در آن کارمندان دولتی بتوانند به طور دقیق و مؤثر کار نمایند و امکان پاسخگویی آنان در امر اجرای وظایف شان موجود باشد، به وجود بیاورند. یک عنصر اساسی برنامه اصلاحات اداری برنامه اولویت اصلاحات و ساختار مجدد میباشد. این برنامه توسط فرمان رئیس جمهور در ۱۳۸۲ راه انداز گردیده تا روند اصلاحات عملکرد های بس مهم دولت را تسریع بخشد.

دولت بخش قابل ملاحظه چارچوب قانونی را بررسی و تجدید مینماید. قانون خدمات ملکی سال ۱۳۸۴ اصلاح اداره عامه را تقویت خواهد بخشید. جهت عصری ساختن سکتور عدلی و مطابقت با معیار های حد اقل بین المللی، دولت قانون جدید نوجوانان را در سال ۱۳۸۳ و قانون نظم و قضای محاکم را در (۱۳۸۴) معرفی نمود. قوانینی که به منظور بهبود سرمایه گذاری و تجارت مورد استفاده قرار میگیرند عبارت اند از قانون جدید گمرکات ۱۳۸۴، قانون سرمایه گذاری خصوصی ۱۳۸۱ و قانون بانکداری افغانستان ۱۳۸۳.

تدابیر قانونی جهت مبارزه با مواد مخدر، فساد اداری و جعل پول نیز به مرحله اجرا گذاشته شده اند. دولت یک برنامه جالب کمکهای بلاعوض سهام را از طریق برنامه همبستگی ملی در روستاها تطبیق نموده است که یک سوم دهکده های کشور را تحت پوشش قرار میدهد. اکنون دولت تفاوت عمده را در اساس اجتماع محلی به وجود آورده و نقش واضح تر و مفید را برای ساکنین روستایی ایفا مینماید.

پیشرفت اقتصادی – با وجود نتایج جنگ و خشکسالی های زیانبار و با وجود برگشت غیر مترقبه تقریباً دو میلیون مهاجر در سال ۱۳۸۰، دولت افغانستان و همکاران بین المللی آن توانستند تا از یک بحران بزرگ بشری جلوگیری نمایند. رشد اقتصاد از سال ۱۳۸۱ با افزایش کلی تولیدات واقعی ناخالص داخلی بدون از تریاک که تقریباً به ۸۵ فیصد (۲۹ فیصد در ۱۳۸۱) ۱۶ فیصد ۱۳۸۲، ۸ فیصد در ۱۳۸۳ و ۱۴ فیصد در ۱۳۸۴، بالغ میگردد بطی بوده است. چنین پیش بینی گردیده است که تولیدات واقعی ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۵، ۱۱ فیصد افزایش یابد.^{۲۰} بارنده گی های مستمر، پس از سالهای پیهم خشکسالی، امکان یک تعهد برای آجندای اصلاحات، سطح نسبتاً پائین تورم پولی و اداره پیشرفته بودجی کارها را در امر رشد توسعه بخشیده است. دولت در تامین ثبات اقتصاد کوچک به طور افزاینده یی موفق بوده، واحد پول جدید را معرفی، انفلاسیون ناشی از تجارت مواد مخدر را رفع، استقلالیت بانک مرکزی را در قانون اساسی تضمین، سیستم بانکداری خصوصی تجارتی را آغاز و یک سیستم واحد ثبت سرمایه گذاری ها را اعلام داشته است. باوجوداینهم، عوامل برجسته یی در امر توسعه، با اقتصاد غیر قانونی تریاک، هجوم پول بنابر عملیات نظامی و تمویل انکشاف غیر متداوم بستگی دارند. نرخ قوی تبادله اسعار با پشتیبانی اسعار خارجی واردات را ارزان ساخته است که این جریان نزد مصرف کنندگان عام بوده اما این کار از جانب دیگر افغانستان را در عرصه های واردات و صادرات غیر رقابتی ساخته است. افغانستان دارای صادرات قانونی محدود است. ولی واردات

صندوق بین المللی پول، برنامه نظارت کارمندان، بررسی چهارم^{۲۰}

از کشور های همسایه از سال ۱۳۸۰ بدین سو افزایش یافته است که قسماً از طریق مساعدت ها و مواد مخدر تمویل میگردد. رقم واردت از صادرات قانونی بمیزان هشت بر یک، تجاوز مینماید.

پیشرفت هایی در عرصه زیربنا نیز صورت گرفته است. پیشرفت در عرصه احیای سرک حلقوی افغانستان و سرک های وصل کننده افغانستان به کشور های همسایه بخوبی جریان دارد. سیستم های برق برای کلیه شهر های عمده نیز تحت ترمیم قرار دارند. بخش مخابرات در افغانستان نیز وسیعاً رشد مییابد و تلیفون های سیار حالا محلات عمده شهری افغانستان را با یکدیگر ارتباط میدهند. در حالیکه زیربنای روستایی در هزارها روستا در سراسر افغانستان از طریق مبلغ پول مشخص شده که از جانب وزارت احیا و انکشاف دهات برای جوامع داده میشود اعمار و احیا گردیده اند، مراکز شهری در جریان چهار سال گذشته از اعمار وسیعی مستفید شده اند.

در عرصه حکومتداری از لحاظ اقتصاد و انتظام عامه مالی از حمل سال ۱۳۸۳ بدین سو، دولت برنامه نظارت کارمندان را تحت سرپرستی صندوق بین المللی پول تطبیق نموده است. مقصد برنامه مذکور حفظ ثبات اقتصاد کوچک، استحکام مالی، پیگیری اصلاحات مهم اداری و ارتقای ظرفیت احصائیه یی میباشد. اجرائی که در سال اول این برنامه صورت گرفته قابل ملاحظه بوده، فعالیت ها بیشتر مطابق اهداف و معیار های اداری انجام پذیرفته اند. نتیجه و ثمر بخشی همواره آهنگ رشد سریع داشته است. تورم محدود باقی مانده است. رشد پول و عواید مالی در همگامی با پیش بینی های برنامه بوده اند.

در اکثر بررسی های اخیر، برنامه نظارت کارمندان، کلیه معیارها به استثنای یکی از آنها تطبیق شدند. برنامه نظارت کارمندان تاکید ورزید که این اجرائت، نشانه خوبی برای دوره دراز مدت اقتصاد محسوب میگردد. باوجوداین هم، گزارش^{۲۱} برنامه نظارت کارمندان چالش های ذیل را در اقتصاد برجسته ساخت: (۱) اقتصاد فراگیروابسته به مخدرات، (۲) یک ماحول ضعیف اما توانایی بخش برای توسعه سکتور خصوصی، (۳) زیربنای ضعیف، (۴) فشار های مشخص مالی، (۵) سطح بلند فقر، (۶) یک سکتور مالی با رشد عقب مانده، و (۷) ظرفیت پایین اداری با نگرانی های حکومتداری.

روند تهیه و اجرای بودجه عمدتاً با معرفی بودجه اصلی در ۱۳۸۳ که بودجه عادی و بودجه انکشافی را توحید نمود، به گونه درخشانی بهبود یافته است. عواید داخلی در سال ۱۳۸۱ از ۱۳۲ میلیون دالر امریکایی به ۲۰۷ میلیون دالر امریکایی در سال ۱۳۸۲ افزایش یافت. سپس به ۲۶۹ میلیون دالر امریکایی در سال ۱۳۸۳ افزونی پذیرفت. این مبلغ در حال حاضر معادل ۴،۵ فیصد تولیدات ناخالص داخلی غیر قانونی است که در مقایسه با سایر کشور ها که ارقام برای آنها موجود است، کمتر میباشد.

^{۲۱} صندوق بین المللی پول، جمهوری اسلامی افغانستان، بررسی چهارم تحت برنامه نظارت کارمندان، بیانیه اختتامیه ماموریت صندوق بین المللی پول (۱۸ می ۲۰۰۵).

از سال ۱۳۸۲ در توافق با والیان ولایات مرزی، دولت به طور فزاینده‌ی مراقبت بر قلمرو های گمرکی را به دست آورده است. دولت همچنان نظام تعرفه ها را با از بین بردن عواید گمرکی صادرات، معرفی نمودن یک نرخ ثابت تبادل اسعار، پائین نمودن شمارانواع تعرفه و تغییر اساس از ارزش به حجم معاملات توجیه نموده است. اقدامات جدید جهت اصلاح روش های مالیاتی در سال ۱۳۸۴ صورت گرفت که شامل مالیات بر عایدات کارمندان دارای معاشات بلند، اصول بهبود یافته مالیات بر عایدات و وضع یک اندازه محدود مالیات بر مصارف مانند مخابرات، سفر های هوایی، هتل ها، رستوران ها و جایزاد های دارای کرایه بلند، میباشد.^{۲۲} یک اداره بزرگ مالیاتی تاسیس گردیده است، گرچه دسترسی اندک جهت جمع آوری مالیات بر عایدات وجود دارد. تعدیل و اصلاح در قانون عواید در سال ۱۳۸۴، نظام سخاوتمند معافیت های مالیاتی را رفع نمود. در عوض این امر بیشتر باعث کاهش سریع در استهلاک و باز پرداخت استهلاک میگردد و طوری طرح گردیده است تا سرمایه گذاری های حقیقی را نظر به منثربیت کوتاه مدت تشویق نماید.

از سال ۱۳۸۱ بدین سو، اجراءات، مقررات و اطلاعات اداره عامه مالی مراحل تکامل خود را پیموده و اقدامات مهمی درجهت حمایت تمویل کننده گان برای انجام فعالیت های عاجل اداره عامه مالی و ارتقای ظرفیت در زمینه های عمده تطبیق بودجه و خزانه داری، تهیه و تدارک و تفنیش خارجی صورت گرفته است. و با این هم، ادارات ولایتی دولت تحت پوشش روند آموزش اجراءات هنوز با مشکلات شدید، نبود ظرفیت ها مواجه اند. دولت در ۱۳۸۴ قانون اداره عامه مالی و مصارف را تصویب نمود. این قانون سکتور دولتی را در بر دارد (گرچه، قوانین مبنی بر ارتباطات بین مرکز و ولایات با در نظر داشت مقرراتی که در نظر است تهیه شوند، باید مشخص و معین گردند) قانون باید بیشتر انکشاف یابد تا اداره مالی تصدی های دولتی را تنظیم نماید. این قانون که وظایف و مسؤولیت های (اداره عامه مالی) را به صورت روشن معین سازد، به گزارش کافی نیاز دارد تا زمینه را برای ارزیابی مستقل فراهم ساخته و کارمندان دولتی را پاسخگوی شمارد.

دولت اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان را جهت فراهم ساختن مرجع واحد، برای سرمایه گذاری تاسیس نموده و روند ایجاد اداره انکشاف صادرات ملی را آغاز نموده است.

اداره حمایت از سرمایه گذاری افغانستان بیشتر از ۱۴۰۰ شرکت خصوصی را تنها در سال جاری ثبت و راجستر نموده است که این امر باعث ایجاد بیشتر از ۶۰۰۰۰ شغل جدید میگردد. در سال ۱۳۸۳ سرمایه مجموعی سکتور خصوصی به ۶۱۴ میلیون دالر امریکایی میرسید که بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ فرصت اشتغال را فراهم ساخته است. این اداره برنامه هایی را برای ایجاد اولین پارک های صنعتی جدید تهیه نموده است که در حال حاضر در موقعیت های تعیین شده تحت اعمار می باشند. ارزش خالص صادرات مجدد در سال ۱۳۸۳ مبلغ ۴۷۱ میلیون دالر امریکایی رسید.

^{۲۲} قانون مالیه عواید، سال ۱۳۸۴، پروژه حاکمیت قانون افغانستان، جدول چگونگی تطبیق قانون، ۹ قوس سال ۱۳۸۴

دولت استراتژی مبارزه با مواد مخدر را با حمایت جامعه بین المللی به راه انداخته است.^{۲۳} در نتیجه مزارع کشت خشخاش در سال ۱۳۸۳ به ۲۱ فیصد کاهش یافته است. اگرچه تولید خشخاش در نتیجه حصول محصولات بلند از آن به صورت یکسان با سال های گذشته باقی مانده است.

با کنفرانس بشکک در سال ۱۳۸۳، دولت به سوی یک برنامه اساسی همکاری های منطقه یی در عرصه اقتصاد در حرکت شد. افغانستان و انگلستان کنفرانس مشترکی را روی "همکاری های منطقه یی در عرصه اقتصاد" بتاريخ ۱۳-۱۴ قوس سال ۱۳۸۴ دایر نمودند. این کنفرانس ۱۲ کشور را از چهار زون عمده که افغانستان در وسط آنها قرار دارد، به شمول کشور های تمویل کننده، سازمان ملل متحد و نهاد های مالی بین المللی گرد هم آورد. این کشور ها شامل شش کشور است که با هم مرز های مشترک دارند مانند افغانستان، هندوستان، ترکیه، امارات متحده عربی، قزاقستان و جمهوری قرقزستان. تمام گروپهای عمده اقتصادی (سازمان همکاری های اقتصادی، سازمان همکاری های چین و سازمان آسیای جنوبی) و همکاری های منطقه یی آسیای مرکزی برای همکاری های منطقه یی حضور داشتند. از کشور های منطقه به سطح وزیر خارجه و وزرای ارشد نمایندگی صورت گرفت. تمرکز کنفرانس روی رشد همکاری بود: تولید برق و انرژی، آبرسانی، حمل و نقل، تجارت ترانزیت و تسهیل تجارت به شمول اداره مرز ها، ارتقای سطح تجارت، سرمایه گذاری و رشد وضع پیشه وری.

پیشرفت اجتماعی: اقدامات عاجل در عرصه (برنامه های صحی و اجتماعی) جهت کاهش آمار مرگ و میر مادران و اطفال و شیوع امراض در میان آنها اتخاذ گردیده است. همینطور، گروه تهیه کننده گان خدمات صحی تدبیرهایی را به منظور کاهش واقعات فلج و سرخکان در نظر گرفته اند.^{۲۴} گروه متشکل از نماینده گان دولت، موسسات ملی و بین المللی، مراکز عاجل نسایی را در ولایات تاسیس نموده، برنامه های مبارزه با توبرکلوز و امراض ساری را تطبیق نموده است. توزیع غذا به صورت معین و دقیق به منظور جلوگیری از سو تغذی در محلاتی که با عدم مصونیت فصلی و مزمن غذا مواجه هستند، صورت میگیرد. دولت افغانستان و کشور های همکار اقداماتی را در جهت جلوگیری از شیوع امراض، به طور خاص در موسم تابستان اتخاذ نموده اند.^{۲۵} علاوه بر آن، خدمات صحی از طریق احیای مجدد زیربنای اساسی از نو آغاز میگردد.

میزان شمولیت کودکان در مکاتب افزایش قابل ملاحظه یی نموده است: در حدود ۶ میلیون کودک دوباره به مکاتب بازگشته اند که یک سوم حصه این رقم را دختران تشکیل میدهند و در مقایسه با چهار سال اخیر چهار

^{۲۳} استراتژی ملی کنترل مواد مخدر
^{۲۴} اهداف انکشافی هزار ساله افغانستان ۱۳۸۴.

^{۲۵} اینها شامل: پیگیری و تداوی واقعات مرض سل؛ کمپاین های واکسین مربوط؛ تمرکز بر کمپاین معلوماتی امراض تنفسی شدید برای اطفال تحت سن پنج، در میان سایر تداخلات برنامه ای. نوسان فصلی شیوع اسهال و امراض مزمن روده ای یک نگرانی عمده برای استراتژی صحی دولت بوده است. استراتژی هاییکه به منظور کاهش امراض روده ای شامل عبارت اند از: (۱) بلند بردن سطح آگاهی در مورد حفظ و صحه و مراعات اصول بهداشت و قیامه یی؛ (۲) بهبود زیربنای WATSAN؛ (۳) بلند بردن سطح آگاهی میان مادران، به ویژه پیرامون اهمیت استفاده از نمک های پاکتی و افزایش مصرف مایه برای اطفال نو زاد و اطفالی که مصاب به اسهال اند.

^{۲۴} در تخمینات تولیدات ناخالص داخلی اقتصاد قانونی شامل نیست. ارزش فعالیت غیرقانونی بدون تریاک مشکل است که کمیّت آنرا تعیین کرد.

مرتبه بیشتر گردیده است. دولت افغانستان، تمویل کننده گان، موسسات غیر حکومتی و سکتور خصوصی بیشتر از ۱۳۰۰۰ مکتب ابتدایی و متوسطه دخترانه و پسرانه را بازسازی نموده اند. دولت مکاتب مسلکی را با فراهم نمودن جای برای تعداد ۱۰۰،۰۰۰ شاگرد در آن ها و یک کتابخانه مرکزی تأسیس نموده است. بر علاوه این، ۱۶ مرکز تربیه معلم را ایجاد و به تعداد ۱۰،۵۰۰ شاگرد را در این مراکز جذب نموده است. دولت و کشور های همکار بیشتر از ۴۷۰۰۰ کورس سواد آموزی را برای تقریباً ۱،۱۲۰،۰۰۰ تن بی سواد با استفاده از ۱۰،۰۰۰ تن معلم رسمی و دواطلب دایر نموده اند.

۴,۲ همکاری با جامعه بین المللی

اکثر دستاورد های افغانستان از آغاز سال ۱۳۸۰ مستلزم همکاری های جامع و فراگیر بین مردم افغانستان و جامعه بین المللی است. نیرو های ائتلاف مساعدت های عمده را در جهت تحکیم ثبات در کشور فراهم نموده اند. توسعه نیرو های حافظ صلح بین المللی، تحت رهبری ناتو، از کابل به ساحات شمالی و غربی افغانستان، در توسعه تدریجی امنیت در اکثر ساحات کشور کمک نموده است.

مساعدت های تخنیکی و مالی بین المللی از طرف تمویل کننده گان و موسسات بین المللی زمینه را برای بازسازی افغانستان و بازسازی اقتصاد افغانستان فراهم ساخته است. در ۲ دلو ۱۳۸۰ کنفرانس بین المللی کمک با افغانستان منعقد توکیو پایتخت کشور جاپان در برگیرنده اولین تعهدات عمده تمویل کننده گان برای افغانستان بود. نماینده گان ۶۱ کشور و ۲۱ موسسه بین المللی در این کانفرانس اشتراک داشتند. در این کانفرانس، اداره انتقالی تعهد خود را به اصلاح و بازسازی آن چنان که در موافقتنامه بن تسریع شده بود، ابراز داشت. جامعه تمویل کننده بین المللی حمایت خویش را از این برنامه از طریق وعده ۲,۱ میلیارد دالر امریکایی برای ۱۵ ماه اول دوره بازسازی افغانستان اظهار و ۵,۲ میلیارد دالر امریکایی را برای بازسازی چندین ساله افغانستان تعهد نمود.

به تاریخ ۱۱-۱۲ حمل سال ۱۳۸۳، نماینده گان ۶۵ کشور و سازمان های بین المللی در برلین مجلسی را به منظور اعلام تعهدات و حمایت شان برای تحقق پروسه بن، امنیت و بازسازی افغانستان دایر نمودند. دولت افغانستان در این جلسه طرح عمده یی را تحت نام "تأمین آینده افغانستان" پیشکش نمود که در آن هزینه بازسازی به طور بیشتر واقع بینانه نسبت به آنچه که در توکیو امکان آن وجود داشت، تخمین گردیده بود. بر اساس تخمین برنامه تأمین آینده افغانستان، افغانستان حد اقل به یک تعهد ۲۷,۶ میلیارد دالری در طی هفت سال آینده نیاز دارد، با حد اقل تقریباً ۶,۳ میلیارد دالر امریکایی از طریق حمایت مستقیم بودجوی صورت گیرد. در کنفرانس مذکور، افغانستان وعده ۸,۳ میلیارد دالر امریکایی کمک را برای سه سال آینده دریافت نمود که این رقم از ۴,۴ میلیارد دالر امریکایی هدف دولت برای سال جاری مالی تجاوز میکند.

در سال ۱۳۸۰، دولت افغانستان توافق نمود تا همه ساله با تمویل کننده گان جهت ارزیابی اولویت های انکشافی خویش جلسه برگزار نماید. از اینرو پس از کنفرانس تمویل کننده گان در توکیو، دولت افغانستان میزبانی مجمع انکشافی افغانستان را در کابل به منظور بهبود هماهنگی میان دولت و تمویل کننده گان بعهده داشت. کنفرانس دوم انکشاف افغانستان، در ماه اپریل سال ۲۰۰۴ بزودی بعد از کنفرانس برلین، دایر گردید. مجمع سوم انکشاف افغانستان در سال ۲۰۰۵، زمینه را جهت تدویر اولین مجمع تمویل کنندگان بین المللی برای رئیس جمهور منتخب افغانستان و کابینه جدید وی فراهم ساخت.

با مساعدت جامعه بین المللی، افغانستان توانسته است در زمینه هایی از تعلیم و تربیه گرفته تا ثبات دوامدار و رشد اقتصادی شاهد پیشرفت های قابل ملاحظه یی باشد. قسمت بیشتر این پیشرفت ها مرهون پاسخ بشردوستانه و کمک های عاجل بوده است. با کمک از طرف جامعه بین المللی، افغانستان قادر به انجام پیشرفت های چشمگیر در عرصه های تعلیم و تربیه و صحت جهت تحکیم ثبات و رشد اقتصاد بوده است. اندازه کمک ها برای بازسازی و انکشاف باید به طور سریع جهت بهبود بخشیدن دورنما های افغانستان غرض برآورده ساختن اهداف معیاری و اهداف ام. دی. جی افزایش یابد. ویژه گی دیگر جریان کمک ها به افغانستان این است که قسمت بزرگ (بیشتر از ۷۰ فیصد کمک ها طی سال های ۱۳۸۰-۱۳۸۳ و یا یک مبلغ بیشتر از ۳ میلیارد دالر امریکایی) مساعدت های بین المللی از طریق بودجه انکشافی خارجی جریان یافته است تا آنکه از طریق بودجه اصلی دولت بمصرف برسد. با آنکه اکثر منابعی که از راه هایی غیر از بودجه دولت به مصرف میرسند، باز هم اولویت های عمده ملی و پروژه های مربوط به بودجه انکشافی را تمویل می نمایند. این روش در اثر عدم اعتماد تمویل کننده گان به قابلیت دولت در تنظیم وجوه و نظارت از تطبیق برنامه های بزرگ بروز نموده است.



مشخصات اقتصاد عظیم و فقر

۳,۱ نظر اجمالی

مردم افغانستان – چنان که در فصل دوم یاد شد - به تلاش های زیادی جهت غلبه بر میراث ۲۵ ساله فقر شدید، خشونت و جنگ نیاز دارند و این در حالی است که چالش های آینده نیز سر راهشان موجود است. یک بُعد دیگری از میراث تاریخ، تلافی ضیاع فرصت هاست که شامل نابودی ملیون ها انسان، ضیاع سرمایه بشری و اجتماعی، صدمات و خاطرات تلخ شخصی افراد است. ما در حالی که به پیش میرویم، باید برای ریشه کن سازی بزرگترین منبع رشد اقتصاد (ترياک) که در عدم موجودیت صلح، ثبات و دولتی که می بایست خدمات اساسی را مهیا سازد و یک استراتژی ادامه حیات را شکل بدهد، رسیده گی نماییم. بر علاوه، اقتصاد باید به سطح بلند رشد خویش برسد و در حالی که گذشته را تلافی می کند ساختار کنونی اقتصاد را نیز برای تولید محصولات صادراتی با ارزش، دگرگون سازد.

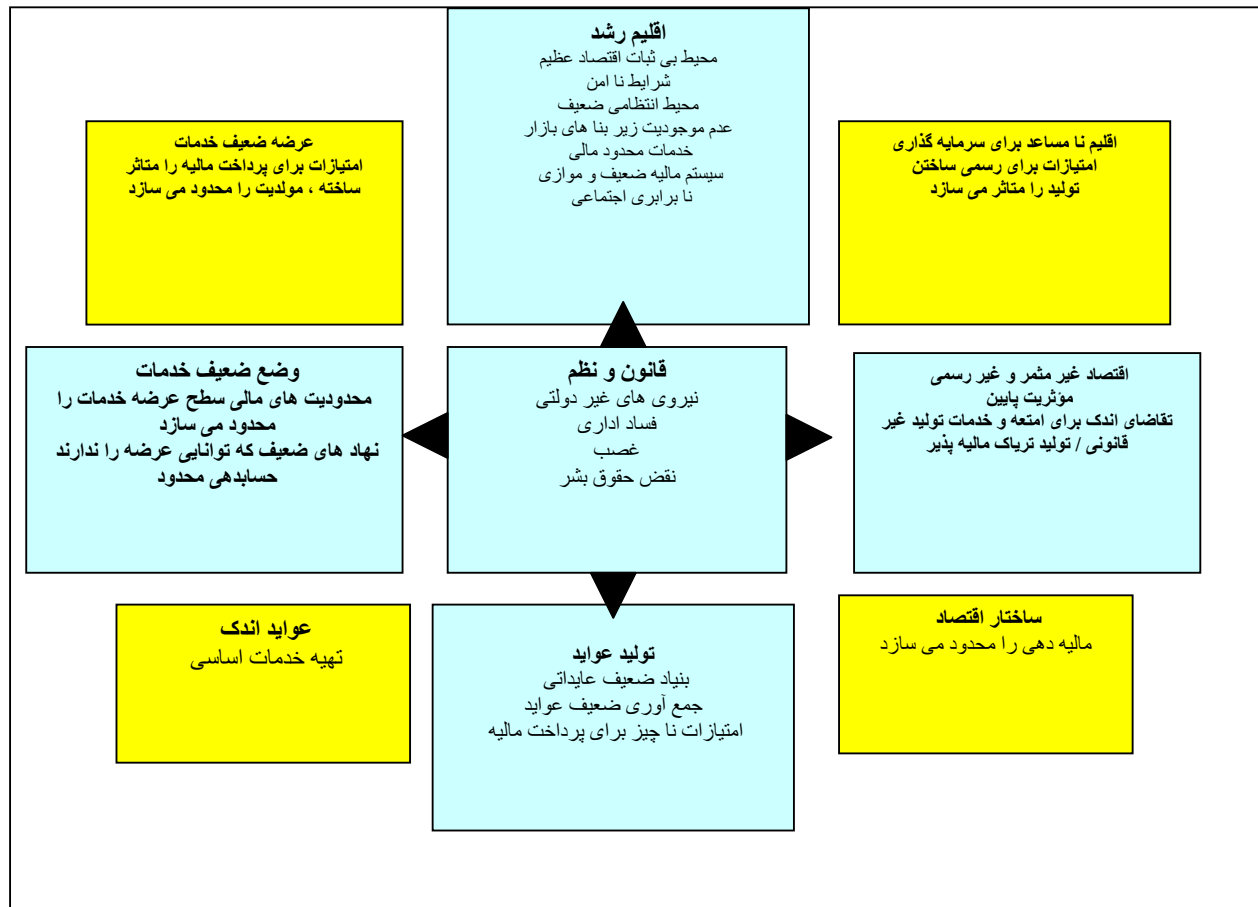
حفظ ثبات اقتصاد عظیم، یکی از پیش شرط های حیاتی برای رشد متداوم و فقر زدایی است. بر این اساس، اگر دولت بخواهد که محدودیت های پالیسی و اداری را که بر سر راه رشد سکتور خصوصی قرار گرفته است، بردارد، تشخیص اجزای ثبات اقتصاد عظیم، منابع رشد و ساختار و عوامل فقر یک امر حیاتی است. رشد نسبتاً فزاینده اقتصاد از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲-۲۰۰۳م) به این طرف، اگرچه از سطح خیلی پایین آغاز یافته است، اساساً مربوط به مسائل ذیل می شود: الف) ختم پنج سال خشکسالی و از راه رسیدن سه سال خیلی استثنایی که با بارندگی زیاد توأم بوده است؛ ب) رشد سریع در تجارت ترياک؛ ج) مساعدت بلا عوض بین المللی؛ و د) بازگشت هزاران مهاجر و پناهنده با اقتصاد خوب. بر علاوه، دور ساختن یک تعداد محدودیت ها از سر راه رشد سکتور خصوصی به سرمایه گذاری خصوصی اجازه داده است تا زمینه های کاریابی را در ساحات متعدد فعالیت های اقتصادی انکشاف دهد.

تغییر شکل دادن اقتصاد مستلزم سیاست هایی است که طرفدار رشد باشد. از سوی دیگر نیاز به پروسه های اداری دارد که تغییر شکل و فعالیت های تصدی ها را تشویق کند. شکل (۳,۱) نشان دهنده عوامل مختلفی است که در تقویت موازنه " غیر رسمی- غیر قانونی" موجود در افغانستان نقش دارد. دولت و شرکایش، باید این موازنه را از چنگال دوران معیوب تولیدات غیر رسمی و غیر قانونی، سیستم مالیه دهی ضعیف، دولت ضعیف، قانون ونظم ضعیف و عرضه ضعیف خدمات به نفع دوران متکامل رشد رسمی، مالیه پذیر و تنظیم شده بیرون بکشند.

۳,۲ محیط برای اقتصاد عظیم

تولیدات ناخالص داخلی:^{۲۶} در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲-۲۰۰۳م) تولیدات ناخالص داخلی سرانه به ۱۸۲ دلار امریکایی بالغ میگردید که در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳-۲۰۰۴م) این رقم به ۱۹۹ دلار امریکایی رسید و در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴-۲۰۰۵م) به ۲۵۳ دلار امریکایی افزایش یافت. با در نظر داشت این نکته که رشد، مربوط به کارایی سکتور زراعت می باشد، تولیدات ناخالص داخلی حقیقی از ۲۸,۶ درصد در سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲-۲۰۰۳م)، به ۱۵,۷ درصد در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳-۲۰۰۴م) رسیده است و در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴-۲۰۰۵م) به ۷,۵ فیصد کاهش یافته است که این امر نمایانگر کارایی سکتور صنعت - بیشتر از آنچه پیشبینی می شد - می باشد. فعالیت اقتصادی در جریان نخستین ربع سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵م)، بعد از یک جهش در تولیدات زراعتی و توانمند شدن سایر سکتور ها ظاهراً مطابق با پیش گویی ها بوده است. پیش بین می شود که تولیدات ناخالص داخلی حقیقی تا پایان سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۴-۲۰۰۵م) به ۱۳,۶ درصد برسد (جدول ۳,۱).

شکل ۱,۳ توازن تولید غیر رسمی و غیر قانونی



منبع: تجدید شده بانک جهانی (۲۰۰۵)، تقویت دولت، پایدار ساختن رشد و فقر زدایی

^{۲۶} - اقتصاد غیر قانونی شامل تخمین های تولیدات ناخالص داخلی نمیگردد. تعیین ارزش فعالیت های غیر قانونی - به استثنای تریاک - دشوار میباشد.

جمع آوری عواید: جمع آوری عواید در سال ۱۳۸۱ به مثابه بخشی از تولیدات ناخالص داخلی، با وجود رشد اقتصادی و اصلاحات سیاسی اقتصادی و تلاش برای تقویت دولت، خیلی اندک بود: ۳,۲ درصد. توقع می‌رود که این فیصدی در سال ۱۳۸۴ به ۵,۲ برسد، که با اطلاعات دست داشته در مورد کشور های جهان، هنوز هم کشور ما کم عاید ترین کشور ها است. عاید کنونی دولت در حدود پنجاه درصد بودجه عادی را تشکیل می‌دهد که باقیمانده آن توسط منابع خارجی تمویل می‌گردد. دلایل برای جمع آوری اندک عواید، ساختار غیر رسمی و غیر قانونی اقتصاد است که مالیه بر آن وضع نمی‌گردد. موجودیت و متبازل بودن ساختار های حکومتداری جانبی که توسط قوماندان های تنظیمی مراقبت می‌گردند، میکانیزم های ضعیف جمع آوری عواید، خدمات گمرکی ضعیف و ظرفیت های ضعیف نهاد های دولتی که در تعداد زیاد شان هنوز هم فساد اداری موجود است، تحت برنامه اصلاحات قرار دارند.

تورم: سال به سال تورم به شکل چشم گیر آن کاهش می‌یابد، به خصوص در کابل که در ربع نخست سال ۱۳۸۴، میزان آن به ۱۱,۵ درصد می‌رسید در حالی که این رقم در اخیر سال ۱۳۸۳، بیشتر از ۱۶,۳ درصد بود. این کاهش انعکاس دهنده کندی روند رشد، رشد کرایه ها است که در ربع نخست سال به ۸,۱ درصد می‌رسید؛ در حالی که یک سال قبل رشد آن ۴۱,۲ درصد بود. ثبات در فیس تحصیل که در جریان ربع اول سال ۱۳۸۳ دو چند گردیده بود و نهایتاً کم شدن نرخ های مواد خوراکی نیز در این امر نقش دارند. به استثنای نرخ کرایه ها و محصولات نفتی، تورم سال به سال کم شده می‌رود، چنان که در پایان سال ۱۳۸۳ از ۱۱ درصد به ۹ درصد رسیده است. با وجود افزایش سریع در نرخ محصولات نفتی، تورم در دومین ربع سال ۱۳۸۴ نسبتاً در حد اوسط باقی ماند. لیکن، با رسیدن حجم بزرگی از مساعدت های خارجی، قیمت دستمزد کاری سریعاً افزایش یافت که در نتیجه قیمت تولیدات بلند رفت. با در نظر داشت خطر تورم، که از تأثیرات ثانوی افزایش در نرخ نفت منشأ می‌گیرد، در صورتی که فشار تورم شدت بگیرد، دولت نیاز دارد تا از نزدیک قیمت ها و نرخ تبادل اسعار را پیگیری کند و وضعیت پولی خویش را تقویت نماید.

صادرات قانونی: صادرات قانونی در سال ۱۳۸۳، ۱۶۵۶ میلیون دالر امریکایی (۲۷ درصد) تخمین شده است. رقم واردات تقریباً ۳۸۶۷ میلیون دالر را نشان می‌دهد. کسر تجارت افغانستان به ۲۶۸۷ میلیون دالر امریکایی می‌رسد که تقریباً ۴۵ درصد تولیدات ناخالص داخلی را در سال ۱۳۸۳ در بر می‌گرفت. برای رفع این کسر، ضرورت به سرمایه گذاری بزرگ برای استفاده بهتر از امتیازاتی است که افغانستان در بعضی از ساحات تولید دارد و به این وسیله صادرات را که بخش عمده یی از رشد است، میتوان انکشاف بخشید.

جدول ۱,۳ شاخص های اقتصاد عظیم

۱۳۸۱[۲۰۰۲/۳]	۱۳۸۲[۲۰۰۳/۴]	۱۳۸۳[۲۰۰۴/۵]	۱۳۸۴[۲۰۰۵/۶]	۱۳۸۵[۲۰۰۶/۷]	
عواید ملی (به میلیون دالر، به استثنای تریاک، مگر آنکه ذکر شده باشد)					
۴,۰۸۴	۴,۵۸۵	۵,۹۷۱	۷۱۳۹	۸۶۰,۸	تولیدات نا خالص داخلی رسمی
۱۸۲	۱۹۹	۲۵۳	۲۹۴	۳۴۴	تولیدات نا خالص داخلی سرانه
۲۸,۶	۱۵,۷	۸	۱۳,۸	۱۱,۷	میزان رشد واقعی رسمی (به فیصدی)
۵۲	۱۰	۱۶	۱۰	۸	میزان تورم (تغییر فیصدی در CPI)
سکتور خارجی (به ملیون دالر امریکایی)					
۱,۲۹۱	۱,۸۹۴	۱,۶۵۶	۱,۸۹۳	۱,۹۵۹	صادرات (مقدار مجموعی رسمی ثبت شده)
۲,۵۰۸	۳,۷۸۶	۳,۸۶۷	۴,۵۶۰	۴,۹۱۲	واردات (مقدار مجموعی رسمی ثبت شده)
-۱,۳۶۴	-۲,۳۳۵	-۲,۶۸۷	-۳,۱۹۶	-۳,۴۱۵	بیلانس تجارت (مقدار مجموعی رسمی ثبت شده)
۴۴,۸	۴۹,۰	۴۷,۷	..	..	نرخ تبادل (افغانی / دالر امریکایی، حد اوسط))
۳۱,۶	۴۱,۳	۲۹,۵	..	..	صادرات بر اساس فیصدی تولیدات نا خالص داخلی (به استثنای تریاک)
..	..	..	..	..	قرضه خارجی بر اساس فیصدی تولیدات نا خالص داخلی

سکتور پولی

۲۲,۵	۲۷,۸	۳۷,۵	۴۰,۹	۲۰,۱	اسعار داخلی که در جریان است (تغییر سالانه به %)
۲,۰۳۶	۱,۶۹۱	۱,۲۶۱,۰	۸۱۶,۰	۴۲۶,۰	پس انداز اسعار خارجی (کلی، به ملیون دالر امریکایی)

سکتور دولتی

		۲۶۹,۰	۲۰۷,۰	۱۳۲,۰	عوااید فعلی (ملیون دالر امریکایی)
۵,۱	۵,۲	۴,۵	۴,۵	۳,۲	عوااید فعلی به فیصدی تولیدات نا خالص داخلی
		۵۶۱,۰	۴۵۱,۰	۳۴۹,۰	مصارف فعلی (ملیون دالر امریکایی)
		۹,۴	۹,۸	۸,۵	مصارف فعلی به فیصدی تولیدات نا خالص داخلی
		۱,۴۰۹,۱	۶۴۵,۰	۳۴۶,۳	مصارف بودیجه یی مرکزی (برگردنده و سرمایه) (دالر امریکایی)
		۳,۷۴۲,۴	۱,۵۲۰,۹	..	بودجه خارجی (ملیون امریکایی)
		۵,۱۵۱,۵	۲,۱۶۶,۰	..	مصارف کلی (به شمول بودیجه انکشافی رسمی)

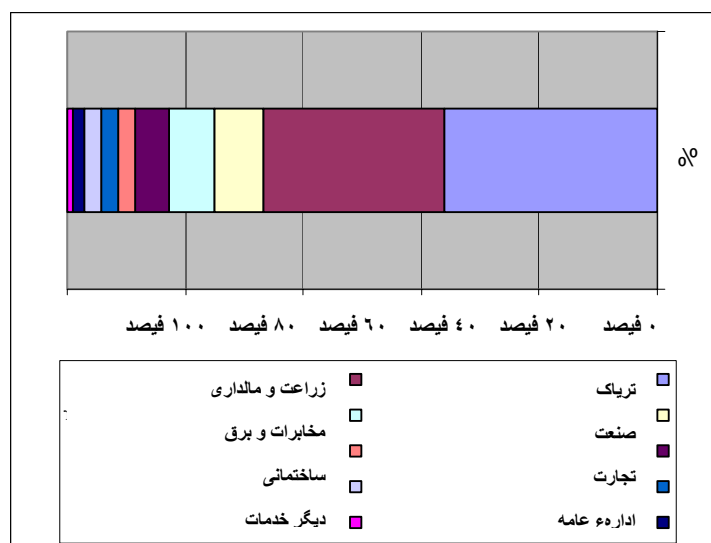
منبع : صندوق بین المللی پول، نسخه ششم، اکتوبر ۲۰۰۵

۳,۳ مشخصات کلیدی اقتصاد افغانستان^{۲۷}

رمز کامیابی استراتژی دولت در تشخیص برای تعیین نمودن سرچشمه های رشد و موانع موجود بر سر راه فقر زدایی نهفته است. تحلیلی که در ذیل می آید دولت را در جهت شناسایی پالیسی ها و روند های تغییر شکل دهنده که فضا را برای سرمایه گذاری مساعد میسازد و رشد تجارت قانونی را اعم از رسمی و غیر رسمی سرعت می بخشد، کمک می نماید. این تحلیل بر اساس اطلاعات که در باره ساختار فعلی اقتصاد افغانستان در دست است صورت گرفته است که در آن سکتور ها به اساس بزرگی شان و بر اساس تولیدات ناخالص داخلی واقعی آن چنانچه در شکل ۳,۲ در ذیل^{۲۸} نشان داده شده است، رده بندی گردیده اند.

ادامه سیطره اقتصاد تریاک:^{۲۹} تریاک هنوز هم بر اقتصاد ملی سیطره بارز دارد. اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم ملل متحد تخمین می زند که در سال ۱۳۸۳، تجارت تریاک در افغانستان در حدود ۲,۸ میلیارد دلار امریکایی عاید داشت که ۷۹ درصد آن نه به جیب کشاورزان محلی بلکه به جیب قاچاقبران سرازیر شد. این هنوز بخشی از ارزش تریاک افغانستان است که در بازار های جهانی به فروش رسیده است و بالغ بر ۳۰ الی ۵۰ میلیارد دلار امریکایی می گردد. با وجود این، امتیازات و مفاد که با اقتصاد مواد مخدر ربط دارد، برای همه یکسان نیست. دهقانان کوچک و اجاره داران در مقایسه با دهقانان بزرگتر مقدار اندکی از حاصل را تصاحب میکنند. در سالهای اخیر تجارت مواد مخدر سریعتر رشد نموده است. دفتر کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد تخمین نموده که ارزش صادرات مواد مخدر که در سال ۱۳۸۳ تولید میگردد معادل با ۴۷ درصد تولیدات ناخالص داخلی غیر افیونی میباشد.

شکل ۳,۲: ساختار شاخص اقتصاد افغانستان



^{۲۷} در موجودیت و پوشش معلومات، نواقص جدی وجود دارد، به ویژه محاسبات ملی، سکتور خارجی و احصایه بی بازار کار و اشتغال

^{۲۸} افغانستان، تقویه دولت، پایداری رشد و فقر زدایی، بانک جهانی ۱۳۸۳

^{۲۹} یک کاهش ۲۰ فیصد در زرع بنابر آب و هوای خوب در سال ۱۳۸۴ به وجود آمده

حد اقل دو ملیون افغان برای معیشت خویش متکی بر تجارت مواد مخدر هستند، عده کثیر دیگری از اثرات غیر مستقیم آن همچو اشتغال در کار های ساختمانی و تجارت هایی که توسط پول مواد مخدر تمویل می گردد، استفاده می نمایند. مقدار رو به افزایش تریاک در خود افغانستان، به کمک شبکه های بین المللی سازمان یافته جنایت کار تبدیل به هیرویین و سایر محصولات قیمتی می شود که سود قاچاقبران را افزایش میدهد و باعث فساد اداری در دولت و ضعف انفاذ قانون می گردد. مواد مخدر که بزرگترین صادرات کشور را تشکیل میدهد، نقش عمده یی در قادر ساختن کشور برای جبران کسر تجارتي که از تجارت غیر مواد مخدر به میان میاید، ایفا می نماید، زیرا نرخ ها و ارزش اسعار را ثابت نگه میدارد. دولت عواید گمرکی را از اموال وارداتی حاصل می نماید که توسط پول قاچاق مواد مخدر تمویل می گردد. دولت برنامه یی را برای مبارزه با مواد مخدر با مساعدت بین المللی روی دست دارد اما حذف یک سوم تا ۴۰ درصد اقتصاد افغانستان بدون آنکه بر امنیت و ثبات خطری را متوجه سازد، نیازمند منابع خیلی زیاد و وقت^{۳۰} می باشد.

کشت محصولات غیر از تریاک، همچنان به حیث ستون فقرات تولیدات ناخالص داخلی^{۳۱} قانونی باقیمانده است. اقتصاد افغانستان بر زراعت استوار است (۳۷ درصد تولیدات ناخالص داخلی را در سال ۱۳۸۳ تشکیل میداد) که عمدتاً محصولات آن حبوبات (۲۷ درصد) می باشد که قسمت چشمگیر آن بر اثر خشکسالی صدمه دیده است. دو سوم رشد اقتصادی در سالهای اخیر مربوط به زراعت بوده است. بخش های دیگر سهم اندکی در رشد اقتصادی داشته اند، مثلاً سهم صنایع (۹ درصد) بوده که عبارت از پراسس نمودن محصولات زراعتی به پیمانه کوچک و سایر فعالیت های جزیی است: ساختمان (۴ درصد)، و اداره عامه (۵ درصد) بوده است. سکتور خدمات در حال شگوفایی است و عمدتاً در شهر های بزرگ متمرکز میباشد. اما هنوز هم این ها یک قسمت کوچک اقتصاد کل را تشکیل میدهند و کارگران اندکی را جذب می نماید.

اقتصاد افغانستان غیر رسمی باقی مانده است و از همین رو مالیه پذیر نیست. اقتصاد افغانستان و سبباً توسط سکتور غیر رسمی (چنانکه در شمار زیاد کشور های همسایه همچو هندوستان وضعیت به همین گونه است) اشغال شده است که همه ساحات تولیدی را در بر گرفته به خصوص در قسمت اقتصاد تجار کوچک^{۳۲}. در حالی که تخمین نمودن اندازه اقتصاد غیر رسمی کار مشکلی است، ولی واضح است که ۸۰ تا ۹۰ درصد فعالیت اقتصادی در افغانستان در سکتور غیررسمی قرار دارد. که مسوول احیا و تحرک اقتصادی درین اواخر بوده است. سکتور غیر رسمی خارج از دایره نفوذ سیستم مالیه گیری باقی مانده که بر جذب عواید تاثیر سوء می گذارد. سکتور خصوصی رسمی شامل آن تجارت های بزرگ می گردد که ثبت شده اند، لیکن این تجارت ها هم ممکن فعالیت های غیر رسمی داشته باشند. سکتور خصوصی شامل آن عده برنامه هایی هم می گردد که راجستر شده اند اما به اساس قانون از مالیه دادن معاف اند مانند انجو ها. در بیرون از اقتصاد رسمی فعالیت های هم موجود است که کم و بیش غیر رسمی^{۳۳} میباشد. فعالیت های زیادی وجود دارند که

^{۳۰} استراتژی ملی مبارزه با مواد مخدر

^{۳۱} این تحلیل بر اساس ارقام ۱۳۸۲ تهیه شده است. درینجا وقتی از زراعت حرف به میان می آید تجارت تریاک از آن مستثنی است

^{۳۲} طور مثال، عرضه برق، توسط جنراتور های کوچک و اکثراً در سکتور غیر رسمی تهیه می شود.

^{۳۳} فعالیت هایی که بیرون از ساحه قانون صورت می گیرد شامل صرافان، دکانداران کوچک، تجار کوچک، صنعتگران کوچک، زراعت و بخش زیادی از کار تعمیراتی می باشد. فعالیت های اقتصادی کوچی ها (که قریب به ۱،۴ ملیون نفوس را تشکیل میدهند) که عمدتاً محصولات حیوانات

شامل مساعدت های جنسی امدادی بوده، منتج به داد و ستد در بازار نگشته و یا به شکل تبادله کالا به کالا انجام می یابد. تبادل خدمات و محصولات در میان خانواده ها در روستا ها یک امر معمول است که غالباً توسط زنان انجام می یابد. مقدار بیشتر محصولات زراعتی برای امرار معاش خود خانواده ها صرف می گردد. برعلاوه، اجاره داری زمین در شمار زیادی از مناطق روستایی معمول است.

در حالی که اقتصاد غیر رسمی پر تحرک بوده است، این نمی تواند یگانه دستگاہی باشد که محصولات با ارزش بلند و یارشد دراز مدت و با ارزش را تامین مینماید. در افغانستان تأثیر منفی برنامه های غیر قانونی روی نهاد های رسمی از تأثیر مثبت اقتصاد غیر رسمی بر معیشت مردم، بیشتر است. گرچه تأثیر همه جانبه اقتصاد غیر رسمی بالای معیشت ها ممکن مثبت باشد، با این هم فعالیت های غیر رسمی منابع اندکی را برای دولت تهیه میدارد، اما در مقابل از نیرو هایی که بر خلاف دولت فعالیت دارند حمایت مینماید، زمینه فساد اداری رامهیا می سازد.

پس انداز مردم در سرمایه گذاری هایی بکار میروند که خطرات کمتری داشته باشند، (مانند ملک و زمین و داد و ستد) یا به خارج از کشور انتقال داده می شوند. تصدی های کوچک (منتشبین کوچک) به شکل غیر رسمی آن ترجیح می دهند تا کوچک باقی بمانند و فعالیت های شان را متنوع سازند تا از خطرات به دور باشند که در نتیجه آنان را از رشد دور نگهداشته، از یک تجارت بزرگ باز می دارد.

واردات چندین برابر صادرات. واردات افغانستان در سال ۱۳۸۳ به شکل مجموعی ۳,۸ میلیارد دالر امریکایی بود که ۶۴ درصد تولیدات ناخالص را در بر می گرفت. تولیدات ناخالص داخلی تجارت مواد، شامل مواردی غیر از مواد مخدر می شد. صادرات غیر مواد مخدر بالغ بر ۱,۶۵ میلیارد می گردید که نشان دهنده یک کسر بزرگ تجارتي به اندازه ۲,۶۸ میلیارد یا ۴۵ درصد تولیدات ناخالص داخلی را تشکیل می دهد. این کسر توسط امداد خارجی، مصارف معیشتی نهاد ها و افراد خارجی در افغانستان، کمک های افغان های خارج کشور، صادرات مواد مخدر جبران شده است. در دراز مدت، این کسر تجارت نگرانی عمده را تشکیل می دهد. حد اقل به علت اقتصاد بیش از حد ارزش داده شده و فرصت های اندک برای کم ساختن واردات با ایجاد جایگزینی برای آن از آنجا که کشور های همسایه برای بخشی از ساحات تولیدی همچون گندم و حمل و نقل بعضی از امتعه تخفیف قابل شده اند، رشد در عده یی از ساحات بیش از پیش محدود گشته است.

۳,۴ فقر در افغانستان

فقرکه در اثر جنگ های پیهم چندین دهه به میان آمده، تا هنوز هم بر افغانستان حاکم است. عاید متوسط سرانه، حد اکثر طول عمر و سایر شاخص های اجتماعی- به شمول شاخص های فهرست انکشاف بشری ملل

شانرا به فروش می رسانند نیز مالیه نمی پردازند. هشتاد و پنج درصد از قوای بشری روستایی با برای خود کار می کنند یا هم دستمزد روزمره معمول اخذ میدارند؛ هشتاد و یک درصد در تجارت هایی مصروف اند که کمتر از ۵ کارمند دارد. فعالیت های غیر منظم، همچو قاچاق زمره و چارتراش، و انتقال غیر قانونی، به خاطر غیر منظم یاد می شود که صادرات بر اساس قوانین ملی داد و ستد نمی باشد.

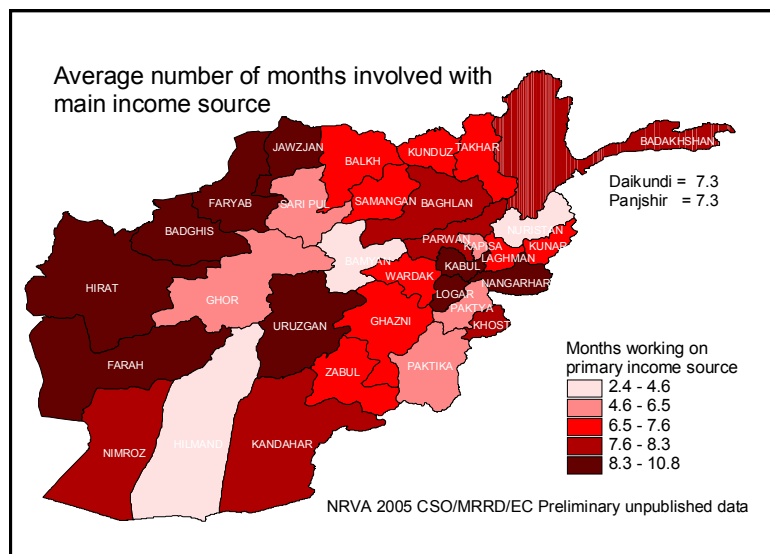
متحد^{۳۴} - نشان میدهد که افغانستان یکی از فقیر ترین کشور های جهان می باشد. رسیدن به اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده تنها رسیدن به اهداف نیست، بلکه یک ضرورت برای تامین امنیت در کشور، منطقه^{۳۵} و جهان بشمار میرود. تاریخچه فقر در افغانستان دقیقاً دارای مشخصات زیرین است:

الف) بیشترین مقدار زمین های زراعتی بایر گشته یا ماین فرش شده اند، نظام های آبیاری صدمه دیده یا تخریب شده اند، جاده ها که مناطق را به بازار ها وصل می کنند، از بین رفته و فرصت های روستایی و مساعدت های زراعتی خیلی محدود اند.

ب) پنجاه و هفت در صد نفوس در زیر سن ۱۸ سال قرار دارند، لیکن امید اشتغال شان خیلی کم است. در بسیاری از نقاط کشور، بیش از ۸۰ درصد نفوس بی سواد اند. حد اوسط عمر ۴۶ سال است. استخدام رزمندگان خیلی ارزان است و بعضی از خانواده ها برای تضمین تغذیه کودکان شان، آنان را به گروه های مسلح می سپارند؛

ج) بیشتر از ۲۰،۴ فیصد مردم روستا ها نمیتوانند تا حد اقل انرژی لازم را به منظور داشتن زنده گی سالم داشته باشند. میلیون ها نفر به شکل مزمین یا موسمی از مصونیت غذایی محروم اند، زیرا عایدی ندارند و فرصت های کاریابی خیلی کم است. شکل ۳،۳ نشان دهنده اوسط ماه هایبست که در آن منابع اساسی عوایدی در سطح یک اجتماع یا در سطح یک ولایت ایجاد می گردد.

شکل ۳،۳ اوسط شمار ماه هایی که در ایجاد منابع اساسی عایداتی نقش دارند ۱۳۸۴

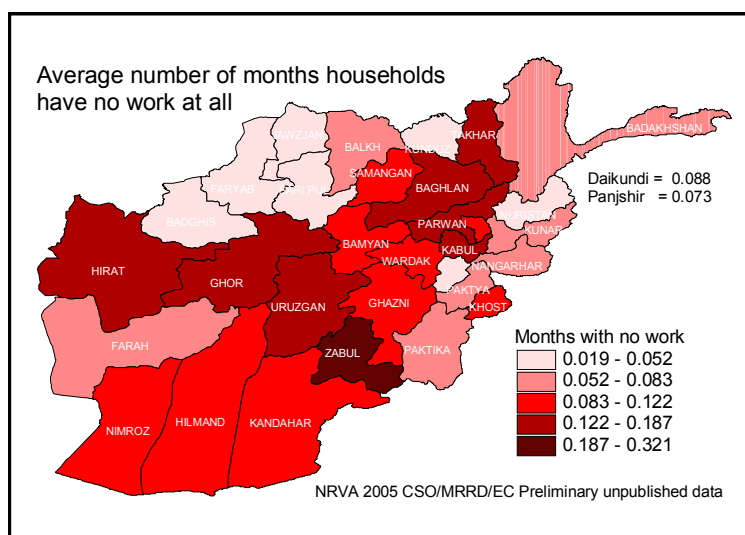


شکل ۳،۴ تعداد ماه های بیکاری خانواده ها را نشان میدهد هرچند میشود اعتراف کرد که اندازه در اقتصاد که از سوی فعالیت های^{۳۶} غیر رسمی و غیر قانونی متأثر شده باشد، دشوار است.

^۹ افغانستان در رده بندی فهرست انکشاف بشری ملل متحد در پایین ترین قسمت همراه با کشور های افریقایی همچو بوركينا فاسو، بوراندی، مالی، نایجر و سربلیون قرار دارد.
^{۱۰} مطالعات بین المللی حاکی از آن است که فقر ملل، خیلی با تهدید جنگ داخلی ارتباط دارد: به شکل اوسط ۵ درصد تاثیر منفی رشد یکباره اقتصاد، خطر جنگ داخلی را به ۵۰ درصد افزایش میدهد.

سطح بلند بیکاری و اشتغال اندک، مشکلات مزمنی است. رفع این مشکلات مستلزم استراتژی های انکشافی است که طرفدار از میان برداشتن فقر باشد و تا زمانی که فرصت های اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، زمینه های اشتغال را مهیا می گرداند به مشکل فقر رسیدگی نماید. ادامه بیکاری سبب مشکلات اجتماعی شده است، در بسیاری از حالات مردم را مجبور می سازد تا به فعالیت های غیر قانونی دست بزنند.

شکل ۳،۴ اوسط شمار ماه هایی که یک خانواده بیکار است ۱۳۸۴



فهرست انکشاف بشری ملل متحد که محکی برای رفاه اساسی بشری محسوب می شود، در افغانستان در پایین ترین سطح خود قرار دارد و فقط با چند کشور محاط به خشکه و جنگزده صحرای افریقا قابل مقایسه می باشد. چهار سال اخیر پیشرفت های چشم گیری در تهداب گذاری برای بازسازی افغانستان شاهد بوده است، لیکن هنوز هم راه درازی در برابر افغانستان قرار دارد تا به حد اقل معیار ها دسترسی پیدا کند (به فصل دوم مراجعه شود). شاخص های مرجع برای اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده ترسیم گر ملتی است که شدیداً در نتیجه جنگ ها جراحت برداشته ولی برای احیای مجدد امنیت و حیثیت اش چنانچه در جدول ذیل نشان داده شده است در تلاش می باشد. دولت با طرح استراتژی انکشاف ملی افغانستان به این مسائل رسیده گی می نماید تا تحلیل عمومی – و پالیسی واکنشی – متعادل و مناسب باشد.

چوکات ۱،۳: محدودیت اطلاعات در اندازه گیری فقر در افغانستان

در عدم موجودیت آمار نفوس، سروی های عواید و مخارج خانواده، سطح ملی فقر و اطلاعات مرجع مناسب مشکل است تا به شکل درست کمبود درآمد ها را سنجش نمود. از تخمین های دوره یی عدم مصونیت غذایی که توسط برنامه جهانی غذا صورت می گیرد، به حیث یک شاخص برای سنجش سرانه

^{۱۲} شکل ۳،۴ و ۳،۵ نتایج اولی NRVA ۲۰۰۵ را نشان میدهد. نتایج این سروی در حال نهایی شدن است.

فقر استفاده شده است زیرا خانواده هایی که از لحاظ غذایی مصونیت ندارند، به احتمال قوی فقیر نیز می باشند. لیکن هیچ تخمینی از عدم مصونیت غذایی شهری وجود ندارد و بدون آن بدست آوردن تخمین ها به سطح ملی ممکن نیست. دو برنامه در حال حاضر در جریان است که تا حد قابل ملاحظه یی دیتابیس ما را تقویت خواهد کرد. بررسی ملی مخاطرات و آسیب پذیری ۱۳۸۴ معلومات در مورد ۶۶ نوع غذا و ۲۰ قلم مواد غیر غذایی را در مناطق روستایی و شهری جمع آوری خواهد نمود. دفتر احصاییه مرکزی در همکاری با بانک انکشاف آسیایی در حال آماده گی برای راه اندازی سروی عواید و مخارج خانواده ها می باشد که معلومات را در مورد عاید و مخارج خانواده ها در سراسر کشور آماده سازد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان تصویر دقیق تری از معیشت خانواده ها در مناطق شهری و روستایی فراهم میسازد. ارقام کمی و کیفی جمع آوری شده توسط واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان تصویر بهتری را از طبیعت پرتحرک معیشت روستایی و شهری فراهم نموده است. مطالعه واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در مورد معیشت به جای آنکه در سطح بزرگتر تا سطح ملی یا دولتی می بود، در سطح خانواده ها صورت گرفته است. این باید تکمیل کننده یک روند وسیعتر بررسی فقر برای تهیه اطلاعات در مورد پالیسی و بررسی های آینده باشد. واضحاً اطلاعات بررسی ملی مخاطرات و آسیب پذیری و دفتر احصاییه مرکزی در مورد وسعت فقر حرف می زند، در حالیکه معلومات واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان بر نوعیت فقر و معیشت تمرکز دارد. با بدست آوردن اطلاعات در مورد عاید و دارایی فقر و نفوس شهری، دولت مراجع و معیار های خود را تطابق خواهد داد. تا آن زمان، و درین سند، فقر در افغانستان عبارت از فقر غذایی می باشد. هر گاهی که معلومات در مورد مصارف خانواده جمع آوری شد، کمبود درآمد و دارایی برای برنامه ریزی یک سطح فقر تعریف و مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۵,۳ تاریخچه فقر در روستا ها

مستمندان روستایی بیشتر در کدام مناطق هستند؟ فقر در غرب (هرات و غور)، در قسمت شرق در خوست، در شمال در ولایات فاریاب، جوزجان، سمنگان و بلخ و در مناطق مرکزی در بامیان متبازل است. در مقابل، در مناطق شرقی سطح پایین تری از فقر موجود می باشد. در سطح ولسوالی ها تفاوت بزرگی در میان اقشار مردم از نگاه سطح فقر وجود دارد. میزان فقر در ساحاتی که زمین های للمی هستند، بلند تر است .. در این ساحات ۶۵٪ نفوس، فقیر به شمار می روند. ساحاتی که عمدتاً یا کاملاً زمین للمی کاری هستند یا به چراگاه ها بسته گی دارند، بادر نظر داشت کمبود آب، موجودیت زمین، دسترسی به خدمات آموزشی و صحت، فرصت ها برای فعالیت های عایداتی، دسترسی موسمی به بازار ها، بارور بودن زمین و عواید از بابت محصولات؛ در پایین ترین سطح رده بندی قرار میگیرند.

مستمندان روستایی کی هاستند؟ فقیر ترین خانواده ها، غالباً همان خانواده هایی اند که در آنها یکی از والدین موجود نباشد (به خصوص خانواده هایی که ربیس خانواده یک زن بیوه می باشد) یا خانواده هایی اند که بیشترین اعضای آن ها معیوب هستند. ۶۷ در صد خانواده هایی که ربیس آن یک زن است یا ۵۸ % از خانواده هایی که اعضای معیوب دارند فقیر می باشند. خانواده های بزرگتر و خانواده هایی که کودکان و افراد مسن بیشتر داشته باشند، نیز نظر به حد متوسط فقیر تر اند. میان سطح پایین تحصیلات و فقر نیز ارتباطی موجود است. مصارف کسانی که در پنج سال اخیر مهاجرت کرده اند، هفت در صد پایین تر از کسانی است که مهاجرت ننموده اند. خانواده هایی که صاحب زمین اند، کمتر دچار فقر می باشند. دهقانان بی زمین و کسانی که در کار هایی زراعتی مشغول اند در زمره فقیر ها به شمار میروند. موقعیت جغرافیایی خانواده های روستایی تعیین کننده دسترسی آنان به خدمات است، ثروت درین زمینه نقش کمتری دارد.

اقتصاد روستایی : به طور اوسط، فعالیت های زراعتی ۶۳ درصد از عواید خانواده های روستایی را تشکیل میدهد. لیکن این رقم نظر به هر ولایت، متفاوت است. مثلاً در فراه فقط ۴۱ در صد را می سازد، حال آنکه در کندز و بغلان به ۸۹ در صد می رسد، (شکل ۳،۳ بالا) در سطح ولایت، اتکای خانواده ها به زراعت نظر به ثروت خانواده ها تفاوت نمی کند، لیکن مالکیت بر زمین و نوعیت فعالیت زراعتی بر آن تاثیر دارد. در چنین حالاتی خانواده های ثروتمند تر دارای زمین اند و خانواده های فقیر تر فعالیت های زراعتی آنها را پیش می برند. در سطح ملی، ۲۱ درصد خانواده ها بی زمین اند، لیکن این رقم نظر به ولایت از ۶ درصد در فراه شروع میشود تا به ۶۰ درصد در نیمروز میرسد. ۹۰ در صد خانواده های ثروتمند و متوسط در مقایسه با ۴۰ در صد خانواده های فقیر، دارای زمین اند.

تقریباً نیمی از جریان اشتغال در روستا ها شامل فعالیت های غیر زراعتی می گردد (همچو ساختمان، تجارت، صنعت، حمل و نقل، معدن و سایر خدمات) لیکن نوعیت اشتغال غیر زراعتی نظر به هر منطقه تفاوت می کند. استراتیژی های معیشت خانواده ها، که شامل مهاجرت بین المللی (عمدتاً به ایران و پاکستان) می شود، در ۱۴ درصد از مردم روستایی دیده شده است. بعضی از اعضای خانواده خیلی پرتحرک هستند، در جستجوی کار موسمی به روستا و ولایات همجوار مهاجرت می نمایند. این تنوع و انعطاف پذیری در معیشت، ظاهراً یک استراتیژی اساسی برای نفوس روستایی در مقابله با مخاطرات و عدم اطمینان به آینده بوده میتواند.

اگرچه زنان روستایی مستمند از نگاه اقتصادی فعال بوده می توانند اما شمار اندک شان بیرون از ساحة دهکده برای حصول عاید، فعالیت می کنند. در جنوب، غالباً زنان محدود به فعالیت های چهار دیوار خانه می باشند. برای زنان نظر به مردان پول خیلی کمتری برای اجرای یک کار مشابه پرداخت می گردد و در بعضی از موارد، این مزد حتی کمتر از مزد برای کودکانی است که در اکثر نقاط کشور در فعالیت های عایداتی مصروف اند. زنان روستایی برای بهتر ساختن رفاه خانواده شان به آموزش، انکشاف مهارت ها و دسترسی به پس انداز ها و خدمات قرضه به مثابه عمده ترین اولویت ها نیازمند هستند.

از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ افغانستان یک خشکسالی شدید و درازمدت را متحمل شد. حاصلات به نصف کاهش یافت و رمة ها کوچک شدند، طوری که اقتصاد متوسطی را که در اوایل و اواسط سال های هفتاد وجود داشت، کاملاً معدوم ساخت. شمار عظیم و رو به افزایش مردمی که منابع معیشت را از دست داده بودند، در داخل کشور بیجا شدند و یا هم به کشور های همسایه آواره شدند. سوء تغذی به شکل چشم گیر آن افزایش یافت و گزارش هامرگ و میر از گرسنه گی به دست آمد. یکجا شدن خشکسالی و جنگ، بر اقتصاد روستایی اثرات جدی گذاشت (به خصوص در مناطق شمال شرقی و مرکزی افغانستان).

در بسیاری از نقاط افغانستان، هنوز هم اثرات خشکسالی احساس می شود. از مناطق روستایی گزارش هایی از کم شدن رمة ها در نتیجه مردن یا فروش حیوانات، پایین آمدن وضع صحی باغها و تاکستان ها، دسترسی کمتر به آب و مواد سوخت، رسیده است. هرگونه کاهش در دسترسی به آب آشامیدنی یا آبیاری، تاثیرات گسترده بالای خانواده های روستایی وارد کرده که نقل مکان، یگانه روش مقابله با این مشکل می باشد. خشکسالی منتج به کاهش در تولیدات زراعتی گردید که برای رفع نیازمندی شان لازم پنداشته می شد، و در نتیجه وام های شانرا افزایش داد. زارعین مقروض مجبور به کشت خشخاش شدند تا بتوانند اعتبار شانرا برای دسترسی به زمین، منابع زراعتی، و مهمتر از همه کالای مصرفی خانواده تأمین کنند.

فرستادن پول از خارج نقش عمده یی در کاهش فقر خانواده دارد. پانزده در صد نفوس روستایی در حدود ۲۰ درصد از مصارف شان را به وسیله پول فرستاده شده از خارج تأمین میکنند. از میان فقیر ترین خانواد ها، فقط ۱۰ درصد شان کمک پولی از خارج دریافت می نمایند، با این هم، همین قسمت زیادی از مصارف شانرا تشکیل میدهد (۳۰ فیصد) و از همین رو، این پول برای خانواده ها ارزشمند است. رئیس خانواده هایی که در ۵ سال اخیر در داخل افغانستان مهاجرت نموده اند، به گمان اغلب از فقیرترین خانواده ها می باشند.

جدول ۳,۳ احصاییه یی فشرده در مورد شاخص های کلیدی فقر			
اهداف انکشافی	شاخص	سال	رقم مرجع
در پانزده سال آینده			
فقر و گرسنگی	نفوسی که کمتر از یک دالر در روز دارند	۲۰۰۵	ارقام موجود نیست
	تناسب خلای فقر	۲۰۰۵	ارقام موجود نیست
	سهم فقیر ترین پنجگانه در مصرف	۲۰۰۵	ارقام موجود نیست
	کودکان کم وزن زیر پنج سال	۲۰۰۲	۴۱ فیصد
	نفوس زیر سویه حد اقل انرژی غذایی	۲۰۰۳	۲۰,۴ فیصد
آموزش ابتدایی	میزان ثبت نام خالص در آموزش ابتدایی	۲۰۰۳	۵۴ فیصد *
	نسبت شاگرانی که صنف اول را آغاز نموده اند و تا صنف ۵ میرسند	۲۰۰۳	۴۵ فیصد
	میزان سواد در گروه سنی ۱۵ الی ۲۴ سال	۲۰۰۳	۳۴ فیصد

نسبت دختران نظر به پسران در آموزش ابتدایی	۲۰۰۳	۰,۶
نسبت دختران نظر به پسران در آموزش ثانوی	۲۰۰۳	۰,۳۳
نسبت دختران نظر به پسران در تحصیلات عالی	۲۰۰۳	۰,۲۱
نسبت اناث باسواد نظر به ذکور باسواد (۱۵ تا ۲۴ ساله)	۲۰۰۳	۰,۳۴
میزان مرگ و میر زیر ۵ سال	۲۰۰۳	۲۳۰
میزان مرگ و میر شیرخواران	۲۰۰۳	۱۴۰
نسبت کودکان زیر ۱ سال که در مقابل سرخکان واکسین شده اند	۲۰۰۳	۷۵
تناسب مرگ و میر مادران (در ۱۰۰۰۰۰)	۲۰۰۲	۱۶۰۰
نسبت ولادت هایی که توسط یک کارمند ماهر صحی انجام شده	۲۰۰۲	۱۴,۳ فیصد
میزان باروری	۲۰۰۲	۶,۳
نسبت زنانی که برایشان مراقبت های قبل از ولادت داده شده است.	۱۹۹۹	۱۲ فیصد
شیوع ایدز در میان کسانی که خون میدهند	ارقام موجود نیست	
نسبت نمونه های خونی که برای اچ آی وی / ایدز معاینه می شوند	ارقام موجود نیست	
میزان استفاده از کاندوم، میزان استفاده از روش های وقفه میان ولادت ها	۲۰۰۳	۵ فیصد
میزان استفاده از روش های وقفه میان ولادت ها	۲۰۰۳	به سطح ملی ۱۰ فیصد روستایی - ۶ فیصد شهری - ۲۱ فیصد
اچ آی وی / ایدز، ملاریا، توبرکلوز و سایر امراض	فیصدی نفوس بین سن ۱۵ تا ۴۹ که معلومات همه جانبه و درست در مورد اچ آی وی/ ایدز دارند.	ارقام موجود نیست
ملاریا	۲۰۰۳	۲,۶۷ فیصد واقعات ثبت شده
سل	۲۰۰۵	۳۳۳ در ۱۰۰۰۰۰ واقعهء فعال
نسبت واقعات سل که کشف و با شیوهء DOTS تداوی شده اند.	۲۰۰۵	۲۴ درصد از نفوسی که بیماری سل در آن ها کشف شده علاج گردیده اند.
آب و حفظ الصحة محیطی	نسبت نفوسی که دسترسی متداوم به یک منبع مناسب آب صحی در مناطق شهری و روستایی دارند	۲۰۰۳
	نسبت نفوسی که دسترسی متداوم به یک سیستم بیت - الخلاء مناسب در مناطق شهری ویا روستایی دارند.	۲۰۰۳
		۲۳ فیصد
		۱۲ فیصد

منبع: گزارش اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده

*نسبت کلی ثبت نام

وضع فقر در شهر ها

با نبود اطلاعات در باره نفوس، دولت تخمین می زند که ۶,۴ میلیون افغان در مناطق شهری زندگی دارند و این رقم تا سال ۱۳۹۴ دو چند خواهد شد. تنها در کابل، در حدود یک میلیون تن مهاجر از سال ۱۳۸۱ بدینسو بازگشت نموده اند و مسکن گزین شده اند. سروی بررسی مخاطره و آسیب پذیری ۲۰۰۳ هیچ ارقامی را در مورد ساحات شهری^{۳۷} جمع آوری نکرده است. اکنون کوشش هایی در جریان است تا یک سروی در میان نفوس شهری راه اندازی گردد. در اثر تراکم نفوس، خانواده های شهری نظر به خانواده های روستایی به سیستم های عرضه خدمات عامه برای رفع نیازمندی های شان بیشتر متکی می باشند. جنگ های درازمدت و بی ثباتی سبب ویران شدن سیستم های اساسی اداره و سرمایه گذاری در شهر ها و روستا ها گردیده است.

مناطق شهری به مثابه یک عامل عمده برای جذب خانواده های فقیر و بی بضاعت و افرادی که برای زنده ماندن به مساعدت احتیاج مبرم دارند، عمل می کنند. مشبوع شدن بازار برای کارگران غیرماهر، سبب بلند رفتن میزان بیکاری می گردد. در عین زمان، خانواده های شهری باید پول بیشتری را برای کرایه و مصارف مواد سوخت بپردازند، که اکثراً سبب عدم مصونیت غذایی می گردد. برای شمار زیادی از خانواده ها، افغانستان شهری فضای پرمخاطره یی را ایجاد می نماید. گزارش هایی از حادثات، خشونت های شخصی، محیط مزدحم و غیر بهداشتی از نظر حفظ الصحة محیطی رسیده است. با وجود آن، یک سروی ابتدایی که موازی با بررسی مخاطرات و آسیب پذیری ۲۰۰۳ انجام شده است، نشان میدهد که بیش از نصف خانواده های سروی شده غذای بیشتری نظر به یک سال پیش دارند، درحالیکه ۱۹ درصد خانواده ها غذای کمتری نظر به سال گذشته برای خوردن دارند.

مطالعه یی که توسط واحد تحقیقاتی و ارزیابی افغانستان به عمل آمده است، نشان میدهد که معیشت نفوس شهری غالباً غیر مصون و متناوب می باشد (نظر به موسم، خانواده، ترکیب، درجه تنوع، مهارت های خانواده و تحصیلات، سطح آمیزش خانواده با همسایگان در تعیین مصونیت اقتصادی بسیار مهم است)^{۳۸}. مالکیت زمین و مصونیت زمین به حیث مهمترین نگرانی ها برای باشندگان شهر می باشد. بر علاوه این، دسترسی به قرضه یک امتیاز کلیدی برای مصونیت معیشت می باشد. شبکه های اجتماعی، در مناطق شهری نظر به آنچه که در گذشته تلقی می شد خیلی ها قوی تر می باشد که این شبکه ها خنثی کننده عمده یی در مقابل مخاطرات به شمار می روند.

۳,۷ فقر و اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده

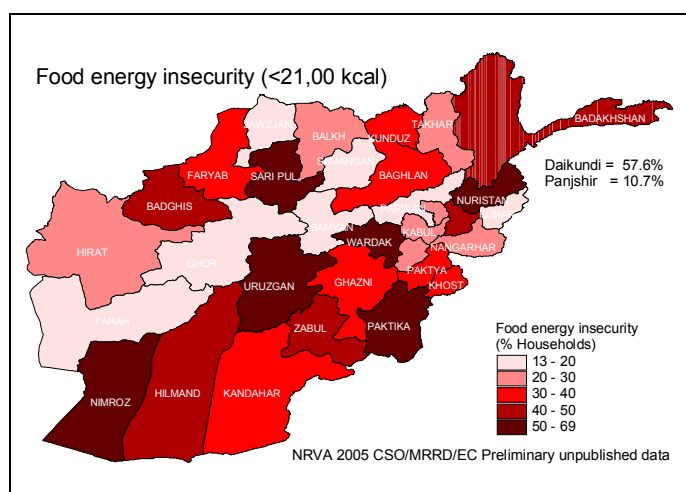
گزارش اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده، رهبران سیاسی، تصمیم گیرنده گان و همچنان جامعه مدنی، جوامع محلی، مردم عامه، اعضای شورای ملی و رسانه ها را در بحث پیرامون امنیت و انکشاف

^{۳۷} بررسی مخاطره و آسیب پذیری شامل ساحات شهری میشود. تحلیل معلومات این سروی درحال نهایی شدن است.
^{۳۸} مطالعه واحد تحقیقاتی و ارزیابی افغانستان در مورد نوعیت فقر و معیشت در مناطق شهری در نمونه های خیلی کوچک انجام یافته و فقط در حوزه کابل، هرات و جلال آباد عملی گردیده است.

بشری دخیل میسازد. اهداف نه گانه، واقعیت وضعی را که افغانستان با آن روبرو است، منعکس میسازد. این گزارش، پالیسی سازان را در تهیه استراتژی ها جهت نیل به اهداف انکشافی افغانستان، کمک مینماید.

فقر زدایی شدید و گرسنگی (هدف اول): چنانکه در بالا تذکر رفت، ۳۸ درصد خانواده های روستایی (یا در حدود ۶ درصد مردم روستایی افغانستان) دچار کمبود غذایی مزمن یا موقتی بوده و نیازمند مساعدت^{۳۹} به سویه های مختلف می باشند. این خانواده ها که دچار عدم مصونیت غذایی هستند، در هیچ موقع سال به نیازمندی های اساسی غذایی دست نمی یابند، خیلی فقیر میباشند. شکل ۳،۳ منابع اولیه و اشاره کننده سروی بررسی مخاطره و آسیب پذیری سال ۱۳۸۴ است که عدم مصونیت غذایی را بر اساس ولایت^{۴۰} نشان میدهد.

شکل ۳،۵: عدم مصونیت انرژی غذایی – ۱۳۸۴ (۲۰۰۵)



اخذ کالوری بلند و تنوع غذایی در میان خانواده هایی که به بازار نزدیکتر اند، بیشتر است. خانواده هایی که از بازار به دور مانده اند کالوری کمتر می گیرند و دارای یک رژیم غذایی کم تر متنوع می باشند. در سطح کشور فقط ۷ درصد خانواده ها به شکل دائمی به اندازه یک روز از بازار غذا به دور اند. اما این فیصدی در نورستان (۳۴ درصد) و در غور (۴۱ درصد) بلند می رود. خانواده هایی که توسط یک بیوه سرپرستی می شوند و در چراگاه ها زندگی دارند، در دشوار ترین وضعیت زندگی می کنند که تعداد خیلی معدود از این زن ها به بازار دسترسی دارند و بیشتر شان متکی به خویشاوندان هستند، تا برای شان از بازار مواد بیاورند.

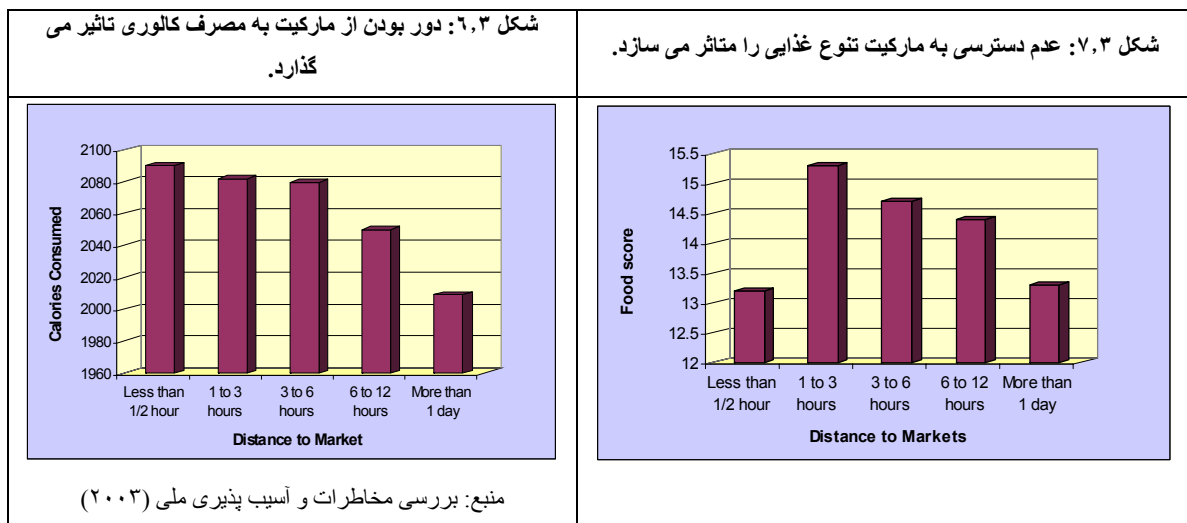
تنوع غذایی ظاهراً در بین گروه های مختلف با عواید مختلف در عین ساحه خیلی متفاوت نمی باشد. این واقعیت بیانگر آن است که فاصله جغرافیایی از بازار ها عنصر تعیین کننده در سطح تنوع غذایی در مناطق روستایی افغانستان می باشد (شکل ۳،۶ و ۳،۷) حتی بعد از برداشت حاصلات خوب (مثلاً در سال ۱۳۸۲)

^{۳۹} اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده، ۲۰۰۵

^{۴۰} در عدم موجودیت یک نقشه رسمی که در آن دایکندی و پنجشیر شامل باشند، مقدار مجموعی این ولایت به شکل متن تهیه شده و در چارچوب اداری ولایتی سابق جایه جا شده است.

که درین موقع توان خریداری بیشتر و فراوانی غذای متنوع توقع میرود، تنوع غذایی اندک بوده است. این به معنی آنست که آگاهی در مورد امتیازات یک غذای متوازن موجود نیست.

اگرچه این مصیبت همه گیر بوده است و درجه گرسنه گی و کمبود غذایی را در میان مردم افغانستان سرعت میبخشد. با آنهم، در جریان سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ نسبت مجموعی خانواده هایی که توان تهیه نیازمندی های نیروبخش خود را ندارند در بین ۲۰ تا ۲۷ درصد ثابت مانده است^{۴۱}. این نکته بیانگر آن است که اکثریت افغان ها در قسمت تامین یک سویه حد اقل کالوری نا توان اند با وجود آنکه بارندگی های متناوب در هر سال موجود بوده است.^{۴۲}



انعطاف پذیری اکثریت افغانها یکجا با برنامه های مساعدت غذایی هدفمند به موقع در مناطقی که مصونیت غذایی وجود ندارد و در اوقاتی که مشکلات بیشتر است، یک حد اقل اخذ کالوری را تامین و حفظ نموده است. این امر با وجود جنگ و تناوب بارندگی سالانه میباشد.

دستیابی به تعلیمات عمومی ابتدایی (هدف دوم) و مشکل بی سوادی: افغانستان دارای بلند ترین سطح کودکان که واجد شرایط شمولیت در مکتب ابتدایی اند (۷ تا ۱۲ ساله) می باشد. یعنی از هر پنج کودک افغان یکی از آنها کودکی است که باید شامل مکتب ابتدایی شود. با وجود تبلیغات موفقانه برگشت به مکتب، هنوز هم نصف کودکان سنین مکتب خارج از مکتب هستند. در جنوب بیشتر از ۶۰ درصد کودکان واجد شرایط شمولیت در مکتب ابتدایی، در مکتب شامل نیستند. از کسانی که در بین سنین ۱۵ الی ۲۴ قرار دارند و تحصیل یافته ترین گروه می باشند، فقط ۳۴ درصد شان با سواد اند که ۵۰ درصد آنرا ذکور و ۱۸ درصد آنرا اناث تشکیل میدهد. سویه با سواد ذکور در وردک بلند ترین بوده (۵۷ فیصد) و در جوزجان پایین ترین (۱۱)

^{۴۱} با وجود تغییر در میتودولوژی ها در طی سالها این رقم حاصل شده است.
^{۴۲} به شکل اوسط، افغانستان به شکل مجموعی به یک کسر غذایی ۶۰۰-۵۰۰ هزار تن متریک حبوبات در سال مواجه می باشد، که توسط واردات به اندازه ۳۰۰-۴۰۰ هزار تن متریک آرد گندم از کشور های همسایه و به مقدار ۱۰۰۰۰۰ تن متریک به شکل مساعدت غذایی جبران می گردد. البته که واردات ملی نشان نمی دهد که آیا آسیب پذیر ترین گروه ها دارایی کامل برای خرید آن دارند یا خیر.

فیصد) در حالیکه شمار زنان باسواد در بغلان بیشترین بوده (۲۲ فیصد) و در قندهار اندکترین (کمتر از یک فیصد) زنان و دختران از مردان و پسران از نگاه تحصیل عقب افتاده تر اند و این فاصله در حال کم شدن نیست. به صورت مجموعی، فقط ۱۰ درصد زنان با سواد اند که این فیصدی در میان مردان به ۳۷ درصد میرسد. پسران دو مرتبه فرصت بیشتر دارند تا دوره ابتدایی را به پایان برسانند که دلیل آن تبعیض جنسی و فشار فرهنگ اجتماعی برای تدریس دختران توسط معلمین اناث می باشد. این خیلی مشکل است تا شمار معلمان اناث با شمار پسران آموزش دیده مساوی شود.

ارتقای برابری جنسیت و توانمندی زنان (هدف سوم): بی عدالتی در امر آموزش، در میان قشر ذکور و اناث از مراحل اول زندگی آغاز می یابد. ثبت نام در مکاتب ابتدایی انعکاس دهنده این بی عدالتی است که از زمان تولد آغاز می گردد، و این بی عدالتی در تحصیلات ثانوی و عالی بیشتر می شود. افغانستان پایین ترین سطح سواد اناث را در جهان داراست (۹ تا ۱۸) درصد. خشونت علیه زنان همه گیر است – این به مثابه یک بیماری ساری خاموش است که در اثر پایین بودن مقام زن می باشد که با مخاصمات دراز مدت و جنگ همراه شده است. رسیدن به برابری جنسیت اجتماعی (جندر) امر بزرگی است فقط از طریق تلاش های چند گانه به شمول انفاذ قانون، ایجاد آگاهی و آوردن تغییرات تدریجی در عملکرد ها و طرز فکر فرهنگی، میتوان بدان دست یافت. اولتر از همه این امر مستلزم تعهد سیاسی و رهبری در سطوح بلند می باشد تا اقداماتی را به کار بندند که به شکل اساسی حقوق زنان را بهبود بخشد.

مرگ و میر اطفال (هدف چهارم): میزان حد اکثر توقع زندگی در زمان تولد ۴۵ سال است که ۲۰ سال کمتر از سایر ممالک آسیایی می باشد. بیش از ۲۰ درصد کودکان قبل از سن ۵ سالگی می میرند. ازین گروه، یک سوم آن بلافاصله بعد از ولادت می میرند و بیش از نیم آن در طی اولین سال تولد. سطح بلند مرگ و میر در اثر کمبود غذا و امراض ناشی از آب که در اثر استفاده از آب غیر صحی و حفظ الصحة محیطی خراب به میان میاید^{۴۳} و سطح پایین آموزش به خصوص در بین زنان می باشد. پروگرام معافیت سرخان یک کامیابی بزرگ در افغانستان بوده است که طی آن ۷۵ درصد کودکان که سن شان کمتر از ۱۲ ماه بوده است، معافیت حاصل کرده اند. از آنجاییکه پوشش معافیتی در مناطق شهری نظر به مناطق روستایی بیشتر بوده است، در مناطق روستایی میزان مرگ و میر هنوز هم ۲۵ درصد افزایش یافته است.

صحت مادران (هدف پنجم): افغانستان بلند ترین میزان مرگ و میر مادران را در سطح جهان بعد از سیرا لیون و انگولا داراست. تناسب مرگ و میر مادران بین ۱۶۰۰ تا ۲۲۰۰ تن فی ۱۰۰۰۰۰ تولد زنده تخمین زده می شود. قسمتی از بدخشان بلندترین سطح مرگ و میر مادران را که در تاریخ ثبت شده است داراست، که در آن ۷ درصد خانم ها در هنگام ولادت می میرند. در اثر سطح پایین تحصیلات زنان و تبعیض جنسی، کمتر از ۱۵ درصد تولدات توسط افراد ماهر تربیه شده که باید حتماً اناث باشد، انجام می یابد و تنها ۱۰ درصد توسط قابله های محلی و ۷۵ درصد ولایت ها توسط زنان خانواده ولادت داده می شود. حدود ۱۶ درصد از دختران قبل از سن ۱۵ و ۵۲ درصد از آنها قبل از هجده سالگی ازدواج می کنند. در بعضی ولایات

^{۴۳} در حدود ۷۰ درصد از نفوس روستایی و ۴۰ درصد نفوس شهری دسترسی به آب صحی ندارند. قریب ۴۱ درصد از نفوس و ۱۳ درصد از نفوس شهری هیچ دسترسی به سیستم بدر رفت درست ندارند.

پر نفوس کشور، که در آن سطح مقروضیت بالاست (کابل، هرات، ننگرهار و بادغیس) بیش از نیم دختران به سبب مسائل اقتصادی ازدواج می کنند تا قرض ها پرداخته شوند یا طویانه بدست آید که زنده گی خانواده را کمک کند. ازدواج پیش از وقت، همرا با فاصله ناکافی بین ولادت ها، باعث میشود که زنان در آغاز جوانی زود زود باردار شوند. این عوامل روی شاخص های مرگ و میر و مصاب شدن به امراض تاثیر منفی دارد.

آج، آی، وی/ ایدز، ملاریا، سل و سایر امراض (هدف ششم): در حال حاضر ارقام معتبر در مورد میزان رشد (اچ، آی، وی) ایدز در افغانستان وجود ندارد. لیکن، منحنی تولید کننده درجه اول تریاک و پروسه سریع تولید هیرویین، شمار استعمال کننده گان مواد مخدر از طریق وریدی روبه افزایش است، که بیش از ۴۰ درصد آنان از سوزن های مشترک استفاده می نمایند. تا کنون سیستم معاینه خون منظم وجود ندارد، استفاده از کاندوم محدود است، و آگاهی در مورد مرض و طرق پیش گیری آن اندک است. این مشکلات با بی سوادی همه گیر و موانع فرهنگی که از مباحثه روی مرض و چگونه گی انتشار آن ممانعت می نماید، مزید بر علت میگردد. چندین ملیون مهاجر از پاکستان و ایران بازگشته اند. شمار زیاد مهاجران از کشور هایی بر می گردند که (اچ، آی، وی) ایدز در آنجا در بین استفاده کننده گان مواد مخدر از طریق وریدی خیلی شیوع دارد. این رویداد ها نگرانی هایی را در قسمت انتشار آینده ایدز خلق می نماید. اگرچه استفاده از مواد مخدر در مناطق شمال شرق کشور معمول است، اما زرق وریدی مواد مخدر مروج نیست. از آنجایی که استفاده از موادمخدر از طریق وریدی در کشور های همجوار چون تاجیکستان، ازبکستان، و ترکمنستان شیوع دارد، ممکن در مدت کوتاهی، این روش ها در مناطق سرحدی افغانستان نیز رواج یابد.

ملاریا در ۶۰ درصد کشور عمومیت دارد و با گرم شدن هوا به مناطق مرتفع تر نیز منتشر می شود. تخمیناً ۲ تا ۳ میلیون واقعات ملاریا سالانه در نفوس ۲۵ میلیونی کشور دیده میشود. سروی چند شاخصه، کلستری ۸۴- ۱۳۸۳ (۲۰۰۴-۲۰۰۵) نشان میدهد که در سطح ملی، ۳۰ فیصد کودکان زیر سن پنج سال از بابت اسهال در طی ۱۵ سال گذشته آسیب دیده اند. بر علاوه، همین سروی نشان میدهد که والدین در این مدت برای کودکان شان مایعات بیشتر نداده و یا هم ادامه تغذی را در حدود ۴۷ درصد واقعات انجام نمی دهند. همچنان، والدین در ۳۱ فیصد از واقعات برای کودکان شان او، آر، اس (ORS) نداده بودند و به ۴۷ درصد این کودکان مایعات بیشتر داده نشده بود. این احصاییه ها نشان دهنده کمبود سطح دانش در مقابله با عامل اساسی مرگ و میر و مصاب گردیدن به بیماری ها درین گروه می باشد.

پایداری محیط زیست (هدف هفتم): پوشش جنگلات از سال ۱۳۵۷ به این طرف در اثر کمبود انرژی بدیل در عوض چوب سوخت و افزایش تقاضا برای چوب چار تراش در افغانستان و پاکستان به نصف آن کاهش یافته است. فقط ۶ درصد نفوس به برق منظم دسترسی دارند. در اثر خشکسالی و خراب شدن نظام اداره آب، سطح آب زیر زمینی در بسیاری از ساحات پایین آمده است.

نفوس رو به افزایش کشور ذخایر عمیق آبی کشور را کم میسازد، کیفیت آب خراب است و هشتاد درصد از نفوس کشور آب ملوث می نوشند. با برگشت ملیون ها مهاجر، شهر ها که از آلوده گی هوا، آب ملوث و زباله

ها مملو هستند، با مردمی که به شکل موقتی در گذر های فقیرنشین زندگی دارند و در این گذر ها تخمیناً ۷۵ درصد نفوس شهری تمرکز یافته اند، متورم میشوند.

در سطح کشور، ۲۸ درصد از مناطق روستایی از آب سطحی یعنی دریا ها، جھیل ها و جوی ها منحیث اولین منابع اساسی آب نوشیدنی استفاده می نمایند، که به هیچوجه برای نوشیدن " مصون " نیست. فقط ۲۴ درصد از همه منابع آبی قرار گزارش برای نوشیدن مناسب است. با ۴۰ درصد کاهش در مقدار آب، نظام سنتی کاریز منبع آبی بود که از همه بیشتر در کیفیت آبرسانی آن کاهش به عمل آمد. با وجود بارندگی های خوب در طی چند سال اخیر، سیستم کاریز از همه بیشتر از اثر میزان بارندگی پایین تر از حد نارمل و پایین بودن سطح آب های زیر زمینی متاثر شده است. دسترسی و صرف وقت برای بدست آوردن آب یک مشکل عمده برای صحت و شرایط معیشت میباشد. ۱۳ درصد خانواده ها گفته اند که منبع آب شان بیش از یک ساعت راه پیاده روی از محل مسکونی شان می باشد. کمتر از یک درصد خانواده ها یک بد رفت درست یا سیستم دستنویبی دارند که بر اساس تعریف های یونیسف "مصون" به شمار میرود.

افغانستان باید مقدار اراضی حفاظت شده را افزایش دهد و پوشش جنگلات را احیاء کند، در حالی که مواجهه به مقاومت از جانب مافیای قدرتمند تجارت چوب چارتراش کشور می باشد. مردم افغانستان ضرورت به دسترسی به مواد سوخت غیر جامد دارند. تجربه سایر کشور های فقیر نشان میدهد که این ممکن است طی یک دوره بیست ساله از استفاده ذغال و چوب به استفاده از گاز طبیعی و انرژی آفتاب دسترسی پیدا کرد. افزایش دسترسی به منابع مناسب آب و سیستم بد رفت درست نه تنها که در پایداری محیط زیست کمک می کند بل در بلند بردن سطح صحت مردم به خصوص در کاهش مصاب شدن به امراض و مرگ و میر کودکان نیز نقش براننده یی را ایفا می نماید.

مشارکت برای توسعه (هدف هشتم): دولت افغانستان ۵ درصد در تولیدات ناخالص داخلی از طریق عواید داخلی افزایش داده است. در سال ۱۳۸۲، دولت افغانستان تخمین نمود که مساعدت برای رسیدن به حد اقل ثبات بالغ بر ۲۷,۵ میلیارد دالر در یک مدت ۷ سال می باشد، که مساوی به ۱۶۸ دالر امریکایی هر نفر در همین دوره است. تادیه از سال ۱۳۸۱ تا کنون تخمیناً ۸۳ دالر فی نفر بوده است، نصف مقداری که مورد ضرورت است و احتمال آن میرود که با گذشت زمان مقدار مساعدت کاهش یابد. به اضافه، پول تادیه شده فقط مقدار تمویلی را در بر می گیرد که تمویل کننده گان به موسسات تطبیق کننده داده است نه آنچه که عملاً در افغانستان به مصرف رسیده است. از سال ۱۳۸۱ به این طرف، اکثر مساعدت ها به نیازمندی های عاجل بشردوستانه و تامین امنیت مصرف شده است، که فقط ۱۰ درصد آن در ساحت صحت و آموزش به مصرف رسیده است، که خیلی کمتر از مصرف عملیات نظامی در افغانستان می باشد. یک خلای بزرگ و فزاینده میان مقدار پول وعده شده و مقدار پولی که تادیه شده موجود است و یک فاصله زیاد از نگاه پولی و زمانی میان تادیه و تطبیق موجود می باشد. تقریباً سه چهارم مساعدت ها در راه های که خارج از بودجه دولت قرار داشته اند به مصرف رسیده است، در این روند چندین قرار داد کننده گان شریک بوده اند که این روش، سبب

مصارف بیشتر و به تعویق افتادن کار شده و در نتیجه در بلند بردن ظرفیت ملی دولت افغانستان ناکام مانده اند.

بی امنیتی (هدف نهم): با وجود فقر شدید، سیستم صحتی نادرست و گرسنگی، افغان ها بی امنیتی را بزرگترین مشکل شان قلمداد می نمایند. به این اساس، دولت این هدف جدید را بر هشت هدف انکشافی افغانستان درپانزده سال آینده افزوده است. عمده ترین تهدیدی که از جانب اکثریت افغانها شناسایی گردیده تروریسم یا حملات مخالفین دولت یا حمایت کننده گان آنان نمی باشد. بلکه تهدید عمده بی که افغان ها آنرا یاد آوری می نمایند عدم موجودیت حاکمیت قانون است که منتج به غارت و چپاول خشونت بار توسط صاحبان محلی قدرت، جنایتکاران و کارمندان مفسد اداری دولت میگردد. چهار ملیون افغان در محلاتی زندگی دارند که دارای ماین های زمینی و مهمات منفلق نشده است. افغانستان پس از کمپوچیا بلندترین شمار معیوبین را در سطح جهان داراست. نیمی از قربانیان ماین ها افراد زیر سن ۱۸ ساله می باشد. نا امنی یک مانع اصلی در مقابل آموزش و اشتراک زنان در امور عامه و محدودیت بزرگ بر سر راه سرمایه گذاری درازمدت و انکشاف به حساب میرود. اقتصاد افغانستان نظر به هر اقتصاد دیگر در جهان، تا حد زیادی متکی به تولید، پروسس و صادرات مواد مخدر می باشد.

اردوی ملی در چندین ساحه کامیاب تلقی می گردد. مصارف این اردو به شکل کلی از رهگذر مساعدت های خارجی پرداخت می گردد که برابر با ۱۷ درصد تولیدات ناخالص داخلی سال ۱۳۸۳ میباشد، که مقایسه به ۳ تا ۵ درصد تولیدات ناخالص داخلی برای دفاع که معیار جهانی است، خیلی زیاد می باشد. افزایش برنامه ریزی شده در پرداخت معاشات و تجهیز پولیس در حالی که به حمایت بیشتر برای ایجاد نیروی مسلکی و مبارزه با فساد اداری ضرورت است، بیش از پیش بودیجه امنیتی را متورم می سازد. اما تمویل کنندگان فقط ۴۰ هزینه مورد نیاز برای صندوق امانتی قانون و نظم برای افغانستان را تمویل نمودند که صرف معاشات پولیس وتجهیزات آن می گردد. مصرف تامین نیرو های امنیتی از منابع خود دولت به شکل پایدار و متداوم آن ممکن نیست و بیش از یک دهه دوام نخواهد آورد، حتی اگر سیستم اقتصاد مالیه دهی، در هر سال با سرعت کنونی ۱۰ درصد افزایش داشته باشد. پیش بینی میشود که در آینده مقدار پول تخصیص یافته برای نیرو های امنیتی از بودیجه ملی سیر نزولی داشته باشد، ولی مساعدت تمویل کنندگان برای چند سال ضرورت خواهد بود تا اصلاحات را تکمیل نموده، نظارت ملکی را ایجاد نماید.

۳. ۸ نتیجه

عدم موجودیت نظم قانون، عدم موجودیت زیر بناهای سودمند، دسترسی محدود به خدمات اساسی و بازار یابی به شکل کلی ساختار اقتصادی را تشکیل میدهند. در نتیجه، یک اقتصاد غیر رسمی، غیر قانونی، بی ظرفیت، بیزار از مخاطره، با تقاضای اندک، مثریت پایین باقی می ماند. در عدم موجودیت یک سیستم بدیل عایداتی و یک ساختار اقتصاد سیاسی، تجارت تریاک درحال حاضر نقش مرکزی را در عاید خانواده ها و عاید ملی دارد.

ریشه کن سازی و زدایش تجارت تریاک از طریق جایگزینی سیستم بدیل عایداتی برای رشد اقتصاد جانب دوران متکامله که رشد، ثبات، عرضه خدمات و فقر زدایی حیاتی می باشد، بدون رشد فقر زدایی نا ممکن است. بدون رشد، دولت نمی تواند مالیات را جمع آوری نماید. بدون به حرکت آوردن عایدات، دولت نمی تواند برای رفع محدودیت ها در مقابل رشد سرمایه گذاری کند و نه هم می تواند خدمات اساسی در قسمت آموزش، صحت، آب و حفظ الصحة محیطی را تهیه نماید. بدون عواید کافی برای تمویل دولت، پایداری مالی تمام برنامه های اصلاحی دولت در معرض خطر قرار میگیرد.

وقتی از فقر می گوئیم از مردم حرف می زنیم و در عقب احصاییه های بی روح، مصیبت های بشری نهفته است و محرومیت هایی که چهره انسانی فقر را نشان میدهد. افغانستان به علت ویرانی کامل دولت و اقتصادش در طی دهه های اخیر، بدون تسریع یک رشد متوازن نمی تواند به اهداف انکشافی دست یابد. فقر زدایی و رشد، دو روی یک سکه می باشند. بدون یک رشد وسیع البنیاد نمی توان با فقر مبارزه کرد. فقر در عین وقت شهر و روستا را متاثر ساخته، تاثیر چندین بعدی را وارد میکند. فقر بعضی از ولایات را نظر به عده دیگر بیشتر متاثر می سازد، که عمدتاً منوط به بی امنیتی و ساختار اقتصاد سیاسی می باشد. فقر بعضی از گروه ها را نظر به عده دیگر، بر اساس سطح عواید شان بیشتر متاثر می سازد، به خصوص گروه بی زمین، زنان، کودکان و معیوبین را. ساختار کنونی فقر فقط محتاج به پالیسی های طرفدار رشد نمی باشد، بلکه مستلزم طرح یک استراتژی وسیع البنیاد برای حمایت از مستمندان به شکل اخص آن می باشد. بر علاوه، با در نظر داشت طبیعت فقر و آسیب پذیری، سرمایه گذاری های ویژه مستقیم و غیر مستقیم برای تهیه تحفظ اجتماعی برای آن عده از کسانی که در تحت خط فقر قرار دارند تا زمانی که فرصت های مبتنی بر بازار آزاد ایجاد می گردد، ضروری محسوب میشود. موانع عدم رشد، بی امنیتی، عدم انتظام قانونی، عدم موجودیت خدمات مالی، سطح پایین تولیدات، زیر بنا های ضعیف و مالیه دهی ضعیف – در فصل بعدی چهارم به شکل مشرح آن مورد مطالعه قرار گرفته است.



موانع و چالش ها

در این فصل موانع و چالش ها در برابر (۱) امنیت (۲) حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر و (۳) انکشاف اقتصادی و اجتماعی مرور میگردد.

۱,۴ موانع در برابر امنیت

امنیت یک شرط اساسی برای موفقیت برنامه ساختار دولت ما محسوب میگردد. امنیت شامل امنیت خود کشور، امنیت کارمندان دولتی، امنیت سفر و تجارت و امنیت زنده گی و ملکیت مردم ما است. در دهه های اخیر جنگ، بی امنیتی تعیین کننده زنده گی افغانها بوده است. بسیاری از شیوه هایی که در این دهه ها به خاطر مبارزه با تهدیداتی مانند تهاجم، مداخله و هرج و مرج به کار برده شده، خود میتواند مانع تأمین امنیت پایدار گردد. امنیت نه از طریق زور و ارباب بل به واسطه حاکمیت قانون، عدالت، حکومتداری و انکشاف، تأمین میگردد. لذا، هدف برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان خنثی ساختن تهدیداتی است که متوجه امنیت بشری میباشد.

در حال حاضر، هم امنیت عاجل و هم ثبات دراز مدت مورد تهدید قرار دارند. افغانستان به صورت دوامدار- به ویژه در مناطق جنوبی و شرقی- با هراس افگنی مواجه است. هراس افگنی محلات مصنوعی در خارج از افغانستان در اختیار دارد و می تواند مانع ارائه خدمات دولت و تمویل کننده گان در قسمت های مهم کشور گردد. هراس افگنان روند دیموکراتیک کشور را تهدید میکنند و نماینده گان جامعه بین المللی را که به افغانستان کمک می رسانند، مورد حمله قرار میدهند. هراس افگنی، تهدیدات کوچک ولی شدیدی را علیه مصونیت سرمایه گذاران در ساحاتی که فعالیت دارند، ایجاد کرده است.

دولت و دفتر هیئت خاص سرمنشی سازمان ملل متحد در افغانستان، تقریباً ۱۸۰۰ گروه مسلح غیر قانونی متعلق به قدرتمندان محلی را - علاوه بر هراس افگنان - شمارش نموده اند. بر خلاف هراس افگنی، این گروه های مسلح در تمام مناطق کشور وجود دارند. این گروه ها در قاچاق مواد مخدر، غصب زمین ها، ازدواج های اجباری، سرقت و غارت به شمول حصول مالیات غیر قانونی دخیل هستند و مانع سهم گیری مراجع رقابت کننده در تجارت قانونی میگرددند.

یکی از دلایل نفوذ هراس افگنی، گروه های مسلح غیرقانونی و تجارت مواد مخدر، ضعف درونی نهاد های حاکمیت قانون است. ساختار نظامی چندین بار از هم پاشید؛ زیرا رژیم های وقت کوشش مینمودند تا از آن علیه مردم استفاده نمایند. پولیس نظم و منابع در دست داشته خویش را از دست داده و مفسد گردید. نظام حقوقی و عدلی متلاشی شد. بعد از چندین دهه، رژیم های مختلف، با تصویب قوانین و فرامین ضد و نقیض، نابود سازی بسیاری از سوابق و اسناد دولتی، و از دست دادن کارمندان قضایی آموزش دیده، بنای عدل و قضا را در کشور واژگون ساختند؛ چنانکه غالباً روشن نیست که حقیقت قانون چیست. رژیم ها کارمندان حقوقی و قضایی را از کار سبک دوش نمودند و نهاد های آموزش های حقوقی را از بین بردند. در همین حال، نهاد های عدلی نیز کارمندان و منابع خویش را از دست دادند.

در نتیجه، عوامل بیشمار مانع روند تقویۀ امنیت و ایجاد حاکمیت قانون در افغانستان گردیدند.

دولت در قسمت استفاده از قدرت انحصار ندارد: توانایی دولت در حفاظت از حقوق مردم افغانستان، تأمین آزادی گشت و گذار مردم، حمایت از اموال و آزادی افکار و تقویۀ انکشاف اجتماعی و اقتصادی شدیداً با محدودیت و موانع مواجه است، زیرا در زمینه استفاده از قدرت فاقد نیروی انحصاری است. هم هراس افغانان و هم گروه های مسلح میتوانند توانایی حکومت را به چالش بطلبند. گروه های مسلح غیرقانونی و قوماندانان شان تهدید مستقیمی در برابر امنیت ملی افغانستان هستند و مانع توانایی اردوی ملی جهت استقرار، جلب و حفظ قوای خویش گردیده اند. آنان همچنان توانایی پولیس را در امر تأمین مصونیت در ساحاتی از کشور، انکشاف حاکمیت قانون و محافظت از مردم محدود میسازند. برعلاوه، مراقبت قانونی در استفاده از نیرو توسط دولت، تضعیف شده، و یا در جریان جنگ ها نا پدید گشته است. اکنون حکومت در حال احیای مجدد آن میباشد. در صورت عدم موجودیت یک دستگاه پایدار امنیتی، قشر های آسیب پذیر برای حفاظت خود از اسلحه استفاده خواهند کرد.

کمیبود شدید منابع بشری: کمیبود شدیدی در قسمت توانایی های مدیریت و موجودیت کارمندان ماهر برای اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان وجود دارد. در سال ۱۳۸۲، کمتر از ۱۰ درصد افسران پولیس به شکل مناسب آن تجهیز شدند؛ در حالی که در جریان سالهای جنگ بیش از ۸۰ درصد زیربنای پولیس کشور از بین رفتند. تا ماه حوت سال ۱۳۸۳، بیش از ۵۰۰۰۰ تن از افراد اردو و پولیس کشور در "کورس های کوتاه مدت" آموزش دیده اند.

نگهداری کارمندان آموزش دیده و استخدام کارمندان جدید، عنصر عمده در ایجاد پولیس ملی است. ساختار رتبه یی پولیس ملی باید با ساختار رتبه یی اردوی ملی سازگاری داشته باشد. این موضوع میتواند با افزایش معاشات - در همه رتبه ها - همراه باشد تا احتمال فساد اداری و سوء استفاده از قدرت و تجهیزات پولیس کاهش یابد. در عین زمان، ایجاد نیرویی که منعکس کننده ترکیب جنسی و تنوع قومی جامعه افغانی باشد، چالش عمده یی را مخصوصاً در برابر پولیس ملی ایجاد خواهد کرد.

ساختار و پایداری نیرو های امنیتی: جامعه بین المللی افغانستان را در ایجاد ادارات امنیتی آن کمک کرده است تا با مشکلات خود مقابله نمایند. با این همه، هزینه بلند این خدمات امنیتی میتواند مانع دیگری در برابر انکشاف کشور باشد. در سالهای ۱۳۸۳-۱۳۸۴ هزینه عادی اردو و پولیس تا ۱۷ فیصد تولیدات ناخالص داخلی را احتوا می نماید. هیچ کشوری در جهان این بار را کشیده نخواهد توانست و پس کشور فقیری مانند افغانستان که شدیداً نیازمند سرمایه گذاری در عرصه صحت و تعلیم و تربیه برای مردم خود و نیز زیربنای اساسی برای انکشاف میباشد، به هیچ وجه از عهده آن برآمده نمیتواند. درحالی که نهاد های تمویل کننده بین المللی برای چند سال محدود این مصارف را متقبل خواهند شد، اما برای همیشه بار این مصارف را بردوش نخواهد کشید. افغانستان تا هنوز شیوه را دریافت نکرده است تا از طریق آن نیروی موثر امنیتی پایدار را ایجاد نماید.

موانع مالی پیوسته توانایی دولت را در ساحة سرمایه گذاری در سکتور امنیت محدود خواهد نمود، به ویژه بدان سبب که مصارف کلی پیشبرد اردوی ملی مؤثر در افغانستان، در آینده نزدیک، بالاتر از توانایی دولت در تمویل آن از طریق عواید ملی میباشد. در حالیکه اصلاحات ادارات پولیس ادامه دارد، سطح معاشات شان نیز ارتقا خواهد یافت، سایر بخش های خدمات عامه را به آن میکشاند که این امر مسوولیت های بیشتری را بدوش خزانه میگذارد. حتی با خوشبینانه ترین تخمین های رشد اقتصاد ملی، چندین سال را در بر خواهد گرفت تا سکتور امنیتی افغانستان خودکفا گردد؛ تا در آن دولت معاشات و هزینه های غیرمعاشات و مصارف کلی را که برای حصول مقاصد دفاع ملی لازم است بپردازد.

سرحدات پر منفذ: سرحدات پر منفذ افغانستان امکان نفوذ دهشت افگنان، اسلحه، مواد مخدر، و انسان ها را به شکل قاچاق فراهم میسازد. با وجود تلاشهای پولیس سرحدی و پولیس ملی جهت تعقیب و جلوگیری از رفت و آمد غیر قانونی، هنوز هم امنیت کشور از ورای مرز ها تهدید می شود.

اندازه اقتصاد غیر قانونی: اندازه عواید نقدی که از مدرک فعالیت های غیر قانونی به دست میاید، به شمول قاچاق مواد مخدر، منفعت تجارت قانونی را کمتر جلوه میدهد، چنانچه اقتصاد قانونی عبارت از زراعت برای زندگی بخور و نمیر ویا فعالیت ها به میزان کوچک، میباشد. در حالی که تعدادی از بزرگترین و غنی ترین تصدی ها در کشور مربوط به جنایتکاران میگردد و به شکل غیر رسمی از خشونت و زور و ارباب کار میگیرند. منافع ثروتمندان بزرگ و پر قدرت که از طرق غیر مشروع بدست آورده اند، با ایجاد امنیت به مخاطره می افتد، بناءً، هرآنچه در اختیار دارند به کار می بندند تا از ایجاد امنیت سراسری در کشور جلوگیری بعمل آورند.

تضاد های میان فقر و منابع: افغانستان یکی از فقیرترین کشور های جهان میباشد. در بسیاری مناطق این کشور، اغلباً مردم غذای کافی برای خوردن ندارند، زنده ماندن آنها متکی به داشتن دسترسی به منابع کمیاب آب و زمین و همچنان راه های قاچاق میباشد که آنها را قادر میسازد تا به درآمد ناچیز خود افزایش بخشند. هیچ سیستم موثر قانونی ویا عدلی جهت تنظیم دسترسی به این منابع وجود ندارد. در عین زمان، چند دهه

جنگ که توسط قدرت های خارجی تمویل میگردید، باعث شد تا اکثریت مردم ذخایر اسلحه داشته باشند. از اینرو جنگهای شدید به خاطر کنترل منابع بسیار ضروری در سرتاسر کشور، عمومیت دارد. یک گروپ سیاسی نا به کار و یا یک باند منحرف جنایتکار میتواند افراد فقیر را جهت سنتیزه جویی های شان به منظور تسلط بالای منابع، استخدام نماید. تلاش ها برای بدست آوردن منابع بعداً میتواند باعث بروز مخالفت های سیاسی گردد.

۲،۴ : موانع در برابر حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر

مسائل ذیل موانع عمومی در برابر حکومتداری، انکشاف حاکمیت قانون و حمایت و تأمین کامل حقوق بشر میباشند. موانع مشخص با مسائل بیشتر در فصل ۷ بیان گردیده اند.

۱،۲،۴ سکتور ضعیف عامه

مواعی که در برابر حاکمیت سالم در افغانستان وجود دارد و امروز باید کشور بر آنها فایق آید قسماً در فصل ۲ توضیح گردیده اند. دولت افغانستان نظر به دولت های دیگر جهان فیصدی کمتر منابع داخلی را در تولید ناخالص داخلی به کار میاندازد. دولت افغانستان فاقد افراد آموزش دیده، سیستم های مدیریت افراد، معلومات ویا پول و ارتباطات میباشد. چهارچوب حقوقی و تنظیم کننده لازم برای دولت در جهت اجرای مؤثر وظایف، محافظت از شهروندان و حراست از سرمایه گذاری در کشور ضعیف بوده یا هیچ وجود ندارد.

دانش محدود قانونگذاری، نظارت و تجربه نماینده گی از مقامات جدید دموکراتیک: ساختار های حکومتداری افغانستان ضعیف خواهد ماند مگر آنکه قدرت سیاسی در برابر اتباع کشور به شکل فزاینده مسؤول قرار گرفته، مقامات متعدد منتخبه در آن سهیم گردند. اگر قرار باشد که اهداف کلی قانون اساسی پیاده گردند، لازم است تا ظرفیت های کاملاً دموکراتیک نهاد های جدید، به شمول شورای ملی و شورا های ولایتی درک شوند. این همچنان شامل به رسمیت شناختن فعالین غیر دولتی (نهاد های اسلامی، جامعه مدنی، سکتور خصوصی، رسانه ها و نهاد های اکادمیک) نیز میگردد. آنها باید به مثابه همکاران دولت محسوب شوند حتی اگر واجد دیدگاه های متفاوت هم باشند.

فقدان منابع و ظرفیت مالی: به اساس تخمین صندوق بین المللی پول اکنون دولت افغانستان ۴،۵ فیصد تولیدات ناخالص ملی مشروع را، نظر به ۳،۲ فیصد تولیدات ناخالص ملی در آغاز اداره مؤقت، به حیث عواید داخلی به کار انداخته است. این نشاندهنده ضعیف ترین کارایی یک دولت در جهان است. دولت بدون داشتن منابع عایداتی بزرگتر و پایدارتر قادر نخواهد بود تا به صورت پایدار معاشات سکتور عامه را پرداخت نماید، چه رسد به اینکه سرمایه گذاری عامه را تمویل نماید. مردم افغانستان مبالغ بیشتری را نظر به وجوهی

که توسط دولت جمع آوری میگردد برای خدمات عامه میپردازند، ولی وجه هنگفتی از مالیات پرداخت شده یا از جانب قدرتمندان غیرمشروع چپاول میشود و یا جهت حمایت سیستم های حکومتی غیررسمی در سطح روستا ها که جزء دولت نیستند به مصرف میرسد. اقتصاد بزرگ غیررسمی به وسیله سکتور دولتی به همین اندازه غیررسمی اداره میگردد.

دولت علاوه بر سطح پایین عوایدی که جمع آوری میکند، ظرفیت اجرای مصارف را نیز در اکثر بخش های کشور، قسماً به دلیل نداشتن به دلیل سیستم های پیگری و اداره مالی، ندارد. فقدان بانکداری فعال و سیستم پرداخت الکترونیک و بی امنیتی گسترده در کشور رسانیدن مصارف دولت را در اکثر بخش ها با مشکل مواجه ساخته است و یا برای دولت مشکل است تا اطمینان حاصل کند که مصارف در همه ولایات یکسان میباشد.

فقدان کارمندان شایسته و با انضباط: تخریب خدمات ملکی به وسیله شکنجه سیاسی و تورم بیش از حد در فصل ۲ توضیح گردید. دولت قادر نخواهد بود تا بدون مأمورین دولتی شایسته و مسلکی به صورت مؤثر وظایف بنیادی عرضه خدمات خود را انجام دهد همچنان خواهد توانست حکومت خود را اداره نماید. اکثر مأمورین دولتی هنوز از طریق شناخت های شخصی استخدام میشوند، اما ندرتاً با در نظر داشت معیار های شایستگی. علت آن این است که معاشات مأمورین دولتی برای جلب، حفظ و انگیزش کارمندان شایسته و با مهارت کافی نیست. این موضوع سبب فساد اداری توسط ماموران دولتی میگردد به همین گونه این امر باعث میشود تا سکتور دولتی به کمبود منابع بشری تحصیل یافته، با مهارت و مسلکی مواجه باشد، در حالی که افراد با مهارت در مؤسسات کمک دهنده استخدام شده اند.

فساد اداری به دلیل پیچیدگی طرز العمل های قضایی و فقدان اصلاحات حقوقی در سکتور قضایی گسترده میباشد. اکثر قضات جهت تقویه عواید خود دسترسی به عدالت را به کسی که بیشترین رشوه را میپردازد میفروشند، که به این صورت همه را به استثنای ثروتمندان و قدرتمندان از دست یابی به عدالت محروم میسازند. ازینرو اعتماد مردم در قدرت سکتور قضایی، و ازین طریق به دولت، خیلی کم است، که این خود باعث میگردد تا مردم جهت دادرسی به میکانیزم های قضایی سنتی و یا غیررسمی رجوع نمایند.

مرکزی بودن بیش از حد: با وجود گرفتن بسیاری بخش های اداره از سوی قدرتمندان غیر رسمی و یا ماموران مفسد، افغانستان دارای یک شکل حکومت بسیار مرکزی شده است. هم اکنون بیش از یک سوم کارمندانی که در وزارتخانه ها استخدام شده اند در مقر وزارتخانه ها در کابل موقعیت دارند. چارچوب های انتظامی مرکزی شده موجود در اثر موجودیت طرز العمل های غیر عملی مورد نیاز با فساد مواجه هستند. این بسیار مهم است تا اصلاحات را به طور سریع به ولایات و ولسوالی ها توسعه داد و منابع موجود بشری، مالی و فزیک را به ادارات ولایتی، ولسوالی ها و ریاست های وزارتخانه های مربوطه، افزایش بخشید. با گذشت زمان، این خیلی به جا خواهد بود تا یک اندازه غیرمرکزی سازی مسئولیت های پالیسی سازی و

بودجه بی را در نظر بگیریم. مرحله چنین تغییری در میان سایر مسائل، متکی به تقویت ظرفیت و سپس نقش شورا های منتخبه دموکراتیک ولایتی و سر انجام شورا ها در ولسوالی ها میباشد.

فقدان انسجام تصمیمگیری در سرتاسر دولت: ایجاب مینماید تا وظایف وزارتخانه ها توجیه گردد و بدینوسیله از تکرار آن کاهش بعمل آمده و مسؤولیت های مربوطه واضح گردند. همچنان ایجاب مینماید تا ارتباطات و مسؤولیت های مربوطه را در میان ولسوالی ها، ولایات و مقامات مرکزی تقویت بخشید. هماهنگی بهبود یافته در پیرامون پالیسی سازی و فعالیت های عرضه خدمات، مؤثریت حکومت را ارتقا بخشیده، مشروعیت آنرا نیز در نزد مردم بهبود میبخشد.

محدودیت در حسابداری مستقیم به مراجعین: در حال حاضر، ادارات ولایات، ولسوالی ها و ریاست های وزارتخانه های مربوطه در برابر مردم محل مسؤول و حسابداری نمیشوند. با انتخابات شورا های ولایتی، یک فرصت میسر گردید تا روابط میان مردم و ریاست های دولتی مسؤول عرضه خدمات محلی، بهبود پذیرد. ولی، ادارات محلی و ریاست های وزارتخانه های مربوطه باید به قدر کافی تمویل گردیده و یک اندازه صلاحیت داشته باشند تا در صورت لزوم اطمینان حاصل نمایند که پالیسی سازی و عرضه خدمات بازتاب دهنده ضروریات و اولویت های مردم محلی شان می باشد. این مهم است تا تمام اقشار جامعه، به شمول زنان و اقلیت های محلی قادر گردند تا در انجمن های سیاسی در سطح محلی شرکت ورزند.

غصب قدرت دولتی توسط قدرتمندان غیرمشروع: با وجود سطح بلند نفوذ دولت مرکزی مشروع، اکثر ساختار های اداره محلی کشور عملاً تحت کنترل قدرتمندان غیرمشروع و گروپ های مسلح باقی مانده است. قدرتمندان غیرمشروع میخواهند که با استفاده از ماشین دولت منافع شخصی شانرا حمایت نمایند، منابع را از سکتور های مواد مخدر و دیگر سکتور های غیرمشروع اقتصاد بسیج نمایند تا برای شان امکان ایجاد گروپ های مسلح خصوصی و پرداخت رشوه به مأمورین دولتی خیلی بیشتر از معاشات شان را میسر سازد. اکثر کسانی که در ادارات دولتی کار میکنند در واقع بخشی از ساختار غیررسمی که سکتور های غیررسمی و غیرمشروع اقتصاد را کنترل مینمایند میباشند. سکتور رسمی دولتی نمیتواند به صورت مؤثر با سکتور غیررسمی رقابت نماید، همچنان توانایی رقابت با میزان و مقدار رشوه هایی که به مأمورین دولتی عرضه میگردد را نیز ندارد.

۲,۲,۴ عدم مؤثریت کمک ها

تطبیق پروژه های امدادی نمیتواند ظرفیت پایدار برای رشد اقتصادی ایجاد نماید. کمتر از ۲۵ فیصد وجوه مالی نهاد های تمویل کننده از طریق مجاری دولتی فراهم میشود، که ظرفیت انکشاف دولت و انسجام مصارف در سکتور ها، برنامه ها و مناطق جغرافیایی را به تحلیل میبرد^{۵۷}. فراهم آوری مساعدت به صورت موازی باعث کاهش در مالکیت اصلاحات و پایین آمدن اعتبار دولت به علت کاهش در عرضه خدمات،

میگردد که میتواند مشوقی برای پیوستن به اقتصاد رسمی باشد؛ همچنان پایداری درازمدت مالی دولت را نیز در نظر نمیگیرد.

چون مصارف از طریق بودجه دولت نمیگذرد، برای دولت مشکل است تا همه پروژه ها را در استراتژی انکشافی که برنامه پالیسی به هم مرتبط را عرضه خواهد نمود مدغم نماید. به همین گونه، دولت در مورد اجزای و مصارف سکتور موازی کنترل، و در اکثر موارد معلومات، ندارد. ازینرو این سکتور نمیتواند در مورد استفاده از وجوه دولتی مسؤولیت داشته باشد، که این کار باعث تضعیف دیموکراسی میگردد. دولت به دلیل نداشتن راه های قانونی در قسمت بسیج نمودن وجوه لازمه به مشکلات بیشتری مواجه است. ایجاد یک سکتور عامه که بطور موازی از طریق بین المللی اداره گردد، قانونیت دولت را به تحلیل میگیرد. مردم هیچگونه ارتباطی میان رعایت در پرداختن مالیات و عرضه خدمات ملاحظه نمیکند، آن گونه که در بین فعالین اقتصادی دیگر، در مورد مؤسسات امدادی از منابع بیرونی فراهم میشود.

تعهد در پروژه ها و سرعت پرداخت هزینه آنها خیلی ضعیف بوده است. پروژه های زیربنایی خیلی پرهزینه بوده اند و مدت طولانی را در بر میگیرند. قوانین و مقررات داوطلبی رقابتی بین المللی مسؤولیت هایی را به دوش سکتور خصوصی افغانستان واکذار میکند که آنها نمیتواند از عهده آن بر آیند چنانی که این امر باعث میشود تا آنها را از شرکت در داوطلبی بین المللی مانع شود.

عدم ثبات در قسمت فراهم آوری وجوه از جانب نهاد های تمویل کننده از یک سال تا سال دیگر تداوی عرضی فقر را با برنامه های کوتاه مدت و مصرفی تشویق مینماید. به سرمایه گذاری هایی که به اسباب درازمدت سطح پایین تولیدات و فقر ساختاری رسیدگی نماید نیاز مبرم وجود دارد.

۴,۳ : موانع در برابر رشد اقتصادی و اجتماعی

مسائل زیرین موانع عمومی در برابر انکشاف اقتصادی و اجتماعی میباشند: موانع مشخص با مسائل بیشتر در فصل ۸ بیان گردیده اند

چهارچوب ناکامل و نامناسب حقوقی و تشکیلاتی برای رشد اقتصادی: در حالی که اکثر اصلاحات حقوقی در عرصه بانکداری، مالیات، گمرکات، تدارکات و سرمایه گذاری صورت گرفته است، عملی نمودن و تطبیق اصلاحات مذکور از طریق یک چهارچوب تشکیلاتی فعال هنوز صورت نگرفته است. اکثر اصلاحات حقوقی هنوز انجام نیافته اند که باعث صدمه زدن به سرمایه گذاری کوچک و متوسط میگردد. پیشرفت بطنی اصلاحات و تطبیق دلخواه حقوق ملکیت ها باعث تضعیف استفاده مؤثر زمین و سرمایه روستایی و کشاورزی میگردد. عدم موجودیت خدمات مالی برای فقرا و حفاظت از دارایی های آنان، بخصوص زمین، آنها را از این قابلیت محروم میسازد تا از فرصت های بازار بهرمنند گردند.

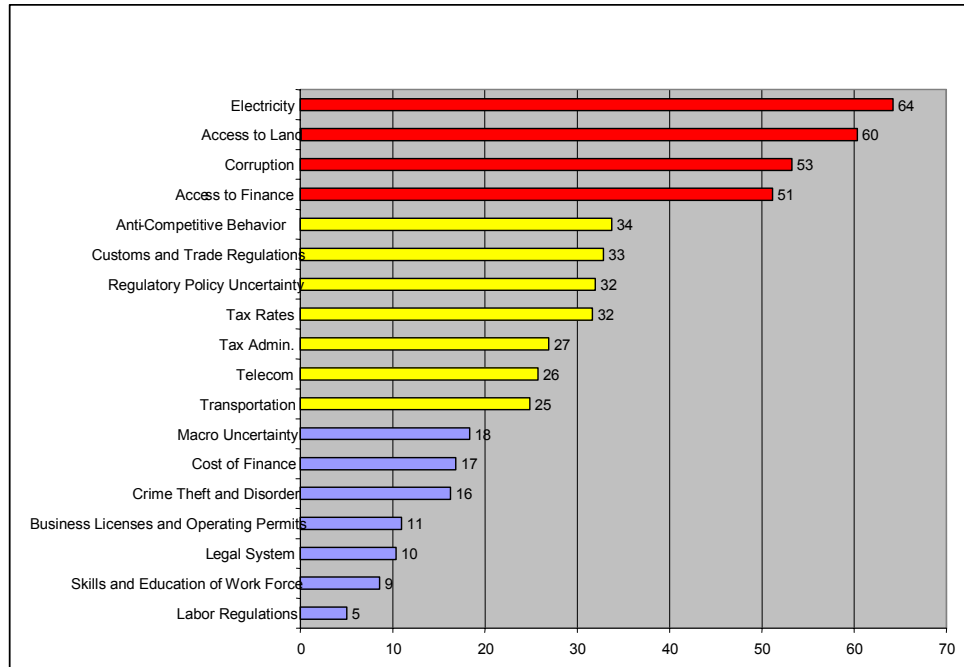
رژیم کنونی مالیاتی و تنظیم کننده برای سکتور رسمی قویاً باعث می‌گردد تا تصدی ها تشویق گردند به شکل غیر رسمی باقی بمانند. باید همه مالیات به شکل نقده و توسط شخص پرداخت گردد. مالیات بر سرمایه بدون در نظر داشت این که از آن نفع حاصل گردد و یا نگردد وضع شده است. پرداخت مالیات میتواند الی ۳۰ فرد- روز کار را جهت جمع آوری امضاء های مورد نیاز در بر گیرد همچنان در اکثر این مراحل تقاضای رشوه نیز وجود دارد. به این ترتیب رژیم تنظیم کننده کنونی برای رشد اقتصادی مناسب نمیباشد.

زیربنای ضعیف مادی و استفاده ناکافی از امکانات: بیش از دو دهه جنگ، فقدان سرمایه گذاری، و سهل انگاری در حفظ و مراقبت، زیربنا های افغانستان را، که از همان نخست به خوبی انکشاف یافته نبود، شدیداً متضرر ساخته است. این موضوع رشد اقتصادی را کاهش داده، سطح مواد اولیه برای خدمات، زراعت و صنعت را پایین آورده است. علاوه، زیربنایی که اتحاد بازار ها را تسهیل میبخشید تخریب شده، یا هم از بین رفته است. وضعیت شدیداً ضعیف زیربنای روستایی در برابر آب صحتی آشامیدنی، بهداشت، دسترسی فیزیکی، آبیاری و برق یک مانع شدید برای مردم فقیر روستا ها جهت بهبود بخشیدن صحت، مهارت ها و معیشت ایشان میباشد. ضعیف زیربنای روستایی در برابر آب صحتی آشامیدنی، بهداشت، دسترسی فیزیکی، آبیاری و برق

وضعیت ویران زیربنای کشور در برابر انکشاف سکتور خصوصی، که لازم است به حیث ماشین رشد، محرک اشتغال و عرضه کننده خدمات از طریق بازار تقویت گردد، مانع جدی میباشد. نتایج سروی وضعیت سرمایه گذاری (که در جدول ۳, ۴ در ذیل نشان داده شده) نشاندهنده طیف وسیعی از موانع اجباری "بزرگ" و "شدید" است که رشد سکتور خصوصی را تضعیف مینماید.

زیربنای ضعیف فیزیکی شهر های کشور خاصاً یکی از موانع عمده در رشد اقتصادی محسوب میشود. عدم موجودیت سرپناه، ترانسپورت، برق، مواد سوخت، آب، مخابرات، وجوه مالی و سایر مواد اساسی عام المنفعه که معمولاً شهر ها را به دستگاه های انکشاف و ایجاد اشتغال مبدل میسازند، در عوض موجب پیامد عدم اشتغال می شوند که در اثر به دست آوردن عواید محدود از درآمد هایی که بواسطه اقتصاد مواد مخدر و یا مصارف امدادی بمیان میایند، میگردند. عدم موجودیت امنیت که از فساد کارمندان رسمی ناشی میشود، بدون میکانیزم های همبستگی که بعضی اوقات مردم مناطق روستایی را حفاظت میکنند، نیز دسترسی به زمین و سایر اموال را به اشخاصی که با کارمندان مفسد ارتباط دارند، منحصر میسازد.

شکل ۳، ۴: موانع اجباری سکتور خصوصی



سروی مذکور به شکل معکوس بیان میدارد که امنیت مانع قابل ملاحظه نیست، اگر چه نظم و قانون ناکافی به صورت قابل ملاحظه‌ای انکشاف سکتور خصوصی را مانع می‌گردد. گزارش بانک جهانی در مورد فضای سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد که تأمین امنیت در افغانستان در مقایسه با سایر کشورها موجب مصارف بسیار بلند می‌گردد. (به شکل ۱، ۴ مراجعه گردد). جوابگویان سروی عوامل ذیل را به حیث موانع مهم مشخص نموده‌اند (نظر به اهمیت درجه بندی شده): (۱) نبود کافی برق؛ (۲) عدم دسترسی کافی به زمین؛ (۳) فساد اداری؛ (۴) دسترسی کافی به منابع مالی.

برق و نیروی آبی – موجودیت برق به سبب جنگ و خشکسالی دوامدار کاهش یافته و خیلی کم انکشاف یافته است. در پایان سال ۱۳۸۳ (اوایل سال ۲۰۰۵) صرف ۶ فیصد مردم افغانستان به برق دسترسی داشتند، که یکی از پایینترین ارقام در جهان می‌باشد. یک سوم مصرف کنندگان برق که به شبکه عمومی وصل بودند، در کابل اند. توزیع برق در ولایات و روستاها به شکل قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. پرداخت هزینه‌های نهاد‌های تمویل کننده درین عرصه به تناسب خیلی کمتر از آنچه تعهد شده بود، صورت گرفته است.

آبیاری – زراعت قویاً وابسته به آبیاری می‌باشد، زیرا بارندگی در قسمت‌هایی از کشور که موقعیت و خاک آن برای زراعت مناسب است خیلی کم و بی نهایت تغییر پذیر است. از سال ۱۳۷۵ به این طرف ساحه تحت آبیاری در حدود ۶۰ فیصد کاهش یافته است. افغانستان مقدار خیلی کم آب دارد و کمبود آن در نتیجه تخریب و سهل انگاری در قسمت سیستم‌های مدیریت آب و سالهای خشکسالی بیشتر شده است. زمین‌های قابل زرع

صرف ۱۲ فیصد مساحت کشور را تشکیل می‌دهند. به علت کمبود آب و نبود مدیریت برای تنظیم آب صرف نیم زمین‌های قابل زرع می‌توانند در هر سال قابل کشاورزی شوند.

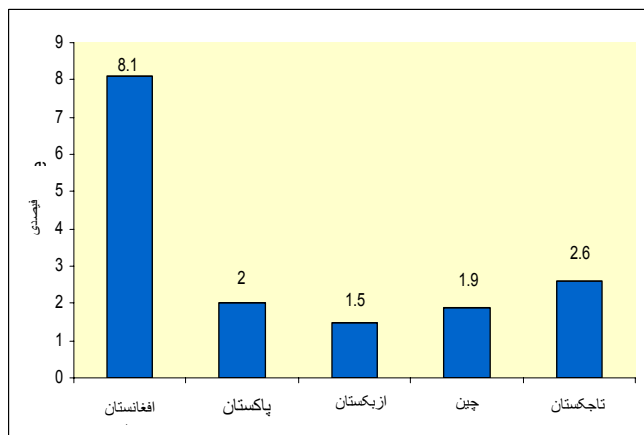
توان تولیداتی زراعت در افغانستان قسماً به سبب فقدان آب و مدیریت تنظیم آب خیلی کمتر از کشور های همجوار است. علاوه، کشت خشخاش به علت این که نظر به محصولات دیگر در برابر خشکسالی مقاوم تر است بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

عمدتاً آبیاری توسط پروژه های کوچک و متوسط حوزه های دریایی که تحت مالکیت اجتماعات روستایی قرار داشته، توسط آنها به کار انداخته شده و حفظ و مراقبت می‌گردد صورت می‌گیرد. این گونه سطح بلند مالکیت اجتماعات محلی باید بنیاد محکمی برای روش پایدار بازسازی توسط اجتماعات محلی فراهم نماید. پروژه های بزرگ آبیاری که بیش از ۱۰۰۰۰۰ هکتار زمین را تحت پوشش قرار می‌دهند در سطوح هموار شمال و غرب وجود دارند، ولی این ها در معرض مشکلات جدی مدیریتی، سرعت و شوری آب و تغییرات تخریبی در رژیم های دریایی قرار دارند. در سال ۱۳۷۶ ساحه نیازمند احیای مجدد در حدود ۱,۷ میلیون هکتار بود.

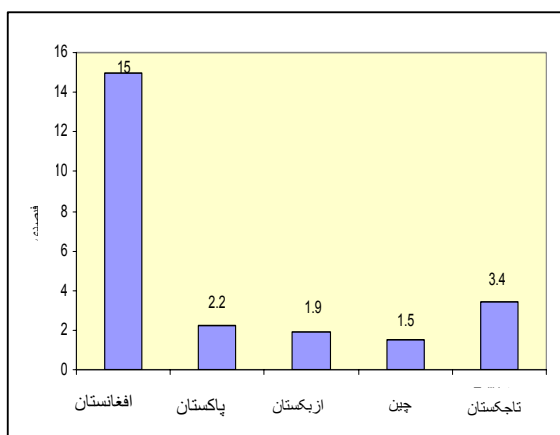
جدول ۱، ۴ مصارف تجارت در افغانستان

گزارش سال ۲۰۰۵ بانک جهانی (مسوده رسمی) در مورد فضای سرمایه گذاری در افغانستان یک بررسی ابتدایی مصارف بی امنیتی را به اساس فیصدی فروشات در مقایسه با سایر کشور های واقع در منطقه انجام می‌دهد. تنها ۱۶ فیصد از جمله ۳۵۵ فیصد شرکت های تجارتی سروی شده نشان می‌دهد که (جرم، سرقت و بی نظمی) از جمله موانع عمده در فروشات میباشد. این امر قسماً انعکاس دهنده پشرفت های واقعی در امنیت بوده و همچنان نشان می‌دهد که شرکت های تجارتی مجبور می‌گردند تا جهت تأمین امنیت خود از عناصر قدرتمند در جامعه استفاده نمایند که ممکن راه های حل موقت امنیتی را برای شرکت های موجود فراهم سازند، اما در داوطلبی ممکنه در بازار سهولت ایجاد نمی کنند. علاوه برین، این کار مکرراً باعث می‌گردد تا بازار ها به سیستم های حمایتی وسیع تأمین کننده امنیت دسترسی محدود داشته باشند و این امر فرصت های وسیعتر بازار را محدود می‌سازد. چنین محافظت که خارج از حد صلاحیت دولت قرار دارد، موجب تقویت تولیدات غیر رسمی گردیده و در اکثر موارد، خاصاً تولیدات غیر قانونی را تقویت می‌بخشد. نتایج بدست آمده از سروی فضای سرمایه گذاری همچنان نشان می‌دهد که شبکه های غیر رسمی اغلب موجب مانع واردات گردیده و شرکت های موجود مجبور می‌گردند خسارات مصرفی هنگفتی را بخاطر تأمین امنیت خویش متحمل گردند و به اساس ارزیابی ها، فروشات به ۱۵ فیصد بالغ می‌گردد که این رقم در مقایسه با فروشات کشور های همسایه بیشتر میباشد. شکل ۴,۲ زیلا نشان دهنده مصارف امنیتی گزارش شده به اساس فیصدی فروشات برای کشور های مختلف میباشد که منحصراً بازار های موجود داد و ستد صادرات افغانی به شمار می‌روند.

شکل ۴,۲ مصارف پرداخت های غیر رسمی



شکل ۴,۳ مصارف امنیت به اساس فیصدی فروشات



گزارش بانک جهانی نشان میدهد که ۵۸ فیصد شرکت ها فساد اداری را منحصراً یک مشکل عمده و شدید پنداشته اند که عمدتاً سرمایه گذاران و تجار افغانی را که دوباره به کشور عودت مینمایند، مورد تهدید قرار میدهد. شرکت ها به صورت اوسط ۸ فیصد فروشات خود را طور رشوه میپردازند و این رقم چهار برابر بیشتر از رقم اوسطی است که در کشور های پاکستان و سایر کشور ها که در شکل ۴,۲ نشان داده شده است، میباشد.

در واقع، کم کردن مصارف تجارت یک امر حیاتی در مؤثریت، رشد، انکشاف بازار و ایجاد زمینه های بیشتر اشتغال و رفاه به شمار میرود. تقریباً ۱۸ فیصد خسارات مصرفی بشمول "مصارف امنیت و معاملات از طریق رشوه دهی" که شرکت های افغانی بر علاوه سایر شرکت های سکتور خصوصی در منطقه متحمل میگردند، مانع ایجاد اقتصاد قوی رسمی مبتنی بر صادرات میگردد.

منبع: سروی فضای سرمایه گذاری، بانک جهانی، سال ۲۰۰۵

ترانسپورت زمینی و هوایی – افغانستان چون محاط به خشکه است شدیداً وابسته به حمل و نقل زمینی و هوایی است که برای دستیابی به رشد اقتصادی و اتحاد ملی خیلی ضروری میباشد. با این همه، وضعیت خیلی خراب سرک ها و میدان های هوایی در حال حاضر به طور قابل ملاحظه یی مصارف انتقال اشخاص و اموال را بلند میبرد. افغانستان در بین کشور هایی است که پایینترین مقدار مجموعی طول سرک ها در هر کیلومتر مربع را دارد که صرف ۱۶ فیصد سرک های آن پخته میباشد. تقریباً نیمی از مردم روستایی در محلاتی زنده گی میکنند که از لحاظ فزیک در بخشی از سال غیر قابل دسترسی میباشد. زیربنای میدان های هوایی و هواپیمایی ملکی کشور نیازمند بازسازی عاجل میباشد.

گسترش جرم در اقتصاد: اقتصاد تریاک منتج به گسترش جرم در اکثر بخش های اقتصاد شده است. قدرتمندان با داشتن کنترل روی اسلحه و پول قادر شده اند تا زمین ها را غصب نمایند، باجگیری کنند و دسترسی به بازار و کریدت را در کنترل خود داشته باشند. در حالی که اعمال این گونه قدرت غیربازار در مجبور ساختن به قبول آن به طور خاص در سکتور های کاملاً جرمی اقتصاد شایع است، که اینک در سکتور های دیگر نیز گسترش یافته است.

تحکیم اقتصاد تریاک و وابستگی درازمدت به آن انکشاف پایدار دیگر فعالیت های اقتصادی را تضعیف مینماید. به طور مثال، در اکثر مناطق روستایی با افزایش وابستگی به کرایه و تدابیر اجاره زمین در برابر حاصل تریاک، رشد دیگر فعالیت های زراعتی عملاً ناممکن خواهد بود. فساد در ادارات شاروالی، فراهم آوری زمین و دسترسی سرمایه گذاران صادق به زیربنا را بدون پرداخت رشوه و فروش به افراد دارای ارتباطات قوی مشکل ساخته است. افزایش انتقال سرمایه پولی موادمخدره به دیگر کشور ها (که منتج به اخذ تدابیر اعمال مؤثر قانون میگردد) میتواند اثرات منفی قابل ملاحظه بی روی توازن پرداخت و روی بازار های محلی داشته باشد.

بلند رفتن بیش از حد نرخ تبادله اسعار: پول افغانی برای چندین سال نرخ تبادله نسبتاً باثبات داشت و ذخایر دافغانستان بانک، با وجود کسر تجارت مشروع، پیوسته رو به افزایش بوده است. میزان مثبت پرداخت ها به سبب داخل شدن پول از صادرات مواد مخدر، فرستادن پول، فعالیت قوت های خارجی در افغانستان و داخل شدن وجوه امدادی بوده است. اسعار خارجی بادآورده مذکور ارزش بلند تبادله بی اسعار را با اعراض کلاسیک مرض هالندی ایجاد نموده است. واردات خیلی ارزان شده و عملاً مصارف مردم روستایی و نیز اموال سرمایه گذاری را سببایدی نموده است. ارزانی نسبی مواد غذایی وارداتی تولیدات محلی مواد غذایی را تحت الشعاع قرار داده است. در حالیکه ارزانی نسبی اموال سرمایه وارداتی برای سرمایه گذاری که پول افغانی در دست دارند دارای مفاد میباشد، اکثر سرمایه گذاران علاقمند نگهداشتن واحد های پولی سوی افغانی بوده و افزایش در قیمت های نسبی قوای کار و اموال در افغانستان باعث دلسردی در سرمایه گذاری میگردد زیرا احتمالاً سرمایه گذاری در کشور های همسایه و صادر نمودن محصولات به افغانستان به سبب ارزانی و تفاوت نرخ اسعاری پرمفعت تر خواهد بود.

فقدان حقوق مردم مستمند: عنصر مرکزی استراتژی رشد مبتنی بر سهمگیری فعال سکتور خصوصی و پشتیبانی از مردم مستمند و قدرت بخشیدن به آنان است که حد اقل مستلزم میباشد تا حقوق آنها در مورد زمین و دیگر دارایی هایی که جمع آوری نموده اند تضمین هایی داشته باشند. حقوق مذکور بنیاد توانایی آنها را در استفاده از منابع دیگر، از قبیل کریدت، زیربنا، ترویج زراعتی، ویا آموزش تشکیل میدهد. امروز سیستم قضایی و عدلی غیر مؤثر و غرق در فساد اداری است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش میدهد که غصب غیرمشروع زمین یکی از معمولترین اشکال تخطی از حقوق بشر است. شهروندان برای به دست آوردن محافظت خویش در تلاش دریافت پشتیبانی از قدرتمندان، پیوستن به گروپ های مسلح ویا مهاجرت میگردند.

نتایج تخریب و کمبود سرمایه گذاری در سکتور زراعت مشروع: زراعت افغانستان در جریان سالهای جنگ شدیداً خساره مند شده است. آسیب شدید به محرک های عمده تولید زراعتی و کمبود قابل ملاحظه در سرمایه

گذاری درین سکتور منتج به سطح پایین توان تولیداتی مزارع^{۴۴}، روش های ناپایدار مدیریت و استفاده ناقص از منابع آب و عدم دسترسی به تکنولوژی های پیشرفته گردیده است.

عرضه مواد غذایی شدیداً وابسته به تولید غله ها است و بطور اوسط افغانستان با کسر مجموعی مواد غذایی سالانه ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تن غله رو به رو میباشد، که این مقدار توسط توريد تجارتي ۳۰۰-۴۰۰۰۰۰ متریک تن آرد گندم از کشور های همسایه و در حدود ۱۰۰۰۰۰ تن مواد غذایی امدادی جبران میگردد.

ظرفیت پایین منابع بشري: در حال حاضر ملیون ها تن از مردم ما به خدمات صحي و معارف جهت تقویت زندگی خود و خانواده خود دسترسی ندارند. مردم فاقد مهارت های مؤثر بنيادی که نه تنها در مکاتب بلکه در خانواده ها آموزش داده میشود میباشد، زیرا اکثر شان برای دهه ها از زمین و دارایی های تولیداتی شان دور شده بودند. خاصتاً زنان در وضع نامناسبتری قرار دارند و نزد آنان میزان امراض و مرگ و میر شدیداً بلند است.

چالش عاجلی که در برابر ما در قسمت سرمایه بشري قرار دارد قوه کاری نه، بلکه قوه کاری دارای مهارت های مؤثر تولیداتی و کارگران نیمه ماهر است. نهاد های امدادی اکثر افغانهای دارای مهارت ها را با پرداخت معاشاتی که سکتور دولتی با آن رقابت کرده نمیتواند استخدام نموده اند، ازینرو چیزی که میتوان آنرا "خدمات ملکی ثانوی" پنداشت ایجاد نموده اند. از سال ۱۳۸۱ به این طرف تقاضای استخدام کنندگان بین المللی کمبود قوای بشري ماهر را بیشتر ساخته، به طور قابل ملاحظه یی "نهایت بلند" معاشات داخلی را بلند برده است. تخصص تخنیکي و شایستگی مدیریتی خیلی کم است. در نتیجه، دولت مشکل زیادی در قسمت جلب و حفظ افغانهای شایسته که میتوانند اساس تشکیلاتی را برای رشد اقتصادی و فقر زدایی بگذارند داشته است.

شیوع گسترده سکتور غیررسمی: برتری سکتور غیررسمی مانع سرمایه گذاری خصوصی و مصارف دولتی میگردد. فعالیت های غیررسمی اقتصادی وابسته به میکانیزم های مدیریتی غیررسمی که اکثراً مبتنی بر پشتیبانی است میباشد. میکانیزم های مذکور اکثر تحفظ ضعیفی برای حقوق ملکیت ها و دسترسی ناکافی ویا استثماری به کریدت را فراهم مینماید.

اقتصاد غیررسمی در برابر مالیات مستقیم نیز مصون است، گرچه میتواند باعث ایجاد تقاضا برای اموال استهلاکی گردد که میتواند روی توريد ویا خریداری آن مالیات وضع شود. موانع در قسمت جمع آوری عواید داخلی باعث تضعیف پایداری مالی دولت افغانستان میگردد. حتا اگر امداد خارجی هزینه اعمار مکاتب، کلینیک ها و سرک ها را بپردازد، دولت افغانستان باید تأسیسات مذکور را از منابع خود، که در حال حاضر توانایی عرضه سطح خیلی پایین خدمات را نیز ندارد، به کار اندازد.

^{۴۴} حاصلات غله ها در جریان سالهای ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۹ سالانه ۲ فیصد کاهش یافت، بعد از رشد ۱،۳ فیصد سالانه در جریان سالهای ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۶.

فقدان قبالة های واضح و فساد اداری در دفاتر ثبت زمین ها، مخصوصاً در شاروالی های و همچنان فساد اداری در اداره مقررات و جمع آوری مالیات، باعث راندن اکثر فعالیت های تجاری به سکتور غیررسمی شده است. فقدان ادارات مالی باعث شده است تا فعالیت های تجاری به سیستم حواله و بازار های غیررسمی دارای مخارج بلند ربح و انتقال وابسته گردند. فقدان بیمه، امنیت، و تحفظ اجتماعی باعث تشویق سلوک مخالف قبول خطرات گردیده با روابط تحت حمایتی و وابستگی به قدرتمندان مسلح غیررسمی را ترویج مینماید.

مهاجرت قوای بشری به ساحات کمتر فقیر منطقه و فرستادن پول به کشور یک توافق معمول در برابر گزینه های ناکافی اشتغال رسمی میباشد. بدون موجودیت یک رژیم قانونی، این گونه مهاجرت ها در سکتور غیررسمی محدود باقی میماند. این موضوع اکثراً به منازعات قومی (مثلاً در شهر بندری کراچی ویا در اکثر قسمت های غرب افریقا) میانجامد. علاوه مهاجرت قوای بشری در افغانستان در سمت استثمار کارگران، تدابیر غیرعادلانه و موقتی کار، بدون حقوق و تحفظ اجتماعی بنیادی گرایش دارد.

تضعیف سرمایه اجتماعی: افغان ها همیشه فقیر بوده اند، اما همچنان روابط قوی اجتماعی داشته اند که منحصراً یک پشتوانه غیر رسمی امنیت فعالیت نموده و آنها را با جامعه ارتباط داده است. دهه های جنگ، بیجا شدن و مهاجرت به این پشتوانه امنیت لطمه وارد نموده است و باعث گردیده تا بسیاری افغانها بی ارتباط و غیر محفوظ باقی بمانند. دولت هنوز قابلیت این را دارا نبوده تا یک پالیسی مصونیت اجتماعی را بخاطر جاگزین ساختن روابط قبلی طرح و تطبیق نماید.

موانع در برابر نظارت مؤثر^{۴۵}

فقدان ارقام مبداء و نبود میکانیزم های سیستماتیک جمع آوری، مقایسه و تحلیل ارقام اجتماعی-اقتصادی مانع بزرگی را در برابر توانایی در انجام مؤثر نظارت بر پیشرفت پارامتر های مختلف و ایجاد پالیسی ها براساس مدارک به وجود آورده است. بنابر انهدام ادارات مسؤول مدیریت ارقام احصائیوی در افغانستان، آنها در حال حاضر با محدودیت شدید منابع بشری و مادی و تجهیزات روبه رو میباشند. موانع دیگری در برابر روند نظارت در همه سکتور ها شامل است در ذیل بیان گردیده است:

- فهرست نویسی نامکمل خانواده ها و سرشماری نفوس؛
- دعوی و تغییر در حدود ولایات و ولسوالی ها؛
- موانع در برابر جمع آوری ارقام جداگانه در مورد جنسیت؛
- بی امنیتی در جنوب و شرق کشور که باعث ممانعت کار سرشماران در روستا ها میگردد؛
- ظرفیت های کاری ناکافی در قسمت تحقیقات و تحلیل اجتماعی؛ و
- درک ناکافی از نقش سروی و تحقیقات، در زمینه طرحریزی استراتژی ها و برنامه های جداگانه اجتماعی-اقتصادی پشتیبان مردم بی بضاعت.

۴۵ این بخش از مباحثاتی که در گزارش اهداف انکشافی هزار ساله افغانستان صورت گرفته بود برگرفته شده است.

بعد از مباحثه روی موانع مختلف، در فصل بعدی، اولویت های استراتژیک کلیدی برای رفع این موانع جهت قرار دادن افغانستان در مسیر رشد و انکشاف پایدار به صورت فشرده بیان شده است.



استراتژی انکشاف ملی

۱,۵ یاددهانی

هدف حکومت ایجاد تغییر کلی در اقتصاد کشور، است تا بدین وسیله سکتور خصوصی را قادر سازد که به حیث یک ماشین رشد و انکشاف فعالیت نماید و طبقه فقیر را توانمندی اشتراک کامل در روند رشد و انکشاف بخشد. با تحلیل موانع انکشافی که در فصل چهارم ارائه شدند، چالش هایی در برابر افغانستان برای رسیدن به انکشاف و پیشرفت و فقر زدایی نمایان می شوند. درین فصل استراتژی هایی ارائه میگردند که میتوان آنها را در کار غلبه بر این موانع و چالش ها به کار برد. زمانیکه مردم سهم مساویانه در رکن سوم (توسعه اقتصادی و اجتماعی) برنامه موقت استراتژی ملی انکشاف افغانستان میگیرند، ما باید در رکن دوم دیگر: امنیت، حکومنداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر پیشرفت های داشته باشیم. ما موانع و چالش های را شناسایی نموده ایم و موفقیت هر رکن وابسته به یکدیگر اند.

آسیب پذیری جامعه ما در مقابل فساد اداری و نفوذ زورمندان قانون شکن (فقدان عدالت) باعث گردیده است که فعالین اقتصادی با کسب منفعت بیشتر در سکتور غیررسمی باقی بمانند، دست به فعالیت های غیرقانونی بزنند و دولت را نیز از کسب منابع لازم بازدارند. بنابراین، این فصل به حیث متمم استراتژی رشد اقتصادی و اجتماعی ارائه میگردد و نیز استراتژی ما را در بخش حکومنداری، حاکمیت قانون، حقوق بشر و امنیت، به گونه فشرده جمع بندی مینماید (شرح بیشتر جزئیات در فصل هفتم ارائه میگردد).

۲,۵ امنیت

حکومت، با حمایت مستقیم جامعه بین المللی، امنیت کشور را تأمین خواهد کرد. هر چند اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان بطور فزاینده مسؤولیت ها را به عهده خواهند گرفت. حکومت کنترل قانونی، منحصر به خود را بر نیروهای مسلح و مراجع انفاذ قانون ایجاد خواهد نمود تا بدین وسیله یک محیط مصون برای تأمین حقوق تمام افغانها فراهم گردد و آزادی رفت و آمد مردم، انتقال اموال تجارتي، ارائه نظریات، انکشاف

اجتماعی و اقتصادی تأمین گردد. دولت گروه های مسلح غیرقانونی را غیر مسلح ساخته و در جهت ماین پاکي و از بین بردن مهمات منفجرناشده کار و فعالیت می نماید.

استراتژی ما در سکتور امنیت شامل اولویت های ذیل است:

۱. الی جدی ۱۳۸۹: نیروهای امنیت بین المللی به رهبری ناتو، نیروهای نظامی به رهبری امریکا و تیم های بازسازی ولایتی مربوطه شان تأمین امنیت و ثبات را در تمام مناطق افغانستان به شمول تقویت توانائی های نیرو های دولت افغانستان، بهبود خواهند بخشید.
۲. الی جدی ۱۳۸۹: یک اردوی ملی قابل احترام به مردم و مسلکی - که از لحاظ قومی متوازن بوده - ایجاد و اکمال میگردد. این اردو باید به صورت دیموکراتیک حسابه، منظم و آموزش دیده، جهت برآوردن نیازمندی های امنیتی کشور مجهز بوده و به طور فزاینده از عواید حکومت تمویل گردد و با ظرفیت اقتصاد کشور متناسب باشد. جامعه بین المللی به منظور انکشاف اردوی ملی افغانستان به ۷۰۰۰۰ تن - آن چنان که در مذاکرات بُن روی آن بحث صورت گرفت - به کمکهای خود به افغانستان ادامه خواهد داد. شیوه انکشاف طوری تنظیم میگردد که براساس ارزیابی های مشترک استوار بر کیفیت و زمان خدمت باشد که توسط حکومت افغانستان و جامعه بین المللی در رابطه با معیار های موافقه شده در شرایط موجود، در نظر گرفته میشود.
۳. تمام گروپ های مسلح غیر قانونی الی جدی ۱۳۸۶ در تمام ولایات کشور، منحل خواهند گردید.
۴. الی جدی ۱۳۸۹: پولیس ملی و پولیس سرحدی متشکل از افراد مسلکی، فعال و از لحاظ نژادی متوازن به تعداد ۶۲،۰۰۰ قادر خواهند بود تا نیازمندی های امنیتی کشور را بطور موثر آن بر آورده نمایند. پولیس مذکور از نگاه مالی بطور فزاینده پایدار خواهد بود.
۵. دولت ظرفیت نیروی انفاذ قانون را در سطح مرکز و ولایات تقویت می بخشد، که انجام این امر منتج به افزایش سالانه ضبط و یا تخریب مقدار قابل ملاحظه مواد مخدر و از بین بردن تسهیلات پروسس مواد مخدر میگردد. اتخاذ اقدامات موثر به منظور از بین بردن مزارع مورد نظر کشت کوکنار منجر به محو کشت کوکنار میگردد.
۶. الی جدی ۱۳۸۹: دولت با کشور های همسایه و منطقه جهت افزایش مشارکت در مسائل استخباراتی و هماهنگی به هدف افزایش در ضبط و محو مواد مخدر که از سرحدات افغانستان به آنطرف سرحد قاچاق میگردد، و اتخاذ اقدامات موثر بر علیه قاچاقبران مواد مخدر، همکاری خواهد نمود.
۷. الی جدی ۱۳۸۹: در راستای اهداف انکشافی پانزده ساله افغانستان و تعهدات میثاق اوتاوای افغانستان، ساحات آلوده با ماین و مهمات منفلق ناشده به ۷۰ فیصد کاهش خواهد یافت. تمام ذخایر ماین های ضد پرسونل تثبیت شده و الی جدی ۱۳۸۶ تخریب خواهد گردید؛ و تمام مهمات غیر مصنئون، غیر ضروری و اضافی الی جدی ۱۳۸۹ تخریب خواهند گردید.

باوجودیکه ما به نیروهای امنیتی دارنده تشکیل کوچک نیاز داریم و بالاخره سعی خواهیم نمود تا هر نوع تهدید های دفاعی را از طریق دیالوگ و مفاهمه با کشورهای همسایه حل نمائیم. به همین منوال، در قسمت امنیت داخلی و تهدید های تروریسم، ما نخواهیم توانست تا این مسائل را توسط ذرایع نظامی و حتی پولیس حل نمائیم. هر کشور نیاز دارد تا مردمش به صورت فعالانه در برابر تهدید و ارباب تروریسم مبارزه نموده، تقدم

حاکمیت قانون را تأمین نمایند. بنابراین، به حیث یک بخش عمده امنیت کشور و استراتژی رشد اقتصادی ما سعی خواهیم نمود تا "تعهد اجتماعی" را طوریکه در بخش ۵،۵ این فصل بیان گردیده پیگیری نماییم.

۵،۳ حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر

حکومت به منظور ایجاد و تقویت مؤسسات عامه مرکز و ولایات سرمایه گذاری خواهد نمود تا پیشرفت های قابل پیمایش در زمینه عرضه خدمات و حفاظت حقوق تمام افغانها حاصل گردند. در برابر فساد اداری مراجع حکومتی مبارزه صورت خواهد گرفت که این عمل با حسابدهی بیشتر، تقویت کنترول سکتور عامه و تفتیش و نظارت مستقل، ایجاد شفافیت در عملکردهای حکومتی، ساده سازی دستگاه های دولتی و طرز العمل های اجرائیه یی آن در معامله با مردم، و تقویت چارچوب عدلی و سیستم قضایی در برخورد با قضایای فساد اداری انجام خواهد پذیرفت. در سیستم عدلی اصلاحات عملی خواهد شد و نیز در بخش ارتقای ظرفیت و زیربنا سرمایه گذاری صورت خواهد گرفت به شمول اصلاح خدمات در زندانها و خدمات تأدیبی در جهت تأمین این امر که تمام افغانها در هر گوشه و کنار کشور در خصوص حل و فصل غیررسمی منازعات، به عدالت حکومت و میکانیزم های نظارت قضایی دسترسی کامل حاصل کنند. ما سعی خواهیم نمود تا حقوق بشر تمام اتباع کشور به خصوص زنان و اطفال را حمایت و حفاظت نموده، به واقعات تخلف از حقوق رسیدگی نماییم.

نقش سکتور عامه این خواهد بود تا در عوض اینکه سهم مستقیم در تولید و یا تجارت داشته باشد، اجناس عامه را که برای این استراتژی ضروری است، منجمله خدمات اساسی، عرضه نماید. دولت نقش پالیسی ساز و نظارت کننده را خواهد داشت، نسبت به آنکه فراهم کننده خدمات اساسی باشد که آنرا به عهده سکتور خصوصی و یا سکتور های غیر انتفاعی خواهد گذاشت. دولت جهت اجرای نقش خویش، به ارتقای ظرفیت ها و تغییر استقامت نیاز خواهد داشت.

دولت جهت ایجاد یک نمونه موثر عرضه خدمات، وظایف ادارات مرکز، ولایات و ولسوالی ها را بررسی خواهد نمود و استفاده شوراهای انکشاف محلی و دیگر ادارات غیر حکومتی برای عرضه خدمات را ملاحظه خواهد نمود تا باشد که ایشان نیازهای محلی را به شکل موثر، برآورده سازند. نقش های مؤسسات غیر حکومتی ارزیابی خواهد گردید، زیرا دولت ملتفت شده که برآوردن بسیاری از مقاصد اهداف انکشافی پانزده ساله افغانستان به ویژه در عرصه های صحت و معارف، بدون مؤسسات غیر حکومتی ممکن نیست. دولت منحیث جز برنامه خویش، مصارف اضافی درازمدت اجراءات را جهت بهبود اداره مصارف عامه، ارزیابی خواهد نمود. برنامه سرتاسری اصلاح اداره عامه به طور فزاینده به سوی ولایات و ولسوالی ها سوق خواهد گردید. ما سعی خواهیم نمود تا طرز العمل ها را طوری بسیط و ساده سازیم تا روند اصلاح خدمات ملکی موفق گردد. دولت سرمایه گذاری ها را در زیربنا پلانگذاری و تطبیق خواهد نمود تا جوامع دوردست محلی را به خدمات اساسی، نزدیک تر سازد. سرک ها درجه دوم و درجه سوم مانند سیستم های حکومتداری و حفظ و مراقبت مهم اند، تا دارایی های عامه تخریب نگردند.

جهت بهبود حکومتداری، حاکمیت قانون، و تأمین حقوق بشر، ما اولویت های کلیدی ذیل را برای دولت تعیین نموده ایم:

۱. تا جدی سال ۱۳۸۹: دستگاه دولت (بشمول تعداد وزارتخانه ها) ساختار مجدد و توجیه شده تا پایداری مالی اداره عامه را تامین نماید کمیسیون خدمات ملکی تقویت خواهد گردید، و در وظایف کمیسیون خدمات ملکی اصلاحات بمیان خواهد آمد تا وظایف و مسؤولیت های اساسی را بشکل واضح، منعکس نماید.
۲. یک میکانیزم واضح و شفاف تقرر الی ۶ ماه ایجاد خواهد گردید، در ۱۲ ماه نافذ گردیده و در ۲۴ ماه برای تمام تفرری های پست های ارشد در دولت مرکزی، سیستم عدلی و قضائی، والیان ولایات، قومندانان امنیه، ولسوال ها و روسای امنیت دولتی ولایات، کاملاً تطبیق میگردد.
۳. الی جدی ۱۳۸۵: یک بررسی از تعداد واحد های اداری و حدود اربعه آنها بمثابه یک کمک در جهت ثبات مالی انجام خواهد گردید.
۴. الی جدی ۱۳۸۹، تعینات بر اساس شایستگی و لیاقت و ارزیابی مربوط به اجراءات کار در تمام سطوح دولت بشمول دولت مرکزی، سیستم عدلی و قضائی و پولیس کشور به براه می افتد، و کمک های لازمی جهت بهبود ظرفیت های کاری خدمات ملکی بخاطر فعالیت موثر، فراهم خواهد گردید. ارزیابی سالانه اجراءات برای تقرر تمام کارمندان ارشد، عملی داده خواهد شد (رتبه ۲ و بالاتر). تفرری ها در جدی ۱۳۸۶ آغاز میگردد.
۵. متیاق ملل متحد علیه فساد اداری الی جدی ۱۳۸۵ تصویب خواهد گردید، قوانین کشور با متیاق متذکره الی جدی ۱۳۸۶ وفق خواهد نمود و یک میکانیزم نظارتی جهت نظارت از تطبیق آن الی جدی ۱۳۸۷ بمیان خواهد آمد.
۶. احصائیه سرشماری الی جدی ۱۳۸۷ تکمیل گردیده و نتایج آن بدست نشر سپرده خواهد شد. معیار های آماری معتبر برای تمام معیار های کمی الی ربع اول سال ۱۳۸۶ ایجاد خواهد گردید و ظرفیت آماری ایجاد خواهد شد تا پیشرفت های در برابر آن پیگیری گردد.
۷. برای شورای ملی کمک های تخنیکی و اداری در ربع اول سال ۱۳۸۵ فراهم خواهد گردید تا بتوانند وظائفی را که از سوی قانون اساسی برای آنها تعین گردیده، آنرا بطور موثر انجام دهند.
۸. کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان بمنظور به عهده گرفتن انتخابات به شیوه که از لحاظ مالی پایدار باشد، دارای اعتبار عالی، ظرفیت و منابع لازم الی جدی ۱۳۸۷ خواهد بود. دولت افغانستان مصارف انتخابات آینده کشور از منابع خویش تمویل مینماید. یک مرجع ثبت نام رای دهی با اسناد واحد هویت ملی الی جدی ۱۳۸۸ ایجاد خواهد گردید.
۹. الی جدی ۱۳۸۹: پلان کاری ملی برای زنان در افغانستان بطور کلی تطبیق میگردد. مطابق به اهداف انکشافی هزار ساله افغانستان، مشارکت اناث در مراجع انتخابی و انتصابی و خدمات ملکی تقویت خواهد گردید.
۱۰. الی جدی ۱۳۸۹: چارچوب حقوقی مطابق احکام قانون اساسی، شامل بر قانونی جنائی و تجارتی نافذ گردیده، به تمام نهاد های قانون گذار توزیع شده و بدسترسی عامه قرار خواهد گرفت.
۱۱. الی جدی ۱۳۸۹: نهاد های فعال عدلی و قضائی کشور بطور کلی در هر ولایت افغانستان فعال میگردد. حد اوسط وقت بمنظور حل منازعه قرار داد ها از ۴۰۰ به ۳۰۰ روز کاهش میابد.
۱۲. یک ارزیابی و اصلاحات طرز العمل های نظارتی مربوط به فساد اداری، عدم موجودیت پروسه مقتضی و عدم توفیق عدالت الی جدی ۱۳۸۵ آغاز شده و الی جدی ۱۳۸۹ بکلی تطبیق میگردد؛
۱۳. الی جدی ۱۳۸۹: تطبیق اصلاحات مسلکی بودن، اعتبار و تمامیت نهاد های کلیدی سیستم عدلی و قضائی را تقویت بخشیده (وزارت عدلیه، قضائی، دفتر لوی خرنوالی، وزارت امور داخله و ریاست عمومی امنیت ملی).
۱۴. الی جدی ۱۳۸۹: زیر بنای عدلی احیاً مجدد خواهد گردید و تسهیلات جداگانه در محابس برای زنان و نوجوانان فراهم میگردد.

۱۵. روند ثبت املاک در تمام واحد های اداری و ثبت قبایله جات در ساحات شهری بزرگ در جدی ۱۳۸۵ و در سایر ساحات در جدی ۱۳۸۷ آغاز خواهد گردید. یک سیستم مناسب برای رفع دعاوی املاک الی جدی ۱۳۸۶ ایجاد خواهد گردید. ثبت کلیه املاک شهری در جدی ۱۳۸۶ صورت خواهد پذیرفت.

۱۶. الی جدی ۱۳۸۹: دولت یکتعداد بزرگ قاچاقبران و کارمندان مفسد را توقیف و تحت تعقیب قانونی قرار خواهد داد و معلومات خود را در مورد آنانی که در قاچاق مواد مخدر دخیل اند، به منظور بهبود بخشیدن سیستم انتخاباتی تعیینات دولتی در سطح ولایات و ولسوالی ها منحیث یک بخشی از میکانیزم تعیینات که در ضمیمه قبلی از آن تذکر بعمل آمده است، ارتقا خواهد بخشید.

۱۷. الی جدی ۱۳۸۹: ظرفیت دولت جهت رعایت و گزارشدهی در مورد مسوولیت توافقنامه حقوق بشر، تقویت خواهد گردید. ادارات امنیتی و انفاذ قانون دولت تدابیر اصلاحی بشمول مقررات اجرایی و طرز العمل ها را بمقصد جلوگیری از توقیف و دستگیری اختیاری، شکنجه جنسی، اخذ بزور و غصب غیر قانونی املاک به منظور برطرف ساختن این اعمال، اتخاذ خواهد نمود. حفظ آزادی بیان، بشمول آزادی مطبوعات تقویت گردیده، آگاهی از حقوق بشر شامل نصاب تعلیمی گردیده و بین قانون گذاران، پرسونل قضایی و سایر ادارات دولتی، محلات و مردم ترویج داده خواهد شد. نظارت از حقوق مستقل بشر توسط دولت و کمیسیون مستقل حقوق بشر انجام خواهد پذیرفت و سازمان ملل متحد موثریت این اقدامات را به منظور حفاظت از حقوق بشر پیگیری خواهد نمود. کمیسیون مستقل حقوق بشر در امر انجام اهداف خویش مبنی بر نظارت، تحقیق، حفاظت و ارتقای حقوق حمایت خواهد گردید.

۱۸. تطبیق پلان کاری در مورد صلح، عدالت و مصالحه الی جدی ۱۳۸۷ تکمیل خواهد گردید.

۱۹. این نکات کلیدی از طریق برنامه های حکومتداری که در فصل هفتم بیان گردیده اند، مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۴, ۵ توسعه اقتصادی و اجتماعی

هدف از استراتژی توسعه اقتصادی و اجتماعی ما این است تا رشد فقرا، رشد سکتور خصوصی به وجود آید و درضمن اقتصاد مواد مخدر را از بین ببرد. استراتژی ما زمینه را برای سکتور خصوصی جهت ایجاد اشتغال قانونی در عرصه های زراعتی و غیر زراعتی به ویژه در مناطق روستایی، فراهم مینماید. دو هدف اساسی ما (رشد همگانی و امحای اقتصاد مواد مخدر) در ذیل بیان گردیده که به تعقیب آن ساحات سرمایه گذاری که ما جهت ایجاد زمینه به منظور نیل بر اهداف، اولویت دهی نموده ایم، ذکر شده است.

۱, ۴, ۵ حفظ میزان بلند تولیدات ناخالص داخلی

انکشاف اقتصاد قانونی کشور باعث گسترش زمینه های جدید، جلوگیری از تشنجات بیشتر، بهبود حکومتداری، تأمین امنیت و فقر زدایی خواهد شد. تمام اهداف فوق را نمیتوان فقط با افزایش میزان انکشاف به دست آورد بلکه در پهلوی انکشاف زمینه های نفع گیری مستقیم طبقه فقیر کشور نیز باید مهیا گردد. افزون بر این رشد و انکشاف باید تداوم بیشتر داشته باشند نه اینکه فقط بالای سطوح فعلی کمک های خارجی و سایر عطایای آنی متکی باشند. حال وقت آن فرارسیده تا سرمایه گذاری های استراتژیک و اصلاحات ساختاری عملی گردند تا بنیاد رشد و انکشاف مؤثر را گذاشته، زمینه فقر زدایی طاقت فرسا فراهم گردد.

در گزارش تأمین آینده افغانستان (۲۰۰۴) چنین تخمین گردیده که افغانستان نیازمند یک رشد ۹ فیصد در میزان سالانه انکشاف اقتصاد قانونی کشور خواهد بود. تخمین فوق به اساس دلایل آتی استوار بود:

۱. به اساس مقایسه تاریخی با سایر کشورها، در گزارش تأمین آینده افغانستان چنین محاسبه گردید که افغانستان ضرورت خواهد داشت تا میزان واقعی رشد هر نفر را به ۳ فیصد در اقتصاد عظیم برساند که بدین وسیله توقعات آینده و تغییر وضعیت به سوی سرمایه گذاری و تولیدات را برآورده بتواند. "اقتصاد عظیم" هر دو سکتور یعنی اقتصاد قانونی و غیرقانونی را در بر میگیرد زیرا هر یک آن در رفاه مردم و ارتقای معیارهای زندگی اثر مثبت دارند.

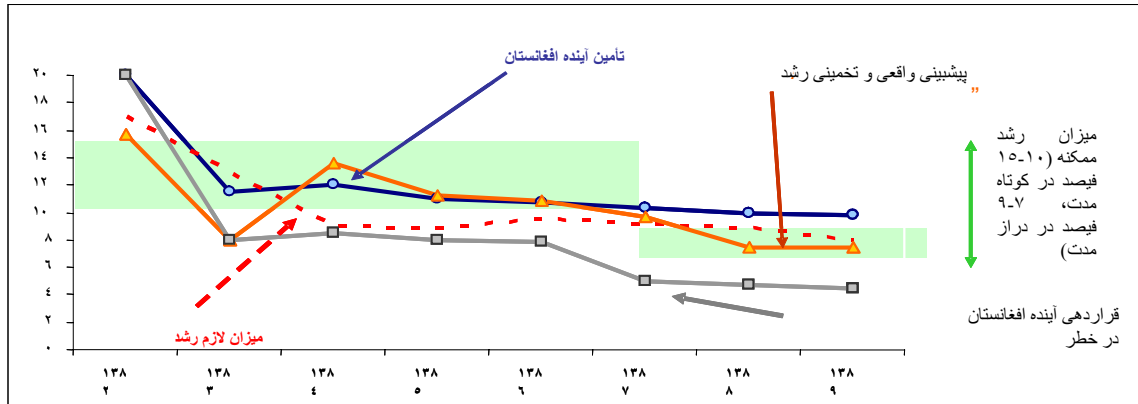
۲. فرضاً میزان رشد نفوس سالانه ۲ فیصد باشد، رشد واقعی ۳ فیصد هر نفر معادل به ۵ فیصد میزان رشد واقعی در اقتصاد عظیم خواهد بود.

۳. در گزارش تأمین آینده افغانستان از اطلاعات UNODC یا اداره ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر و جرایم در سنجش سهم مواد مخدر در اقتصاد عظیم یا مجموعی استفاده صورت گرفت. با پیشبینی امحای تدریجی مواد مخدر طی ۱۲ سال آینده، پیشبینی برای تأمین آینده افغانستان چنین تخمین مینماید که با انقباض اقتصاد عظیم که در نتیجه امحای مواد مخدر صورت میگیرد لازم خواهد بود تا در اقتصاد قانونی رشد اضافی صورت گیرد تا بتواند عواید ضایع شده را جبران نماید. پیشبینی های تأمین آینده افغانستان چنین نتیجه گیری مینماید که با ترکیب ۵ فیصد رشد واقعی اقتصاد عظیم و امحای مواد مخدر طی ۱۲ سال آینده لازم خواهد بود تا یک رشد واقعی سالانه ۹ فیصد در مجموع تولیدات ناخالص داخلی طی این دوره صورت گیرد.^{۴۶}

شکل ۱،۵ ارقام واقعی را برای سالهای ۱۳۸۲-۱۳۸۳ (۲۰۰۳/۲۰۰۴ الی ۲۰۰۴/۲۰۰۵ میلادی) ارائه مینماید و میزان رشد واقعی تولیدات ناخالص داخلی را برای سالهای ۱۳۸۴ الی ۱۳۸۹ (۲۰۰۵/۲۰۰۶ الی ۲۰۱۰/۲۰۱۱) به اساس آخرین تخمینات حکومت {حکومت افغانستان، چارچوب ملی میان مدت} در مقایسه با میزان رشد تعیین شده در تأمین آینده افغانستان نشان میدهد. نظر به رشد آهسته در بخش زراعت، مجموع تولیدات ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴/۲۰۰۵) به ۸ فیصد نزول نموده است گرچه نظر به تخمینات این رقم در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵/۲۰۰۶) به ۱۳،۶ فیصد افزایش خواهد یافت. میزان رشد در افغانستان بالعموم متکی به حاصلات زراعتی میباشد که این حاصلات به نوبه خود متکی به سطح بارندگی در کشور است. پیشبینی های فعلی چنین پیشنهاد مینماید که میزان رشد در ۱۳۸۸ (۲۰۰۹/۲۰۱۰) و ۱۳۸۹ (۲۰۱۰/۲۰۱۱) ممکن پائین تر از حدودی گردد که در تأمین آینده افغانستان به مثابه حدود اصغری رشد تعیین گردیده اند.

^{۴۶} برای دریافت این محاسبات به ضمیمه شماره ۱ تأمین آینده افغانستان مراجعه گردد.

شکل ۱,۵: میزان لازم، ممکنه و تخمین شده رشد واقعی تولیدات ناخالص داخلی



هدف عمده در تأمین آینده افغانستان تخمین ضروریات سرمایه گذاری در جهت رسیدن به هدف مطلوب زیرعنوان "تأمین آینده افغانستان" بود. درین گزارش سناریوی بدیل نیز مورد بررسی قرار گرفت که بنام "قراردادی آینده افغانستان در خطر" یاد شده، در شکل ۵,۱ ارائه گردیده است. تأمین آینده افغانستان چنین تخمین مینماید که تحقق سناریوی مثبت مستلزم تعهدات خارجی حد اقل ۲۷,۶ میلیارد دالر امریکایی در طول ۷ سال خواهد بود که پرداخت آن طی ۱۲ سال صورت خواهد گرفت. گزارش متذکره چنین استدلال مینماید که این افزایش در سرمایه گذاری خارجی مؤثر و اقتصادی خواهد بود زیرا با ایجاد ثبات در کشور در نیروهای نظامی بین المللی که مصارف نسبتاً بلندی را دارند کاهش قبل از وقت و یا خروج آنان صورت خواهد گرفت، گرچه میعاد زمانی دقیقی را برای چنین خروج پیشنهاد نمیکند. استراتیژی موقت ملی برای انکشاف افغانستان نیز به تداوم تخمینات فوق کار نموده، در عین زمان این مسئله را نیز مدنظر میگیرد که مصارف سرمایه گذاری متکی به نحوه تدارک آن میباشد. با استفاده از میکانیزم های داخلی تدارکات میتوان مؤثریت مصارف را افزایش بخشید (فصل دهم).

با وجود اینکه تعهدات پس از برلین طور گسترده مطابق به هدف انجام یافته اند ولی پرداخت ها همیشه مطابق به چارچوب پالیسی حکومت صورت نگرفته اند. سرمایه گذاری در بخش زراعت و آبیاری (مجادله با خشکسالی) در مقایسه با تقاضا ها بسیار اندک بوده که در نتیجه منتج به کاهش حاصلدهی بخش زراعت گردید. حکومت در مورد سقوط آبی میزان رشد نگرانی دارد که ممکن در نتیجه درماندگی ناشی از جنگ، اثرات مخرب میزان بیش از حد نرخ تبادل، نزول اثرات مضاعف اقتصاد مواد مخدر و کمبود تنوع اقتصادی رونما گردد.

در طول سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۲۰۰۷) حکومت مصارف مجموعی چارچوب پالیسی را تخمین و اولویت های سرمایه گذاری را در جهت کسب سطوح بلندتر رشد مشخص خواهد نمود. حکومت اولویت های بودجه ملی را معین ساخته است تا انکشاف تمام سکتورها را سرعت بخشید. در این اولویت تأکید خاص بر انکشاف دهات صورت خواهد گرفت. اگر تمویل کننده گان نیز استراتیژی هایشانرا موازی با استراتیژی حکومت تعیین نمایند، میزان رشد در سالهای فوق افزایش قابل ملاحظه ملی یافته میتواند.

۵,۴,۲ امحای اقتصاد مبتنی بر جرایم

در صورتیکه حکومت اقتصاد مبتنی بر جرایم را که به ناسی از آن زورمندان محلات قدرت غیر قانونی یافته و مردم بخصوص طبقه مستمند از حقوق اساسی خود محروم گردیده اند، محو ننماید، تمام اصلاحات سکتور عامه و مساعی مبتنی بر ایجاد محیط مساعد برای سکتور خصوصی به ناکامی خواهد انجامید. بناءً حکومت مبارزه با مواد مخدر را در مرکز استراتژی انکشاف قرار میدهد. محو کشت خشخاش، باید با مساعی وسیعتر انکشاف، تسلسل یابد.

برخورد ما با این سکتور طوری خواهد بود که سبب تقویت اهداف ما درخصوص میزان بلند رشد، فقر زدایی، و توازن بخشیدن به حساب خارجی شود، نه سبب تضعیف آن. پالیسی ما در خصوص مبارزه با مواد مخدر باید تأمین نماید که فقرایی که برای تأمین معیشت خود به مخدرات متکی اند، اثرات ناگوار کاهش فوری در کشت خشخاش را متحمل نمی گردند. در حقیقت، در تحقیقات متعدد استدلال گردیده است که به موجب ملحوظات مربوط به اقتصاد کوچک و موضوعات سیاسی، اتکای بیش از حد به محو کشت خشخاش شیوه غیر مفید برای محو اقتصاد مبتنی بر مخدرات میباشد^{۴۷}.

هدف عمده استراتژی مبارزه با مواد مخدر که متضمن نفع فقرا باشد، عبارت است از محو صلاحیت مامورین و کارمندان مبتلا به فساد، قدرتمندان غیر قانونی و قاچاقچیان مواد مخدر، که اکثریت ثروت حاصله از مواد مخدر را به دست آورده، اشخاص فقیر را در حالت وابسته گی اقتصادی نگه میدارند. جهت مبارزه با نفوذ خون کثیف قاچاقچیان مواد مخدر در شریان ادارات، حکومت سیستم بیشتر شفاف را برای تقرر و استخدام کارکنان عالی رتبه در خدمات ملکی، ایجاد خواهد کرد که شامل بررسی مامورینی میباشد که احتمالاً در قاچاق مواد مخدر سهیم خواهند شد. مساعی مبنی بر توقیف و دستگیری قاچاقچیان مستلزم حصول اطلاعات مؤثر، انفاذ قانون، انکشاف ظرفیت های قضایی در سطح مرکز و ولایات حکومت و بهبود معلومات و همکاری عملیاتی با کشور های همسایه میباشد. حکومت در مورد آسیب های کشت و تجارت مواد مخدر آگاهی و نشرات ارائه خواهد کرد و نیز مؤثریت فزاینده ما را در بخش مجادله با تجارت مواد مخدر غیر قانونی، اندازه گیری خواهد نمود.

در عین زمان، حکومت معیشت های بدیل قانونی را برای دهقانان و کارگرانی که فعلاً به صورت مستقیم یا غیر مستقیم متکی بر اقتصاد مخدرات میباشدند، ایجاد خواهد کرد. ایجاد معیشت های متذکره مستلزم سالها سرمایه گذاری خواهد بود. برنامه های متذکره به صورت کلی در بر گیرنده عناصر اساسی استراتژی رشد به نفع طبقه فقیر کشور میباشد: بهبود حقوق، ظرفیت ها و دارایی فقرا. با ایجاد معیشت های قانونی و مجاز، محو کشت مخدرات ممکن خواهد شد و میتوان علیه کسانی که متعهد به کشت مخدرات غیر قانونی اند، از همچو اقدام (امحای کشت آنان) استفاده نمود.

^{۴۷} بانک جهانی، مواد مخدر و انکشاف

بالاخره، استراتژی ما برای مبارزه با مواد مخدر باید شامل تدابیری باشد که تعادل تجارتي و پرداخت های افغانستان را تأمین و ظرفیت مالی حکومت را ارتقاء بخشد تا بر خطرات ناشی از ضیاع محصول وارداتی بر اموالی که توسط صادرکننده گان مواد مخدر توريد میگردند غلبه حاصل گردد. بناءً، استراتژی تأمین معیشت قانونی بر فعالیت هایی متمرکز میگردد که تولیدات جاگزین واردات و یا تولیدات صادراتی را فراهم مینماید نه اینکه بر انکشاف کشت و زراعت تمرکز نماید. زمانیکه اقتصاد کشور به تولید اموال تجارتي قانونی متکی میگردد به شمول بازارهای داخلی آن، حکومت سعی خواهد نمود تا بر استراتژی مالی اش تجدید نظر نموده، آنرا از شکل فعلی آن یعنی اتکاء بر محصول وارداتی خارج سازد.

۵.۴.۳ سرمایه گذاری های استراتژیک عامه

جهت بهره برداری از امکانات رشد در اقتصاد و امحای اقتصاد مبتنی بر جرایم، دولت سرمایه گذاری های استراتژیک عامه و حایز اولویت را تشخیص نموده است که باید در عرصه های ذیل صورت گیرد:

(۱) زیربنا، به ویژه برق، سرکها و آب (۲) انکشاف نهادی و ظرفیت بشری (۳) حفظ حقوق فقرا با تمرکز خاص به مصونیت اجتماعی برای افراد آسیب پذیر (۴) ایجاد زمینه مساعد برای سرمایه گذاری سکتور عامه حکومت به این عقیده نیست که چهار عرصه اولویت در سرمایه گذاری عامه فوق الذکر جاگزین یکدیگر شده میتواند. چالش فعلی عبارت از انجام امور به صورت متوازن در محدوده منابع موجود میباشد. توازن، تعیین اولویت ها و مرحله ها در هر یک از عرصه های سرمایه گذاری عامه که تعیین مفصل مصارف آن لازم است، در استراتژی ملی انکشاف افغانستان درج خواهد شد. بعد از اینکه تعیین مصارف صورت گیرد، حکومت تلاش خواهد کرد تا منابع بودجه یی خود و منابع مراجع تمویل کننده را در جهت اولویت های تعیین شده، متمرکز سازد..

زیر بنا

میتوان عدم زیر بنای اساسی در کشور را به سود خود دگر گون ساخت به این معنی که زیر بنای اساسی، نه تنها ساحه عمده سرمایه گذاری مورد نیاز رشد اقتصادی را تشکیل میدهد بلکه بحیث منبع کاریابی مورد استفاده قرار گرفته میتواند. اولویت های زیر بنایی حکومتی عبارت از عمران عرصه های ذیل است:

۱- تسهیلات تولید برق برای محلات شهری و روستایی

۲- سرک ها: سرک حلقه یی و سرک های مواصلاتی به کشور های همسایه، سرک های روستایی و

ترمیم جاده ها و گذرگاه های شهری

۳- آب، آبیاری و اداره منابع آبی و تهیه آب آشامیدنی در ساحات شهری و روستایی

تنها عمران ساختمان های فیزیکی کافی نخواهد بود. حکومت ظرفیت خود را در جهت مدیریت زیر بنا و فراهم نمودن خدمات اقتصادی قابل اعتماد و کم مصرف به اتباع کشور ارتقا میبخشد.

تقویت دسترسی به انرژی برق اقتصادی و غیر منقطع: انرژی برق برای آبیاری زمین های آبی و صنایع خفیفه لازم میباشد. سکتور خصوصی در صنایع کوچک و متوسط سرمایه گذاری خواهد کرد مگر اینکه انرژی برق تامین گردد. زیر بنای موجوده برق احیای مجدد خواهد گردید^{۴۸}. تا زمانیکه ما قادر به ازدیاد ظرفیت تولیدی داخلی خود گردیم، لین های انتقالی برق را احداث خواهیم کرد که ما را قادر به خریداری برق از کشور های همسایه نماید. در خلال دو الی سه سال آینده، یعنی تا زمانیکه لین های انتقالی برق به کابل و سایر شهر های بزرگ رسیده بتواند، ما نیاز داریم تا طرق حل کم مصرف تخنیکی را به شمول منابع انرژی آزاد و قابل تجدید، جستجو نمائیم. تکنالوژی هایی موجود اند که ما را قادر به کاهش مصارف فعلی برق در کابل و سایر شهر های بزرگ خواهد کرد. ضمناً ما نیاز داریم تا ظرفیت تولیدی خود را افزایش دهیم که این مأمول از طریق تأسیس پروژه های تولیدی در داخل و در سرحدات کشور و حصول مصارف تامین انرژی برق، صورت گرفته میتواند. در ساحات شهری و نیمه شهری، تامین انرژی برق با اعمار بند های آبی کوچک و متوسط، امید بخش است. سیستم برق آن از نظر مالی قابل دوام، مصارف آن مناسب و عرضه برق به صورت مؤثر صورت خواهد گرفت. همچنان قیم انرژی برق در حدودی خواهد بود که سبب تامین خدمات بدون تقبل ضایعات مالی خواهد شد.

ما تدابیری را اتخاذ خواهیم کرد تا دسترسی به انرژی برق را به به صورت منصفانه و متوازن، تامین کند. رشد متناسب به نفع طبقه فقیر متکی برای تهیه برق در دهات میباشد که باید قابل دسترسی به همه باشد نه صرفاً برای ساحات بیشتر انکشاف یافته و یا برای زمین داران بزرگ. رشد تشبثات کوچک در تمام شهر ها مستلزم تامین انرژی برق به تمام ساحات خواهد بود نه اینکه تنها به ساحات متمول برق عرضه گردد. استراتیژی فراگیر تامین انرژی برق برای دهات باید در جریان استراتیژی کامل ملی انکشاف افغانستان، ترتیب گردد.

تقویت اتصالات از طریق بهبود سرک ها: جهت بهره برداری از موقعیت جغرافیایی افغانستان، آنکشور نیازمند سرک حلقوی و سرک های ارتباطی با کشور های همسایه در خلال ۵ سال آینده خواهد بود. اعمار سرک حلقوی در ۱۳۸۳ آغاز گردید و در اکثریت قطعات آن کار جریان دارد به شمول سرک های ارتباطی با کشور های همسایه تاجکستان، پاکستان و ایران. شبکه سرک های اساسی و روستایی نیز برای انتقال محصولات زراعتی کشور و تولیدات صنایع محلی آن به بازار های داخلی و خارجی مهم است.

شبکه سرک ها که خوب اعمار و حفظ و مراقبت گردد، سبب انگیزه افزایش تقاضا برای محصولات با ارزش زراعتی و تولیدات صنعتی روستایی، تقویت دسترسی دهات به خدمات و حمایت ادغام بازار ها و کاهش تجرید دهات خواهد شد. استفاده از میتود های تکیه بر کارگران، سبب تولید کاریابی کوتاه مدت خواهد شد.

^{۴۸} دسترسی فعلی به برق دولتی صرف ۶ فیصد است که یکی از کمترین میزان ها را در جهان تشکیل میدهد. سی فیصد فامیل ها و تشبثاتی که به شبکه دولتی برق متصل میباشند، در کابل موقعیت دارند.

همچنان استفاده از مواد محلی مانند سنگ سبب کاهش در مصارف حفظ و مراقبت سرک های مواصلاتی روستایی خواهد گردید که در نتیجه ارتباط میان دهات و شهرک های ولایتی قایم میشود. سرکها همچنان سهم سیاسی مردم دهات را ارتقاء داده، وحدت ملی را تقویت، امنیت را بهبود و بازار های ملی را بهبود خواهد بخشید.

شهرک ها و شهرهای افغانستان باید مراکز بازاریابی و خدمات برای انکشاف دهات و نیز مراکز کاریابی در تشبثات کوچک باشد. بهبود زیر بنای شهری سبب اسفالت شدن سرک های شهرک ها و مراکز ولسوالی ها و عامل ارتباط آنها با سرک های مواصلاتی دهات خواهد شد.

انکشاف دسترسی به زمین های قابل زرع و آب آشامیدنی: رشد و مولدیت زراعتی قویاً متکی به آبیاری است. در ارزیابی مخاطره ملی و آسیب پذیری در مورد وضع رقت بار عدم دسترسی به آب صحی، معلومات ارایه شده است.

اکثریت سرمایه گذاری در این عرصه از دهاقین و جوامع محلی به دست خواهد آمد، اما حکومت نیز سبب تسهیل سرمایه گذاری های موصوف از طریق توظیف متخصصین، کمک های بلاعوض و قرضه خواهد شد. همچنان حکومت در اداره منابع آبی از طریق برنامه های انکشاف دهات با جوامع همکاری خواهد کرد تا سرمایه گذاری های جوامع محلیاز استمرار و ثبات لازم برخوردار گردند.

گرچه بیشترین مصرف آب در ساحات زراعتی به منظور زراعت صورت میگیرد، معهذا مردم آب را برای مصارف دیگر بهداشت نیز نیاز دارند. افغانستان دارای مقادیر مناسب آب های زیر زمینی است اما ذخایر آن به زودی تهی شده میتواند چنانچه این حادثه در جریان خشکسالی سالهای ۱۳۷۸ الی ۱۳۸۲، دیده شد. بناً ما تلاش خواهیم کرد تا کیفیت و کمیت ذخایر آبهای زیر زمینی را بهبود ببخشیم و استراتیژی تنظیم منابع آب در ساحات شهری و روستایی را ترتیب نمائیم. آبرسانی شهری از طریق سیستم نل ها مستلزم سرمایه گذاری زیاد میباشد.

ما نیازمند آنیم تا معیشت دهات را از طریق احیای مجدد و بازسازی با پروژه های کوچک، متوسط و بزرگ آبیاری، بهبود بخشیم. ما تولید زراعتی و برق آبی را با اکمال سیستم های موجود و بزرگ آبیاری، روی دست گرفتن سیستم های جدید و ارتقای ظرفیت کشور برای اداره، تحفظ و احیای محیط زیست، افزایش خواهیم بخشید.

ارتقای ظرفیت نهادی و منابع بشری

دولت تدابیر را جهت ارتقای ظرفیت نهاد های افغانستان و افراد در تمام پلانهای انکشافی خویش، اتخاذ خواهد نمود. دولت سعی خواهد نمود تا ظرفیت سکتور خصوصی و عامه را انکشاف داده و همچنان مهارت های آنده از افراد را که از لحاظ اقتصادی فعال اند بهبود بخشد تا ایشان موثریت پیدا کرده و از توانایی رقابت برخوردار گردند.

ارتقای ظرفیت سکتور عامه اول تر از همه به معنی ایجاد نهاد های موثر عرضه خدمات میباشد. هدف از اصلاح اداره عامه ما این است تا خدمات به نحو موثر از سوی ادارات عرضه گردد و انگیزه برای کارمندان ملکی جهت خدمت به مردم، ایجاد شود. چنین ساختار خواهد توانست تا ظرفیت ها و مهارت ها را جذب نماید. برنامه های آموزشی به شکل وسیع با اجراءات ادغام خواهد گردید. کارمندان منتخب به خارج جهت انجام مطالعات فرستاده خواهند شد. سکتور خصوصی افغانستان جهت سهمگیری در تولید، سرمایه گذاری و بازاریابی نیاز به انکشاف مهارت ها دارد. تسلط سکتور عامه و بی امنیتی که در سالهای جنگ به وجود آمده تاجران افغانی را واداشته تا با استفاده از وسایل موثر اما غیر پیشرفته تجارت نمایند. آنها باید در مورد چگونگی داوطلبی قرارداد های بین المللی، افزایش سرمایه از طریق نهاد های رسمی، خریداری و استفاده از بیمه، حساب مصارف و فواید سرمایه گذاری ها، انکشاف پلانهای تجارتی بسته ها و اجناس بازار طبق معیار های بین المللی، معلومات حاصل نماید.

ارتقای مولد ظرفیت :

مردم افغانستان به ویژه جوانان ما، باید مهارت های بازاریابی را بیاموزند و خویشتن را برای اقتصاد جهانی مبتنی بر دانش، آماده سازند. بناً نصاب تعلیمی ما باید از حفظ نوت به تدریس شیوه های تفکر و تحلیل سوق گردد. ما نیاز داریم تا مهارت های مسلکی را برای افراد که دارای تحصیلات کمتر اند فراهم نماییم تا تقاضای بازسازی، اعمار زیربنا و حفظ و مراقبت دارایی ها، تکمیل گردد. ما همچنان باید سواد آموزی و حساب را که به منظور پیشرفت اقتصاد بازار ضروری میباشد، توسعه دهیم. ما برنامه های مسلکی و آموزش داخل خدمت را ایجاد خواهیم کرد و در ضمن سیستم تحصیلات عالی را تجدید نموده و آنرا به سوی مهارت های اداری و مسلکی سوق خواهیم داد. ما باید موثریت نیروی کاری خویش را بهبود بخشیم و همچنان ظرفیت مردم خود را جهت سهم گیری فعالانه شان در اقتصاد قانونی در آینده، ارتقا بخشیم. به همین ترتیب، ما معارف، توسعه مهارت ها و صحت را اولویت خواهیم داد.

تقویت آموزش با کیفیت و انکشاف مهارت ها : در عرصه آموزش، ما پالیسی های موثر آموزشی را با تأکید بر توزیع منصفانه فرصت های آموزشی و سهولت ها در سرتاسر کشور، طرح خواهیم کرد. اهداف میان مدت ما عبارتست از تامین حالتی که اکثریت اطفال سنین مکتب به تعلیمات با کیفیت در مکاتب دسترسی یابند و پوهنتون های ما بتوانند فارغینی را تقدیم نمایند که قادر به دریافت وظایف در سکتور خصوصی باشند. ما نیاز به فارغانی داریم که قصد اقامت در افغانستان را داشته باشند و ما را در بخش انکشاف و پیشرفت یاری رسانند و قادر به سرمایه گذاری بر اساس منفعت های منطقه یی و فرصت های جهانی باشند. برای مامول فوق ما نیازمند تطبیق پلان همه جانبه منابع بشری برای کوتاه، متوسط و طویل المدت خواهیم بود. پلان متذکره ترتیب نصاب آموزش های حرفه یی و تعلیمات عالی ما را راهنمایی میکند که باید طبق نیازمندی های سکتور خصوصی باشد.

سالهای جنگ و کشمکش سبب تخریب اساس مهارت های ما شده است. ممکن است تا مهارت های حرفه ای مورد نیاز کوتاه مدت را انکشاف بخشیم تا تقاضای سکتور زراعتی و رشد زیر بنا تامین گردد. آموزش های حرفه ای مطابق تقاضای سکتور خصوصی خواهد بود و در صورت امکان از طریق میکانیسم های سکتور خصوصی تطبیق خواهد شد. حکومت احصائیه های بازار کارگران را ترتیب خواهد کرد که سبب رهنمایی جستجو کننده گان کار در اشتراک در برنامه های مناسب و قابل انتظار خواهد شد.

با سالهای جنگ و کاهش سطح فعالیت های اقتصادی در سکتور های رسمی و مجاز اقتصاد، مهارت های مدیریت (منجمنت) در کشور از بین رفته است. درست است که مهارت های مدیریت تدریس شده میتواند اما بهتر است در جریان اجرای وظیفه آموخته شوند. تا زمانی که افغانها وظیفه مدیریت آینده خود را به عهده نگرفته باشند، دولت کما کان بر مساعدت خارجی متکی خواهد بود. اگر افغانها میخواهند این چالش را بر طرف نمایند، آنها باید فرصت مدیریت در تشبثات سکتور خصوصی و نیز حکومت را به صورت فزاینده کسب نمایند. در کوتاه مدت، ما به صورت انتخابی مهارت های مدیریت را از خارج جهت پیشبرد امور پروژه ها و آموزش افغانها در جریان وظیفه، تورید خواهیم کرد.

بهبود صحت مردم: دولت تامین دسترسی افغانها را به مجموعه خدمات اساسی صحت جهت کاهش مرگ و میر اطفال شیرخوار، اطفال بزرگتر و مادران در اولویت کاری خود قرار خواهد داد. حفظ و مراقبت صحت نه تنها حق اساسی میباشد، بلکه به منظور ارتقای سرمایه بشری ما ضروری میباشد. با تمرکز با سرمایه گذاری های صحت به ویژه پیرامون صحت مادران، هدف ما این است تا صحت و ظرفیت موثر تمام خانواده ها را بهبود بخشیم.

جدول ۱،۵ : سرمایه بشری افغانستان: بهترین داری ما

بهترین دارایی افغانستان، مردم آن است. اشتراک موثر آنها در احیای اقتصادی و اجتماعی کشور، اهمیت اساسی دارد. بنا بر مصایب سالهای جنگ، سرمایه گذاری کم حکومتی در عرصه صحت، تعلیمات، انکشاف مهارت ها و آموزش حرفه ای صورت گرفته است. سرمایه گذاری ها در ساحات متذکره، اساساً سرمایه گذاری برای مردم را تشکیل میدهد. امروز، افغانستان فاقد کارگران آموزش یافته برای رشد در عرصه های جدید و یا رقابت با کارگران ماهر منطقه ای میباشد. برنامه منسجم برای تقویت ظرفیت تولیدی نفوس جوان افغانستان، وجود ندارد و اقدامات پروژه ای به صورت غیر کامل تحت پوشش قرار میگیرد. حکومت نیاز دارد تا به صورت محتاطانه سرمایه گذاری نماید تا اطمینان حاصل گردد که مردم افغانستان مهارت های را کسب نموده اند که قابل استفاده و مثمر باشد و آنها بتوانند در عرصه جدید جهانی سازی، موقف خود را احراز نمایند. کارگران نیازمند مهارت هایی اند که طبق تقاضای استخدام کننده گان و اقتصاد باشد.

جمعیت کارگران غیر مسلکی و نیمه ماهر ما برای اعمار مجدد و حفظ و مراقبت سرک های ما و سایر زیر بناهای

مهم، مورد استفاده قرار گرفته می‌توانند. کارگران ماهر خارجی در کوتاه مدت، منبع ممکنه متخصصین اداری و تخنیکي را تشکیل می‌دهد. مشروط بر اینکه مهارت ها به کارگران ما در حین اجرای وظایف انتقال یافته بتواند. سواد آموزی و تعلیمات غیر رسمی و برنامه های حرفه یی جوانان و سالمندان ما را قادر به کار مثمر تر، اعتماد بیشتر بر خود و اشتراک بیشتر از تصامیم دسته جمعی خواهد کرد. برنامه های متذکره همچنان آنها را در دسترسی به تسهیلات بیشتر و حصول قرضه کمک خواهد کرد تا در جهت بهبود عواید خود، سرمایه گذاری نمایند و در بازار یابی و فروش تولیدات خود فعالیتگرند. حکومت کسب اطمینان خواهد کرد که دسترسی به تعلیمات و آموزش های حرفه یی به صورت مساویانه برای زنان نیز قابل دسترسی اند.

تحلیل های ناکافی درمورد نیازمندی های سکتور خصوصی و عرصه های ممکنه رشد کاریابی سبب محدود شدن مؤثریت پروژه های موجوده انکشاف مهارت ها گردیده، سبب جلوگیری از ترتیب استراتیژی فراگیر میشود. تحلیل ها در مورد میکانیزم های ممکنه تجهیز نسل جوان ما با مهارت های مورد نیاز نیز دچار فقدان و کمبود است.

تقویت صحت مردم : حکومت تامین دسترسی ۹۰ در صد افغانها را به مجمع اساسی خدمات بهداشتی، در اولویت های کاری خود قرار خواهد داد. هدف ما دسترسی به کاهش قابل ملاحظه در میزان بلند مرگ و میر اطفال شیر خوار، اطفال بزرگتر و مادران است. ما سیستم تشویقی را جهت توزیع وسیعتر خدمات صحتی در سرتاسر کشور عملی خواهیم کرد. حفظ و مراقبت صحتی نه تنها حق اساسی میباشد، بلکه به منظور ارتقای سرمایه بشری ما ضروری میباشد. با تمرکز با سرمایه گذاری های صحتی به ویژه پیرامون صحت مادران، هدف ما این است تا صحت و ظرفیت موثر تمام خانواده ها را بهبود بخشیم.

حفظ حقوق مستمندان و مصونیت اجتماعی

رشد اقتصادی ضروری بوده اما برای نیل بر دیدگاه ما کافی نمیباشد. این رشد باید به شکل وسیع در میان مردم صورت گیرد تا اثرات در زنده گی طبقه مستمندان به وجود آید. جهت حصول اطمینان از اینکه طبقه مستمندان در بهبود اقتصاد سهم فعال داشته باشند، دولت در نظر دارد تا اقدامات خاص را جهت حفظ حقوق ایشان، اتخاذ نماید. بالخصوص، ثبت زمین ها مردم را از غصب زمین هایشان محافظت خواهد نمود و امنیت را برای سرمایه گذاری در سرمایه ثابت فراهم خواهد نمود. ثبت زمین از لحاظ اقتصادی نیز مهم میباشد. بسیاری از پول های پس انداز مردم افغانستان در زمین و یا هم در خانه های که اکنون غیر فعال اند، منحصراً میباشد. حفظ و رسمی ساختن حقوق مالکیت بر زمین میتواند پول های پس انداز غیر فعال را به سرمایه زنده مبدل سازد. بعد از ثبت، زمین را میتوان موازی با نهاد های مالی رسمی مورد استفاده قرار داد که یک منبع مهم کریبت را برای سرمایه گذاری و رشد فراهم مینماید. تدابیر جهت حفظ حقوق مستمندان منجمله حقوق اموال شانرا نیز تامین خواهد نمود که ایشان از دسترسی مساویانه به خدمات عامه مانند آب زراعتی و برق برخوردار گردند که اینها بعضاً در انحصار قدرتمندان محلی قرار دارد.

به اساس معاهده افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و ملل متحد هر دو مشترکاً بر چگونگی وضعیت حقوق بشر نظارت خواهند نمود. به مثابه بخشی از استراتیژی انکشاف یی، سعی خواهد شد تا از

مراجع صاحب صلاحیت تقاضا گردد که نظارت بر حقوق طبقه فقیر کشور را در اولویت هایشان قرار دهند، خاصاً در نواحی دهات به شمول حقوق مالکیت بر زمین، حقوق عدم اجبار به قاچاق انسانها جهت پرداخت قروض و حقوق دسترسی به خدمات و زیربنا که باید در جوامع محلی فراهم گردد. نظارت بر دسترسی طبقه فقیر به سیستم عدلی که اصلاح و تقویت گردیده باشد، برای هدایت این پروسه در جهت مناسب آن کمک خواهد کرد. در حالیکه افغانستان توانایی فراهم نمودن پشتوانه کامل امنیت برای شهروندان را ندارد، دولت در نظر دارد تا برنامه های اساسی مصونیت اجتماعی را سرعت بخشد تا آنکه از مردم که از آفات متأثر گردیده محافظت گردیده و به مشکلات بیجا شده گان، زنان آسیب پذیر، جوانان بیکار و معیوبین رسیده گی صورت گیرد. برنامه های مصونیت اجتماعی ما به مانند برنامه های خیریه بصورت ساده طرح نخواهد گردید بلکه به منظور موثریت و ارتقای دسترسی طرح خواهد گردید تا زمینه را برای اشتراک فعالانه طبقه آسیب پذیر در رشد اقتصادی مساعد سازد.

ایجاد محیط توانمند برای تشبثات و سرمایه گذاری

با تکیه بر ماده دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان^{۴۹}، حکومت افغانستان سکتور خصوصی را به حیث منبع عمده برای رشد و انکشاف و ایجاد زمینه های کاری میپندارد. در سالهای آینده، توقع ما اینست که شاهد پیشرفت های بزرگ سکتور خصوصی در بخش زراعت، تشبثات متوسط و سکتور خدماتی با سهمگیری سکتور خصوصی داخلی و خارجی باشیم.

به منظور یکجا کردن تشبثات در سکتور رسمی، سعی خواهیم نمود تا در پالیسی مقرراتی و مالیاتی خود سهولت هابیرا ایجاد و طرز العمل های سکتور عامه را ساده تر سازیم، تا به اینترتیب حکومت خطرات تشبثات را کاهش دهد نه اینکه باعث افزایش آن گردد. انگیزه های عمده یی که باعث باقی ماندن تشبثات در سکتور غیررسمی میگردد و ناشی از بیروکراسی بیش از حد، فساد اداری و ضعف اداره است از میان برداشته خواهند شد.

حکومت سعی خواهد نمود تا چارچوب مقرراتی فعلی را در مورد بازارهای مالی خصوصی انکشاف دهد به شمول خدمات قرضه های کوچک که بیش از همه طبقه فقیر کشور از آن نفع میبرند. هدف حکومت در بخش پالیسی سکتور مالی عبارت از رشد یک سکتور مالی رقابت کننده، مؤثر، متکی بر بازار آزاد و خصوصی میباشد تا سطح و انبساط مالی افزایش یابد. جهت رسیدن به این هدف، نخست از همه چارچوب موجوده قانونی و مقرراتی را با تصویب قوانین جدید مانند قانون استقرار غیربانکی تحکیم خواهیم نمود. حکومت ازین بابت نگران است که بانکهای تجاری اکثراً نمیتوانند تقاضاهای سرمایه گذاران خصوصی را برآورده سازند و به

^{۴۹} ماده دهم چنین تصریح میدارد: "دولت سرمایه گذاریها و تشبثات خصوصی را به اساس نظام اقتصاد بازار، مطابق به خدمات قانون تشویق و حمایت میکند و مصونیت آنرا تضمین مینماید."

استثنای تنظیم و اداره مساعدت خارجی تمویل کننده گان فعالیت کمی را انجام میدهد. برطرف نمودن موانعی که سکتوربانکهای تجاری با آن روبه رو است باعث انکشاف بیشتر امکانات مالی مشتریان خواهد شد.

یک برنامه مؤثر سرمایه گذاری تحت نام "زنجیر ارزش یابی" در سکتور خصوصی ترویج و تطبیق خواهد شد تا فعالیت های اقتصادی را (از قبیل باغداری و مالداری) در دهات تحریک نموده، در نتیجه صادرات رقابتی و تولیدات جاگزین واردات را تقویت نماید. چنین یک برنامه باعث ازدیاد ارزش تولیدات نهایی جهت صدور و یا ایجاد تولیداتی خواهد شد که با واردات رقابت نماید و مشتمل بر فعالیت هایی خواهد بود که در زمینه های بازاریابی، معیارهای کیفیت، برق برای ذخایر سرد، زیربنای ترانسپورت، پالیسی آزاد صورت میگیرند.

ما استراتژی خود را طوری تنظیم خواهیم نمود که مشوق صادرات باشد. حکومت اساساً صنایع تولیدات صادراتی را تشویق و تسهیل خواهد کرد و در عین زمان به منظور تنوع و شکل دهی مجدد اقتصاد امتیازاتی را فراهم خواهد ساخت. در قسمت پیشبرد محاسبه رشد و انکشاف، حکومت سیستم های نظارتی را ایجاد خواهد کرد تا اثرات سرمایه گذاری مستقیم عامه و خارجی را در جهت تشویق صادرات بررسی نموده بتواند.

ما سعی خواهیم نمود تا ضمن کاهش مصارف قابلیت رقابت خود را نیز ارتقاء دهیم که در حال حاضر نظر به نرخ بلند تبادل به انفلاسیون مواجهه است (مرض هالندی)، طوریکه در فصل چهارم توضیح گردید. حکومت سعی خواهد نمود تا سطح تورم را پائین نگهدارد که این عمل را علاوه بر سایر تدابیر با تداوم لایحه عدم اضافه برداشت عملی خواهد نمود. در صورتیکه قیمت ها نظر به کشورهای رقابت کننده خارجی به سرعت بیشتر افزایش یابند، ما قابلیت رقابت را به سرعت از دست خواهیم داد و صادرات قانونی ما سقوط خواهند کرد. بر علاوه انفلاسیون باعث ایجاد مشکلات داخلی نیز میگردد زیرا تقاضای حقوق بیشتر دوام خواهد داشت و آنانیکه دارای عواید ثابت اند بیش از همه متضرر خواهند شد.

با انجام سرمایه گذاری های مورد نظر، ما در نظر داریم تا منابع خاص رشد سکتور خصوصی را تشویق نموده و به همین ترتیب در کوتاه مدت و میان مدت اقتصاد ما را به پیش خواهد برد. چهار مثال در ذیل بیان گردیده است:

۴,۴,۵ چهار منبع مقدم برای رشد و ایجاد زمینه های استخدام

زمانیکه دولت زمینه را برای رشد از طریق عرصه های سرمایه گذاری دارای اولویت فراهم مینماید، منابع رشد در عرصه های ذیل عرض وجود خواهند کرد:

- (۱) زراعت، مالداری و صنایع روستایی (۲) استفاده ثمر بخش از منابع دولتی (۳) معادن و صنایع استخراجی (۴) همکاری منطقه یی، تجارت و ترانزیت. چهار منبع رشد فوق، توازن مناسب میان سکتور های شهری و روستایی را ایجاد خواهند نمود.

بسیاری فامیلها سعی میکنند تا معیشت شانرا با پیشبرد فعالیت در شهر و روستا و به همین ترتیب کار در خارج از کشور، تأمین نمایند، که باینصورت عواید و سرمایه گذاری آنانرا به طرق متعدد پیوند میدهند. ما باید هدف خود را که عبارت از فقر زدایی است با افزایش حاصلدهی زراعت و ازدیاد عواید کسب نمائیم، در عین حال طرقي را دریابیم که باعث جلب کارگران به سکتور روستایی غیر از کشت و زرع گردد. به این لحاظ تلاش های ما در بخش انکشاف زراعت باید با ایجاد تعادل در انکشاف صنایع روستایی و فعالیت های تولیدی در شهرهای کوچک و محلی عیار گردند. حتی در صورتیکه ما کند سازی تجمع در شهرها را دوام دهیم، با وجود آنهم، پروسه تجمع در شهرها دوام خواهد داشت که مستلزم دریافت منابع لازم جهت انکشاف زیربنای شهری، و بهبود اسکان و تطابق شهری با داشتن بودجه محدود میباشد. شهرها و مراکز شهری نیازمند بازسازی اساسی میباشند که این خود یک منبع رشد پایدار و ایجاد زمینه استخدام محسوب میگردد.

زراعت، مالداري، تجارت زراعتی و صنایع روستایی

بیشتر افغانها در نواحی روستایی سکونت دارند. اکثریت طبقه فقیر ما را نیز ساکنین دهات تشکیل میدهد. بسیاری باشندگان دهات از حاصلات زراعت مانند گندم کسب معیشت مینمایند. ولی افغانستان دارای تاریخچه طولانی حاصلات باغداری پردر آمد نیز میباشد. با گذشت زمان، تولید چنین حاصلات درختی افزایش یافته و انواع جدید نیز مروج خواهد شد. رشد حاصلدهی زراعت یکی از منابع عمده رشد اقتصادی کشور و زمینه کاریابی را در نواحی دهات فراهم خواهد نمود. افزایش حاصلات زراعتی میتواند اساس سرمایه گذاری در صنایع خفیفه را تشکیل دهد از قبیل پروسس حاصلات زراعتی و یا تولیدات جاگزین واردات تا تقاضاهاییرا که با ازدیاد درآمد در دهات به میان می آید برآورده سازد.

علاوتاً، قسمت اعظم نفوس افغانستان به مالداري اشتغال دارند که این عمل توسط کوچیها به حیث یگانه وسیله اشتغال و یا توسط ساکنین محلی یکجا با زراعت زمین پیش برده میشود. پس ازینکه در اثر خشکسالی و یا مسدود بودن راه ها در جریان مهاجرت ناشی از جنگ، قسمت زیاد مواشی از بین رفتند، امروز مالداران کشور مصروف احیای دوباره رمة های مواشی شان میشوند. بهبود طبابت مالداري و سایر خدمات میتواند باعث رشد حاصلات و کیفیت بهتر آن گردد. تولیدات مالداري از قبیل گوشت، لبنیات و پشم (جدول ۵،۱)^{۵۰} منابع خوبی در صنایع کوچک مالداري شمرده میشوند. عرضه روزافزون پشم با کیفیت باعث گسترش و انکشاف صنعت قالین بافی خواهد شد. فراهم نمودن ذخیره گاه های سرد و بهبود سیستم ترانسپورت باعث انکشاف بازار گوشت و لبنیات شده میتواند.

بهرحال، زراعت به تنهایی کافی نخواهد بود. کشور های آسیایی که توانسته اند مردم شانرا از فقر خارج سازند بیش از همه بالای صنایع روستایی اتکاء نمودند. این صنایع که باعث ایجاد مشاغل غیر از زراعت میگردد، زمینه های کاری را برای زنان، به شمول زنان بیوه و زنانیکه معیشت فامیل را به عهده دارند فراهم میسازد.

^{۵۰} منبع: گروه OTF

به این طریق فامیل ها میتوانند در استراتژی بقای حیاتی شان تنوع وارد نمایند و از سوی دیگر از گیسختگی شیراره فامیل شان از اثر مهاجرت جلوگیری به عمل آورند. بعضی صنایع روستایی شامل پروسس حاصلات زراعتی میباشد ولی میتوان نیازمندی های مواد ساختمانی و ضروریات فامیل ها را که با افزایش عواید بیشتر میگردد نیز مهیا نمود. شرایط اساسی صنایع روستایی عبارت از دسترسی به زمین، بازار، قرضه و برق میباشد.

قالین: تحقیقات نشان میدهد که دو مشخصه عمده که برای فروش قالین در بزرگترین مارکیت های قالین جهان یعنی امریکا و جرمنی ملحوظ نظر میباشد عبارت از کیفیت و دیزاین قالین است. بعضی قالین بافان افغانی قالین هایپیرا با طرح و دیزاینی تولید مینمایند که باعث کسب جوایز و فروش یک متر مربع آن به قیمت ۸۰۰ الی ۹۰۰ دلار امریکایی میگردد. اکثریت مولدین و تجار قالین نیازمند بهبود مشخصات رقابتی قالین های شان از نقطه نظر دیزاین و درک بهتر در مورد انتخاب قالین ها در سطح جهانی خواهند داشت. برای یکعده معرفی و به کاربرد میتودهای عصری تر تولیدی باعث بهبود تولیدات خواهد شد. پشم غزنی که از مزیت بیشتر برخوردار است مورد استعمال کمتر دارد. این نوع پشم با وجودیکه برای قالین بافی نوع عالی شمرده میشود هنوز هم فقط در یک سوم تولیدات قالین به کار میرود.

کمیته قالین افغانی که تحت سرپرستی وزارت تجارت قرار دارد بالای بعضی برنامه های اساسی برای قالین بافان تمرکز دارد تا زمینه های مالی و پلان سازی تجاری را برایشان مهیا سازد و به این ترتیب عملیه برش و شستن قالین را که برای نصب علامه "ساخت افغانستان" امر لازم شمرده میشود در داخل کشور انجام پذیرد. بازاریابی برای قالین های دارنده علامت فوق ضمن کاهش کار اطفال در صنایع قالین بافی، حفظ و افزایش خواهد یافت.

ازدیاد تجارت مستقیم با بازارهای نهایی خارجی بدون دخالت میانجی های منطقه ولی باعث خواهد شد که منفعت قالین بافان دو الی سه برابر بیشتر گردد. تمویل این سکتور باعث انکشاف و گسترش آن خواهد شد و هدف متوقعه ۱۳ فیصد سالانه در ۲۰ سال آینده به دست خواهد آمد، برعلاوه صادرات رسمی الی ۱۳۹۴ (۲۰۱۵) به بیش از ۲۵۰ میلیون دلار امریکایی خواهد رسید. رشد پرورش رمه های گوسفند و علفچرها باعث ازدیاد پشم با کیفیت خواهد شد. استفاده بیشتر پشم محلی باعث بهبود کیفیت قالین گردیده، در نتیجه باعث کسب عواید بیش از ۲۰ میلیون دلار امریکایی در سال خواهد شد.

فعالیت های ایده آل زراعت در افغانستان عبارت از تولیدات پرارزش باغداری است که میتوان آنرا به شکل پروسس شده؛ در بسته های دارای حجم کم و ارزش زیاد عرضه نمود که کیفیت و قیمت آن در شهرهای افغانستان جهت صدور به بازارهای منطقه یی و جهانی مناسب خواهد بود. در گروه چنین تولیدات که تا اکنون پیشنهاد و یا عملاً تولید میگردند تولیدات مروج از قبیل میوه های خشک (جدول شماره ۵، ۲)،^{۵۱} پنبه، قره قل و به همین ترتیب تولیدات از قبیل سبزی ها و میوه های سرد و خشک شده، مربا، کتان، ابریشم، مواد عطری، و هایدروزول ها، جوس های غلیظ، تولیدات مواظبتی (صابون و کریم)، رب، و روغن ها (روغن زیتون، بادام و آفتاب پرست) شامل اند.

^{۵۱} منبع: گروه OTF

جدول شماره ۵,۳ مزایای مقایسه‌ی میوه‌های خشک و مغزیات افغانستان

میوه و مغزیات افغانستان دارای بهترین کیفیت بوده، از اعتبار قوی در آسیا، شرق میانه و به ویژه در هندوستان برخوردار است. امکانات دریافت بازارهای اضافی نیز موجود است مشروط بر اینکه از مصارف انتقالات، خصوصاً انتقال هوایی ضمن افزایش رقابت، کاسته شود. برنامه‌های اخیر دو نمونه جدید تجارت میوه‌ها و مغزیات را در بر دارد که عبارت از انکشاف یک دستگاه کشمش پاکی و یک فابریکه مغزیات است، تا به رشد این صنعت مساعدت گردد. وزارت زراعت و مالداري در همکاری سکتور خصوصی، مشغول طرح پلان برای انکشاف هزاران هکتار تاکستان و باغها است که در نتیجه یک افزایش ۱۰۰ الی ۲۰۰ فیصد در حاصلات به دست خواهد آمد. مؤسسه ORCA حدود ۲ میلیون درخت را در جلال آباد پرورش داد و سعی دارد تا عین نمونه را در مزارشريف و هرات پس از کسب حمایت لازم عملی سازد. یک گروه صادرکننده گان سعی مینمایند تا به بازار عمده فروشی هندوستان دسترسی پیدا کنند که به اینوسیله خواهند توانست تا ۳۰ الی ۵۰ فیصد عواید بیشتر را از بابت تولیدات شان کسب نمایند. صادرات میوه‌های خشک و مغزیات احتمالاً بیش از ۷۵۰ میلیون دالر امریکایی عواید سالانه را تشکیل خواهد داد.

فعالیت‌های یاد شده مستلزم سرمایه‌گذاری و تحقیقات طی سالهای متعددی دیگر خواهد بود تا نتایج ثمربخش به دست آیند. آنها همچنان به حل مشکلات قانونی زمین، چراگاه و توسعه کریدت نیاز خواهد داشت. برای موفقاً، هنوز هم امکانات انکشاف حاصلات گندم موجود است ولی امیدواری بیشتر در تولیدات مالداري خواهد بود. حاصلات گندم افغانستان در مقایسه با کشورهای همسایه چندین مرتبه کمتر است، به استثنای تاجکستان (که تولیدات خاصش را پنبه و میوه‌ها تشکیل میدهد). استراتیژی‌های مقدم که حکومت میتواند آن‌ها را جهت غلبه بر موانع عمده در برابر رشد زراعت و انکشاف دهات استفاده نماید قرار ذیل اند:

- ۱- سرمایه‌گذاری در بخش سرمایه اجتماعی به شکل شورا‌های انکشاف محلی جهت رفع موانع که در سرمایه‌گذاری عامه در ساحات روستایی وجود دارد.
- ۲- سرمایه‌گذاری در بخش آبیاری، ایجاد تعادل در توزیع آب به نواحی حاصلخیز، نواحی زرع تریاک، و نواحی که بیش از همه از امکانات آبیاری محروم اند.
- ۳- ترویج مجدد تکنیک‌های انقلاب سبز که در سالهای ۱۹۷۰ در افغانستان معمول بود، از قبیل تخم بزی اصلاح شده گندم، افزایش کود کیمیاوی، و در حدود امکان میکانیزه سازی زراعت.
- ۴- تطبیق طرح‌های اجاره دهی زمین‌های عامه برای دراز مدت جهت رشد زراعت پرمهر در فارم‌های بزرگ دولتی- خصوصی. این عمل باید باعث کاهش مصارف امنیتی سرمایه‌گذاران خصوصی در سکتور زراعتی گردیده، در پهلوی آن حاصلات زراعتی نیز افزایش خواهند یافت.
- ۵- آغاز پروسه ثبت اسناد ملکیت زمینهای دهات، و حفاظت حقوق املاک مؤلدين کوچک.
- ۶- اعمار سرکهای دهات در نواحی معین، ترویج اعمار ذخیره گاه‌های سرد توسط سکتور خصوصی و یا اشتراک سکتور دولتی- خصوصی تا دهاقین بتوانند دسترسی بهتری به بازار داشته باشند.
- ۷- بهبود خدمات انکشاف زراعتی که برای افزایش حاصلدهی زراعت امر لازم شمرده میشود.
- ۸- تشویق بازار تولیدات زراعتی (به شمول صدور آن) ضمن ایجاد تسهیلات پروسس و انتقال آن به بازارها.

۹- انکشاف سیستم برق دهات به منظور حمایت از انکشاف صنایع کوچک و خفیفه روستایی.

۱۰- گسترش قرضه های کوچک و خدمات تجاری به شمول کمک ها مالی در نواحی روستایی.

تدابیر فوق باعث افزایش عواید، فقر زدایی و تأمین معیشت بدیل خواهند شد که اساساً از طریق انکشاف غله ها، احیای مجدد مالداري و باغداری به دست خواهند آمد. استفاده نسبتاً کم کود کیمیایی در افغانستان مفهوم آنرا دارد که با استفاده از کود کیمیایی و آبیاری طور هماهنگ افزایش سریع در حاصلات دهاقین صورت خواهد گرفت به همین گونه زمین های زراعتی به حیث زمین های عضوی دارنده ارزش بلند برای باغداری و صادرات پروسس شده تثبیت خواهند شد. ما از فعالیت های دریافت بازارها و امکانات جدید زراعت برای انکشاف زراعت حمایت خواهیم نمود.

ما خدمات عامه را جهت اعمار زیربنای لازم برای تطبیق برنامه های فوق عملاً انجام خواهیم داد. برنامه هایی از قبیل برنامه ملی دستیابی دهات یا NRAP (که قبلاً به نام برنامه ملی استخدام عاجل یاد میشد) و برنامه استراتژی ملی بحیث طرق انکشاف زمینه های کاری برای طبقه فقیر روستاها عملی خواهند شد.

استفاده ثمربخش از منابع دولتی

با فروش املاک عامه جهت اسکان و تمویل انکشاف شهری و خصوصی سازی تصدی های دولتی، حکومت خواهد توانست تا زمینه رشد و تأمین عواید را فراهم سازد. این عمل باعث ایجاد زمینه های کاری در صنعت ساختمانی سکتور خصوصی در نواحی شهری میگردد که متقابلاً بر همدیگر اثر خواهند داشت.

املاک دولتی: ماده چهاردهم قانون اساسی تصریح میدارد: " دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع زمین های عامه برای اتباع مستحق مطابق به احکام قانون در حدود امکانات مالی تدابیر لازم اتخاذ مینماید." کمسیون تسوید قانون اساسی حکم اخیر را نظر به تقاضاهای روزافزون مردم به زمین و مسکن حین رایزنی با مردم، شامل نمودند. حکومت مرکزی و شهرداری های کشور زمین های بیشماری را در نواحی شهری در اختیار دارند که طی چند سال اخیر قیمت این زمینها طور سرسام آور افزایش یافته است. موجودیت فساد اداری در معاملات زمین منبع بزرگ ضیاع عواید حکومت و به تحلیل زمین سرمایه در اقتصاد کشور محسوب میگردد. حکومت استراتژی یی را تصویب خواهد نمود تا در معاملات زمینهای شهری اصلاحات به عمل آید. درین برنامه تمام معاملات زمین از طریق نشر آن در صفحات انترنت به زبانهای دری، پشتو و انگلیسی در اختیار عامه قرار خواهند گرفت. همچنان برنامه بررسی اسناد ملکیت زمینهای شهری نیز عملی خواهد شد که طی آن تمام اسناد در ظرف ۳ الی ۵ سال آینده ثبت و راجستر میگردد.

حکومت سروی زمین هایبر که در شهرها و حومه آن در اختیار دارد انجام خواهد داد. پس از اكمال سروی، برای عمران زمین ها جهت خدمات شهری اولویت ها تعیین خواهد گردید. (سرکهای اسفالت، برق، آب، پیاده رو و تنویر) تا با اخذ قرضه های با مصارف کم آنرا انکشاف داده، بقیه نمره های زمین را به صورت آزاد از

طریق داوطلبی رقابتی به فروش رسانیده، یا به اجاره دهد. حکومت عواید حاصله از فروش و اجاره زمین های دولتی را به کمک مساعدت های بین المللی و قرضه های با مصارف کم، جهت انکشاف زیربنا و اعطای امتیازات به سکتور خصوصی جهت اعمار منازل اقتصادی برای فروش و یا کرایه به فامیل های دارای عواید متوسط و پائین به مصرف خواهد رسانید. اعمار منازل مسکونی رابطه متقابل با اقتصاد دارد به شمول ایجاد زمینه های استخدام به ویژه در صورتیکه در بخش مواد ساختمانی توریدی کاهش به عمل آید. بر علاوه حکومت پارکهای صنعتی را ایجاد خواهد کرد تا متشبتین در نقاط مختلف کشور دسترسی سهلتر به املاکی پیدا کنند که خدمات و اداره آن مطابق به اساسات تجاری صورت میگیرد. براساس نتایج که از سروی زمین بدست آمده، دولت زمین های مقتضی را دوباره بدست خواهد آورد و زمین های زراعتی دولتی را برای زارعین مستمند و یا برای مزارع بزرگ تخصیص و یا هم طور اجاره، ارایه خواهد نمود.

تصدی های دولتی: تصدی های دولتی در وضعیت مالی متفاوتی قرار دارند. حکومت این تصدی ها را مورد ارزیابی قرار داده و شیوه هایی را تعیین مینماید که به اساس آن تصدی ها خصوصی و یا منحل گردند. همچنان بررسی بیشتر سایر نهاد های دولتی در سکتور ترانسپورت و معادن نیز انجام خواهد یافت تا امکانات خصوصی سازی آنها ارزیابی گردد. تصدی هایی که در حال حاضر وظایف اساسی را انجام میدهند و عرضه چنین خدمات به اسرع وقت توسط مارکیت آزاد ممکن نباشد، عجالتاً در اختیار حکومت باقی خواهند ماند. همچنان یک تعداد تصدی هایی موجود اند که نظر به قانون، خصوصی سازی آنها امکان ندارد، از قبیل نهادهایی که در زمینه خدمات زندانها و یا استخراج منابع مصروف کار اند. آن تعداد از تصدی هایی که دارای ارزش اقتصادی ناچیز و یا فاقد ارزش اقتصادی اند، منحل خواهند شد. حکومت طرز اداره، نظارت و شفافیت در تصدی هایپیرا که تحت کنترول حکومت باقی میمانند تقویت خواهد نمود. مجموع عوایدیکه از فروش و یا انحلال تصدی های دولتی حاصل میگردند طور دقیق معلوم نیست. چنین عواید که در نتیجه فروش و یا انحلال تصدی ها به دست می آیند در یک وجه جداگانه نگهداری شده و برای پیشبرد پروژه های رشد اقتصادی به مصرف خواهند رسید.

معادن و سایر صنایع استخراجی

ماده نهم قانون اساسی چنین تصریح میدارد: " معادن و سایر منابع زیرزمینی ملکیت دولت میباشد. حفاظت و اداره املاک دولت و طرز استفاده از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم میگردد." افغانستان دارای آن گونه منابع زیرزمینی میباشد که تا هنوز شامل اقتصاد رسمی کشور نگردیده اند. حکومت با تصویب قانون معادن در سال ۱۳۸۴ (جولای ۲۰۰۵) نخستین گام را در جهت اصلی تأمین مامول فوق برداشته است و به این ترتیب چارچوب مقرراتی را فراهم نمود با ملحوظ نظر قرار دادن معیار های بین المللی در مورد طرح های رویالتی و مالیات که باعث جلب سرمایه گذاری خارجی خواهد شد. به همین ترتیب ما پروسس معادن را نیز انجام خواهیم داد اما نه اینکه آنرا به شکل مواد خام به خارج صادر نمائیم. عواید که از استخراج منابع

طبیعی بدست میاید باید در عرصه رشد و توسعه مورد استفاده قرار گیرد. دولت از تجارب بین المللی جهت کاربرد موثر چنین عواید استفاده خواهد نمود و از خطرات ممکنه جلوگیری به عمل خواهد آورد.

معادن همانند سایر سکتورها از قبیل هوانوردی، مخابرات و برق یکی از ساحاتی است که به نظر ما خواهد توانست باعث جلب سرمایه گذاری های مستقیم بزرگ خارجی طی چند سال آینده گردد. از جمله منابع موجود زغال سنگ، سنگ کنه، سنگ مرمر، سنگهای تعمیراتی (جدول شماره ۵،۳)، معادن صنعتی، بعضی از فلزات و احجار نیمه قیمتی شامل این مواد اند. کشور ما دارای تخمیناً ۷۰ میلیون تن متریک ذخایر زغال سنگ، ۲۴۰ میلیون تن مس، ۱۱۰۹ میلیون تن معدن آهن، ۲۰-۲۵ تن طلا، یک تریلیون فت مکعب گاز طبیعی و مقادیر نامعلوم احجار قیمتی و نیمه قیمتی و تیل میباشد. قسمت اعظم سنگهای موجود میتواند جاگزین مواد قیمتی تر وارداتی گردد، از قبیل کانکریت توریید شده برای اعمار سرکها.

در برنامه تامین آینده افغانستان تخمین گردیده است که الی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی)، ارزش ناخالص مواد منرالی جامد تولید شده از اندازه تخمینی فعلی (شصت میلیون دالر امریکایی) به ۲۵۳ میلیون دالر امریکایی سالانه افزایش یافته میتواند^{۵۲}. به این منظور، سرمایه گذاری سکتور عامه به مبلغ ۱۰۰ میلیون دالر امریکایی و سکتور خصوصی به اندازه ۳۶۰ میلیون دالر امریکایی لازم خواهد بود که سالانه ارزش اضافی به مبلغ ۱۰۸ میلیون دالر را ایجاد خواهد نمود، همچنان مالیه حق الامتیاز و سایر انواع مالیات به مبلغ ۱۸ میلیون دالر امریکایی و بیلانس مثبت صادرات به اندازه ۶۶ میلیون دالر امریکایی را بمیان خواهد آورد. سکتور معادن نیز میتواند تخمیناً ۷۵۰۰ وظیفه را با اثرات مثبت بر سایر موارد کاریابی، بیفزاید.

جهت بهره برداری از ظرفیت سکتور معادن، حکومت نقایص مقرراتی، مالی و تأسیساتی را مورد توجه قرار خواهد داد تا اداره خوب، نظارت و شفافیت تامین گردد. همچنان کنترل بیشتر را بر قدرتمندان محلی که از منابع متذکره به صورت غیر قانونی بهره برداری مینمایند، انجام خواهد داد و کارگران متخصص و عادی را مهیا خواهد نمود و ماین ها و مهمات منفجر ناشده را از میان خواهد برداشت.

جدول ۴، ۵^{۵۳}

منفعت های مقایسه یی مرمر افغانستان

نمونه های سنگ مرمر هرات و جلال آباد دارای کیفیت عالی میباشند که مرمر هرات میتواند با مرمر ایتالیا رقابت نماید. لاجورد و عقیق نیز از ارزش قابل ملاحظه جهانی برخوردار اند. قانون معادن که در این اواخر تصویب گردید، دسترسی به ذخایر معادن را با اجاره های ده ساله برای سکتور خصوصی فراهم میسازد. سرمایه گذاری در سنگ کنه منفعت دوگانه کاریابی و انکشاف دهات را داشته میتواند زیرا اکثریت سنگ های کنه در ساحات دور دست واقع اند. پیشرفت در عرصه صنعت تولیدات سنگ ها عواید بیشتری را برای افغانستان فراهم میتواند. اکثریت تولیدات مرمر افغانستان صادر میگردد زیرا صنایع محلی ظرفیت و قوت کافی ندارند. با حمایت مناسب میتوان فروشات را سالانه به آسانی به اندازه ۱۰۰ میلیون دالر امریکایی در ده سال آینده افزایش داد. هدف وسیعتر عبارت از عواید به اندازه ۴۵۰ میلیون دالر امریکایی بوده میتواند اما بر آورده شدن این آماج مستلزم تمویل سریع وجوه و بهبود زیر بنا و امنیت اند.

^{۵۲} معادن به حیث منبع انکشاف، بانک جهانی - مارچ ۲۰۰۴.

^{۵۳} منبع: گروه OTF

همکاری منطقه‌یی، تجارت و ترانزیت

افغانستان در چهار راه منطقه قرار دارد. کشور های واقع در شمال و غرب آن دارای مقادیر وسیع هایدروکاربن ها میباشند. کشور های جنوبی و شرق آن نیازمندی فزاینده به هایدروکاربن ها دارند. کشور های شمالشرق و نیز افغانستان خود منابع وسیع انرژی آبی دارند. کشور های شمال افغانستان تمام محاط به خشکه اند.

بنأ افغانستان دارای ظرفیت وسیع افزایش عواید از کرایه و محصول بر ترانزیت و ایجاد فعالیت های اقتصادی به اساس تقاضای کارگران ترانسپورتی و شرکت ها میباشد. بهترین پروژه ترانزیتی پیشنهاد شده عبارت از پایپ لاین ترکمنستان، افغانستان و پاکستان میباشد که گاز طبیعی را از دولت آباد ترکمنستان از طریق غرب و جنوب افغانستان به پاکستان و بعداً ممکن به هندوستان انتقال دهد. عواید ترانزیتی ناشی از پروژه موصوف تخمیناً ۱۶۰ میلیون دالر سالانه میباشد که به اندازه نصف عواید داخلی حکومت افغانستان در سال ۱۳۸۴ است. سایر برنامه ها نیز برای انتقال ممکنه انرژی وجود دارد که مشتمل بر فروش برق آبی تاجکستان به پاکستان و اعمار پایپ لاین های نفت و گاز میباشد. اعمار پروژه های متذکره سبب ایجاد کاریابی و ارتقای مهارت ها خواهد شد و نیز فعالیت آن سبب فراهم آوری عواید مداوم به حکومت خواهد گردید.

ترانزیت از طریق افغانستان با بهبود شبکه سرک ها و کنترل سرحدات، سبب خواهد شد که مراکز کشور های آسیای مرکزی در خلال ۳۶ ساعت از طریق بحر قابل مواصلت باشند. ایجاد دهلیز های ترانزیتی مستلزم بهبود در وضع سرک ها، اعمار خطوط ریل و تامین امنیت در جاده ها و دهلیز ها، (به خصوص با توجه بیشتر در زمان ها و اوقات معینه) جلوگیری از فساد و پروسه های غیر لازم اداری و نیز کنترل بهتر سرحدات میباشد.

فرصت های بهره برداری از همکاری منطقه‌یی در کوتاه مدت در چند عرصه متصور بوده میتواند. بانک جهانی در تحقیقات اخیر خود طرق حل موفقانه‌یی را برای نیل به همکاری منطقه‌یی ذکر نموده است که میتواند با خطر کمتر آغاز گردد^{۴۰}. در مطالعه متذکره بر تجارت در قلمرو انرژی برق، سکتور ترانسپورت و تسهیل تجارت توجه صورت گرفته است. ما در عرصه اخیر الذکر کار خود را با میزبانی کنفرانس کابل در مورد همکاری منطقه‌یی به صورت مشترک با کشور انگلستان، آغاز نموده ایم. (بتاریخ ۱۳ و ۱۴ قوس سال ۱۳۸۴)

عرصه هایی وجود دارند که ما میتوانیم رکود سرمایه گذاری ناشی از وضع نا به سامان امنیتی را بر طرف و به سرعت پیشرفت نمائیم. مثلاً حکومت خریداری بیشتر انرژی برق از عده‌یی از کشور های همسایه و اعمار لاین های انتقالی را مورد بررسی قرار خواهد داد و ظرفیت پروژه های سرحدی برق آبی را نیز ارزیابی خواهد کرد. در ساحه ترانسپورت و تجارت میتوان با کاهش زمان ترانزیت اجناس از افغانستان را با

^{۴۰} دورنمای انکشاف منطقه‌یی و همکاری اقتصادی در منطقه وسیع آسیای میانه، بانک جهانی، مورخ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی

اداره همکارانه سرحدی و سایر مقاولات چند جانبه و دو جانبه در خصوص تجارت و ترانزیت، تامین نمود. افغانستان همچنان میتواند اندازه آب موجود برای آبیاری را از طریق موافقتنامه ها با همسایه گان دریا های عمده خود، افزایش بخشد. بالاخره، ما میتوانیم مشکلات موجود در ظرفیت خود را از طریق کارگران خارجی ماهر از کشور های منطقه در چارچوب همکاری آسیای جنوبی تقلیل دهیم، به یاری مهارت های متذکره، مشکلات ظرفیت کاری خویش را در کوتاه مدت کاهش بخشیم و در ارتقای مهارت های خود گامهای فراخی برداریم.

بالاخره، ما امکانات احیای مجدد صنعت توریسم خود را (به جدول فوق مراجعه گردد) بررسی خواهیم کرد. افغانستان در چهارراه آثار فرهنگ های مختلف واقع است. با میسر شدن زمینه توریسم در سالهای اخیر، علاقمندی در بازدید از عده یی از ساحات دارای اهمیت تاریخی و تماشای زیبایی طبیعی کشور، احیا گردیده میتواند. در دهه ۱۳۵۰، بیشتر از ۹۰۰۰۰ توریست سالانه افغانستان را تماشا میکردند. توریسم یکی از بزرگترین تهیه منابع اسعار خارجی کشور بود. در اکثر ساحات کشور، مناظر و زیبایی های بدیع و شگرف وجود دارد و در کنار آن آثار تاریخی بینظیر نیز به نظر میرسد. این امر کاملاً روشن است که احیای توریسم کشور به زمان احتیاج دارد و مستلزم بهبود وضع امنیتی است اما ما اعمار زیر بنای لازم برای انکشاف توریسم را به وسیله سکتور خصوصی تشویق خواهیم کرد.

جدول ۵،۵

توریسم: عرصه رشد در آینده

با ثبات حالت سیاسی و امنیتی در افغانستان و اتصال کشور به منطقه، سکتور توریسم ظرفیت آن را دارد تا مجدداً عامل رشد گردد. ادامه بی امنیتی و عدم زیر بنا و خدمات در کوتاه و میان مدت مستلزم برخورد تدریجی و متمرکز میباشد مانند ایجاد زمینه های توریسم بوم شناسی. در دراز مدت، آثار فرهنگی غنی افغانستان و زیبایی طبیعی آن ظرفیت جلب تعداد قابل ملاحظه توریستان را به خصوص از آسیای جنوبی مجدداً دریافت خواهد کرد. نقش حکومت در تشویق سکتور توریسم عمدتاً تنظیم امور مقرراتی و نقش ترویجی خواهد بود که با تمرکز به ارتقای مؤسسات و ظرفیت های کاری، صورت خواهد گرفت. در جریان پروسه استراتیژی ملی انکشافی افغانستان، چارچوب انکشاف هماهنگ با این سکتور ایجاد خواهد شد. حکومت همچنان حصول اطمینان خواهد کرد که ارتباطات با استراتیژی انکشاف دهات کاملاً مورد ارزیابی قرار گرفته، ارتباطات با انکشاف صنایع دستی محلی و تشبثات کوچک بعد اعظمی میرسد. استراتیژی متذکره مشتمل بر موارد ذیل بوده میتواند:

- ۱- سفارشات در مورد ساختار های مناسب مؤسسات و احیای مجدد مؤسسات موجود بوده میتواند.
 - ۲- جستجوی مشارکت ممکنه با سکتور خصوصی و مؤسسات انکشافی
 - ۳- پلان ملی توریسم و طرح اقدامات جهت ترتیب اسناد تقنینی لازم
 - ۴- بازاریابی و استراتیژی انکشاف تولیدات
 - ۵- پلان کاری برای انکشاف سیستماتیک توریسم در خلال ۵ سال آینده
 - ۶- لست اولویت ها و پروژه های نمونه یی
- جهت حمایت پروسه متذکره، حکومت متعهد به تقویت ظرفیت های وزارت اطلاعات، فرهنگ و توریسم و ایجاد مراکز توریستی در عده از مراکز ولایات کشور میباشد. حکومت بر علاوه به بازاریابی توریسم در افغانستان و طرح میکانیزم های مناسب همکاری با سکتور خصوصی توجه خواهد نمود.

۵،۵ تحقق دیدگاه ما ذریعه تأمین ارتباط، مشاورت و "تعهد اجتماعی"

به منظور کامیابی استراتژی انکشاف افغانستان در پنج سال آینده، ما نه تنها به حمایت مالی نیاز داریم بلکه مهتر از همه به تعهدات و اشتراک مردم خود درین استراتژی مشترک نیز ضرورت داریم. ما باید به مردم خود توضیح و اعلان نمائیم که آنان از حکومت خود چه توقع میتوانند داشته باشند و مردم خود برای خویش چه کارهایی را باید انجام دهند. ما باید از تنوع قومی خود به حیث وسیله رسیدن به انکشاف استفاده نمائیم نه اینکه از آن به مثابه تشدید کشمکش های داخلی کار بگیریم. مساجد و مکاتب در امر انتقال پیام واقعی ما در مورد مسائل گوناگون به مردم به عهده ممد واقع گردیده میتوانند. سکتور روبه انکشاف رسانه ها نیز میتواند نقش بزرگی را در انتقال هدف ما به مردم داشته باشد. ما یک استراتژی ارتباطی را به منظور انتقال پیام های خود به افغانها در دورترین نقاط کشور تنظیم خواهیم کرد. ما نیاز به حمایت شورای ملی خود داریم تا استراتژی ما را درک و در برخورد با چالش هایی که در پیش رو داریم با ما همکار باشد. استراتژی مشورتی ما در فصل دوازدهم طور مفصل بیان گردیده است.

نظر به تمام دلایلی که گفته شد، به نظر ما لازم است تا در مورد دیدگاه و استراتژی انکشاف کشور توافق نظر عام را در تمام بخش های حکومت و میان تمام افغانها حاصل نمائیم. ما در نظر داریم تا این مأمول را ذریعه یک "تعهد اجتماعی" برآورده سازیم که مکمل "تعهدات افغانستان" با جامعه بین المللی و چارچوب آن خواهد بود. تعهد اجتماعی ضمن پیشبرد پروسه مشوره شامل استراتژی ملی انکشاف افغانستان گردیده،

۶،۵ اتصال استراتژی به سکتورها

سه فصل آتی (فصل های ۶، ۷ و ۸) چارچوب جامعی را در پیرامون رشد دولت و استراتژی فقر زدایی طوریکه در استراتژی ملی انکشاف در همین فصل طرح شده است، بیان میدارد.

۱،۶،۵ ساختار رکن استراتژی موقت ملی انکشاف افغانستان

در چهار سال گذشته، چارچوب انکشاف ملی برای تنظیم بودجه ملی و گزارش سال ۱۳۸۳ در مورد مصونیت آینده افغانستان چگونگی طرح پالیسی را فراهم نموده است. اگرچه در همین مدت، چالش هایی که دولت افغانستان با آن رو به رو است دچار تغییر شده است. در سال ۱۳۸۱، با درنظرداشت ختم جنگهای داخلی شدید و برگشت بیشتر از چهارمیلیون آواره، تمرکز سرمایه گذاری عامه روی کمکهای بشری صورت گرفته است. بعد از عادی شدن مسیر سیاسی، و بحران سیاسی گذشته، دولت در استراتژی سرمایه گذاری خویش تعدیلاتی را وضع نموده است تا بتواند رشد اقتصاد مستمندان و اهداف فقر زدایی را به دست آورد. در اصل، اولویت های پالیسی دولت، چالش های جدیدی را که مردم افغانستان با آن روبرو اند برآورده خواهد نمود که چارچوب سرمایه گذاری باید این واقعیت جدید را منعکس سازد.

جهت تجدید نمودن چارچوب پالیسی و سوق دادن آن به سوی رشد، کمیته نظارتی ریاست جمهوری برای استراتیژی ملی انکشاف افغانستان یک ساختار جدید برنامه یی را برای بودجه ملی انکشاف داده و چارچوب کلی سرمایه گذاری را تغییر شکل بخشیده است. این چارچوب سه رکن وسیع ذیل را ایجاد مینماید: (۱) امنیت، (۲) حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر، و (۳) ارتقای اقتصادی و اجتماعی که در آن برنامه های سرمایه گذاری ملی انکشاف یافته است. در میان این ستونها، موضوعات مشترک وجود دارند که عبارتند از جنسیت اجتماعی (جندر)، موادمخدر، همکاری منطقه یی و هشت سکتور – (۱) امنیت، (۲) حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر، (۳) زیربنا و منابع طبیعی، (۴) صحت، (۵) تعلیم و تربیه، (۶) زراعت و انکشاف دهات، (۷) مصونیت اجتماعی و (۸) حکومتداری اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی. این ساختار به صورت گرافیک در شکل ذیل نشان داده شده میتواند:

شکل ۲,۵ رکن ها، سکتور ها و مسائل مشترک برای برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان



چارچوب رکنی صرف چارچوب تنظیم کننده برای برنامه های مشابه ملی نیست، بلکه اساساً طرح جدیدی میباشد برای طریقه هایی که در آن پروژه ها و برنامه ها در آجندای فقر زدایی و کمک به مستمندان سهم خویشرا ایفا مینماید. این کار زمینه را به منظور ایجاد روابط متقابل جهت مباحثات در پیرامون پالیسی و بودجه مساعد میسازد. بالاخره قدرت استراتیژی جدید بر اساس برنامه های سرمایه گذاری که در فصل های آینده بیان گردیده، استوار میباشد که مسائل بهبود رشد و فقر زدایی مزمن را شامل می شود.

نیل به اهداف ملی انکشافی دولت وابسته به موفقیت در سرتاسر تمام سه رکن می باشد. عدم موفقیت در تأمین امنیت بر قابلیت دولت در حکومتداری تأثیر میگذارد. عدم موفقیت در حکومتداری روند ایجاد فضای سرمایه گذاری را که جهت فراهم آوری امکانات کلی سکتور خصوصی لازم پنداشته میشود، تحت شعاع قرار میدهد. عدم موفقیت در حکومتداری قابلیت ما را غرض تهیه خدمات اساسی به شمول تعلیم و تربیه، صحت، آب و

بهداشت نیز محدود میسازد. عدم موفقیت در رفع مسائل مشترک به صورت مؤثر، تعادل پروسه انکشاف جنسیت اجتماعی (جندر) را مختل می سازد، رشد دوامدار اقتصاد غیر قانونی را (مبارزه با فساد) تقویت می بخشد، زمینه های انکشاف تجارت و ترانزیت را محدود می نماید، باعث افزایش میزان فساد کوچک و فساد های بزرگ به سطح کشورگردیده، محیط را به واسطه عوامل منفی اقتصادی و اجتماعی متأثر میسازد. روی این دلیل، فصل ۶ استراتژی دولت را مطالعه می نماید تا در سراسر مسائل مشترک تحقق یابد، فصل ۷ رکن های مرکب امنیت و حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر را بررسی نموده و فصل ۸ چارچوب سرمایه گذاری را غرض پیشرف اقتصادی و انکشاف اجتماعی به طور خلاصه مشخص می نماید. به صورت کل، هر فصل مسائل کلیدی ذیل را مرفوع میسازد:

۵,۶,۲ مسائل مشترک

فصل ۶ استراتژی دولت را جهت هماهنگ ساختن مسائل مربوط به جندر، مبارزه با مواد مخدر، همکاری های منطقه ای، مبارزه با ارتشا و فساد و محیط در چارچوب سرمایه گذاری ارائه میدارد. مسائل مربوط به جنسیت اجتماعی (جندر) در تمام بخش های چارچوب سرمایه گذاری با توجه به جا دادن مسائل جنسیت اجتماعی (جندر) از طریق وکالت، سرمایه گذاری های استراتژیک و عملی بمنظور ارتقای برابری جندر در تمام سکتور ها گنجانیده خواهند شد. استراتژی مبارزه با مواد مخدر مسأله بسیار بغرنج و پیچیده را که چطور باید تجارت تریاک را محو نموده، در عین حال با دهاقین در یافتن منابع بدیل عواید کمک کنیم، مرفوع می نماید تا موفقیت در ریشه کن کردن تریاک باعث ایجاد فقر گسترده و محدودیت در رشد اقتصادی نگردد. در هر عرصه سرمایه گذاری، دولت در نظر دارد همکاری های منطقه ای را انکشاف بخشد. جهت رفع نگرانی روز افزون در مورد اینکه فساد روز تا روز گسترده تر می شود، دولت یک برنامه مبارزه با ارتشا و فساد را با درنظرداشت بهبود مالیات عامه و اداره اقتصادی، کنترول از وجوه امانتی و اقدامات حقوقی در بستگی با خواست قوی سیاسی پیشنهاد نموده است. همه اینها باید به شیوه بی انجام پذیرند که محیط گرانهای طبیعی ما زمین، آب، جنگلات و برای نسل آینده های در نظر گرفته شوند.

۵,۶,۳ رکن های ۱ و ۲: امنیت و حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر

فصل هفتم امنیت و حاکمیت سالم را به خاطر مساعی مشترک منطقه ای میان شان، پیوند میدهد. هدف از سرمایه گذاری در سکتور امنیت تقویت نقش مرکزی شورای امنیت ملی میباشد که به مثابه موسسه رهبری کننده مسئول مجادله با تهدیدات در سطح ملی میباشد. پالیسی امنیت ملی که در پلان دولت تنظیم گردیده، کشور را از یک حالت نسبتاً ناامن و فقیر به یک حالت نسبتاً مأمون و مرفه انتقال میدهد. این برنامه ها بالای تقویت اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان، خلع سلاح گروپ های غیر قانونی و ماین پاک، تمرکز مینمایند. با در نظر داشت خطرات یک سکتور امنیتی که از لحاظ مالی ناپایدار باشد، اجندای اصلاحات سکتور امنیت باید فراهم سازی خدمات امنیتی حیاتی در کوتاه مدت و بشکل پایدار در دراز مدت را متوازن سازد.

بخش ارتقاء حکومت سالم، حاکمیت قانون و حقوق بشر که شرط قبلی برای نیل به کلیه اهداف ملی میباشد. روی دگرگونی سیستم موجود قضایی به حیث اساس دولت قانونی، حفاظت حقوق شهروندان و یک اقتصاد رقابتی در بازار همچنان مفید واقع شدن به منظور مبارزه با فساد اداری و از بین بردن اقتصاد غیر قانونی مواد مخدر، تمرکز مینماید. عدالت دولتی باید در دسترس کلیه افغان ها قرار گیرد. برنامه اصلاحات اداره عامه ظرفیت و پاسخگویی دولت را تقویت خواهد کرد، اصلاحات را از کابل بیرون ساخته و عرضه خدمات را برای مردم ملموس تر میسازد. یک بررسی از وظایف مختلف واحد های دولتی در مورد عرضه خدمات، پروسه ساختار مجدد را رهنمائی مینماید.

۵, ۶, ۴ رکن ۳: انکشاف اقتصادی و اجتماعی

برنامه های سرمایه گذاری که در فصل ۸ طرح شده مستقیماً نقش خویش را در رشد و فقر زدایی ایفا مینمایند. سرمایه گذاری در زیر بنا و انکشاف منابع طبیعی برای موارد ذیل حیاتی میباشد: رشد سطح اقتصاد متراکم، کم ساختن مصارف پرداختن به تجارت، ارتقاء رقابت اقتصادی در خارج از کشور و انکشاف دسترسی به بازار ها مخصوصاً برای آنانی که در ساحات دور افتاده هستند. کمبود برق از سوی سکتور خصوصی به عنوان یک مانع عمده یاد گردیده است، لذا سرمایه گذاری در بخش برق منجر به افزایش تولیدات میگردد. سرمایه گذاری بمنظور ارتقاء مواد اولیه پائین و بالای زراعت، کمک به تنوع تولیدات زراعتی می کند، همچنان سرمایه گذاری دولت در مورد تولید محصولات با ارزش که بتواند جای عواید خشکسالی را در ساحات مرکزی بگیرد مؤثر تر خواهد بود. همچنان امعان نظر در ساحات مربوط به آبیاری، اداره منابع آب، انکشاف و تمدید خدمات و ترنری و دسترسی وسیع به معلومات براساس بازار منجر به ادغام بیشتر مارکیت ها و ایجاد مساعی مشترک با سرمایه گذاری ها در سطح جامعه، میگردد. انکشاف دهات بالای انکشاف زیربنا مؤثر دهات منجمه آبیاری و آبرسانی، تسهیل دسترسی به قرضه های کوچک و ایجاد اداره محلی و ساختار های پلانگذاری به حیث یک وسیله مؤثر عرضه خدمات تمرکز مینماید و بدین وسیله منابع ملی را برای ضروریات محلی، پاسخگو میسازد. دولت به این باور است که سرمایه گذاری در ساحات محلی برای حاکمیت سالم مهم بوده، جهت تامین زیربنایی که بیشتر روی ظرفیت های ملی تمرکز نماید، از اهمیت شایانی برخوردار است.

نفوس صحتمند یک شرط برای افزایش تولیدات است. همچنان نیروی کاری آموزش دیده یک شرط برای ساختار مجدد اقتصاد و ایجاد فرهنگی که ثبات سیاسی و حاکمیت سالم را حمایت نماید، میباشد. در ساحتیکه مردم نتوانند آموزش رسمی را کسب نمایند، دولت تلاش خواهد ورزید تا آموزش غیر رسمی و آموزش مسلکی را فراهم نماید، سرمایه بشری را تجدید کند و ثروت را افزایش بخشد. دولت این امر را درک مینماید که انکشاف هم برنده به بار میآورد و هم بازنده که ایجاد یک استراتژی در رشد فوق العاده فقر، مهم میباشد. ولی، برای هزار آن تن که در چنگ فقر مزمن باقی مانده اند، به برنامه های ویژه بی خصوص نیاز است تا یک شبکه مصنوئیت اساسی را برای آنان فراهم نماید، در عین زمان بایست مساعدت هایی را برای خود کفائی نیز میسر گرداند. ارتقاء ظرفیت ها در اداره ملی مبارزه با حوادث، ارگان های دولتی را در جهت واکنش سریع به حوادث کمک مینماید.

سرمایه گذاری به منظور افزایش ظرفیت ها در حکومتداری از لحاظ اقتصادی روی افزایش در عواید داخلی، حصول اطمینان از اینکه سیستم مالی دولت طوری تنظیم گردیده که تطبیق برنامه های دولت مؤثر بوده است و برآورده شدن اهداف آن را به ارمغان آورد، تمرکز مینماید. بالاخره، به حیث یک وسیله رشد، سرمایه گذاری ها به منظور انکشاف سکتور خصوصی و جهت رفع موانعی که در سر راه رشد اقتصاد رسمی و غیر رسمی کشور قرار دارد، تمرکز مینماید. این سرمایه گذاری ها اساسی برای استراتیژی رشد دولت میباشد. ایجاد یک زمینه مساعد دولت را در انکشاف اقتصادی که رسماً ساختار مجدد شده، بر اساس تخصص بازار یابی و تولید اجناس تجاری، خدمات و مسائلی که در صادرات و عواید مفید باشد، کمک مینماید. ایجاد زمینه مناسب برای سرمایه گذاری جهت تحرک اقتصاد تجاری و حفظ توازن میان سرمایه گذاری داخلی و خارجی مهم تلقی میشود.



مسائل مشترک

۶،۱ مسائل مشترک

این فصل، مرکزیت مسائل مشترک را برای به دست آوردن اهداف انکشاف ملی، برجسته می سازد. از همین رو، این مسائل قبل از چارچوب همه جانبه سرمایه گذاری، ارائه میگردد. در صورت امکان، هر برنامه سرمایه گذاری طوری ترتیب می یابد تا این مسائل کلیدی را کاملاً به یک طرح کلی برنامه یی مدغم سازد. با وصف این امر، دولت آگاه است که قدرت استراتژی ملی نه تنها در طرح آن نهفته است، بل، در تطبیق آن نیز میباشد. توجه خاص و سرمایه گذاری به منظور توحید مؤثر این موضوعات، در چارچوب کلی پالیسی و بودجه ملی، نیاز است. دولت نیز باید میکانیزم های نظارت و بررسی و طرز العمل هایی را رشد دهد که وزارت خانه ها و ادارات مختلف ذیدخل را در تطبیق پالیسی های مشترک، تحت ارزیابی قرار بدهد. در اصل، این امر نیاز به تقویت رابطه میان پالیسی سازی، برنامه ریزی، تنظیم بودجه و اجرای برنامه دارد.

این برنامه ها بنابر ویژه گی آن ها، در خط مشی های مختلف وزارتی و سهم داران مشترک است که هماهنگی بهتر و مسئولیت بیشتر را نیز نیاز دارد. استقامت دادن این مسائل، یک نیازمندی "اجباری" است نه "اختیاری". به همین ترتیب، دولت برای هر مسئله مشترک، شاخص هایی را به وجود آورده است که در چارچوب پالیسی (ضمیمه ۱) به طور کامل توحید گردیده است. از طریق همین ادغام و نظارت مؤثر، دولت خواهد توانست تا تأثیرات این برنامه ها را نظر به زمان، ارزیابی نماید.

مسائل مشترکی که برای موفقیت تمام برنامه های سرمایه گذاری، اساسی خوانده شده اند، عبارت اند از: (۱) برابری جنسیت اجتماعی، (۲) مبارزه با مواد مخدر، (۳) همکاری منطقه یی، (۴) مبارزه با ارتشاء و فساد و (۵) محیط زیست. در این فصل برای هر مسئله مشترک، استراتژی های مشخص بیان گردیده است که ارزیابی سیاست ها، موانعی که باید رفع گردد و استراتژی پیشنهاد شده را مورد بررسی قرار میدهد.

۲،۶ برابری جنسیت اجتماعی (جندر)

۱،۲،۶ توضیحات

بازسازی و پیشرفت افغانستان، مستلزم سهم گیری کامل زنان افغانستان، در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. تا هنوز زنان افغان از لحاظ مسائل صحتی، فقر، محرومیت از حقوق، حمایت در برابر خشونت،

دسترسی به معارف، سواد و شرکت در امور عامه، خرابترین وضعیت را در جهان دارا هستند. محرومیت در هر یک از این عرصه ها به هم دیگر ارتباط میگیرد و باید این مسئله مرفوع گردد. از اواخر سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱م) بدینسو پیشرفت هایی در بهبود وضع زنان صورت پذیرفته است.

قانون اساسی افغانستان، عدم تبعیض و برابری حقوق را برای زنان و مردان تأمین مینماید و ۲۵ فیصد کرسی ها را برای نماینده گان پارلمانی زن در شورای ملی اختصاص داده و تعهد کرده است که برنامه های تعلیمی و صحتی را برای زنان ارتقا دهد. زنان ۴۴ فیصد رأی دهنده گانی را که برای انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کرده بودند، تشکیل میدهند و میزان شمولیت دختران در مکاتب به طور چشم گیری افزایش یافته است. براساس فهرست انکشافی "برابری جنسیت اجتماعی (جندر)"، زنان افغان در شمار یکی از پایین ترین میزان در رابطه به حد اوسط عمر، دستاورد های تعلیمی و معیار های زنده گی^{۷۳} در جهان به شمار میروند. خلا های مربوط به برابری جنسیت اجتماعی (جندر) در عرصه های صحتی، تعلیمی، نظارت و دسترسی به منابع، زمینه های اقتصادی، عدلی و سهم گیری سیاسی به طور وسیع باقی مانده است. دولت قبلاً اهداف مشخص را برای زنان در این عرصه به عنوان تعهداتش به اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده شناسایی نموده است.

افغانستان بر مبنای پیشرفت هایی که طی چندین سال اخیر صورت گرفته، متکی بوده و به تلاش های خود به خاطر تحقق نظریه و تصمیم برابری جنسیت اجتماعی (جندر) افزایش می دهد. انکشاف برنامه یی که پاسخگوی مسائل برابری جنسیت اجتماعی (جندر) باشد، در رشد اقتصادی و کاهش فقر کمک میکند.

۲,۲,۶ تشریح خط مشی

هدف دولت ریشه کن کردن تبعیض در برابر زنان، انکشاف سرمایه بشری آنها، و تأمین رهبری آنان جهت تضمین سهم گیری کامل و مساوی شان، در تمام عرصه های زنده گی میباشد.

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

تا پایان ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، برنامه کاری ملی برای زنان افغانستان، به طور کامل، تطبیق خواهد گردید. در راستای اهداف ام. دی. جی. افغانستان، شرکت زنان در تمام ادارات حکومتی؛ به شمول ادارات انتخابی و انتصابی سکتور خدمات ملکی، افزایش خواهد یافت.

خط مشی های کلیدی و هماهنگی استراتژی اصلی دولت: دسترسی به برابری جنسیت اجتماعی (جندر)، در جهت نیل به اهداف تعیین شده توسط قانون اساسی، مبنی بر تساوی حقوق زنان و مردان، تشکیل میدهد. مشارکت زنان در تمام سطوح پالیسی سازی و تصمیم گیری، یک جز کامل مسئله برابری جنسیت اجتماعی (جندر) به شمار می آید. روند تحقق برابری جنسیت اجتماعی (جندر) از طریق انجام کمپاین ها، به خاطر بلند بردن سطح آگاهی عامه و کمپاین دفاعی به منظور حصول اطمینان در مورد اینکه تصمیم برابری جنسیت اجتماعی (جندر) توسط مردم، به حیث یک کمک مهم در انکشاف کشور حمایت گردد، تقویت میگردد. برای کاهش نا برابری جنسیت اجتماعی (جندر)، دولت همچنان فعالیت هایی را تقویت میکند که بر پالیسی ها و تخصیص منابع به منظور پیشبرد برنامه های خاص برای زنان، تأکید

می‌کند. عرصه‌هایی که در اولویت قرار دارند عبارت‌اند از: آموزش زنان، مسائل صحت نسایی و ولادی، تقویت اقتصاد، دسترسی به عدالت و سهم‌گیری سیاسی. هر اداره دولتی موظف است تا مسائل جنسیت اجتماعی (جندر) را در فعالیت‌های^{۶۶} خویش گنجانیده و معیارها و شاخص‌های واضح را جهت ارزیابی دست‌آورد‌ها، تعیین نماید.

وزارت امور زنان مسئولیت کلی رهبری و هماهنگی تلاش‌های حکومت را به‌خاطر ارتقای نقش زنان به‌عهده دارد. وزارت امور زنان مسئولیت بررسی پالیسی‌ها و برنامه‌ها را از نگاه مسئله جنسیت اجتماعی (جندر) به‌عهده دارد. وزارت امور زنان، ریاست و رهبری جلسات گروه‌های مشورتی جنسیت اجتماعی (جندر) را به‌عهده دارد و کارمندان ارتباطی مربوط به برنامه جنسیت اجتماعی (جندر) را در وزارت خانه‌ها برای تأمین ارتباطات با وزارت زنان، در مورد مسائل و پالیسی‌های مربوط به زنان تعیین نموده‌اند. آنها مسئولیت کمک در انجام تلاش‌های مربوط به برنامه تحقق برابری جنسیت اجتماعی (جندر) را در وزارت‌های مربوط، به‌عهده دارند. بخش زنان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و وزارت امور خارجه، به‌منظور رفع مسائل و نگرانی‌های مربوط به برابری جنسیت اجتماعی (جندر) و برنامه‌های مربوط به شعبات مربوط، ایجاد گردیده است. یک گروه کاری برابری جنسیت اجتماعی (جندر) در تمام وزارتخانه‌ها ایجاد خواهد گردید تا پیرامون گنجانیدن موضوع برابری جنسیت اجتماعی (جندر)؛ یکجا با وزارت امور زنان، فعالیت نماید. وزیر امور زنان افغانستان نقش فعالی را در زمینه اصلاحات حقوقی ایفا نموده و مشوره‌های ویژه را در مورد مسائل حقوقی مربوط به

حقوق زنان تهیه نموده است. به‌منظور تقویت فعالیت‌های این دفتر، مساعدت‌ها فراهم خواهد گردید. به‌خاطر شامل ساختن موضوع برابری جنسیت اجتماعی (جندر) در فعالیت‌های احصایی، دولت همچنان یک گروه کاری غیر رسمی بین‌الوزارتی را که در ارتباط به موضوعات برابری جنسیت اجتماعی (جندر) و احصائیه کار می‌کند، ایجاد نموده است. بهبود برابری جنسیت اجتماعی (جندر) و حفاظت از حقوق زنان نه تنها مسئولیت ادارات دولتی است، بلکه مسئولیت جامعه مدنی، سکتور خصوصی، و هر فرد شهروند نیز می‌باشد. دولت در صدد تقویت و تحکیم روابط خود با سکتور خصوصی به‌منظور ارتقای زمینه‌های اقتصادی، برای زنان می‌باشد. مؤسسات اجتماعی، به‌هیئت همکاران کلیدی در ارتقای نقش زنان باقی خواهند ماند. وزارت امور زنان در نظر دارد تا یک سیستم نظارت برنامه تحقق برابری جنسیت اجتماعی (جندر) را که متشکل از چندین مرجع باشد به‌عنوان یک میکانیزم نظارت فعالیت‌های مربوط به نگرانی‌های زنان ایجاد نماید تا زمینه فراهم آوردن تغییرات در زنده‌گی و وضعیت زنان کشور شود. همان‌گونه که برای زنان در شورای ملی سهم داده شده است، آنها در سایر هیأت‌های نماینده‌کی به‌منظور نظارت از سرمایه‌گذاری‌ها در امر برابری جنسیت اجتماعی (جندر) برنامه‌های دولت مصدر خدمت خواهند گردید.

۶، ۲، ۳ مسائل و موانع

دولت جهت تحقق برنامه برابری جنسیت اجتماعی (جندر) دارای ظرفیت ضعیف می‌باشد. ادارات دولتی که در مورد مسائل جنسیت اجتماعی (جندر) کار می‌کنند، در مورد تصمیم‌گیری و همچنان ظرفیت اداری، نظارت و منابع بشری برای گنجانیدن مسئله برابری جنسیت اجتماعی (جندر) در تمام عرصه‌های کاری‌شان، با فقدان آگاهی از طرح پاسخگویی، در برابر مسائل جنسیت اجتماعی (جندر) مواجه هستند. همچنان میکانیزم حسابدهی به‌خاطر ارزیابی

^{۶۶} شامل همه قوانین نافذ، پالیسی‌ها، برنامه‌ها، پروژه‌ها، بودجه‌ها، خدمات، فعالیت‌ها به‌شمول استخدام، آموزش، ترفیع، و تخصیص فواید و زمینه‌ها می‌گردد.

اجراات و کارکرد های مربوط به مسائل جنسیت اجتماعی (جندر) وجود ندارد. بر علاوه خواست سیاسی به منظور تسریع اصلاحات معمولاً موجود نیست.

حساسیت های فرهنگی، اجتماعی و دینی مبنی، بر مسائل جنسیت اجتماعی (جندر) و همچنان عقب ماندگی و فقدان تعلیم و تربیه، اقدامات در قبال اصلاحات برابری جنسیت اجتماعی (جندر) تاثیر وارد میکند. روابط برابری جنسیت اجتماعی (جندر) باید با نظر داشت مسائل سنتی و فرهنگ میراثی افغانستان، ارزیابی گردد. فرهنگ افغانستان بر مبنای قانون احترام استوار بوده و سلوک زنان در آن، نمای خاصی دارد. در حالیکه ممکن است این امر، نمایانگر احترام بیشتر برای زنان و رعایت حقوق ایشان در اسلام باشد، ولی به سرکوبی ایشان نیز منجر شده میتواند. عزت، واحد اولی اجتماعی خانواده بوده که به خویشاوندان نزدیک و قوم انکشاف می یابد. اکثریت زنان افغان نمی خواهند از طرف خانواده خویش در حاشیه قرار بگیرند و عفت خانواده های شان باید رعایت گردد، بخصوص هنگام کمک^{۵۶} با گروه های خاص.

عوامل مختلف با هم مرتبط، در تضعیف زنان سهم دارند:

فقر گسترده، موقف وابسته بودن زنان به مرد ها، بی سوادی و عدم درک درست از فرهنگ که به حقوق زنان و کمک های ممکن به انکشاف ملی کمتر توجه قائل میگردد، در تضعیف زنان سهم دارد. عدم درک درست از مقوله فرهنگ در افغانستان، مانع تداوی زنان، توسط داکتران مرد میگردد در حالیکه ۴۰ فیصد مراجع اساسی صحتی با فقدان کارمندان اناث^{۵۷} مواجه اند.

موانع در تعلیم و تربیه برای دختران و زنان، شامل فاصله دور مکاتب از محلات مسکونی، عدم موجودیت ترانسپورت، وضع محدودیت ها بر دختران به خاطر رفتن به مکتب، کمبود مکاتب اناث، فقر، ترجیح دادن مرد بر زن و بی امنیتی میباشد. فرهنگ معمول ازدواج کردن دختران در سنین پایین، یک مانع در عرصه تعلیم و تربیه دختران به شمار میرود. مواد تدریسی با نظر داشت برابری جنسیت اجتماعی (جندر) تهیه نگردیده، نقش برابری جنسیت اجتماعی (جندر) را به گونه سنتی تقویت نموده و مسئله حساسیت برابری جنسیت اجتماعی (جندر) در بین معلمین درست در نظر گرفته نمی شود. عدم موجودیت معلمین اناث، به خصوص در مناطق روستایی یک مانع عمده در پیشرفت تعلیم و تربیه دختران میباشد.

سهم گیری زنان در اقتصاد، در اثر عوامل زیاد محدود گردیده است. مسائل مورد نگرانی خاص این است که میزان سواد آموزی در بین زنان بسیار پایین می باشد. در اثر عدم موجودیت آموزش، به خصوص تعلیمات ثانوی، زنان با فقدان مهارت ها و تجاربی که برای کسب اشتغال لازم پنداشته میشوند، مواجه اند. این مسئله در اثر وضع محدودیت ها بالای زنان به خاطر رفتن به مکتب، شدت می یابد. زنان معمولاً در مقایسه با مرد ها، مزد پایین تری را به دست میاورند. اساساً کمک پولی زنان به اقتصاد در نظر گرفته نشده و آنها به ندرت، بالای درآمد و یا (عواید) خویش نظارت دارند. زنانی که مشغول انجام فعالیت ها در مؤسسات میباشدند، با فقدان خدمات مالی و تخنیکی، دسترسی به بازار و زیر بنای اساسی مواجه اند.

^{۵۶} - گزارش انکشاف بشری، فقره ۷۷

^{۵۷} - گروه مشاورتی پیرامون جندر، یاد داشت معلوماتی برای مجمع انکشافی افغانستان سال ۱۳۸۴

در حالیکه قانون اساسی متضمن برابری جنسیت اجتماعی (جندر) میباشد، مگر عدم برابری گسترده قانونی برابری جنسیت اجتماعی (جندر)، هنوز وجود دارد. زنان با فقدان آگاهی قانونی مواجه بوده و اکثریت زنان افغان در نزد قانون، از مصونیت مساوی بی که قانون اساسی برای آنها قائل گردیده است، محروم میباشند. خشونت برضد زنان دوام دارد. این خشونت ها عبارت اند از: ازدواج به زور، ازدواج دختران در آوان کودکی، قاچاق دختران، رفتار سوء و خشونت جنسی. قوانین میراث و ملکیت، زنان بیوه و طلاق شده را مورد تبعیض قرار میدهد. احکام تبعیضی در قوانین و پالیسی ها هنوز وجود داشته و با قانون اساسی مطابقت ندارند.

شمار اندکی از زنان در رهبری و قدرت، منجمله در فعالیت های نظارتی، اداری و پالیسی و عرصه های تصمیم گیری سهم گرفته اند. عدم موجودیت جدی ظرفیت ها، مشکلات متعدد، نظر به عوامل داخلی، تهدید های امنیتی و محدودیت های فرهنگی، رهبری زنان را در جامعه محدود میسازد. این موانع باید به منظور رشد ظرفیت زنان و بهبود حکومتمداری ارتقاء یابد، تا دولت توانسته باشد نیازمندی های مردم را مرفوع سازد. نیازمندی های زنان موکل (انتخاب کننده) میتواند به نحو مؤثر تر از طریق فراهم کننده گان خدمات زنان و تصمیم گیرنده ها خوبتر بر آورده گردد.

۴،۲،۶ استراتژی ها

تقویت تلاشها به منظور ادغام برابری جنسیت اجتماعی (جندر) برای حمایت ادغام برابری جنسیت اجتماعی (جندر)، یک برنامه کاری ملی ۱۰ ساله برای زنان تهیه خواهد گردید. هر وزارت خانه یک اداره را به منظور تسهیل روند نظارت از تطبیق، ایجاد خواهد نمود. تاکید خاص بر نظارت از اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده و سایر اهداف مربوطه، صورت میپذیرد. ظرفیت وزارت امور زنان مستلزم ارتقا است تا این تلاش ها را هماهنگ ساخته، مساعدت های تکنیکی و آموزش برابری جنسیت اجتماعی (جندر) را برای وزارت خانه های مختلف تهیه نموده و از روند تطبیق کامل، نظارت نمایند. وزارت به خاطر ادغام برابری جنسیت اجتماعی (جندر) به ویژه منحنی منبع تکنیکی ادغام برابری جنسیت اجتماعی (جندر) برای وزارتخانه ها، میکانیزم و ظرفیت خویش را تقویت خواهد بخشید. وظیفه نظارتی این وزارت به ویژه پیرامون اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده، ارتقاء نموده و به سطح بین الوزارتی شناخته خواهد شد. حکومت همچنان در نظر دارد دفاتر ولایتی وزارت امور زنان و کارمندان ارتباطی را در وزارت های مربوطه تقویت نماید. علاوه براین، جا دادن در برنامه اصلی، مستلزم سهمگیری کلیه وزارتخانه هایی که مسؤولیت نگرانی های جنسیت اجتماعی برابری جنسیت اجتماعی (جندر) را به عهده میگیرند در مشوره با وزارت امور زنان میباشد.

تمرکز بالای ارتقای ظرفیت رهبری زنان برای ارزیابی های برابری جنسیت اجتماعی (جندر) و زنان در معرض فقر، تامین ارتباطات، تفاهم و دفاع، بودجه سازی برای پیشبرد برنامه برابری جنسیت اجتماعی (جندر)، تسوید پیشنهاد پالیسی، برنامه ریزی و نظارت می باشد. دولت برنامه هایی را به منظور تامین سهم گیری زنان در تمام نهاد های انتخابی جهت نظارت از تطبیق برابری جنسیت اجتماعی (جندر) روی دست خواهد گرفت. ارتقای ظرفیت شامل تلاش های زیاد غرض ارتقای پروسه جمع آوری و استفاده ارقام پراگنده جنسی به خاطر واضح ساختن پالیسی، برنامه و مطالعات اساسی برای رفع خلا ها در زمینه های آموزش برابری جنسیت اجتماعی (جندر)، صحت و سایر عرصه هایی که در اولویت قرار دارند. جمع آوری ارقام پراگنده جنسی به خاطر تشخیص سهم زنان و مرد ها و انجام روند نظارت از پیشرفت های آینده و تاثیرات سرمایه گذاری لازم پنداشته میشود. ارقام در مورد سهم زنان در اقتصاد جمع آوری گردیده و در محاسبات ملی حکومت انعکاس داده شوند.

به عهده گرفتن کمپاین مدافعه ملی: به خاطر بلند بردن سطح آگاهی زنان در مورد نقش آنان و حمایت از سوی شهروندان کشور، ابتکارات دولت از سوی وزارت امور زنان در یک کمپاین مدافعه ملی، توحید خواهد گردید. با همکاری همکاران انگشافی، علما و روحانیون، رسانه های گروهی و جامعه مدنی، این کار در مورد مسائل مربوط به برابری جنسیت اجتماعی (جندر) که شامل موضوعات مسائل صحتی ولادی و نسایی، اهمیت آموزش دختران، خشونت برضد زنان، زنان و فقر و تاثیرات ازدواج در سنین پایین میباشد، تمرکز می یابد.

برای کاهش نا برابری های جنسی، شماری از فعالیت های مثبت در اولویت برنامه دولت قرار دارند که بر پالیسی ها و تخصیص منابع برای برنامه های خاص زنان تمرکز مینماید و با تفصیل بیشتر در فصل هفتم حقوق بشر، و فصل هشتم حفاظت اجتماعی، صحت، و معارف تشریح گردیده است. نکات ذیل بعضی از اولویت های مهم را نشان میدهد:

ارتقای دسترسی زنان به خدمات صحتی، به خصوص خدمات صحتی نسایی و ولادی. به خاطر کاهش موانع اجتماعی و فرهنگی به منظور دسترسی به این خدمات. دولت تعداد کارمندان مجرب صحتی اناث را به خصوص در مناطق روستایی افزایش میدهد. دولت همچنان سطح آگاهی مردان و زنان را در رابطه به صحت مادران حامله و حقوق نسایی ولادی ارتقا خواهد بخشید و گام هایی برای ارتقای سطح آگاهی در مورد حساسیت جنسیت اجتماعی برابری جنسیت اجتماعی (جندر) در میان کارمندان صحتی، مشتمل بر آگاهی در رابطه به خشونت برضد زنان و متعهد شدن تلاش ها برای شامل نمودن نگرانی های زنان در عرضه خدمات صحتی خواهد برداشت.

افزایش میزان شمولیت دختران در مکاتب ابتدایی و متوسطه: باوجود کمبود قشر اناث آموزش دیده، تاثیر سواد در رفاه کامل و موانع مستمر که در راه پیشرفت دختران به تحصیلات عالی قرار دارد، دولت این تلاش ها را انجام خواهد داد: برنامه های غیر رسمی آموزش سریع با تأکید و توجه بر دختران و زنان متاهل. ایجاد خواهد کرد. کمپاین سواد آموزی ملی را برای زنان راه اندازی خواهد نمود. تعداد معلمین اناث افزایش خواهد یافت و مراکز آموزشی بیشتر برای دختران اعمار خواهد گردید. دولت همچنان نصاب مربوط به حساسیت برابری جنسیت اجتماعی (جندر) و برنامه های تربیه معلم را تهیه خواهد نمود. سایر موانع چون امنیت و ترانسپورت که باعث عدم دسترسی زنان به آموزش میشود نیز رفع خواهد گردید. این کار باید از طریق تهیه منابع کافی به خاطر اعمار مکاتب محفوظ و نزدیک به محلات مسکونی، حمایت گردد.

ارتقای رشد وضع اقتصادی زنان: در حالیکه بیشتر کارهای زنان درحال حاضر، به طورنامری و غیررسمی بوده است، بنابراین حقوق اقتصادی آنان بدون پرداخت میباشد؛ در حالی که زنان نقش بارزی را در فعالیت های اقتصادی، به ویژه در عرصه زراعت و مالداري ایفا مینمایند. دولت راه را برای سهمگیری کامل و همچنان سودمندی فزاینده زنان هموار خواهد ساخت. این مامول از طریق سهولت دسترسی به سرمایه، بازار یابی و انکشاف مهارت ها بر آورده خواهد شد. با در نظر داشت تفاوت های عظیم در مناطق مختلف، زنان در عرصه مصوونیت و حق اشتغال و همچنان از دسترسی به سایر دارایی های اجتماعی و اقتصادی، بی بهره میباشدند. دولت به حیث بخشی از برنامه مقتضی و مستقر در جوامع محلی اطمینان حاصل نمود تا زنان در مواردی چون تدارک خدمات، آموزش، برسر انکشاف فرصت های بازار یابی در محراق توجه قرار گیرند. در تطبیق برنامه های قرضه های کوچک، دولت توجه خویش را به زنان ادامه خواهد داد که هدف آن افزایش در تعداد مستحقین زن، نسبت به مردان و ترویج میکانیزم های پس انداز گروهی خواهد بود.

توجه به زنان آسیب پذیر: تعداد زیادی از بیوه ها و خانواده های به سرپرستی زنان، فاقد حمایت کافی میباشند. واقعیت این است که شماری از زنان، در فقر مزمن به سر میبرند و این مسئله از نگرانی های جدی به شمار میرود. دولت متعهد است تا مشکلات زنان بی بضاعت را از طریق فراهم نمودن برنامه های آموزشی، فرصت های کاریابی، اتخاذ تدابیر قوی برای انفاذ حقوق شان، و برنامه های مصونیت اجتماعی و آسایش، رفع نماید.

ارتقای وضع حقوق زنان و سهمگیری شان در امور سیاسی: این از اولویت های دولت است که اشتراک زنان را در عرصه های اداری و موقف های پالیسی سازی و تصمیم گیری افزایش دهد. دولت روی افزایش در اصلاحات قانونی به منظور منعکس ساختن برابری جنسیت (جندر) در تطابق با قانون اساسی جدید افغانستان- غور خواهد کرد؛ اطمینان از تطبیق اصلاحات قانون، به خصوص قانون میراث خانواده گی و دارایی ها را حاصل خواهد کرد، تمام انواع خشونت بر ضد زنان را محو خواهد نمود، آگاهی های قانونی را رشد خواهد داد و قابلیت دسترسی خدمات قانونی، خاصاً برای غربا و افراد بیسواد را انکشاف خواهد بخشید. آموزش در عرصه حقوق بشر به شمول حقوق زنان درج نصاب تعلیمی مکاتب خواهد شد. آموزش های برابری جنسیت اجتماعی (جندر) و حقوق زنان برای افسران پولیس و اعضای سیستم عدلی و قضایی راه اندازی خواهد گردید (فصل هفتم را برای دریافت معلومات در مورد حقوق بشر مشاهده نمایید).

رشد دسترسی زنان در امر سهمگیری در اجتماع، خاصناً از طریق برنامه همبستگی ملی: دولت تلاش های خویش را در عرصه افزایش سهمگیری زنان در روند سیاسی و همچنان تدارک مدد معاشات را به منظور افزایش اشتراک شان در پوست های تصمیم گیری، ادامه خواهد داد.

دولت روی **تطبیق یک پالیسی مثبت کاری** در چوکات برنامه اصلاحات اداری، غور خواهد کرد. دولت در نظر دارد تا اهداف مشخص، با کیفیت و منحصربه وقت برای دست یافتن به سهمگیری زنان در تمام سطوح را شامل سازد. این کار توسط برنامه های اساسی که آموزش برای زنان در پست های دولتی و گماشتن زنان فوق العاده فعال را در وظایف مختلف اداری و تخنیکی در بر میگیرد، حمایت خواهد شد.

۳,۶ استراتیژی مبارزه با مواد مخدر

۱,۳,۶ توضیحات

کاهش در کشت خشخاش، قاچاق و استعمال مواد مخدر به صورت جدایی ناپذیر به انکشاف اقتصادی، کاهش فقر، مسئله امنیت و حکومتداری در کشور ارتباط دارد. تجارت مواد مخدر با نوعیت خویش باعث نگرانی در هر سکتور استراتیژی انکشاف ملی، و یک تعداد سکتور ها در بین هر رکن، میگردد. عواید غیر قانونی و ساختار های قدرت متوازی که از تجارت مواد مخدر در داخل و خارج از کشور به دست می آید، باعث تخریب اقتصاد کشور، تحت شعاع قرار دادن دولت منتخب، داشتن اثرات منفی بالای صحت و سلامتی اجتماع و ناامنی مداوم در سراسر کشور میگردد. جریان شورش ها در بعضی از نقاط کشور را میتوان با افزایش تجارت مواد مخدر در داخل و بیرون از مرز های کشور، مرتبط دانست. کاهش در قاچاق مواد مخدر و اقدامات موثر به منظور ریشه کن ساختن کشت خشخاش، موجب انکشاف نظارت دولت و کاهش نا امنی ها در سراسر کشور خواهد گردید.

بین سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۳ (۲۰۰۲ و ۲۰۰۴) تولید تریاک در افغانستان از ۳۴۰۰ متریک تن به ۴۲۰۰ متریک تن قبل از کاهش آن در ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) افزایش یافت^{۷۸}. به نقل از گزارش دفتر مبارزه با جنایت و مواد مخدر ملل متحد، افغانستان در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) در حدود ۸۷ فیصد تریاک را در سراسر جهان تولید مینمود. در حدود ۷,۲ میلیون دالر، ارزش مجموعی تریاک صادر شده توسط قاچاقبران در همان سال، بعضی بیشتر از نصف تولیدات ناخالص داخلی افغانستان را تشکیل داد. این باعث پنج مرتبه بلند رفتن ارزش زراعتی تریاک گردیده که با بودجه اساسی ۹,۱ میلیون دالری دولت در مقابله قرار میگیرد. کشت تریاک ۳,۲ فیصد زمین زراعتی افغانستان را در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) (در حدود ۱۰ فیصد زمین در دهکده هایی که تریاک کشت کرده بودند) تحت پوشش قرار داد و فرصت های اشتغال را برای ۷,۸ فیصد نفوس، به طور کل فراهم نمود. با وجود این هم، تناسب افرادی که از روابط غیرقانونی تجارت تریاک مستفید میشوند، خیلی بلند میباشد. کشت تریاک در این مناطق به معیشت اساسی مبدل گردیده است.

با توجه به میزان اقتصاد تریاک و مقداری که توسط قاچاقبران به زارعین تعیین میشود، هدف نهایی نه تنها اینکه کاهش زرع تریاک، بل همزمان باید قیمت تریاک طوری که ارزش کلی آن توسط قاچاقبران معین گردیده است کاهش داده شود. این کار قدرت آنرا دارد که حتی زمانی که کشت تریاک با رکود مواجه باشد، یا افزایش یابد و یا هم بدون تغییر باقی بماند. دو علت اساسی برای این کار وجود دارد: قیمت مواد مخدر ممکن بعد از تهیه مقدار کم، کاهش یابد، و وضعیت محصولات، ممکن در نتیجه وضعیت بهتر زرع آن، بهبود یابد. موفقیت دراز مدت در مبارزه با مواد مخدر صرف زمانی بدست می آید که دولت بتواند کشت و تولید تریاک را با موفقیت کاهش دهد و تجارت آنرا متوقف سازد که این کار ارزش اقتصاد تریاک را با کاهش مواجه خواهد ساخت. این مسئله نشاندهنده موفقیت طولی المدت در راستای مبارزه با مواد مخدر میباشد. واقعاً، مدت مدیدی است که قاچاقبران فعالیت های خویشرا ادامه داده اند، منافع ایشان احتمالاً و به طور فزاینده همدیف با گروه های شورشیان، مسوولین مفسد، تاجران مفسد، و سایرین که درجست و جوی مخالفت با یک حکومت سالم اند، باشد. سازش بین این گروه ها، همچنان فعالیت های گروههای انفرادی، پیشرفت به سوی رشد متوازن اقتصاد، رشد اجتماعی، مسائل امنیت و حکومتداری را متضرر خواهد ساخت. بنابراین مبارزه بر ضد مواد مخدر صرف یک آجندای مبارزه با مخدرات نمیشود. پالیسی مبارزه بر ضد مواد مخدر باید جریان یابد تا در برنامه ریزی های ملی و ولایتی به منظور تقویت روند وسیع انکشافی مشمول و تسجیل گردد. چنانچه ایجاد یک محیط مصون و مؤثر برای سرعت بخشیدن برنامه بازسازی و ایجاد معیشت متداوم روستایی را تسریع و کمک خواهد کرد. متوقف ساختن شبکه های قاچاق و اساس قدرت مسوولین مفسد، نقش به سزایی در ایجاد یک محیط مصون خواهد داشت. در عین زمان، محو کشت خشخاش باید در لابلای مساعی وسیع انکشافی، به طور مؤثر تنظیم گردد و اطمینان حاصل گردد که مبارزه با مواد مخدر باید در برنامه های انکشافی جریان یابد، به همین گونه اطمینان باید حاصل شود که این برنامه ها در اهداف طولی المدت مبارزه با مواد مخدر مؤثر واقع شده و نباید علیه آن قرار گیرد.

علاوه بر این، مهم است که مبارزه برضد مواد مخدر کاملاً درج آجندای ملی انکشافی شده و به حیث یک آغاز باید شامل برنامه استراتژی انکشاف ملی گردد. ایجاد یک پروژه کاهش متداوم در کشت و قاچاق مواد مخدر، منحصراً هدف وزارت مبارزه با مواد مخدر بوده نمیتواند. تجارت تریاک، باعث ازدیاد جنایت و دهشت افگنی گردیده و غربای روستایی را به دام فقر و قرضداری های ناشی از تریاک می اندازد، و نیز طوری که ذکر گردید، باعث یک تهدید جدی به امنیت، طرزحکومت سالم و انکشاف اقتصادی افغانستان میگردد. مساعی در امر مبارزه با آن، باید به سوی تخریب

^{۷۸} در جریان همین مدت، زمین تحت کشت به ۱۳۱۰۰۰ هکتار افزایش یافت و سپس به ۲۱ فیصد یعنی ۱۰۴۰۰۰ هکتار در ۱۳۸۴ کاهش پیدا کرد.

یک تصدی کاملاً انتفاعی که عمیقاً با اساس اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور ما درهم بافته شده است، مورد هدف قرار گیرد. این وظیفه تمام وزارتخانه های دولتی است و مستلزم کمک های کلیه جوامع بین المللی نیز خواهد بود.

۲,۳,۲ نظر اجمالی بر پالیسی

هدف دولت، عبارت از کاهش متداوم کشت خشخاش، تولید مواد مخدر، استعمال مخدرات غیر مجاز و قاچاق، به منظور محو کامل و دایمی، به خاطر هموار ساختن راه برای رشد اقتصاد ضعیف و رهبری شده توسط سکتور خصوصی میباشد.

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

۱. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت ظرفیت تنفیذ قانون را در سطح مرکز و ولایات تقویت خواهد نمود که باعث تزئید قابل ملاحظه یی در فیصدی ضبط و امحای مواد مخدر و تخریب تسهیلات پرورس مواد مخدر میگردد و باعث اتخاذ تدابیر مؤثر، به شمول امحای زرع خشخاش، خواهد شد.
۲. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت افغانستان و حکومت های همسایه و منطقه در راستای افزایش هماهنگی و تشریک مساعی استخباراتی با هم کار خواهند نمود، تا فیصدی ضبط و امحای مواد مخدری که از سرحدات افغانستان قاچاق میگردد، افزایش یابد و اقدامات مؤثر علیه قاچاقچیان مواد مخدر اتخاذ گردد.
۳. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت تعداد دستگیری ها، تعقیب قانونی قاچاقبران و مامورین مفسد را افزایش خواهد داد و همچنان اساس اطلاعات خود را در مورد کسانی که در تجارت مواد مخدر دخیل اند، بهبود خواهد بخشید؛ با این نظر که شیوه انتخاب را برای تعیینات در ادارات مرکزی و ولایتی به مثابه بخشی از میکانیزم تعیینات - که قبلاً درین ضمیمه تذکر یافته است، ارتقا بخشد.
۴. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت برنامه هایی را طرح و تطبیق خواهد نمود تا یک کاهش ثابت در ساحه زمینهای زرع خشخاش و دیگر مواد مخدر، به وجود آید که این کار از طریق تقویت و تنوع راه های کسب معاش مشروع و دیگر تدابیر مبارزه با مواد مخدر، به مثابه قسمتی از اهداف عمومی حکومت مبتنی بر کاهش اندازه مطلق و نسبی اقتصاد مواد مخدر مطابق با اهداف ام. دی. جی حکومت، صورت خواهد گرفت.
۵. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت برنامه هایی را به منظور کاهش تقاضا برای مواد مخدر و تأمین امکانات معالجه یی بهتر برای استعمال کننده گان مواد مخدر، تطبیق خواهد نمود.

پالیسی های کلیدی و هماهنگی : استراتیژی تجدید شده ملی مبارزه با مواد مخدر، روی چهار اولویت کلیدی که به منظور تأثیر قابل ملاحظه در امر تجارت مواد مخدر در کوتاه مدت تشخیص شده اند، متمرکز است. این چهار اولویت عبارتند از: هدف قرار دادن قاچاقچیان و خاتمه بخشیدن به تجارت مواد مخدر، تقویت و تنوع معیشت های قانونی روستایی، کاهش تقاضا برای مواد مخدر و انگشاف تأسیسات دولتی به سطح مرکز و ولایات.

تطبیق عناصر مختلف استراتژی ملی نظارت از مواد مخدر و حصول اطمینان از اینکه مبارزه با مواد مخدر به طور مؤثر با سایر پالیسی های دولتی توحید شده است، مرتبط وزارتخانه های مختلف خواهد بود. تمام وزارتخانه ها، مراجع ذیربط اعم از وزارتخانه ها و همکاران بین المللی شان باید این مسئله را در نظر داشته باشند که برنامه ها، چگونه بر تلاشهای مبارزه با مواد مخدر اثر میگذارد. کمیته فرعی کابینه که در سکتور مبارزه با مواد مخدر فعالیت دارد، عالی ترین نهاد دولتی به منظور تعیین پالیسی و هماهنگی فعالیتهای مبارزه با مواد مخدر میباشد. کمیته مذکور ماه یک بار، تحت ریاست رئیس جمهور باهم ملاقات مینماید. کمیته مذکور مسئولیت تجدید نظر پیشرفت های آینده استراتژی ملی نظارت از مواد مخدر را به عهده دارد. وزارت مبارزه با مواد مخدر موظف است تا پالیسی های دولتی مبارزه با مواد مخدر را هماهنگ نماید. بر علاوه، سایر وزارتخانه های کلیدی که در پالیسی مواد مخدر شامل هستند، عبارت اند از: وزارت امور داخله، وزارت احیاء و انکشاف دهات، وزارت زراعت و وزارت دفاع. ایجاد گروه نظارتی مأمورین ارشد که از جانب معین وزارت مبارزه با مواد مخدر ریاست خواهد گردید، نیز در نظر است. گروه نظارتی مذکور متشکل از معینان نامزد شده وزارت خانه های مربوطه خواهد بود و قبل از هر مجلس، کمیته فرعی کابینه جهت تأمین اینکه پالیسی ها و برنامه های انکشاف یافته توسط تمام وزارت خانه ها سازگار بوده و طرف حمایت قرار میگیرد، ملاقات مینماید. همچنان گروه های کاری بین الدیپارتمنتی ایجاد گردیده اند و روی اجرا و ارائه برنامه، با نظر داشت هر یک از چهار اولویت تمرکز خواهند نمود.

۳،۳،۶ موانع

فقر مزمن در دهات و زیر بنای ضعیف اقتصادی در سرتاسر کشور، وسیعاً به کشت خشخاش، به عنوان یک وسیله معاش انتخابی کمک نموده است. فقدان عواید غیرزراعتی و فرصتهای اندکی، اکثر افغانها را به یک سکتور زراعتی با ساختار ضعیف و ادار ساخته تا به کشت خشخاش رو آورند. کشت و جمع آوری حاصلات تریاک یک کار مشقت بار بوده و برای مردم فقیر، بیجا شده گان داخلی و مهاجرین باز گشته، فرصت های با اهمیت را غرض ادامه زنده گی شان فراهم نموده است؛ درحالیکه دهاقین افغان عواید نسبتاً قابل ملاحظه را بدست میآورند. بناءً، مبارزه با کشت خشخاش، باعث وارد نمودن صدمات اقتصادی و اشتغالی میگردد. انفاذ قانون و ساختار های عدالت جنایی نیز باید به منظور مورد هدف قرار دادن قاچاقچیان و خاتمه بخشیدن به تجارت مواد مخدر، تقویت گردد. این کار باعث به میان آمدن وسیله ترزریق خطر به گونه سیستمی شده، در حالیکه دسترسی به معیشت قانونی به طور محدود باقی میماند و آنانی را به شمول مالکین زمین های بزرگ و رهبران ولایتی نیز مورد هدف قرار میدهد که از تجارت این مواد منفعت حاصل میکنند. دولت مسئله دخالت مالکین زمینهای بزرگ و رهبران منطقه یی را در تجارت غیرقانونی مواد مخدر تأیید مینماید.. وضعیت اقتصاد عظیم تریاک و عوامل فقر ناشی شده از کشت خشخاش به طور کامل، در بخش سوم شرح داده شده است.

خواص داخلی خشخاش به حیث یک محصول دارای عواید، چالش های قوی یی را در امر تدابیر مبارزه با مواد مخدر مطرح میکند: وقت نسبتاً کوتاهی میان کشت و حاصل گیری وجود دارد؛ این نبات بی نهایت سخت جان بوده، در اقلیم خشک میروید و از امراض عمده طبیعی متأثر نمیشود. خطر نابودی آن انک و انتقال و ذخیره آن آسان است. همچنان دارای ارزش بلند پولی بوده و در جریان تمام سال انتقال داده شده میتواند. این ماده یک پس انداز مناسب و منبع تضمین شده پولی برای دهاقین فقیر محسوب میگردد.

ظرفیت محدود دولتی و ظرفیت انفاذ قانون به سطح ملی و ولایتی که از اثر فساد فراگیر متأثر شده است، عبارت از مانع جدی در راه مساعی مبارزه با مواد مخدر میباشد. علاوه بر این، تا حال، میکانیزم های هماهنگی ضعیف بوده و سوء تفاهم چشمگیری در مورد نقش ها و مسوولیت های هر سازمان موجود میباشد. مهم خواهد بود تا نقش ها و مسوولیت های ادارات مختلف مربوط به مبارزه با مواد مخدر از طریق قانون جدید مبارزه با مواد آن به تعقیب آن میکانیزم های عملی مشارکت وزارتخانه ها، پائینتر از کمیته فرعی کابینه، الی سطح کاری وضاحت بخشیده شود. فساد موجود در داخل دولت تمام عرصه های پالیسی مبارزه با مواد مخدر را متضرر میسازد. این کاراجرای انفاذ قانون را عقب می اندازد و محو و اجرای آنرا از نزد عاملین بزرگ (دارای فارم های بزرگ اقتصاد تریاک) منحرف میگرداند.

سهمگیری ولایات اغلب ضعیف میباشد: به خاطر اینکه هر استراتژی دولتی کاملاً اجرا گردد، همکاری و سهمگیری کامل ولایات مهم میباشد. عدم رشد در عرصه محو تریاک در گذشته، از نبود سهمگیری جدی از جانب مقامات ولایتی و ولسوالی ها ناشی شده بود. همچنان خطری وجود دارد که مساعی مبارزه با مواد مخدر عواید منحرف کننده را دارا خواهد بود؛ دولت مرکزی که در معیشت بدیل و سایر برنامه ها در ولایات منتخب سرمایه گذاری مینماید، به حیث یک نمون برای دهاقین در ولایات دیگر پدیدار میگردد تا نشان دهد که ایشان نیز از توجه مشابه مستفید خواهند شد. در صورتی که دولت در ولایات عادی از کشت خشخاش سرمایه گذاری کند، سایر ولایات از عدم دریافت کمک و توجه دولت احساس ندامت خواهند کرد.

سرمایه گذاری های محدود، غیر منسجم و خارج از بودجه در زمینه **معیشت های بدیل** اعتبار این بخش پالیسی مبارزه با مواد مخدر را تضعیف نموده است. تمویل کننده گان تعریف واضح معیشت های بدیل را در دست نداشته و نمی داند که اینها از سایر برنامه های توسعه یی چه تفاوتی دارند. برنامه های معیشت بدیل فاقد عمومیت و خارج از چارچوب بودجه یی میباشد. سطح سرمایه گذاری در معیشت های بدیل در مقایسه با محو خشخاش و سایر اقدامات انفاذ، اولویت های تمویل کننده گان را تعقیب مینمایند تا اولویت های دولت را.

۴,۳,۶ استراتژی

حد کلی فعالیت های دولت در عرصه مبارزه با مواد مخدر در تطبیق پروژه ها، در برابر چهار اولویت عمده شامل هشت رکن میباشد: به حدی که شبکه های قاچاق مواد مخدر از بین برده میشوند (باید از طریق ضبط فزاینده، محاکمه، تخریب لابراتواری)؛ ارتقای سالانه سطح معیشت؛ کاهش قابل ملاحظه در زمین های تحت کشت خشخاش، و تقاضای محدود برای مواد مخدر و بهبود معالجه مثر برای معتادین مواد مخدر.

ایجاد تأسیسات قوی: تأسیسات قوی مستلزم طرز حکومت مؤثر به سطح مرکزوولایات میباشد. همچنان پالیسی مبارزه با مواد مخدر دولت افغانستان جهت تقویت منع کشت خشخاش و اداره دیموکراتیک سرمایه گذاری توسعه یی، بر نهاد های منتخب اجتماع متکی میباشد. صندوق وجهی تازه بنیاد مبارزه برضد مواد مخدر، به منظور هماهنگ نمودن فعالیت های تمویل کننده گان در عرصه مبارزه با مواد مخدر، و دست یافتن به تخصیص مؤثر منابع به سطح مرکزی، ولایتی و ولسوالی ها طرح گردیده است. همچنان مساعی متداوم در امر ارتقای ظرفیت و هماهنگی دولت و یک بررسی سالانه برستراتژی دولت در عرصه مبارزه با مواد مخدر وجود دارد. تأسیسات قوی- مالی، اداری و تقنینی در عرصه مبارزه با مواد مخدر به منظور رسیدن به موفقیت در امر استراتژی ملی مبارزه با مواد مخدر، مهم تلقی میشوند. یک گروه

بررسی استراتژی تحت ریاست رئیس استراتژی در وزارت مبارزه با مواد مخدر با حضور کلیه نماینده گان وزارت های ذیربط تشکیل خواهد شد. حین بازرسی جزئیات استراتژی ملی مبارزه با مواد مخدر، گروه مذکور، اسناد را برای بحث توسط گروه ارشد رسمی نظارت و کمیته فرعی کابینه تهیه خواهد نمود. گزارش هایی پیرامون پیشرفت در تطبیق استراتژی ملی مبارزه با مواد مخدر و سایر مسائل مرتبط به پالیسی را تحت پوشش قرار خواهد داد. گزارش های سالانه نیز به طور مشابه، توسط وزارت مبارزه با مواد مخدر برای شورای ملی پیرامون تطبیق استراتژی ملی مبارزه با مواد مخدر تهیه خواهد شد. گروه های کاری سکتور مربوطه که به منظور بحث روی استراتژی ملی مبارزه با مواد مخدر مورد استفاده قرار گرفته اند، کار عملی خویش را جهت هماهنگ ساختن فعالیت ها در کلیه وزارت خانه ها ادامه خواهد داد. تدابیر بیشتر درین راستا شامل ایجاد یک مجمع والیان درمورد مبارزه با مواد مخدر در دو سال یکبار به منظور بحث روی پیشرفت ها در تمام ولایات و مساعی در راه توحید استراتژی های مبارزه با مواد مخدر، در برنامه های انکشافی ولایات میباشد.

افزایش انفاذ قانون و جلوگیری، یک روند انکشاف داده شده است تا توسط آن نهاد های انفاذ قانون به شمول نیروی ویژه مبارزه با مواد مخدر افغانستان، تحت رهبری دفتر ریاست جمهوری، پولیس سرحدی و پولیس مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله و پولیس گمرک، تشکیل و تجهیز شده، تا عملیات مقابله با قاچاق مواد مخدر را انجام دهند. ارتقای ظرفیت های بنیادی به خاطر افزایش خطر قاچاق مواد مخدر لازمی بوده و انفاذ قانون برای جلوگیری از قاچاق مواد مخدر، ضروری میباشد. گروه کشف سیار پولیس مبارزه با مواد مخدر، عملیات خویش را بخاطر کشف و از بین بردن مواد ی که از آن هروئین ساخته میشود، ادامه میدهد.

کاهش تقاضا و افزایش تداوی معتادین مواد مخدر: کاهش تقاضا شامل روند انکشاف خدمات صحتی، بلند بردن سطح آگاهی پیرامون جلوگیری از سوء استفاده مواد مخدر و تداوی معتادین میباشد. در پرتو خدمات محدود وقایوی، آموزشی، معالجوی و احیای مجدد و استفاده گنج گنج کننده مواد مخدر در افغانستان از مشکلات فزاینده به حساب میرود. تا اکنون تعدادی پروژه ها در این رابطه راه اندازی گردیده که مشتمل اند بر: انکشاف وسایل معالجوی، برنامه آگاهی از مواد مخدر و گنجاندن مسئله مبارزه با مواد مخدر در تمام وزارت خانه های مربوطه. کاهش تقاضا را نیز میتوان از طریق نصاب تعلیمی مکاتب ابتدایی، متوسطه، اتحادیه های مسلکی و پوهنتونها تکمیل نمود.

تلاش های مداوم به منظور محو مواد مخدر: یک سیستم دولتی (به شمول بخش مرکزی برنامه ریزی و نظارت بخاطر محو مواد مخدر در وزارت مبارزه با مواد مخدر) ایجاد گردیده است تا نیروی های محو مواد مخدر افغانستان و والیان را برای برنامه اجراء و نظارت از تلاشهای محو مواد مخدر کمک نماید. محو مواد مخدر در ساحاتی باید صورت گیرد که معیشت بدیل در آنجا وجود دارد. یک برنامه سالانه به شمول ساحات دارای اولویت مورد نظر در ولایات مربوطه توسط وزارت مبارزه با مواد مخدر در هر سال طرح خواهد گردید که توسط گروه بین الوزارتی منظور خواهد گردید.

تقویت عدالت جنایی: سیستم عدالت جنایی، تقویت و تحکیم خواهد شد تا تلاشهای مبارزه با مواد مخدر را بهتر حمایت نماید. یک عنصر عمده این خواهد بود که تدوین و تصویب قانون معینه مبارزه با مواد مخدر در سیستم عدلی مدغم گردد. این امر با به براه اندازی نیروی کاری عدالت جنایی که متشکل از قضات، خرنوالان و مستطقین میباشد، در حال پیشرفت است. رئیس جمهور افغانستان یک فرمان برای ایجاد یک محکمه مواد مخدر را صادر نموده و بر اساس آن متخلفین و مأمورین دولتی که در تجارت مواد مخدر دست دارند، محاکمه میگردند. کار به منظور اعمار یک زندان مبارزه با مواد مخدر در همکاری با تمویل کننده گان جریان دارد.

بلند بردن سطح آگاهی عامه: کمپاین قوی معلوماتی به منظور بالا بردن سطح آگاهی عامه پیرامون اضرار زرع و تجارت تریاک، مهم می باشد. این ابتکار نیاز به شیوه بین الوزارتی دارد که از سوی وزارت مبارزه با مواد مخدر رهبری می گردد و وزارت خانه های مربوطه را به شمول وزارت حج و اوقاف، اطلاعات و فرهنگ، داخله، زراعت، انکشاف دهات، دفاع، و معارف دخیل می سازد. تلاش ها و تشریک مساعی باید افغان ها را از اضرار و ننگ زرع نامشروع و تجارت آن آگاه سازد. دهاقین ترغیب شوند تا خشخاش را کشت ننمایند و توجه آنها را بر مؤثریت روز افزون میکائیزم های تطبیق قانون جنایی که با تجارت مواد مخدر مبارزه مینماید، مبذول بدارد.

ارتقای همکاری های بین المللی و منطقه یی: در نتیجه تجارت مواد مخدر در داخل و خارج از سرحد افغانستان، اداره دولت افغانستان جهت بهبود همکاری و هماهنگی با کشور های همجوار خویش – پاکستان، ایران، دول آسیای مرکزی و جامعه بین المللی کار مینماید.

تلاش ها برای بهبود تشریک معلومات و انکشاف ارتباطات کاری نزدیک با همسایه گان در رابطه به نظارت از سرحد و نهاد های انفاذ قانون در جریان است. همکاری های قضایی جنبه دیگری می باشد که لازم است در عرصه ارتباطات دوجانبه تقویت گردد. از همکاری های پیشرفته همچنان این نتیجه به دست خواهد آمد که جریان مواد مخدر و مواد ابتدایی که برای تهیه مواد مخدر بکار میرود، در امتداد سرحدات افغانستان قطع شود. امروز افغانستان شرکت کننده فعال در جلسات و گرد هم آیی هایی می باشد که از سوی دفتر سازمان ملل متحد پیرامون مبارزه با مواد مخدر کمک مالی گردیده و شامل جلسه تخنیکي بین الدولتین و جلسه افسران ارشد انفاذ قانون می باشد.

افزایش معیشت های بدیل پایه دار : در عین زمان، طوری که ما برای امحای کشت خشخاش کارمینماید، افزایش معیشت های بدیل یک امر ضروری برای کاهش تاثیرات کوتاه مدت بر آنده از دهاقین که درآمد های شان با اجتناب از زرع ویا محو خشخاش متضرر گردیده است، می باشد. ثانیاً، ما باید فرصت ها را به خاطر دسترسی افغان ها به عواید مشروع پایه دار و کاریابی، ارزش های اجتماعی، بازارها و خدمات، بهبود بخشیم. ثالثاً، ما باید پالیسی و زمینه برنامه ریزی را برای فعالیت معیشت بدیل مؤثر ارتقاء بخشیم، و بلاخره، ما باید کمکهای تخنیکي و مالی بیشتر را از مراجع تمویل کننده به منظور انکشاف معیشت های بدیل تأمین نماییم. تا اکنون، تعداد زیادی از ابتکارات معیشت های بدیل، کوتاه مدت بوده که بر یک بخش واحد (قرضه های کوچک، زیربنا) تمرکز نموده است. قابل یاد دهانی است که تدابیر ستراتیژیک اکثرأ در عین منطقه تطبیق نمی شوند. این مهم خواهد بود تا تمرکزی بر موضوع دسترسی کریدت، زمین، غذا، کاریابی و بازار ها تأمین گردد. ابتکارات معیشت بدیل در مورد اینکه چرا مردم خشخاش را زرع میکنند، دلایل متعدد را مدنظر خواهد گرفت (قرضه و دسترسی به کریدت، زمین، غذا، عواید و بازار ها، در میان سایرین) و از اینرو راه های بدیل را باید طرح نمود. همچنان روابط میان برنامه های مختلف معیشت های بدیل باید تقویت گردد تا تاثیر انکشاف و اهداف مبارزه بر ضد مواد مخدر بیشتر گردد.

۴,۶ همکاری منطقه یی

۱,۴,۶ توضیحات

افغانستان به مثابه یک کشور محاط به خشکه، نمیتواند بدون دسترسی به بازار های منطقه یی و بین المللی انکشاف یابد. بازسازی افغانستان، بازگشایی تدریجی سرحدات، و ثبات فزاینده، زمینه هایی را برای کشور مساعد نموده تا بار دیگر

منحیث یک پل زمینی عرض وجود نماید و آسیای مرکزی و جنوبی را باهم وصل سازد. تجارت برق منطقه یی و انکشاف انرژی دارای اهمیت اقتصادی میباشد. افغانستان بسیاری از سیستم های آبرسانی خویش را که به منظور بهبود برق آبی و آبیاری مهم خوانده شده، با کشور های همسایه شریک میسازد. تحرکات کاری منطقه یی با اهمیت بوده و در انکشاف افغانستان از لحاظ پولی اهمیت شایانی دارد. همکاری های منطقه یی میتواند عواید را در منطقه^۹ به طور قابل ملاحظه از دیاد بخشد. تنظیم سرحدات و سهل ساختن تجارت، بر علاوه داشتن منافع امنیتی و اقتصادی، شاید پالیسی های تجارت منطقه یی را به شکل مطلوب تسهیل ببخشد. انحراف از منابع ملی و اختلاف شکل اقتصاد در میان کشور های منطقه، منافع تجارتی را عرضه میکند. پیوند های تجارتی شاید از طریق صادرات به یک دیگر، بر اساس مفاد نسبی^{۱۰} تقویت شود.

تشویق تجارت نیاز به تعهد قوی و همکاری منطقه یی دارد. از سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۱) تا اکنون، اهمیت همکاری منطقه یی در راستای بازسازی افغانستان، رشد اقتصادی و امنیت بهتر، افزایش پیدا کرده است. بدون اعتماد و همکاری کشور های همسایه، افغانستان از ثبات به منظور بازسازی کشور برخوردار نخواهد بود و همچنان بدون همکاری آنها، نمیتواند تهدیدی را که توسط شبکه های قاچاق مواد مخدر و مخالفین سیاسی متوجه این کشور است، آنرا کاهش بدهد. پیشرفت ها در سطوح سیاسی و اقتصادی با تصویب یک سلسله توافقات و اعلامیه ها صورت گرفته است. افغانستان در گذشته از جمله کشور های بود که تحت تعذیرات بین المللی قرار داشت و از امور سیاسی و اقتصادی بی بهره گردیده بود، ولی حال به یک کشوری مبدل گردیده که از روابط رسمی با بسیاری از کشور های جهان برخوردار است. کشور های منطقه از ضرورت کاهش مصارف لوژستیک و تجارت در منطقه ملتفت شده اند و بهبود در امور تجارت و ترانسپورت، به شمول هماهنگی در گمرکات و طرز العمل های اداره سرحدی را به منظور از دیاد تجارت منطقه یی و ترانزیت و همچنان برای رفاه اقتصادی مردم مهم خوانده اند^{۱۱}. کشور های منطقه و همکاران بین المللی پیرامون مسائل امنیتی اداره منجمله سرحد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر همکاری مینمایند.

۲, ۴, ۶ شرح پالیسی

هدف دولت، کمک به ثبات و رفاه منطقه یی و هم چنان مساعد ساختن شرایط خوب برای افغانستان، به منظور از سرگیری نقش خویش منحیث پل زمینی جهت اتصال آسیای مرکزی و آسیای جنوبی بوده است تا اینکه از تجارت و فرصت های صادراتی بیشتر مستفید گردد.

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، افغانستان و همسایه های آن از طریق اداره مشترک سرحدات و دیگر توافقات

^۷ یک گزارش اخیر برنامه انکشافی ملل متحد، "رفع موانع: همکاری های منطقه یی برای انکشاف و امنیت بشری" تخمین کرده که ۵۰٪ از تا ۱۰۰ فیصد عواید ممکن، تا ۱۰ سال آینده افزایش یابد، ولی در صورتی که پیشرفت های چشمگیری پیرامون همکاری های منطقه یی میان کشور های آسیای مرکزی صورت گیرد، دسامبر ۲۰۰۵ برنامه انکشافی ملل متحد.

^۸ بانک جهانی، پیش بینی برای همکاری اقتصادی و انکشافی منطقه یی در منطقه وسیع آسیای میانه (مسوده بحث)، (۲۵ نومبر ۲۰۰۵، ۱۳۸۴)، سند تهیه شده برای کنفرانس کابل راجع به همکاری اقتصادی منطقه یی ۴-۵ دسامبر ۲۰۰۵ (فوس ۱۳۸۴).

^۹ به طور مثال، اعلامیه حسن همجواری منعقد کابل ماه دسامبر ۲۰۰۲، و اعلامیه سپتمبر ۲۰۰۳ در دوبی پیرامون تشویق همکاری تجارتی، ترانزیت و سرمایه گذاری، اعلامیه بیشکیک ۲۰۰۴، توافقات مختلف تحت فورم تجارت و ترانسپورت آسیای مرکزی و جنوبی به ابتکار بانک انکشاف آسیایی. همچنان تحت چارچوب سازمان همکاری اقتصادی بسیاری از توافقات ترانزیتی و تجارتی صورت گرفته است.

تجارتی و ترانزیت دو و یا چند جانبه، زمینه‌ی را فراهم خواهند آورد تا ترانزیت کالاها در مدت زمان کمتر از طریق افغانستان صورت گیرد. افغانستان از طریق خریداری دو جانبه برق، مقدار برق موجود در کشور را افزایش خواهد داد. افغانستان و همسایه‌های آن موافقتنامه‌هایی را به امضا خواهند رساند که به موجب آن افغانستان بتواند کارگران مسلکی را از کشور های همسایه خویش جذب نماید و در عین حال افغان ها این امکان را داشته باشند تا در کشور های منطقه زمینه کار یابند و دستمزد خویش را به کشور ارسال نمایند.

پالیسی های کلیدی و هماهنگی : دولت ادغام مسایل منطقه‌ی را در پالیسی ها و برنامه های مربوطه، به خصوص در عرصه های تجارت و ترانزیت، آب و انکشاف انرژی، سرمایه گذاری های زیربنایی، حفظ محیط زیست، اداره سرحد و امنیت^{۶۲} تأمین خواهد کرد. با تمام کوشش ها، دولت در صدد افزایش اعتماد، تسهیل رشد اقتصادی و تجارتی و افزایش عواید داخلی از طریق تعرفه های گمرکی و فیس های ترانزیتی خواهد بود.

در سطح همکاری دوجانبه، افغانستان نه تنها سعی می‌ورزد تا مشکلات را با کشور های همسایه رفع نماید، بل ابتکاراتی را جهت دست آورد های متقابل از لحاظ رشد اقتصادی و امنیتی پیشنهاد مینماید. در سطح منطقه، افغانستان تلاش مینماید تا عضویت سازمان هایی را که همکاری سیاسی و اقتصادی را بهبود میبخشد، به دست آورد. در سطح بین المللی، افغانستان سعی خواهد نمود تا عضو فعال سازمان هایی گردد که بتواند شرایط بهتر را برای ایجاد رابطه بین المللی برای این کشور به وجود آورد.

همکاری منطقه‌ی به مساعی هم آهنگ دولت، همکاران منطقه‌ی، بین المللی و همچنان سکتور خصوصی نیاز دارد. دولت در عرصه های سیاسی و تخنیکی، میکانیزم های مناسب هماهنگی را مانند کمیته های بین الوزارتی، انکشاف خواهد داد. وزارت امور خارجه با هماهنگی نزدیک وزارت تجارت و دیگر اداره های مربوطه دولتی، نقش مرکزی را ایفاء خواهد نمود. دولت متعهد است تا ظرفیت وزارت امور خارجه را به منظور انجام این وظیفه ارتقاء بخشد. وزارت امور خارجه به شکل مداوم، انستیتوت مطالعات ستراتیژیک را تقویت بخشیده، و همچنان انستیتوت دیپلماسی را بازسازی مینماید. وزارت امور خارجه یک کمیته بین الوزارتی را به منظور هماهنگی پالیسی ها برای همکاری های منطقه‌ی بی پیرامون مسائل امنیتی در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) تاسیس نمود.

۳, ۴, ۶ مسائل و موانع

تحركات جيوپوليتيكي : اتصال مناطقی که افغانستان در مرکز آن قرار دارد، در طول تاریخ مرکز رقابت ها میان قدرت های منطقه‌ی بی و غیر منطقه‌ی بی بوده است. این رقابت ها ریشه در غنای این کشور از لحاظ منابع طبیعی داشت. گرچه تحركات رقابت ها تغییر نموده است، ولی هنوز هم منبع بالقوه‌ی بی ثباتی در منطقه محسوب می شود. پالیسی های افغانستان باید تحركات جيوپوليتيكي را مد نظر گیرد که نیاز به منافع و نیروهای متوازن دارد.

^{۶۰} سایر عرصه های همکاری شامل معارف و صحت میگردد که صحت از شیوع امراض عفونی، ایدز، توبرکلوز، ملاریا ویا انفلونزای پرنده گان جلوگیری به عمل می‌آورد.

قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان ها و جعل بانک نوت در سرتاسر ساحاتیکه مشکلات تناسب وجود دارد، اعتماد، حکومتداری و ثبات را تحت تأثیر قرار میدهد. کشور های همجوار از که بازگشایی سرحدات، تسهیل مراحل ویزه و بهبود راه های ترانسپورتی، تشویق دارند که باعث سهولت گشت و گذار وسایط ترافیکی غیر قانونی خواهد گردید.

کشور های همسایه پالیسی های تجارتی محدود شده دارند، در حالیکه افغانستان دارای یک سیستم تجارت آزاد در منطقه بوده، بعضی از کشور های همجوار آن سیستم تجارتی محدود شده دارند. طی مراحل پیچیده، اخذ ویزه نیز موانعی را در راستای تجارت قرار میدهد.

همکاری منطقه یی و ایجاد اعتماد، نیاز به بردباری و تلاش های مداوم دارد. این تصور وجود دارد، مفادی که از پروژه های منطقه یی، به دست می آید، با تلاش هایی که جهت تهیه آن لازم و ضروری اند، مطابقت نداشته و بازدهی آن به طور غیر مساویانه تقسیم گردیده است.

توافقات کهنه تجارت و ترانزیت و عدم موجودیت میکانیزم های نظارتی: بسیاری از موافقتنامه های موجوده ترانزیت که با همکاران تجارتی صورت گرفته، نیاز به تجدید توافق دارد؛ بعضی از این موافقتنامه ها بنابر میکانیزم های نظارتی غیر کافی و عدم موجودیت تعهد پالیسی عمومی، کاملاً تطبیق و عملی نگردیده اند. در تجارت برق توافق نامه یی وجود ندارد و این مانع تجارت برق در سطح منطقه میباشد. همینطور عدم موجودیت توافقات در تشریک منابع آبی وجود دارد.

عدم موجودیت منابع تأسیساتی و بشری، توانایی دولت را به منظور انسجام و آغاز ابتکار های منطقه یی و تشویق مشارکت های خصوصی و عامه، محدود میسازد. همچنان ظرفیت های محدودی در نهاد های مختلف دولتی جهت مذاکره، تطبیق و نظارت تعهدات مختلفه افغانستان، وجود دارد.

سکتور خصوصی به فقدان معلومات پیرامون فرصت ها برای تجارت و سرمایه گذاری در سطح منطقه یی مواجهه میباشد.

داد و ستد ها نیز یک چارچوب منطقه یی به خاطر بهره برداری از تجارت در دو طرف سرحد و فرصت های سرمایه گذاری ندارد. این امر ناشی از زیر بنای زیربنای ضعیف حمایتی تجارت در سطح کشور و نبود یک نهاد مؤثر تجارتی منطقه یی میباشد.

عدم موجودیت ارتباطات هوانوردی ملکی، زیر بنای ضعیف سرک ها و مصارف گزاف سفر های تجارتی، منجر به مشکلات برای سفر تاجران و ترافیک ترانزیتی میگردد. روند اخذ ویزه بسیار طولانی بوده و نیاز به توجه عاجل دارد.

۴،۴،۶ استراتژی ها

بخش بعدی، خلاصه استراتژی افغانستان را غرض بهبود همکاری منطقه یی فراهم مینماید. این بخش، شامل عرصه های ذیل میباشد: ارتقای ظرفیت های تأسیساتی و بشری، همکاری سیاسی، مساعد ساختن زمینه برای تجارت، بهبود زیربنای ترانسپورتی و سرحدات، تجارت برق، انگشاف آب و انرژی، همکاری امنیتی و تشویق مشارکت سکتور خصوصی در همکاری های منطقه یی است. جزئیات پیرامون برنامه های انفرادی را میتوان تحت سکتور های مختلف

دریافت نمود، به خصوص فصل ۶ که مربوط همکاری های منطقه یی پیرامون امنیت و فصل ۸ پیرامون تسهیل تجارت و توسعه زیر بنایی میباشد.

در جریان کار استراتژی انکشاف ملی افغانستان که منحصراً بخش پیگیری از فعالیت های برنامه ریزی شده کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی که در کابل به تاریخ ۱۳-۱۴ قوس ۱۳۸۴ (۵-۶ دسمبر ۲۰۰۵) برگزار گردیده بود، دولت همچنان یک برنامه کاری جامع را انکشاف خواهد داد که شامل ترتیب و تنظیم و اولویت دهی ابتکارات همکاری های منطقه یی در میان سکتور های دارای اولویت میباشد. پلان کاری در مشورت با کشور های همسایه، مؤسسات همکار و سکتور خصوصی تهیه خواهد گردید. راه های حل تطبیقی باید در سطح سیاسی و تخنیکی جستجو و اولویت دهی شوند. تطبیق این اولویت ها باید، از طریق میکانیزم مناسب انجام شود.

ارتقای ظرفیت های تأسیساتی و بشری برای همکاری های منطقه یی: هماهنگی میان نهاد های مختلف دولتی پیرامون مسائل همکاری های منطقه یی از طریق ایجاد میکانیزمهای هماهنگی مؤثر در سطح وزارتی و تخنیکی، تقویت خواهد شد.

تا کید مشخص بر موارد ذیل صورت خواهد گرفت: تقویت مراجع تماس ملی برای همکاری های اقتصادی منطقه یی، هم در سطح وزارتی و هم در سطح تخنیکی، ایجاد وسیله های ارتباطی میان نهاد های دولتی و انجمن های تجاری؛ ارتقای ظرفیت ها برای مذاکره، تطبیق و نظارت از اجرای توافقات. همکاری با همکاران منطقه یی و بین المللی و استفاده از تجارب منطقه یی، توافقات دو جانبه^{۱۱}، و تبادل معلومات و موجودیت شبکه های پژوهشی برای موفقیت در این ساحات، بسیار مهم خواهد بود. دولت تلاش خواهد ورزید تا ظرفیت وزارتخانه های مربوطه را جهت برنامه ریزی مشترک، تطبیق پروژه ها و اهمیت ابتکارات منطقه یی هماهنگ نماید و منابع مالی و تخنیکی لازم را به صورت مشترک برای تطبیق، مساعد نماید.

تقویت همکاری های سیاسی و تعهدات برای عضویت افتخاری در مؤسسات منطقه یی و بین المللی. افغانستان اخیراً عضویت موسسه همکاری های اقتصادی منطقه یی آسیای مرکزی و عضویت اتحادیه همکاری های منطقه یی آسیای جنوبی را حاصل نمود. این اداره یک عضو فعال سازمان همکاری های اقتصادی (ایکو) بوده و با برنامه مرکزی محیطی و منطقه یی آسیای میانه ملحق شد و پروتوکول ایجاد گروه تماس گیرنده گان را با سازمان همکاری "شانگهای" به امضاء رسانید. بر علاوه، موافقتنامه های زیاد دوجانبه و چند جانبه را با کشور های منطقه امضاء نموده است.

ادامه تجارت آزاد: دولت به تعهد خویش به خاطر ادامه و آزادی و انکشاف تجارت به منظور پیوستن به سازمان تجارت جهانی را ادامه خواهد داد. دولت همچنان متعهد به تقویت، تجدید نظر و تطبیق موافقتنامه های موجود و تقاضای روی موافقتنامه های مؤثر ترانزیتی دوجانبه و منطقه یی جدید می باشد؛ زیرا تهیه و تطبیق موافقتنامه های مؤثر ترانزیتی منطقه یی و همچنان ارزیابی قابلیت سیستم (تی آی آر) که (افغانستان از جمله امضاء کننده گان کنوانسیون تی آی آر است) در منطقه میباشد. سکتور های عامه و خصوصی کشور های ترانزیتی و کشور های محاط به خشکه باید از طریق میکانیزمهای مناسب هماهنگی منطقه یی و ملی همکاری نمایند. دولت پالیسی ها و برنامه های مؤثر برای تسهیل تجارت، تطبیق اصول رعایت عبور از سرحد، کاهش در تأخیرات، تجدید نمودن بنادر حمل و نقل اموال توسط

^{۱۱} "ترتیبات دوجانبه" یک چارچوب برای ادارت و مؤسسات نیمه عامه میباشد تا با مؤسسات همکار شان در دیگر کشور ها، جهت انکشاف مشترک و تطبیق یک پروژه، کار و همکاری نمایند. خصوصیت اصلی یک پروژه دوجانبه اینست که تلاش میورزد تا نتایج مشخص و تضمین شده را ارائه نماید، نسبت به اینکه همکاری عمومی را انشاء بخشند.

کشتی بمنظور تنظیم دوباره ادارات، آنها را منحیث یک اقدام مشترک دولت و سکتور خصوصی تهیه خواهد نمود. جهت فراهم آوری هماهنگی مؤثر، دولت کمیته تسهیل تجارت و ترانسپورت را که تمام مراجع ذینفع را در عرصه های ترانسپورت و ترانزیت یکجا خواهد نمود، ایجاد می نماید. دولت افغانستان متعهد به **عصری ساختن لوابج گمرکی، طرز العمل ها و زیربنا ها می باشد.** همکاری های گمرکی روی اختصار و هماهنگ ساختن طرز العمل های بین المرزی، تشریک معلومات به اساس (ای سی تی)، انکشاف تضمینات ترانزیت گمرکی و ارتقای ظرفیت ادارات گمرکی محلی و ملی توجه می نماید.

بهبود وضعیت ترانسپورت و زیربنای مرز ها: درمطابقت با برنامه سرک ها (بخش هفت را مشاهده کنید)، دولت متعهد است تا اتصال با همسایه گان منطقه بی خویشرا بهبود دهد. این کار شامل بهبودی شاهراه های منطقه بی، و یا سرک های حلقوی که کابل را با پایتخت های عمده کشور های منطقه و نقاط عبوری مرز ها وصل میکند، و در عین زمان در مورد عملی سازی برنامه متداوم از نگاه مالی و موجودیت میکانیزمهای حفظ و مراقبت اطمینان حاصل میکند. دولت همچنان در همکاری با تمویل کننده گان بین المللی، کار باز سازی مرز ها را که جریان دارد، سرعت خواهد بخشید. دولت انکشاف بین المرزی را با همسایه گانش به منظور جلوگیری از تقلب و عدم سازگاری عملکرد ها و سهولت ها در هر دو جانب مرز هماهنگ خواهد کرد. دولت انتظار سرمایه گذاری در وسایل اضافی نظارت کننده، را خواهد داشت. همچنان فرصت ها در زمینه همکاری های بین المرزی در امر تشریک معلومات را جستجو خواهد کرد تا باشد از وسایل کنترول کننده تمام جوانب مستفید شوند. دولت، علاوه برین برتطبيق یک پالیسی باز به منظور تسهیل و ارتقای ترانسپورت هوایی در منطقه و افزایش در رقابت، مصوونیت و مؤثریت در صنعت هوایی باور دارد.

رشد تجارت برق، آب و انرژی: با توجه به نیازمندی عاجل به رشد سیستم برق رسانی افغانستان، دولت فرصت های رسمی ساختن موافقتنامه های خریداری و تجارت برق با همسایه گانش را که با معیار های بین المللی مطابقت داشته باشد، جستجو خواهد کرد. دولت همچنان برای اشتراک در کنفرانس انرژی غور خواهد کرد و سعی خواهد کرد تا روند اعمار زیربنای انتقال برق را سرعت بخشد. در میان مدت، دولت همچنان امکانات بازار های برق در منطقه را بررسی خواهد کرد. و سکتور خصوصی را تشویق خواهد کرد تا نقش مهمی را در رشد سکتور برق ایفا نموده و یک چارچوب قانونی و تنظیم کننده را در این زمینه ایجاد نماید.

تقویت همکاری بین المرزی متمرکز روی جلوگیری و انفاذ قانون: دولت میداند که امنیت مرزی زمانی تأمین شده میتواند که همکاری اعظمی با همسایه گانش وجود داشته باشد. افغانستان آماده است که با کشور های همسایه به مباحثه بپردازد تا امکانات تشریک معلومات، آموزش مشترک کارمندان، رشد سیستم های هماهنگ و تدابیر مشابه را جستجو نماید. این همکاری باید صورت بگیرد تا نیازمندی برای سهل شدن فعالیت های مشروع اقتصادی رعایت گردد. دولت همچنان احیای گروه های کاری اداره مرز ها را طوری در نظر خواهد گرفت که بعداً آنها را به کشورهای همسایه انکشاف بدهد. دولت همچنان راه های آغاز تدابیر خاص حصول اطمینان را جستجو خواهد کرد.

تشویق سهم گیری فعال سکتور خصوصی در همکاری منطقه بی: منابع محدود دولت و تمویل کننده گان، موانع عمده را در راستای همکاری اقتصادی منطقه بی ایجاد نموده اند. بدین ترتیب، نقش سرمایه گذاران منطقه بی و خارجی در این عرصه (منحیث منبع تمویل پروژه و سرمایه گذاری مستقیم) برای انکشاف و ارتقای فعالیت های اقتصادی در منطقه لازم پنداشته میشود. در واقع، اندازه موفقیت همکاری های اقتصادی منطقه بی از طریق فعالیت های افزایش یافته سکتور خصوصی (منجمله استفاده وسیع از زیربنا و اندازه افزایش یافته تجارت) تعیین می گردد. دولت سکتور خصوصی

را جداً تشویق می نماید تا در فعالیت های همکاری منطقه یی سهم گرفته و زمینه را برای تأمین ارتباطات مهیا سازد. این فعالیت ها باید شامل انسجام حمایت سکتور خصوصی از تطبیق برنامه، ارتقا و تسهیل تصدی های سکتور خصوصی جهت بهره برداری از پروژه هایی باشد که در اولویت قرار دارد. یافتن راه ها به خاطر شامل ساختن سکتور خصوصی در ساختار طرح های موجود همکاری های منطقه یی، از وظایف دولت است. دولت همچنان در نظر دارد اندازه معلومات مبنی بر فعالیت های مربوط به همکاری های منطقه یی را برای حلقهات تجاری و تهیه نظریات به تهیه کننده گان پالیسی در مورد برنامه ها و پروژه ها از دیداد بخشد.

۵,۶ مبارزه با ارتشا و فساد اداری

۱,۵,۶ توضیحات

ارتشاء و فساد اداری حسابهی دولت را زیر سؤال می برد، اعتماد عامه را مختل میسازد و از مشروعیت ادارات دولتی میکاهد. ارتشاء و فساد اداری یک وسیله برای گروه های مسلح غیر قانونی، غرض بقای قدرت شان در سطح ولایات و ولسوالی ها، مانع انسجام ادارات دولتی و حاکمیت قانون میشود. در عرصه قوه قضایی، معاملات تصامیم دلخواه و قابل دسترس قضایی به بلند ترین پیشنهادات معاملاتی پولی اساساً امنیت و حقوق اصلی شهر وندان، بخصوص مردم غریب، زنان و اطفال را تحت شعاع قرار میدهد. فرهنگ گذشت و بخشش ادارات دولتی و غیر دولتی را جرأت میدهد تا مرتکب تخلف شوند. تجارت مواد مخدر با رشد مبلغ ۷,۲ بلیون دالر امریکایی در سالهای ۱۳۸۳ - ۱۳۸۵ در داخل کشور، فساد مالی سکتور عامه از جهت معاشات پایین خدمات ملکی بمیان آمده است.

ارتشاء و فساد اداری در به تعویق انداختن سرمایه گذاری، در کندی و مصارف بلند انتقالات، همچنین بلند رفتن روند های غیر قابل پیش بینی تجاری مانند : مجوز دهی و اجرای حق ملکیت و قراردادهای مهم خوانده شده است. نظر به یک سروی از شرایط سرمایه گذاری توسط بانک جهانی، ۵۳% از جواب دهنده گان ارتشاء و فساد اداری را منحصیث مانع بزرگ و جدی در راه تجارت در افغانستان متذکر شدند^{۱۴}. با کاهش رقابت بازار یابی در سکتور خصوصی، موضوع ارتشاء و فساد اداری، اقتصاد غیر رسمی و نا مشروع را قوت میبخشد. ارتشاء و فساد اداری بر اقتدار گمرکات و ادارات مالیاتی نیز اثر دارد. رشوت، بخشش و دیگر پرداخت ها جهت آسانی روند ها، باعث تقلیل عایدات دولت میگردد. در مقابل، دولت با عایدات عمومی اندک نمی تواند تا در تدارکات خدمات اساسی، حیاتی برای رشد پایه دار، انکشاف اقتصاد و محو فقر فعالیت نماید. اتکای قوی افغانستان به کمک های خارجی به تلاش دولت جهت تدارک پایدار و کنترل تنظیم وجوه امانتی حمایت مستقیم بودیجوی به منظور کسب اعتماد تمویل کنندگان در مصرف منابع از بودجه ملی نیاز دارد.

^{۱۴} شرایط سرمایه گذاری در افغانستان - بهره برداری از فرصت ها در ما حول نا معلوم . مسوده ماه عقرب ۱۳۸۴ بانک جهانی

۲,۵,۶ نظر اجمالی بر پالیسی

هدف دولت این است، تا فساد اداری را از سکتور های عامه و خصوصی به منظور مؤثریت، شفافیت و قابلیت حساب دهی دولت محو کند و یک وضعیت مساعد برای سرمایه گذاری ایجاد نماید، که این اوامر برای رشد اقتصاد و محو فقر ضروری میباشد.

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

معاهده ملل متحد در مورد فساد اداری تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تصویب خواهد گردید که بر اساس آن قوانین مربوط داخلی کشور تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تعدیل خواهد شد و یک مکانیزم نظارتی برای بررسی تطبیق این قوانین تا پایان سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) ایجاد خواهد گردید.

پالیسی های کلیدی و هماهنگی : استراتژی مبارزه با ارتشاء و فساد اداری در تمام پالیسی های دولتی گنجانیده خواهد شد. مبارزه با فساد اداری توسط اصلاح اداره عامه، شفافیت و حساب دهی بیشتر دولت، رقابت اقتصادی در داخل بخش رسمی، یک چارچوب قانونی برای شفافیت و حساب دهی برای سکتور های عامه و خصوصی، ادارات نیرومند نظارت عامه و اشتراک گسترده تر حلقات ملکی، حمایت خواهد شد.

واحد رهبری دولت که وظیفه تسهیل و پیشبرد استراتژی مبارزه با فساد اداری دولت را به عهده دارد، عبارت از اداره عمومی مستقل مبارزه با فساد اداری میباشد. الی اخیر سال ۱۳۸۵ تشکیل، صلاحیت ها و اولویت های اداره عمومی مستقل مبارزه با فساد اداری برای توانمند ساختن بهتر آن و برای قیمومیت در داخل قانون مبارزه با فساد اداری مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا مشخص گردد که این یک طرح مناسب است یا نه. اهداف قانون علیه فساد تا ختم ۱۳۸۵ باید تطبیق گردد. به خاطر اینکه فساد اداری یک مسئله مشترک است، این امر مشمول تطبیق بخش های مختلف استراتژی ملی مبارزه با فساد اداری افغانستان و گنجاندن مؤثر آن در پالیسی های دولت، وزارت خانه های مختلف و تمام سهم داران میباشد. ادارات قانونی مسؤول انسجام چارچوب قانونی و برگزار نمودن حساب دهی اجراییوی خواهند بود. وزارت های اجراییوی اصلاحات تشکیلاتی و پالیسی های بخش را تطبیق خواهند کرد و قضا تعذیراتی را در این عرصه نافذ خواهد نمود. جامعه مدنی به شکل کلی دولت را بررسی و میزان خواهد کرد. اسباب اساسی اداری برای رسیدن به اهداف بیان شده، تطبیق قانون مبارزه با رشوت و فساد اداری، تصویب و تطبیق کنوانسیون ملل متحد با ارتشاء و فساد اداری میباشد.

۳,۵,۶ موانع

معلومات معتبر در باره ارتشاء و فساد اداری در دست نیست. فهرست شفافیت بین المللی مبارزه با فساد اداری (سی پی آی) ۱۳۸۳-۱۳۸۴ افغانستان را در ردیف یکصد و هفدهم از جمله ۱۵۸ کشور از لحاظ درک مردم از فساد اداری قرار داده است. گرچه سروی موجوده بطور وسیع انجام پذیرفته و به اساس شواهد ضمنی ارائه گردیده است. در اکثر موارد، گمان میرود که میزان فساد اداری در واقع بلند تر از آن باشد که در گزارش ارائه گردیده است. شواهد مشرح

نشان میدهد که فساد های کوچک و بزرگ اداری در افغانستان موجود بوده و فساد اداری به طور کامل و واضح صورت میپذیرد.^{۶۵}

تا به حال از نظر کار تشخیصی، تلاش های محدودی در جهت تشخیص منبع و سر منشا عمده و شدت فساد اداری در ادارات دولتی صورت گرفته است.

ادارات اصلاح نا شده عامه، زمینه تحركات و فرصت ها را برای فساد اداری ایجاد میکند. معاشات پایین سکتور دولتی باعث روی آوردن کارمندان دولت به رشوه گیری و فساد اداری گردیده و دلیلی برای تقاضای بخششی ها یا "پرداخت های مطالبه شده" به منظور اجرای کار هایی که مسوولیت های عادی پست های کاری شان است، فراهم میگردد. استخدام در خدمات ملکی، باید با قانون خدمات ملکی مطابقت داشته باشد که مستلزم تمام مقرری ها بر اساس شایسته گی و لیاقت در مطابقت با معیار های معین میباشد. مهم خواهد بود تا انگشاف و تطبیق قوانین فرعی بشمول تعریف شایستگی های لازم برای رتبه های مختلف تأمین گردد. به همین ترتیب، مهم است تا اطمینان حاصل گردد که شعبه های دولتی با قانون تدارکات مطابقت داشته باشند و قوانین به منظور کاهش فساد تطبیق گردد.

چارچوب حقوقی و نظم حکومتداری افغانستان نا رسا میباشد. ساختمان و چارچوب قانونی ناتمام، نظارت محدود دولت در ولایات، عدم دسترسی به عدالت، توقعات محدود از سیستم عدلیه و ظرفیت پایین کارمندان عدلی از جمله چالش هایی است که زمینه را برای پرداخت رشوه توسط شهروندان به خاطر کسب حقوق شان مهیا میسازد. در این اواخر، بعضی از قوانین به منظور ارتقای حساب دهی ایجاد گردیده است، اما اقدامات تطبیق قانون تا به اکنون وجود ندارد.

ادارات نظارت خارجی در حال ایجاد میشوند. ریاست تفتیش و شورای ملی ادارات جدیدی هستند، که مصروف ترکیب تشکیلاتی شان میشوند. دفاتر تفتیش تا حال در ولایات ایجاد نشده، که این مسئله وظایف نظارتی را در سطح ولایات محدود میسازد.

دولت مرکزی نظارتش را بر ادارات ولایتی محدود ساخته است. اصلاحات نهاد های دولتی تا هنوز روی وزارت خانه های مرکزی و ادارات دولتی در کابل تمرکز نموده است. اصلاحات، تا هنوز به طور کامل به ادارات ولایتی وولسوالی ها، بنابر عدم موجودیت امنیت، ارتباطات نا منظم مخابراتی، تنوع در نوعیت ادارات ملکی و در بعضی موارد، تنش ادارات دولتی و غیر دولتی، به دولت مرکزی انگشاف نیافته است. دولت نیازمند انگشاف استراتیژی های ویژه به منظور توحید ادارات دولتی مرکزی در ساحاتی میباشد که نهاد ها ضعیف باقی مانده اند و یا تحت نفوذ منفی منابع غیررسمی و یا خصوصی قرار دارند.

اتکای مداوم بالای مساعدت های خارجی دولت را در مقابل سوء استفاده و اداره ضعیف مساعدت، آسیب پذیر میسازد^{۶۶} یک روش جامع برای تقویت حساب دهی و مساعدت، مؤثر به شمول، عاملین متفاوت برای بلند بردن مؤثریت مساعدت در افغانستان ضروری است. فصل دهم مؤثریت مساعدت را در بر میگیرد.

^{۶۴} منبع گزارش، برنامه انگشافی ملل متحد در مورد بررسی فساد اداری و چارچوب استراتیژی برای جلوگیری و عنوان کردن فساد، افغانستان، سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ میلادی) صفحه ۱۸.

^{۶۵} از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۳ (جنوری ۲۰۰۲ الی مارچ ۲۰۰۴) اضافه تر از ۳ بلیون دالر امریکایی (یا به تخمین فیصدی ۷۱٪ از مساعدت های خارجی) به بودجه انگشافی ملی خارجی افغانستان (اجرای مساعدت توسط خود تمویل کننده) ریخته شده است، نسبت به اینکه به بودجه اصلی دولت (اجرای مساعدت توسط دولت - بشکل امانتی در خزانه دولت یا صندوق وجوهات که از سوی جامعه بین المللی

مقررات و نظارت‌ها رسماً وضعیت سوء استفاده را برای مؤسسات غیر دولتی مساعد میسازد. در حدود ۲۵۰۰ موسسه ثبت شده غیر دولتی در افغانستان وجود دارد. بسیاری به این باور اند که از مقررات ضعیف سوء استفاده نموده و از پول‌های مساعدت بین‌المللی به نحوی از انحاء سود ببرند. دولت ظرفیت این را ندارد تا این تعداد وسیع مؤسسات غیر دولتی را نظارت کند.

اشتراک سکتورهای عامه و خصوصی در اقتصاد تریاک، باعث رشوه‌ستانی، پنهان‌کاری و استفاده غیر مجاز پول می‌گردد. اقتصاد نامشروع مواد مخدر، پیمانۀ وسیع پول را به خاطر رشوه به کارکنان دولت مهیا میسازد. شواهد وجود دارد، که ادارات انفاذ قانون در قاچاق تریاک از طریق نگهداری سهام در عواید، معاف کردن و صرف نظر از مقررات قانونی و در بعضی موارد به صورت مستقیم، در قاچاق دخیل اند.

رسانه‌ها، ادارات مسئول دیگر آگاهی عامه هنوز هم در حال ظهور هستند. رادیو‌ها، تلویزیون‌ها و رسانه‌های چاپی مستقل، بر علاوه سازمانهای جوامع مدنی، منابع لازم برای آگاهی بهتر عامه به شمار می‌روند. نقش نظارتی و رسیده‌گی آنان، شفافیت و حساب‌دهی را از طریق شرکت بیشتر مردم در روند سیاسی بیشتر میسازد.

۴,۵,۶ استراتژی

اهداف بیان شده استراتژی مبارزه با ارتشاء و فساد اداری دولت، دارای چهار جز اصلی باهم مرتبط و تقویت دوجانبه میباشد:

تقویت اداره سکتور عامه. دولت یک اداره ملکی متحرک، اساساً شایسته، سخت‌کوش و مسلکی، که در برابر تقلای فساد اداری مقاوم باشد و اداره‌یی که خدمات عامه را باکفایت خوب، مؤثر و شفاف، که مردم را مجبور به پرداخت رشوه نسازد، ایجاد خواهد کرد. هدف این استراتژی منحصراً بخشی از اصلاح اداره عامه ارائه خواهد شد (درین مورد به فصل هفتم مراجعه شود). این استراتژی شامل تعیین کارمندان ملکی در بست دوم و بالا تر از آن بر اساس شایسته‌گی، وظایف نظارتی وزارت در بست سوم و پایینتر از آن، بلند رفتن حق الزحمه‌ها و امتیازات، به وجود آوردن اشکال شفاف و ساده و مؤثر سازمان‌دهی، ساده‌سازی قوانین کلیدی و روند‌های کاری، تهیه شکایات مؤثر تشکیلاتی و میکانیزم جبران خسارت، انکشاف و تقویت یک چارچوب قانونی که معیار‌های اخلاقی اداره ملکی را معین کند، شرایط استخدام و ایفای وظیفه و مغایرت قوانین ذینفع و تعلیمات به منظور تقویت مهارت‌های اداری، دانستن لایحه‌های اصولی و تکنالوژی معلوماتی^{۶۷} میباشد.

تقویت سیستم‌های حسابداری عامه. تقویت حسابداری عامه، شامل شش هدف میباشد: اول، دولت سیستم‌های مالیات عامه را به منظور ایجاد یک اداره مؤثر و مسئول منابع بشری و جلوگیری از فرصت‌های کارمندان به خاطر انجام فساد اداری^{۶۸} نافذ خواهد کرد. دولت معیار‌های اداره مالی منظور و نظارت شده توسط جامعه بین‌المللی را در سطح

نظارت میشود) ریخته شود. در مورد سال مالی ۱۳۸۳ (۵-۲۰۰۴) و ۱۳۸۴ (۶-۲۰۰۵) تناسب اجرای مساعدت توسط خود تمویل‌کننده، نسبت به اجرای مساعدت توسط دولت تغییر مهمی نیامده است.

^{۶۷} استراتژی و برنامه‌های اصلاحات اداره عامه: ۹-۱۳۸۵.

^{۶۸} وزارت مالیه، خلاصه استراتژی سکتوری.

مرکز و ولایات ایجاد و رعایت خواهد نمود. جامعهٔ تمویل کننده گان و دولت، گزارش سالانهٔ را با نظرداشت میکانیزم نظارت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان مبنی بر حمایت انکشافی شان از افغانستان، ارائه خواهند نمود. سیستم های مالیات و گمرکات از طریق بهبود و تطبیق برنامه های جدید پالیسی مالیات، ارتقای اداره مالیات مرکز و ولایات، ایجاد قوانین به منظور ایجاد میکانیزم های مؤثر انفاذ و جریمه، معرفی سیستم های کامپیوتری اداره و حفظ اسناد و برنامه های آموزش تخصصی برای مدیران دفاتر مالی و گمرکی منحصبت بخشی از روند اصلاحات، اصلاح خواهند گردید. در زمینه اداره مصارف عامه، دولت سیستم های کامپیوتری اداره مالی را در وزارتخانه ها و ولایات عمده انکشاف داده، قیمت های واقعی، چو کات های زمانی و طرز العمل ها را جهت تأمین خدمات کلیدی دولت، مانند: دسترسی به مخابرات، آب و برق، به وقت معین، شفاف و قابل دسترس تهیه نموده و فعالیت های تفتیش و بازرسی حسابات مالی را در مطابقت با معیار های بین المللی و طرز العمل های تنظیمی افزایش میبخشد. دولت همچنان میکانیزم مؤثر دولتی برای تهیه و تدارک را به اساس چارچوب قانونی موجود تهیه و تدارک، جهت تأمین استفاده درست کمک های انکشافی، ایجاد خواهد نمود. این امر از طریق توجه بر سه بخش ذیل انجام خواهد پذیرفت: طرح و تطبیق سیستم معیاری و جامع قوانین، کود ها و طرز العمل های تهیه و تدارک، ایجاد واحد پالیسی تهیه نموده و به خاطر ارتقای ظرفیت کارمندان دفاتر تهیه و تدارک منحصبت اصول تخصصی در دولت. در قدم دوم، دولت سیستم تفتیش و ارزیابی را به منظور ارتقای شفافیت و حسابداری دولت و پروژه های تمویل شده توسط تمویل کننده گان، انکشاف خواهد داد. این امر از طریق تأمین استقلالیت دفتر نظارت و تفتیش، ارتقای مهارت ها و کارایی مفتشین و نظارت کننده گان، تقویت میکانیزم های گزار شدهی دفتر مرکزی تفتیش و نظارت و انکشاف فعالیت های آن در ولایات عمده کشور بهبود می یابد. در قدم سوم، دولت میکانیزم های ارزیابی شورای ملی را از طریق فراهم آوری حمایت ارتقای ظرفیت کاری کارمندان جدیدالتقرر و شورا های ولایتی در مورد فساد و کار با شورای ملی و شورا های ولایتی تقویت می بخشد تا اجراءات و بحث های آنها را برای مردم بطور باز و شفاف ارائه دارد. در قدم چهارم، انکشاف رسانه های مستقل و مسئول و جامعه مدنی به منظور ارتقای آگاهی و معلومات عامه در مورد فساد از طریق تشریک معلومات بین دولت و مردم در سرتاسر کشور تقویت خواهد گردید. در قدم پنجم، دولت میکانیزم ها را برای هماهنگ ساختن فعالیت ها با ساختار مختلف الزامی و مبتنی بر جامعه، جهت فراهم آوری آگاهی مبارزه با ارتشاء و فساد و ارائه علاقمندی های محلی ایجاد خواهد نمود. در قدم ششم، در همکاری با جامعه بین المللی، دولت فعالیت ها، برنامه ریزی، اجراءات و نظارت مشارکتی و مسئول را ایجاد خواهد نمود.

تقویت چارچوب قانونی و سیستم قضایی. این امر در تأمین حسابداری کمک نموده و اعتماد مردم را در مورد ادارات دولتی تقویت خواهد نمود. به علاوه اقداماتی که در برنامه حاکمیت قانون و عدالت مربوط به دولت معین گردیده اند (به فصل هفتم مراجعه نمایید)، استراتیژی دولت در برگیرنده چندین اقدام معین مبارزه با فساد خواهد بود. این استراتیژی سیستم حقوقی و اداری را که در محو فساد از طریق انجام بررسی معین فضای موجود حقوقی و هنجارمند^{۶۹} و حسب ضرورت تجدید نظر و تهیه قوانین جدید مصروف میباشد، بهبود خواهد بخشید. برنامه های آموزش مهارت ها در مورد انجام موارد مبارزه با فساد و انفاذ قوانین و مقررات برای کارمندان مسلکی عدلی به صورت مناسب، شفاف و مسئول فراهم خواهد گردید.

^{۶۸} تدوین و تصویب قانون خبر رسائی در بین مردم، ه شامل قوانین مبنی بر استفاده نا جایز پول، رشوه ستانی عامه و خصوصی، سرقت، اختلاس و تقلب، قانون تفتیش و نظارت، وضع مالیات و گمرکات، رسانه های مستقل، قوانین محرمیت، قوانین افتراء، قوانین بانکداری و ملکیت ها، ثبت ملکیت ها، و قوانین معلومات میباشد.

جامعه مدنی، به شمول جرگه های عنعنوی و شورا ها باید تشویق شوند تا شفافیت و حسابداری را از نزد مقامات دولتی، به شمول ادارات قضایی و نیز در عرصه کاهش فساد خواستار شوند و میکانیزم های گزارشدهی را از مرکز به ولایات و عکس آن ایجاد نمایند.

نظارت ارتشاء و فساد اداری در داخل خود ادارات مبارزه با مواد مخدر. دولت یک واحد معیار های ضد فساد اداری و مسلکی را که قدرت به عهده گرفتن تحقیقات فوق العاده فعال علیه کارکرد های کارکنان در ادارات مبارزه با مواد مخدر را داشته باشد، تأسیس خواهد کرد. این امر باعث ایجاد و بقای میکانیزم نظارتی برای کشت خشخاش و رسیده گی در مورد امحای آن تا وسط سال ۱۳۸۵ خواهد شد. استراتژی مبارزه با مواد مخدر دولت قبلاً در این فصل فشرده شده است.

بر علاوه چهار عامل اصلی ستراتیژیک دولت تحقیقات را برای معلومات معتبر و اقدامات مطمئن فساد اداری اجرا خواهد کرد. تحقیقات بالای روش ها درمورد فساد اداری با تأثیرات و اندازه اش در داخل وزارت خانه های زیربیط و قضا متمرکز خواهد شد. یک تحقیق مجموعی تجارب عامه را در فساد اداری ارزیابی خواهد کرد.

۶,۶ محیط زیست

۱,۶,۶ توضیحات

رشد پایه دار اقتصاد در صورت محدود بودن منابع محیطی و طبیعی صورت پذیرفته نمی تواند. در واقع، همچو محدودیت ها نماینده گی از بروز انگیزه های مربوط به ادارات ضعیف، دسترسی غیر متعادل و متناقض به مالکیت، فقر، فشار مردم، شهری سازی و آموزش ناکافی در عرصه اداره درست منابع محیطی و طبیعی، میکند. افغانستان در مقابل حوادث محیطی که مردم و نیز جهان را تهدید مینماید، بی نهایت آسیب پذیر می باشد، باتوجه به اینکه ۸۰ فیصد مردم افغانستان از لحاظ عواید و امرار معاش^{۷۰} متکی بر منابع بشری میباشند. بی بضاعت ترین خانواده ها یعنی خانواده هاییکه سرپرستی آنها را زنان به عهده دارند، خانواده های دارای اعضای معیوب، خانواده های بی زمین و آن خانواده هایی که قطعات کوچک زمین للمی را کشت مینمایند، بیشترین خسارات ناشی از حوادث محیطی را متحمل می گردند. در نتیجه تغییرات در نظام طبیعی، چراگاه ها برای مویشی و محلات کشت نباتات در حال از بین رفتن می باشد که این امر، منابع غذایی را شدیداً آسیب میرساند. بیشتر از ۶۰ فیصد مردم تنها از طریق زراعت امرار معیشت می نماید. بر مرکزیت سکتور زراعت تأکید و توجه صورت گرفته است به خطری که از طریق این سکتور پالیسی معیشت های مختلف که منحصراً یک اساس استراتژی موفقی مبارزه با مواد مخدر پنداشته میشود، میتوانند تحقق یابند. چنین به نظر میرسد که نیمی از جنگلات در کشور بنابر عدم موجودیت بدیل انرژی، برای استفاده چوب سوخت و استفاده ساختمانی در افغانستان و پاکستان، از سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) بدینسو کاهش یافته است. قطع غیر قانونی جنگلات و نباتات، استفاده گسترده زمین منحصراً چراگاه ها و زرع زمین های بی آب باعث فرسایش خاک و کرانه های رود خانه ها گردیده و سطح آب را روز به روز پایین میبرد. محیط شهری افغانستان نیز شدیداً خساره برداشته است. مواد فاضله، آلوده گی هوا و سایر خطرات، صحت و رفاه ساکنین شهری را تهدید مینماید.

^{۷۰} اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده، صفحه ۷۷.

آلوده گی ذخایر آب به واسطه کثافات و حفظ الصحة ضعیف، منابع نادر آب آشامیدنی پاک را تخریب میکند. تنها ۲۵ فیصد آب موجوده افغانستان برای نوشیدن مطمئن میباشد. عدم دسترسی به آب آشامیدنی پاک و حفظ الصحة ضعیف آب، یک عامل عمده امراض و مرگ و میر بین افغان ها می باشد. پایین آمدن سطح آب نیز باعث کاهش در حاصلات زمین و افزایش خطر سیلاب میگردد. این امر باعث بی ثبات شدن تپه های اطراف قرأ و زمین لرزه های مرگبار میگردد. شیوه فعلی مبارزه با حوادث طبیعی، خشکسالی، زلزله ها، امراض ساری، شن توفانها و زمستان های بسیار شدید تماماً تأثیرات زیان آور خاصاً بالای طبقه فقیر، دارند. از سال ۱۳۷۷ (۱۹۹۸) بدینسو بیشتر از ۶,۷ میلیون افغان در اثر همچو حوادث طبیعی متأثر گردیده اند. مردم افغانستان همچنان باید بر بلایای آفریده انسان، مانند ماین های زمینی و مهمات منفلق ناشده که تا هنوز صد ها کیلومتر مربع زمین کشور را پوشانیده است، غالب گردند. تمام این عوامل، باعث مهاجرت سریع مردم به خارج از مناطق روستایی میگردد. تخریب محیطی در افغانستان، ناشی از عدم تعادلات اجتماعی، اقتصادی می باشد.

دولت متعهد به ثبات محیطی، منحیث بخشی از اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده، منجمله توحید اصول انکشاف پایه دار با پالیسی ها و برنامه های کشور به خاطر برطرف کردن خسارات منابع محیطی، می باشد.

۲,۶,۶ شرح پالیسی

مقصد دولت عبارت از حفظ تمامیت محیط زیست افغانستان و حمایت رشد و بقای منابع طبیعی کشور، از طریق سهم گیری فعال مردم و سکتور خصوصی به خاطر دست یافتن به رشد اقتصادی که تقویت کننده صلح، امنیت و مساوات می باشد، است.

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای بر آورده ساختن اهداف ام. دی. جی افغانستان، چارچوب های تقنینی و اداره خدمات محیط زیست به منظور حفاظت کیفیت هوا و آب، انتقال مواد فاضله و مراقبت آلوده گی ایجاد خواهند شد. سیاست های منابع طبیعی انکشاف خواهند یافت و تطبیق آن ها در تمام سطوح حکومتی و محلی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) آغاز خواهد گردید.

پالیسی های کلیدی و هماهنگی: دولت امور محیط زیست را به سطح بین المللی، منطقه یی، ملی و در سطح ولایات هماهنگ نموده، قوانین، پالیسی ها و استراتژی های محیط زیست را به منظور توحید مسائل محیط زیست در پروژه های انکشافی از طریق روند بررسی تأثیرات محیط زیست تهیه و عملی نموده، خدمات اداره محیط زیست را به منظور نگهداشت کیفیت آب و هوا، اداره مواد فاضله و نظارت آلوده گی فراهم ساخته و آگاهی عامه را در مورد مسائل محیط زیست ارتقا می بخشد. بررسی مؤثریت پروژه ها که منجر به وارد شدن خساره بر محیط زیست خواهد گردید باید، به شکل اجباری درآورده شود. دولت نیز میکانیسمهای تمویل را برای حفاظت محیط زیست و به حیث بخشی از تقویت ظرفیتش در عرصه نظارت از پالیسی، انکشاف احصاییه و تدابیر کیفیت محیط زیست و تنزل درآن، به شمول معلومات در مورد نوعیت هوا، نوعیت آب و موجودیت آن و استفاده از زمین انکشاف خواهد داد.

اداره ملی حفاظت از محیط زیست مسئولیت کلی مسائل حفاظت از محیط زیست را به عهده دارد. وزارت خانه های کلیدی مسئولیت تطبیق این برنامه را در بخش های انفرادی به دوش دارند. هماهنگی این امر توسط گروه های مشورتی محیط زیست صورت میگیرد. اعضای گروه های مشورتی شامل وزارت خانه های کلیدی، تمویل کننده گان، ادارات ملل متحد و مؤسسات غیر حکومتی می باشند. برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد و بانک انکشاف آسیایی الی تکمیل ظرفیت کافی در اداره ملی حفاظت از محیط زیست، در امر اجرای کامل اساسنامه، نقش ادارات ارتباطی با گروه مشورتی محیط زیست را به عهده دارند.

اداره ملی حفاظت از محیط زیست در حال حاضر، روی تشکیل سه مجتمع کار میکند که عبارت اند از: شورای وسیع البنیاد ملی مشورتی محیط زیست به شمول وزارتخانه ها، والیان، بزرگان قومی، رهبران مذهبی و غیره، شورای اشخاص عالیرتبه که عضویت را به شخصیت های ملی و بین المللی در امر رهبری کمپاین های محیط زیست انکشاف خواهند داد و کمیته بین الوزارتی محیط زیست.

۳,۶,۶ مسائل و موانع

دولت با عدم قابلیت به خاطر توحید طرح های پایه دار انکشافی در ساختار انکشاف ملی مواجه است. کمبود شدید اشخاص مسلکی مجرب و آموزش یافته در عرصه های اداری و تخریکی، مربوط به حفاظت و اداره محیط زیست در سطح دولت و جامعه مدنی وجود دارد. این امر از نبود قابل توجه ادارات و کورس های اکادمیک محیط زیست ناشی میشود.

اداره ملی حفاظت از محیط زیست خود با کمبود منابع مالی مواجه بوده و قابلیت پرداخت معاشات مناسب برای کارمندان خویش را ندارد.

قانون محیط زیست و ساختار تنظیم کننده آن، عقب مانده و غیر قابل تقویت میباشد. مسوده قانون اداره محیط زیست تهیه شده ولی تا هنوز اعلام نگردیده است. ساختار تنظیم کننده موجود ضعیف بوده میکانیزم های مؤثر انفاذ وجود ندارند. میکانیزمی برای تمویل یک برنامه مربوط به محیط زیست در سراسر چندین وزارت خانه ذیدخل وجود ندارد.

آگاهی عامه از مسائل محیطی و منابع بشری بنابر میزان پایین سواد و نبود آگاهی عامه در مورد مسائل مربوط به اداره منابع، محدود می باشد.

معلومات در مورد کیفیت محیط زیست و تنزیل آن در دست نمیباشد. این چنین معلومات هرگز در افغانستان جمع آوری نشده و سیستمی نیز برای انجام این کار وجود ندارد. بنابرین دولت حتی قادر به تخمین نمودن مقیاس مشکلات به صورت درست آن نمیباشد.

بی امنیتی زمینه را برای استخراج غیر متداوم و دسترسی غیر عادلانه به منابع طبیعی مساعد میسازد. دولت تا هنوز وسیله تطبیق و تقویت حفاظت از منابع طبیعی را در دست ندارد. عاملین دولتی و غیر دولتی، به شمول قاچاقبران

(مافیای) قدرتمند چوب چارتراش قابلیت آنرا دارند تا از منابع طبیعی که از لحاظ قانونی مربوط به دولت و مردم میباشند، استفاده غیر قانونی نمایند.

۴,۶,۶ استراتژی ها

تعیین مسئولیت های عرصه محیط زیست و ارتقای ظرفیت اداره ملی حفاظت از محیط زیست. مهارت های تخنیکی در شش بخش اداره ملی حفظ محیط زیست تقویت میگردد. امور بین المللی محیط زیست، تحقیقات، پالیسی و معلومات، تطبیق و انفاذ، حفاظت از میراث های طبیعی، بررسی محیط زیست و انکشاف پایه دار و منابع بشری و سیستم مالی. تطبیق مرحله دوم روند اصلاحات اداری یک ساختار مناسب تشکیلاتی را برای اداره ملی حفاظت از محیط زیست، علاوه بر فراهم آوردن زمینه برای این اداره به خاطر رشد ظرفیت های تخنیکی و اداری منابع بشری را ایجاد خواهد نمود. این کار همچنان منابع اضافی برای معاشات بهتر را فراهم خواهد نمود. تصویب قانون اداره محیط زیست قدرت قانونی را برای اداره ملی حفاظت از محیط زیست فراهم خواهد نمود. اداره ملی حفاظت از محیط زیست روند بررسی تاثیرات محیط زیست را به منظور توحید ملاحظات محیطی در تمام پروژه های انکشافی در سراسر این عرصه مورد استفاده قرار خواهد داد. بعضی از مسائل به منظور ملاحظه ذیلاً ارائه میگردد:

تهیه و تطبیق ساختار تنظیم کننده قانونی که استفاده بادوام از منابع طبیعی را تأمین نماید. معرفی قانون محیط زیست برای اداره و حفاظت مؤثر، مانند انفاذ مؤثر از اهمیت بسزایی برخوردار می باشد. تدابیر کلیدی شامل ایجاد قوه کاری در امر انسجام "مسئولین" برنامه محیط زیست در چوکات بودجه ملی انکشافی و ایجاد واحد های اختصاصی در تمام وزارت خانه های مربوطه میباشد. کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی محیط زیست و منابع طبیعی تصویب شده توسط دولت افغانستان توسط سهم گیرنده گان مناسب نشر و تطبیق خواهند گردید. **به خاطر بهبود کیفیت محیطی،** اداره ملی حفاظت از محیط زیست روند تهیه رهنمود های دفع مواد فاضله، بررسی کیفیت هوا و آب زیر زمین و فراهم آوری تحفظات از محیط زیست را به منظور رفع سوء استفاده از منابع و تامین ثبات محیطی تهیه خواهد نمود. بررسی دولت از حقوق ملکیت ها و قبالة ها و نیز انفاذ حقوق، دسترسی متعادل به منابع طبیعی خاصاً دسترسی کوچی ها، قشر فقیر و سایر گروه های بی بضاعت را ازدیاد میبخشد. به حیث بخشی از مساعی دولت در امر ثبت و رسمی ساختن مالکیت زمین، دولت یک رژیم قانونی را به منظور تنظیم نمودن استفاده از زمین (بشمول استفاده از زمین شهری در مطابقت با اساسات محیط زیست) رشد خواهد داد.

ارتقای ظرفیت اداره محیطی و منابع بشری در وزارت های زیربط. در کوتاه مدت، اداره ملی حفاظت از محیط زیست و وزارت خانه های عمده مربوط در روند ارزیابی تاثیرات محیطی، منحيث بخشی از پروژه زیربنایی نهاد های مالی بین المللی به شمول ترانسپورت، انرژی، بهداشت محیطی و آب، اشتراک خواهند نمود. از آنجاییکه ظرفیت های اداره ملی حفاظت از محیط زیست توقیف گردیده است، این اداره با وزارت خانه های پیشقدم به خاطر ایجاد پالیسی ها و ایجاد شعبه های محیطی که بلاخره (ای ای ای) را در بخش مربوطه شان تطبیق میکنند، کار خواهد نمود. شناسایی مناطق متأثر محیطی، روستایی و شهری در شناسایی زون های منع اسکان و رفع فشار محیطی مربوط به عودت کننده گان، بیجا شده گان داخلی و رشد عمومی اقتصاد کمک میکند. اداره مناطق حفاظت شده همچنان ساحات ممکنه جهانگردی در آینده را حفاظت خواهد نمود.

ایجاد اداره محلی و منابع طبیعی. به برنامه های محلی در زمینه احیای سیستم های تخریب شده طبیعی و ارتقای تأمین غذا کمک نموده و اهداف مبارزه با مواد مخدر را حمایت میکند. در عرصه زراعت، دولت تحقیقات روی تولید غله جات مناسب و ایجاد میکانیزمها برای ذخیره و دفع مواد کمیای زراعتی را انجام خواهد داد. اداره ملی حفاظت از محیط زیست تحقیقات بیشتری را روی امکانات احیای زمین های حاصل خیز و تدابیر در مبارزه با تخریب زمین های حاصل خیز و شناسایی محلات متنوع را انجام دهد. فرصت هایی به منظور ایجاد منابع فروش دولتی چوب باید جست و جو شود (و این امر میتواند زمینه بهتر، برای تنظیم منابع جنگلی فراهم سازد). حقوق مالکیت در جنگلات همچنان در جلوگیری از منازعات و نیز اداره بهتر منابع مهم تلقی میگردد. در مناطق شهری و نیمه شهری، برنامه های بخشی اداره محیط زیست بشمول برنامه ها در مورد نفوس و نظارت از مواد فاضله، اولتر از همه برای قشر فقیر و بی بضاعت باید تقویت گردند.

معرفی تعلیمات محیطی و تربیه حرفوی. دولت در صدد معرفی و ادغام مسائل مربوط به محیط زیست در نصاب تعلیمی دوره های ابتداییه، متوسطه و به سطح پوهنتون خواهد بود. تر بیه حرفوی در سطح جامعه، یک وسیله مؤثر را برای اعاده سیستم های تخریب شده طرز زیست محلی و فرصت های کاریابی فراهم میکند. برنامه های آموزش و آگاهی عامه عادات و روش محیطی را تغییر خواهد داد. نظریات طویل المدت مشمول یک اداره تحقیق محیطی و شبکه مراکز همکاری در سراسر کشور میباشد.

پیشرفت همکاری منطقه یی در مورد اداره منابع طبیعی و محیطی. افغانستان " ایکو " سیستم بین السرحدی را، مانند: کوه های پامیر، رود خانه ها و دریا های بین السرحدی مانند دریا ی پنج آمو، با همسایه گان خویش شریک میسازد. به منظور تأمین اداره مبرابری و پایه دار این منابع، دولت با دولت های منطقه برای تقویت حفاظت محیطی این ایکو سیستم ها و برای اطمینان دادن اینکه این پالیسی به خودی خود تأثیرات بلعکس را بالای کشور های آنسوی رود خانه ندارد کار خواهد کرد.

امنیت، حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر



۱,۷ یاد دهانی

این فصل، استراتژی دولت را در بلند بردن سطح امنیت و حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر، ارائه میکند. تاریخ افغانستان (به فصل دوم مراجعه گردد) نتایج عدم موفقیت را برای بنا نهادن ساختار های مؤثرو قانونی حکومتداری، روشن می سازد. بیست و سه سال جنگ، باعث ویرانی تقریباً تمام کشور گردید. و توأم با آن، ویرانی اقتصاد و حتی ناتوانی در ارائه اکثر خدمات اساسی چشمگیر است. بر علاوه، مبارزه به خاطر به دست آوردن قدرت باعث به وجود آمدن شیوه های متعدد حکومتداری گردیده و همه اینها زمینه یی برای استفاده و غصب دارایی شد. هیچکدام از این شیوه ها بر اساس معیار های بین المللی حکومتداری بنا نگردیده بود. در حالی که روند با هم نزدیک شدن سیاسی ادامه دارد و دولت به سوی کشوری که آرامش در آن حکمفرما باشد، به پیش میرود، تهدیداتی در برابر قانونمندی دولت هنوز هم وجود دارد. بر علاوه، به نسبت عرضه ضعیف خدمات عامه که به میراث گرفته ایم، تقویت بخشیدن موسسات متعهد به عرضه خدمات کلیدی عامه مهم است. بدون در نظر داشت این امر، ما نخواهیم توانست در برآوردن اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده موفق باشیم.

سکتور امنیت، شامل تقویت هماهنگی در بخش امنیت و برنامه های سرمایه گذاری در ساحات ذیل میباشد: ۱- اردوی ملی افغانستان، ۲- پولیس ملی افغانستان، ۳- انحلال گروه های مسلح غیر قانونی، و ۴- پاک سازی ماین. رابطه بین این برنامه ها و برنامه های مربوط به حاکمیت سالم روشن است. به خصوص در رابطه به اصلاحات عدلی، یک طرح توحید شده برای سکتور امنیت، ضرورت است. در ساحه حکومتداری، دولت برنامه های سرمایه گذاری را در بخش های ذیل انکشاف داده است: ۱- تقویت شورای ملی، ۲- عدالت و حاکمیت قانون، ۳- امور مذهبی، ۴- اصلاحات اداره عامه، و ۵- حقوق بشر به شمول حقوق زن. برنامه حقوق زنان عبارت از یک برنامه کاری مستقیم است، تا متمم بر خورد عمومی در دفاع از جنسیت اجتماعی (جندر) باشد. برنامه اداره عامه برای تمام بخش عامه - هم در سطح ملی و هم در سطح ولایتی - یک برنامه اساسی به شمار می رود و موفقیت این برنامه، برای دیگر برنامه های ملی عمده و ضروری است.

بخش های ذیل، پالیسی ها، موانع و استراتژی هایی را برای برنامه ها و بخش های ۱ و ۲ پیشکش مینماید. برنامه های سرمایه گذاری متنوع، تحت سکتور ۱- امنیت و تحت سکتور ۲- حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر قرار میگیرند.

۲،۷ سکتور ۱ : امنیت

۱،۲،۷ نظر اجمالی

موقعیت جیو ستراتیژیک، دولت میانه رو اسلامی و همکاری قوی با جامعه بین المللی، افغانستان را به مثابه یک کشور همکار اصلی در سکتور امنیت در سطح منطقه و جهان، محسوب مینماید. مراحل سیاسی که در توافقات "بن" تعیین شده بودند، انجام یافت تا حکومت افغانستان را مشروعیت بخشیده و زمینه را برای ثبات سیاسی آینده کشور مساعد نماید. تهدید در برابر امنیت شخصی و ملی هنوز هم به مثابه موانع عمده در سر راه رشد و انکشاف و فقر زدایی باقیمانده؛ با وجود آنکه دست آورد های چشمگیری درین سکتور بعد از ایجاد استراتژی پنج رکنی امنیت در سال ۱۳۸۱، به میان آمده است.

چالش های امنیتی فعلی افغانستان از لحاظ رویداد های تاریخی - کلیدی آن، باید درک گردد. افغانستان دارای یک تاریخ پر از تضاد و جنگ بوده که به وسیله رقابت های منفعتی همسایه ها و به وسیله خود خواهی و جاه طلبی اشخاص و کشور های بسیار دور از افغانستان عمیق تر گردیده است.^{۷۱} تاریخ نشان میدهد که مسئله امنیت افغانستان با امور بین المللی ارتباط داشته، بنابراین، پالیسی امنیت ملی باید انکشافات سیاسی و ستراتیژیک را در نظر گیرد که در سرحدات و یا خارج از سرحد، صورت میگیرد.

برای استراتژی انکشاف ملی ما، مهم است که سرمایه گذاری را تأمین نماییم تا بتوانیم به اصلاحات اساسی، دست یابیم (و در بعضی ساحات آنرا افزایش دهیم) و یک نیروی امنیتی را به تعداد و ساختار مشخص که نیازمندی های امنیت ملی و اهداف انکشافی کشور را به شکل مؤثر آن بر آورده ساخته، از لحاظ مالی استمرار داشته باشد، به وجود بیاوریم. عدم موجودیت امنیت، تلاش و مساعی ما را به منظور توسعه حاکمیت قانون در هر بخش کشور به شکل مداوم تهدید مینماید و این امر، باعث تضعیف ظرفیت در عرضه خدمات گردیده و همچنان باعث ازدیاد مصارف معاملاتی در اجرای بودجه ملی میگردد. موجودیت ماین ها و مواد منفلق ناشده، بهبود زراعت و اقتصاد کشور را در معرض خطر قرار میدهد. تا زمانی که پولیس ملی افغانستان توانایی محافظت جان و اموال مردم را پیدا میکند، مردم مجبور خواهند بود تا امنیت را از طریق شبکه های محلی خویش تأمین نمایند، که بسیاری از این ها تحت نظارت ملیشه های غیر قانونی قرار دارند. برعلاوه، بدون امنیت، میزان فعالیت های رسمی سکتور خصوصی محدود شده و خطر رشد اقتصاد غیر قانونی بیشتر میگردد.

^{۷۱} هدف از مرز های جغرافیایی که به منظور منافع انگلیس ها و روس ها واگذار شده بود این نبود تا امنیت منطقه و یا وحدت ملی را به وجود بیاورد، بلکه تلاش های شدید امیر عبدالرحمن خان بود تا صلاحیت خویش را برقرار سازد و دولت ملی خویش را به جانشینان خود تسلیم نماید. دولت های بعدی، با انگیزه های سیاسی و مذهبی که داشتند، با همچو چالش ها مورد امتحان و آزمایش قرار گرفته اند.

مصارف مالی اعمار مجدد و اصلاح سکتور امنیت افغانستان بالاتر از ظرفیت دولت بوده و حتی پوره کردن مصارف اساسی اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان، چالش بزرگی است که بر سر راه ما قرار دارد.^{۷۲} اگرچه بار فوری این مصارف وسیعاً^{۷۳} از سوی جامعه بین المللی پرداخته شده و خارج از روند های اداره مالی وزارت مالیه میباشد، دولت به این باور است که ساختار های نیروی امنیتی باید در درازمدت واقع بینانه، فعال و از لحاظ مالی پایه دار باشد. اما باید گفت که در صورت عدم موجودیت منابع مالی، انتظار دستیابی به اهداف امنیت داخلی، ملی و منطقوی آنچه را دولت و جامعه بین المللی به منظور مبارزه با تروریسم خواستار است، غیر واقع بینانه خواهد بود. این سکتور نیازمند کمکهای مداوم و پایه دار از سوی جامعه بین المللی در خلال سال های آینده خواهد بود که شامل مصارف عادی و سرمایه (مزد، فعالیت ها و حفظ و مراقبت) میگردد.

اگر هدف این است که جنگ با تروریسم، مواد مخدر و فقر پیروز گردد، ایجاد نیرو های امنیتی افغان به سطحی که بتواند بر تهدیدات ملی و قلمرو کشور فایق آید، نه تنها مهم میباشد؛ بلکه حاکمیت قانون، سیستم قضاء و حاکمیت سالم که باعث ایجاد صلح، ثبات رشد اقتصاد و آزادی فردی میگردد، ضروری پنداشته می شود در عین حال، اقدامات امنیتی و حاکمیت قانون باید همچنان در دراز مدت - از لحاظ ملی پایه دار باشد. بناً، موانع مالی باید ساختار و اندازه اردوی ملی و پولیس ملی افغانستان را بصورت مشخص تا یک حد، و همچنان منافع ملی را تحت تأثیر قرار دهد. هرگاه به منظور احیای مجدد و به ویژه اصلاح سکتور امنیتی کشور سرمایه گذاری صورت نگیرد، میتواند عواقب ناگوار در سطح ملی، منطقوی و حتی جهانی داشته باشد. تروریسم جهانی هنوز شکست نیافته و گروه های باقیمانده در ساحات و مناطق مختلف کشور آزادانه فعالیت مینمایند. این گروه ها را نباید گذاشت تا دست آورد هایی را که به منظور ایجاد یک نظام آزاد به دست آمده است، متأثر سازند.

دولت امنیت را با حمایت مستقیم قوای بین المللی تأمین خواهد کرد. ما انحصار مشروعی را درمورد استفاده از قوه و تطبیق قانون ایجاد خواهیم کرد تا فضای امن برای تأمین حقوق تمام افغانها، تأمین آزادی گشت و گذار برای افراد، اندیشه ها و انکشاف اجتماعی و اقتصادی فراهم گردد.

۲،۲،۷ شرایط و موانع

نا امنی، یکی از چالش های عمده در انتقال افغانستان به یک حکومت دموکراتیک - هم از لحاظ امنیت داخلی و هم از نگاه امنیت در منطقه، میباشد. طوری که در گزارش اگست ۲۰۰۵ سرمنشی ملل متحد، پیرامون وضعیت در افغانستان و تأثیرات آن برای صلح و امنیت بین المللی آمده: "امروز افغانستان از نا امنی رنج میبرد، به خصوص در ساحات جنوبی و شرقی این کشور که قبل از شکست رژیم طالبان چنین وضعیت را شاهد نبودیم." در نه ماه اول ۱۳۸۴، فعالیت های شورشیان افزایش یافت که منجر به کشته شدن بیشتر از ۱۲۰۰ نفر گردید، که در میان کشته شده گان ۶۹ عسکر امریکایی نیز شامل میباشد. بعد از سال ۱۳۸۱، سال

^{۷۲} بخش بیشتر معاشات سکتور امنیتی از سوی دولت البته پرداخت نمیکرد، گرچه بیشتر مصارف اردوی ملی افغانستان توسط دولت ایالات متحده امریکا و سایر تمویل کننده گان پرداخت میگردد، مصارف معاشات پولیس افغانستان بشکل مداوم از طرف صندوق وجهی نظم و قانون افغانستان پرداخت میگردد.

۱۳۸۴، مرگبار ترین سال برای قوای ائتلاف میباشد. دولت با حمایه قوی بین المللی، نهاد های کلیدی امنیتی مانند دفتر شورای امنیت ملی، ریاست ملی امنیت و اردوی ملی را از نو اساس گذاری نموده است. برنامه خلع سلاح، ملکی سازی و اسکان مجدد، منتج به انحلال نیرو های ملیشه در افغانستان گردیده است. با وجودی که اصلاحات در وزارت امور داخله، خصوصاً اصلاحات نهاد های اداری ولایتی و ادارات عدلی تا حدی که توقع میرفت بطلی تر بوده است. در بخش های دیگر مانند تیم های بازسازی ولایتی، دست آورد های بزرگی حاصل گردیده است، ولی مسائل مربوط به همکاری های همه جانبه باید حل گردد تا فعالیت ها بیشتر با بودجه ملی وفق داده شوند.

علاوه از مسائل کلی مربوط به امنیت، موانع عمده سکتوری ذیل به منظور اصلاح استراتژی کلی سکتور امنیت مشخص گردیده اند:

امنیت توسط عوامل بیشمار سیاسی و اقتصادی تهدید میگردد. افغانستان با تهدید های بیشمار مواجه است: ناتوانی در محو فقر و چالش مصالحه و وحدت ملی و امنیت اقتصادی و اجتماعی همانند گروه های خارجی و داخلی ضد دولتی تهدید آمیز می باشند. روی این علت، پالیسی امنیت ملی ما مسائل همه جانبه امنیتی را در بر میگیرد.

سرمایه گذاری محدود به منظور نایل شدن در مبارزه با دهشت افگنی و ایجاد حاکمیت قانون. امنیت تا هنوز توسط تروریستان و سایر نیرو های ضد دولتی تهدید می شود. در بسیاری مناطق قانون شکنی باعث بی اعتباری قانون شده و ازین حالت نیرو های مسلح غیر مسؤول سود برده اند. این نیرو ها مانع قابلیت دولت به خاطر گسترش حاکمیت دولتی و حاکمیت قانون در مناطق اطراف کشور گردیده اند.

جنگ سالاران و قاچاقبران مواد مخدر در بیشتر از ۲۵ سال گذشته به زور حکومت کرده اند و ایجاد دوباره سیستم عدلی به علت عدم اصلاحاتی که باید به سطح محلی انجام گردد، مشکل به نظر میرسد.

اقتصاد مواد مخدر، مواد مخدری را تولید نمود که ارزش آن در آستانه سال ۱۳۸۳ به ۴۷ فیصد تولیدات ناخالص داخلی به جز از مواد دارویی تخمین می شد. این ماهرین برای نیرو های ضد دولتی مساعدت های مالی را فراهم مینمایند تا آنها بر ضد دولت مقاومت نمایند و همچنان نیرو های مخالف دولت را در جلوگیری از تلاش های دولت جهت گسترش نظارت قدرت قانون، تشویق می نماید.

حمایت ناکافی از نقش هماهنگی شورای امنیت ملی به مثابه نهاد مسؤول هماهنگی امنیت بین الوزارتی. بدیهی است که با تأسیس شورای ملی، صلاحیت تصمیم گیری دولت افغانستان در پهلوی پارلمان قوی، تقویت گردیده و ایجاد میکانیزم های مناسب نظارتی، یک امر حیاتی پنداشته میشود.

ثبات هماهنگ مالی: نگرانی فزاینده در بین دولت موجود است که گویا مصارف معاشات سکتور عامه برای سکتور امنیت (به طور خاص، معاشات اردوی ملی و پولیس ملی) خارج از ظرفیت و توان دولت برای دوام روند جمع آوری عواید محدود داخلی بوده و با خواست های سایر بخش های نیازمند در رقابت قرار دارد.

ایجاد یک نیرویی که انعکاس دهنده ساختار جنسیت اجتماعی (جندر) جامعه افغانی باشد، یک مسئله عمدتاً بر از چالش، به طور خاص برای پولیس ملی افغانستان و سیستم های عدلی خواهد بود. در حال حاضر، هر دو بخش خدمات با عدم موجودیت زنان مجرب مواجه اند و این مسئله باید در صورت تهیه خدمات یکسان برای هر دو بخش، رفع گردد. بر علاوه، برنامه اصلاحات اداری و خدمات ملکی به صورت مؤثر، خاصاً در وزارت های امور داخله و عدلیه صورت پذیرفته است و این مسئله باید از طریق اصلاحات اداره عامه – به حیث یک شرط قبلی برای بهبود حکومنداری سالم، حل گردد.

کمبود شدید در سرمایه موجود و منابع بشری، به طور خاص در ارتباط به ظرفیت اداری و موجودیت کارمندان مجرب در تمام ادارات مربوط به سکتور امنیت، احساس می شود.

پروسة اولویت دهی اهداف کوتاه مدت بر اهداف دراز مدت، پالیسی های بازسازی و ایجاد فضای لازم امنیتی برای انکشاف پایه دار دراز مدت اجتماعی و اقتصادی را به تأخیر انداخته است.

فساد تاریخی و معافیت مجازات در روند حکومنداری، از جمله سکتور امنیت، به خصوص به برنامه های دولت در سطح ولایات و ولسوالی ها، سرایت کرده است.

توقعات مردم در ارتباط به صلاحیت دولت بلند می باشد. شک و تردید مردم در مورد اراده ملی - سیاسی دولت مبنی بر رفع نیازمندی ها، به مرور زمان، به ساده گی میتواند به خصومت و اختلاف مبدل گردد.

عدم نظارت مردمی از سکتور امنیت توسط شورای ملی (که در حال تأسیس است)، حسابدگی و مسؤولیت نهاد های اجرایی دولت را تحت شعاع قرار داده است.

تیم های بازسازی ولایتی به صورت شایان مؤثر بوده اند، ولی بنابر تغییر ساختار های فرماندهی این تیم ها، دارای هماهنگی ضعیف بوده است. بر علاوه، در صورت نبودن همکاری های قوی ولایتی، بسیاری از فعالیت ها به صورت ناکافی با نیازمندی های انکشافی ستراتیژیک در ولایات معین وفق داده شده اند. از آنجایی که وجود تیم های بازسازی ولایتی که برای مساعدت اقتصادی وقف گردیده است از طریق بودجه ملی به مصرف نمی رسد، این وجوه از پالیسی دولت بیرون مانده است استراتیژی های عمده ما به خاطر رفع این موانع از طریق برنامه های ذیل، تحقق خواهد پذیرفت که عبارت اند از:

۱ - اصلاح سکتور امنیتی و هماهنگی ۲- دفاع ملی ۳- قانون و نظم و ۴- پاک سازی مابین.

۳,۲,۷ استراتژی سکتوری

پالیسی امنیت ملی افغانستان نشان دهنده اراده دولت برای بیرون رفت از وضعیت بی امنیتی نسبی و فقر موجود به وضعیت امنیت نسبی و سعادت می باشد. به همین گونه، این پالیسی دو عرصه استراتژیک فعالیت های داخلی را به مثابه هدف مرکزی در نظر دارد که به خاطر برآورده ساختن دیدگاه امنیتی دولت فعالیت می کنند. استراتژی ملی امنیتی که در برگیرنده تمام فعالیت های عملیاتی، امنیتی و استراتژی اصلاح سکتور امنیت ملی میباشد. و این به منظور ارتقای ظرفیت سکتور امنیتی افغانستان طرح گردیده، تا دولت بتواند فضای امنیتی خویش را بدون کمک های خارجی تنظیم نماید.

با اشاره بر موانعی چون منابع کم برای فقر زدایی و دستیابی به خدمات اساسی مانند تعلیم و تربیه و صحت، به تاریخ ۳۰ جولای سال ۲۰۰۳، رئیس جمهور کرزی اعلام داشت که " اصلاح عاجل سکتور امنیت، شرط لازم جهت بازسازی کشور بوده که والدین امروز آرزو دارند این مسئولیت را به نسل های آینده واگذار کنند." دولت افغانستان در حال بازسازی ادارات دولتی، به مقصد تأمین ثبات در آینده می باشد. شرط عمده و کلیدی به خاطر تأمین ثبات، اصلاح سریع و مستمر سکتور امنیتی می باشد. انجام این کار بصورت مجرد امکان پذیر نیست و دولت روی همین دلیل یک طرح جامع و فراگیر را به خاطر تأمین فضای انکشافی و برای رشد اقتصادی و اجتماعی اتخاذ می نماید.

دولت افغانستان به طور عموم از موفقیت های همه جانبه و روابط بین اصلاحات سکتور امنیت، امنیت پایه دار و طرز حکومتداری سالم و شرایط ثبات و رفاه اقتصادی که به منظور محو فقر و رفع سایر مشکلات اجتماعی لازم پنداشته می شود، آگاه می باشد. حکومتداری سالم و تحقق فعالیت ها بر منبای دیموکراسی ایجاب می نماید تا وزارت مالیه روند تهیه بودجه را انجام داده و تصامیم مالی را در سرتاسر سکتور عامه، از جمله سکتور امنیت، اتخاذ نماید. منحصراً یک موضوع مربوط به پالیسی، تصامیمی که به اندازه نیرو، تعیینات، اندازه معاشات و تهیه و تدارک و تخصیصات مالی ارتباط دارند، تنها باید به تعقیب بحث های شورای امنیت ملی و با صلاحیت وزارت مالیه اتخاذ گردند.

خاصاً با تاسیس شورای ملی، شورای امنیت ملی باید بحث های بین الوزارتی مبنی بر اندازه نیرو را به اساس ظرفیت جلب و جذب مالی، چارچوب های پرداخت معاشات، تعیین بست ها و ارائه بودجه های مجموعی سکتور امنیت را با بحث های دولت هماهنگ سازد. بادر نظر داشت وضعیت ضعیف مالی که دولت با آن مواجه است، حمایت دراز مدت خارجی جهت اصلاح سکتور، تأمین منابع و دوام روند انکشاف برنامه اصلاحات لازم پنداشته می شود.

در افغانستان، پالیسی ما در عرصه امنیت ملی، به بازسازی کامل ادارات موجود خویش، به سطح مرکزی و ولایتی نیاز داشته و خواستار همکاری بین ادارات و وزارت های مختلف برای تأمین تلاش های هماهنگ شده دارد. دولت در نظر دارد یک طرح واحد را جهت رفع مسائل امنیتی برنامه ریزی کند، تا اردوی ملی، پولیس

ملی افغانستان، ریاست امنیت ملی و سیستم عدلی را در بر گیرد. تنها از طریق یکجا ساختن عناصر مختلف نیرو های امنیتی و انجام روند عدلی، آینده مطمئن میتواند تأمین گردد. بنابراین، نقشی که شورای امنیت ملی در ارتباط به هماهنگی مؤثر و حسابدهی به مجلس نماینده گان جدید التأسیس ایفا نموده است، یک امر کلیدی در تحقق اهداف امنیتی ملی و نظم قانون پنداشته میشود.

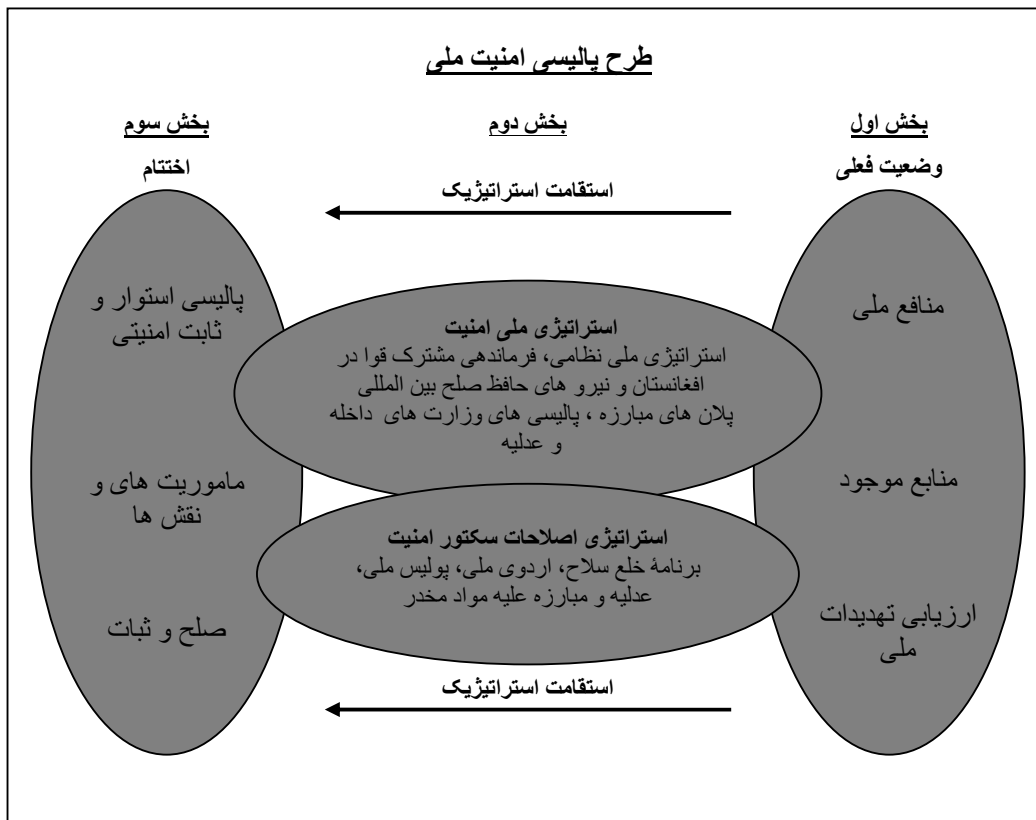
پالیسی امنیت ملی، اهداف و پالیسی های کلیدی ذیل را مشخص می نماید:

۱. دفاع از تمامیت ارضی و حریم فضایی.
۲. در هم کوبیدن تمام نیرو های دهشت افکن و انحلال گروپ های مسلح غیر قانونی.
۳. تأمین امنیت سرحدات کشور
۴. تأمین و حفظ حاکمیت قانون با حمایت پولیس ملی افغانستان.
۵. محو تجارت غیر قانونی مواد مخدر.
۶. تطهیر ماین ها و مواد منفلق ناشده.
۷. انکشاف میکانیزم ها برای انتقال اداره امنیت از جامعه بین امللی با نظارت کامل نیرو های امنیتی افغانستان، طوری که وضعیت امنیتی به صورت مداوم بهبود یابد.

پالیسی امنیت ملی

با نظر داشت شرایط مربوط به پالیسی خارجی و موانع مالی که در فوق روی آن بحث صورت گرفت، پالیسی امنیت ملی افغانستان میتواند به طور فشرده در موارد ذیل مشخص گردد: بخش اول روی شرایط فعلی و بخش دوم در مورد استراتژی هایی جهت انتقال به بخش سوم که دولت آرزومند است به آن در ارتباط به موضوع "امنیت پایه دار دولتی" دست یابد، بحث میکند.

شکل ۱،۷ طرح پالیسی امنیت ملی



پالیسی خارجی: برای دولت، نخستین خط دفاعی در برابر تهدیدات خارجی، عبارت از یک پالیسی مؤثر خارجی میباشد، که بدینوسیله نخستین خط دفاعی براساس یک سلسله تدابیر خوب همسایه گی همچنان همکاری قوی پیرامون انکشاف امنیت منطقوی و تجارت استوار میباشد. به منظور رسیدن به حد اقل تعهدات در امر عادی شدن وضع سیاسی، اصل کلیدی سیاست خارجی افغانستان عبارت از اینست که دولت افغانستان مستحق حاکمیت کامل، امنیت، ثبات، سعادت، دیموکراسی و حقوق بشر و همچنان تمام حقوق و امتیازات به حیث یک عضو سازمان ملل متحد را دارا باشد. مردم افغانستان مستحق مستفید شدن از وحدت ملی، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، مساوات و شرایط اساسی برای پیشبرد زنده گی باعزت میباشد.

استراتژی امنیت ملی: استراتژی امنیت ملی، آنعده سراتژی ها و فعالیت ها را هماهنگ میسازد که مستقیماً با امنیت ملی و بشری ارتباط داشته باشد. اینها همه مشمول پالیسی خارجی، برنامه های مشترک کمپاین قوای ائتلاف، (فرماندهی مشترک قواء در افغانستان و قوای حافظ صلح بین المللی)، برنامه های عملیاتی اردوی ملی افغانستان، فعالیت های استراتژی انکشاف ملی، استراتژی پولیس ملی افغانستان و فعالیت های سکتور عدلی میباشد. هماهنگی این فعالیت ها از طریق مجمع ملی امنیت صورت میگیرد که یک مجلس در دو ماه یکبار به ریاست رئیس جمهور و اعضا که عبارتند از وزرات خانه های ذیدخل در مسائل امنیت و فرماندهان مشترک قواء در افغانستان و قوای حافظ صلح بین المللی برگزار میگردد.

استراتژی اصلاحات سکتور امنیت ملی: استراتژی اصلاحات سکتور امنیت ملی، صورت ایجاد سکتور امنیت افغانستان را که چگونه میتواند، مسؤولیت کلی را بطور تدریجی در عرصه کلیه فعالیت های امنیت ملی به عهده بگیرد، عنوان مینماید. در جریان چهار سال گذشته، اصلاحات سکتور امنیت در پنج عرصه، ذیلاً هماهنگ گردیده است، ۱- دفاع، ۲- پولیس، ۳- اصلاحات عدلی، ۴- خلع سلاح، ملکی سازی و استقرار مجدد و ۵- مبارزه با مواد مخدر.

۴,۲,۷ هماهنگی سکتور امنیت^{۷۳}

نظارت شورای ملی: ایجاد نظارت شورای ملی و حسابدهی سکتور امنیت اصل اساسی در پروسه حکومنداری سالم و دموکراتیک محسوب میگردد. براساس قانون اساسی، شورای ملی ممکن از وزراء حساب بخواد. در حالیکه میکانیزم های جامع نظارت، ضرورت خواهد بود. یک سیستم رسمی نظارت توسط کمیته، برای هر بخش عرصه امنیت لازم پنداشته میشود. اعضای کمیته های نظارت قبل از دریافت درجه شایسته گی به خاطر مؤثر بودن شان، ممکن نیاز به آموزش در عرصه امنیت داشته باشند. کمیته های نظارت امنیت در جلسات علنی و یا غیر علنی خود با نظر داشت سطح مسایل امنیت ملی، برای شورای ملی دوباره گزارش خواهند داد.

هماهنگی ستراتیژیک ملی: شورای امنیت ملی که یک اداره افغانی است، اداره ارشد امنیتی در دولت محسوب گردیده و به سطح کابینه فعالیت مینماید. شورای امنیت ملی مسؤولیت تمام رهنمود ها و هماهنگی کلیه وزارتخانه های ذیدخل در مسائل امنیت و پالیسی های مربوط به امنیت را دارا بوده و تحت ریاست شخص رئیس جمهور فعالیت مینماید. به منظور حصول اطمینان از اینکه تمام فعالیت های فرعی امنیت با هم مرتبط باشد، شورای امنیت ملی دو کمیته مقتدر ستراتیژیک به سطح هماهنگی را که شامل نمایندگی بین المللی نیز میگردد، ایجاد نموده است: کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت و مجمع هماهنگی، که اینان به نمایندگی از شورای امنیت ملی مسؤولیت دارند تا در مورد عدم برخورد وزارتخانه ها و اینکه ابتکارات مربوطه ستراتیژیک مشترکاً به حد ممکن انجام میپذیرد، اطمینان حاصل نمایند. کمیته هماهنگ کننده اصلاحات سکتور امنیت و مجمع شورای امنیت توسط کمیته های معاونین، حمایت میشود. بعد از تشکیل، کمیته معاونین عبارت از گروه ارشد فرعی کابینه خواهد بود که وظیفه نظارت روند بین الاداروی و تشخیص مسائل حل نشده پالیسی برای کمیته اساسی را به عهده خواهد داشت. مسؤولیت های هماهنگی ملی مختص به سکتور به طور ذیل اند:

مجمع هماهنگی امنیت ملی: مجمع هماهنگی امنیت ملی به ریاست شخص رئیس جمهور و به کمک اداره امنیت ملی فعالیت مینماید. مجمع هماهنگی امنیت ملی عبارت از یک مجمع اجراییوی فعال و جوابگوی مسائل بوده و بنابر این وزراء (و یا معاونین شان) مربوطه، سفرا و فرماندهان قوای ائتلاف و نیرو های حافظ صلح بین المللی را در سهمگیری مسائل قضیه به قضیه با خود خواهد داشت. نقش مجمع هماهنگی امنیت ملی عبارت است از

^{۷۳} دولت در مورد سهمگیری مرکزی جامعه بین المللی در آجندای سکتور اصلاحات امنیتی در افغانستان کاملاً مطلع میباشد. تسلسل انتقال تعداد زیادی از عملکرد های جاری در عرصه امنیت (که تعداد زیاد شان نزد قوای ائتلاف، ناتو و آیساف باقی میماند،) با ظرفیت های داخلی دولت در امر راه اندازی این عملکردیسته گی دارد. استراتژی دولت عبارت از دست داشتن به یک نظارت روی امنیت ملی، قانون و نظم از طریق شورای امنیت ملی و وزارتخانه های مختلف سکتوری بر اساس یک مشارکت دوجانبه میباشد که روی آن موافقت صورت گرفته است.

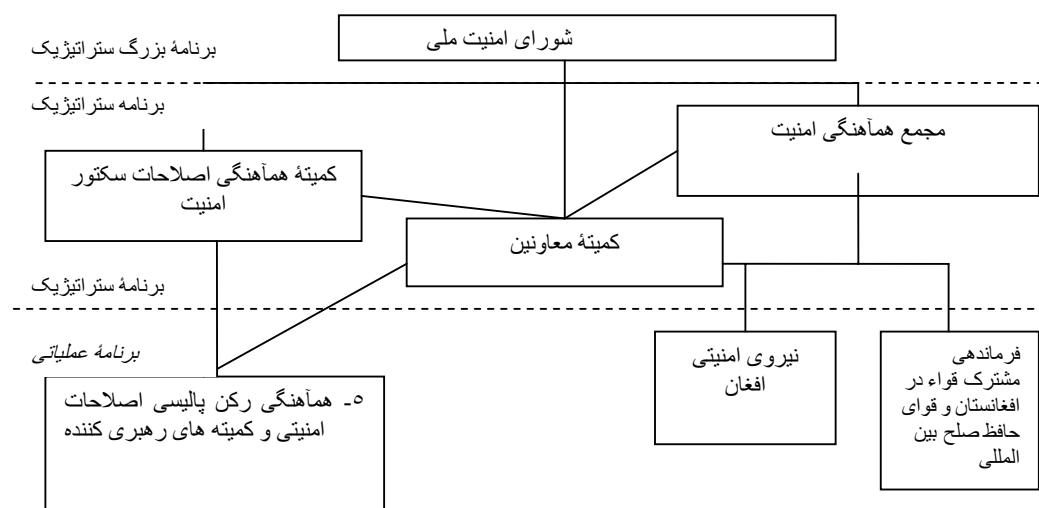
حصول اطمینان در مورد اینکه فیصله ها و رهنمود های اخذ شده و صادر شده توسط رئیس جمهور و شورای امنیت ملی در برنامه های مربوطه سازگار بوده و به وزیرای مربوطه، کشورهای پیشتاز و قوای ائتلاف و حافظ صلح بین المللی انتقال یافته بتواند و سپس به نماینده گی از وی در مشوره با شورای امنیت ملی فعالیت های عملیاتی و انتظام بحران ها را رهنمایی و هماهنگ نماید. مجمع هماهنگی امنیت ملی به طور هفته وار گرد هم می آیند. دارالانشای مجمع هماهنگی امنیت ملی توسط دفتر شورای امنیت ملی گماشته میشود که مسؤلیت صدور دعوتنامه ها و آجندا، تهیه معلومات و ثبت و صدور مسائل را که در جلسه مطرح بحث قرار گرفته باشد، در ظرف ۲۴ ساعت بعد از پایان جلسه به عهده دارد. اعضای مجمع هماهنگی شورای ملی همچنان اعضای کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت میباشند.

کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت: کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت به ریاست شخص رئیس جمهور برگزار میگردد. موصوف به مثابه رئیس کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت با انتصاب دو تن گرداننده گان فرعی مساعدت میشود: معاون امنیت ملی و نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان. قوماندانی های فرماندهی مشترک قواء در افغانستان و قوای حافظ صلح بین المللی نیز، از شرکت کننده گان اساسی این مجلس میباشند. نقش فرمانده نیرو های حافظ صلح بین المللی بعد از آنکه مسؤلیت های بیشتری را از نزد فرماندهی مشترک قواء در افغانستان عهده دار میشود، افزایش خواهد یافت. عضویت کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت شامل آمرین و روسای پنج گروه رهبری اصلاحات سکتور امنیت خواهد بود. مجالس در دفتر شورای امنیت ملی برگزار خواهد شد. مطابق به مجمع هماهنگی امنیت ملی، دارالانشای کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت توسط دفتر شورای امنیت ملی گماشته میشود و وظایف مشابهی را برای دارالانشای مشترک مجمع هماهنگی امنیت ملی اجراء خواهد کرد. هدف کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت عبارت از موزون کردن هماهنگی بین الاداروی در تمام فعالیت های مربوط به اصلاحات سکتور امنیت و انکشاف استراتژی ها و صدور رهنمود ها به منظور حصول اطمینان از مطابقت مؤثر در چارچوب پروسه بین الاداروی میباشد. کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت بطور ماهوار تشکیل جلسه خواهد داد.

کمیته معینان :

کمیته معینان، به ریاست معاون مشاور امنیت ملی فعالیت مینماید و متشکل از حد اقل معینان وزارتخانه ها که از مجمع هماهنگی امنیت ملی و کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت نمایندگی میکنند، میباشد. کمیته باید مشاهدات و نظریات بیرون از اداره را، بشمول کمیته نظارت افغانستان، فرماندهی مشترک قواء در افغانستان و قوای حافظ صلح بین المللی و اداره هیئت کمک ملل متحد برای افغانستان، دعوت نماید. کمیته معاونین دارای دو هدف است: نخست استفاده از روند بین الاداروی به منظور حصول اطمینان از فیصله های اتخاذ شده، در مجمع شورای امنیت ملی و کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت و اطمینان از آنکه به وزارتخانه های مربوطه، کشور های رهبری کننده و قوای ائتلاف انتقال یافته و به طریقه مرتبط تصویب شده است و ثانیاً تشخیص خلاء های پالیسی و انکشاف مسوده استراتژی های مناسب و مسوده برنامه به منظور پر نمودن خلاء ها برای انتقال آن برای کمیته اساسی مربوطه به منظور بحث و توافق لازم روی آن.

کمیته معاونین با تأیید کمیته اساسی به حیث بخشی از وظایف محوله، استراتژی ها، مسائل و رهنمود ها را برای کمیته های رهبری کننده و هماهنگی ترتیب نموده و فعالیت ها را در پنج رکن اصلاحات سکتور امنیت و سایر کمیته های هماهنگی پالیسی و رهبری کننده طوری که مناسب پنداشته میشود و توسط کمیته مربوطه تصویب شده باشد، توسعه می دهد. علاوه بر این، کمیته معاونین به ویژه مسؤولیت انکشاف و تطبیق برنامه ها را برای موارد ذیل، به عهده دارد: برنامه های آموزشی بین الاداروی؛ بررسی دوره پی پالیسی و طرز العمل های بین الاداروی؛ یک ارزیابی سیستماتیک و دوره پی وظایف و مسؤولیت های دفتر شورای امنیت ملی؛ برنامه ریزی احتمالی واکنش در برابر بحران بین الاداروی و تمرینات آموزشی بین الاداروی.



هماهنگی عملیاتی اصلاحات سکتور امنیت: اصلاحات سکتور امنیت توسط یک تعداد کمیته های هماهنگی پالیسی و رهبری کننده، نظارت و هماهنگ خواهد شد. اینها همه از قبل وجود دارند و بر اساس رهنمود کمیته معاونین تشکیل جلسه نموده و توسط رهبری به سطح معاونین از وزارتخانه های مربوط و نماینده گان کشور های پیشنهادی راه اندازی میگردد. هدف کمیته های هماهنگی پالیسی و رهبری کننده عبارت از هماهنگی کلیه فعالیت ها در چارچوب مسؤولیت های شان میباشد که استراتژی ها را انکشاف داده و رهنمود ها را صادر نمایند تا در مورد ارتباط مؤثر و دست یافتن به اهداف ستراتیژیک، طوریکه توسط کمیته هماهنگی اصلاحات سکتور امنیت و مجمع شورای امنیت ملی از طریق کمیته معاونین هدایت داده شده است، اطمینان حاصل گردد.

به منظور تأمین برنامه کلی اصلاحات سکتور امنیت و به خاطر نیل به اهداف عمومی ملی، چهار برنامه فرعی ذیل، رشد داده شده اند:

۱- دفاع ملی:

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

۱. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، با حمایت و همکاری نزدیک حکومت افغانستان، نیروهای بین المللی کمک به امنیت (آیساف) به رهبری ناتو، عملیات آزادی مداوم (او، ای، ایف) و تیم های بازسازی ولایتی (پی. آر. تی)، امنیت و ثبات بیشتر را در تمام مناطق افغانستان - از جمله، از طریق تقویت نیروهای افغانی - تأمین خواهند نمود.
۲. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، یک اردوی ملی قابل احترام به مردم و مسلکی - که از لحاظ قومی متوازن باشد - ایجاد و اکمال میگردد. این اردو باید به صورت دیموکراتیک حسابه، منظم و آموزش دیده، جهت برآوردن نیازمندی های امنیتی کشور مجهز بوده و به طور فزاینده از عواید حکومت تمویل گردد و با ظرفیت اقتصاد کشور متناسب باشد. جامعه بین المللی به منظور انکشاف اردوی ملی افغانستان به ۷۰۰۰۰ تن - آن چنان که در مذاکرات بُن روی آن بحث صورت گرفت - به کمکهای خود به افغانستان ادامه خواهد داد. شیوه انکشاف طوری تنظیم میگردد که براساس ارزیابی های مشترک، استوار بر کیفیت و زمان خدمت باشد که توسط حکومت افغانستان و جامعه بین المللی در رابطه با معیار های موافقه شده در شرایط موجود، در نظر گرفته میشود.

دولت، به همکاری جامعه بین المللی، یک اردوی ملی کاملاً متشکل و فعال تا ۷۰۰۰۰ تن را ایجاد خواهد نمود تا نیازمندی های امنیتی کشور را مرفوع نموده و از لحاظ مالی پایه دار باشد. هدف عبارت از ایجاد یک اردوی ملی افغان است که از لحاظ قومی متوازن، از لحاظ ملی آشنا، آموزش دیده و مجهز، مسلکی، قادر به مرفوع نمودن نیازمندی های امنیتی کشور، وفادار به قانون اساسی و دولت و به طور فزاینده از لحاظ مالی پایه دار باشد.

رئیس جمهور به حیث فرمانده از طریق وزیر دفاع، که خود یک فرد غیر نظامی میباشد، رئیس عمومی لوی درستیز افراد را که به نوبه خود برای اردوی ملی افغانستان فرمان صادر میکند، رهنمایی مینماید. وزارت دفاع، کمیته های هماهنگی پالیسی و رهبری کننده، جامعه بین المللی و روند عرصه اصلاحات امنیتی را یاری میرساند. به منظور همگونی با پالیسی امنیت ملی و دست یافتن به بهترین طرق عملیاتی، وزارت دفاع عملکرد های خویش را تحت صلاحیت وزیر در چوکات یک اداره اجرایی وزارت که توسط دو دفتر جداگانه متمم همدیگر؛ دفتر مرکزی وزارت دفاع عمدتاً دخیل در پالیسی و دفتر لوی درستیز که مسؤولیت فرماندهی عملیات را به عهده دارد، ساختار مجدد نموده است. دفتر اجرایی اداره مرکزی اوامر را دریافت خواهد نمود و تمام عملکرد ها و وظایف کارمندان را بین دفتر مرکزی وزارت دفاع و دفتر مرکزی پرسونل هماهنگ خواهد کرد. تشریک غیررسمی، معلومات و هماهنگی مستقیم بین دفاتر و ریاست ها در چوکات هر دفتر مرکزی تشویق گردیده و آرزو برده میشود تا اردوی ملی افغانستان، پولیس ملی افغانستان را در عملیات داخلی امنیتی و در مرز های افغانستان کمک کند. نقش های کلیدی وزارت دفاع عبارتند از ۱- محفوظ نگهداشتن مرز ها و دفع تهدیدات خارجی، ۲- در هم کوبیدن نیرو های تروریستی ۳- انحلال، ادغام مجدد و یا محبوس ساختن گروه های مسلح غیر قانونی و ۴- اداره تهدید های امنیت داخلی و حالات عاجل در همکاری با پولیس ملی افغانستان.

۲- امنیت داخلی و انفاذ قانون:

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، پولیس ملی و پولیس سرحدی افغانستان با تشکیل کامل، مسلکی، کارا و از لحاظ قومی متوازن، مرکب از حداکثر ۶۲۰۰۰ تن که به صورت مؤثر قادر به بر آورده ساختن نیازهای امنیتی کشور باشد و از نظر مالی تداوم خواهد داشت، به میان خواهد آمد.

دولت یک نیروی ۶۲۰۰۰ نفری کاملاً متشکل و کاری پولیس ملی افغانستان را که جوابگوی مؤثر ضروریات امنیتی کشور باشد، ایجاد خواهد کرد که از لحاظ مالی به طور فزاینده پایه دار باشد. وزارت امورداخله (به شمول پولیس ملی) در نظر دارد تا حاکمیت و ضروریات امنیتی کشور را از طریق انکشاف نیروی پولیس ملی مسلکی، شایسته، تعلیم یافته، با احترام به حقوق بشر و از لحاظ قومی متوازن، که به مرور زمان از لحاظ مالی هم پایه دار خواهد شد، تکمیل سازد. تحقق پروسه های حاکمیت سالم، بهترین طرز العمل هارا از مرکز گرفته تا سطح ولسوالی های دولت، تأمین میکند. وزارت امور داخله به همکاری با جامعه بین المللی ادامه خواهد داد تا ظرفیت و عملکرد پولیس ملی و پولیس سرحدی افغانستان را ارتقاء بخشیده و سعی میکند تا انکشاف آینده این نیرو را متکی به پوشش مالی دست داشته کشور، بسازد. وزارت امور داخله خدمات حاکمیت قانون را به سطح ملی فراهم میکند و ادارت محلی را در تمام ولایات و ولسوالی ها، در سر تا سر افغانستان اداره مینماید.

پالیسی های مقدماتی وزیر داخله قرار ذیل اند: ۱- انحلال گروه های مسلح غیر قانونی، به خاطر تأمین گسترش حاکمیت قانون ۲- محو تهدیدات شورشیان و ادامه مبارزه با مواد مخدر ۳- ارتقای تشکیلات قانونی و حکومتی در سطح ولایات و ولسوالی ها. ۴- حمایت از پروسه های عدلی و محابس. ۴- حمایت از استراتیژی های مبارزه با مواد مخدر و ۶- تفهیم مردم در مورد وظایف و اهداف پولیس ملی و حقوق شهر وندان.

پالیسی های کلیدی که از جانب پالیسی امنیت ملی بیان شده عبارت اند از: ۱- تقویت حاکمیت قانون. ۲- مبارزه با تروریسم ۳- تحقیق فساد و جنایت ۳- مبارزه با مخدرات غیر قانونی ۴- انحلال گروه های مسلح غیر قانونی ۶- تأمین حقوق بشر و برابری جنسیت اجتماعی (جندر) ۷- مبارزه با فرقه گرایی و قوم پرستی، به منظور ایجاد یک نیروی پولیس ملی ۸- ارتقای اعتماد مردم بر اردوی ملی افغانستان و توانایی پولیس به خاطر تضمین دست یابی مردم به عدالت و حقوق مردم در رابطه به پولیس. بسیاری از این نقش ها به حمایت و کمک مؤسسات همکار -چه داخلی وچه خارجی- برای رسیدن به اهداف، نیاز خواهد داشت. بر اساس پالیسی امنیت ملی، پولیس سرحدی افغانستان مسئول میباشد تا برای حفظ و مراقبت سرحدات و تأمین امنیت کشور، نظارت قاچاق مردم در سرحد، به شمول مهاجرت کردن و مهاجر شدن، نظارت از نقاط عبوری سرحد برای تجارت (در همدستی باکارکنان گمرکات و پولیس گمرکات)، امنیت سرحد در مقابل تهاجمات

کوچک گرو هایی که در تقلاي داخل شدن غير قانوني در افغانستان، به قصد تخلف از قانون افغانستان و يا ديگر اعمال خراب کارانه، و فراهم آوري حمايت به ادارات دولتي ديگر بايد عمل کند تا در پشتيباني از عمليات مبارزه برضد مواد مخدر و عمليات مبارزه برضد تروريزم سهيم شوند.

استراتيژي سرتاسري از طريق مسائل ذيل تأمين خواهد شد : ۱- اصلاح شکل فرماندهي وزارت امور داخله ۲- اصلاح تشکيلات اداره محلي دولتي وزارت امور داخله ۳- به کار گماري بخش هاي تقنيني در وزارت امور داخله ۴- تربيه و تجهيز پوليس ملي، به خاطر ايجاد تشکيل مکمل کارمندان ۵- مرحله يي ساختن صندوق وجهي نظم و قانون طوري که تمام پرداخت ها در داخل طرز العمل هاي بودجه عادي دولت کاملاً مدغم باشد ۶- فعاليت هاي پوليسي برضد جنايت با حمايت اردوي ملي افغانستان در سرحدات کشور. در مناطق سرحدی افغانستان، اردوي ملي افغانستان مسؤليت دارد تا از پوليس سرحدی افغانستان در حالات عاجل حمايت نموده و براي پذيرفتن قو مانده سرحدی آماده باشد.

۳- انحلال گروه هاي مسلح غير قانوني :

معيار هاي ستراتيژيک پنج ساله دولت

تمام گروه هاي مسلح غير قانوني تا پايان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ ميلادي) در تمام ولايات منحل خواهند شد.

تخمين زده ميشود، که حد اقل ۱۸۰۰ گروه مسلح غير قانوني با داشتن تقريباً ۱۲۵۰۰۰ نيرو وجود دارند، که تابه حال به دولت بيعت نکرده اند. روند خلع سلاح، ملکی سازی و ادغام مجدد برضد آن عده نيروهاي مليشه، که به حکومت مرکزي بيعت نموده و به همين لحاظ به خود صورت قانوني مقاومت داده بودند، هدف قرار گرفته بود. موجوديت هرج و مرج ذاتي اين گروه هاي مسلح غير قانوني، تهديد نسبتاً بزرگتری را به صلح و ثبات افغانستان ايجاد ميکند. بسياري از اين گروه هاي مسلح غير قانوني و افراد مسلح ديگر، به صورت جدی در فعاليت هاي مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و تخطی از حقوق بشر دست دارند. اين اوضاع شرايط لازمه و اساسي را برای امنيت مردم تحت شعاع قرار داده و بهبودی اقتصاد را با محدود ساختن توانايی جمع آوري عايدات دولت، واژگون ميسازد.

مقصد روند انحلال نيرو هاي مسلح غير قانوني (داياگ) اينست تا آن عده از گروههاي تشکيل شده غير قانوني را که امنيت مردم و حاکميت قانون را تهديد ميکنند، منحل سازد، تا یک محيط امن و با ثبات را ايجاد کند، محيطی که در آن سرمايه گذاران افغانی و بين المللی، آینده سعادت مند افغانستان را متعهد خواهند شد. دولت افغانستان زمانی اعلام امنیت خواهد نمود که هدف نهايي برآورده شده و تصور شود که ظرفيت ها در دولت افغانستان موجود است. معيار هاي قابل اندازه گيري شامل تمام گروه هاي مسلح غير قانوني ميباشد که تا پايان سال ۱۳۸۶ خلع سلاح خواهند شد.

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده (ام. دی. جی) و تعهدات افغانستان به میثاق اوتاوا، اراضی آلوده به ماین ها و مواد منفجر ناشده تا ۷۰ فیصد کاهش خواهد یافت. محل تمام ماین های ذخیره شده ضد پرسونل تا سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تثبیت و منهدم خواهد شد. همچنان تمام مهمات غیر مصون، غیر قابل ترمیم و اضافی، تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تخریب خواهند گردید.

علاوه بر پیشرفت هایی که توسط گروپ های ماین پاکی در ۱۵ سال اخیر صورت گرفته است، افغانستان هنوز پر از ماین ها و مواد منفلق ناشده میباشد. این آلوده گی با داشتن تأثیرات ویرانگر بر زنده گی انسان و امرار حیات ادامه می یابد. پاکسازی مناطق مسکونی، مزارع، سرک ها و دیگر ساحات که در اولویت عالی قرار دارند، تنها معنی اینرا نمیدهد، که مصوونیت مادی افغان ها را تأمین میکند، بلکه یکی از شرایط اصلی برای رسیدن به اهداف ملی بشری، ساختمانی، انکشاف و حقوق بشر نیز میباشد و به همین ترتیب صلح پایه دار همراه با امنیت و سعادت را برای همه را به ارمغان می آورد. ماین ها و مواد منفلق ناشده در حدود ۴,۲ میلیون افغان هایی را که در یکی از ۲۳۶۸ ساحة ماین دارد زندگی میکنند، متأثر میسازد. ماین ها و مواد منفلق ناشده به صورت اوسط در حدود ۱۰۰ نفر را در هر ماه زخمی ساخته و یا از بین میبرد.

در ۱۰ حوت سال ۱۳۸۲، افغانستان عضویت کنوانسیون منع استفاده، ذخیره، تولید و انتقال ماین های ضد پرسونل و انهدام آنها (معاهده تحریم ماین ضد پرسونل) را کسب نمود. افغانستان متعهد شده است، تا یک تحریم کامل را بر ماین های ضد پرسونل، از طریق اجرای یک چارچوب مرحله یی برای تطهیر ماین، ایجاد کند. این چارچوب در ظرف (۱۰) سال پاک سازی ماین های ضد افراد، محو تمام ذخایر ماین های ضد افراد، فراهم نمودن تعلیمات خطر ماین، کمک به کسانیکه از ماین جان به سلامت برده اند و ملاقات و گزارش از احتیاجات آنان را در بر دارد. این چارچوب در برنامه تطهیر ماین ها برای برنامه سرمایه گذاری عامه افغانستان گنجانیده شده است. (۱۳۸۴-۱۳۸۷)

۳,۷ سکتور دوم: حکومتداری سالم و حاکمیت قانون

۱,۳,۷ نظر اجمالی

حاکمیت قانون، اساسی برای مشروعیت دولت، تحفظ حقوق شهروندان و اقتصاد بازار رقابتی میباشد. حاکمیت قانون برای مبارزه با فساد اداری و محدود ساختن اقتصاد غیر قانونی مواد مخدر نیز،

^{۷۴} برای بار اول، در سال های (۱۳۵۸ - ۱۳۶۸) از ماین ها در زمان اشغال اتحاد شوروی استفاده صورت گرفت. لوٹ ماین ها در سال های (۱۳۶۸ - ۱۳۷۱) در هنگام حکومت طرفدار اتحاد شوروی، در سال های (۱۳۷۱ - ۱۳۷۴) در جریان جنگ های تنظیمی، و در سال های (۱۳۷۵ - سنبله ۱۳۷۹) در دوره طالبان در هنگام نبرد میان طالبان و جبهه مقاومت ادامه داشته. از آغاز میزان ۱۳۸۰ در نتیجه عملیات نظامی، وقوع بعضی از آلوده گی ها ادامه دارد.

ضروری می‌باشد. تمام افغانها باید به سیستم عدلی که در ضمانت دولت است، دسترسی داشته باشند. یک سیستم فعال عدلی جزء ترکیب کننده ضروری در ارتباط با گذشته پر از خشونت و اعمار فردای مصئون و خوشبخت است. یک سیستم قضایی مستقل و حاکمیت قانون حسابه، حقوق بشر را مورد حمایت قرار خواهد داد و مصئونیت حقوقی، برای تمام افغانها تضمین خواهد گردید. گروه های آسیب پذیر اجتماعی، شامل زنان، کودکان و مستمندان در مقابل استبداد، بی قانونی و فساد، که حکام دولتی و غیر دولتی را صورت می گیرد، بیشتر در معرض خطر قرار دارند. انفاذ حقوق ملکیت، قرارداد ها و قوانین خدمات مالی، سرمایه گذاری مستقیم را کمک نموده و به مردمان غریب توانایی آنها خواهد بخشید تا منابع خود را تقویت بخشیده و اهداف اقتصادی شانرا افزایش دهند. گذار از سکتور غیر رسمی به اقتصاد رسمی به پذیرش و انفاذ حاکمیت قانون ارتباط دارد. در حال حاضر، محاکم سنتی، خلای محاکم دولتی را تکمیل مینماید ولی اکثرأ در تضاد با دین اسلام، قانون اساسی، قانون نافذ دولت و حقوق بشر می‌باشد. رهبری ساحات محلی و دسترسی به شوراها و جرگه ها، میتواند تا سیستم همه جانبه عدلی را تقویت بخشد. رهبران مذهبی میتوانند در تشکل افکار عامه، تفاهم مهم مسائل اجتماعی - منجمله مبارزه با مواد مخدر، مبارزه برضد فساد و ارتشاء ازدواج های اجباری و تعلیم و تربیه دختران، مفید واقع گردند.

صلح و رفاه پایه دار در افغانستان نیاز به ساختارهای حکومتداری حسابه، شفاف، مؤثر و اسلامی دارد. یک شورای ملی فعال بخش های اجرایی و قضایی قدرت را تکمیل و متوازن خواهد ساخت و همچنان تصمیم گیری ملی را به مردم ارتباط خواهد داد. قانون اساسی برای شورای ملی صلاحیت های مهم در رابطه به وظیفه دولت و انکشاف کشور را داده است. بدون کمکهای درست، یک شورای ملی بی تجربه مردم را عوض اینکه به دولت نزدیک تر سازد، می تواند آنها را از دولت شان دور سازد. حکومتداری سالم و عرضه مؤثر خدمات عامه، نیاز به عصری سازی و تقویت موسسات دولتی در تمام سطوح دارد. معرفی سیستم استخدام بر اساس شایسته گی و اجرای کار، در حساب دهی مسئولین تجدید معیار معاشات کمک کرده که این دو امر روحیه کارمندان ملکی را بلند برده و آنها را در برابر فساد اداری کمتر آسیب پذیر میسازند. ارتقای سطح استخدام زنان و اقلیت های قومی منعکس کننده ترکیب تمام مردم افغانستان در دولت می‌باشد.

هدف ما عبارت از ایجاد مؤسسات اساسی دولتی و کاربرد حکومتداری دموکراتیک در سطح مرکز و ولایات، برای انکشاف فزاینده بشری در اواخر دوره ریاست جمهوری و ولسی جرگه می‌باشد.

۲,۳,۷ شرایط و موانع

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، بنیه حقوقی برای حکومتداری و تأمین حقوق بشر را در افغانستان، فراهم مینماید. با ایجاد هر دو مجلس شورای ملی و تعیین ستره محکمه جدید، سی روز بعد از برگزاری مجلس ولسی جرگه^{۷۰}، نهاد های اصولی سه بخش قانون اساسی دولت، ایجاد میگردد.

^{۷۰} ماده ۱۶۱

گذشته این کشور باعث گردیده است تا افغانستان بدون ساختار فعال دولتی به خاطر حفاظت و عرضه خدمات برای، باقی بماند. دولت صرف مرحله انتقال نفوذ زورگویی را به سوی نهاد های قضایی آغاز نموده است. بسیاری از ولسوالیها و ولایات هنوز هم تحت نفوذ گروه های مسلح غیر قانونی قرار دارند. بنابر عدم دسترسی به خدمات قضایی دولت، صرف در حدود ۱۰ فیصد مسائل حقوقی از سوی خدمات قضایی دولت^{۷۶} مورد اجراء قرار میگیرد. حقوق بشر و حقوق مدنی که از سوی قانون اساسی، قوانین نافذه دولت و پیمانهای بین المللی برای مردم افغانستان تقویض گردیده، اکثراً نقض میگردد.

عقیده مردم به دین مبین اسلام و آگاهی نسبتاً وسیع ایشان پیرامون شئون اسلامی که اساس اکثریت سیستم حقوقی ما را تشکیل میدهد، بنیادی را جهت ایجاد مؤسسات حکومتی و احترام به حقوق بشر فراهم مینماید؛ اما ایجاد ساختار فعال ملی که افغانستان را قادر سازد ویا از لحاظ قانون اساسی "موقف مشروع خود را در جامعه بین المللی مجدداً به دست آرد"^{۷۷} کاری است که سالهای متمادی را خارج از حدود استراتژی انکشاف ملی افغانستان در برخواهد گرفت. دولت به منظور نیل به این هدف، کار ایجاد چارچوب اساسی حقوقی ملت و اصلاح اداره عامه، آنرا بطور بطنی به پیش میبرد. باوجود این امر، هنوز هم تعدادی از چالش ها در این راستا وجود دارد که باید رفع گردند.

علاوه بر موانعی که در فصل پنجم شناسائی شده، موانع مشخص سکتوری ذیل وجود دارند:

سیستم های شورای ملی، به شمول چارچوب اساسی قانونی و طرز العمل ها در مرحله ابتدایی انکشاف قرار دارند. قوانین مربوط به طرز العمل ها تسوید شده، اما تا هنوز تصویب نگردیده است. میکانیزم ارتباط متقابل بین قوه اجرائیه و مقننه و همچنان بین ولسی جرگه و مشرانو جرگه باید واضح گردد. علاوه براین، اعضای شورای ملی فاقد تجربه میباشند. دولت منتخب هنوز هم برای افغانستان تازه است. نماینده گان در مورد وظایف، مسؤولیت ها و صلاحیت های شان و همچنان در مورد عملکرد وسیع قوه مقننه به آشنایی نیاز دارند. فهم قوانین پارلمانی مربوط به طرز العمل ها وقت زیادی را در بر خواهد گرفت که مشابه به آن، انکشاف مهارت ها برای تسوید قانون نیز به وقت زیادی نیاز خواهد داشت.

سکتور عدلی ضعیف میباشد. عدم موجودیت امنیت، چارچوب ضعیف حقوقی تنظیم کننده و نهادی، اداره نا مناسب، معاشات ناکافی و دانش ناکافی حقوقی و قضایی و مهارت ها، به حیث مانع در برابر اصلاحات سیستم عدلی و ایجاد حاکمیت قانون تبارز مینمایند. بی امنیتی - به ویژه در ولایات - دسترسی به عدالت و تطبیق تصامیم محکمه را محدود میسازد. تطبیق و تنفیذ عدالت شدیداً متأثر گردیده است، چون هنوز دولت نظارت کامل سیاسی و نظامی در قلمرو کشور ندارد. کارمندان عدلی از حفاظت امنیتی برخوردار نیستند. در بسیاری از مناطق استخدام و استوار کارمندان شایسته ناممکن میباشد. بدون تأمین امنیت، کارمندان عدلی و

^{۷۶} عدالت برای همه پراگراف ۱۴

^{۷۷} قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، پراگراف ۱۱.

شهروندان که به منظور اعاده مسائل حقوقی تلاش می‌ورزند، مورد فشار خارجی و تهدید قرار می‌گیرند. معافیت عاملین دولتی و غیر دولتی از مجازات، و فروش تصامیم دلخواه به کسی که پول بیشتر بدهد، امنیت شهروندان و اعتماد ایشان را در سیستم عدلی، شدیداً تحت الشعاع قرار می‌دهد.

آموزش علوم دینی تقلیل یافته و مراکز علوم دینی تخریب گردیده اند. سرکوبی علمای افغانستان در زمان رژیم کمونیستی و انزوای ایشان از علوم اسلامی پیشرفته در جریان جنگ، باعث گردید تا علمای دینی نتوانند از علوم اسلامی پیشرفته برخوردار گردند. تعداد و کیفیت مؤسسات آموزشی برای علمای دینی و ملاها در افغانستان غیر کافی می‌باشد. فاکولته های شرعیات در پوهنتونها نادیده گرفته شده که این امر باعث ضیاع دانش گردیده است.

تعهدات متفاوت در مالکیت و رهبری اصلاح اداره عامه در سرتاسر دولت وجود دارد. اصلاحات اداره عامه باعث تنش در داخل وزارتخانه ها گردیده است. این تنش تا یک حدی بنابر فهم ضعیف نیازمندی و نتایج پروسه اصلاحات اداره عامه، و تا حدودی هم بنابر تنش در نبود پشتیبانی توسط ایجاد خدمات ملکی منحصر به قانون بمیان آمده است. اصلاحات بی تناسب که تحت روند اصلاحات اولویت و ساختار مجدد آغاز گردیده است، صرف بهبود قسمی در اجرای امور- بنابر تنوع در تطبیق برنامه های ساختار مجدد را - عرضه نموده است. به منظور استخدام و نگهداشت کارمندان شایسته دولتی و مبارزه برضد فساد اداری نیاز به افزایش در معاشات کارمندان دولتی احساس می‌گردد؛ باوجود اینهم، بهبود در معاشات سکتور دولتی، حین نگهداشت تداوم مالی کار، بس دشوار خواهد بود.

یک وضعیت فراگیر معافیت از مجازات، بنابر عدم موجودیت حاکمیت قانون، نظارت، تعقیب قانونی ویا مراحل قضایی وجود دارد. تعبیر حقوقی بحث برانگیز پیرامون تجاوز جنسی، بدرفتاری خانوادگی و سن ازدواج، جبران تخطی ها را دشوارتر می‌سازد. فقدان دسترسی به سیستم قانونی برای زنان و بعضی اقلیت های قومی، تشدید شده است که در بسیاری از حالات جبران، نقض حقوق برای این قشر دشوار تر گردیده است.

۳,۳,۷ استراتژی

هدف مذکور برای سکتور های حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر از طریق استراتژی مبتنی بر پنج برنامه حمایتی مرتبط و متقابل، تحقق خواهد یافت. از طریق این استراتژی، دولت حاکمیت قانون و مؤسسات عدلی را در هر ولایت افغانستان تقویت خواهد نمود. علما و مؤسسات دینی نقش مرکزی را در بهبود اساسات حکومتداری سالم و مشارکت مردم در تصامیم دولتی ایفاء مینمایند. شورای ملی به طور فزاینده از قدرت بیشتر برخوردار خواهد گردید تا منحصی نظارت کننده. قوای اجراییه و قضاییه، عمل نماید و در ضمن نظریات موکلان را در سطح کشور بیان مینماید. برنامه عامه اصلاحات اداری ما، خدمات ملکی و

مؤسسات خدمات عامه ملی را به نهادهای بیشتر مؤثر و حساسه مبدل خواهد ساخت. آماده گی به خاطر تأمین و انکشاف حقوق بشر و حقوق زنان به طور فزاینده در سرتاسر دولت اتخاذ خواهد گردید.

به طور مشخص، برنامه ها تحت سکتور های حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر مشمول مسائل ذیل میگردند:

۱- برنامه تقویت شورای ملی:

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

۱. برای شورای ملی تا اواسط ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) حمایت کافی اداری و تخنیکی فراهم خواهد گردید تا وظایفی را که قانون اساسی به این شورا محول کرده است، طور مؤثر ایفا نماید.
۲. کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان که دارای صلاحیت کامل، ظرفیت و منابع لازم خواهد بود، باید تا پایان سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در موقفی باشد که بتواند انتخابات را به شیوه دوامدار از لحاظ مالی راه اندازی نماید. حکومت افغانستان مصارف انتخابات آینده را تا حد امکان، از منابع خود تهیه خواهد نمود. فهرست دایمی ثبت احوال ملکی و فهرست رای دهنده گان همراه با سند واحد هویت ملی تا پایان سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) آماده خواهد شد.

صلاحیت هایی که برای شورای ملی تفویض گردیده، تأثیر مستقیم بر فعالیت دولت، از جمله تصویب بودجه و ترویج قانون، دارد. هدف دولت این است تا ظرفیت شورای ملی را جهت ایفای نقشش به مثابه موسسه عمده تقنینی تقویت نماید، بر قوه اجراییه و قضاییه منحیث نظارت کننده مسئول عمل نماید، اعضای شورای ملی را در نمایندگی کردن آروزهای اقتصادی و اجتماعی شان کمک نماید، و برنامه تقنینی اصلاحی را تهیه نماید تا اساسی را برای فقر زدایی و رشد اقتصاد، پایه گذاری کند. دولت از راهکار انسجام کمکها با شورای ملی که از سوی مراجع تمویل کننده صورت میگیرد، نظارت به عمل خواهد آورد. دولت در حال تهیه وسایل ضروری فزینی و مخابراتی برای شورای ملی میباشد. اعمار تعمیر شورای ملی تقریباً به پایه اكمال رسیده است. دارالانشای شورای ملی انکشاف مدیریت های وظیفوی را کمک خواهد نمود و طبق قوانین و اسناد قبلی و نمونه های بین المللی و با همکاری کارشناسان بین المللی، مسئولیت های اساسی شورای ملی را تسوید خواهد نمود. دارالانشاء همچنان در عرصه توسعه مقررده ها برای فعالیت ها، ثبت و امنیت شورای ملی کمک خواهد نمود و اطمینان حاصل خواهد کرد تا تمام کارمندان و اعضای آن از این قوانین آگاهی حاصل نموده و آموزش ببینند. دارالانشاء مقررده ها و اسناد را به منظور ایجاد آرشیف از دوره قبلی پارلمان جمع آوری خواهد نمود. دولت زمینه آموزش اعضای شورای ملی و کارمندان را غرض اجرای وظایف شان، مساعد خواهد نمود.

۲- برنامه عدالت و حاکمیت قانون

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

۱. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، چارچوب حقوقی مورد ضرورت مطابق احکام قانون اساسی، به شمول قانون مدنی، جنایی و تجاری ایجاد خواهد گردید و برای تمام نهاد های قضایی و تقنینی توزیع و به دسترس کافه ملت قرار خواهد گرفت.
۲. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، نهاد های عدلی مسئول در تمام ولایات افغانستان کاملاً فعال گردیده، و اوسط میعاد برای حل منازعات ناشی از قراردادها بین افراد، تا حد ممکن کاهش خواهد یافت.
۳. بررسی و اصلاح طرز العمل های نظارتی مربوط به فساد اداری، عدم موجودیت پروسه عدلی مناسب و سوء اجرای عدالت، در پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) آغاز و تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، به طور کامل تطبیق خواهد گردید. این اصلاحات، مسلکی بودن، اعتبار و اصالت نهاد های کلیدی نظام عدلی (وزارت عدلیه، قضا، لوی څارنوالی، وزارت امور داخله و ریاست امنیت ملی) را تقویت خواهد بخشید.
۴. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، زیربنای سکتور عدلی احیا خواهد شد و در زندانها برای زنان و نوجوانان محابس جداگانه فراهم خواهد گردید.
۵. روند ثبت زمین در تمام واحد های اداری و ثبت حقوق مالکیت در تمام ساحات عمده شهری، تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) و تا سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در مناطق دیگر آغاز خواهد گردید. یک نظام عادلانه، برای حل منازعات زمین تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد خواهد شد. ثبت زمین های دهات در پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) روی دست گرفته میشود.

عدالت و حاکمیت قانون اساسی را برای دولت مشروع، حفظ حقوق شهروندان، انکشاف اقتصاد بازار آزاد، مبارزه علیه فساد اداری و امحای اقتصاد مواد مخدر پایه گذاری مینماید. هدف دولت این است تا یک سیستم قضایی پایه دار و قابل استطاعت را ایجاد نماید که در اختیار تمام افغانها قرار داشته و قابل پذیرش آنها باشد و منحصث موسسه مشروع، جهت دسترسی به عدالت و حل مناقشات در مطابقت با معیارهای بین المللی عمل نماید. دولت تلاش خواهد نمود تا چارچوب اساسی حقوقی افغانستان را اصلاح نماید. در سرتاسر بخش قضایی، دولت مهارت های مسلکی را تقویت خواهد بخشید و معیار ها را از طریق اصلاح اداری و آموزش مهارت ها، تطبیق خواهد نمود. موسسات قضایی دایمی، ساختار مجدد خواهند گردید و رسالت ها و خط مشی ایشان مشخص خواهد شد. دولت از طریق امکانات چند جانبه، شرایط حد اقل زیربنایی را در کوتاه مدت (ساختمانهای دولتی در بر گیرنده دفاتر مختلف در یک محل) برآورده خواهد ساخت که توجه خاص در آن، به نیازمندی های زنان و کودکان مبذول خواهد گردید. دولت همچنان هماهنگی را جهت انکشاف اجزای مختلف سکتور قضایی و امنیتی، بهبود خواهد بخشید. وزارت عدلیه نقش رسمی و غیر رسمی میکانیسم های قضایی را رسمی خواهد ساخت و همچنان قانونی بودن و مؤثریت آنرا بهبود خواهد بخشید. موسسات قضایی دایمی باید خدمات قابل پذیرش سکتور قضایی را فراهم نمایند که توجه بیشتر باید بالای قشر آسیب پذیر و مردمی که از لحاظ جغرافیایی در مناطق دور دست زنده گی مینمایند، صورت گیرد. ما از طریق کمپاین سرتاسری در

کشور و افزایش شفافیت در تصمیم محاکم، سطح آگاهی عامه و اعتماد را در سیستم قضایی، بهبود خواهیم بخشید.

۳- برنامه امور مذهبی:

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

۱. حصول اطمینان در مورد اینکه نهاد ها و علمای دینی اعم از مردان و زنان، به صورت منظم در مسایل مربوط به پالیسی انکشاف سهم می گیرند.
۲. انجام اقدامات ملموس غرض اطمینان از اینکه موقف و مشارکت زنان در فعالیتهای اسلامی، چه در سطح داخلی و چه در سطح بین المللی، افزایش پیدا کند.

هدف دولت این است تا اطمینان حاصل نماید که تمام افغانها در زنده گی مذهبی، به طور یکسان سهم میگیرند و علوم اسلامی نظر به اجندای انکشاف کشور، موسسات حکومتداری و چارچوب حقوقی مشورت گردد تا باشد که پیشرفت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ما با ارزشهای اسلامی در مطابقت باشد. دولت زیربنای مذهبی را به شمول مساجد و زیارتها بهبود خواهد نمود. دولت همچنان مدارس را انکشاف داده و ملا ها و مدرسین مذهبی را مورد آموزش قرار خواهد داد و نصاب فرهنگی سرتاسری را برای تعلیمات ابتدایی و عالی نهایی خواهد ساخت. دولت تجدید حیات فرصت های آموزشی در تعلیمات عالی اسلامی را رشد خواهد داد و برای حجاج افغانی، سیستم های انتظام حج را تقویت خواهد کرد.

۴- برنامه اصلاحات اداره عامه :

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

۱. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، دستگاه حکومت - به شمول تعدادی از وزارتخانه ها - ساختار مجدد و اصلاح خواهند شد، تا یک اداره حکومتی که از لحاظ مالی تداوم داشته باشد، به وجود آید. کمیسیون خدمات ملکی تقویت خواهد شد. وظایف سکتور خدمات ملکی به نحوی تنظیم خواهد یافت که اصلاحات، انعکاس دهنده وظایف و مسؤولیت های اصلی باشد.
۲. یک میکانیزم واضح و شفاف سراسری در مورد تقرر مقامات بلند پایه حکومت مرکزی و سکتور عدلی، والیان ولایات، قوماندان های امنیه، ولسوالها و رؤسای امنیت ولایات، در طی شش ماه ایجاد، در طی دوازده ماه قابل استفاده، و در طی ۲۴ ماه، به صورت کامل تطبیق خواهد شد.
۳. تا پایان سال ۱۳۸۵ تعداد واحد های اداری و حدود اربعه آنها - با هدف کمک به ثبات مالی - مورد بررسی و تجدید نظر قرار خواهند گرفت.
۴. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تعیینات بر اساس شایسته گی و لیاقت، سوابق کار و ارزیابی مبتنی بر اجرای

کار در پُست های خدمات ملکی، در تمام سطوح حکومت به شمول حکومت مرکزی، سکتور عدلی و پولیس، تطبیق خواهد شد و حمایت های لازم برای ارتقای ظرفیت سکتور خدمات ملکی فراهم خواهد گردید تا این سکتور ها به طور مؤثر فعالیت نمایند. بررسی اجراءات سالانه تمام کارمندان بلند پایه (رتبه ۲ و بالاتر آن) تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) صورت خواهد پذیرفت.

۵. سرشماری نفوس تا پایان سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) اجرا خواهد شد و نتایج کامل آن به نشر خواهد رسید.

۶. اساسات با اعتبار احصاییه یی برای همه معیارهای کمیته، تا اواسط سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد و برای پیگیری پیشرفت آنها، ظرفیت احصاییه یی ارتقا خواهد یافت.

حکومتداری سالم و فراهم آوری خدمات با کیفیت و متوازن عامه در تمام سطوح، نیاز به ایجاد، اصلاح و تقویت اداره عامه دارد. هدف دولت ایجاد یک اداره عامه مؤثر و حساسده میباشد که قابلیت تأمین امنیت مداوم، فراهم آوری خدمات اساسی اجتماعی به شکل مساوی و یک محیط مساعد برای رشد اقتصادی را در سطح مرکزی، ولایتی و ولسوالی داشته باشد. از طریق برنامه اصلاحات اداره عامه، حکومت این مسئله را تأمین خواهد کرد تا هماهنگی بهتری میان مراجع تصمیم گیرنده دولت مرکزی وجود داشته باشد. این مسئله همچنان وزارتخانه ها را ساختار مجدد نموده و طرز العمل های اداری و پروسه های داد و ستد را ساده تر میسازد. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، زارتخانه های مربوطه و مراجع تصمیم گیرنده را برای اصلاحات اداره ولایتی کمک مینماید. دولت از طریق وزارتخانه های مربوطه و مراجع تصمیم گیرنده، غرض تقویت هماهنگی و بهبود عرضه خدمات از طریق اداره ولایتی، بهتر کار خود را با وزارتخانه هایی که در عرصه عواید و عرضه خدمات اجتماعی کار مینمایند، به گونه بهتر آغاز خواهد نمود. دولت یک سکتور خدمات ملکی کوچک و از لحاظ مالی پایه دار را ایجاد مینماید و به شکل تدریجی تدارک معاشات را توسط تمویل کننده گان پایان می بخشد. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی، قوانین و طرز العمل ها را برای خدمات ملکی که از لحاظ مسلکی اداره گردد، به شمول ترویج معیار های متعالی اخلاقی و ایجاد اقدامات انضباطی در برابر فساد اداری و اعمال غیر اخلاقی، تقویت مینماید. حکومت یک سیستم استخدام بر اساس شایسته گی و لیاقت را ایجاد مینماید که برابری جنسیت اجتماعی و تنوع نژادی را ارتقاء بخشد. دولت همچنان یک برنامه مرتبط و جامع ارتقاء مهارت ها را برای مامورین ملکی موجود و جدید، ایجاد مینماید. کمیسیون مستقل اصلاحات اداری و خدمات ملکی و وزارت مالیه، کمکهای تکنیکی بین المللی را به منظور تأمین انتقال مهارت ها، به شمول عرصه انتظام پروژه به شکل سریع تر و با ثبات بیشتر، تنظیم خواهند کرد.

۵- برنامه حقوق بشر به شمول حقوق زنان

معیار های ستراتیژیک پنج ساله دولت

۱. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، ظرفیت حکومت برای گزارش دهی تعهداتش در مورد حقوق بشر تقویت خواهد شد. ادارات تطبیق قانون و امنیت در دولت، روش و طرز العمل هایی را به منظور جلوگیری از دستگیری و حبس های خود سرانه، شکنجه، باج گیری و مصادره غیر قانونی املاک، وضع خواهند نمود تا این نوع اعمال

ریشه کن گردد. آزادی بیان - به شمول آزادی رسانه ها - تقویت خواهد گردید. آگاهی از حقوق بشر شامل نصاب تعلیمی خواهد شد و در میان قانون گذاران، کارمندان عدلی و دیگر ادارات حکومتی و مردم پخش خواهد گردید. نظارت از حقوق بشر بر عهده حکومت خواهد بود و این کار مستقلا نه از جانب کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان انجام خواهد شد. ملل متحد تدابیر مؤثری را به منظور حفاظت از حقوق بشر پیگیری خواهد نمود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، برای تحقق اهداف خویش، در رابطه به نظارت، تحقیق، حفاظت و بهبود حقوق بشر حمایت خواهد شد.

۲. تطبیق پلان کاری صلح، عدالت و مصالحه تا پایان سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) به پایه اکمال خواهد رسید.

فقر زدایی وقتی میتواند مؤثر و پایه دار باشد که طبقه نادار جامعه بتواند در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشارکت کامل داشته باشد. هدف حکومت ایجاد یک جامعه مشارکتی افغانی بوده که در آن حقوق تمام مردم تأمین، انکشاف و احترام گردد. دولت با کمیسیون مستقل حقوق بشر و جوامع تمویل کننده بین المللی به خاطر انکشاف و تقویت ظرفیت ها و به منظور تأمین و انکشاف حقوق بشر و آموزش پیرامون بالا بردن سطح آگاهی از آن برای مأمورین ملکی، کار خواهد نمود. وزارت امور خارجه به منظور انکشاف ظرفیت های مورد نیاز برای گزارش دهی به مراجع مربوطه از تطبیق اسناد حقوقی بین المللی که از سوی افغانستان امضاء و تأیید گردیده، به شکل مداوم کار مینماید. این همچنان تأمین حقوق بشر را از تخطی توسط ادارات دولتی، ارتقاء مینماید. دولت حقوق زنان را از طریق هماهنگ سازی مقررات زنان در چارچوب های عمده پالیسی کشور به شکل مداوم، تأمین و انکشاف مینماید. بهبود دسترسی زنان به عدالت، بالا بردن سطح آگاهی آنها پیرامون مسایلی چون ازدواج کودکان، خشونت های خانواده گی و کار یابی آنها به منظور تأمین حقوق کودکان، دولت، قوانین و پالیسی هایی را معرفی خواهد نمود تا از کودکان محافظت نماید و اقدامات وقایعی را برضد استفاده جنسی از کودکان ایجاد نموده و اقدامات مبارزه با قاچاق کودکان را تحکیم و تقویت مینماید. دولت حقوق معلولین و معیوبین را با رفع موانع که از مشارکت کلی آنها در جامعه جلوگیری مینماید، تأمین و انکشاف مینماید. حکومت همچنان به منظور مدافعه از حقوق و ارتقای سطح آگاهی از نیازمندی های به خصوص آنها و ترویج استخدام شان در قوای کاری جامعه، فعالیت مینماید. استراتژی دولت برای حمایت از معلولین و معیوبین به شکل مفصل در فصل ۸ که پیرامون مصوونیت اجتماعی مینماید، درج گردیده است.

تمرکز به ابتکارات عرصه بی ذیل نقش بسزایی را در تداخلات برنامه اساسی که در بالا ذکر است، خواهد داشت. حکومت در نظر دارد تا:

مبارزه با فساد اداری، جزء لاینفک از تقویت سیستم های حکومتداری مینماید. تقویت ساختار حقوقی، اداره سکتور عمومی و سیستم های پاسخگو، اجزای مهم استراتژی مبارزه با فساد اداری دولت هستند، که تمام آنها اطمینان مردم را در مشروعیت دولت ازدیاد می بخشند. دولت استفاده از این وسایل مبارزه با فساد اداری را به منظور دستیابی به امنیت، حکومتداری سالم و انکشاف اقتصادی، تسریع مینماید. خدمات ملکی محرک و استوار بر اصل شایسته گی و لیاقت کارایی در مقابل اغوای انجام فساد ایستاده گی کرده، مؤثریت و شفافیت را در عرضه خدمات، بدون اخذ رشوه، ارتقاء مینماید. تقویت سیستم های پاسخگویی اجازه امکانات پنهان سازی فساد اداری را برای مأمورین نمیدهد.

ارتقای برابری جنسیت اجتماعی در عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم. به قوانین و پالیسی های فوق العاده فعال دولتی نیاز است تا بی عدالتی هایی را که زنان در فرهنگ عنعنوی افغانستان با آن مواجه اند، جلوگیری شود. جامعه مدنی به شمول رهبران مذهبی، یک نقش مهم را در بلند بردن سطح آگاهی مردم از وضعیت زنان، ایفاء خواهند نمود. به همین شکل، مشارکت بیشتر زنان مسلکی در تمام سطوح خدمات ملکی، حق اظهار در پالیسی و تصمیم گیری را برای زنان خواهد داد و همچنان این امر، ظرفیت کاری دولت را برای طرح کلی و عرضه خدمات کافی برای موکلین طبقه اناث بهبود میبخشید.



انکشاف اقتصادی و اجتماعی

۸,۱ مقصد و ساختار این فصل

در استراتیژی رشد اقتصادی و اجتماعی، دولت سعی خواهد نمود تا نیازمندی های ناداران را با ضرورت های رشد متداوم اقتصادی در توازن نگهدارد. کلیه برنامه های سرمایه گذاری دولت بر اساس نقش شان در امر همین اهداف دوگانه سنجیده خواهد شد.

زیربنا برای یک اقتصاد مثمر و مؤثر لازمی پنداشته میشود. بادر نظرداشت موقف فعلی افغانستان دربین آسیای جنوبی و مرکزی، ما دو انتخاب داریم: یکی انکشاف یک شبکه عصری سرک ها است که خصلت بالقوه افغانستان را به حیث یک پل زمینی برای تجارت تحقق می بخشد؛ و دیگر این که، به امید رسیدن با امکانات تجارتي انکشاف در آینده، در همین تنگنا و به حالت مفلوج باقی بمانیم. راه های داخلی فرصت های جدید اقتصادی را، به ویژه در مناطق شهری نیمه شهری، مساعد خواهد ساخت. استخراج متداوم منابع طبیعی که بیشتر آن هرگز رشد داده نشده اند، باعث افزایش انکشاف می شود و در بسا از موارد با کسب اسعار خارجی می توان کسر تجارت را تلافی کرد. برنامه انکشاف سکتور خصوصی، بنیاد انکشاف گسترده تری را خواهد گذاشت که ناداران و ثروتمندان از آن یکسان مستفید خواهند شد.

برنامه سرمایه گذاری دولت در عرصه زراعت و انکشاف روستا ها، نیازمندی های مقدم اکثریت افغانهای ساکن در ولایات را منعکس میسازد. اصلاحات در عرصه زراعت در امر تنوع بخشیدن و ساختار مجدد اقتصاد زراعتی کمک خواهد نمود زمینه را برای به وجود آمدن فرآورده هایی با ارزش بلند مساعد خواهد ساخت. سرمایه گذاری در زمینه انکشاف روستا ها منجر به ایجاد ساختار های مهم اداری بر مبنای اجتماعی، به میان آمدن زیربناها بر مبنای اجتماعی و اداره بهتر محلی در عرصه دارایی های عامه خواهد گردید. سرمایه گذاری ها در عرصه سرمایه بشری (تعلیم و تربیه و صحت) در امر بیرون ساختن مردم از فقر و آماده ساختن کارمندان کاری سالم که قادر به پاسخگویی به چالش ها و فرصت های آینده باشند، نقش محوری را بازی مینماید. برنامه های مصونیت اجتماعی برای آنانی که از فقر مزمن رنج می برند، کمک های بیشتر را فراهم خواهد نمود.

سکتور های انکشاف ملی شامل این موارد هستند ۱- زیربنا و منابع طبیعی ۲- زراعت و انکشاف دهات ۳- تعلیم و تربیه ۴- صحت ۵- مصونیت اجتماعی و ۶- انکشاف سکتور خصوصی. در این قسمت پالیسی ها، موانع و استراتژی ها برای این سکتورها پیشکش می شود.

۲,۸ سکتور سوم: زیربنا و منابع طبیعی

۱,۲,۸ نظر اجمالی

نیاز های رقابتی افغانستان مستلزم افزایش به تولیدات زراعتی، افزایش مؤثریت ها در بخش تجارت و کمک به جامعه پیشه وران ما است. این منابع انکشاف، به نوبه خود، خواهان دسترسی قابل اعتماد و ارزان به زیربنا هستند. نقش آینده افغانستان به حیث یک مرکز ترانسپورتی - تجارتي در سطح منطقه، در آسیای مرکزی، مستلزم یک شبکه مناسب حمل و نقل است. دسترسی به خدمات صحتی و معارف برای تمام افراد جامعه (به ویژه دختران و زنان) توسط یک زیربنای بهبود یافته حمل و نقل افزایش خواهد یافت. سیستم های مدرن زیربنایی ظرفیت اقتصاد افغانستان، فرصت های اشتغال و عواید را انکشاف خواهد داد. جذب سرمایه برای یک اقتصاد مدرن افغانی، با یک سیستم زیربنایی دوستانه امکان پذیر خواهد بود. توجه زیاد به اداره استراتژی یک منابع طبیعی اطمینان خواهد داد که افغانستان انرژی زیاد و خود کفایی مالی را به دست می آورد که نقش بارزی را در سعادت نسل آینده افغانستان بازی خواهد نمود. انکشاف معقول شهری اثرات منفی روند سریع شهری سازی را که گرانی بر زیربنای شهری است، اساساً کاهش خواهد داد. شبکه هایی از سرک ها در مناطق دور دست و دارای کشت خشخاش، زمینه را از نگاه فزینی برای دولت و ادارات اعمال کننده قوانین همچنان مناطق قبلی زرع خشخاش، را به بازار های مواد قانونی دارای ارزش بلند، قابل دسترسی میسازد. تکنالوژی های ارتباطی جایگاه خاص افغانستان را تحکیم می بخشد و تفاهم بین افغانها و جهان را تسهیل خواهد نمود.

هدف دولت عبارت است از ایجاد یک زیربنای اساسی، سودمند و مولد به منظور ایجاد تهدایی برای انکشاف سکتور خصوصی، رشد عادلانه اقتصاد، اشتغال فزاینده و مؤثریت، و سودمندی سریع زراعت.

۲,۲,۸ زمینه ها و موانع

افغانستان دارای بدترین سیستم دسترسی به سرک ها در جهان، و فاقد سیستم خط آهن می باشد. در میان کشور های رو به انکشاف و محاط به خشکه، افغانستان دارای دورترین فواصل از بنادر بحری، بیشتر از ۲,۰۰۰ کیلومتر بوده و روی اراضی دشوارگذر قرار دارد. عده زیادی از باشندگان افغانستان از لحاظ فزینی از هم دیگر دور افتاده اند. مناطق عمده شهری افغانستان توسط یک جاده حلقه بی نیمه ویران و فاقد حفظ و مراقبت باهم وصل است. سیستم و اساس مخابراتی افغانستان نیز یکی از بدترین سیستم ها است. (تراکم تلفونی ۱,۶

تلفون برای هر ۱۰۰۰ نفر در ۱۳۸۲). حمل و نقل هوایی، نیازهای داخلی و خارجی را در مقایسه با کشور های همسایه در منطقه نمی تواند پاسخ گوید. صرف ۶ فیصد نفوس افغانستان به برق عمومی دسترسی دارند، که بسیاری از آنان در شهر های غنی از لحاظ اقتصادی مانند کابل زنده گی می کنند. افغانستان از لحاظ دسترسی به برق، از رهگذر سرانه، در پایین ترین ردیف جهانی قرار دارد. شهر های افغانستان - به خصوص کابل- با مشکلات بنیادی شهر سازی، مواجه هستند. براساس پیش بینی ها، مجموع نفوس شهری کشور تا سال ۱۳۹۳-۱۳۹۴ احتمالاً دوبرابر خواهد شد. زیربنا های شهری و سیستم های شهری با روند شهری سازی همگام نبوده اند و در نتیجه، باعث رشد سریع گذر های فقیرنشین که بیانگر ناداری شهری و رنج میباشند، گردد.

علاوه بر موانعی که در بخش ۴ مشخص گردیده اند، موانع سکتوری بهبود زیربناء از این قرار هستند:

۱. ذخایر انرژی آبی و گاز، بخش در تکافوی نیازمندی های انرژی افغانستان منابع امید محسوب میگردند، اما دسترسی به این منابع هم از لحاظ زمانی و هم از نظر مالی دشوار است. علاوه براین، توزیع آب و روش های حقوقی استفاده از میان رفته اند. ساختارهای اجتماعی و سنتی که باری دارای قدرت پاسخگویی در مقابل نیازمندی های توزیع آب بودند، به طور چشمگیری تضعیف گردیده اند.

۲. کار شهرسازی و مسکن بنابر عدم وضاحت سیاست ها در زمینه ها، اساسنامه تأسیساتی و تفویض وظایف، صدمه دیده است. سوء تفاهم وسیعی در مورد نقش دولت به در عرصه شهرسازی، به ویژه در عرصه تغییر شکل یافتن از "فراهم کننده" به "قادر کننده" وجود دارد. این کار در نتیجه آموزش های ناکافی مسلکی و عدم تداوم در موقف های دولتی وسیعاً به میان آمده است. خدمات ناکافی در عرصه های آب رسانی و محیط زیست و نبود جمع آوری مواد فاضله، باشندگان فقیر شهری افغانستان را بیشتر ازبیش، صدمه میرساند.

۳. صنعت مخابراتی، در شرایط حاکمیت قانون و ساختمان و زیربنای اداری ضعیف احیاء میشود. زیربنای ابتدایی فیزیکی که صنعت مخابرات را پی ریزی مینماید، در جریان نابسامانی های دوره جنگ ویران شده و یا مورد غفلت قرار گرفته است.

۴. منابع طبیعی و معادن توسط یک نظام کهنه برنامه ریزی مرکزی که در بین فعالیت های تجاری و عادی فرق قایل شده نمیتواند، عقب مانده است. تمام روش های ثبت اطلاعات، برنامه ریزی و اجراءات روزانه شعبه ها و تصدی های دولتی به طور مرکزی، تحت نظارت دولت، باقی میمانند. تصدی های دولتی و واحد های بودجه یی نه تصدی های تجاری بازار و نه بنیادی هستند و نه هم پاسخگوی رشد و انکشاف طبق اساسات بازار.

۵. صنعت حمل و نقل هوایی افغانستان بر یک چارچوب ضعیف تأسیساتی استوار است. بدون میکانیزم های تنظیم کننده عملیات، وضعیت مخاطره آمیز افغانستان در سطح غیر قابل قبول قرار دارد، و شرکت های هوانوردی بین المللی را از انتخاب افغانستان به حیث یک مقصد انتخاب شده، باز میدارند.

۳,۲,۸ استراتژی سکتور

هدف اظهار شده برای سکتور زیربناء و منابع طبیعی از طریق یک استراتژی براساس شش برنامه به هم پیوسته و برخوردار از حمایت دوجانبه تحقق خواهد پذیرفت. دولت شبکه سرک ها را انکشاف و بهبود خواهد بخشید و حفظ و مراقبت خواهد کرد تا این کار منجر به تقویت تجارت ملی و منطقه یی گردد. نظام های حمل و نقل هوایی از طریق یک ترکیب ارتقای جدی ظرفیت بشری، اصلاحات تأسیساتی و رشد زیربنایی، عصری سازی خواهد شد. یک ساختار تقنینی و چارچوب منظم در عرصه آب و برق ایجاد خواهد شد. دولت محصولات معادن را جنبه تجارتی خواهد داد و اصلاحات اساسی را در سطح وزارت تطبیق خواهد نمود. صنعت مخابراتی از طریق نظام که دولت را به حیث یک تنظیم کننده سکتور خصوصی و افزایش در اطمینان سرمایه گذاران تقویت میبخشد توجیه و عصری سازی خواهد شد. دولت نظارت بر ساحات شهری را از طریق روش های پیشرفته اداری و چارچوب های تنظیم کننده رشد خواهد داد. وظیفه یک قادرکننده را نه یک تهیه کننده را ایفا خواهد نمود و همچنان در مورد دسترسی مساویانه به خدمات لازم اطمینان حاصل خواهد کرد.

۱. سرک های داخلی و حمل و نقل زمینی:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

افغانستان تا سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) دارای یک سرک حلقه یی کاملاً پیشرفته و مناسب و همچنان سرک هایی که این سرک حلقه یی را به کشور های همجوار وصل نماید، خواهد بود. همچنان تا اواسط سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) افغانستان دارای یک نظام مالی توانمند و دوامدار برای حفظ و مراقبت سرکها خواهد بود.

یک نظام با اعتبار، مؤثر و ارزان، سرک ها و حمل و نقل عامه افغانستان را در یک چارچوب افزایش سودمندی اقتصادی توحید خواهد کرد و عرصه های تجارت و پویایی پیشه وری را سهولت خواهد بخشید. هدف دولت احیای مجدد، بهبود و حفظ و مراقبت شبکه سرک ها میباشد تا ارتباطات داخلی بین پایتخت و تمام شهر های عمده، مراکز تجاری، صنعتی و معادن و دفاتر ولایتی و ولسوالی ها تأمین گردد؛ و ارتباطات بین المللی با کشورهای همجوار مستحکم شود. دولت ماستر پلان سکتور سرک ها را تکمیل خواهد کرد و در

مورد درستی و تحکیم استراتژیک در امر برنامه ریزی و تطبیق آن اطمینان حاصل خواهد نمود. سرک حلقه بی داخلی و سرک هایی که سرک حلقه بی را به ممالک همجوار وصل میکنند، ساخته خواهند شد که نقش افغانستان را به حیث یک پل زمینی تسهیل خواهد بخشید. دولت سرک های ولایتی و روستایی را اعمار خواهد نمود و در مورد اینکه تحکیم اقتصادی به افغانهای بیشتر در روستا ها انکشاف یابد، در مطابقت با اهداف معیشت بدیل مردم اطمینان حاصل خواهد نمود. وزارت فواید عامه به یک نهاد دارای استقامت، عصری و تهیه کننده ظرفیت داخلی مبدل خواهد شد. تأمین یک روش حفظ و مراقبت سرک ها که از لحاظ مالی پایه دار باشد تا سال ۱۳۸۶/۸۷ صورت خواهد گرفت که مشمول اخذ حق العبور و محلات سنجش وزن خواهد بود و هم ارزیابی اثرات محیطی بر تمام برنامه های سرک سازی مد نظر خواهد بود.

۲. حمل و نقل هوایی:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، میدان هوایی بین المللی کابل و میدان هوایی هرات، معیار های مورد نظر سازمان جهانی هوانوردی ملکی را به صورت کامل به دست خواهد آورد. کیفیت میدان های هوایی مزار شریف، جلال آباد و کندهار با ترمیم خط پرواز، ایجاد رهنمای پروازها، بهبود تجهیزات آتش نشانی و به میان آوردن تدابیر نجات و مخابره، ارتقا خواهد یافت. همچنان کیفیت هفت میدان هوایی داخلی دیگر، به منظور تسهیل حمل و نقل هوایی داخلی، بهبود خواهد یافت. خدمات و مصارف حمل و نقل هوایی به تدریج با معیار ها و ارزشهای بازار بین المللی قابل رقابت خواهند بود.

صنعت مؤثر، باعتبار و مناسب حمل و نقل هوایی، این زمینه را که افغانستان مشمول در یک نظام اقتصادی و منطقه پی گردد، فراهم خواهد نمود و فرصت های بازاریابی برای پیشه وران افغان مساعد و یک محیط اقتصادی جالب را برای جلب سرمایه های بین المللی ایجاد خواهد کرد. هدف دولت آنست تا میدان های هوایی عمده و هوانوردی ملکی را مطابق با شرایط سازمان جهانی هوانوردی به میان آورد تا شرکت های هوانوردی جهان را جذب نماید تا خدمات شان رابه افغانستان عرضه نماید و بدین صورت، یک محیط آزاد رقابتی برای خدمات بین المللی و داخلی ایجاد گردد. دولت، در جستجوی منابع ممکن خارجی به منظور دست یافتن به مؤثریت ها و ایجاد یک محیط رقابتی خدمات خواهد بود تا اطمینان حاصل گردد که ما میتوانیم در عرصه پیشه وری مستحکم و ثابت، به رقابت پردازیم. ظرفیت های میدان هوایی بین المللی کابل به خاطر مطابقت آن با معیار های بین المللی بلند برده خواهد شد. دولت یک برنامه جدی آموزشی را به منظورافزایش ظرفیت در میدان های هوایی عمده داخلی و حصول اطمینان از تأثیر چند جانبه رشد اقتصادی در امر توزیع مساویانه آن تطبیق خواهد نمود. ما اصلاحات وسیع تأسیساتی را در اداره مستقل هوانوردی ملکی و وزارت ترانسپورت تطبیق خواهیم نمود. اهداف دراز مدت ارتقای ظرفیت ها - با کمک کوتاه مدت - از طریق اشتراک

متمرکز افراد مسلکی خارجی و برنامه آموزشی را که مطابق با اصول سازمان بین المللی هوانوردی و انکشافات دراز مدت در وزارت و اداره هوانوردی باشد تأمین خواهیم کرد و آنرا متوازن خواهیم ساخت.

۳. انرژی و آب:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

۱. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، انرژی برق به دسترس حد اقل ۶۵ فیصد خانواده ها، ۹۰ فیصد تأسیسات غیر رهائشی در شهرهای بزرگ و حد اقل ۲۵ فیصد خانواده ها در روستاها، قرار خواهد گرفت. مصارف انرژی برق از حد اقل ۷۵ فیصد مصرف کننده گان شبکه ملی نیروی برق اخذ خواهد گردید. یک استراتژی به منظور انکشاف و استفاده از انرژی های قابل تجدید تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد خواهد شد.

۲. استراتژی ها و پلانه های دایمی برای اداره منابع آب که مشتمل بر تأمین آب صحی و آبیاری خواهد بود، تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) ایجاد خواهد شد. سرمایه گذاری در عرصه آبیاری باعث خواهد شد تا حد اقل ۳۰ درصد آب از شبکه های بزرگ آبرسانی تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تأمین شود.

سیستم پیشرفته برق برای رشد ظرفیت سکتور های تولیدی و خدماتی کشور لازم است و سود خوبی را برای خانواده های افغان در امر استفاده از آن به ارمغان میآورد. هدف دولت در سکتور برق عبارت است از انکشاف سریع دسترسی به برق به منظور تغییر وزارت انرژی و آب به نهادی که از لحاظ اقتصادی منظم باشد، به طور مؤثر در وصول مصارف دخیل بوده و توزیع برق با اعتبار و اقتصادی را برای تمام افغان ها به شیوه مسئولانه، سازگار و از طریق شیوه های مناسب پیشه وری، فراهم نماید. یک ماستر پلان توزیع برق برای ساحات روستایی کشور انکشاف داده خواهد شد.

در عرصه تنظیم آب، هدف عبارت است از احیای مجدد، انکشاف متداوم، و بهره برداری از منابع آب و زیربنای آبیاری در مطابقت با معیار های بین المللی محیطی و دسترسی مساویانه برای کلیه افغانها. دولت همچنان اصلاحات تقنینی و منظم را به منظور رشد سکتور برق و فراهم نمودن زمینه برای شرکت سکتور خصوصی فراهم خواهد نمود. ما این سکتور را ساختار مجدد خواهیم کرد در مورد تدارک شیوه های، که مستلزم درگیری در یک سیستم اقتصادی منطقه یی و بین المللی است، اطمینان حاصل خواهیم نمود. ما همچنان تصدی های دولتی را ساختار مجدد و ارائه خدمات را به سکتور خصوصی واگذار خواهیم کرد. دولت شراکت سکتور خصوصی را تسهیل خواهد نمود. دخیل بودن سکتور خصوصی و نظارت مشترک بر این دارایی های عامه را تشویق خواهیم نمود. ایجاد نرخ تعرفه ها براساس بازار و اجرای بل ها و حصول مبالغ، در مورد عنوان شدن نگرانی های متداوم طویل المدت حصول اطمینان خواهد کرد. ما یک سیستم اداره بستر دریا ها را به منظور جمع آوری اطلاعات برای برنامه ریزی، انکشاف خواهیم داد و اداره منابع آب را در سطح محلی ایجاد خواهیم نمود. در برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان، حکومت یک تحلیل و تجزیه جامع از آب رسانی کشور و پیش بینی تقاضا برای آب را در سالهای آینده انجام خواهد داد. انکشاف اداره زیربنای چندین بُعدی آب زمینه را برای ذخیره شدن آب، تولید برق و حفاظت منابع مساعد خواهد

ساخت. اساس برای استراتیژی آب و برق ما، ارتقاء ظرفیت صنایع عامه همگانی به منظور تامین زیربنا و اداره خدمات به شکلی خواهد بود که از نگاه مالی پایه دار و شفاف باشد.

۴. مخابرات:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

ایجاد یک شبکه ملی مخابراتی تا بیشتر از ۸۰ فیصد مردم افغانستان دسترسی به مخابرات قابل استطاعت داشته باشند و اضافه تر از ۱۰۰ میلیون دالر سالانه از عواید عامه بدست آید.

یک شبکه قابل اعتبار مخابراتی^{۷۸} باعث انتقال سریع اطلاعات تجاری، دولتی و فرهنگی میگردد. ایجاد یک نظام پیشرفته مخابراتی، اثرات سودمندی بر انکشاف سایر بخش ها خواهد داشت. این نظام همچنان اجرای کارها و پاسخگویی دولت را رشد خواهد داد، گفت و گو های اجتماعی و اقتصادی را آسان خواهد ساخت ، مولدیت را انکشاف خواهد داد و افغانستان را با اطمینان کامل در امر دست یافتن به امنیت با ثبات ملی و مدنی، قادر خواهد ساخت. هدف طویل المدت دولت عبارت است از ایجاد سیستم اقتصادی تیلیفون ایجاد شده توسط سکتور خصوصی در تمام ولایات و ولسوالی های افغانستان، و ایجاد یک زیربنای مخابراتی که سرمایه گذاری در امر پیشه وری را جذب و تحریک نماید و منتج به رشد میرابری اقتصاد گردد. ما یک نظام منظم مخابراتی را ایجاد خواهیم کرد که دولت را به حیث تنظیم کننده سکتور خصوصی تقویت نماید و اطمینان سرمایه گذاران را افزایش دهد. ما علاوه براین یک ستون فقرات مخابرات عامه را ایجاد خواهیم کرد که سکتور خصوصی روی آن ساخته شده بتواند و اطمینان حاصل گردد که ارتباط اقتصادی و اجتماعی با روستا ها تامین میگردد.

۵. منابع طبیعی و معادن:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

یک فضای مساعد انتظامی جهت استخراج مؤثر معادن و منابع طبیعی افغانستان تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) ایجاد خواهد گردید و تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، فضای سرمایه گذاری و زیربناها - به منظور جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و داخلی در این راستا - بهبود خواهد یافت.

^{۷۸} - این طرح شامل تیلیفون های با کیفیت عالی، مخابره اطلاعات، انترنیت و خدمات پستی خواهد بود.

یک برنامه دراز مدت برای بهره برداری مفید و متداوم منابع طبیعی افغانستان، عواید و فرصت های اشتغال مورد ضرورت شدید را فراهم خواهد نمود. هدف درازمدت دولت برای تنظیم نمودن منابع طبیعی، معادن، نفت و گاز و بهره برداری از آن ها به منظور افزایش در عواید دولت افغانستان میباشد؛ به نحوی که این منابع و فواید آن برای نسل آینده افغانستان حفاظت گردد. ما به تجارتی ساختن ذخایر گاز و معدنیات سرعت خواهیم بخشید تا مؤثریت و فرصت های اشتغال را افزایش بدهد. دولت همچنان سرمایه گذاری بین المللی را در ذخایر دست ناخورده معادن و گاز جستجو خواهد کرد تا عوایدی از این منابع به دست آید. ما بهره برداری معادن را از منابع افغانستان- به طریق هوشمندانه - افزایش خواهیم داد. وزارت معادن و صنایع را ساختار مجدد خواهیم کرد تا نقش خویش را نسبت به "تطبیق کننده"، بیشتر به حیث یک "توانایی دهنده" تغییر دهد. بدینوسیله مؤثریت را افزایش داده و رقابت صنعت را رشد خواهیم داد. ما تصدی های دولتی را خصوصی خواهیم ساخت و اطمینان حاصل خواهیم کرد که بهره برداری از منابع طبیعی بسته گی به ابقای مالی دارد. ما نقشه برداری و روش ارزیابی ها را احیاء خواهیم کرد تا کشف معادن و همچنان برنامه ریزی و طرح سایر پروژه های انکشاف اقتصادی را تسهیل خواهیم بخشید. دولت اطمینان حاصل خواهد کرد که اداره حفاظت محیط زیست تقویت شده و هم اطمینان حاصل پیدا خواهد شد که منابع طبیعی، به گونه متداوم با تمرکز بیشتر بر اصل رفاه نسل آینده مورد بهره برداری قرار میگیرد.

۶. شهر سازی و مسکن:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، ظرفیت ادارات شاروالی ها تقویت خواهند شد تا بتوانند انکشاف شهرها را اداره کنند و خدمات شهری را به طور مؤثر، متمرکز و شفاف ارائه نمایند. در راستای بر آورده ساختن اهداف ام. دی. جی. افغانستان، زمینه سرمایه گذاری در ساحات آبرسانی و صحت عامه فراهم خواهد گردید تا ۵۰ درصد خانواده ها در کابل و ۳۰ درصد خانواده هادر سایر شهرهای بزرگ به آب نل دسترسی داشته باشند.

خدمات شهری مؤثر و عصری، اساس شهرهای سالم و فعال را تشکیل میدهد. غالباً انکشاف خانه سازی یک چالش عمده و جزء بازسازی مجدد کشور بعد از جنگ محسوب میگردد. هدف دولت در عرصه خدمات شهری عبارت از سهمگیری در انکشاف ملی افغانستان از طریق اداره با کیفیت بلند و با ثبات، انکشاف اقتصادی و فقر زدایی است. استراتژی اسناد ملکیت ها باعث تأمین امنیت حقوق ملکیت ها برای مالکین منازل شهری خواهد گردید. ما در مورد سرمایه گذاری های مزید با در نظر داشت اصل برابری در مراکز شهری و در سراسر کشور بر اساس نیازمندی ها، اطمینان حاصل خواهیم نمود. ما سهمگیری سکتور خصوصی را در امر انکشاف شهری از طریق مشارکت مناسب رشد خواهیم داد. توانایی ما در تقویت ظرفیت شاروالی ها برای اداره انکشافات و حصول اطمینان از این که خدمات شاروالی ها به شکل مؤثر و شفاف عرضه میگردد،

اساسی برای موفقیت ما خواهد بود. اقدامات مشخصی به منظور ریشه کن ساختن فساد اداری و انکشاف روند آشنائی کارمندان ادارات شاورالی ها در مورد کار شان، صورت خواهد گرفت.

بنیاد برنامه های فوق، تمرکز بر ابتکارات مستقیم ذیل خواهد بود:

به دست دادن اندیشه های جدید راجع به نقش دولت: اصلاحات در سطح سکتور اطمینان خواهد داد که دولت افغانستان نقش توانایی دهنده، تسهیل کننده و ناظم را ایفاء مینماید؛ درحالی که برای سکتور خصوصی و شهر وندان کشور یک چارچوب تنظیم کننده برای تولید و مصرف منابع آماده ساخته شده است.

ایجاد یک فضای پرکشش برای سرمایه های بین المللی از طریق بسیج منابع کوتاه و میان مدت: درحالی که در دراز مدت تمویل منابع طبیعی و انکشاف زیربنایی باید توسط عواید مالی داخلی به پیش برده شود، در دوره های کوتاه و میان مدت منابع قابل ملاحظه از جانب جامعه تمویل کننده بین المللی به منظور سرمایه گذاری سریع در نظام ها و تکنالوژی ویران شده و منسوخ شده باید مهیا گردد. این کار اولویت بخشی استراتژیک و سازگار بودجه های تمویل کنندگان بین المللی، برای برنامه های کلیدی زیربنایی و مربوط به منابع طبیعی را ایجاب مینماید. در عین زمان، دولت روی افزایش جمع آوری مصارف برنامه ها در چارچوب سکتور به منظور کمک به تدارک مالی خدمات در حال حاضر و برای آینده تمرکز خواهد کرد.

ارتقای ظرفیت های بشری: حصول اطمینان در مورد این که اداره و پالیسی سازی برای زیربنا و منابع طبیعی در مطابقت با بهترین عملکرد های بین المللی صورت میگیرد.

تمویل و تکمیل بررسی امکانات پروژه های زیربنایی دارای اولویت: پیشرفت در مورد پروژه های چندین ساله چون تولید برق و زیر بنای حمل و نقل، با تمرکز بر تمویل و انکشاف بررسی امکانات قبلی و بررسی امکانات لازمه، تسریع خواهد گردید.

تمرکز بر ابقای محیطی: دولت به منظور حصول اطمینان از این که انکشاف زیربنایی حیاتی، برای انکشاف اقتصاد ملت به شیوه بی راه اندازی گردد که محیط طبیعی ما را برای نسل های حال و آینده حفظ نماید، کار خواهد نمود.

۳,۸ سکتور چهارم: معارف، فرهنگ، رسانه ها و ورزش

۱,۳,۸ نظر اجمالی

مردم بزرگترین منبع ما هستند. بدون سرمایه گذاری در امور شهروندان ما نمیتوانیم به دیدگاهی که در قانون اساسی و استراتژی انکشاف ملی درج گردیده است، دست یابیم. وضعیت جنگ یکجا با تبعیض جنسیت (جنדר) و سرمایه گذاری کم در انکشاف اجتماعی، باعث نقصان در سرمایه بشری افغانستان گردیده است. از سال ۱۳۸۱، دولت انکشاف چشمگیری را در عرصه رشد دسترسی به تعلیم و تربیه نصیب شده است و این در حالی است که کار های بیشتری در این زمینه باید انجام پذیرد. نبود دسترسی مساویانه به تعلیم و تربیه و کیفیت پایین آن، توانایی مردم را شدیداً در امر سهمگیری مؤثرانه شان در اقتصاد، محدود میسازد. کمبود افراد مسلکی و مجرب مانع بزرگی در امر انکشاف خدمات ملکی مؤثر، عصری و پاسخگو و همچنان سکتور خصوصی فعال گردیده است. بنابر نبود کامل ظرفیت ها و فرصت های آموزش های مسلکی، کارگران مسلکی و نیمه مسلکی باید به قیمت بلند از خارج از کشور و منطقه آورده شوند. میراث فرهنگی افغانستان خطر بیشتر و خساره بزرگ به مردم را به میان آورده است که مانعی در راه رشد صنعت جهانگردی محسوب میگردد. کمبود دسترسی کامل به مطبوعات آزاد، توانمندی مردم را در امر سهمگیری شان در جامعه محدود میسازد. افزایش در سودمندی سرمایه بشری مستلزم سرمایه گذاری کوتاه مدت در عرصه آموزش و ارتقای سطح مهارت ها و سرمایه گذاری دراز مدت در عرصه تعلیم و تربیه و فرهنگ است.

در سال ۱۳۸۴، دولت در باره یک تعداد اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال که پیرامون غلبه بر فقر از طریق رفع موانع در راه انکشاف بشری تمرکز دارد، متعهد گردید. استراتژی اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال این سکتور را رهنمایی میکند.

هدف دولت عبارت است از رشد قابل ملاحظه کیفی و دسترسی برابر به تعلیم و تربیه، افزایش مهارت ها و دیگر خدمات اجتماعی به منظور نیرو بخشیدن مجدد به سرمایه بشری افغانستان، فقر زدایی و ایجاد سهولت در امر رشد اقتصادی .

۲,۳,۸ زمینه ها و موانع

بر اساس گزارش جهانی پیشرفت های بشری، و ارزش ۰,۳۴۶ (فهرست تخمینی پیشرفت های بشری)^{۷۹}، افغانستان در میان ۱۷۷ کشور که در گزارش جهانی پیشرفت های بشری سال ۲۰۰۴ ذکر گردیده، در پایین ترین ردیف محسوب میشود و صرف در ردیف بلند تر از کشور های مانند برونڈی، مالی، بورکینا فاسو،

^{۷۹} - فهرست انکشاف بشری، یک فهرست خلاصه مرکب است که میزان دستاورد ها و فعالیت های اوسط یک کشور را در سه عرصه اساسی انکشاف بشری: طول عمر، دانش و سطح زنده گی معین می سازد. دانش توسط میزان سواد آموزی بزرگسالان و میزان ناخالص مشترک شمولیت در مکاتب ابتدایی، متوسطه و ثانوی و سطح زنده گی توسط تولیدات ناخالص داخلی سرانه به "دالر امریکایی" تعیین میگردد .

نايجر و سيراليون قرار دارد. فهرست (اچ دی آی) گزارش ملی پیشرفت های بشری ۲۰۰۴، افغانستان را در ردیف پایین تر از کشور های همسایه آن مانند ایران و پاکستان قرار میدهد. فشرده شاخص های کلیدی آموزش بشری افغانستان در جدول ذیل ترتیب داده شده است:

جدول ۸.۱. شاخص های انکشاف بشر در تعلیم و تربیه	
سواد آموزی بین کلان سالان (از ۱۵ تا ۲۴ ساله) (۲۰۰۳)	۳۴ فیصد
میزان شمولیت در مکاتب ابتدایی، ناخالص (۲۰۰۳)	۵۴ فیصد

منبع: ریاست احصاییه مرکزی افغانستان، گزارش اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال (۲۰۰۵).

بر علاوه موانعی که در فصل ۴ ذکر گردیده است، موانع ذیل نیز در این بخش وجود دارند:

۱ - نزول مداوم در ارائه خدمات تعلیم و تربیه در دو دهه اخیر، عمدتاً در تعلیم و تربیه دختران، سطح انکشاف بشری افغانستان را متأثر ساخته است. عدم موجودیت آموزگاران مجرب یکجا با مشکل در قناعت دادن آموزگاران به کار در ساحات دوردست، مسأله محتوای با کیفیت عالی را بدتر میسازد. با وجود روی آوردن وسیع مردم به تعلیم و تربیه، زیربنا و امکانات نامکمل بوده و نصاب تعلیمی نیاز به مدرنیزه سازی دارد. میزان شمولیت و ادامه تعلیم، به خصوص میان دختران، هنوز پایین و حفظ آن مشکل است.

۲ - عرصه تحصیلات عالی با چالش های مشابه مانند دسترسی همه گانی به پوهنتون ها، نصاب تعلیمی کهنه، امکانات ناکافی و سهم گیری نا برابر و غیر عادلانه جنسیت اجتماعی (جنس) مواجه است. در آموزش ابتدایی و ثانوی به منظور آماده ساختن برای تحصیلات عالی تنها افزایش میزان شمولیت و ادامه تعلیم یک مسئله نهایی نیست، بل، پوهنچی های با کیفیت استادان و پروفیسران مورد نیاز - و نیز مواد کافی تدریسی و آموزشی وجود ندارد. مراکز و امکانات درست تحقیقاتی، به خصوص برای انجام تحقیقات زراعتی و صحتی وجود ندارند. دولت به تنهایی نمیتواند سرمایه گذاری کافی را که برای تحصیلات عالی نیاز است، تمویل و تنظیم نماید.

۳ - در پهلوی موجودیت خلاء در مهارت های مسلکی، در عرصه مهارت های حرفه یی نیز خلا وجود دارد. مهارت های دست داشته نیروی کاری افغانستان با مهارت های موجود منطقه، قابل رقابت نیست. مانع پیشرفت مهارت های برنامه انکشاف مهارت های ملی ناشی از عدم ارزیابی و تحلیل نیازمندی ها و خواست های سکتور خصوصی، زمینه های ممکنه رشد اشتغال و میکانیزم های ممکن برای مجهز کردن افراد بزرگسال جامعه با مهارت های مقتضی است.

۴ - در اثر عدم موجودیت سرمایه گذاری، اختلافات سیاسی در کشور و عدم موجودیت زیربنا، آزادی بیان ممنوع یا سرکوب گردیده است. با در نظر داشت این که یک فیصدی بزرگ افراد در جامعه بی سواد هستند،

رسانه های صوتی و تصویری وسیله مرکزی و اصلی نشر اطلاعات برای آنان به شمار میروند. امکانات رسانه های همه گانی چاپی از لحاظ طبع و نشر کهنه بوده و یا تخریب گردیده است. رسانه های خبری دولت معمولاً با عدم کفایت در نشر معلومات مواجه هستند.

بر علاوه، میراث های فرهنگی ما در وضعیت بسیار خراب قرار دارند. واریسی کامل و جامع از میراث های فرهنگی افغانستان صورت نگرفته است، دفاتر حفظ دارایی های فرهنگی نا پدید گردیده و یا نامکمل هستند که این امر زمینه را برای غارت و تاراج دارایی های فرهنگی مساعد تر میسازد. سرانجام، زیر بنا ها و تجهیزات ورزشی تقریباً وجود ندارند. یکتعداد ورزشگاه هایی که در کشور موجود میباشند، تخریب گردیده و مطابق معیار های اساسی بین المللی نمی باشند. فرصت ها برای زنان برای سهم گیری در ورزش بسیار محدود باقی مانده است.

۵ - در بسیاری از موارد، زنان و دختران بنابر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از دسترسی به تعلیم و تربیه باز مانده اند. این عوامل برابری جنسیت اجتماعی (جنس) را متأثر ساخته است و مخالف دیدگاه ها و تصمیم ها برای دسترسی کامل به شمار میروند.

اشتراک اندک و محدود زنان مسکلی در سکتور تعلیم و تربیه و سهم گیری محدود آنان در پالیسی و تصمیم گیری، همچنان ظرفیت این بخش تهیه و عرضه خدمات کافی برای نماینده گان اناث را محدود میسازد.

۳,۳,۸ استراتیژی سکتوری

اهداف معین سکتور تعلیم و تربیه، فرهنگ، رسانه ها و ورزش از طریق یک استراتیژی استوار بر مبنای چهار برنامه به هم پیوسته و برخوردار از حمایت دوجانبه تحقق میابند. دولت میزان شمولیت و نصاب تعلیمی مکاتب ابتدایی (اساسی) و متوسطه و کیفیت (ظرفیت) معلمین را ارتقاء میبخشد. دسترسی به تعلیم و تربیه و کیفیت تحصیلات عالی باید انکشاف و تقویت داده شود و خلا ها در مهارت های حرفه یی با استفاده از امکانات پر گردند. دولت، رسانه های مستقل و قابل دسترسی را تضمین، فرهنگ افغانستان را حفظ و ورزش را بهبود میبخشد.

۱. تعلیمات ابتدایی و ثانوی:

معیار های استراتیژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای برآورده شدن اهداف ام. دی. جی افغانستان، شمولیت خالص در مکاتب ابتدایی برای دختران و پسران، بالترتیب، حد اقل ۶۰ فیصد و ۷۵ فیصد خواهد بود. یک نصاب تعلیمی جدید در تمام مکاتب متوسطه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. تعداد آموزگاران زن ۵۰ فیصد خواهد یافت و ۷۰ فیصد آموزگاران افغانستان امتحان سویه را سپری خواهند کرد. یک شیوه خاص برای ارزیابی درجه پیشرفت یاد گیری، مانند امتحان ملی برای شاگردان، ایجاد خواهد گردید.

دسترسی کامل به تعلیمات ابتدایی و متوسطه، اساس سواد آموزی، انکشاف مهارت ها و ایجاد نیروی کاری متمرکز و مبتکر از و عناصر مهم سرمایه بشری است. هدف دولت افزایش دسترسی به تعلیمات ابتدایی و متوسطه، افزایش میزان شمولیت و نگهداشت شاگردان و تقویۀ نصاب تعلیمی و ظرفیت معلمین می باشد. دولت، تربیۀ معلم را از طریق افزودن تحصیلات غیابی حمایت میکند و میکانیزم های نصاب تعلیمی جدید و نظارت از کیفیت را به منظور تأمین تلاش های منسجم و به موقع و دسترسی آماده میسازد. دولت شبکه مکاتب را اصلاح میکند و در مورد عرضه خدمات و پرداخت معاشات کارمندان عرصه تعلیمی تجدید نظر می نماید. اشتراک جامعه در تنظیم مکاتب، تشویق و ترغیب خواهد گردید. موفقیت از طریق فرستادن کودکان به مکتب تکمیل نمیشود، بل، به واسطه ایجاد مهارت های سواد آموزی، آموزش ریاضی، رفع سوالات و افزایش مهارت ها در تفکر نقادانه به کودکان که به خاطر رفع چالش ها و نیازمندی های اقتصاد انکشاف یافته زمان صلح لازم پنداشته میشود، حاصل میگردد.

۲. تحصیلات عالی:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تعداد شاگردان پوهنتون ها به ۱۰۰۰۰۰ تن خواهد رسید که حد اقل ۳۵ فیصد آن شاگردان اناث خواهند بود. نصاب تعلیمی پوهنتونهای حکومتی - با درنظرداشت نیازمندی های انکشاف کشور و انکشاف سکتور خصوصی - مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت.

فراهم آوری تحصیلات عالی، فرصت هایی را که توسط برنامه تعلیمات ابتدایی و متوسطه پیشکش شده است، انکشاف و ارتقاء می دهد و کارشناسان را از لحاظ مسلکی برای سکتور خصوصی و مردم آماده می سازد. هدف این برنامه فراهم ساختن یک نظام منظم و شناخته شده بین المللی تحصیلات عالی که جواب گوی نیازمندی های انکشافی و رشد افغانستان باشد، است. سکتور تعلیمات عالی که توسط وزارت تحصیلات عالی تنظیم گردیده است، شامل پوهتون های (دولتی و خصوصی)، پوهنحی ها و انستیتیوت های آموزشی است. دولت تعداد انستیتیوت های تمویل شده عامۀ تحصیلات عالی را به منظور تأمین کیفیت و توجه بالای فراغت رهبران آینده سکتور خصوصی و عامه محدود می سازد. پوهنتون های عمومی از آزادی مزید برخوردار خواهند بود، ولی مقررات و قوانین وزارت تحصیلات عالی را رعایت خواهند نمود. دولت همکاری با سکتور خصوصی و بنیاد های تعلیمی را برای انسجام و گسترش فرصت های تحصیلات عالی تعقیب خواهد نمود.

۳. انکشاف مهارت ها:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

مطالعه درباره منابع بشری تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تکمیل خواهد گردید و به تعداد ۱۵۰۰۰۰ مرد و زن با استفاده از امکانات سکتور های حکومتی و خصوصی تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در بخش مهارت های مسلکی آموزش خواهند دید.

تعلیمات غیر رسمی، برنامه های آموزش مسلکی برای شاگردان، مهارت های جدید مورد نیاز استخدام کننده و اقتصاد را برای جوانان و بزرگ سالان بیکار، فراهم می نماید. مقصد این برنامه، بهبود نظام انکشاف مهارت های مؤثر که مرفوع کننده نیازمندی های بازار کار است، میباشد. دولت بررسی مهارت های ملی را انجام میدهد، کمیته های مشورتی را به منظور واریسی از انکشاف برنامه آموزش و تعلیمات حرفه یی میکند و برنامه انکشاف مهارت های ملی را سرعت میبخشد. نقش های وزارتخانه های ذیعلقه دولت، سکتور خصوصی و موسسات غیر حکومتی، با درنظر داشت نقش مدیرانه دولت و فعالیت های عملی سکتور خصوصی و موسسات غیر حکومتی طبق استراتژی ملی بشکل گسترده، واضح میگردد. تأمین ارتباطات با کشور ها و بنیاد های خارجی ظرفیت ملی را تقویت میبخشد.

۴. فرهنگ، رسانه ها و ورزش:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

۱. فهرست جامع گنجینه های فرهنگی افغانستان تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تهیه خواهد شد. تدابیر لازم برای برگرداندن میراث های فرهنگی، توقف قاچاق آثار فرهنگی و اعاده صنعت های تاریخی آسیب دیده، تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، اتخاذ خواهد گردید.
۲. رسانه ها به حیث مراجع مستقل، کثرت گرا و قابل دسترس به تمام زنان و مردان افغانستان در سرتاسر کشور، به منظور رشد یک جامعه آزاد و دموکراتیک، حفاظت خواهند گردید.
۳. ورزش با تأکید خاص بالای دسترسی کودکان، زنان و معیوبین به آن، ارتقاء داده خواهد شد.

فرهنگ، رسانه ها و ورزش از طریق انکشاف کلی شهروندان مشمول استراتژی سکتوری است. هدف این برنامه، انکشاف سطح پوشش نشرات، آزادی مطبوعات، حفظ و بازسازی میراث های فرهنگی افغانستان ارتقای دسترسی به ورزش است. حفظ و انکشاف فرهنگ افغانستان یک امر حیاتی در همبسته گی جامعه، بهبود اقتصادی و اجتماعی و ایجاد ادارات اجتماعی قوی که باعث میگردند تا مردم با هم کار نمایند، می باشد. دسترسی به رسانه های آزاد، یک نقش کلیدی را در آگاه نگهداشتن دولت از اطلاعات، بازی می کند و موارد

فساد را شناسایی کرده و باعث اساس گذاری آزادی بیان و تعادل اجتماعی میگردد. ورزش صحت را در اجتماع فعال بهبود می بخشد و فرهنگ جوانان و همبستگی و هماهنگی اجتماعی را در سرتاسر شبکه ها در اجتماع تقویت می نماید. بنابراین دولت ارتقای سریع فرصت ها و زمینه های اجتماعی ، فرهنگی را در سرتاسر کشور، دسترسی به مطبوعات، رادیو و رسانه های تصویری را به خاطر انکشاف دیموکراسی، حسابداری و انکشاف شخصی حمایت می کند.

اساس نظریات برنامه یی فوق را توجه بر طرح های ذیل تشکیل میدهد. دولت در نظر دارد:

اصلاحات اداری و ارتقای ظرفیت را ادامه بدهد: دولت بر اصلاحات دوامدار مالی و تقویت ادارات عامه که مسئولیت عرضه خدمات اجتماعی را به عهده دارند، توجه مبذول خواهد داشت . در عین حال مقررات واضح را مبنی بر عرضه خدمات از طریق بررسی فعالیت های مختلف دولت، سکتور خصوصی و مردم تعیین خواهد نمود . در حالی که استراتژی های تطبیقی در هر برنامه متفاوت هستند، تلاش های جدید به خاطر افزایش قابلیت های وزارت خانه ها - به حیث عناصر قابلیت دهنده و تنظیم شونده و نظارت کننده - در اولویت قرار دارند. دولت سرمایه گذاری ها را به منظور تقویت ادارات در سطح ولایات و ولسوالی ها با در نظر داشت کاهش در تفاوت های جغرافیایی سرعت میبخشد. برنامه دولتی اصلاحات اداره عامه بصورت مفصل تر در فصل ۷ ذکر گردیده است.

بهبود طرح های سکتوری و میکائیزم های هماهنگی. طوری که افغانستان از مرحله عاجل به مرحله انکشاف ارتقاء نموده است، راه های حل فعالیت های متفرقه دوام یافته نمی توانند . بدین لحاظ دولت در صدد تمویل دوامدار و پایه دار برنامه های کلیدی سکتوری، انجام طرح های سکتوری - به طور خاص سکتور تعلیمی - می باشد. وزارت معارف در همکاری نزدیک با وزارت حج و ارشاد و اوقاف بمنظور تأمین این که سیاست های مذهبی و تعلیمات عمومی از هر دو جانب تقویت و حمایت شوند، کار خواهد نمود.

برابری جنسیت اجتماعی (جندر) و ثبات محیطی: دولت در زمینه برابری جنسیت اجتماعی (جندر) در دسترسی به تعلیم و تربیه و ورزش - به طور خاص - آن زمینه هایی که تحت پوشش تعهدات اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال ما قرار دارند، سعی میورزد. همچنان توجه بر ثبات محیطی ، به خصوص، در ارتباط به دسترسی به آب آشامیدنی و حفظ الصحة مؤثر محیطی مبذول میگردد.

۴,۸ سکتور پنجم: صحت و تغذیه

۱,۴,۸ شرح

استراتژیی انکشافی افغانستان بدون نیروی کاری سالم و شایسته انجام پذیرفته نمی تواند. آینده دراز مدت افغانستان، مبتنی و وابسته به سرمایه گذاری کافی دراز مدت در بخش صحت است. کشور حتی قبل از تهاجم

شوروی سابق با میزان بسیار بلند مرگ و میر و امراض مواجه بود. ۲۳ سال جنگ عرصه خدمات صحتی را شدیداً متأثر ساخت و دوره طالبان وضعیت قبلی را به وخامت بیشتر کشانید. از سال ۱۳۸۱ بدینسو، دولت پیشرفت های قابل ملاحظه یی را در زمینه ارتقای دسترسی به خدمات حفظ الصحة یی انجام داده است. در نتیجه این تلاش ها پیشرفت هایی در زمینه بهبود وضعیت صحتی به دست آمده اند. واکسیناسیون سرخکان بین ۷۵ فیصد کودکان یک ساله تطبیق گردیده است؛ ولی وضعیت در کل خراب باقی مانده است و میزان مرگ و میر کودکان زیر سن ۵ سال به صورت فوق العاده بلند است. وضعیت ضعیف صحت مادران با میزان بلند مرگ و میر مادران مشخص گردیده است، انعکاس دهنده وضعیت نا مطلوب زنان و امکانات ضعیف و نظام قسماً فعال طب معالجه یی می باشد. کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود صحت مادران و مبارزه با ملاریا و دیگر امراض به خاطر نیل به اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال در محور تلاش های افغانستان قرار دارد.

هدف ما کاهش امراض و کاهش میزان مرگ و میر در میان مردم افغانستان از طریق تطبیق برنامه صحت و عرضه خدمات شفاخانه ها، برنامه های خاص و انکشاف منابع بشری است.

۲، ۴، ۸ زمینه ها و موانع

وضعیت صحتی تقریباً ۲۴ میلیون افغان- خاصاً زنان و کودکان- در ردیف بدترین وضعیت صحتی در جهان قرار دارد. از لحاظ شاخص های عمده صحتی - مانند اوسط عمر، مرگ و میر مادران و کودکان زیر سن ۵ سال و میزان مجموعی زایمان - کشور ما از همسایه های جنوب آسیایی خویش دهه ها عقب انداخته است. آمار مرگ و میر کودکان زیر سن ۵ سال، در سال های ۱۳۸۲/۱۳۸۱ به ۲۳۰ مرگ در هزار تولد میرسد. بدین معنی که تقریباً یک چهارم کودکان زنده تولد شده، سن ۵ ساله گی را تکمیل نمیکنند. اگرچه افغانستان همیشه از همسایه های جنوب آسیایی خویش و سایر کشور های روبه انکشاف از لحاظ صحتی عقب مانده بوده است، ولی، بیشتر از ۲۰ سال جنگ باعث گردیده است تا افغانستان از سایر کشور های انکشاف یافته در جهان ۴۰ سال عقب بماند. عدم تعادل جدی بین ساحات شهری و روستایی از لحاظ تولیدات، عرضه خدمات و موجودیت مصارف بخش صحت قرار ذیل وجود دارد:

جدول ۸، ۲. شاخص های کلیدی صحت	
میزان مرگ و میر کودکان زیر سن ۵ ساله در ۱۰۰۰ تولد	۲۳۰،۰
میزان مرگ و میر مادران در ۱۰۰۰۰۰ تولد	۱۶۰۰،۰
میزان مجموعی زایمان (تعداد کودکان از یک زن)	۶،۸
میزان وسطی توقع حیات، حین تولد (سالها)	۴۳،۲
میزان رشد نفوس (۱۹۹۰-۲۰۰۳)	۴،۲ فیصد

یاد داشت: این رقم برای سال ۲۰۰۳ می باشد، مگر اینکه طور دیگری بیان شده باشد.

منابع: شاخص های برنامه انکشاف جهانی و یونیسف، وضعیت کودکان جهان در سال ۲۰۰۵

کودکان افغانستان از سوء تغذی مزمن و گسترده رنج می برند و بیشتر از نصف (۵۴ فیصد) کودکان افغانستان زیر سن ۶-۵ ماهه گی از رشد باز مانده اند. این امر ناشی از کمبود فراگیر غذا است و ۵۱ فیصد کودکان زیر سن ۷-۱۱ سال با کمبود سطحی و یا شدید "آبودین" مواجه هستند. نتایج ارزیابی ملی آسیب پذیری روستایی سال های ۱۳۸۱/۱۳۸۲ نشان می دهد که ۵۷ فیصد نفوس، رژیم غذایی نا متنوع دارند که این قوی ترین عامل آسیب پذیری می تواند بود. سوء تغذی کودکان و وضعیت نا مطلوب تغذی زنان، عوامل عمده در بلند رفتن میزان مرگ و میر است^{۸۰}. از لحاظ معیار های بین المللی ۱۶۰۰ مرگ در ۱۰۰۰۰۰ تولد، بلند ترین رقم مرگ و میر مادران را تشکیل می دهد.

با توجه به میزان بلند زایمان و آمار بلند مرگ و میر مادران، یک تا سه زن در مناطق روستایی بدخشان با خطر مردن به سبب زایمان روبه رو هستند. افغانستان دارای بلند ترین مجموع میزان زایمان است و هر زن بطور اوسط ۶٫۸ کودک به دنیا می آورد. این رقم دو بار بلند تر از اوسط زایمان در آسیا (۳٫۳ رقم) می باشد. اکثر امراض، ناشی از عوامل امراض ساری بوده و بطور خاص کودکان مبتلا به اسهال، امراض انتانی حاد تنفسی میباشند و امراض قابل وقایه، باعث تقریباً ۶۰ فیصد مرگ آنها می گردد؛ گرچه اطلاعات موجود در این مورد، دارای کیفیت^۳ پایین است. میزان بلند امراض ساری ناشی از حفظ الصحة ضعیف شخصی، دسترسی محدود به آب پاک، صحت نا مناسب و سطح پایین تعلیم و تربیه والدین است و نشان دهنده نیاز مبرم برای مبارزه وسیع با صحت ضعیف میباشد.

مرض سل بین بزرگسالان تقریباً باعث مرگ ۱۵۰۰۰ نفر در یک سال می گردد که ۷۰ فیصد موارد شناخته شده در میان زنان دیده میشود. ملاریا نیز یک عامل مهم در بلند رفتن امراض است و موارد "لشمانیا" هم زیاد دیده میشود. در حال حاضر، شیوع (اچ آی وی) بر اساس نتایج گرفته شده از آزمایش های خون در ۱۲ شفاخانه کشور پایین. نگرانی متداول در مورد عوامل عمده خطر مرض ساری (اچ آی وی) در اثر استفاده قابل ملاحظه مواد مخدر وجود دارد.

بر علاوه موانعی که در فصل ۴ ذکر گردیده است، موانع معین در سکتور ذیل نیز وجود دارند:

۱. **عدم موجودیت کارمندان مجرب و کارکنان صحی و به طور خاص، عدم موجودیت کارمندان اناث** شدیداً مانع دسترسی به حفظ الصحة گردیده و کیفیت پایین حفظ الصحة - به ویژه - در سطح شفاخانه ها، منتج به پایین آمدن میزان استفاده گردیده است.
۲. **آموزش ناکافی و عدم موجودیت زیر بنای فیزیکی و دسترسی به صحت و به کیفیت خدمات صحی صدمه می رساند.** شمار زیادی از مراکز صحی در حال حاضر، کارمندان زن را در اختیار ندارند که این امر دسترسی بانوان را به حفظ الصحة محدود می سازد. ظرفیت موجود آموزگاران از لحاظ آموزش کلینیکی و نظری، بسیار پایین است. عدم موجودیت لایه در نهاد های آموزشی صحی، بر استخدام کارمندان اناث از ولایات، به خاطر اشتراک در کورس های آموزشی مسلکی صحی، اثرات

^{۸۰} - منبع: استراتژی عامه تغذیه افغانستان، سال ۲۰۰۴.

منفی میگذارد. عدم تعادل عمده در دسترسی به مراکز حفظ الصحة بین مناطق شهری و روستایی وجود دارد که به خصوص مناطق دور دست با چالش های دسترسی به خدمات در اثر عدم موجودیت سرک ها و برق و عدم موجودیت کارمندان مجرب صحتی در محلات روستایی مواجه هستند. فعالیت های وقایه یی صحتی بنا بر ارائه معلومات غیر کافی و حفظ الصحوی، تغذیه، فعالیت های صحتی مربوط به تهیه آب و وقایه امراض ساده به صورت غیر قابل قبول ضعیف باقی مانده است. این موانع همچنان بر مؤثریت سیستم حفظ الصحة برای نظارت بر امراض ساری نیز اثرات منفی دارند.

۳. **موانع فرهنگی، عدم موجودیت تعلیم و تربیه و موجودیت تبعیض و عدم برابری جنسیت اجتماعی** (جندر) موجب دسترسی اندک مادران به خدمات صحتی و تنظیم امور خانواده میگردد.

۳, ۴, ۸ استراتیژی سکتوری

اهداف معین بخش صحت از طریق یک استراتیژی استوار بر مبنای چهار برنامه به هم پیوسته و برخوردار از حمایت دوجانبه تحقق می یابد^{۸۱}.

۱. برنامه خدمات اساسی صحتی:

معیار های استراتیژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای برآورده شدن اهداف ام. دی. جی. افغانستان، مجموعه خدمات اساسی صحتی انکشاف خواهد یافت تا حد اقل ۹۰ فیصد نفوس را احتوا نماید. مرگ و میر مادران ۱۵ فیصد کاهش خواهد یافت و تمام کودکان کمتر از ۵ سال در مقابل امراض قابل وقایه توسط واکسین مصونیت حاصل خواهند کرد و میزان تلفات ۲۰ فیصد کاهش خواهد یافت.

مطابق اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده، برنامه خدمات اساسی صحتی، حد اقل ۹۰ در صد مردم را تحت پوشش قرار خواهد داد. میزان مرگ و میر مادران ۱۰ در صد کاهش خواهد یافت و برنامه واکسیناسیون عمومی امراض کودکان زیر سن ۵ ساله تطبیق خواهد شد و میزان مرگ و میر کودکان، ۲۰ در صد کاهش خواهد یافت. خدمات صحتی اساسی عامه دارای دو هدف است که عبارت اند از: تهیه برنامه معیاری خدمات اساسی صحتی که متشکل است از عرضه خدمات عمده در تمام مراکز اساسی صحتی و انکشاف عرضه دوباره خدمات صحتی از طریق ایجاد دسترسی متعادل و مساوی- به طور خاص- در مناطقی که کمتر به آن رسیدگی شده است. خدمات معین به اساس چهار معیار به منظور دسترسی کارمندان صحتی اجتماعی، از معاینه تا تدای بیمارانی در مراکز اساسی صحتی، خدمات بیمارانی داخل در مراکز وسیع

^{۸۱} - این برنامه ها به سه بخش استراتیژیکی دسته بندی گردیده اند: تطبیق برنامه های صحتی، کاهش مرگ و میر و انکشاف تاسیساتی.

صحی و شفاخانه های ولسوالی ها عرضه میگردند. این برنامه، بر شرایطی که زنان و کودکان را متأثر میسازد، توجه جدی مبذول میدارد. این برنامه دربرگیرنده خدمات صحی به نرخ ارزان بوده، با عوامل عمده مرگ و میر مبارزه میکند و در نظردارد خدمات صحی را به همه افغانها و مخصوصاً باشندگان فقیر روستاهای دور دست برساند.

۲. برنامه تهیه خدمات اساسی شفاخانه ها:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

۱. مجموعه خدمات اساسی شفاخانه ها در ۵۰ فیصد از شفاخانه های ولایتی و ساحوی تطبیق خواهد گردید.
۲. مورد های محلی در ۵۰ فیصد از تمام شفاخانه های ولایتی و ساحوی، ایجاد خواهد گردید.
۳. تناسب شفاخانه هائیکه در ولایات و ولسوالی ها خدمات عاجل نسائی و ولادی با کیفیت خوب فراهم مینمایند، به ۸۰ فیصد افزایش داده خواهد شد.

شفاخانه ها در افغانستان نقش مهمی را در بخش صحی بازی میکنند؛ زیرا آنها بخشی از سیستم پیشنهاد شده را که مقصد آن کاهش میزان بلند مرگ و میر مادران و کودکان است، تشکیل میدهند. هدف کلی "برنامه خدمات ضروری شفاخانه" بهبود کیفیت رسیده گی به در سطوح مراقبت های دومی و سومی باشد. استراتژی های مهم، به خاطر تطبیق مراقبت ها در سطوح دومی و سومی معیار ها برای تنظیم شفاخانه ها، مواظبت کلینیکی و خدمات حمایه یی را تهیه می نماید، ظرفیت های تنظیم شفاخانه ها و فعالیت های کلینیکی کارمندان شفاخانه ها را ارتقاء می بخشد و امکانات و تجهیزات مورد نیاز طبی شفاخانه ها را به موقع و به صورت معین فراهم می سازد.

۳. برنامه ملی نظارت بر امراض ساری و غیر ساری:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

- ۱- شیوع پائین واقعات مثبت اچ ای فی (>۰,۵) در میان مردم تأمین خواهد گردید تا مرگ و میر مربوط به اچ ای فی مرض ایدز کاهش یابد.
- ۲- حد اقل ۷۰ فیصد واقعات توبرکلوز انتانی کشف خواهد گردید و حد اقل ۸۵ فیصد این واقعات معالجه خواهد گردید.
- ۳- شیوع مرض ملاریا به ۵۰ فیصد کاهش یافته و میزان مرگ و میر از اثر مرض ملاریا به ۸۰ فیصد کاهش داده خواهد شد.
- ۴- خطر انتان، مرگ و میر از اثر مرض تو برکلوز از طریق افزایش کورس های کوتاه مدت معالجه مستقیماً نظارت شده، کاهش داده خواهد شد که این برنامه ۱۰۰ فیصد نفوس کشور را الی ماه جدی سال ۱۳۸۵ تحت پوشش قرار خواهد داد.

این برنامه شامل برنامه هایی است که تحت پوشش برنامه های "خدمات صحتی" نیستند و طرح عمودی را در یک سطح معین (سطح ولایتی) برای نظارت بر امراض تعقیب می کند. این برنامه ها به پایین ترین سطح عرضه خدمات منسجم گردیده اند، ولی با در نظر داشت نیازمندی های خاص لوژستیک و مصرفی خارج از ساختار (خدمات صحتی اساسی) و (خدمات صحتی شفاخانه یی) تنظیم گردیده اند. این برنامه ها طوری طرح گردیده اند تا بر صحت مردم اثرات چشمگیر داشته باشند و بر علاوه بر برنامه های اصلی نظارت بر بیماری های سل ، ملاریا و ایندز (اچ-آی-وی)، مراقبت چشم، نظارت از مرض جذام و لشماتیا نیز می باشد.

۴. تنظیم منابع بشری سکتور صحت:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

کارمندان صحتی مسلکی ، مجرب و فعال در سکتور صحتی در سرتاسر افغانستان بشکل متوازن به منظور عرضه مجموعه خدمات اساسی شفاخانه ها و مجموعه خدمات ابتدائی صحتی اعزام خواهند گردید.

نیل به هدف کلی بخش صحتی وابسته به انتخاب، تعیین و تنظیم درست کارمندان مسلکی و مجرب صحتی است. اسناد و شواهد موجود در مورد وضعیت کارمندان صحتی، نشان دهنده چالش های عمده در تأمین موجودیت منابع بشری درست برای کارمندان دارای تجربه مناسب، مهارت های درست، متوازن و پرتحرک به صورت مساوی و متعادل در سرتاسر افغانستان است. بخاطر انجام استراتژی های عمده این برنامه، وزارت صحت عامه با کمیسیون خدمات شهری برای تطبیق روند شفاف نیازمندی های رقابتی به منظور اجرای برنامه اصلاحات اداری همکاری می نماید. کار با تمویل کننده گان و همکاران تخنیکی جهت تجدید نظر ظرفیت نیروی کاری استخدام شده و تشویق آن تعداد زنان و دختران که مکتب را ترک نموده اند تا وظایف صحتی، بخصوص وظیفه نرس قابلیت و دایگی را در ادارات آموزش تخصصی صحتی انجام دهند، روی دست گرفته میشود. آموزش مداوم و امتحان مجدد برای کارمندان صحتی بشکل فزاینده، ضرورت خواهد بود.

همچنان برنامه های تأمین غذا، اساس مراقبت پیشرفته صحتی می باشد که مقصد آن کاهش میزان فوق العاده بلند سوء تغذی کودکان و مادران است. این استراتژی کثرت و ازدیاد عواملی را که در تغذیه خوب در محلات روستایی کمک می نمایند، تشخیص میدهد و به تنوع فزاینده غذا و فرصت ها برای ارتقای عواید واقعی، اولویت میدهد. آموزش های مربوط به تغذیه، طرق ارتقای دسترسی به بازار را پیشنهاد می نماید و تدابیر قلت محصولات قبل و بعد از حاصل گیری را اتخاذ، تدابیر بهبود در مصونیت غذا و ارتقای ظرفیت ابتدایی را تضمین می نماید.

۵,۸ سکتور ششم: زراعت و انکشاف دهات

۱,۵,۸ شرح مختصر

زراعت بیشتر از ۵۰ در صد ، اقتصاد قانونی افغانستان را تشکیل میدهد و برای تقریباً دو سوم حصه نیروی کار^{۸۲} زمینه کاریابی را فراهم مینماید. سالهای جنگ باعث عدم سرمایه گذاری در مناطق روستایی و در بسیاری از حالات، باعث انهدام سیستماتیک زیربنای روستایی گردیده است. از سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۲م) تا اکنون، در بسیاری از عرصه ها، پیشرفت هایی صورت گرفته و دسترسی به تخم های زراعتی و کود کیمیایی بهبود یافته است. تولید مجموعی حبوبات - عمدتاً گندم- در سال ۱۳۸۰/۸۱ (۲۰۰۲م) ۸۲ فیصد و در سال ۱۳۸۱/۸۲ (۲۰۰۳م) ۵۰ فیصد افزایش یافته است. تولید میوه ها و سبزیجات و همچنان تولید مواشی از سال ۱۳۸۰ (۲۰۰۲م) به این طرف نیز افزایش کسب کرده است؛ اما بادر نظر داشت کاهش سریع در مالداري و ویران شدن باغها در سالهای اخیر، وقت بیشتر را در بر خواهد گرفت تا به اندازه قبل از جنگ برسد.

زراعت، منبع کلیدی رشد استراتیژی اقتصادی ما را تشکیل میدهد و به منظور تقویت و تنوع معیشت های قانونی در سکتور های زراعتی و غیر زراعتی، ضروری است تا زمینه ارتقای عواید داخلی، کاریابی و ایجاد انگیزه برای مردم، برای جلوگیری از زرع خشخاش به وجود آید. سرمایه گذاری بیشتر در سکتور زراعت و انکشاف دهات در به دست آوردن اهداف ام، دی، جی دارای اهمیت شایانی میباشد.

هدف دولت دستیابی به رشد به نفع طبقه نا دار در ساحات روستا هایی کشور با اتخاذ اقدامات ذیل است:
ارتقای تولیدات زراعتی قانونی، ایجاد مشوق برای سرمایه گذاری غیر زراعتی، انکشاف زیر بنای روستا ها و حمایت از دسترسی به انکشاف مهارت ها و خدمات مالی که افراد، خانواده ها و مردم محل را برای مشارکت در فعالیت های قانونی اقتصاد اجازه میدهد.

۲,۵,۸ زمینه ها و موانع

با وجود آنکه اقتصاد افغانستان اصولاً بر بنیاد زراعت استوار است، صرف ۱۲ در صد یا ۷,۹ میلیون هکتار زمین این کشور را زمین زراعتی تشکیل میدهد. از لحاظ جغرافیایی، تقریباً ۷۵ فیصد از زمینهای زراعتی در مناطق شمال، شمالشرق و ساحات غرب کشور موقعیت دارند. از جمله تمام اراضی زراعتی صرف نصف آن بنابر عدم دسترسی به آب سالانه کشت و زرع میشود. سکتور زراعت اصلاً متشکل از حاصلات حبوبات است که ۴۰ فیصد زراعت را تشکیل میدهد. حاصلات غیر حبوبات ۳۵ در صد ، و مالداري ۲۵ فیصد میباشد. گندم از جمله حاصلات عمده حبوبات به حساب میاید که در سال ۱۳۸۱/۸۲، ۲,۴ میلیون هکتار یا ۶۸ در صد زمین هایی زراعتی را تشکیل میداد. زمین های که زرع خشخاش در آن ها صورت میگیرد، از

^{۸۲} - منبع: دولت افغانستان، گزارش اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده سال ۲۰۰۵

سال ۱۳۸۰ به این طرف ازدیاد سریع یافته و در سال ۱۳۸۲/۸۳ به ۱۳۱،۰۰۰ هکتار رسیده است. یعنی کمتر از ۳ فیصد مجموعهٔ ساحات زراعتی کشور تحت زرع خشخاش قرار دارد. (قبل از کاهش آن در سال ۱۳۸۴/۵ به ۲۰ فیصد می‌رسد). عواید مالی زراعت خشخاش نظر به زراعت های بدیل دیگر، بیشتر اند.

مالداری، منبع بزرگ مواد غذایی و عایداتی برای دهاقین افغانی است و علفچرها که ۴۵ فیصد زمین ها را تشکیل میدهد، به صورت سنتی، باعث حمایهٔ مالداری گردیده است. حیوانات، معمولاً یگانه منبع عایداتی برای مالداری کوچی ها به حساب می‌رود. بر حسب احصائیهٔ سال ۱۳۸۱/۸۲ (۲۰۰۳)، رقم مالداری تخمینی در حدود ۳۴ میلیون (به شمول ۱۲ ملیون مرغ) می‌رسد، که این یک کاهش بزرگ از سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۰) به این طرف است. تعداد مویشی و مرغها در هر خانواده تا یک سوم کاهش یافته، تعداد گوسفندان و بزها در هر خانواده کاهش بیشتر نموده است.

سوء تغذی در سرتاسر افغانستان شیوع یافته است. میان ۴۵ و ۵۹ فیصد کودکان کمتر از سن پنج سال، از سوء تغذی وخیم رنج می‌برند که قد این کودکان کوتاه میماند و همچنان میان شش و ده فیصد آنان ضایع میشوند (وزن کم در مقابل قد^{۸۳}). سوء تغذی کودکان و وضع خراب تغذی زنان باعث مرگ و میر^{۸۴} آنان میگردد. سطح بلند کمبود تغذیه که در نتیجهٔ عدم موجودیت توازن غذایی و امراض به وجود میاید، وجود دارد.

نتایجی که از ارزیابی ملی آسیب پذیری روستا ها در سال ۱۳۸۱/۸۲ (۲۰۰۳) به دست آمده است، نشان میدهد که ۵۷ فیصد مردم دارای سطح پائین تنوع غذایی هستند که این عامل بیانگر قوی آسیب پذیری به حساب میاید.

علاوه بر موانعی که در فصل ۴ شناسایی گردیده اند، موانع مشخص بخش ذیل وجود دارند:

۱. سوء تغذی مانع کلیدی در راه انکشاف دهات افغانستان و اهمیت مصونیت غذایی و تغذیهٔ بشری را آشکار میسازد. وضع خوب تغذی برای انکشاف دهات ضروری و مورد نظر میباشد. سه کمبود مهم تغذی عبارت از ویتامین (A)، آیودین و آهن است که این همه رشد ذهنی و ظرفیت کاری افراد را شدیداً متضرر میسازد.

۲. انکشاف مویشی به سبب قلت مواد خوراکه مواجه با مشکلات است. مالداری جزء کلیدی معیشت اکثریت خانواده های روستایی افغان را تشکیل میدهد که منبع بزرگ عایداتی و غذایی برای آنها میباشد. حیوانات، غالباً منبع عایداتی برای کوچی ها میباشند. در سکتور مالداری، زنان نیز نقش مهمی را بازی مینمایند و این منبع مهم، یک عامل استقلال برای مردم بی زمین میباشد. علفچرها که ۴۵ فیصد زمین ها را تشکیل میدهد، باعث کمک فراوان، به مالداری گردیده است. بر حسب احصائیهٔ سال ۱۳۸۱/۸۲ (۲۰۰۳)، رقم مالداری

^{۸۳} - منبع: وزارت صحت عامه و پوهنتون تفتس، سال ۲۰۰۳.

^{۸۴} - منبع: پالیسی و استراتژی تغذیه عامه برای افغانستان.

تخمینی در حدود ۳۴ میلیون (به شمول ۱۲ ملیون مرغ) میرسد، که این یک کاهش بزرگ از سال ۱۳۷۰ (۱۹۹۰) به این طرف میباشد.

۳. **تخریب درازمدت زیربنا و عدم سرمایه گذاری در سکتور زراعت**، باعث سطح پایین تولیدات مزارع، اداره و استفاده ناپایه دار آب، عدم دسترسی به تکنالوژی های پیشرفته گردیده است. زیربنای ضعیف دهاتی از رشد و مشارکت سکتور خصوصی در عرضه خدمات و بازاریابی تولیدات، جلوگیری مینماید. در طول سالهای جنگ و خشکسالی، پیشرفت های محدودی در تولیدات زراعتی و تکنالوژی های صنعت زراعت وجود داشته است. دهقانان مایل نبودند تا شیوه های تولیداتی شانرا تغییر دهند؛ چون ایشان در مورد آینده اطمینان نداشتند و از سوی دیگر، خدمات مؤثر- به منظور آموزش شیوه های جدید تولیداتی- برایشان مهیا نشده بود. وسایل پروسس برای تولیدات باغداری یا کهنه بوده و یا هم وجود ندارد که مشکل کیفیت ضعیف تولیدات را در سطح زراعت دوچند ساخته است.

۴. **جامعه مقروض از مدرک تریاک، جامعه ضعیف و سازمان های زراعتی، طرزاعمل های نا مؤثر استفاده آب از را در پی داشته است.**

۵. **عدم دسترسی به کرایت، حجم بیشتر قرض های مربوط به تریاک و گروه های مربوط به تریاک باعث جلوگیری متشبتین از پرداختن به مسأله زراعت با ارزش و حاصلات قانونی میگردد که در نتیجه زرع خشخاش، به حیث خطری برای خانواده های فقیر باقی میماند.** سالهای جنگ باعث قیمت شدن کرایت گردیده و هیچ موسسه فعال رسمی کرایت به جز از دفتر (MISFA) وجود ندارد؛ ولی فعالیت های این دفتر نیز، مربوط به امور غیر زراعتی دهاتی میگردد. بسیاری از دهاقین به همین علت قرضدار هستند. این مشکل آنها را مجبور به زرع خشخاش مینماید. ضمناً، عدم دسترسی به کرایت، توانایی خانواده های فقیر و آسیب پذیر را در اداره خطرات، کاهش میدهد. در نتیجه، عواید کم و تولیدات کم، به طور دوامدار گریبانگیر ایشان میگردد.

۶. **زنان در تقریباً تمام ولایات افغانستان در به دست آوردن عواید برای خانواده هایشان کمک مینمایند.** ایشان غالباً کارهای عایداتی را در داخل خانه های شان انجام میدهند تا در بیرون از خانه. برای زنان حق الزحمه کمتر نظر به مردان پرداخته میشود و در بعضی حالات، پرداخت های شان کمتر از کودکان است. این شیوه ها برابری جنسیت اجتماعی (جندر) را تحت الشعاع قرار میدهد و نمی تواند تبعیض علیه زنان را در اقتصاد و دیگر عرصه ها از بین ببرد.

۳,۶,۸ استراتژی سکتوری^{۸۵}

هدف مورد نظر سکتور زراعت و انکشاف دهات از طریق استراتژی مبتنی بر چهار برنامه حمایتی متقابل و مرتبط تحقق خواهد یافت.

از طریق این برنامه ها، دولت سعی خواهد ورزید تا ارتقاء سطح زنده گی مردم فقیر، کاریابی، مشارکت در بازار، حمایت معیشت و مؤثریت سکتور های زراعتی و غیر زراعتی را تشویق نماید و همچنان زمینه را به منظور از بین بردن موانعی که در راه زراعت و تولیدات پیشرفته قرار دارد محیا نموده و زمینه های کاریابی را فراهم نماید.

۱- زراعت:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، چارچوب نهادی، تقنینی و تشویقی ضروری به منظور افزایش تولید و حاصلدهی ایجاد خواهد گردید تا محیط مساعدی برای زراعت مشروع و صنایع روستایی متکی به زراعت، ایجاد شود. همچنین سرمایه گذاری حکومتی در سکتور کشاورزی ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. در عرصه های ذیل توجه ویژه مبذول میگردد: باغداری دایمی، مسایل صحت حیوانات و مصونیت غذایی از طریق ایجاد نماینده گی های ویژه حمایتی و میکائیزم های عرضه خدمات مالی، حمایت از انجمن های دهقانان، نشانه گذاری تولیدات ملی، اعلان به موقع قیمتها، اطلاعات جوی و احصایه ها، فراهم نمودن تحقیقات استراتژیک و کمک تخنیکی، تأمین دسترسی به آبیاری و شیوه های تنظیم آب.

بیشتر از ۸۰ فیصد مردم به زراعت وابسته اند که این، منبع کلیدی رشد اقتصاد افغانستان را تشکیل میدهد. اگرچه سطوح تولیداتی زرع للمی و آبی در مقایسه با سطح اوسط منطقه بی پایینتر است و نیز نظام های آبیاری موجود در سطح پائین کیفی تقریباً ۲۵ فیصد فعالیت مینمایند، هدف دولت این است تا انکشاف اجتماعی و اقتصادی را از طریق سکتور محرک زراعتی مبتنی بر زرع قانونی و استفاده پایه دار از منابع طبیعی، رشد دهد. اتحاد عناصر مختلف اجتماع به صورت افقی در تمام اعتبارات و مواد اولیه، انکشاف خدمات تخنیکی و زیر بنای روستا ها و بازاریابی تقویت خواهد گردید، و اتحاد این عناصر به صورت عمودی، به شکل بهتر تولید کننده گان و بازار ها را ارتباط خواهد داد. دولت افزایش سرمایه گذاری را در بخش زراعت تسهیل خواهد بخشید (به شمول باغداری و مالداری) و انکشاف پیشه های زراعتی و تصدی

^{۸۵} - استراتژی سکتور زراعتی و منابع طبیعی بر بنیاد سند پالیسی، پالیسی و چارچوب استراتژی برای احیا و انکشاف سکتور زراعت و منابع طبیعی در افغانستان استوار است که در سال ۲۰۰۴ از سوی کابینه به تصویب رسید. این استراتژی از سوی چارچوب پالیسی و استراتژی آب و آبیاری و استراتژی جنگلات به پایه اکمال رسیده است که هر دوی آن، در اواخر سال ۲۰۰۴ از سوی کابینه تصویب گردید. علاوه بر آن، پلان تطبیقی وزارت احیا و انکشاف دهات اکنون تحت انکشاف قرار دارد که این همه در تنظیم استراتژی سکتور دولتی برای زراعت و انکشاف دهات، کمک مینماید.

های غیر زراعتی در روستا ها وسیله رشد اقتصادی، بهبود خواهد بخشید. ما همچنان دسترسی مردم را به زمینها از طریق ایجاد نظام ثبت زمین بهبود خواهیم بخشید که این نظام اسناد مستند از مالکیت را دربرخواهد داشت. دولت همچنان سعی خواهد ورزید تا تنوع غذایی را افزایش دهد و زمینه ها را برای افزایش عواید حقیقی مهیا سازد، تا باشد که تامین غذایی بهبود یابد. دهقانان براساس شیوه های مشارکتی و بررسی اقتصاد زراعتی آموزش خواهند دید و نماینده گان ترویج، تحت آموزش قرار خواهند گرفت تا به نیازمندی های دهقانان براساس شیوه های زراعتی رسیده گی نمایند. مراکز پژوهش و انکشاف نیز احیاء خواهد گردید. دولت قوانین و مقرره هایی را جهت تعیین معیار های کیفی (برای مواد زراعتی، خدمات مربوطه، و تولید زراعتی) نافذ خواهد نمود و آنرا از طریق بررسی و تصدیق، تامین خواهد کرد. تطبیق این برنامه ها به انکشاف موسسات کریدت دهات نیاز دارد که این موسسات بر اساس شبکه انجمن های دهاقین استوار است و دهاقین را با بازار های مالی در سطح کشور وصل میسازد.

۲. زیربنای فیزیکی دهات به شمول تنظیم آب:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

۱. مؤثریت اداره آب آبیاری، تصمیم گیری مشارکتی و اصلاحات اداری و اداره محیط زیست ارتقا داده خواهد شد و توزیع عادلانه تر منفعت ها در سرتاسر سیستم های آبیاری و محیط های مختلف زراعتی تامین خواهد گردید.
۲. دسترسی به آب صحتی به ۹۰ فیصد و امکانات بهداشتی به ۵۰ فیصد از روستا ها توسعه می یابد. ارتباط جاده یی برای ۴۰ فیصد از دهکده ها میسر خواهد شد که این مسئله دسترسی به بازار ها، اشتغال و خدمات اجتماعی را افزایش خواهد داد. ۴۷ فیصد روستا ها از آبیاری به پیمانه کوچک مستفید خواهند گردید. حدود ۸۰۰۰۰۰ خانه وار (۲۲ فیصد تمام خانه وار های افغانستان) از خدمات مالی بهتر مستفید خواهند گردید. معیشت حد اقل ۱۵ فیصد مردم دهات از طریق تأمین ۹۱ میلیون روز کاری حمایت خواهد شد.

اداره آب زراعتی: اداره آب زراعتی یک وسیله قوی در بهبود تولید زراعتی و فقر زدایی در روستا ها به حساب میاید، که آنرا میتوان از طریق حاصلات بیشتر، عواید زراعتی و کاریابی بیشتر دهات به دست آورد. هدف مالین است تا معیشت ها را از طریق اداره مؤثر آب زراعتی، تصمیمگیری مشارکتی و اصلاح ساختاری، اداره محیط زیست، توزیع مساویانه سود در سرتاسر سیستم های آبیاری و محیط زراعتی، بهبود بخشیم. دولت سیستم های آبیاری سنتی و رسمی را در سرتاسر کشور احیای مجدد خواهد نمود. دولت همچنان از طریق موارد ذیل، مؤثریت استفاده آب را بهبود خواهد بخشید:

تسهیل اداره محلی و جامعه بنیادی مالکیت سیستم های سنتی آبیاری، ایجاد انجمن های مصرف کننده گان آب برای اداره منطقی و مؤثر شبکه های آبیاری، انکشاف طریقه های بهره برداری از آبها و بند های آب، بهبود سیستم های اطلاعات پیرامون دسترسی به آب، بهبود طرز العمل های مؤثر زمین و استفاده از آب، و بهبود دهانه های آب و مطابقت آن با تنظیم آب مزارع، تنظیم مدغم شده منابع آب براساس شیوه های حوزه دریا، به

عهده گرفته خواهد شد. برنامه های آموزشی در سطوح مختلف برای افزایش مؤثریت سکتور آبیاری ادامه خواهد یافت. در برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان، دولت، آب رسانی و ضروریات آینده را پیرامون آن در دراز مدت مورد تحلیل و تجزیه قرار خواهد داد.

۳. زیربنای فیزیکی دهات و خدمات مالی :

مورد توجه قراردادن موانع دسترسی به زیربنای اساسی مورد ضرورت روستا ها و خدمات، زمینه های اقتصادی و اجتماعی را برای مردم فقیر روستا ها فراهم خواهد نمود و آنها را در اداره خطرات و انکشاف سرمایه ها، کمک خواهد کرد. هدف دولت این است تا مصونیت بشری را بهبود بخشد و رشد مساویانه را از طریق دسترسی به خدمات ابتدایی، داخل شدن در بازار، و انکشاف ظرفیت تولید قانونی اقتصاد دهات (زراعتی و غیر زراعتی) ارتقاء دهد. زیربنای مورد نظر، آموزش مسلکی و حکومتداری سالم محلی، از طریق موسسات محلی با همکاری تمام سهم داران، بهبود خواهد یافت تا باشد که ایشان بتوانند نیازمندی ها و اولویت های خویش را مورد توجه قرار دهند. ساحات استراتژیکی مورد تمرکز مشتمل خواهند بود بر رفاه روستا ها، حکومتداری محلی، عبور برنامه انکشاف برابری جنسیت اجتماعی (جندر)، انکشاف تشکیلاتی، و بهبود مشارکت های مؤثر.

سرمایه گذاری های دارای اولویت، مشتمل خواهند بود بر آب صحی، حفظ الصحة، آبیاری کوچک، سرکها و ساختار ها، مکاتب، کلینیکها، توزیع برق برای قریه جات (که مستلزم ماستر پلان برقی ساختن و توزیع برق در مناطق روستایی کشور میباشد)، آسیاب ها و مراکز اجتماعی. به منظور بهبود معیشت و رشد اقتصادی. دولت دسترسی به خدمات مالی با کیفیت را انکشاف خواهد بخشید (هم در قسمت قرضه کوچک و هم در قسمت خدمات مالی مناطق روستایی) بخصوص برای زنان و مردم نا دار، با انکشاف بازار های مالی غیر رسمی از طریق مرکز حمایه سرمایه گذاری قرضه کوچک در افغانستان. ایجاد سکتور مستقل و انتظامی و تجهیز منابع برای سرمایه گذاری در تصدی های کوچک و متوسط، دسترسی مردم به ویژه زنان و افراد فقیر را به خدمات مالی باکیفیت، بهبود خواهد بخشید.

۴. انکشاف جوامع محلی:

معیار های استراتژیکی پنج ساله دولت

انکشاف دهات به صورت جامع تقویت خواهد شد تا از مزایای آن ۱۹ میلیون نفر در بیشتر از ۳۸۰۰۰ دهکده بهره مند شوند. این کار از طریق انتخاب حد اقل ۱۴۰۰۰ شورای داوطلب انکشاف محلی در تمام دهکده های باقیمانده، تقویت اداره محلی و دادن اختیارات به جوامع محلی صورت خواهد گرفت.

سرمایه گذاری در انکشاف جامعه محلی، مردم را در شناسایی اولویت های شان، ازدیاد حکومتداری محلی سالم، ارتقای سطح آگاهی پیرامون روند های دموکراسی، یاری میرساند. هدف دولت این است، تا در سطح قریه ها و توسط برنامه ریزی محلی و اولویت دهی نیازمندیها، یک جامعه منحصر به خود را از طریق تصمیمگیری مشارکتی و حکومتداری ایجاد نماید.

برای تحکیم حکومتداری محل از طریق شوراهای انکشاف محلی، دولت سرمایه گذاری های خویش را در برنامه همبسته گی ملی، برنامه ملی انکشاف ساحوی و دیگر برنامه های کلیدی ملی، متمرکز خواهد ساخت. دولت همچنان سعی خواهد ورزید تا با شوراهای انکشاف محلی ترتیبات تمویل را برای بهبود مالکیت اجتماعی و مسؤولیت های مراقبت سرمایه گذاری روی دست گیرد. روابط میان شوراهای انکشاف محلی، ادارات ولایتی و شوراهای جدید التشکیل مشخص و تقویت خواهد گردید. تمرکز بر انکشاف جامعه محلی و برنامه های جدید برای سرمایه گذاری در دهات طوری تقویت خواهد گردید تا فواید سرمایه گذاری، وسیع و مساویانه باشد. دولت زنان را کمک خواهد نمود تا از سهم خویش در روندهای تصمیمگیری در قریه ها کاملاً مستفید گردند.

پالیسی و اصلاحات انتظامی:

اساس نظریات برنامه ۶ فوق را توجه به طرح های ذیل تشکیل میدهد:

دولت تلاش خواهد ورزید تا از طریق بررسی منظم وضعیت فعلی حقوقی و انتظامی (پالیسی های زمین، مقررات محیط زیست، چارچوب حقوقی برای فراهم کننده گان خدمات مالی، مالیات) موانعی را که دهقانان، کارگران غیر زراعتی، سکتور خصوصی دهات، صنایع خانه گی، تجار و سایر موسسات با آن روبرو اند، رفع نماید. دولت در نظر دارد تا فعالیت های مختلف زراعتی و انکشاف دهات را جهت اصلاح دهات همراه با دیگر پالیسی هایی که برای زراعت، معارف، صحت، اداره آب و حکومتداری محلی، تهیه گردیده مدغم نماید. تنظیم بیشتر و اعطای تصدیق به تولیدات زراعتی و روستایی به تولیدات فعلی ارزش بیشتر خواهد بخشید، منافع را ارتقاء خواهد داد و بازار یابی را در سطح منطقه و جهان رشد خواهد داد. حق تصدی زمین و سیستم های اداری اعم از سنتی و رسمی، بررسی خواهد گردید تا مشکلات تولیدات بالقوه و موانع مربوط به آن ها را از میان بردارد. بالاخره، دولت مشغول یک بررسی جامع از تأثیر اقتصادی و مؤثریت قیمت تمامی برنامه های ملی خواهد بود. این شامل برنامه همبسته گی ملی میشود، ولی منحصر به برنامه های همبسته گی ملی، برنامه ملی در سطح کشور و برنامه قرضه های کوچک نخواهد بود.

برابری جنسیت اجتماعی (جندر):

مشارکت زنان در اقتصاد زراعت دهات به نحو کافی تحقق نیافته و استراتژی دولت به تحلیل خواهد پرداخت تا دانسته شود که چگونه مسأله جندر بالای مالکیت و ترکیب زراعتی، تقسیم کار، فعالیت های بعد از جمع آوری حاصلات، پرورش مالداری و تولید لبنیات، تأثیر میگذارد. دولت اطمینان حاصل خواهد نمود تا به تاسی از روش جوابگویی به تقاضا و جامعه بنیادی در عرضه خدمات توسعه آموزشی، انکشاف بازاریابی و دسترسی بیشتر به خدمات مالی زنان مورد توجه مزید قرار داده شوند.

۶,۸ سکتور هفتم: مصونیت اجتماعی

۱,۶,۸ شرح

مصونیت اجتماعی، شامل مجموعه‌ای از پالیسی‌های عامه و مداخلات به منظور کمک جامعه افغانی به افراد، خانواده‌ها و - در سطح جامعه اداره بهتر، زیان و ضرر احتمالی و همچنین میسر ساختن حمایت از مردم بسیار نا دار است.

از لحاظ تاریخی، اشکال مختلف حمایت اجتماعی از طریق سیستم‌های جامعه و حمایت برای بسیاری از افراد مستحق جامعه افغانی موجود بوده است. دو دهه جنگ داخلی به شکل قابل ملاحظه‌ای سیستم‌های حمایتی رسمی سنتی را تحت فشار قرار داده است. ضرورت میرم به انکشاف حمایت از آنانی که از شبکه‌های موجود اجتماعی دور افتاده اند، وجود دارد. دولت باید سیاست‌های مصونیت اجتماعی کاری را ایجاد کند، تا مساعدت‌های مورد نظر (با استثنا امکان مساعدت کمک غذایی) را به گروه‌های مستحقتر مهیا سازد. سطح پایین مصونیت اجتماعی همیشه در سطوح پایین عایدات و مولدیت تطابق می‌یابد. حال آنکه سود مندی در سراسر رشد اقتصاد، همواره در توجه و تدارک برای گروه‌های شامل جامعه تفسیر نمی‌شود. از جمله سرمایه‌گذاری‌های مورد نظر برای افغانستان، یک قسمت از آن برنامه‌های^{۸۶} انکشاف دهات برای کسانی که در فقر زندگی میکنند و گروه‌هایی که از دست آوردهای جامعه مستفید نیستند و کسانی که در مناطق دور دست زندگی میکنند، نیز ضروری است. یک گروه محافظت اساس، همچنان به تقویت سرمایه‌گذاری فعلی مانند: کمک غذایی و اشتغال بر اساس پروگرامهای فواید عامه کمک خواهد کرد.

در رابطه به اهداف ام، دی، جی، دولت قبلاً متعهد شده است، تا تعداد مردمی را که عاید روزانه شان از یک دالر امریکایی کمتر باشد، در سال ۳ فیصد و آن تعداد از مردم را که از گرسنگی رنج می‌برند به ۵ فیصد کاهش بخشد.

هدف دولت اینست تا ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و امنیت مردم بسیار نیازمند و مستحق افغانستان را از طریق یک روند تقویت اقتصاد جهت فقر زدایی و ازدیاد خود کفایی، بلند ببرد.

۲,۶,۸ مسایل و موانع

بیشتر از دو دهه جنگ و بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی در کشور، باعث ایجاد یک محیط بی‌نهایت فقیر، پر خطر و محروم از بسیاری از خدمات اساسی برای یک تعداد قابل ملاحظه افغان‌ها گردید. تخمین‌های ابتدائی نشان می‌دهد که فقر مردم دهات در مقایسه با تمام نفوس کشور به ۵۳ فیصد میرسد. در نتیجه ساختارهای غیر مفید و عمیق اجتماعی و اقتصادی، گروه‌های چون زنان، کودکان، معلولین و معیوبین و سالخورده‌گان - به احتمال قوی - به شکل بی‌تناسب در میان کسانی که از فقر شدید رنج می‌برند، وجود دارند. دولت، همچنان

^{۸۶} - این یک تصور غلط عام است، که پروگرام‌های همبستگی ملی و دیگر برنامه‌های انکشاف دهات، اشکال مصونیت اجتماعی هستند. این پروگرام‌ها معیارهای بیشتر متداول را در سراسر مناطق دهات مهیا میکنند و گروه‌های بسیار نادر و بیشتر مستحق را در داخل جوامع دهاتی، در نظر ندارند.

از پنج برنامه پی که ذیل شناسائی شده است و ممکن به روش های مختلف نیاز داشته باشد، اطلاع دارد؛ شیوه پالیسی برای آسیب پذیری که در حوادث گیر مانده اند، از شیوه پالیسی فراهم آوری فرصت های کاری برای جوانان بیکار متفاوت میباشد. از آسیب پذیری که در بین نهاد های ضعیف دولتی و یک قسمت غیر متجانس فقراء و آسیب پذیری که در روستا ها زیست میکنند و در اقتصاد غیر رسمی مشغول هستند و یک سیستم حمایتی عامه که حدود و عرضه خدمات آن بی نهایت محدود میباشد، باید مواظبت به عمل آید.

بر علاوه موانعی که در فصل ۴ شناسایی شدند، موانع ذیل در سکتور های مشخص وجود دارند:

۱. یک مشخصه کلیدی که مقررات دولت را مواجه به چالش میسازد، عبارت از آسیب پذیری بی نهایت بسیاری از مردم کشور است. مشکلات ساختاری که توسط جنگ های طولانی داخلی به وجود آمده، با وقوع حوادث طبیعی و خشکسالی های طولانی، افزایش یافته اند. ارتباطات ضعیف میان مرکز و جوامع محلی وجود داشته که باعث محدود ساختن جریان اطلاعات گردیده و پاسخ به موقع را به تأخیر می اندازد.

۲. هیچ روند ثبت نام ملی ویا اداره آمار و حقایق برای گروه های معلولین و معیوبین، امروز در افغانستان وجود ندارد. این امر میکانیزم های مورد نظر و عرضه خدمات را که ادارات دولتی میتوانند انجام دهند و به عهده خواهند گرفت بطور جدی مانع میگردد. ایجاب مینماید تا اولویت ها را در میان گروه های معلولین و معیوبین افزایش داد و تمرکز را از معلولین و معیوبین جنگ، بر سایر معلولین و معیوبین نیز توسعه بخشید.

۳. عدم موجودیت یک برنامه آموزش مسلکی به حیث یک مانع عمده به دو گروه آسیب پذیر چون جوانان بیکار و سربازان ملکی سازی شده، محسوب میگردد. بدون یک برنامه آموزشی و مسلکی جامع، یک مسئولیت غیر ضروری عامه بر شانه های برنامه آغاز جدید افغانستان می افتد که یگانه منبع فراهم آوری حد اقل آموزش مهارت ها در یک زمان نسبتاً کوتاه، است.

۴. زنان به حیث یک گروه با چالش های قابل ملاحظه مواجه هستند. سرمایه گذاری به سطح بی نهایت پائین روی منابع بشری زنان صورت گرفته است و در نتیجه زنان در سرتاسر افغانستان، عمر کمتر از مردان دارند. میزان هشدار دهنده مرگ و میر زنان، میزان بلند بی سوادی، بی اختیار بودن، عدم مهارت ها و نبود سرمایه اقتصادی زنان، نتیجه سرمایه گذاری به سطح بی نهایت پائین در مورد آنها میباشد. اقدامات مصنوعیت اجتماعی برای زنان این را نیز ایجاب مینماید که به مقررات تبعیضی در برابر زنان در قوانین و پالیسی های نافذ کشور رسیدگی شود. درمورد حقوق زنان در قانون اساسی، شریعت و میثاق های مختلف بین المللی که افغانستان عضو آن میباشد، هیچ تبعیضی وجود ندارد.

۵. استقرار مجدد مهاجرین و افراد بیجا شده به حیث یکی از اولویت های مهم باقی مانده است. یک مانع کلیدی اقتصادی، احتمال بلند بودن مشبوع شدن بازار کار بی مهارت میباشد که به اثر بیکاری (و میزان کم استخدام) رشد تدریجی یک سکتور ضعیف غیر زراعتی و جریان بازگشت تعداد زیاد مهاجرین به کشور، افزایش می یابد. مهاجرین باقیمانده در کشور های همسایه همچنان با عوامل نگهدارنده و بیرون کننده با یک سطح پائین اقتصادی و مسایل مختلف سیاسی مواجه هستند که ممکن منجر به بازگشت داوطلبانه شان گردد. مهاجرینی که به خصوص در پاکستان و ایران بسر میبرند، با ارتباطات تجارتي و اجتماعی که در یک مدت طولانی در جوامع میزبان ایجاد نموده اند، نسبت به گروه های قبلی، بیشتر با این مشکل مواجه میباشند.

۶. **ظرفیت کوچک دولت در کار ایجاد نهاد هایی به منظور تحلیل و تجزیه نوعیت فقر، تعیین خطوط فقر، جذب کمکهای مالی و انکشاف سیستم های مؤثر و شفاف عرضه خدمات، همچنان موجود است.** این، در زمینه فقر چندین بعدی از انگیزه هایی است که غالباً از طریق محرومیت و انزوای سیاسی و اجتماعی، تمدید و تجربه شده است. فقر توسط یک تغییر ساده به وجود نیامده است بلکه معمولاً از ترکیب چندین عامل پوشیده به وجود می آید. به طور مثال، یک شخص در نتیجه مرضی معیوب گردید، شخص مذکور میتواند با چالش های بیشتر ناتوانمندی جنیست هم در سطح خانواده و هم در برابر جامعه مواجه گردد. بر علاوه، عدم سرمایه اجتماعی و اجناس عامه (دسترسی به تعلیم و تربیه، صحت، آب و به خصوص حفظ الصحه) به طور مداوم توانائی دولت و موسسات غیر دولتی را جهت فراهم آوری خدمات مربوط به مصونیت اجتماعی به مستحق ترین افراد جامعه، به قیمتی که دولت افغانستان بتواند آنرا بشکل مداوم تامین نماید، مختل میسازد.

۳,۶,۸ استراتیژی سکتور

هدف دولت برای سکتور مصونیت اجتماعی توسط یک استراتیژی مبنی بر پنج میکانیزم مرتبط و متقابلاً حمایت گردیده، تحقق خواهد یافت.

پالیسی مصونیت اجتماعی را که از لحاظ مالی پایه دار باشد، با انتقال مستقیم و غیر مستقیم در ساحت روستایی و شهری فقیر نشین، ضمن برنامه های موجود ملی غرض ارتقاء مشارکت گروه های محروم -ولی نیازمند- باید تقویت گردد. در بین پالیسی مصونیت اجتماعی، تعهدات کلیدی مانند تشخیص فقر ملی، تمرکز بالای از میان بردن تبعیض های مربوط به مسایل جنیست اجتماعی (جندر) و مشارکت مؤثر کودکان داخل در برنامه، شامل میباشند. با در نظر داشت منابع و ظرفیت های محدود دولت، حکومت تخصیصات و خدمات را برای آسیب پذیرترین گروه های مورد نظر^{۸۷} اولویت خواهد داد و قصد دارد تا در جامعه، خود کفائی را در

^{۸۷} - گروه های معین آسیب پذیر که در نظر گرفته خواهند شد، شامل خانواده هایی خواهد بود که اعضای معلول و معیوب داشته اند؛ خانواده هایی که سرپرستی آنان را زنان به عهده دارند و خانواده های بی زمین .

دراز مدت به وجود آرد. دولت یک میکانیزم ملی واکنش سریع را برای مبارزه با حوادث ناگوار و ارائه کمک های بشری، انکشاف خواهد داد. روند ثبت نام جامع و متکی بر اطلاعات (دیتابیس) به منظور نظارت از افرادی که معیوبیت فیزیکی و روانی دارند، ایجاد خواهد نمود. یک برنامه کاری مثبت، ۱۰۰،۰۰۰ معلول و معیوب را در برنامه انکشاف مهارت های ملی ثبت نام خواهد نمود. این برنامه همچنان ۱۰۰،۰۰۰ جوان بیکار و سرباز ملکی شده را تحت پوشش قرار داده و برای آنها آموزش مهارت های تقاضای مارکیت را فراهم خواهد نمود. در اینجا، توجه خاص به زنان آسیب پذیر مبذول میشود و تعداد زنانی که در فقر شدید به سر میبرند، به ۲۰ فیصد در ظرف ۵ سال آینده کاهش خواهند یافت. بالاخره، حکومت تلاش خواهد نمود تا بازگشت دواطلبانه و استقرار مجدد مهاجرین را از تمام کشور های همسایه تکمیل نماید.

۱. مبارزه با حوادث و کمک های بشری:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

۱. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای برآورده شدن اهداف ام. دی. جی. افغانستان، شمار افرادی که درآمد شان کمتر از یک دالر امریکایی در روز است، سالانه سه فیصد و شمار افرادی که از گرسنه گی رنج میبرند سالانه پنج فیصد کاهش خواهد یافت.
۲. تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، یک نظام مؤثر آماده گی و واکنش در برابر حوادث ناگوار ایجاد خواهد گردید.

یک قابلیت سازمان یافته واکنش و مبارزه با حوادث به حیث یک شکل ابتدائی مصونیت برای افغانها، فعالیت خواهد نمود. این امر آنها را در عرصه به دست آوردن امنیت فیزیکی اساسی کمک نموده و ظرفیت های شانرا جهت دریافت معیشت های پایه دار ارتقاء میدهد. دولت میخواهد تا یک ظرفیت ملی آمادگی مبارزه با حوادث ناگوار را غرض مجادله مؤثر با حوادث اعم از طبیعی ویا انسانی تدریجی و سریع در سر تا سر کشور ایجاد نماید. دولت تصمیم خواهد گرفت تا یک ذخیره غذایی را در سطح ملی ایجاد نماید تا بتواند کمکهای غذایی و سایر کمکهای عاجل را تحقق بخشد. در مورد بهره برداری مؤثر از کمکهای غذایی، دولت تلاش خواهد نمود تا طرز العمل هایی را انکشاف دهد که به وسیله آن بتواند از محرومیت بعضی از ساحات به منظور دریافت کمکهای عاجل کاهش به عمل بیاورد. و نیز برانکشاف ظرفیت های ایجاد کاریابی از طریق برنامه فواید عامه تمرکز نماید. ارتباطات و پخش اطلاعات به حیث وسایل کلیدی در مبارزه با حوادث کار میدهد. حکومت اقداماتی اتخاذ خواهد نمود تا اطلاعات پیرامون حوادث به خصوص سیستم اطلاعات قبل از وقوع حوادث را به صورت عموم در سطح شوراها، ولسوالی ها، ولایات و در سرتاسر کشور تکثیر نماید. بر علاوه، به منظور ادغام اطلاعات در انتظامات، به موسسات و مناطق جغرافیائی ضرورت محسوس میشود. کمیسیون ملی اداره آمادگی مبارزه با حوادث ناگوار، ابتکارات جدیدی را برای هماهنگی سرتاسری به شمول "ایجاد سیستم های اعلام خطر قبل از وقوع حادثه در سطح کشور" روی دست دارد که هماهنگی نزدیک با بررسی های بیشتر

سازمان یافته، مانند ارزیابی آسیب پذیری و خطر، خواهد بود. کمیسیون مذکور همچنان مسئول هماهنگی با جوامع بین المللی و کمکهای بین المللی (کمکهای غذایی و غیر غذایی) در جریان وقوع حوادث - به سطح ملی- میباشد.

۲. حمایت از زنان آسیب پذیر:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تعداد خانواده هایی که سر پرستی آنها به عهده زنان بوده است و دچار فقر مزمن هستند ۲۰ فیصد کاهش و میزان اشتغال آنها ۲۰ فیصد افزایش خواهد یافت.

پالیسی ها و پروژه ها برای زنان آسیب پذیر، بهتر میتواند آنان را در بافت جامعه از آغاز یک روند توانمند سازی اقتصادی، ادغام نماید. هدف دولت این است تا تبعیض علیه زنان را در افغانستان -به خصوص آنهائیکه در فقر شدید به سر میبرند- از بین برده و ظرفیت های شانرا ارتقاء بدهد تا رهبری و مشارکت مساوی آنان در تمام عرصه های انکشاف ملی تامین گردد. ادغام جنسیت اجتماعی (جندر) یکی از استراتژی های عمده دولت برای دستیابی به مقاصد برابری جنسیت اجتماعی (جندر)^{۸۸} میباشد. تشویق پیشرفت زنان یک مسئولیت مشترک در دولت بوده و یک مسئولیت همه جانبه تمام سکتور ها، نهاد ها و افراد به منظور شامل ساختن زنان ویا مسایل جنسیت اجتماعی (جندر) در تمام امور دولتی چون: تهیه پالیسی، بودجه ها، برنامه ها، پروژه ها، خدمات و فعالیت ها به شمول استخدام، آموزش، ارتقاء، تخصیص منفعت ها و فرصت ها برای آنها میباشد. اقدامات مثبت به گونه رسمی و فعال صورت خواهد گرفت تا مشارکت زنان را در تمام سطوح سیاست پردازی و تصمیم گیری تامین نماید؛ بر علاوه تامین این مسئله که زنان نظر به تعداد در دولت نمایندگی مینمایند، فرصت ها باید برای آنها فراهم گردد تا ظرفیت های رهبری شان افزایش داده شود. مشارکت و رهبری واقعی زنان یک جزء ضروری ادغام جنسیت اجتماعی (جندر) بوده و این برنامه تلاش خواهد نمود تا افزایش سیاسی محلی را جهت حمایت از تطبیق این برنامه ایجاد نماید.

۳. حمایت از جوانان بیکار و عساکر ملکی شده:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، فرصت های اشتغال برای جوانان و عساکر ملکی شده از طریق برنامه های خاص افزایش خواهد یافت.

^{۸۸} - این استراتژی دولت در چارچوب انکشاف ملی و پلان کاری برلین بوده است. این مسأله همچنان تحت پلتفورم بیجینگ برای عملکرد تذکر یافته که در جریان کنفرانس چهارم جهانی زنان تصویب شده و از آن به بعد به حیث یک چارچوب جهانی برای رشد موقف زنان و تساوی جنسیت اجتماعی (جندر) استفاده شده است.

شمولیت جوانان و عساکر ملکی شده در اقتصاد رسمی کشور برای مقاصد احیای مجدد اقتصادی و اجتماعی کشور، بسیار مهم میباشد. اگر اشخاص سالم بتوانند برای خویش کار دریافت نمایند و خود را به حیث اعضای مؤثر جامعه حمایت نمایند، دست آورد های شان تسریع خواهد گردید. مقصد از این برنامه ارتقای مؤثریت جوانان بیکار و آن کسانی است که از طریق روند خلع سلاح و استقرار مجدد و روند خلع سلاح گروه های مسلح غیر قانونی، ملکی سازی شده اند. حمایت بیشتر از ادغام اجتماعی آنها جهت کمتر ساختن جرایم و ارتقای مؤثریت در سطح ملی، صورت میگیرد. گرچه تا هنوز دولت یک پالیسی واضح را جهت حمایت از جوانان انکشاف نداده است، ولی هدف از پالیسی های دولت حمایت از ارتقای ظرفیت های کاری، ارتقای سطح دانش جوانان و رشد توانایی آنها به منظور مشارکت در روند احیای مجدد و بازسازی افغانستان میباشد. حکومت باید یک مرکز کارپایی را برای جوانان ایجاد نماید، و همچنان از حقوق علمی، فرهنگی و هنری جوانان مبتکر حمایت نماید.

۴. حمایت از معلولین و معیوبین:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، کمکهای بیشتر به منظور تأمین نیازمندی های خاص افراد معیوب، به شمول ورود ایشان در جامعه، از طریق فرصت های تحصیلی و کار مفید، فراهم خواهد گردید.

معلولین و معیوبین شاید آسیب پذیر ترین گروه را تشکیل دهند که نیاز به مصونیت اجتماعی دارند: تدارکات ابتدائی توسط دولت برای ادغام آنها در عرصه های اقتصادی و اجتماعی جامعه افغانی کمک بزرگ خواهد نمود. هدف از این برنامه، ایجاد یک جامعه آزاد از موانع، بر اساس اصول مشارکت، ادغام و فرصت های مساوی برای همه که توسط سازمان ملل متحد^{۸۹} تعیین گردیده، میباشد. با انجام این کار، دولت افغانستان رفع تمامی موانعی را که از مشارکت معیوبین در جامعه جلوگیری میکند، در صدر کارهای خود قرار داده است تا آنها قادر شده بتوانند مسؤولیت زنده گی خود را خود در دست گیرند. انکشاف اولویت های معیوبین که نه تنها شامل معیوبین جنگ؛ بلکه سایر معیوبین میگردد، تاکید بر افزایش کمکها برای همه معیوبین دارد، در همین حال از فداکاری های معیوبین جنگ برای افغانستان به طور مداوم قدر دانی به عمل می آید. برنامه های صحتی دولت، کشف به موقع، جلوگیری و احیای مجدد معلولین و معیوبین برای موفقیت پالیسی صحتی دولت بسیار مهم میباشد. دولت افغانستان همچنان تلاش دارد تا سیاست هایی را برای پیشرفت جوانان انکشاف داده و تلاش به خاطر هماهنگی میان ادارات دولتی را بهبود بخشد. بر علاوه، حکومت فعالیت های بنیاد های

^{۸۹} - در برنامه جهانی مربوط به افراد معیوب، قوانین معیاری بخاطر تساوی فرصتها برای افراد معیوب، چارچوب هزاره بواکو برای برنامه بسوی شمولیت؛ جامعه آزاد از موانع و مبنی بر حقوق افراد معیوب در آسیا و منطقه اقیانوس آرام؛ و بالاخره، انکشاف مداوم برای میثاق بین المللی جهت محافظت و ارتقای حقوق افراد معیوب مواردی ذکر شده است.

ملکی، موسسات غیر دولتی و موسسات بین المللی هماهنگ می نمایند تا مشکلاتی که جوانان به آن مواجه بوده اند، در سایر برنامه های کلیدی ملی ادغام گردند.

وزارت صحت عامه تلاش دارد تا یک پالیسی و استراتژی را به منظور انکشاف یک سیستم کشف و معاینه به موقع مشکلات فیزیکی، سمعی، بصری و ذهنی کودکان ایجاد نماید. کارمندان آموزشی و صحتی جهت نگهداری یاد داشت های دقیق و درست کودکان معیوب و سایر کودکان که در زمان ولادت در خطر قرار دارند، آموزش خواهند دید.

۵. تکمیل استقرار مجدد مهاجرین و بیجا شده گان:^{۹۰}

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تمام مهاجرانی که عودت مینمایند و هم بیجاشده گان داخلی، از مساعدت ها، برای احیای مجدد شرایط زنده گی و جاگزین ساختن شان در محلات اصلی، مستفید خواهند شد. ورود آنان در جامعه از طریق برنامه های انکشاف ملی به ویژه در ساحات کلیدی، حمایت خواهد گردید.

بازگشت داوطلبانه و استقرار مجدد تمام افغانهای مهاجر از اولویت های دولت به شمار میرود. استقرار مجدد مؤثر، مستلزم فرصت های اقتصادی در داخل افغانستان میباشد. مهاجرین و افراد بیجا شده طوری میتوانند ادغام مجدد شوند که فرصت های اقتصادی برای آنها در افغانستان مهیا گردد. حکومت به خاطر بازگشت تمام مهاجرین باقی مانده و عادی سازی حالت قانونی شان کار مینماید و همچنان با کشور های همسایه در مورد قرار داد های دراز مدت را در ارتباط به تعداد و وضعیت افغان های باقی مانده (به حیث مهاجرین اقتصادی) مذاکره نموده، ضمن اینکه بیجا شده گان داخلی و ادغام مجدد آنها را به شکل مؤثر و مداوم حمایت مینماید، یک استراتژی برای بازگشت مهاجرین در حال تشکل است و توافقنامه های سه جانبه در مورد بازگشت داوطلبانه به کشور های پاکستان و ایران در جریان سال ۱۳۸۴/۵، ختم میگردد. دولت تلاش خواهد نمود تا جهت تمدید توافقات مذکور تحت شرایط قابل پذیرش دوطرفه، مذاکره نماید.

به منظور رفع نگرانی ها نیکه اخیراً منتج به مسدود شدن کمپ های مهاجرین به دلیل امنیتی گردید، چنین فعالیت ها به شکل محتاطانه در دوطرف سرحد، مطالعه خواهد گردید.

در مورد پلانگذاری های آینده، مسدود شدن و تثبیت کمپ های مهاجرین، یک نقشه برداری و تحلیل و تجزیه کمپ ها و مساکن با معیار های واضح ارزیابی فعال جریان دارد (به طور مثال، امنیت، دیدگاه ها برای بازگشت، امکانات خود کفایی)، ولی در روند مسدود شدن، تثبیت و اخراج اجباری از تمام کمپ ها باید مسئله بازگشت داوطلبانه رعایت شود. دولت، بر کشور ایران جهت تنظیم مهاجرت از افغانستان در یک چارچوب برنامه بازگشت، فشار وارد خواهد کرد. تجارب تخنیکی از موسساتی چون موسسه بین المللی کار و موسسه

^{۹۰} - بیشتر استراتژی دولت از مشوره های استراتژی کمیساری ملل متحد برای مهاجرین در باره مهاجرین و رفت و آمد مردم به افغانستان، گرفته شده است که در ژنوا به تاریخ ۷ اکتوبر ۲۰۰۵ پیشکش گردید.

بین المللی مهاجرین جهت ارتقاء بخشیدن ظرفیت های دولت به خاطر رفع مهاجرت، بنابه دلایل اقتصادی و سایر اشکال مهاجرت، استفاده نموده، و با ورود مهاجرین بازگشت کننده، این مسئله را تشخیص خواهد کرد. لازم است تا اقدامی به منظور محافظت از گروه های مهاجرین فعلی افغان، صورت گیرد. مسایل مشخصی چون به رسمیت شناختن شهادتنامه های تعلیمی، حل ناشدنی باقی مانده است و دولت متعهد است تا محافظت حقوقی را برای مهاجرین بازگشت کننده فراهم نماید. دولت مذاکراتی را با مقامات ایرانی پیرامون تمدید اسناد ثبت شده افغان ها، بررسی میکنیم ها برای قضایای اخراج و دسترسی مداوم به خدمات اجتماعی، انجام خواهد داد. دولت تلاش خواهد نمود تا اقامت موقت افغانها را به حیث یک گام مهم تنظیم نماید تا براساس آن، ترتیبات اداره آینده را بتوان ایجاد نمود. یک چالش عمده تأمین این خواهد بود که گام دومی به قدر کافی، نیازمندی های واقعی مصونیت را در میان افغانهایی که از قبل در افغانستان زندگی میکنند و افغان هایی که به تازه گی به کشور بازگشت نموده اند، منعکس سازد.

۷،۸ سکتور هشت: اداره اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی

۱،۷،۸ شرح

ایجاد نظام های سالم اداره اقتصادی، یک امر حیاتی به خاطر فراهم آوری خدمات اساسی دارای کیفیت عالی برای شهروندان افغانستان و ایجاد یک فضای مساعد، برای رشد سکتور خصوصی به شمار میرود. طوری که اداره اقتصادی دربرگیرنده فعالیت های مختلف دولت (در سطح ملی، ولایات و ولسوالی ها) باشد، اداره سالم اقتصادی برای تضمین اینکه منابع نادر ملی به منظور حمایت از تحقق اهداف انکشاف ملی بصورت مؤثر، کارا و مسئول استفاده میگردند، لازم پنداشته میشود. علاوه براین، با تغییر دولت ها در افغانستان، نظام های اداره اقتصادی ما باید تغییر پذیرند تا دگر گونی هایی که در اجراءات عواید و مصارف- به دلیل ارتباط بین اداره اقتصادی و اصلاح اداره عامه^{۹۱} رونما میگردند- انعکاس داده شوند.

رشد اقتصادی و فقر زدایی تنها وقتی میتواند، انجام پذیرد که رشد سکتور خصوصی به شکل مداوم و بر اساس سرمایه گذاری های مؤثر صورت گیرد. تنها سکتور خصوصی قادر خواهد بود تا فرصت های کاری را فراهم نموده و منابعی را ایجاد نماید که دولت به منظور دستیابی به دیدگاه های مطروحه استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، به آن نیاز دارد. طوری که در فصل چهارم شرح گردید، افغانستان به پیشرفت های چشمگیری در ثبات اقتصاد ملی دست یافته است. فعالیت های کوچک و متوسط سکتور خصوصی شاهد رشد بوده اند، ولی فعالیت های بزرگ، عمداً توسط تلاشهای بازسازی بین المللی و واردات به معیار وسیع صورت گرفته است. با استثنای صنعت مخابرات، سکتور خصوصی قسماً بنابر مصارف بلند معاملات تجاری در افغانستان بی میل بوده است تا سرمایه گذاری های میان مدت و دراز مدت را به عهده گیرد. گرچه تجارت در سطح دو رقی بوده و اکثر کالاهای وارد شده، مجدداً به پاکستان و ایران صادر می شوند، و این در حالی است که واردات وسیعاً توسط کمک های بین المللی و اقتصاد مواد مخدر تمویل میشوند.

^{۹۱} - تأسیس یک اداره مؤثر عامه و خدمات ملکی از طریق بازبینی چنین تعیینات، مفهوم عمده را برای این که ظرفیت های اداره اقتصاد اساسی و هم مسئولیت ها چگونه ایجاد و اجرا میشوند، در بر خواهد داشت.

در نتیجه ۲۵ سال جنگ، عدم موجودیت حاکمیت قانون، یک محیط انتظامی رسمی و فراهم آوری خدمات اکثر فعالیت های سکتور خصوصی تحت تأثیر اقتصاد غیر رسمی، درآمدها است. تسلط اقتصاد غیر رسمی، رشد دراز مدت را محدود ساخته، فشار های ضد رقابتی را به وجود آورده، فساد اداری را تشویق کرده، مصونیت را برای کارکنان و مشتریان از میان بر داشته و عواید دولت را کاهش داده است. بناً، یکی از اولویت های کلیدی دولت، مساعد ساختن محیطی است که منفعت های رقابتی را برای سکتور خصوصی به وجود آورد تا در چارچوب اقتصاد رسمی فعالیت نماید. طوری که تجارت ها دسترسی بیشتر بهتر را به منابع تولیدی، بخصوص دسترسی را به مسایل پولی تامین کرده، تشکل اقتصاد سطوح تولیدی را ارتقاء خواهد بخشد. این، در عوض، دولت را اجازه میدهد تا به شکل تدریجی اساس مالی و عواید داخلی را ارتقاء بخشد که برای بهبود ظرفیت های دولت بمنظور عرضه خدمات اساسی و کاهش اتکانش بر کمکهای خارجی، ضروری میباشد.

ادغام بازار های افغانستان در سطح جهانی و به ویژه در اقتصاد منطقه یی، برای ثبات و رشد اقتصادی کشور، از اهمیت به سزایی برخوردار میباشد. ارتباط با این بازار ها نه تنها رقابت صنعت های داخلی را تامین میکند، بل، جلب و جذب سرمایه گذران را به افغانستان نیز افزایش میدهد. با انکشاف یک نظام مؤثر برای داد و ستد ترانزیت بین المللی، یک بخش وسیع سرمایه گذاری های آینده به هدف سرمایه گذاری به دلیل موقعیت استراتژیک افغانستان به حیث یک پل زمینی- که آسیای مرکزی و آسیای جنوبی را به هم وصل مینماید - بکار خواهد رفت.

هدف دولت ارتقای اداره و حسابدهی مصارف عامه، به منظور افزایش استفاده مؤثر منابع از طریق بودجه، به حیث وسیله پالیسی دولت میباشد. مقصد دولت همچنان ایجاد شرایط برای یک سکتور خصوصی محرک و رقابتی است که بتواند رشد نماید، رشد اقتصادی را یاری رساند، اشتغال ایجاد کند و فقر را کاهش دهد.

۲,۷,۸ زمینه ها و موانع

بر علاول موانعی که در فصل ۴ ذکر گردیده اند، موانع مشخص در سکتور ذیل نیز وجود دارند:

۱. نظام های اداره مالیات عامه دولت، ضعیف باقی مانده اند. ما به این باور هستیم که کمک های بیشتر بین المللی باید از طریق دولت و بودجه اساسی به مصرف رسند. ما این مسئله را درک مینماییم که تمویل کننده گانی که میخواهند مستقیماً دولت را حمایت کنند، در اثر ظرفیت محدود ما جهت جذب و مصرف مساعدت های بین المللی به شیوه کم مصرف و شفاف و تنظیم حساب دهی این مساعدت ها به طور مسوولانه و شفاف (به تمویل کننده گان و مردم افغانستان)، با موانع مواجه اند. دولت رفع این موانع را بدوش گرفته و در نظر دارد روی آن بحث و بعداً معیار های معین پیشرفت ها را به

طور عموم در مورد اداره مالیات عامه و اداره اقتصادی تحقق بخشد. حین تحقق بخشیدن این معیار ها، دولت بصورت مداوم تمویل کننده گان را وادار خواهد ساخت تا کمک های شان را از طریق بودجه ملی به مصرف برسانند.

۲. حمایت از بودجه خارجی غیر قابل پیش بینی، ساختار میان مدت مالی را تضعیف می نماید:

چارچوب مالی میان مدت، به حیث جریان سه ساله ایجاد میگردد که اساس برنامه ریزی چند ساله منابع دولتی و سرمایه گذاری را تشکیل خواهد داد. مقصد چارچوب مالی میان مدت پیش بینی مصارف عادی و مصارف بودجه اساسی انکشافی بر اساس جریان سه ساله میباشد. دولت نمی تواند، منابع بودجه خارجی را مشمول چارچوب مالی میان مدت سازد؛ زیرا حجم همچو کمکهایی خارجی نامعلوم است و به دولت برملاء نگردیده است. اما به منظور تبدیل منابع کلی به اولویت های مصارف استراتژیک، دولت باید تا حد ممکن پوشش کلی مالی (وجه اساسی و خارجی) را تعیین نماید. موفقیت چارچوب مالی میان مدت وابسته به علاقه مندی و توانایی مراجع تمویل کننده به منظور تعیین پرداخت های چند ساله قابل پیش بینی میباشد. بدون تعهدات چند ساله، دولت مکلف خواهد بود تا حد نهایی بودجه، دست آورد های بودجه را تعیین و معیار حد اقل عرضه خدمات را براساس فرضیه های نامعین تضمین نماید. چارچوب نامعین مالی میان مدت همچنان توانایی دولت را جهت انکشاف چارچوب سودمند مصارف میان مدت تضعیف خواهد کرد. هر چند این چارچوب وسیله مرکزی برای اجرای بودجه سازی مؤثر به شمار میرود.

۳. تمویل خارجی و خارج از بودجه، مرکزیت بودجه ملی را به حیث وسیله پالیسی ملی تحت الشاع

قرار میدهد: باوجود پیشرفت های عمده که در تولید عواید داخلی و ازدیاد سطوح کمکهایی مستقیم بودجه، (صندوق وجهی بازسازی و انکشافی افغانستان، صندوق وجهی نظم و قانون و صندوق وجهی مبارزه با مواد مخدر) صورت گرفته است، اکثریت وجوهای سکتور عامه به صورت همواره، خارج از بودجه اساسی قرار دارد (طور مثال سیستم خزانه) که این امر شفافیت و ثبات مالی، انسجام پالیسی دولت، و الویت دهی مصارف، عرضه خدمات و اداره را تضعیف می نماید. علاوه براین، تکیه قوی بر طرح برنامه های مصرفی ملی، اجرای منظم بودجه را لطمه می زند. در عرصه ها معینی مانند بخش امنیت، تصمیمی مبنی بر تمویل بودجه خارجی (به طور مثال اردوی ملی افغانستان) بدون در نظر داشت کامل ثبات مالی اتخاذ گردیده و حقیقت امر این است که بعضاً مصارف سکتور عامه که از منابع خارجی تمویل میگردد، باید در بودجه اساسی مدغم گردد و از سوی منابع داخلی تمویل شود و همچنان استراتژی خروج تمویل کننده طرح و روی آن موافقه صورت گیرد.

۴. تمویل خارجی و خارج از بودجه، نظم مالی را تضعیف می نماید: حفظ انضباط مالی در وضعیتی که

سطح عواید داخلی بسیار پایین باشد، در موجودیت روند های دوگانه بودجه بی غیر منسجم و سطح بسیار بلند سرمایه گذاری که خارج از چارچوب بودجه ملی صورت گرفته باشد، مشکل به نظر میرسد. در درازمدت، مصارف بلند دستمزد (به ویژه، در عرضه خدمات معارف و صحت که از

سوی مراجع تمویل کننده و موسسات سکتور امنیتی کمک می‌گردد) باعث ایجاد تقاضای مصارف گردیده که از حد ظرفیت دولت، به منظور جذب هزینه های کلی از طریق منابع داخلی در سالهای آینده، خارج می‌باشد. در درازمدت، اثرات قابل ملاحظه وجود خواهند داشت؛ زیرا وقتیکه دسترسی به منابع خارجی کاهش می‌یابد، دولت ناگزیر خواهد بود تا تصمیم مربوط به مصارفی را اتخاذ نماید که ممکن است در بعضی از عرصه های کلیدی عرضه خدمات را لطمه زند و این مسئله بالای رشد پایه دار و برآوردن اهداف فقر زدایی، اثرات منفی خواهد گذاشت.

۵. **برنامه های غیر منظم تعهدات، پرداخت ها و مصارف:** زمانی که مراجع تمویل کننده منابع خارجی را برای انکشاف در سال مالی مورد نظر تعهد مینمایند، به احتمال کلی، برای قرارداد کننده، در آن سال مالی، بنابر فاصله زمانی در برنامه ریزی، پرداخت صورت نخواهد گرفت. پرداخت برای قرارداد کننده (از سوی مرجع تمویل کننده)، به حساب دولت، تا زمانیکه پرداخت ها در سطح محل صورت گیرد، محسوب نمی گردد. طوری که وجوه انکشافی خارجی بر اساس تعهدات استوار باشد، در بسیاری از حالات، تعهدات در یک سال تا سال بعدی، به حیث مصارف محسوب نخواهند گردید. بنابراین، ایجاب مینماید تا چارچوب مالی میان مدت به صورت فزاینده بر حسب خدمات عرضه شده بالای پیگیری درآمد های بودجه یی تمرکز نماید تا پیگیری نیروی مصرفی.

۶. **پالیسی جامع بودجه یی بدون انسجام بودجه تضعیف می‌گردد:** پالیسی بودجه ملی باید تمام فعالیت های مالی دولت را احتواء نماید. تصمیم پالیسی با تأثیرات مالی باید در مقابل موانع قوی بودجه و در مقایسه با سایر تقاضا ها اتخاذ گردند. سطوح بلند انکشاف خارجی و تمویل وجوه خارج از بودجه ملی، جامعیت پالیسی بودجه را تضعیف می نماید و به گونه یی اثرات عمده یی بر ثبات مالی، خواهد داشت. تصمیم مبنی بر مصارف عادی و سرمایه در جریان برنامه ریزی و تنظیم بودجه، بی ارتباط باقی مانده و در شمار سطوح تعهدات مالی مصارف عادی مد نظر برای سال های مالی آینده، محسوب نمی‌گردد.

۷. **سطح بلند عرضه خدمات و مصارف معاملات:** هزینه های بلند ایجاد امنیت فزینی و داوطلبی غیر رقابتی در اجرای پروژه های بودجه خارجی، باعث مصارف مختلف و به طور خاص- مصارف کار- شده است. در بسیاری از حالات، مصارف عرضه (به طور مثال در سکتور سرکسازی) بر اساس معیار های بین المللی، گزاف به حساب می‌رود. این مصارف تأثیر منفی روی مؤثریت عملیاتی اداره سالم مصارف عامه دارد.

۸. **تمرکز ضعیف بر ارزیابی پیشرفت ها و دست آورد ها پیرامون فقر زدایی:** نظام های پیگیری مصارف تا هنوز بقدر کافی انکشاف نیافته اند که این امر، باعث محدود ساختن توانایی دولت در پیگیری ارتباط میان وعده ها، تعهدات، پرداخت ها و مصارف واقعی توسط وزارتخانه ها و هم توسط ولایات، می‌گردد. برعلاوه، تنظیم بودجه بر اساس نیروی مصرف شده (به عوض تنظیم بودجه مبتنی بر عواید) باعث محدود ساختن ارزیابی تأثیرات مصارف عامه، بر انکشاف ملی و فقر زدایی می‌گردد. گرچه بعضی ابتکارات از یک تعداد جنبه های تشکیلاتی بررسی به عمل آورده اند، اما

بسیاری از نهاد های دولتی به طور ناقص به میان آمده اند و در موقفی قرار ندارند تا خدماتی را که در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان پیش بینی شده اند ، عرضه نمایند.

۹. **پروژه سازی سنگین بودجه ملی، باعث سیستم های متوازی عرضه خدمات میگردد:** در بخش هایی مانند معارف و صحت، با وجود استدلال های صریح برای توحید مسایل پولی و حرکت به سوی شیوه های سرتاسری سکتوری، سکتور ها با تعداد زیادی از پروژه ها که از طریق منابع متعدد- با استفاده از طرح ها و طرز العمل های مختلف تمویل گردیده - مواجه میباشند. برنامه هایی - مانند برنامه مجموعه خدمات اساسی صحتی - در تقلیل بخشیدن چنین فروپاشی بودجه، یاری رسانیده اند ، ولی تلاش های بیشتر برای توحید مسایل پولی در چارچوب استراتژی های جامع و سازگار سکتوری و ملی، ضرورت است. تأثیرات مستقیم پروژه سازی سنگین را میتوان در سکتور معارف با اعمار مکاتب توسط دولت، ملل متحد، موسسات غیر دولتی، گروه های بازسازی ولایتی، صندوق وجهی ثبات ولایتی و موسسات خیریه، مشاهده کرد. واضحاً، برخورد های نا هماهنگ با سکتور ها جهت اجرای برنامه های پایه دار متوازن، مفید نیست.

۱۰. **نا برابری در سطح ولایات، با در نظر داشت وجوه بودجه خارجی:** برابری حقوق در سطح ولایات، در مورد تخصیص منابع بودجه ملی خارجی بسیار کم بوده است ؛ برای اینکه تخصیصات بر اساس یک پالیسی سازگار انکشاف یافته تشخیص نشده بلکه توسط یک قاعده منصفانه تخصیصی فقر ترتیب گردیده است. در بسا از موارد، ولایاتی که از نا امنی بیشتر متاثر اند، کمک های بسیار ناچیز دریافت مینمایند ؛ درحالیکه در ولایاتی که بیشترین کوکنار را تولید میکنند ، کمک های قابل ملاحظه را دریافت مینمایند. با تأسیس شورای ملی، با در نظر داشت عدم موجودیت نظارت بر مجموع منابع بودجه، شفافیت در تخصیص منابع ملی به حیث چالش دیگری برای دولت ظهور خواهد نمود. یک بررسی از بودجه های قبلی نشان میدهد که منابع ناکافی برای ولایات و ولسوالی ها تخصیص داده شده است و این وضعیت مسلماً عرضه خدمات شایسته را صدمه زده و حمایت سیاسی را برای دولت مرکزی تضعیف مینماید. این امر همچنان عدم مشارکت مقامات پایین رتبه دولت را در روند طرح بودجه، خاطر نشان میسازد.

۱۱. **غیر مسلم بودن بودجه به سطح ولایات و مسؤولیت های هماهنگی:** از آنجاییکه بسیاری از خدمات در سطح محلی فراهم میگردد، بناً لازم است تا با مقامات ولایتی (و در دراز مدت با مقامات ولسوالی) پیرامون طرح بودجه و مسؤولیت اجرای آن و همچنان برای بررسی سهام عواید و مصارف، مشورت صورت گیرد . برعلاوه، با تأسیس شورا های ولایتی، لازم پنداشته میشود تا مقامات ولایات، نقش قوی تری را در هماهنگی ولایتی ایفاء نمایند که اکنون چنین نیست. به گونه منطقی، تفویض یک اندازه مسؤولیت به ادارات دولتی که در سطوح پائین قرار دارند(هم برای بودجه عادی و هم برای بودجه انکشافی)، برای ارتقاء ظرفیت های کاری و مالکیت در محل مفید خواهد بود ؛ گرچه جرو بحث ها پیرامون غیر مرکزی سازی وظایف معین و تعیین سهام در مرحله ابتدایی قرار دارد.

۱۲. تسلط اقتصادی غیر رسمی و فرهنگ ضعیف پرداخت مالیات: اساسات مالیاتی، به دلیل اقتصاد رسمی موجود در کشور، در سطح پایین قرار دارد. سکتور زراعت، دو سوم اقتصاد کشور را تشکیل می‌دهد؛ ولی به دلایل سیاسی و اداری مشکل است که به این اقتصاد مالیه وضع نمود. دهه های جنگ و حکومت مرکزی ضعیف، فرهنگ پرداخت مالیات را تضعیف ساخته است، اما پرداخت مالیات قبلاً وجود داشت. قبول ۲۰ فیصد مالیه وضع شده بر شرکت های تجاری کشور- توسط دولت که نسبت به هر جای دیگر منطقه در پایین ترین سطح قرار داشته است- از سوی تجارت پیشه گان کشور با مقاومت روبرو شده است. موجودیت مالیات بیشمار کوچک، یک بار سنگین دیگر را به دوش سکتور خصوصی و افراد گذاشته است.

۱۳. عدم موجودیت ظرفیت در اداره مالیات و سکتور خصوصی، به منظور هدایت پالیسی های مالیاتی و محاسبه مالیات، موانعی را در راه گردآوری مالیات به وجود آورده است. در میان تجارت های کوچک و متوسط، عملکرد های حسابداری در سطح ابتدائی قرار دارند و یا هیچ انجام نمی شوند و در ریاست عواید وزارت مالیه کشور کارمندان ورزیده موجود نیستند تا ظرفیت های کاری را در سکتور خصوصی ارتقاء دهند.

۱۴. فساد اداری گسترده در ادارات گمرکی کشور به شکل مداوم، مانع تطبیق قوانین شده است. برعلاوه، ظرفیت و هماهنگی تطبیق ضعیف است. سطح پایین معاشات، آموزش و منابع ناکافی برای کارمندان در سرحدات کشور، فساد اداری را تشدید می بخشد. وجود افراد و اشخاص بانفوذ و پرقدرت محلی، در ساحات سرحدی کشور نیز انتقال عواید گمرکی جمع آوری شده را به حساب خزانه واحد مشکل میسازند.

موانعی که در راه انکشاف سکتور خصوصی قرار دارند: موانع ذیل در تمام سکتور موجود هستند و تمامی برنامه ها را متاثر میسازند:

الف - نداشتن زیر بنای مادی، به صورت مشخص تأمینات نامطمئن برق به حیث یکی از موانع مهم همچنان باقی است. بسیاری شرکت ها از جنراتور های گران قیمت استفاده میکنند. دسترسی به آب پاک و حفظ الصحه، همچنین عدم تسهیلات ارتباطی نیز موانعی مهمی هستند. سرک های خراب، نقاط عبوری سرحد و عدم تسهیلات درمیدان های هوایی به حیث موانع برای منطقه و تجارت بین المللی و سرمایه گذاری عمل میکنند. تعداد محدودی از خطوط هوایی فعلاً در افغانستان خدمت میکنند. نداشتن زیر بنا همچنان در ارائه خدمات مالی تأثیر دارند، بویژه در مناطق روستایی.

ب - حقوق ملکیت و زمین واضح نبوده و میکانیسم اجراءات ضعیف است. همچنان حقوق مبهم ملکیت ها بر توانایی سکتور خصوصی به منظور استفاده از زمین به حیث وثیقه برای کرایت تأثیر میکند. نبودن یک سیستم بیمه تجارتی، تأثیرات بالعکس نا امنی را بر سرمایه گذاری ها وارد مینماید.

ج - میکانیزم های اجراآت مؤثر، به ویژه سیستم محکمه تجارتی تا حال فعال نیستند یا منابع و ظرفیت ندارند. نبود و نا کافی بودن قوانین محافظت کننده - مانند حقوق قرضه دهنده گان - یک مانع جدی برای بانک ها و میانجیگران مالی است و همچنان هیچ چارچوب معین عصری برای اجاره دهی و بیمه، و هیچ قانونی در مورد قرض دهی غیر بانکی وجود ندارد.

د - مصارف گزاف معاملات تجارتی: فساد اداری و مشکلاتی که در به دست آوردن جوازاها، دسترسی به کریدت و اجرای قرارداد ها وجود دارد، مصارف معاملات را به نحو قابل ملاحظه بی برای سرمایه گذاران فعلی افزایش میدهد. جدول ذیل را مشاهده نمایید

جدول ۳,۸ شاخص های تجارت

۱۲۲ از ۱۵۵	درجه بندی سرتاسری
۱۶	شروع یک تجارت
به صورت اوسط، متشبین میتوانند در ۷ روز یک مرحله از کار شان را پیش ببرند که به قیمت ۵۲,۸ فیصد از سرمایه گذاری ناخالص ملی سرانه بر مجموع تجارت تمام میشود. به منظور به دست آوردن یک شماره ثبت تجارتی، هیچ پول پرداخت نمیگردد.	
ارقام موجود	گرفتن اجازه نامه
نیست	
۲۵	استخدام و برطرفی از وظیفه
۱۵۰	ثبت دارایی
۱۱ مرحله را در ۲۵۲ روز در بر میگیرد تا ملکیت خود را ثبت نمود. مصرف ثبت ملکیت ۹,۵ فیصد ارزش کل ملکیت است.	
۱۵۳	گرفتن قرضه / کریدت
۱۴۵	محافظت سرمایه گذاران
۷	پرداخت مالیات
یک شرکت متوسط باید در سال دو بار مالیه پرداخت نماید، ۸۰ ساعت را سپری کند و از ۲۱,۴ فیصد عواید ناخالص خود مالیه تادیه نماید.	
۱۲۸	داد و ستد آن طرف سرحداث
۹۳	انفاذ قرار داد ها
تقریباً ۱۰۰ روز را در بر میگیرد تا یک قرار داد را نافذ کرد. مصرف انفاذ قرار داد ۲۴,۰ فیصد قرضه است.	
۱۴۲	مسدود یک تجارت

ادامهٔ ارتشا و فساد در دستگاه دولت برای غیر محرک ساختن سرمایه گذاری، معاملات بطلی و بالارفتن مصرف آنها مهم پنداشته می شود. در همین حال، غیر قابل پیش بینی بودن روند های تجارت مانند مجوز دهی و اجرای حقوق املاک و قرار دادها را بالا میبرد. ارتشا و فساد همچنان بالای اجزای گمرک ها و اداره مالیات تأثیر میکند. معاش پایین، تعلیمات نا مؤثر برای کارمندان در سرحدات، باعث فساد اداری میگردد. مالیات اضافی زیان آور، بار سنگین دیگری بردوش سکتور خصوصی و افراد است. عواید غیر قانونی، که از اقتصاد تریاک به دست می آید، سکتور خصوصی تجارت را با چالش ها روبه رو میسازد.

عدم موجودیت بنیهٔ مالی خارجی، از موانع اصلی است، که توسط تجاران بیان شده است. افغانستان یکصد و بیست و دومین کشور از جملهٔ ۱۵۵ کشور است، که برای به دست آوردن اعتماد تجارتی تلاش دارد. دست رسی به بنیه مالی به ویژه در مناطق روستایی محدود است.

تجارت با رشته یی از موانع به شمول تأخیر، طرز العمل های بزرگ و سنگین و عدم موجودیت تسهیلات در پوسته های سرحدی، که رقابت صادرات افغانستان را تحت شعاع قرار میدهد، مواجه است. همچنان کمبود جدی ظرفیت برای مذاکرات تجارتی و قراردادهای حمل و نقل وجود دارد. دستمزد های بلند و رقم بلند تبادل اسعار - که در نتیجه جریان مساعدت های وسیع، فرستادن پول از خارج و صنعت مواد مخدر به دست می آید - باعث عدم رقابت تولیدات صادراتی شده است.

۳,۷,۸ استراتژی سکتوری

ادارهٔ اقتصادی و سکتور خصوصی ما از طریق مجموعه یی از ۹ برنامه مرتبط و برنامه های حمایتی یی که در ذیل خلاصه گردیده اند، تطبیق خواهند گردید:

۱ - ایجاد چارچوب میان مدت مالی:

معیار های استراتژیک پنج سالهٔ دولت

دولت چارچوب مصارف میان مدت را برای بودجه سال ۱۳۸۸ و بودجه سال های بعدی، تهیه خواهد نمود، و چارچوب میان مدت مالی تخصیص تمام منابع بودجه یی از سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸-۲۰۰۹م) به بعد را رهنمائی مینماید.

^{۹۲} - درجه بندی تجارتی مصارف مختلف معاملاتی را در ۱۵۵ کشور مقایسه مینماید.

دولت در نظر دارد تا به سوی یک چارچوب میان مدت مالی پنج ساله سوق گردد که از سوی بودجه‌ملی سالانه تقویت خواهد گردید و دارای نکات ذیل می‌باشد: ۱- مطابقت کامل با استقامت پالیسی استراتیژی انکشاف ملی افغانستان ۲- از لحاظ مالی پایه دار ۳- جامع و مدغم شده (مصارف عادی و سرمایه، بودجه های اصلی و خارجی) ۴- منظم (محدود نمودن مصارف برای منابع موجود جهت تطبیق پالیسی های دولت) ۵- حقیقی و قابل پیش گویی (عواید و مصارف در میان مدت پیش بینی می‌گردد) ۶- تمرکز فزاینده بر دست آورد ها و اجراءات بودجه یی ۷- حسابداری و شفاف.

در سال ۱۳۸۴، دولت یک چارچوب مالی متوسط‌المدت را طرح نمود. (به جدول ۴،۸ ذیل مراجع شود). چارچوب مالی میان مدت شامل اهداف پالیسی مالی و یک تعداد مقاصد مالی میان مدت، اقتصاد عظیم و طرح ها ی دیگر است می‌باشد که زمینه را برای دولت به خاطر ایجاد یک چارچوب مالی میان مدت قابل استطاعت، واقعی و پایه دار مساعد سازد و نکات ذیل را تامین نماید.

(۱) شفافیت در تعیین اهداف مالی (۲) ثبات در روند پالیسی سازی مالی (۳) مؤثریت در طرح و تطبیق پالیسی مالی. طوریکه برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان از وضع موقت الی تکمیل شدن آن خواهد رسید، چارچوب مالی میان مدت بالاخره به چارچوب مصارف میان مدت مبدل خواهد گردید. چارچوب مصارف میان مدت، دیدگاه دولت را با مصارف برنامه های دارای اولویت، به منظور تامین امنیت، افزایش توانایی مردم فقیر، فراهم نمودن اشتغال، مبارزه با فقر، و رشد سکتور خصوصی مطابقت خواهد داد. تقویه اصول مالی نیز مهم می‌باشد. تشکیلات مشابه عرضه خدمات، افزایش غیر ضروری معاشات که باعث تورم نا پایه دار در حق الزحمه ها می‌گردد، و قرارداد های منبع واحد با مصارف گزاف تشویق نخواهد گردید. در اصل، دولت بودجه عادی پایه دار را که از طریق عواید داخلی تمویل خواهد گردید، به دست خواهد آورد.

جدول ۴،۸: ساختار میان مدت مالی افغانستان برای سال های (۱۳۸۵-۱۳۸۹)

۱۱/۲۰۱۰	۱۰/۲۰۰۹	۰۹/۲۰۰۸	۰۸/۲۰۰۷	۰۷/۲۰۰۶	
۱۳۸۹	۱۳۸۸	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	
تمام ارقام به میلیون دالر امریکایی نشان داده شده است					
۱۲۲۰	۱۰۳۳	۸۵۳	۶۷۷	۵۳۲	عواید داخلی
% ۱۸،۱	% ۲۱،۱	% ۲۶،۰	% ۲۷،۳	% ۴۰،۴	رشد سالانه (فیصدی)
۱۲۲۵	۱۱۱۸	۹۶۸	۸۲۴	۷۱۹	بودجه عادی
۶۷۰	۶۱۵	۵۳۸	۴۵۷	۴۲۰	مزد
۵۵۵	۵۰۴	۴۳۱	۳۸۴	۲۹۹	غیر مزد
مصارف غیر بودجه					
۳۱۱	۳۰۴	۲۴۱	۱۸۱	۱۲۵	اردو
۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰	۱۳۰	پولیس
۱۴۴	۱۳۵	۱۲۶	۱۱۸	۸۶	خدمات صحی
۶۱	۵۸	۵۶	۵۴	۵۰	کمک به معارف

برنامه همبسته گی ملی	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
دیگر مصارف	۱۰۰	۹۲	۸۶	۸۰	۷۴
مجلس نمایندگان	۷	۸	۸	۸	۹
انتخابات	۹۲	۸۵	۷۸	۷۱	۶۵
مجموعه مصارف غیر بودجه	۶۴۱	۷۲۶	۷۸۹	۸۵۷	۸۷۲
مجموع مصارف عادی	۱۳۶۰	۱۵۶۸	۱۷۵۷	۱۹۷۵	۲۰۹۶
خلاء مالی	(۸۲۸)	(۸۹۱)	(۹۰۴)	(۹۴۲)	(۸۷۶)

یاد دهانی ها

فیصدی عواید ناخالص داخلی	% ۶,۰	% ۶,۶	% ۷,۲	% ۷,۸	% ۸,۱
عواید معاشات (به جز از اردو)	% ۱۲۶,۶	% ۱۴۸	% ۱۵۸,۶	% ۱۶۸,۱	% ۱۸۲,۱
عواید معاشات (به شمول اردو)	% ۱۰۰	% ۱۱۳,۴	% ۱۲۰,۹	% ۱۲۷,۵	% ۱۴۰,۹
عواید مصارف مجموعی عادی	% ۳۹,۱	% ۴۳,۲	% ۴۸,۵	% ۵۲,۳	% ۵۸,۲
رشد واقعی عواید ناخالص داخلی	۱۱,۲	۱۰,۸	۹,۷	۷,۵	۷,۵
کاهش عواید ناخالص داخلی (%)	% ۸	% ۵	% ۵	% ۵	% ۵
نرخ تبادل اسعار (افغانی/دالر)	۴۸,۵	۴۸,۵	۴۸,۵	۴۸,۵	۴۸,۵
عواید ناخالص داخلی (میلیون دالر)	۸,۸۰۳	۱۰,۲۴۲	۱۱,۷۹۷	۱۳,۳۱۶	۱۵,۰۳۰
نفوس	۲۵	۲۶	۲۶	۲۶	۲۷
افزایش (%)	% ۲۰	% ۱۵	% ۱۵	% ۱۰	% ۱۰
مصارف جدید (میلون دالر)	۳۶,۸	۳۲,۷	۲۷,۲	۲۷,۲	۰,۰
اکتوبر ۲۰۰۵ پیش بینی عواید وزارت مالیه	۵۹۵	۷۱۲	۸۹۲	۱,۰۹۰	
فیصدی عواید ناخالص داخلی	% ۶,۸	% ۷	% ۷,۶	% ۸,۶	

۲ - افزایش در جمع آوری عواید:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

مجموع عواید داخلی بودجه افغانستان که در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴ میلادی) معادل ۴,۵ فیصد تولیدات ناخالص داخلی بود تا سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) به تدریج به ۸ فیصد تولیدات ناخالص داخلی خواهد رسید. پیش بینی میشود که نسبت عواید بر مجموع مصارف عادی - به شمول مصارف عادی در بودجه اصلی و بودجه انکشافی خارجی - از ۲۸ فیصد در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴ میلادی) به ۵۸ فیصد در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) افزایش یابد. در نتیجه، طبق اصول مندرج در ضمیمه دوم، ضرورت مداوم در عرصه های ذیل وجود خواهد داشت، (۱) کمک های خارجی برای بودجه اصلی، و (۲) افزایش مؤثریت قیمتها در کمک هایی که مصارف عادی را از طریق بودجه انکشافی خارجی تمویل مینمایند.

افزایش عواید داخلی بر مبنای یک اقتصاد رقابتی رسمی و در حال رشد که بتوان به شکل مناسب بر آن مالیات وضع کرد، به حیث کلید ابقاء و پایه داری تلاش ها برای انکشاف و اعمار کشور حایز اهمیت است. در حال حاضر، جمع آوری عواید داخلی به حیث یک فیصدی رسمی تولید ناخالص داخلی بالغ بر تقریباً ۴,۵ فیصد می گردد، و پایین ترین فیصدی در جهان میباشد که تنها حدود ۵۰ فیصد بودجه عملیاتی فعلی را احتواء مینماید^{۹۳}. هدف جمع آوری عواید عمداً آنست تا جمع آوری مؤثر، منصفانه و مترقی عواید افزایش یابد و یک روند بودجه یی شفاف مبتنی بر نتایج چندین ساله به حیث یک وسیله کلیدی پالیسی اقتصادی به منصه اجراء گذاشته شود^{۹۴}. تا جاییکه به معیار های ارزیابی ارتباط میگیرد، عواید داخلی سالانه مطابق به چارچوب مالی میان مدت، افزایش خواهد یافت. وزارت مالیه از تلاشهای دولت به منظور تقویت جمع آوری عواید داخلی و تطبیق آن در همکاری با سایر نهاد های مربوطه دولتی، نظارت به عمل میآورد. تطبیق قانون تجدید نظر شده مالیات و قانون جدید بودجه و قانون جدید گمرکات که تمامی آنها در سال ۱۳۸۴ به تصویب رسیده اند برای تلاشهای موفقانه ما به خاطر تولید عواید بسیار مهم هستند.

به منظور بلند بردن عواید، دولت بر (۱) بزرگترین عامل بالقوه مالیه دهنده گان جهت کسب بیشترین پاداش طی پنج سال آینده و (۲) بر کاهش پیچیده گی و ساده ساختن و مؤثر ساختن طرز العمل ها برای کاهش مصارف روند جمع آوری مالیات و عواید گمرکی، غور خواهد کرد. مقررات و طرز العمل های جدید برای اداره مالیات و گمرکات، که عبارت اند از: (۱) به وجود آوردن سطوح قوی عواید غیر از مالیات ذریعه مجوز دهی منابع طبیعی دولت - از زمینی تا هوایی، از مواد معدنی تا گازات - (۲) ادامه اصلاحات در مستوفیت ها (دفاتر ولایتی وزارت مالیه)، مشتمل بر تنظیم مجدد در راستای گزارش دهی و ایجاد ارتباطات فعال با خزانه و ریاست عمومی عواید، به منظور تقویت ظرفیت های شان، (۳) تقویت جمع آوری عواید گمرکی و طرز العمل ها با بهبود بخشیدن قوانین جدید گمرکات و ساده سازی بیشتر نظام تعرفه های گمرکی، عصری ساختن ادارات گمرکی و بهبود نظارت در سرحد، تحقق قوانین وضع شده گمرکات و مالیات را حمایت کرده و اطمینان خواهد داد، که دولت برای نظارت و اداره مالی عامه قدرت کافی در دست دارد.

۳- ارتقای اداره مالی عامه:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی)، حکومت بهبود و شفافیت در اداره مالی را، در سطح مرکز و ولایات کشور، از طریق ایجاد و دستیابی به اهداف مشخص برای اداره مالی تأمین خواهد نمود. این اهداف که با موافقه جامعه بین المللی و تحت نظارت آن تحقق یافت، مشمول برنامه "رشد مبتنی بر فقرزدایی" نیز هستند. در مقابل و در راستای حساب دهی بهتر حکومت، کمک دهنده گان بیشتر سعی خواهند نمود تا سهم کمکهای خارجی را به افغانستان که به بودجه اصلی حکومت میروند، افزایش دهند.

^{۹۳} - در حالیکه در کشور های انکشاف یافته معمولاً اوسط میزان عواید به ۴۵-۵۵ فیصد تولید ناخالص داخلی میرسد، و در کشورهای کمتر انکشاف یافته به ۲۰ فیصد، افغانستان، تاریخی کمتر از ۱۰ فیصد (و فعلاً هم چنین است) داشته است. صندوق بین المللی پول /بانک جهانی، عواید داخلی را در افغانستان تجهیز مینماید: ساختار، پالیسی ها، اداره و دیدگاه ها، ۱۰ می ۲۰۰۵.

^{۹۴} - بخش زیاد این قسمت از اصلاحات اداره عامه و اداره اقتصادی گرفته شده است، برنامه سرمایه گذاری عامه، ۱۳۸۴-۱۳۸۷.

تقویت رشد اقتصادی، ساختن یک دولت مؤثر حسابداری و کاستن فقر، انکشاف نظام های امور مالی عامه را در بر میگیرد که عبارت اند از : ۱- به دست آوردن (انضباط کلی مالی) قابل برداشت. ۲- تخصیص در میان سکتور ها مطابق به اولویت های مشمول استراتژی انکشاف ملی افغانستان. ۳- پایه دار بخاطر آنکه سرمایه گذاری هاییکه امروز صورت گرفته اند میتوانند مؤثر عمل کنند و در آینده ابقا گردند. ۴- کار آمد به معنای ارزش پول و عرضه خدمات. (۵) گزارش دهی شفاف و پاسخگوی به مردم افغانستان و سهم داران دیگر. به صورت کل، فقدان یک بودجه قابل اعتبار، تحقق گرا و مبتنی بر پالیسی جامع میتواند به تورم شدید و بی ثباتی اقتصاد عظیم و بحران پولی و بحران محاسبات خارجی منتج گردد.

تورم شدید، اساساً بر مردم فقیر و گروه هایی که عایدات کم دارند، فشار وارد می نماید. جدول ۸، ۱۰ یک نظر اجمالی شاخص های کلیدی اجراءات اداره مالی عامه را بر اساس نتایج ارزیابی مالی عامه بانک جهانی (بانک جهانی ۱۳۸۴)، فراهم میکند. ضمن اینکه شاخص ها، دست آورد های قابل ملاحظه را از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۳ - ۲۰۰۲ م) به اینسو در ایجاد دوباره یک سیستم معتبر، حسابداری و مؤثر اداره مالی عامه روشن میسازد، به صورت مشخص سیستم ها و طرز العمل های موجوده، نظریه اصلاحات اداری و انکشاف منابع بشری ضرورت به تقویت بیشتر دارند. نظر به دلچسپی ویژه، دولت پیشرفت های قابل ملاحظه یی را در مورد ارتقا اعتبار بودجه عامه - خصوصاً در انسجام اندازه عواید- نموده است. در عرصه های دیگر مانند : ۱- شفافیت ارتباطات مالی بین الحکومتی ۲، - نظارت از احتمال خساره مالی از نهاد های عامه دیگر، ۳- دسترسی معلومات در مورد منابع به دست آمده از پیشرفت های واحد های عرضه خدمات، مستلزم ساخت و ساز میباشند. نظارت قانونی از بودجه به خاطر عدم موجودیت چنین یک اداره در درجه پایین قرار دارد ؛ اگرچه بعد از انتخابات موفقانه شورای ملی، این شورا، نقش واضح را در تصویب بودجه ملی مطابق قانون جدید اداره بودجه عامه دارد. مقدار کمک هایی که برای به کار بردن طرز العمل های ملی تنظیم شده است، به مثابه یک تشویش باقی می ماند که دولت در صدد حل آن خواهد بود.

دولت در نظر دارد تا از طریق ایجاد و شامل ساختن معیار ها برای اداره مالی در توافق با جامعه بین المللی و نظارت جامعه بین المللی به شمول آنانی که در زدودن فقر اقتصادی دست دارند ، اداره مالی بهبود یافته و شفاف را در مرکز و در سطح ولایات تأمین کند. در مقابل از تمویل کننده گان انتظار می رود تا سهم مجموع کمک های خارجی به افغانستان را که به بودجه اصلی دولت منتقل میشود از ۱۹,۵ فیصد در ۱۳۸۳ - ۱۳۸۴ حد اقل به ۵۰ فیصد در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ و برنامه های اجرا شونده به وسیله تمویل کنندگان را افزایش بخشند و برنامه های شفافیت مالی تمویل کننده را به اجرا گذارند. دولت همچنان سعی خواهد ورزید تا در میزان صندوق وجهی بازسازی افغانستان اصلاحات به وجود آورد و از طریق کابینه برنامه کاری را به تصویب برساند تا اداره مالی عامه را تقویت بخشد (به شمول برنامه یی جهت انکشاف وظایف و پوشش نرم افزار های اداره مالی ما، اصلاح مستوفیت ها، تهیه مقرر های مصارف و محاسبات طبق قانون اداره مالی عامه و تطبیق برنامه بازرسی سالانه، زیر نظر وزارت مالیه برای همه ادارات دولتی.

شاخص ها	۴	۳	۲	۱
الف. نتایج اداره مالی عامه: اعتبار بودجه				
نتایج هزینه کل در مقایسه با بودجه اصلی منظور شده	۲			
ترکیب نتایج مصارف در مقایسه با بودجه اصلی منظور شده	۲			
نتایج عواید کل در مقایسه با بودجه اصلی منظور شده	۴			
ذخیره کردن و نظارت پرداخت های عقب افتاده	۲			
ب. مسائل مشترک کلیدی: جامعیت و شفافیت				
دسته بندی بودجه	+۲			
جامعیت اطلاعات شامل ارائه اسناد بودجه	۲			
حدود عملیات های گزارش داده نشده دولت	۳			
شفافیت مناسبات مالی بین حکومتی	۱			
توجه به خطرات مالی برخاسته از دیگر نهاد های سکنور عامه	۱			
دسترسی مردم به اطلاعات کلیدی مالی	۲			
ت. جریان بودجه				
ت (۱) بودجه سازی بر اساس پالیسی				
نظم و مشارکت در روند بودجه سالانه	۲			
توجه به دور نماهای چندین ساله در برنامه ریزی مالی، پالیسی مصارف و بودجه سازی	+۱			
ت (۲) قابلیت پیش بینی و نظارت در اجرای بودجه				
شفافیت در مکلفیت ها و التزامات مالیات دهندگان	+۱			
مؤثریت اقدامات برای ثبت نام مالیه دهند گان و ارزیابی مالیه	+۱			
مؤثریت در جمع آوری مالیات	+۱			
پیش بینی موجودیت وجوه برای مصارف تعهد شده	+۱			
ثبت و تنظیم بیلانس پول نقد، قرضه و تضمینات	+۱			
مؤثریت در نظارت جدول معاشات	۲			
رقابت، ارزش برای پول و مراقبت در تدارکات	۳/۲			
مؤثریت نظارت داخلی بر مصارف غیر از معاش	۲			
مؤثریت تقشیش داخلی	۲			
ت. (۳) محاسبه، ثبت و گزارش دهی				
اقدام به موقع برای از میان بردن اختلاف در محاسبات	۳			
موجودیت اطلاعات پیرامون منابع دریافت شده توسط واحد های عرضه خدمات	۱			
کیفیت و گزارش های به موقع بودجه، در سال	۲			
کیفیت و صورت های حساب مالی سالانه	۲			
ت. (۴) بررسی و تقشیش خارجی				
حدود، ماهیت و پیگیری تقشیش خارجی	۲			
بررسی تقنینی قانون بودجه سالانه	۱			
بررسی تقنینی گزارش های تقشیش خارجی	۱			
ج. عملکرد های تمویل کننده گان (دو نر ها)				
پیش بینی حمایت مستقم بودجه	۴			

۱+	ارائه معلومات مالی از سوی تمویل کننده گان، برای بودجه سازی و گزارش دهی در مورد کمک به پروژه ها و برنامه ها
۱	تناسب کمک هایی که با استفاده از طرز العمل های ملی تنظیم میگردند.

دولت ملتفت است که بهبود سیستم اداره مالی عامه، تمرکز کلیدی تمام مصارف و واحد های عواید دولتی میباشد و کمکهای مداوم از همکاران بین المللی در جهت بهبود اجزای همه جانبه، دارای اهمیت است. چون بسیاری از شاخص ها در ردیف ۲ از جمله ۴ قرار دارد، بناً نیاز به تقویت بیشتر دارد. علاوه بر آن، طوری که حسابداری اداره مالی عامه نیاز به ظرفیت های بشری آموزش دیده دارد، رابطه قوی میان اداره اقتصادی پیشرفته و خدمات ملکی و اصلاحات اداری موجود است.

دولت در این اواخر، قانون جدید تدارکاتی را به تصویب رسانیده که غیر مرکزی سازی مسؤلیت های تدارکاتی را برای واحد های هزینه دولت در یک دوره سه ساله پیش بینی میکند. ظرفیت ها اساساً در امور تدارکات افزایش خواهد یافت تا داوطلبی رقابتی بین المللی- طوری که مناسب باشد - به حیث یک معیار کاری تدارکاتی باقی بماند.

تحت این قانون، دولت در نظر دارد تا اهداف ذیل را به دست آورد:

ایجاد یک واحد پالیسی تدارکاتی، اتخاذ مقرر های تدارکات، اتخاذ تصمیم به منظور غیر مرکزی ساختن تدارکات مبتنی بر اجزای، ایجاد یک کمیته بررسی فعال، و فعال سازی سیستم اداره اطلاعات تدارکاتی در سه وزارتخانه کلیدی مصرف کننده.

دولت در صدد است تا مشارکت سکتور خصوصی افغانستان را به حد اعظمی برساند برداشتن موانع داوطلبی را برای شرکت مؤثر در داوطلبی بین المللی بشمول دسترسی به قرار داد های ساختمانی از میان بردارد. دولت در صدد ارتقای تدارکات برای تضمین مؤثریت در اجرا بودجه و عرضه کیفیت عالی ملزومات، وظایف و خدمات خواهد بود. دولت روی این مسئله کار میکند که عدم موجودیت تحفظات امانتی در تدارکات، به همکاری مشترک و ارزش پایین پول منتج نمی گردد.

حساب دهی دولت عموماً از طریق نشر اعلامیه های باز رسی شده مالی پیرامون بودجه دولت و وجوه مشخص مالی تمویل کننده گان جستجو میشود. ریاست عمومی تفتیش با معیار های بازرسی بین المللی و با حمایت کاری یک مشاور بازرسی کار میکند. دولت در صدد تقویت ظرفیت های باز رسی داخلی و خارجی، برای واحد های مصارف و عایدات در مرکز و در سطح ولایات و ولسوالی ها خواهد بود.

دولت در جستجوی ازدیاد استفاده از سیستم های جدید و الکترونیکی اداره مالی برای تأمین اداره مؤثر پول، معاشات و پرداخت های به موقع و محاسبات دقیق مالی میباشد.

دولت در صدد تقویت شفافیت در گزارش دهی به تصمیم گیرنده گان خواهد بود، تا تصمیم بر اطلاعات دقیق و به موقع استوار باشد. دولت همچنان در صدد ارتقای شفافیت در گزارش دهی به مردم، از طریق شورای ملی خواهد بود، تا بتواند در مورد چگونه گی تنظیم منابع عامه پاسخگوی باشد. ایجاد شورای ملی برای اولین بار، بعد از ربع قرن به بررسی خارجی بودجه و اجرای آن رسیده گی خواهد نمود. شفافیت به نحو بیشتر، از طریق و اجرای باز رسی قوی خارجی به دست خواهد آمد.

۴- گسترش فضای سرمایه گذاری:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

تمام قوانین، مقررات و طرز العمل های مربوط به سرمایه گذاری تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) ساده و هماهنگ خواهند گردید، و تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تطبیق خواهند شد. قوانین جدید ادارات تجاری، تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی)، در شورای ملی مطرح خواهند گردید. استراتژی حکومت در مورد فروش تصدی های حکومتی تا پایان ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) تکمیل خواهد شد.

در حالیکه دولت، دسترسی به عوامل کلیدی تولیدی، خاصاً زمین، مهارت های کاری و وجوه را ارتقا میبخشد، همچنان پالیسی های معینی را که به مقصد گسترش فضای سرمایه گذاری تهیه گردیده اند، اتخاذ خواهد نمود. چنان که قبلاً در این فصل ذکر گردیده است، روند اولویت دهی سرمایه گذاری های زیربنایی برای انرژی، سرکسازی، میدان های هوایی و امکانات سرحدی نیازمندی های سکتور خصوصی را در نظر خواهد گرفت؛ زیرا تجارت پیشه گان، فقدان انرژی را یکی از موانع عمده در برابر کار خود ابراز نموده اند. دولت عمده در صدد تسریع سرمایه گذاری و تطبیق پروژه ها در این عرصه خواهد بود. استراتژی های انکشاف سرمایه بشری (که قبلاً در این فصل از آنها تذکر به عمل آمده)، به طور خاص استراتژی های تعلیم و تربیه و آموزش حرفه یی باید به منظور اطمینان حاصل نمودن در این مورد که مهارت ها و تعلیم و تربیه با نیازمندی های اقتصاد بازار مطابقت دارند، همانک ساخته شوند. پالیسی های کار همچنان باید موضوعات مربوط به سکتور خصوصی را حمایت کنند. دولت تلاش هایش را جهت تقویت سکتور قضایی (که در فصل ۷ روی آن بحث صورت گرفته است)، ارتقای سیستم محاکم تجاری، حقوق ملکیت ها و میکانیسم های انفاذ ادامه خواهد داد. دولت همچنان متعهد است تا سیستم تنظیمی را قابل پیش بینی، شفاف و ساده سازد. برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان آن استراتژی هایی را که شرایط را برای صنایع کلیدی معین بهبود میبخشند، مورد غور و بررسی قرار میدهد. در حال حاضر، فرصت های ممکنه زیادی برای سرمایه گذاری مورد استفاده قرار نگرفته اند. این فرصت ها شامل فعالیت های تعویض واردات، صادرات سنتی، فعالیت های مربوط به اعمار زیربنا ها، خدمات عام المنفعه و تجارت میباشند^{۹۵}.

^{۹۵} - برای معلومات بیشتر، به مسوده بانک جهانی (زمینه سرمایه گذاری در افغانستان جست وجوی زمینه ها در یک محیط نامطمین) ماه نومبر ۲۰۰۵، صفحه ۱۳ مراجعه شود.

هدف ما ایجاد منفعت های رقابتی برای سکتور خصوصی است تا فعالیت های خویش را از طریق اقتصاد رسمی انجام دهیم. دولت در صدد خواهد بود تا اطمینان حاصل نماید که تجارت را از پرداخت "مالیات" غیر قانونی (رشوه دهی) بسوی پرداخت مالیات قانونی که تولید عواید داخلی را ازدیاد می بخشد و رشد تجارت را مساعد میسازد، سوق دهد.

به همین ترتیب دولت سعی میورزد تا مقررات مالیات بر عایدات را وضع نماید، مالیات اضافی مضر را از بین ببرد، نظام مالیه گیری را اصلاح نماید، و بالاخره با شرکای مهم تجارتی خویش، معاهده مالیات دوجانبه را به امضاء برساند.

دولت متعهد گردیده است تا شرایط قانونی و انتظامی را بهبود بخشد و همچنان میکانیزم های تطبیق را تقویت نماید. توجه خاص در عرصه تطبیق و تقویت میکانیزم های تطبیقی به خاطر کاهش مصارف معاملات تجارتی و بهبود زمینه ها برای سرمایه گذاری مستقیم خارجی صورت خواهد گرفت. دولت همچنان در نظر دارد تا به مرور زمان تصدی های خویش را خصوصی سازد. به منظور بهبود رقابت تولیدات افغانستان نظارت کیفی صورت خواهد گرفت. دولت همچنان اقداماتی را در مورد تشویق سرمایه گذاری داخلی و خارجی روی دست خواهد گرفت. دولت همچنان سکتور خصوصی را از طریق بهبود زیر بنا ها به ویژه رسیده گی به مسایل قباله جات - با ایجاد مراکز صنعتی کمک خواهد کرد.

۵- تسهیل تجارت:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

۱. افغانستان عضویت سازمان تجارت جهانی را کسب خواهد نمود.
۲. صادرات از قرار داد های ترجیعی با ایالات متحده امریکا، اروپا، جاپان، کانادا و هند افزایش خواهد یافت.
۳. دولت حد اوسط معیاد تورید را به ۲۰ روز و معیاد صادرات را به ۱۵ روز کاهش خواهد داد.

سکتور خصوصی افغانستان - و به طور عموم اقتصاد آن - باید از تجارت بیشتر مستفید گردد. هدف اینست تا به طور تدریجی تجارت آزاد داشته باشیم و برای مشارکت افغانستان در اقتصاد منطقه یی و جهانی، باید عضویت سازمان تجارت جهانی را کسب نماییم. دولت زمینه تجارت آزاد و شفاف را ایجاد خواهد نمود و موانع سرمایه گذاری و تجارت را به شکل منظم مورد توجه قرار خواهد داد. طرز العمل ها و اسناد ترانزیت و گمرکات در هم آهنگی آنها با شرکای تجارتی، ساده و مؤثر خواهند شد. دولت همچنان آزادی عمومی تجارت را تعقیب و به تلاش هایش در مورد رسیدن به سازمان تجارت جهانی ادامه خواهد داد. توافق نامه های ترانزیتی موجوده تجدید خواهد گردید و روی توافق نامه های جدید بحث صورت خواهد گرفت. در ضمن ظرفیت به خاطر تطبیق و نظارت این موافقت نامه ها تقویت خواهد شد.

دولت علاقمند است تا سکتور خصوصی را در تسهیل امور تجاری تشویق نماید. در رابطه به عصری سازی گمرکات دولتی، دولت در نظر دارد تا ظرفیت کاری گمرکات را بهبود ببخشد و فساد اداری را در آن از بین ببرد. دولت همچنان مصمم است تا به سوی کامپیوتری ساختن کامل حرکت کند و طرز العمل های شفاف را انکشاف دهد. زیر بنا های مرزی سرحد بهبود خواهد یافت و تجهیزات جدید مانند: تجهیزات لازمه برای بارگیری و تخلیه کالا، وسایل و اموال در سرحد فراهم خواهد شد.

۶- تقویم خدمات مالی و بازار ها:

معیار های استراتژیک پنج ساله دولت

مقررات احتیاطی قبول شده بین المللی برای تمام سکتور های عمده و مؤسسات مالی بانکی و غیر بانکی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی)، تدوین میشود. نقش نظارتی بانک مرکزی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی)، بیشتر تقویت میگردد. ساختار مجدد بانکهای تجاری حکومتی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) به پایه اکمال خواهد رسید. آنده از بانک های حکومتی که جواز دوباره دریافت نکرده اند، تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) منحل میشوند.

دسترسی به بنیه مالی، شرط لازم برای انکشاف سکتور خصوصی پنداشته میشود. هدف اینست تا یک سکتور مالی رقابتی، مؤثر، بازار یاب و خصوصی مالی داشته باشیم، تا محصولات ابداعی مالی و خدمات را برای خانواده ها، تصدی ها و نهاد های دولتی فراهم نماید و به همین ترتیب، سطوح مالی رسمی در افغانستان بهبود خواهد یافت و یک اقتصاد همه جانبه پایه دار به میان خواهد آمد و در فقر زدایی کمک خواهد نمود. دولت ساختار های قانونی، انتظامی و پالیسی سکتور مالی را بهبود خواهد بخشید و همچنان تطبیق ظرفیت بشری تأسیسات را تقویت خواهد نمود. دولت همچنان متعهد است تا بانک های تجاری و انکشافی را خصوصی سازد. دسترسی به خدمات مالی - به ویژه در مناطق روستا ها - بهبود خواهد یافت و افزایش قرضه های کوچک برای تأمین دسترسی مردم فقیر - به ویژه زنان - را تشویق خواهد کرد. اگرچه دسترسی به خدمات کافی نیست. تا زمانیکه قرض دهنده گان بالقوه، دارای اسناد واضح مالکیت نباشند، روند آغاز قرضه های عصری تجاری بطنی خواهد بود. سند دهی مالکیت به منظور تشویق خدمات مالی مهم خوانده شده است.

دولت همچنان زیر بنای سکتور مالی را به شمول نظام پرداخت های ملی و بین المللی انکشاف خواهد داد. زمینه برای ایجاد و رشد تأسیسات مالی غیر بانکی و بازار ها و نهاد های رهنی و مالیات رهنی مساعد خواهد گردید. برای مؤسسات مالی رسمی و سکتور های مالی غیر رسمی، سیستم نظارتی مالی تقویت خواهد شد. به دنبال تصویب بانک مرکزی و قانون بانکداری، پیشرفت های قابل ملاحظه بی در تقویت وظایف مرکزی و در ایجاد یک سکتور عملی بانکی و تجاری موجود بوده است؛ اما با وجود این پیشرفت چالش های قابل ملاحظه با انکشاف ادارات مالی - به شمول صندوق بین المللی پول - در ارتقای ظرفیت های اساسی، ارتباطات عامه، دسترسی به خدمات - به شمول مؤثریت دفاتر ولایتی بانک مرکزی - باقی مانده است.

در حالیکه زیر بنای قانونی موجود باشد، بر زیر بنای مادی و سرمایه بشری لازم است تا از فعالیت های “افغانستان بانک” حمایت کنند (خصوصاً در بیرون از کابل که ضعیف مانده و به سرمایه گذاری بیشتر با توجه قوی در مورد بازسازی و انکشاف کارکنان ضرورت دارد).

پیشرفت در اصلاح سکتور بانکداری از طریق اقدامات ذیل صورت خواهد گرفت:

۱- اتخاذ و تطبیق برنامه از سوی وزارت مالیه، پیرامون تسوید بانکهای تجارتی دولتی که مجوز دوباره اخذ نموده اند (به شمول تاریخ تقرر تیم های اداره و برنامه های جمع آوری دوباره سرمایه و برنامه های مشارکتی) ۲- اتخاذ یک استراتژی مشخص اداره سرمایه (به شمول طرزالعمل های تسویه، دسترسی به سرمایه و کاربرد منابع) برای بانکهای غیر مجوز ۳- صدور مقرره ها به منظور ثبت و تفویض جواز و نظارت بر نهاد های بیمه و دیگر نهاد های غیر بانکی .

دولت در صدد تقرر کارمندان برای به عهده گرفتن تصفیه بانکهای دولتی قبلی و تکمیل انتقال بازپرداخت وجوه امانت بانک انکشاف زراعتی خواهد بود. بر علاوه، مقامات مورد اداری بانک ملی و بانک پشتنی را با مطالبه مساعدت به خاطر کمک به تنظیم ساختار مجدد این بانک ها و انکشاف فعالیت های شان عوض خواهد کرد.

تیم های جدید اداری - در هماهنگی با وزارت مالیه - برنامه های دراز مدت ساختار مجدد را اتخاذ خواهند کرد و دولت بالای وضع سیستم بانکی بهبود پذیر، کار خواهد کرد.

دولت در صدد رسیده گی به موانع اداری و قانونی است که سکتور بانکی با آنها مواجه است؛ به شمول مسایلی مانند تنفیض ضعیف که باعث حجم محدود سهام وامدهی سکتور بانکی میگردد. علاوهً قوانین اضافی تواناسازی مرکزی وضع خواهد شد، که شاید قوانینی را در مورد معاملات مطمین، تشکیلات تجارت و قوانین اسناد قابل معامله در بر داشته باشد و همچنین حقوق مالکیت زمین را روشن سازد.

ابتکارات سرتاسری سکتور شامل :

ارتقاء ظرفیت به منظور عنوان نمودن فقدان مهارت های اداری و نیروی کار که به صورت درست تعلیم ندیده اند. دولت خدمات انکشافی تجارت و تعلیمات حرفه یی را تشویق و تسهیل خواهد نمود. مهارت و دانش بیشتر زمینه را برای تا جران افغان مساعد خواهد ساخت تا نو آوری کنند و در بازار های ملی و بین المللی رقابت بیشتر نمایند.

دولت همچنان از شرکت زنان در سکتور خصوصی فعالانه حمایت خواهد کرد. دولت موانعی را که در برابر مشارکت کامل زنان در امور اقتصادی قرار دارد، رفع خواهد کرد و مؤثریت شانرا بهبود خواهد بخشید. همچنان دولت زنان را از طریق دسترسی به سرمایه، بازار و انکشاف مهارت ها کمک خواهد کرد. دولت اطمینان حاصل خواهد نمود که در انکشاف خدمات اجتماعی، آموزشی و انکشاف عرصه های بازار

یابی، زمینه هایی برای زنان مهیاء شود. در رابطه به طرح های کربیت کوچک، دولت توجه خاصی را به زنان مبذول خواهد داشت.

دولت اطمینان حاصل خواهد نمود، که تدابیری بر ضد ارتشا و فساد اداری در تمام برنامه های فوق به کار گرفته شود. فساد اداری به شکل پرداخت رشوه، خود یکنوع ابراز کوشش مستقیم برای پیش دستی کردن حیلۀ گرانۀ معامله در عرصۀ قیمت های بلند در اقتصاد افغانستان میباشد. تلاش ها در مورد کاهش مصارف بلند معاملاتی، ارتباط نزدیک با تدابیر ضد فساد اداری دارد. دولت کوشش هایش را در زمینۀ معرفی روند های کاری شفاف تر ارتقاء خواهد بخشید و همچنین روش های مشخص بر ضد فساد اداری مانند معرفی مقررۀ طرز العمل ها برای کارمندان گمرکات را تهیه خواهد کرد. استراتیژی ضد فساد اداری به طور مفصل در فصل هفتم بیان گردیده است.

تصفیه تصدی های دولتی:

دولت متعهد گردیده است تا آنچه از تصدی های دولتی را که خدمات را به بازار عرضه مینمایند، تصفیه و یا هم خصوصی سازد. تصدی هایی که در حال حاضر وظایف مهم کلیدی را انجام میدهند و نمیتوانند از طریق بازار عرضه خدمات نمایند تحت مالکیت دولت خواهند بود و به منظور تقویۀ اداره، نظارت، شفافیت و پایه داری مالی آنها، تلاشهایی صورت خواهد گرفت.

اداره بودجه و نیازمندیهای منابع برای استراتژی انکشاف ملی افغانستان به منابع



۹,۱ مقصد و ساختار این فصل

تقویت نقش مرکزی بودجه ملی، به حیث افزار سیاست پردازی حکومت برای رسیدن به اولویت های انکشاف ملی، مهم است. در این فصل برنامه های منظم برای انکشاف چارچوب میانمدت مالی و انکشاف بودجه ملی به مثابه وسیله اجرای سیاست های دولت بیان گردیده است. بر علاوه، این فصل، نیازمندیهای سرمایه گذاری "سند مصونیت آینده افغانستان" را با چارچوب برنامه ریزی شده برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان و نیز طرح برنامه های دولتی را برای تعیین مصارف برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان در جریان سال ۱۳۸۵ ارزیابی می کند.

۹,۲ دست آورد های کلیدی

حکومت با وجود چالشهای عمده در تأمین انضباط مالی، عمدتاً از راه نظارت بر مصارف دولتی موفق بوده است. درحالی که کسر مالی بزرگ بوده است و مصارف بودجه یی رویهمرفته در چارچوب عواید داخلی موجود و کمکهای خارجی صورت گرفته است، با این هم حکومت برای تأمین بودجه به گرفتن وام های داخلی دست نزده است. و این روش برای حفظ ثبات اقتصاد عظیم، حیاتی بوده است. جمع آوری عواید داخلی از اوسط سالانه ۶۰٪ بین سالهای ۱۳۸۱-۱۳۸۳ افزایش قابل ملاحظه داشته است که در این مدت از تقریباً ۳,۲٪ تولید ناخالص داخلی به تقریباً ۴,۵٪ رسیده است. اصلاح نظام عمده فروشی و عقلانی ساختن عواید گمرکی نظام مالیات بر عایدات، و تلاش در اداره بهتر گمرکات، در افزایش عواید کمک نموده است. حکومت روند بودجه - به خصوص معاشات سکنور دولتی و پرداخت به موقع، معاشات کارمندان دولت را در بسیاری از ولایات -طور اساسی، بازنگری نموده است. حکومت همچنان به منظور تقویت شفافیت مالی و حسابداری طریق بهبود معیارهای لازم مالی و با استفاده از ظرفیتهای خارجی به شمول اصلاحات در اداره نظارت و تقشیر کار خوبی انجام داده است. در حال حاضر بسیاری از کمک دهنده گان به طور مستقیم و یا از طریق صندوق وجهی بازسازی افغانستان، به بودجه اصلی کمک مینمایند.

۹,۳ تقویت بودجه ملی

بودجه ملی یک وسیله اساسی جهت فعال ساختن استراتژی انکشاف ملی افغانستان می باشد. تمام مصارف عامه برای انکشاف رشد اقتصادی و فقر زدایی از طریق بودجه ملی تهیه و اجرا میگردند. طوری که استراتژی انکشاف ملی افغانستان یک ساختار جدید معین را به منظور فراهم آوری زمینه ها برای انکشاف اقتصادی، بازسازی و نیازمندی های افغانستان برای محو فقر تهیه نموده و نیاز برای تنظیم اهداف و طرز العمل ها توسط دولت و همکاران بین المللی به خاطر انجام موفقات استراتژی انکشاف ملی افغانستان محسوس است. بر علاوه همزمان با آن، تأمین دوا مدار اندازه مجموعی مساعدت ها به افغانستان، یک امر حیاتی پنداشته میشود تا دولت بتواند، بر مقاصد خویش به خاطر فقر زدایی نایل آید. نه تنها مقدار مساعدت ها از اهمیت برخوردار بوده، بلکه استفاده و بهره برداری مؤثر از آن نیز، مهم میباشد. چنانچه بیشتر از ۹۰ فیصد منابع بودجه ملی در حال حاضر از طریق منابع خارجی تهیه گردیده است که برای انکشاف روند هماهنگ سازی و جوه به منظور تقویت استراتژی انکشاف ملی افغانستان از طریق بودجه، واقعاً یک امر حیاتی و مهم به خاطر نایل به اهداف انکشاف ملی مان منجمه اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده بشمار میرود. بودجه ملی و سایر عناصر روند تنظیم درست مالیات عامه، هماهنگی های لازم و استفاده مؤثر مصارف عامه را معین میسازد. مؤثریت بودجه ملی با مؤثریت تنظیم کمک ها ارتباط نزدیک داشته و این بخش موانع عمده در ارتقای مصارف عامه و تنظیم مالیات و انسجام و تنظیم کمک های انکشاف یافته را مشخص می سازد. در حالیکه بودجه ملی زیر نظارت مستقیم دولت (بودجه اصلی) و نظارت اصلی (بودجه خارجی) می باشد، همکاری فراتر بین دولت و تمویل کننده گان ایجاب تغییرات اساسی را در رهنمودی که کمک ها با در نظر داشت آن تنظیم میگردند، در مطابقت به سفارشات و نظریات اعلامیه پاریس^۱ (فصل ۸) می نماید. بنابر این، دولت استراتژی های جدید را به طور خلاصه در عرصه های ذیل معرفی میدارد: ۱- انکشاف مالکیت دولت، ۲- حمایت از تنظیم مؤثر مصارف عامه، ۳- توجه زیاد بالای نتایج مصارف و عرضه خدمات و ۴- انکشاف هماهنگی بین پالیسی های دولت و تمویل کننده گان ۵- تشریک مسؤولیت های دوجانبه. افزایش تأثیر کمک های خارجی بالای رشد سریع، فقر زدایی، کاهش توزیع غیر عادلانه کمک ها، ارتقای ظرفیت و تسریع فعالیت ها و اجراات اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده، دولت متعهد به هماهنگ ساختن روند تنظیم بودجه، منحصراً یک وعده اساسی جهت انجام استراتژی انکشاف ملی افغانستان می باشد.

به منظور ارتقای مؤثریت بودجه ملی به مثابه یک وسیله سیاست پردازی دولت، اساساً ایجاب بهبود هماهنگی مؤثر و استفاده از منابع دولتی را میکند. در نتیجه، استراتژی ها برای انکشاف هماهنگی کمک ها بمنظور تقویت مصارف عامه و تنظیم مالی به طور کامل در برنامه های دولت منسجم گردیده اند. چهار اصل عمده به خاطر تحکیم روابط بین استراتژی انکشاف ملی افغانستان و بودجه ملی به منظور ترتیب بودجه، منحصراً یک

^۱ اعلامیه پاریس مبنی بر مؤثریت کمک ها در مجمع عالی توسط کشور های انکشاف یافته و کشور های تمویل کننده، بانک انکشاف افریقا، بانک انکشاف آسیایی، بانک اروپا برای بازسازی و انکشاف، بانک انکشاف بین الامریکایی، کمیته مساعدت های انکشافی (او ای سی دی)، ملل متحد و بانک جهانی تصویب گردید. این مجمع به میزبانی دولت فرانسه برگزار گردیده بود. اعلامیه پاریس ۵۰ تعهد را جهت بهبود کیفیت کمک ها که توسط ۱۲ شاخص نظارت خواهد گردید، کسب نمود. برای کسب معلومات بیشتر در این مورد به پست برقی ذیل مراجعه نمایید:

<http://www1.worldbank.org/harmonization/paris/finalparisdeclaration.pdf>

وسيله برای نیل بر اهداف انكشافی ملی ایجاد گردیده اند که عبارت اند از: ۱- بودجه بصورت دوامدار روند اصلاحات و رهنمایی های پالیسی را که در استراتیژی انكشاف ملی افغانستان شامل می باشند، انجام میدهد ۲- مالکیت، نظارت و هماهنگی ملی به منظور کسب موفقیت های اساسی برای دراز مدت باقی خواهند ماند ۳- مهارت ها و ضوابط تنظیم مصارف عامه و صلاحیت های عمده باید بصورت دوامدار ارتقاء یابند ۴- و تعهدات اعلامیه پاریس در ارتباط به تقویت تنظیم کمک ها در افغانستان تحقق خواهند یافت.

دولت در نظر دارد بودجه ملی را تهیه نماید که این یک بودجه واقعی، دربرگیرنده استراتیژی های سالم سکتوری، استوار بر رهنمود های منظم و مشخص مربوط به تنظیم بودجه، انعکاس دهنده ظرفیت های ارتقاء یافته دولت بوده، ولایات و ولسوالی ها را (به اساس بررسی مسوولیت های وظیفوی که قرار است در سال ۱۳۸۵ انجام گردند) بیشتر در تهیه و اجرای بودجه سهیم ساخته، معلومات مربوط را به صورت شفاف، دقیق و به وقت برای تصمیم گیرنده گان که بیشتر مشمول شورای عالی و مردم میباشند، تهیه و از طریق تفتیش داخلی و خارجی دولت جوابگو باشد.

دولت مسوولیت انجام سه وظیفه مربوط به بودجه ملی را که ذیلاً معرفی شده اند، به عهده دارد: ۱- نظارت از منابع عامه ۲- طرح برنامه ها برای تخصیصات آینده منابع ۳- و تنظیم منابع. نظارت از منابع داخل بودجه، از طریق انجام اصلاحات اساسی در سیستم تنظیم مالی عامه- منجمله تهیه و تدارک، محاسبه، گزارشدهی، تفتیش و سایر سیستم های حسابداری- تقویت میگردد. استراتیژی انكشاف ملی افغانستان رهنمود ستراتیژیک را که طرق استفاده از منابع آینده در آن مشخص گردیده اند، ارائه میدارد. چارچوب میانمدت مالی، ساختار منابع (ساختار مصارف مالی) را تهیه می نماید. (برای کسب معلومات بیشتر در این مورد به پانویشت ۳ مراجعه نمایید). تنظیم منابع پیشرفته عامه از طریق بودجه، ایجاب انجام اصلاحاتی که سیستم تنظیم کلی مصارف عامه را تقویت میکنند، می نماید. در ارتباط به برنامه تقویت بودجه ملی و تنظیم مصارف عامه، استراتیژی دولت روی موضوعات ذیل توجه می نماید :

۱. تقویت کلی انطباط مالی: تقویت برنامه استفاده از چارچوب میانمدت مالی، ایجاب توجه بیشتر را بالای اقداماتی که تأثیر و پیشگویی در ارتباط به منابع را از دید میبخشد، می نماید. انسجام قابل اعتبار عواید داخلی از طریق اجرائات در پالیسی مالیات و مطابقت بیشتر لازم پنداشته می شود. دولت قصد دارد که ۱- عواید را به تناسب تولیدات ناخالص داخلی افزایش دهد ۲- تناسب مصارف عادی را در عواید کاهش دهد و ۳- پیشرفت ها را مطابق اهداف مالی که از طریق چارچوب میانمدت مالی ایجاد شده اند، انجام دهد. در این ارتباط، دولت یک چارچوب ابتدایی میانمدت مالی را در اجرای عوایدی که توسط ریاست عواید وزارت مالیه تعیین شده است، ایجاد نموده است.

دولت به طور رسمی، چارچوب میانمدت مالی را تصویب و یکتعداد اقدامات عمده منظور شده را در مورد پالیسی مالیات اتخاذ نموده است، به طور مثال، ایجاد دفتر عمومی مالیات در ارتباط به مصارف، حفظ نظارت بالای مصارف کامل در مصارف کلی مالی، یک امر حیاتی و مهم پنداشته شده و مشمول بل معاشات دولتی (به طور خاص در ارتباط به مصارف موجود بخش تعلیم و تربیه، صحت، اردوی ملی و پولیس ملی)،

مصارف موجوده غیر معاش و مصارف موجوده است که شامل بودجه انکشافی خارجی می باشد. دولت خود را از اینکه تصامیم ستراتیژیک مصارف عامه در میان مدت قابل پرداخت بوده و مصارف عملیات در دراز مدت و حفظ و مراقبت را تحت پوشش قرار می دهد، مطمئن می سازد. بر علاوه، دولت بررسی های عملی را در مورد فضای مسلط اقتصادی - منجمله ارزیابی خطرات مربوط به عواملی که نرخ تبادل اسعار، میزان تولیدات زراعتی، فعالیت های تمویل کننده گان، تجارت تریاک و ظرفیت اداری را متاثر می سازد - انجام خواهد داد. دولت همچنان پیشرفت هایی را که در زمینه ثبات مالی از طریق چارچوب میانمدت مالی انجام یافته، بررسی خواهد نمود. در این فعالیت، دولت از احتمالات افزایش خسارات مالی و امکان ازدیاد قرضه مطلع است. در عین حال، دولت در نظر دارد ارتباط بین چارچوب میانمدت مالی و چارچوب میانمدت مصارف را تقویت بخشد که نیاز به حمایت قابل توجه ارتقای ظرفیت به خاطر کاملاً ایجاد شدن را دارد.

۲. **ارتقای تخصیصات منابع و بهره برداری از آن به اساس اولویت های ستراتیژیک:** با درنظرداشت تغییر چارچوب میانمدت مالی و تعیین ساختار ثابت کلی مالی، دولت در نظر دارد حدود بودجه بی سکتوری را (برای بودجه های مجموعی عادی و انکشافی) به اساس اولویت ها و کفایت تخصیصی (ظرفیت جلب تخصیصات) تعیین نماید. در حال حاضر، بودجه انکشافی خارجی به صورت کافی، پالیسی دولت را انعکاس نمی دهد. بنابراین، انسجام و هماهنگی سرمایه گذاری های تمویل کننده گان به منظور حمایت نزدیکتر ستراتیژی انکشاف ملی افغانستان - از اهمیت بسزایی برخوردار است. هرگاه این امر انجام یابد - در واقع، طی ۲-۳ سال آینده، دولت بخاطر کاهش خلا بین پیشبینی ها و مصارف حقیقی بودجه برای بودجه های اصلی و خارجی اقدام خواهد نمود.

هر پروژه مربوط به یک بخش باید در پیشبرد اهداف ستراتیژی انکشاف ملی کمک نموده و قسمتی از برنامه اصلی بخش را تشکیل دهد تا تخصیصات منابع و اولویت های ستراتیژیک به اساس هدف ستراتیژیک دولت، صورت گیرند. کمک پروژه به اهداف انکشافی ملی، در پیشنهادات بودجه بی مشخص خواهند گردید. بر علاوه توضیحات بالایی که در اینجا تذکر یافته، تمام پروژه ها در بودجه ملی به اساس طرز العمل تنظیم و درجه بندی موضوعات ذیل، تقسیم بندی و شامل گردیده اند:

۱. **توضیح:** آیا این پروژه نیاز به سکتور مالی عامه داشته و یا این عبارت از یک فعالیت سکتور

خصوصی میباشد؟ آیا این پروژه، مشکل، فقر زدایی و رشد آن را مرفوع می سازد؟

۲. **مؤثریت مصارف:** آیا بدیل دارای پایین ترین قیمت، تعیین گردیده است؟ (در اینجا، مزایده رقابتی به

خاطر ارتقای مؤثریت و کفایت، لازم و حیاتی پنداشته میشود) جزئیات قیمیت چندین ساله (قیمت

های عادی و سرمایه) بطور واضح تعیین شده اند و آیا توقع می رود که پروژه در جریان تطبیق و

اکمال بعدی، از لحاظ مالی دوام خواهد نمود؟

۳. **قیمت استفاده از مفاد:** آیا کمیت های استفاده از فواید (به طور مثال، استفاده از فواید اجتماعی، بشری، اقتصادی و مالی) تعیین گردیده اند و از قیمت ها تجاوز میکنند؟ آیا پروژه، مسائل مشترک مانند جندر و محیط زیست را مرفوع می سازد؟

۴. **خطرات و کاهش:** آیا ظرفیت های تنظیم پروژه وجود دارند تا باعث اجرای موفق پروژه در میعاد معین منظور شده، گردند و آیا این خطرات قابل قبول هستند؟

۳. **حمایت از کفایه و مؤثریت بیشتر در عرضه خدمات:** ارتقای مؤثریت بودجه ملی در ارتباط به انجام اهداف عرضه خدمات، ایجاب تعیین مسؤولیت های وظیفوی دولت (دولت مرکزی، دیپارتمنت های ولایتی، ادارات ولایتی و ولسوالی) و سکتور خصوصی و جوامع را در تهیه و انجام فعالیت های مختلف (فعالیت های عملیاتی، مالی، پالیسی و مقررات) و برای بخش های مختلف مانند تعلیم و تربیه، صحت و غیره میکند.

رهنمود ها و انتخابات متفاوت برای عرضه خدمات، که با ساختار واحد دولت و بودجه ملی مطابقت دارند، موجود میباشند، اگرچه انتخابات مختلفی که انعکاس دهنده شرایط و اولویت های مختلف سکتوری در اوقات معین، میتواند تهیه گردند. مؤثریت، کفایت و مالکیت منحصراً اصول کلیدی و عمده رهنمودی در انجام بررسی درست ترین رهنمود ها و انتخابات به شمار میروند. برای ارتقای مؤثریت، دولت در نظر دارد آماده گی های دوامدار مالی را به شمول جبران مناسب قیمت ها - بر علاوه بخش سرک سازی اتخاذ نماید. هماهنگی بیشتر تمویل کننده گان در بودجه ملی، اطمینان تقویت مداخلات در مقایسه با اخلاص راه کار های عرضه خدمات ملی، یک امر حیاتی و مهم به شمار میرود.

مصارف عرضه خدمات در بسیاری از بخش ها مانند: تعلیم و تربیه، صحت و دفاع ملی در اثر تمایل و تمویل خارجی نظر به مصارف عادی بلند می باشد. مصارف کلی عرضه خدمات تا هنوز شامل بودجه اصلی نگردیده و مستقیماً توسط تمویل کنندگان تمویل میگردد. علاوه بر آن، در بسیار بخش های بودجه خارجی، مزایده رقابتی که باعث افزایش قسط های واحدی میگردد، بصورت معین انجام نمی پذیرد.

دولت در نظر دارد سیستم جدید تصنیف بودجه را غرض مطابقت دادن گزارشدهی با ساختار برنامه ریزی شده که برای استراتژی انکشاف ملی افغانستان تهیه گردیده است، نهایی سازد. دولت همچنان رهنمود های بودجه یی را برای ادارات سکتوری قبلاً در دوران بودجه به منظور استماعیه بودجه در مورد بحث های عالی روی پالیسی، ارائه خواهد نمود. برای ارتقای مؤثریت کمک ها، حمایت از سه فعالیت عمده نظارت، برنامه ریزی و تنظیم، دولت در نظر دارد راه کار ها و مؤثریت مربوط به مساعدت های خارجی را مطابق به پیشنهادات اعلامیه پاریس تقویت بخشد. این موضوع در گزارش نظارت جهانی سال ۲۰۰۵ بانک جهانی که ۵ اجنداء برای ایجاد فرصت به خاطر انجام اهداف ام،دی، جی تعیین می نماید، ارائه گردیده است. گزارش مذکور روی نیاز "تطبیق مستحکم" اعلامیه پاریس در مورد مؤثریت کمک ها که در فوق ذکر گردیده، تاکید و تعدادی از اقدامات عملی را که در متون ذیل ذکر گردیده، مشخص می نماید.

اساس تحقیقاتی که اخیراً در مورد هماهنگ ساختن کمک های خارجی انجام پذیرفته اند، به نیاز عاجل به خاطر وفق دادن و تقویت ارتباط بین ستراتیژی های ملی مانند: استراتژی انکشاف ملی افغانستان و استراتژی های مربوط به تمویل کننده گان اشاره میکند.

اعلامیه پاریس نیازمندی عاجل بمنظور تطابق و تقویت روابط بین استراتژی های ملی و استراتژی های تمویل کنندگان را برجسته مینماید. این روابط برای افزایش در تأثیری که کمک ها در رشد سریع، فقر زدایی و عدم تعادل و برابری در توزیع کمک ها، ارتقای ظرفیت و تسریع دست آورد های ام دی جی دارد، لازم میباشد. تمویل کننده گان باید پیشرفت ها را به طور سیستماتیک در داخل سکتور ها و ساختار های مورد نظر خویش عیار سازند. به طور خلاصه، ارتباط انکشاف یافته ملی/بین المللی تأثیرات کمک های خارجی آنها را بهبود میبخشد.

بدر نظر داشت ساختار عادی استراتژی های انکشافی ملی "تقویت کشور های همکار" و ساختار های عملیاتی مربوط، جامعه بین المللی در افغانستان - در همکاری با دولت باید میکانیزم ها و حسابدی مشترک منجمه گزارشدهی در مورد تأثیر مساعدت ها بالای مردم افغانستان را بررسی و تقویت بخشند. این کار ایجاب بررسی جدید از روشی که تمویل کننده گان از طریق آن به سکتور های مورد هدف خویش دسترسی می یابند و اصول و شرایطی که آنها انجام داده اند را فراهم می نماید. تعدادی از ساختار ها و روند هایی وجود دارند که هرگاه توسط دولت و تمویل کننده گان از طریق اقدام مشترک و تعقیب برنامه های منظور شده که در استراتژی انکشاف ملی افغانستان، انجام پذیرند، میتوانند در بهبود مؤثریت و حسابدی از کمک های بین المللی در افغانستان مدد رسانند.

سرانجام، دولت متعهد به حل تجدید نظر شده ظرفیت های ستراتیژیک اداری جدید و موجود میباشد. انجام برنامه ارتقای ظرفیت اداری، ایجاب برنامه ریزی سیستماتیک را برای دست یافتن به معیار های متوازن و به موقع که طرح درست عرضه خدمات کافی و مؤثر را تسریع میبخشد، می نماید (طریقه معین برای ارائه خدمت مفید و مؤثر) انکشاف تدریجی ظرفیت در عرصه های اصولی مربوطه، در مقابل، ظرفیت دولت را به رهبری بهتر و بر جسته ساختن سطح افزایش کمک های بین المللی از طریق شبکه دولت تقویت میبخشد

۹, ۴ انطباق تخمین مصارف "سند مصونیت آینده افغانستان" در تخمین مصارف استراتژی موقت و کامل انکشاف ملی افغانستان

در جریان سال ۱۳۸۵ (۷/۲۰۰۶)، حکومت متعهد است تخمین مصارف مفصل استراتژی انکشاف ملی افغانستان را بر مبنای بررسی تمام برنامه ها که از طریق چارچوب بودجه ملی، به منظور حمایت از تعیین اولویتهای مهم و رده بندی تلاشها صورت میگیرد، نهایی سازد تا سند مصونیت آینده افغانستان، تخمین مصارف جامعی را برای یک تعهد هفت ساله تأمین نماید و این مسئله متکی بر برنامه سرمایه گذاری میباشد که در سال ۱۳۸۳ (۵/۲۰۰۴) آغاز گردیده و در نظر است طی دوازده سال آینده مورد تطبیق قرار گیرد و

حکومت معتقد است که بسیاری از پیش بینیه‌های مهم سرمایه‌گذاری که در سند مصونیت آینده افغانستان نشان داده شده است، برای سرمایه‌گذاری نهایی پنج سال آینده (۱۳۸۵-۱۳۸۹) (۷/۲۰۰۶-۱۱/۲۰۱۰) معتبر خواهد بود. تا انطباق مجدد تخمین مصارف سند مصونیت آینده افغانستان (که بالای چارچوب انکشاف ملی مبتنی می‌باشد) با چارچوب برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، حکومت، نیازمندیهای موقت سرمایه‌گذاری را تأمین نموده که در آن تغییرات کوچکی برای افزایش مصارف امنیتی و پیش بینیه‌های جدید عواید و مصارف عادی در نظر گرفته شده است. این بخش نشان‌دهنده کار ابتدایی بوده و برنامه‌های حکومتی را غرض انجام بررسی نیازمندیهای مکمل سرمایه‌گذاری برای برآورده ساختن معیارهای مختلف و اهداف ارائه خدمات در استراتژی انکشاف ملی افغانستان، مورد بررسی قرار میدهد.

۹, ۴, ۱ انطباق تجربه تخمین مصارف "سند مصونیت آینده افغانستان" در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان

از آنجایی که بسیاری از پیش بینیه‌ها و نتایج در سند مصونیت آینده افغانستان تا حال مناسب و به جا بوده و برای اینکه مصارف انتقالی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان را در سطح سکتور تعیین نمود، حکومت سند مصونیت آینده افغانستان را به صورت همه جانبه و دقیق مورد ارزیابی قرار داده تا نیازمندیهای مالی کشور را برای پنج سال آینده پیش بینی نماید. با استفاده از مجموعه وسیعی از پیش بینی ها و پارامترهای واقعی مصارف مبتنی بر تجارب مودل مصونیت آینده افغانستان میتوان به انجام تخمینهایی دست یازی که افغانستان را از نظر مالی تأمین و مردم انرا قادر میسازد تا در کشور کمتر انکشاف یافته بی زنده گی کنند که نیازمند سرمایه گذاری مبلغ ۲۷,۶ میلیارد دالر امریکایی طبق اهداف بین المللی انکشافی پانزده سال آینده میباشد. با استفاده از پیش بینی دو ساله سند مصونیت آینده افغانستان، حکومت جدیداً ارقامی را برای پنج سال باقیمانده سند مصونیت آینده افغانستان در چارچوب برنامه ریزی شده برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان به منظور تأمین تخمینهای مقدماتی مصارف، ارائه داشته است.

باید تأکید کرد تحلیلی که نیازمندیهای مالی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان را در سطح سکتور تعقیب مینماید، تنها محصول بررسی پیش بینی ها و انطباق مجدد این پیش بینیه‌ها با چارچوب جدید برنامه برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان بوده، نه عملیه تخمین مجدد مصارف کامل آن. حکومت معتقد است، در حالیکه ساختار سند مصونیت آینده افغانستان به منظور تخمین مصارف کافی بوده و چارچوب برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، اساس قوی تری را برای هماهنگ ساختن پالیسیها با موسسات، تقویت ارائه خدمات و تعیین اولویت نیازمندیها تأمین مینماید. به منظور تکمیل روند انطباق، تمام سکتورهای شامل سند مصونیت آینده افغانستان با سکتورهای مربوطه آن در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان انطباق داده شده و سپس مصارف مربوط به پنج سال آیند، به ارقام مجموعی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان که به سطح سکتور بوده، علاوه گردیده است. طورمثال، سکتور مهاجرین و بیجاشده گان داخلی در سند تأمین آینده افغانستان میتواند مستقیماً با سکتور حمایت اجتماعی در برنامه موقت

استراتژی انکشاف ملی افغانستان و سکتور انرژی، معادن و مخابرات در سند مصونیت آینده افغانستان با سکتور زیربنا و منابع طبیعی در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان مطابقت نماید.

در دو مورد، سکتورهای سند مصونیت آینده افغانستان با ساختار برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، انطباق نمی نماید؛ نخست، سکتور اصلاح اداره عامه و مدیریت اقتصادی در سند مصونیت آینده افغانستان به دو بخش جدا گردیده است: اداره عامه مانند مصارف دفتر رئیس جمهور و مجلس نمایندگان به سکتور حکومت داری و حاکمیت قانون در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان جا داده شده. در حالیکه مدیریت اقتصادی از قبیل مصارف وزارت مالیه و دفتر نظارت و تفتیش به سکتور اداره اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان جا داده شده است. ثانیاً، سکتور معیشت و حمایت اجتماعی سند مصونیت آینده افغانستان باز به دو بخش ذیل جدا گردیده است: برنامه های معیشت مانند ایاری و مدیریت آب و زیربنای مادی روستایی و خدمات مالی در سکتور زراعت و انکشاف روستایی قرار گرفته است؛ در حالیکه فعالیتهای مربوط به حمایت اجتماعی از قبیل زنان و گروه های آسیب پذیر و جوانان بیکار و سربازان ملکی شده به بخش حمایت اجتماعی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان انتقال یافته است. غرض تکمیل عملیه جابه جایی در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، فیصدی تخصیصات این دو مورد از فیصدی تخصیصات واقعی در بودجه سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ وزارت مربوطه گرفته شده است. به طور مثال، مصارف اداره عامه در بودجه سالهای ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ تقریباً ۲۰٪ تخصیص را به دست آورده، که به این ترتیب ۲۰٪ مصارف سکتور اصلاح اداره عامه و مدیریت اقتصادی بالای سکتور حکومت داری و حاکمیت قانون برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان علاوه گردیده، در حالیکه ۸۰٪ مصارف سکتور اصلاح اداره عامه و مدیریت اقتصادی بالای بخش مدیریت اقتصادی سکتور انکشاف سکتور خصوصی علاوه شده است.

دو تعدیل دیگری در ارقام مربوط به سند مصونیت آینده افغانستان صورت گرفته تا مصارف متوقعه در سالهای آینده را به نحو بهتری منعکس نماید. در جریان تهیه سند مصونیت آینده افغانستان، مصارف سکتور امنیتی بطور قابل ملاحظه کمتر تخمین گردیده است، عمدتاً به این دلیل که روند تعیین معاشات و رتب اردوی ملی افغانستان نهایی نگردیده و همچنان اندازه معاشات موقتی برای پولیس ملی افغانستان تعیین نشده بود. بر علاوه، سرمایه گذاری در بخشهای زیربنایی، آموزش و مواد و لوازم سکتور امنیتی بسیار بیشتر از چیزی بوده که دو سال قبل تخمین گردیده بود. همچنان، مصارف عادی سکتور امنیتی برای سالهای ۱۳۸۵ - ۱۳۸۹ مطابق سند مصونیت آینده افغانستان مبلغ ۱,۲ میلیارد دالر امریکایی پیش بینی شده بود، در حالیکه تعدیلات نشان میدهد که مصارف سکتور امنیتی برای این مدت، در حدود ۲,۸ میلیارد دالر امریکایی خواهد بود.

علاوه بر بازنگری مصارف بخش امنیتی، ارقام بودجه عادی و عواید داخلی در سند مصونیت آینده افغانستان بر اساس چارچوب میانمدت مالی تعدیل گردیده است. افزایش در سرمایه گذاری بخش امنیتی، قسماً بوسیله افزایش در عواید پیش بینی شده داخلی و کاهش در مصارف پیش بینی شده عادی جبران خواهد شد. در حال حاضر مصارف عادی و حفظ و مراقبت به این ارقام علاوه نگردیده است؛ بلکه در هنگام تعیین مکمل مصارف سال ۱۳۸۵ مورد رسیده گی قرار خواهد گرفت.

جدول ۹,۱ انطباق مصارف سالهای ۱۳۸۵-۱۳۸۹ سند مصونیت آینده افغانستان با سکتورهای برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان*

سکتورهای برنامه موقت استراتژی	پیش بینی اولی مصارف سند مصونیت آینده	پیش بینی مصارف که مشمول تعدیلات انکشاف ملی افغانستان
	افغانستان که مشمول تعدیلات نمیگردد) به	میگردد) به میلیون دالر امریکایی)
	۷۴۹	۷۴۹
۱. حکومتداری	۱۰,۱۱۳	۲,۸۰۰
۲. امنیت	۸,۲۶۶	۸,۲۶۶
۳. زیربنای منابع طبیعی	۲,۵۴۶	۲,۵۴۶
۴. معارف، فرهنگ و رسانه ها	۱,۰۱۲	۱,۰۱۲
۵. صحت	۲,۶۹۸	۲,۶۹۸
۶. زراعت و انکشاف دهات	۲۳۳	۲۳۳
۷. مصونیت اجتماعی	۵۶۱	۵۶۱
۸. مدیریت اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی		
مجموع نیازمندیهای انکشافی	۱۷,۱۷۸	۱۸,۸۶۵
مجموع مصارف عادی	۵,۸۷۲	۵,۴۵۳
عوااید داخلی	(۳,۵۷۸)	(۴,۴۸۹)
مجموع نیازمندی	۱۹,۴۷۲	۱۹,۸۲۹

* این عملیه تعیین دوباره مصارف نه بلکه عملیه جابه جایی دوباره بوده که در مورد تغییرات سکتوری در عرصه امنیتی، مصارف عادی و جمع اوری عوااید داخلی معلومات میدهد. در بسیاری از سکتورها، مصارف برای برآورده ساختن اهداف سند مصونیت آینده افغانستان تغییر نموده و در سایر عرصه ها، استراتژی انکشاف ملی افغانستان اهداف جدیدی را بر مبنای ارزیابی نیازمندیهای برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان تعیین نموده است.

۹,۴,۲ نیازمندی منابع برای برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان

در حالیکه رقم ۱۹,۸۲۹ میلیارد دالر امریکایی تخمین شده، نیازمندیهای انکشافی ما را برای پنج سال آینده (طبق سند مصونیت آینده افغانستان) به دست می دهد، حکومت روی سه دلیل ذیل نمیتواند فقط به کمکهای وعده شده و تعهدات موجود بسنده نموده و بقیه نیازمندیهای خویش را بر اساس این رقم تعیین نماید: ۱- کمک دهنده گان منابع مالی خویش را همیشه مطابق اولویتهای تعیین شده در سند مصونیت آینده افغانستان اختصاص نمیدهند. به طور مثال، در حالیکه بر اساس پیش بینی سند مصونیت آینده افغانستان حداقل ۵۰٪ منابع مالی خارجی باید در زیربنای عمده روستایی به مصرف میرسید، ولی عملاً فقط ۲۰٪ این منابع درین سکتور به مصرف رسیده است؛ ۲- تخمینهای سند مصونیت آینده افغانستان در مورد نیازمندیهای کشور همیشه دقیق نبوده است. سکتور امنیتی یک مثال روشن این مدعا بوده، ولی سکتورهای دیگری نیز وجود دارند که تخمین مصارف آنها دقیقاً پیش بینی نگردیده است؛ ۳- مصارف ارائه خدمات، اکثراً از تخمینهای سند مصونیت آینده افغانستان فرق داشته است. مسأله اختلاف میان اینکه چقدر پول بالای کدام یکی از نیازمندیهای پیش بینی شده در سند مصونیت آینده افغانستان به مصرف رسیده است به مثابه بخشی از عملیه تعیین مصارف سال ۱۳۸۵ مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت.

بدون در نظر داشت عملیه فوق الذکر تعیین مصارف، افغانستان برای نیل به اهداف تعیین شده در برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و موافقتنامه افغانستان، سالانه تقریباً به مبلغ ۴ میلیارد دلار امریکایی ضرورت داشته است که توسط سند مصونیت آینده افغانستان برای پنج سال آینده پیش بینی گردیده بود. از آنجایی که قابلیت جذب کشور روز به روز افزایش می یابد و پروژه های چندین ساله از مرحله تهیه به مرحله تطبیق نزدیک میشوند، از همین رو مصارف نیز افزایش می یابد. روی این ملحوظ، برای تطبیق اهداف برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، کمک دهنده گان باید میزان کمکهای وعده شده شانرا به اندازه سند مصونیت آینده افغانستان حفظ نموده و کمکهای وعده شده بدون معطلی به تعهدات و پرداختها تبدیل شوند. حکومت به سهم خویش، به ارتقای ظرفیت خویش در زمینه ترتیب اسناد پروژه ها و نظارت از تطبیق پروژه ها پرداخته تا انتظارات مردم کشور و جامعه جهانی را در خصوص اقتصادی بودن، شفافیت و حسابداری آنها برآورده سازد.

۹,۴,۲ عملیه مصارف استراتیژی انکشاف ملی افغانستان در سال ۱۳۸۵

در چوکات برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، حکومت، شماری از معیارها و اهداف را برای ارائه خدمات به داخل چارچوب پالیسی تعیین نموده که به صورت مکمل با توافقنامه افغانستان مطابقت دارد. در جریان انکشاف برنامه کامل استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، حکومت هزینه نیل به هر یکی از این اهداف را در کل به صورت سالیانه مورد ارزیابی قرار خواهد داد. در صورتی که مصارف نیل به تمام اهداف مشمول چارچوب پالیسی بالاتر از منابع موجود باشد، حکومت بر مبنای مجموعه یی از معیارهای رشد و فقر زدایی، اولویتها را تعیین و سرمایه گذاری بالای آنها را زمان بندی خواهد کرد. حکومت در توافق با کمک دهندگان در مطابقت با اثرات مورد نظر بالای اهداف انکشافی، به این اهداف اهمیت قابل مییابد. حکومت همچنان باید بر مبنای اولویت پالیسی، قابلیت جذب و مؤثریت کاری، موازنه سکتوری و بین السکتوری را تأمین نماید.

تعیین نیازمندی مصارف استراتیژی انکشاف ملی افغانستان شامل ارزیابی اندازه تأسیسات و شبکه های مورد نیاز برای نیل به اهداف ارائه خدمات برای پنج سال استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و سپس تعیین سرمایه گذاری و مصارف عادی، با استفاده از مصارف یک واحد بر مبنای تجارب ملی و بین المللی خواهد بود. تحقیق و بررسی سند مصونیت آینده افغانستان از طریق مشورتهای بیشتر با وزارت خانه های مربوطه، وزارت مالیه و جامعه جهانی تجدید شده و مورد استفاده قرار خواهد گرفت. محاسبه مصارف شامل تعهدات (مثلاً در زمان آغاز پروژه) و پرداختها (مثلاً مصارف واقعی بعد از تطبیق) میگردد. حکومت اهداف سالانه را تعیین خواهد کرد، گرچه اهداف شاخصهای بازدهی مانند فقر که سالانه سنجش شده نمیتوانند، بر اساس معیار های چندین ساله نظارت خواهد شد. پیش نویس این اهداف در بخش دوم برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان ارائه شده که شماری از اولویتهای وزارتها و کمک دهنده گان را منعکس مینماید، ولی این اهداف در

جریان مشورتها روی برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان تا اندازه زیادی مورد تجدید نظر قرار خواهند گرفت.

تخمینهای مصارف باید شامل تمام مصارف عادی و انکشافی برای پنج سال آینده باشد. حکومت تأثیرات مصارف عادی سرمایه گذاریهای تعهد شده را در جریان مدتی که مصارف مذکور در آن صورت میگیرد، محاسبه مینماید، گرچه در بسیاری از سکتورها جبران مصارف و همچنان سرمایه گذاری خصوصی افزایش خواهد یافت.

بعد از آنکه تعیین مصارف معیارهای ارائه خدمات تکمیل میگردد و تعیین ستراتیژیک اولویتها صورت میگیرد، حکومت از چارچوب پالیسی استراتژی انکشاف ملی افغانستان، به عنوان اساسی برای تعیین اولویتهای ترتیب بودجه برای هر بودجه، سالانه به مثابه بخشی از برنامه مصارف رو به افزایش و بر مبنای منابع پیش بینی شده موجود که سالانه توسط چارچوب میان مدت مالی تعیین میگردد، استفاده خواهد کرد. وزارت مالیه در قدم نخست منابع مالی موجود را تعیین نموده که بر اساس آن اولویتهای مصارف مشخص خواهد شد. این کار شامل پیش بینی عواید داخلی و خارجی در میانمدت میباشد. همچنان، حکومت چارچوب اقتصاد عظیم به شمول میزان رشد تولید ناخالص داخلی و میزان عواید سرانه را تغییر خواهد داد. تعیین "مجموع منابع مالی" نیازمند منابع مالی خارجی قابل پیش بینی که باید در چارچوب میان مدت مالی تذکر یابد، و هماهنگی بیشتر میان منابع مالی خارجی و اولویتهای حکومت میباشد. بعد از آنکه چارچوب کلی منابع مالی برای میان مدت تعیین گردد، حکومت به تقویت چارچوب مصارف خواهد پرداخت. حرکت در جهت چارچوب میانمدت مالی، از حکومت می طلبد تا اولویتهای تمویل را بر اساس استراتژی انکشاف ملی افغانستان با در نظر داشت مجموع منابع مالی تعیین نموده و حکومت روی این مسئله غور خواهد کرد که آیا تصویب رسمی چارچوب میان مدت مالی، به منظور حمایت از استراتژی انکشاف ملی افغانستان از نظر تکنیکی امکان پذیر است یا نه. به منظور رسیده گی به مشکلات عرصه تطبیق و نشان دادن بهبودیها در تحلیل و بررسی، همه ساله تعدیلاتی در آن صورت خواهد گرفت.



افزایش مؤثریت کمک ها

۱۰,۱ یاد دهانی

بیشتر از ۹۰ در صد تمام منابع انکشاف ملی که در حال حاضر، توسط همکاران کمک کننده بین المللی فراهم میگردد، افزایش در مؤثریت وجوه مالی خارجی - به منظور دستیابی به اهداف انکشاف ملی، به شمول اهداف انکشافی هزارساله افغانستان بگونه قاطع، ارزش حیاتی دارد. فصل ۹ موقف دولت را در امر نقش مرکزی بودجه در تنظیم کمک های خارجی شرح داده است. این بخش، رابطه "اعلامیه پاریس در مورد مؤثریت کمک ها" را به حیث وسیله برای افزایش مؤثریت کمک ها، به همکاری استراتیژی ملی و بودجه ملی تشریح مینماید. با در نظر داشت این اصل، لازم است تا این بخش کاملاً با ضمیمه دوم توافقنامه افغانستان در مطابقت قرار داشته باشد.

۱۰,۲ استراتیژی افزایش مؤثریت کمک ها^{۹۷}

دولت افغانستان در امر افزایش مؤثریت کمک های خارجی، مطابق به "اعلامیه پاریس در مورد مؤثریت کمک ها"، با در نظر داشت وضعیت ویژه امنیتی در افغانستان و اثرات آن بر کمک های تمویل کننده گان متعهد میباشد.^۲ اعلامیه پاریس به نیازمندی عاجل در امر تطبیق و تقویت روابط بین استراتیژی های ملی - مانند استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و استراتیژی های تمویل کننده گان - اشاره میکند. اعلامیه، همچنان اهمیت این روابط را به منظور افزایش مؤثریت کمک ها بر انکشاف، فقر زدایی و نا برابری ها در کار، بلند بردن سطح ظرفیت ها و سرعت بخشیدن به دست یابی به اهداف انکشافی هزارساله را برجسته میسازد. توافقنامه مانتری، مکسیکو^۳ نیز بر حساسیتهای متقابل کشور های روبه انکشاف و انکشاف یافته در نیل به

^{۹۷} مساعدت میتواند به حیث کمک مالی و تکنیکی که توسط یک کشور رو به انکشاف به منظور تأمین معیار های بلند تر زنده گی برای شهروندان آن کشور به دست میاید، مشخص گردد. هدف مؤثریت کمک ها عبارت از ارتقای ظرفیت بشری و نهادی در دولت، سکتور خصوصی و جامعه مدنی، همچنان جامعه تمویل کننده به منظور بهبود وضعیت جوابدهی، شفافیت و مؤثریت در استفاده از منابع تمویل کننده برای انکشاف فزاینده بشری میباشد.

^۲ در حالیکه کشور هایی مانند چین و هندوستان در اعلامیه پاریس زیاد دخیل نبودند؛ زیرا این اعلامیه توسط کمیته مشورتی انکشافی مربوط به سازمان همکاری های اقتصادی و انکشاف تنظیم گردیده است. با این هم، تعهدات از جانب تمام مراجع دخیل در برابر اساسات عمومی - به منظور نیل به اهداف کلی در افغانستان - یک امر حیاتی محسوب میگردد.

^۳ توافقنامه "مانتری" مکسیکو در کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تمویل فعالیت های انکشافی، منعقد شده مارچ ۲۰۰۲ در شهر مانتری مکسیکو وجود آمد. ۸

اهداف ام دی جی افغانستان تأکید ورزیده است. پذیرش مسوولیت های مشترک، تحقق برنامه های مربوط به مساعدت هایی که کار مشترک و مربوط در سطوح ستراتیژیک و عملیاتی بین دولت و تمویل کننده گان را تقویت مینماید، مهم پنداشته میشود. در مورد افغانستان، این برنامه نه تنها شامل نیازمندی هایی میشود که برای همکاری های فزاینده به منظور تأمین کمک های بیشتر – که با اطمینان بیشتر در یک دوره چندین ساله تعهد روی آن صورت گرفته می شود - بلکه شامل مساعدت هایی با کیفیت بهتر نیز است که باید فراهم گردد. مساعدت های دارای کیفیت بهتر تنها از طریق توافق محکم تر بین دولت و تمویل کننده گان میتواند به دست آید. بنا براین، مطابقت با استراتژی انکشاف ملی افغانستان یک اساس قطعی برای تمام تمویل کننده گانی است که برای افزایش مؤثریت و جوابگویی آن فعالیت مینمایند. به طور فشرده می توان گفت که، همکاری های فزاینده ملی و بین المللی، تأثیر کمک های خارجی را افزایش خواهد داد. بنابراین تمویل کننده گان باید به طور منظم کار انکشاف را در بخش ها یاساحات مربوط شان و براساس این چارچوب تعیین کنند.

به موجب موضوع مکرراً مطرح شده "تقویت استراتژی های انکشاف ملی کشور های همکار، و چارچوب های مرتبط عملیاتی"، دولت و جامعه بین المللی در افغانستان باید میکانیزم های هماهنگی و حسابدهی مشترک - به شمول گزارشدهی تأثیرات برنامه های شان برای مردم افغانستان - را قبل از نهایی سازی برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان بررسی نمایند. بررسی طرز توحید کمکهای تمویل کننده گان در یک بخش معین و ساحه مربوط به این برنامه، و در بعضی موارد اساسات و وضعیتی که مورد کاربرد قرار میگیرند، باید صورت بگیرد. مسلماً، هنگامی که ساختار های هماهنگ و اداری انکشاف سیستم های دولت را تقویت کنند، کمک ها از طریق بودجه، به طور برجسته نقش بارزی را در امر دست یافتن به اهداف انکشاف ملی ایفا مینمایند. کمک هایی که به شیوه نادرست تنظیم شده اند، زیان به بار می آورند، ساختار های موازی ایجاد می کنند و مصارف معاملات را بالا میبرد.

دولت تأیید میکند که ظرفیت هایش در امر تطبیق و انکشاف برنامه در عرصه های معین، محدود باقی مانده است. باوجود این هم، ما معتقد هستیم که ظرفیت کافی تنها زمانی به دست آمده میتواند که دولت مسوولیت نهایی تطبیق برنامه را به دست آورد. دولت سلسله اساسات مهم و ستراتیژیک "مؤثریت کمکها" را که هدف آن رشد سیستم های دولتی میباشد، ایجاد نموده است که محدود ساختن کمک های همزمان، باعث ایجاد میکانیزم های چندگانه هماهنگی در سراسر کشور و در سکتور ها، همچنان بین سیستم اداره مرکزی و به سطح ولایات میگردد. کاردرچارچوب نظام های دولتی، تداوم مالی عرضه خدمات را کمک میکند تا ساختار های بلند پرداخت را که دور از ظرفیت مالی دولت قرار دارد، جذب نماید. در مطابقت با این اساسات عمده، دولت خود را در ارتقای ظرفیت های تأسیساتی موجود در عرصه هماهنگی کمک ها، از طریق بودجه ملی، و انتظام معلومات و اطلاعات برای پالیسی که برای تأمین یک تمرکز قوی به منظور از بین بردن فقرحیاتی محسوب میگردد، متعهد میدانند. رشد ظرفیت های نهادی در چارچوب ادارات دولتی نیازمند سیاست پردازی سازی مرتبط - برنامه ریزی - و تدارک بودجه است تا معیارها تطبیق و خدمات به شکل مؤثر و سودمند عرضه گردد. ارتقای روبه بهبود ظرفیت ها در نهاد ها، به نوبه خود، ظرفیت دولت را در امر اداره بهتر و توجیه سطوح فزاینده کمک های بین المللی که از طریق شبکه های دولتی انتقال می یابد، تقویت خواهد بخشید.

به خاطر افزایش هماهنگی در کمک ها، دولت قدرت و ضعف میکانیزم گروه مشورتی موجود را به منظور تشخیص یک رهیافت مؤثرتر برای هماهنگی سکتوری و برنامه یی، براساس ساختار جدید استراتژی انکشاف ملی افغانستان مورد بررسی قرار خواهد داد (به بخش ۱۱ و ۱۲ مراجعه نمایید).

۱۰.۳ اصول متقابل برای مؤثریت فزاینده کمک ها

به منظور رشد مؤثریت کمک ها و به میان آمدن ارتباط گسترده تر، اولویت های استراتژیک دولت و تمویل کننده گان در بودجه ملی، برنامه کاری ذیل که متشکل از چهارده بخش بوده و هدف آن دادن جنبه عملی به اعلامیه پاریس در افغانستان میباشد، اساسی را برای مباحثات جاری بین دولت و کمک دهنده گان بین المللی، به منظور افزایش در بهره برداری از کمک های خارجی ایجاد مینماید. در جریان مشوره های برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان، دولت معیار های مستحکم مؤثریت کمکها را که بر حسب آن پیشرفت ها معین میگردد، تهیه خواهد نمود. دولت همچنان تدابیری برای استراتژی جامع حسابدهی ملی و کمپاین وسیع حسابدهی را که مشتمل بر دولت، سکتور خصوصی، رسانه ها و جامعه مدنی در کابل و ولایات میباشد، اتخاذ خواهد نمود.

۱. **تقدم استراتژی انکشاف ملی افغانستان:** استراتژی انکشاف ملی افغانستان، چارچوبی برای پالیسی و هماهنگی تأسیساتی و بودجه یی را فراهم و به حیث یک ساختار مشارکت که دولت و جامعه بین المللی را در امر بهره برداری از کمک های خارجی، به منظور رشد اقتصاد و فقر زدایی به هم پیوند میدهد، باقی خواهد ماند. وجوه مالی که به وسیله تمویل کننده گان تأمین میگردد، براساس یک برنامه شاخص (جدول پالیسی استراتژی انکشاف ملی افغانستان) توضیح داده خواهد شد که از استراتژی انکشاف ملی افغانستان مشتق شده و بین دولت و جامعه بین المللی (به شمول تأسیسات بین المللی مالی و سازمان ملل متحد) به طور مشترک مورد توافق قرار گرفته است.

۲. **تقویت چارچوب بودجه ملی:** ازدیاد در تمویل بودجه اساسی در امر افزایش هماهنگی پالیسی، ابقای مالی و هماهنگی عرضه خدمات حیاتی خواهد بود. این موضوع برای دولت خیلی حایز اهمیت است که به تمویل کننده گان اطمینان کافی را فراهم نماید تا بتواند ایشان را معتقد به محدود ساختن تمویل خارج از بودجه نماید، و با گذشت زمان، وجوه مالی از بودجه خارجی را از طریق سیستم خزانه دولت فراهم سازد. دولت و تمویل کننده گان باید باهم کارکنند تا ساختاری را بر اساس توافق همدیگر ایجاد نمایند تا ارزیابی قابل اطمینان اجرای امور، شفافیت و پاسخگویی سیستم های کشور فراهم گردد. از تمویل کننده گان تقاضا خواهد شد تا سهم کمک های تمویل کننده گان را که طبق توافق حاصله، مستقیماً از طریق بودجه اساسی افغانستان انتقال می یابد؛ به طور قابل ملاحظه یی افزایش داده و وجوه بیشتری را از طریق سایر مدارک تمویل بودجه مستقیم قابل پیش بینی که در آن دولت افغانستان نیز سهیم شده بتواند - مانند صندوق پولی بازسازی افغانستان و سایر صندوق های وجهی - جستجو نمایند؛

۳. **تقویت ساختار های مالی میان مدت و مربوط به مصارف:**^{۹۸} قابلیت پیشگویی درست در ارجاع

انتقال گزارش از تعهدات چندین ساله پیرامون جریان کمک ها به دولت، توانایی دولت را در امر ایجاد پوشش های با اعتبار بودجه یی و ایجاد یک اساس برای عرضه خدمات، وسیعاً افزایش خواهد داد. از اینرو آشکار سازی گسترده در امر چگونه گی تعهدات و پرداخت ها - بویژه پیرامون بودجه خارجی - لازم پنداشته میشود. در نتیجه، دولت وسیعاً بر تمویل کننده گانی که معلومات موثق را در رابطه به تعهدات چندین ساله تهیه مینمایند، اتکا یافته و بنابراین از تمویل کننده گان خواسته میشود تا به طور فزاینده، تعهدات بیشتر قابل استناد و چندین ساله را در ارتباط به بودجه، به دولت فراهم سازند.

۴. **تنظیم تمویل کننده گان و اولویت های ملی:** استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، همکاران بین المللی را هنگامیکه در ساختار ظرفیت های اساسی، به منظور افزایش در طرح و اجرای بودجه ملی کمک میکنند قادر خواهد ساخت تا انتظام در کمک های خارجی را بر اساس اولویت های افغانستان، سیستم ها و طرز العمل ها افزایش دهند.

۵. **محو تقلب و انکشاف سیستم های موازی عرضه:**^{۹۹} استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، تلاش های همکاران کمک کننده خارجی را، به منظور محو تقلب و مداخلات، تقویت خواهد کرد. استراتیژی انکشاف ملی افغانستان بر علاوه، رشد میکانیزم های موازی عرضه و بهره برداری هماهنگ نشده کمک های تخنیکی را، که بیشتر آن سیستم های مختلط را خارج از ظرفیت دولت در جهت ابقای موانع موجود در عرصه سرمایه بشری شکل میدهد، کاهش خواهد داد. علاوه بر این، استراتیژی انکشاف ملی افغانستان تمویل کننده گان رایاری خواهد کرد تا اطمینان حاصل نمایند که هماهنگی به سطح ولایتی از طریق شبکه مناسب ولایتی و مقام ولایت، تنظیم شده است.

۶. **حرکت به سوی روش های سکتوری که طرح بودجه را محدود میسازد:** طرح بیش از حد بودجه ملی وابسته به ظرفیت ضعیف تنظیم کمک ها، تطبیق همه جانبه پالیسی را متضرر ساخته، هماهنگی را تضعیف نموده و مصارف عرضه را افزایش میدهد. سکتور های دارای اولویت برای چنین طرح، عبارت از تعلیم و تربیه، صحت، و ترانسپورت میباشند. اما سایر بخش ها در مطابقت با ظرفیت های دولت مورد بررسی قرار داده خواهد شد. یک تحلیل کلی که طبق آن کلیه برنامه های موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و سکتور ها مستلزم دقت سکتور وار، خواهند بود، به حیث بخشی از مباحثات برنامه کامل استراتیژی انکشاف ملی افغانستان انجام خواهد پذیرفت. دولت سعی خواهد ورزید تا انسجام کمک ها را افزایش دهد و روی رشد بودجه توحید شده برای سکتور های صحت و تعلیم و تربیه، بخصوص از طریق تدابیر معمول بودجه یی غور خواهد کرد؛ اما غور به طور فزاینده در سایر ساحات مانند انکشاف سکتور سرک ها متمرکز خواهد بود.

^{۹۸} شاخص ۷ اعلامیه پاریس.
^{۹۹} شاخص ۶ اعلامیه پاریس

۷. **افزایش در مؤثریت مصارف:** توجیه فعالیت های تمویل کننده گان و استفاده از داوطلبی های رقابتی نسبت به اتکا به منبع واحد، به خصوص سکتور خصوصی افغانی، مؤثریت مصارف برنامه ها و پروژه ها را افزایش خواهد داد. مطابق با این اساسات، و در موارد مرتبط، چگونگی هایمانند همکاری های سه جانبه در میان تمویل کننده گان، حکومت افغانستان و ممالک منطقه و شرکت ها، و همکاری جنوب با جنوب، استفاده خواهد شد تا روی موانع ظرفیت غلبه حاصل شده و مصارف عرضه، کاهش داده شود.

۸. **ساده ساختن طرز العمل های تمویل کننده گان:** ساده ساختن و هماهنگ نمودن پالیسی های تمویل کننده گان و طرز العمل ها به منظور تشویق روحیه همکاری و تنظیم مستمراولیت ها، سیستم ها و طرز العمل های دولت افغانستان، ضروری است. در حال حاضر، هر تمویل کننده نیازمندی های جداگانه گزارشدهی دارد که تقاضای سنگینی را بر ظرفیت محدود دولت قرار میدهد.

۹. **پشتیبانی از سکتور خصوصی افغانستان – رشد تنظیم بودجه خارجی:** برای کمک هایی که از طریق بودجه اساسی راه نیافته است، از تمویل کننده گان خواسته خواهد شد تا اداره خارجی و مصارف اضافی پروژه را کاهش داده و سطح سکتور خصوصی افغانستان را در امر تنظیم و عرضه خدمات پروژوی ارتقا دهند. با استفاده فزاینده از همکاران تطبیق کننده افغانی و شرایط، تمویل کننده گان سعی خواهند ورزید تا مقدار کمی را که بر مشاورین خارجی و قراردادیان به مصرف میرسد، کاهش دهند. مشابه به این، افزایش خاصی در تدارک تجهیزات برای قوای نظامی و غیر نظامی در افغانستان وجود خواهد داشت. دولت استفاده از مواد افغانی را در جایی که عملی باشد، در تطبیق پروژه ها، به خصوص در عرصه زیربنایی اولویت خواهد بخشید.

۱۰. **رشد معیار های کاری:**^{۱۰۰} رشد تدابیر و معیار های اجرای امور و حسابداری سیستم کشور های همکار در انتظام عامه مالی، تدارک، محافظت مطمین پولی و ارزیابی های محیطی، در انطباق با روش های مناسب کاملاً پذیرفته شده، کاربرد سریع و متداول آنها را تقویت می نماید. تمویل کننده گان باید یکجا با دولت سعی نمایند تا سیستم گزارشدهی با نتایج و ساختار های بررسی را که انکشاف در برابر بخش های کلیدی استراتیژی انکشاف ملی و سکتوری رانظارت نماید، ایجاد نمایند. این ساختار ها باید یک تعداد منظم شاخص ها را که برای آنها از لحاظ مصارف معلومات مناسب باشد، تنظیم نماید.

۱۱. **محدود ساختن استفاده از کمک های تمویل کننده گان که عرضه خدمات طویل المدت را به مخاطره می اندازد:** استفاده غیر هماهنگ از کمک های تمویل کننده گان، ابقای عرضه خدمات دراز مدت را تضعیف مینماید. در بخش های تعلیم و تربیه و صحت، مدد معاشی که جهت عرضه خدمات برای معلمین و کارمندان بخش صحت پرداخته میشود، در صورتی که بودجه

^{۱۰۰} شاخص ۱۱ اعلامیه پاریس

خارجی کاهش یابد و کارمندان مجرب به تدریج در جستجوی اشتغال بدیل شوند، احتمالاً با عدم تداوم مواجه شده و عرضه خدمات را با تنزل روبرو خواهند ساخت.

۱۲. **کمک در مبارزه با فساد و اداره مزیداً قابل اعتماد:** جایی که فساد موجود است، تمویل کننده را از اتکا بر سیستم های کشور تمویل شونده باز میدارد. فساد و نبود شفافیت، کمک های عامه را متضرر میسازد، مانع بسیج و تخصیص مؤثر منابع میگردد، و منابع را از فعالیت هایی که برای انکشاف متداوم اقتصاد و فقر زدایی حیاتی پنداشته میشود، تغییر مسیر میدهد. دولت یکجا با همکاران تمویل کننده، سیستم های انتظام رشد مصارف عامه را که برای بهبود شفافیت و حسابداری بهره برداری از منابع تمویل کننده گان و مبارزه با فساد لازم شناخته میشوند، برجسته خواهند ساخت. دولت علاوه بر این به اهداف مبارزه با فساد از طریق اصلاحات مالیات و عواید گمرکی و راه اندازی سیستم ها و مکانیزم های تدارک (به حیث "مالیات غیررسمی"، رشوه دهی به کارمندان دولت اغلب با درک عامه از رژیم رسمی مالیات) ارتباط میگیرد. حسابداری و شفافیت بیشتر از طریق رشد و سمت دهی سیستم های بررسی، مراحل و ظرفیت ها ترویج خواهند یافت.

۱۳. **رشد ارتقای ظرفیت ها^{۱۱}:** تمویل کننده گان باید کمک های تحلیلی و مالی خویشرا بانظر داشت اهداف و استراتژی های ارتقای ظرفیت های سایر همکاران، تنظیم و از ظرفیت های موجود استفاده مؤثر به عمل آورده و کمک ها در امر ارتقای ظرفیت را طبق آن هماهنگ نمایند. علاوه بر این، کمک های تمویل کننده گان که از طریق بودجه خارجی تهیه میگردد، به شیوه بی طرح ریزی خواهد گردید که ظرفیت را هم در دولت و هم درسکتور خصوصی ارتقا دهد.

۱۴. **انسجام مساعدت های تخنیکی:** انتظام بهتر کمک های تخنیکی بین المللی، در عرصه انتقال سریع و متداوم مهارت ها و تجارب، به کارمندان دولتی کمک خواهد کرد. دولت و تمویل کننده گان بین المللی باهم یکجا مساعدت های تخنیکی را توحید، توجیه و نظارت می نمایند. دولت موظف، مصارف، مؤثریت و نوعیت نتایج حاصله از مساعدت های تخنیکی بین المللی را به صورت کل پیگیری خواهد کرد.

مراد از تعهدات متقابلی که در فوق تشریح گردید، آن است تا اطمینان حاصل گردد که کمک های تمویل کننده گان که برای افغانستان فراهم شده است، به گونه مؤثر و سودمند مورد استفاده قرار میگیرد و شفافیت و حسابداری فزاینده بی در آن وجود دارد. برحسب "توافقتنامه افغانستان"، و در مطابقت با چارچوب متقابل در فوق ایجاد گردید، دولت از همکاران کمک کننده بین المللی میطلبد تا به طور متداوم این اساسات را در جریان مدت زمان برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، و به خاطر آماده گی برای تطبیق کامل آن - طبق برنامه کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان - بپذیرند.

^{۱۱} شاخص ۴ اعلامیه پاریس



انسجام و نظارت

۱،۱۱ مقصد و ساختار

این فصل در مورد چگونه گی نظارت بر پیشرفت ها از سوی دولت و جامعه بین المللی پیرامون اهداف و معیار هایی که در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، توافقنامه افغانستان و اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده تعیین گردیده است، بحث مینماید. در این فصل، نخست اساسات و ساختار چارچوب نظارت بیان می شود و سپس نقش های چهار میکانیزم ویژه نظارت از جمله کمیته نظارت ریاست جمهوری، گروه های مشورتی، بورد مشترک نظارت و انسجام و میکانیزم های نظارت و انسجام در سطح ولایات، به بحث گرفته خواهد شد.

در پایان این فصل، وسایل احصاییه یی و نهاد هایی که در ارزیابی پیشرفت ها دخیل اند، مورد بحث قرار می گیرند. در فصل ۱۲، وظایف میکانیزم های نظارتی در رابطه به روند مشورتی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان بیشتر گسترش می یابند.

۲،۱۱ چارچوب نظارت و انسجام

در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان دیدگاه کلی افغانستان بیان گردیده است. این وسیله یی است برای دولت که پالیسی، استراتژی، بودجه و برنامه های کاری را طرح و هدایت کند و اولویت بدهد. توحید دوباره تلاش های کنونی نظارت و انسجام به منظور تمرکز بر اهداف برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، برای دیدگاه های مشترک کشور، مهم خوانده شده است. با وصف آن که این موضوع شامل انکشاف نهاد های جدید نمیگردد، اما زمینه را برای بررسی و اصلاح میکانیزم های موجود، بر بنیاد تجارب گذشته، مساعد میسازد.

علاوه بر آن، میکانیزم های نظارت بر توافقنامه افغانستان و اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده که هر دوی آنها با برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان ارتباط تنگاتنگ دارند، از سوی این ساختار های دولتی تکمیل می شود و آگاهی حاصل مینماید: دفتر احصاییه مرکزی، وزارت مالیه، اداره جیودوزی،

بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و وزارت خانه های مربوطه دیگر. یک میکانیزم نظارت همیشه گی بر برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان و توافقنامه افغانستان وجود خواهد داشت.

برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، شاخص هایی را که پیشرفت ها را در زمینه انکشاف افغانستان پیگیری مینماید، معیاری ساخته است. این امر زمینه گزارشدهی اصول مند را به دولت، شورای ملی، مراجع تمویل کننده، جامعه مدنی و مردم افغانستان مساعد میسازد.

مباحثه پالیسی، تلاش برای انسجام و طرز العمل های اولویت که در نتیجه تحلیل شاخص ها به وجود میابند، حتی مهمتر از موضوع گزارش دهی تلقی می گردد. نظارت بر برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان باید ارتباط روش تطبیق را در سراسر رکن ها و سکتورها تأمین نماید تا اطمینان حاصل گردد که تمام فعالیت های دولتی، طوری که لازم است، یکدیگر را تقویت مینمایند. بررسی تاثیر و مؤثریت تمام برنامه های ملی در این سلسله کمک خواهند کرد.

کمیته نظارت ریاست جمهوری، مرجع ارشد ارتباطی نظارت و تنظیم سیاست ها است. گروه های مشورتی که از سوی وزارت مالیه رهبری میگردند و مراجع تمویل کننده و دفتر های ملل متحد در آن دخیل اند، به حیث منبع تحلیل اطلاعات برای کمیته نظارت، عمل مینمایند.

گروه های مشورتی برای انطباق با برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان اصلاح خواهند شد. اطلاعات و تحلیل ها از سوی میکانیزم های نظارت و انسجام ولایتی از جمله شوراهای محل و انکشاف ولایتی، سازمانهای غیر حکومتی، تیم های بازسازی ولایتی، سکتور خصوصی، جامعه مدنی و واحد های پژوهش، در تمام کار ها کمک خواهند نمود.

چارچوب نظارت برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، دولت را در عرصه های آتی توانایی خواهد بخشید:

۱. تعیین انتخاب ستراتیژیکی در مورد استقامت همه جانبه پالیسی غرض تبارز پیشرفت و حصول اطمینان از اینکه بودجه انعکاس دهنده اولویت های ستراتیژیکی دولت است.

۲. ایجاد شفافیت و حسابدگی میان دولت، شورای ملی، مردم و مراجع تمویل کننده.

۳. کاهش شرایط نظارتی غیر منسجم مراجع تمویل کننده و تفویض صلاحیت بیشتر برای دولت در اجندای انکشافی.

در پهلوی ساختار های موجوده نظارتی دولت که پیشرفت دیدگاه برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان را نظارت مینماید، مورد مشترک جدید نظارت و انسجام، از تعهدات قوی سیاسی، امنیتی و مالی

توافقنامه افغانستان، نظارت به عمل خواهد آورد. همچنان زمینه را برای دولت و جامعه بین المللی فراهم میسازد تا در رابطه به امکان بهبود اجراات در مقابل معیار های توافقنامه، بحث صورت گیرد (که از طریق برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان تطبیق خواهد گردید).

ریاست بورد مشترک نظارت و انسجام از سوی یکی از اعضای ارشد دولت افغانستان که از جانب رئیس جمهور تعیین میگردد و عضوی که از طرف نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان تعیین میگردد، به عهده گرفته خواهد شد و توسط یک دارالانشاء حمایت خواهد گردید ..

علاوه بر آن، یک واحد نظارت بر اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده تجهیز خواهد گردید که این واحد متمم دیگر ساختار ها خواهد، بود طوریکه اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده در برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان و توافقنامه افغانستان توحید گردید است. تحلیل اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده برای ساختار های نظارتی دولت از جمله کمیته نظارت، گروه های مشورتی و بورد مشترک نظارت و انسجام، معلومات و آگاهی میدهد. این واحد همچنان روند خاص گزارشدهی اهداف انکشافی هزاره ملل متحد را اداره خواهد نمود.

۱۱، ۳ کمیته نظارت ریاست جمهوری

هدف کمیته نظارت، عبارت از نظارت مجموع روند پیشرفت به سوی دیدگاه برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان و ایجاد یک مجمع برای دولت در امر تنظیم پالیسی و پلانگذاری استراتژیک است. به منظور جلوگیری از بیروکراسی و حفظ تمرکز، تشکیل کمیته نظارت، کوچک باقی خواهد ماند. کمیته نظارت، گزارشات خویش را مستقیماً به رئیس گسیل خواهد داشت و مجالسی را با موصوف به طور منظم راه اندازی خواهد کرد.

کمیته نظارت رهنمود هایی را برای گروه های مشورتی بازسازی درمورد سیستم ستندرد گزارش دهی روی معیار ها، پیشرفت برنامه و مسائل مربوط به پالیسی ارائه خواهد نمود. این انسجام گزارشدهی و تحلیل تمرکز فکری کمیته را نسبت به تفسیر مشرح احصائیه بر موضوعات به سطح بلند نگه میدارد. با وجود اینهم، مهم است تا کمیته نظارت در مورد اعتبار معلومات اطمینان حاصل نماید. علاوه بر معلومات از جانب گروپ های مشورتی، مطالعات مستقل، جمع آوری معلومات و تحلیل از جانب سایر منابع، مانند بخش های تحقیقی و جامعه مدنی، زمینه آنرا برای کمیته نظارت و تیم تقویتی آن مساعد خواهد ساخت تا نتایج را جذب نموده، بی نظمی ها را یا از میان بردارد و یا توضیح نماید. کمیته نظارت روی غلبه بر موانع در راه دیدگاه برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان از طریق اولویت بخشیدن و حل مسائل سیاسی تمرکز خواهد کرد. کمیته نظارت از سوی گروپ کاری استراتژی انکشاف ملی افغانستان تقویت خواهد گردید که تا تکمیل استراتژی مکمل انکشاف ملی افغانستان فعالیت خویش را جاری نگهدارد. به همین ترتیب وظایف مربوطه این اداره در دستگاه منظم دولتی مدغم گردیده و یک واحد حمایتی جهت تسهیل تقاضاهای فعلی کمیته نظارت، ایجاد خواهد شد. چون نظریات بعدی مراجع تمویل کننده به ویژه مسائل مربوطه به پالیسی تمویل

نهایت مهم میباشد، کمیته نظارت با گروه ریزنی خارجی که متشکل از اعضای وابسته به جامعه بین المللی میباشند، یکجا کار خواهد نمود.

فراهم کننده گان موجود و مطروحه معلومات که نظریات شانرا در تحلیل شاخص ها ارائه میکنند، مختلف و طوریکه در بخش ۶،۱،۱ ۶،۱،۱ مورد بحث قرار گرفته است نیازمند انسجام میباشند. براساس نیازمندی های اطلاعاتی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، و در تماس نزدیک با سایر میکانیزم های نظارتی، کمیته نظارت، شرحی از منابع معلومات را حفظ و بررسی خواهد کرد و رهنمود های خویشرا به منظور انسجام اصلاحات پیشکش خواهد نمود.

کمیته نظارت با کلیه تهیه کننده گان اطلاعات، گروه های مشورتی و وزارتخانه ها، کار خواهد کرد تا یک گزارش مرتبط نظارتی سالانه برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان را طبع نماید. با تحت پوشش قرار دادن پیشرفت در عرصه معیار ها، بودجه و تطبیق پلانها، این گزارش اساسی را برای مجمع سالانه انکشاف افغانستان، که جامعه تمویل کننده را با دولت به منظور بررسی تعهدات گذشته و بحث روی تعهدات بیشتر یکجا مینماید، فراهم خواهد نمود. جدول پالیسی برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان (ضمیمه اول برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان) اساسی را برای نظارت و گزارشدهی اهداف میان مدت و سالانه تشکیل خواهد داد. گزارش های سالانه برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان توسط کمیته نظارت در ختم هر سال مالی تهیه شده و به مجمع سالانه انکشافی افغانستان پیشکش میگردد.

۴،۱۱ گروه های مشورتی

انسجام ستراتیژیک برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، سکتوروار و از طریق میکانیزم گروه مشورتی صورت خواهد گرفت. ساختارگروه مشورتی به منظور تطابق آن با ساختار رکن جدید برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، اصلاح خواهد گردید و لایحه جدید وظایف تعیین خواهد شد تا وظایف و مسؤولیت های اضافی را منعکس سازد. جدول ساختار پالیسی، یک تعداد مشخص اهداف را برای هر گروه مشورتی که توسط شرایط معیار گزارشدهی و صادر شده توسط کمیته نظارت پی ریزی شده باشد، تهیه مینماید. گروه های مشورتی روی دو نقش عمده مکث خواهند نمود: (۱) نظارت عملیاتی، به شمول برنامه مشرح و انسجام سکتور برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان به سطح پروژه، ارائه گزارش برای کمیته نظارت مورد مشترک انسجام و نظارت و (۲) طرح نظریات پیرامون انکشاف پروسه بودجه، شامل ساختار بودجه، نظارت، مؤثریت مساعدت ها و ارائه گزارش برای وزارت مالیه.

اصلاح گروه مشورتی ضروری خواهد بود، اما به شرطی که در نظارت و انسجام برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان، نقش مؤثر را ایفا نمایند. درحالیکه گروه های معین مشورتی بنابر توانایی وزارتخانه کلیدی و مشترکین تمویل کننده نسبت به سایرین به طور بهتر اجرای امور نموده بودند، گروه های مشورتی اغلب بنابر نبود اهداف واضح، مالکیت و نظارت تضعیف شده بودند. ادارات هم مانند و متوازی انسجام ارتباط گروه های مشورتی را ضعیف ساخته است. اصلاحات ساختار میکانیزم گروه های نظارت در تطابق با برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان زمینه خوبی را در امر تحلیل گروه ها از نقطه

نظرحساس بودن و تقویت و ساختار ها و اهداف بحیث یک نقطه کلیدی عملکرد بین چندین وزارتخانه، تمویل کننده گان و کمیته نظارت فراهم نموده است. کلیه میکانیزم های انسجام دهنده در سطح سکتور بمنظور کار به سوی دیدگاه مشترک برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان در ساختار گروه های مشورتی توجیه خواهد شد.

گروه های مشورتی تحت اداره وزارت مالیه، بادر نظر داشت نقش مرکزی آن در امر انسجام مساعدت ها و آماده ساختن بودجه باقی خواهند ماند. باوجود اینهم، هرگروه مشورتی یک وزارتخانه رهبری کننده را به کمک یک تمویل کننده رهبری کننده که مسوولیت گزارشدهی به کمیته نظارت را دارا خواهد بود انتصاب خواهد نمود. این ارتباط و مسوولیت، کار گروپ های مشورتی را به پیش خواهد برد.

گروه های مشورتی اصلاح شده نقش بارزی را در اخذ نظریات وزارت و کشور تمویل کننده و نظارت طرح ها به شکل ستندرد ایفا خواهد نمود تا اطمینان حاصل گردد که برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و توافقتنامه افغانستان متمم همدیگر بوده با اهداف و مقاصد مشرح مطابقت داشته و به آن ها وفادار می باشند.

گروه مشورتی، بودجه های اصلی و خارجی موجود را نیز برای تطبیق سکتور ها ارزیابی خواهد نمود و برای کمیته بودجه رهنمود های دقیق ارائه خواهد کرد. وزارت خانه های مربوط برنامه های سرمایه گذاری وابسته خویش را نظارت نموده، ارقام را از نزد منابع موجود در ولایات، مؤسسات غیر حکومتی، تمویل کننده گان و واحد های تحقیق جمع آوری و به دست نشر خواهند سپرد. وزارتخانه ها با تهیه کننده گان ارقام جهت دریافت نظریات گروپ های مشورتی از نزدیک کار خواهند کرد. بدین ترتیب، دولت میکانیزم ها را به منظور جمع آوری، تجزیه و نشر بموقع و معین ارقام غرض نظارت از رشد اقتصادی، انکشاف بشری و کاهش سطح فقر بهبود خواهد بخشید.

وزارت امور زنان، وزارت مبارزه با مواد مخدر و سایر وزارتخانه ها و ادارات مربوطه با گروه های مشورتی جهت تهیه سیستم های نظارتی که ارقام و معلومات منتشر شده در اثر نیازمندی های (جنسیت اجتماعی، محیط زیست و غیره) وزارتخانه ها را تهیه میکنند، از نزدیک، کار خواهند نمود. حسب لزوم، سیستم گروه مشورتی نیز نظارت از شاخص های سکتوری به شمول شاخص های مربوط به مالیات عامه و اداره مصارف را حمایت خواهد نمود.

در دو سال آینده، رهنمود های گروه های مشورتی و مشوره های در رکن های مربوطه در مورد آماده گی و تطبیق مداوم و تجدید نظر در باره برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان سهم خواهند داشت. در همکاری نزدیک با گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، گروه های مشورتی؛ مقاصد، اهداف، فعالیت های پیشنهاد شده و برنامه های سرتاسری و شاخص های کلیدی را با نظر داشت هر رکن بررسی و اصلاح خواهند نمود سپس استماعیه های سکتور وار را برای بررسی مسوده های استراتیژی دایر خواهند

کرد. (جهت کسب معلومات بیشتر در مورد پروسه تهیه مشوره ها به فصل ۱۲ مراجعه نمایید). چون دولت سعی می‌ورزد تا از بیروکراسی های ویرانگر، گزاف و نهایت گنج کننده جلوگیری به عمل آورد، بناءً گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان بعد از چاپ متن برنامه کامل استراتیژی انکشاف ملی افغانستان منحل خواهد شد و وظایف به دواير دولتي محول خواهد گردید.

۵,۱۱ هیأت مشترک انسجام و نظارت

دولت جمهوری اسلامی افغانستان و جامعه بین المللی به این باور اند که موفقیت توافقنامه افغانستان و برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، مستلزم تعهدات قوی سیاسی، امنیتی و مالی میباشد که بتواند معیار ها را در مدت مورد نظر به دست آورد. به همین ترتیب، موفقیت این توافقنامه و برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان مربوط به نظارت مؤثر و میکانیزم انسجام میباشد.

به منظور تطبیق همه جانبه و به موقع این توافقنامه، دولت افغانستان و جامعه بین المللی یک هیأت مشترک انسجام و نظارت را ایجاد خواهد نمود. کار هیأت انسجام، تحت ریاست مشترک یکی از اعضای ارشد حکومت افغانستان که توسط رئیس جمهور و نماینده خاص سرمنشی ملل متحد برای افغانستان، تعیین گردیده، پیش برده خواهد شد. هیأت مشترک انسجام و نظارت، علاوه بر میکانیزم های موجود انسجام سکتوری، انسجام کلی را در امر تطبیق توافقنامه فراهم خواهد نمود.

هیأت انسجام و نظارت دارای یک دارالانشاء متشکل از کارمندان حکومت افغانستان و ملل متحد خواهد بود و در صورت ضرورت، توسط کارشناسان تخنیکی مساعدت خواهد گردید.

این هیأت، جلسات نوبتی و هم جلسات مخصوصی را طوریکه لازم است خواهند داشت تا صورت تطبیق این موافقتنامه را مورد ارزیابی قرار داده و اقدامات لازم را به عمل آورند.

نهاد های دولتی افغانستان و گروه های مشورتی نظریات خویشرا در مورد تطبیق توافقنامه ارائه خواهند کرد. این هیأت به خاطر اجرای بهتر ارزیابی ها، نظریات جامعه بین المللی را به شمول نیروهای حافظ صلح، تیم های بازسازی ولایتی، دفاتر ملل متحد، نهاد های مالی بین المللی، مراجع تمویل کننده، سازمان های غیر دولتی مربوطه و نماینده گان جامعه مدنی، مورد توجه قرار خواهد داد.

گزارش های متناوب پیشرفت در تطبیق توافقنامه افغانستان و برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان توسط هیأت انسجام و نظارت در دسترس رئیس جمهور، کمیته نظارت، شورای ملی، کافه مردم افغانستان، جامعه مدنی، جامعه بین المللی و شورای امنیت ملل متحد، از طریق هیئت ملل متحد در کابل قرار داده خواهد شد.

۶.۱۱ جمع آوری و تهیه اطلاعات

یک دسته شاخصهای معنی دار، معیار ها و اهداف، جهت پیمایش نیروی مصرف شده، پالیسی ها، تدابیر یا تعهدات و نتایجی که بر آسایش مردم تأثیر نماید، ضرورت است. وظایف عملی که شامل مسؤولیت وزارتخانه ها باشد ایجاد خواهد شد، به ویژه دفتر احصاییه مرکزی که معلومات و گزارش رویداد ها را در اجرای اهداف فقر زدایی و انکشاف ملی تهیه میکند.

دولت در صدد خواهد بود تا (۱) شکل ساختار سیستم های احصاییه بی و نظارتی اش را ساده و مؤثر بسازد. (۲) پخش اطلاعات احصاییه بی و استراتژی تربیوی استفاده کننده گان را انکشاف بدهد. (۳) اساسات قانونی برای حفظ استقلال، تفویض صلاحیت و نگهداری محرمت دفتر احصاییه مرکزی را تقویت کند و (۴) اساس ظرفیت تخنیکی، شیوه شناسی، جمع آوری و پخش احصاییه بی دفتر احصاییه مرکزی را بنا نهد. کمیته نظارت از نرم افزار پیگیری پروژه و معلومات ثبت شده جهت نظارت پیشرفت های پروژه ها و برنامه های کلیدی غرض تطبیق برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان و توافقنامه افغانستان، استفاده به عمل خواهد آورد.

در عرصه انکشاف معلومات، دولت، حدود، تنظیم جمع آوری معلومات، برقراری موازنه در میان تقاضا های معلومات و ظرفیت سیستم احصاییوی را قسمیکه ضرورت ایجاب میکند، معین خواهد کرد. یک تجدید نظر جمع آوری معلومات و تدابیر نظارت، جهت فراهم آوری لست تعیین درست کارمندان، در دفتر احصاییه مرکزی و دیگر ادارات اجرا خواهد شد. مسؤولیت های مقدماتی برای بررسی خانواده ها و تصدی ها، با تکمیل محاسبات ملی و احصاییه نرخ ها مربوط دفتر احصاییه مرکزی خواهد شد. ادارات دیگر مسؤولیت های مشخص جمع آوری معلومات دیگر را به عهده خواهند گرفت، به گونه مثال وزارت مالیه مسؤولیت معلومات بودجه ملی و بنیه مالی عامه را عهده دار خواهد شد، بانک مرکزی احصاییه های بانکی و مالی را گرد می آورد، وزارت تجارت معلومات تجاری را جمع آوری می کند. این سه وزارتخانه هماهنگ با صندوق بین المللی پول و دیگر ادارات مالی بین المللی برای معلومات کافی اقتصاد های بزرگ در باره مسائلی مانند : عایدات عامه، هزینه، قرضه، محصولات نا خالص داخلی، تبادل نرخ ها و تورم مساعد برای تحلیل کار خواهند کرد. بر علاوه و برای تأیید برنامه موقت استراتژی انکشاف ملی افغانستان کوشش های نظارتی بر موارد ذیل متمرکز خواهد بود.

- تحلیل فقر و آسیب پذیری که از سوی گروه های مردم با نظر داشت با در نظر داشت وضع اقتصادی، جنسیت اجتماعی (جنس) که بر اساس تحلیل و ارزیابی احتمال ضرر و زیان و آسیب پذیری ملی پایه گذاری گردیده، تجزیه شده است.

۱. نمونه های تمویل مراجع کمک کننده به شمول تعهدات، التزامات و پرداخت ها

۲. تطبیق و ارزیابی برنامه/پروژه

۳. بررسی ساده خانواده.

۴. انسجام سالانه احصاییه تصدی ها.
۵. بررسی های شش ماهه از فعالیت های اقتصادی.
۶. محاسبات ملی.
۷. احصاییه نرخ ها.
۸. احصاییه های مالی دولت.
۹. احصاییه های بانکی و پولی.
۱۰. تجارت خارجی و میزان معاشات.
۱۱. سرشماری، احصاییه های اجتماعی و فقر، و
۱۲. احصاییه های دیگر.

هدف برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان متحد ساختن میکانیزم، عملی ساختن جمع آوری سیستمهای نظارت جمعی دفتر احصاییه مرکزی و وزارتخانه های ذیربط، توسط و طبق سیستم محاسبات ملی سال ۱۹۹۳ میباشد. هم چنان ساختار خارجی را برای پوشش عرصه احصاییه های اقتصاد و ساختار های محصولات ناخالص داخلی را در زمینه احصاییه های اجتماعی ارائه میکند.

بناءً، اولین وظیفه برای دفتر احصاییه مرکزی طرح و به راه اندازی یک مطالعه از ارزیابی معیار های زندگی توسط بانک جهانی، نوع عواید خانوار و سروی مصارف و یک سروی مشترک تصدی های تجارتي، میباشد. عواید خانوار و سروی مصارف ارقام و حقایق را برای تخمین مصارف خانوار در محاسبات تولیدات داخلی ناخالص ارائه نموده، قیمت مصرف را ثابت نگه میدارد. فعالیت های اقتصادی را توسط خانوار ها و تجارت های انفرادی، فقر و تعدادی از شاخص های اجتماعی را تخمین مینماید. سروی مشترک تصدی های تجارتي ارقام و حقایق را ارائه مینماید که سکتور تجارتي انتظامی را برای تخمین افزودی ارزش و کمک به تولیدات داخلی ناخالص تحت پوشش قرار میدهد. برعلاوه، طوریکه ظرفیت ها ارتقاء می یابد، چنین سروی ها منجر به بوجود آمدن تخمین ها، پیرامون سرمایه گذاری و تشکل سرمایه میگردد که برای دولت، جهت ارزیابی تاثیر پالیسی استراتیژی انکشاف ملی افغانستان در قسمت رشد اقتصادی و فقر، حیاتی میباشد. وقتی تصدی ها طبقه بندی گردیدند، توسط بخش صنعت جهت مساعد ساختن زمینه های ارزیابی اندازه و ساختار صنایع مهم دسته بندی خواهند گردید.

به دلیل اینکه در حال حاضر دفتر احصاییه مرکزی ظرفیت انجام سروی ها را در سطح ملی نداشته، طرح نمونه، در سالهای ابتدائی برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان محدود خواهد بود، سطح سروی جغرافیائی شان وقتی انکشاف می یابد که ظرفیت ها ارتقاء یابد. ولی دولت براساس سروی معیار های زندگی خانوار ها با حمایت جامعه بین المللی جهت تایید پالیسی سازی، یک ارزیابی از فقر را انجام خواهد داد. برعلاوه، انجام یک سرشماری در سطح کشور برای سال ۸۷/۱۳۸۶ پلان شده است.

حکومت به منظور جمع آوری یک تعداد شاخص هائیکه برای ارزیابی پیشرفت ها در عرصه های انکشاف اجتماعی و بشری لازم اند به شمول شاخص های حفظ الصحة، تغذیه، معارف و دسترسی به خدمات اجتماعی عمده و صنایع همگانی، کار خود را آغاز خواهد نمود. چنین شاخص ها عبارت اند از: حد اوسط توقع زنده ماندن نوزادان در هنگام ولادت، میزان مصونیت، میزان مرگ و میر در میان نوزادان و کودکان تحت سن پنج سال، مرگ و میر مادران، فیصدی ثبت نام متعلمین صنوف ابتدائی و ثانوی، میزان کسانیکه مکتب را ترک کرده اند و فارغان، دسترسی به آب صحی و تجهیزات معالجوی و سایر انکشاف های اجتماعی و شاخصهای فقر طوریکه در گزارش اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده طرح گردیده اند. این شاخص ها سالانه به حیث بخشی از گزارش سالانه برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان جمع آوری و به دست نشر سپرده میشود. بر علاوه این ضروریات، ارقام و حقایق، یک تعداد سروی های اضافی بمنظور ارزیابی جنبه های کیفی فقر انجام خواهد گردید. دولت سعی خواهد ورزید تا از بانک جهانی/بانک انکشاف آسیائی و تمویل کننده گان غرض حمایت کار چنین سروی ها و ایجاد یک خط مبارزه با فقر در دراز مدت، وجه دریافت نماید.

۷,۱۱ نتیجه

برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و توافقنامه افغانستان، اساسی را برای جامعه مدنی و شهروندان افغانستان جهت درک تلاش های انکشافی ملی و بین المللی، بهبود بخشیدن معیشت ها، وضعیت بهتر اقتصادی، امتیاز ها و حقوق مردم افغانستان، فراهم میسازد. از میکانیزم های نظارتی باید به مثابه یک وسیله فراتر از طرح مرکزی برای سنجش اجراءات دولت و نتایج عرضه خدمات استفاده به عمل آید. این میکانیزم ها باید به مثابه یک وسیله و میکانیزم نهادی برای انجام اهداف ذیل استفاده گردند: (۱) تجارب به دست آمده (۲) انکشاف رابطه بین دولت و جامعه، (۳) ارتقا و بهبود رابطه بین دولت، جامعه مدنی و جامعه افغانی. لازم پنداشته میشود تا میکانیزم های نظارت توسط جامعه مدنی و شهروندان افغانستان به حیث میکانیزم های قابل اعتبار جهت اطمینان حاصل نمودن در مورد اینکه دولت: (۱) جوابده، (۲) شفاف و (۳) از نظر ستراتیژیک بر امتیازات، حقوق و شرایط اقتصادی تمام افغانها بدون در نظر داشت موقف نژادی، جنسیت اجتماعی و موقعیت جغرافیایی توجه مبذول میدارد، در نظر گرفته شوند.



مشوره ها

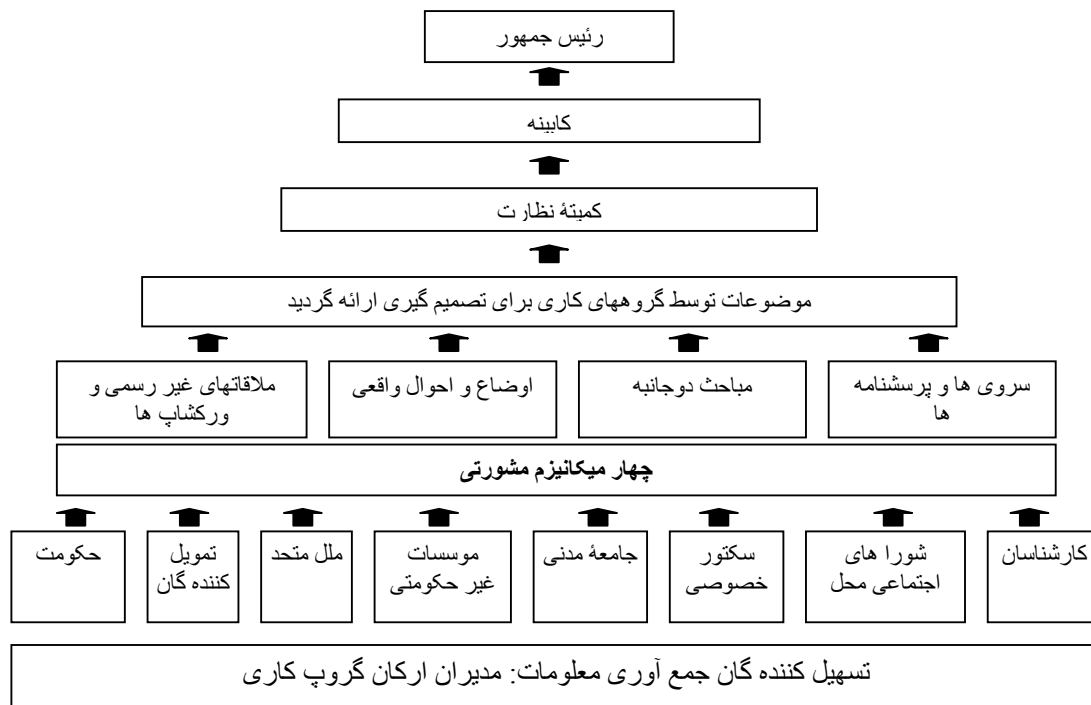
۱۲,۱ مقصد و ساختار

این فصل، اصول کلیدی روند پیشنهادی مشوره ها را برای برنامه کامل انکشاف ملی افغانستان مورد بررسی قرار می دهد. هدف مشوره ها دارای پنج موضوع میباشد: ۱- تأمین وسیع و فشرده مالکیت دولت در رابطه به استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، ۲- تقویت برنامه انکشاف ملی افغانستان توسط گنجاندن نقاط نظر پالیسی بخش جامع و گسترده سهامداران، ۳- برای به دست آوردن حمایت گسترده از تصمیمات پالیسی در برنامه انکشاف ملی افغانستان، ۴- اولویت دهی و تنظیم تداخلات ستراتیژیک و ۵- تسهیل اجرای برنامه انکشاف ملی افغانستان پس از نهایی شدن آن.

۱۲,۲ مشوره ها در برنامه موقت انکشاف ملی افغانستان تا اکنون

برنامه موقت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان پس از یک سلسله مشوره ها بین سیاست سازان افغان، جامعه کمک دهنده بین المللی، سازمانهای جامعه مدنی، و سکتور خصوصی انکشاف یافت. روش کاری مشوره ها چهار استراتیژی مختلف را در پی داشت که در شکل ۱,۱۲ بیان گردیده است:

شکل ۱,۱۲ : روند مشورتی استراتیژی انکشاف ملی افغانستان



نکات برجسته روند مشوره شامل موارد ذیل می گردد:

۱. روند مشوره در مورد استراتیژی انکشاف ملی ما، با بازنگری اهداف انکشافی افغانستان و به طور جدی آغاز گردید. جزئیات این اهداف در سطح کابینه و با حضور رئیس جمهور، در فرصت های مختلف مورد بحث قرار گرفت. پس از مباحث پالیسی متعدد در سطوح عالی موافقت گردید که اکنون "ام دی جی افغانی شده" نمایانگر یک توافق کلی واقعی در مورد اولویتهای پالیسی افغانستان برای ۱۵ سال آینده است.
۲. همچنان رئیس جمهور ریاست یک سلسله بازنگری ها بر استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و اهداف انکشافی افغانستان را به عهده داشت و مشاور ارشد اقتصادی خود را موظف ساخت که ریاست کمیته نظارت ریاست جمهوری روند پیشبرد استراتیژی انکشاف ملی افغانستان را به عهده گیرد.
۳. حد اقل چهار جلسه ویژه کابینه به خاطر بحث روی پیشرفت ام دی جی و استراتیژی انکشاف ملی افغانستان برگزار شد که در آن ها مسوده اسناد به تفصیل مورد بحث قرار گرفت.
۴. کمیته نظارت بر استراتیژی انکشاف ملی افغانستان در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۶-۲۰۰۵م) هر هفته، جلساتی را برگزار نموده است تا مواضع اساسی را در مورد استراتیژی انکشاف ملی افغانستان دقیق تر سازد و در حالی که این روند به پیش می رود، بر آن نظارت نماید.
۵. به تعقیب ارائه ساختار پیشنهاد شده استراتیژی انکشاف ملی افغانستان و روند ۱۳۸۴ (جون ۲۰۰۵م) شماری از مشوره ها با تمویل کننده گان، علما، سازمانهای غیر دولتی، سکتور خصوصی و نماینده گان جامعه مدنی صورت گرفت. صورت این جلسات در وبسایت^{۱۰۲} حکومت ثبت گردیده است.
۶. مشوره ها در باره کنفرانس ملی با رهبران شوراهای انکشاف محلی که در ۱۳۸۴ در کابل جهت اشتراک در کنفرانس ملی حضور داشتند، صورت گرفت. در این کنفرانس، اعضای کمیته نظارت به نمایندگانی خطاب نمود و در باره هدف ها و روند استراتیژی انکشاف ملی افغانستان صحبت نمودند. بحث های مفصل با حضور گروه های کوچک روی یک سلسله مسائل انجام شدند و سپس طی یک پرسشنامه، نظریات اعضای شورای انکشاف محلی در مورد اولویت های انکشاف ملی خواسته شد. نتایج پرسشنامه ها بعد از تحلیل آن ها، به منظور تنظیم استراتیژی ها، و اهداف سکتوری مورد استفاده قرار گرفت. بیشتر از ۴۰۰ تن از اعضای شورا های محلی از ۱۰۰۰۰ قریه در سراسر کشور، در این مشوره ها اشتراک نمودند. نتایج آن در وبسایت دولت گنجانیده شده است.
۷. برای هر بخش استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان، یک مسوده مشوره تهیه و ترجمه شده و آن مسوده ها با وزارت های حکومت و نماینده گان تمویل کننده گان مورد بحث قرار داده شد اند. بر مبنای عکس العمل حکومت و تمویل کننده گان در برابر این مسوده ها، بخش ها و فشرده های آن در استراتیژی انکشاف ملی افغانستان به طور جامع بازنگری شد.

^{۱۰۲} مراجعه شود به <http://www.and.s.gov.af/ands/andsconts/consultation/front.asp>

۸. یک گروه مشورتی خارجی از تمویل کننده گان، بازتاب غیر رسمی را در مورد بخش های مختلف استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان فراهم نمود؛ طوری که سند با توجه خاصی به خاطر هماهنگی بیشتر در تمام استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان و توافقنامه افغانستان بهبود یافت.

۹. در مذاکرات روی توافقنامه افغانستان شماری از مشوره های تشدید (به ویژه روی معیار ها - در ضمیمه یک توافقنامه) میان جامعه بین المللی و حکومت افغانستان صورت گرفت که توسط ملل متحد تسهیل شده بود. در نتیجه این روند هر معیار با ژرفا، توسط حکومت و نماینده گان مراجع تمویل کننده دقیق ساخته شد و مجموعه یی از اولویت های پالیسی را برای استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان ارائه می دارد.

۱۰. محیط واقعی (وب سایت) برای استراتیژی انکشاف ملی افغانستان با گزارشها از جلسات، صورت جلسات، جداول زمانی، نظریات سهم داران کلیدی در این عرصه، تازه ترین اطلاعات را به دست آورد که این امر محیط زنده یی را برای مصروفیت های جاری در مورد استراتیژی انکشاف ملی افغانستان www.and.gov فراهم میکند.

شکل ۱۲،۲ صفحه وبسایت استراتیژی انکشاف ملی افغانستان

به صورت مجموعی، استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان محصول مشوره های تشدید با یک تعداد از سهم داران در داخل و خارج دولت که توافق قابل ملاحظه یی را در رابطه به اولویت های انکشاف ملی افغانستان بیان مینماید. به همین ترتیب این استراتیژی در رابطه به نظریات و مباحث مختلف و یک سلسله سازش ها میان سهم داران با نظریات مختلف، در رابطه به اولویت های انکشاف افغانستان، بحث مینماید.

۱۲,۳ مشوره های آینده

دولت قصد دارد که از این برنامه موقت انکشاف ملی افغانستان، به عنوان مبنای مباحثات جامع تر در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۷) و بعد از آن با تعداد بیشتری از سهامداران به شمول وزیرای ذیدخل، شورای ملی، بخشهای مدیریتی پایین تر از سطح ملی، کمک دهنده گان، ادارات ملل متحد، سازمان های غیر حکومتی، نماینده گان جامعه مدنی، اجتماعات و سکتور خصوصی استفاده نماید. مشوره ها میان جامعه مدنی قبلاً از طریق استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان آغاز گردیده و کنفرانس جامعه مدنی که در جنب کنفرانس لندن در اواخر ماه جنوری سال جاری برگزار خواهد گردید، زمینه گرد هم آیی را برای نماینده گان جامعه مدنی مساعد خواهد ساخت تا پیرامون استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان، نظریات خویش را ارائه نمایند.

هدف دولت در مشوره های آینده عبارت از کمک به انکشاف جاری و طرح و اجرای یک استراتیژی انکشاف ملی جامع می باشد، است. سند کامل استراتیژی انکشاف ملی افغانستان اساس را برای پالیسی سازی در افغانستان در پنج سال آینده به وجود خواهد آورد. مشوره های آینده، بیشتر اولویت ها، موانع و استراتیژی های پیشنهاد شده متمرکز خواهد بود.

در این رابطه:

۱. جلد اول برنامه موقت انکشاف ملی افغانستان به عنوان یک بیانیۀ کلی پالیسی ها و اولویتهای کنونی دولت ارائه گردیده است. در حالی که این سند ممکن است در پرتو مشوره ها در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۷) مورد اصلاح قرار گیرد، هدف این سند ارائه یک فشرده جامع و منسجم از سیاست ها و اولویتهای ستراتیژیک کلی دولت م باشد. به عنوان بخشی از آماده گی برای روند کامل برنامه انکشاف ملی افغانستان، این سند به گونه عمیق مورد بازبینی قرار خواهد گرفت.

۲. جلد دوم که شامل خلاصۀ برنامه ها و معیارهای موقت می گردد، به عنوان مسوده یی برای نظرخواهی در طول سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۷) ارائه گردیده است. هدف از این خلاصه ها و شاخص ها دریافت پیشنهاد های کمک دهنده گان و وزیرای ذیدخل در روند مشورتی سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵/۶) می باشد، اما تا کنون نمایانگر سیاست های دولت نیست؛ ولی به هرحال، مبنای استواری را برای بحث در روند مشوره ها در سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶/۷) فراهم می آورد.

پس از ارائه استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان در کنفرانس لندن در اواخر جنوری ۲۰۰۶، مراحل کلیدی ذیل انجام خواهد شد:

ساختار اصلاح شده گروه های مشورتی، زمینه را برای مشوره های جاری در مورد ساختار سند کامل استراتیژی انکشاف ملی افغانستان فراهم خواهد نمود.

۱. مراجع تمویل کننده، شرکای اجراییه بی و سهم داران کلیدی از سوی دولت، برای اشتراک گروه های معین مشورتی، با در نظر داشت نمونه تمویل گذشته و آینده، علاقه، تجارب، اداره و تسهیل انسجام گروه، دعوت خواهند شد. در جریان فعالیت های دیگر، گروه های مشورتی کارهای ذیل را اجراء خواهند کرد: ۱. بازنگری و نهایی سازی اهداف همه جانبه استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان، هردو جلد اول و دوم و قسمتهای مربوط به ام دی جی، معیار های توافقنامه افغانستان، و شاخص هایی که به منظور ارزیابی و پیشرفت شکل گرفته اند. ۲. بحث روی پیشرفتهای در مورد آن اهداف، استراتیژی ها، فعالیتها و شاخص ها؛ ۳. تشخیص خلاءها و اهداف راه های حل پالیسی به وزارت های ذیدخل؛ ۴. بحث روی موضوعات چند بعدی پالیسی؛ ۵. سازماندهی جلسات بخش به بخش، برای بازنگری مسوده استراتیژی ها در مرحله آماده گی و جریان اجراء و بازنگری کامل استراتیژی انکشاف ملی افغانستان؛

یک بازنگری تشدید مرکزی حکومت، از استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان: بعد از کنفرانس لندن، یک بحث جامع بخش عامه مردم از استراتیژی انکشاف ملی افغانستان به عمل خواهد آمد و استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان مشمول رسیدگی و اشتراک نظریات^{۱۰۳} کامل شورای ملی در مورد این استراتیژی خواهد بود و هم مورد بحث قرار دادن استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان با وزارت های ذیدخل در یک روند اصلاح شده گروه مشورتی به خاطر برجسته ساختن اولویتهای پالیسی حکومت و مفهوم آن برای وزارت های آنان و هم به مقصد بازنگری اینکه برای استراتیژی انکشاف ملی افغانستان چگونه بودجه آماده شده و هم این استراتیژی چگونه اجراء و نظارت گردد، مشمول آن خواهد بود.

مبنای پیروزی این بحث ها این خواهد بود که برای اعضای شورای ملی وقت و فرصت کافی داده شود تا محتویات و روند استراتیژی انکشاف ملی کامل افغانستان را کاملاً مرور نمایند. استراتیژی انکشاف ملی افغانستان پیشنهاد خواهد کرد تا اعضای شورای ملی، ساختار روند های مناسب را به خاطر یقینی ساختن اینکه آنها این موضوع را مورد بازنگری قرار دهند و در این مورد که آیا استراتیژی انکشاف ملی افغانستان نیازهای رأی دهنده گان را پاسخگو هست ابراز نظر کنند. این مشوره ها به شورای ملی نه تنها یک فرصت عالی را به خاطر یقینی ساختن اینکه ملاحظات پایین تر از سطح ملی به صورت بهتر در استراتیژی انکشاف ملی افغانستان بازتاب یافته اند فراهم می کند، بل این مسوده ها فرصت خوبی را برای آموزش توده های مردم پیرامون اهمیت انکشاف یک استراتیژی ملی، فراهم می سازد و زمینه درک مشکلات واقعی منابع و چالش های اجرایی حکومت را که در اجرای این استراتیژی به آن مواجه است نیز می گرداند. اجرای درست این مشوره ها با مجلس نماینده گان این امکان را یقینی می سازد. یعنی این که استراتیژی انکشاف ملی افغانستان واقعینانه است و بر واقعیتهای کشور اتکاء دارد و هم اینکه توقعات پیرامون اولویتهای انکشاف ملی ما هر چه بیشتر و از نزدیک با واقعیت پیوند دارند.

^{۱۰۳} - مبتنی بر حکم قانون اساسی، شورای ملی به خاطر بازنگری تمام برنامه های انکشاف اقتصادی موظف می باشد. (به ماده ۹۰ مراجعه شود).

بحث های دوجانبه و چند جانبه با تمویل کننده ها: مباحثات منظم دوجانبه و چند جانبه با تمویل کننده گان به خاطر افزایش هماهنگی میان کمک های آنها و اولویتهای بیان شده حکومت در مورد استراتژی موقت انکشاف ملی صورت خواهد گرفت. با مرور زمان مصرانه از تمویل کننده گان خواسته خواهد شد که تمویل اولویتهای ستراتیژیک خود را با نیازهای تمویل و اولویتهای استراتژی انکشاف ملی افغانستان هماهنگ سازند. با درک مشکلاتی که تمویل کننده گان در کوتاه مدت با آن مواجه اند، این بحث ها همچنان با هدف یقینی ساختن تعهدات موجود تمویل کننده گان (با درنظرداشت پروژه هایی که از قبل کار آن ها آغاز شده و یا به طور کامل در مورد آن تعهد شده به پیش خواهد رفت) در استراتژی انکشاف ملی افغانستان مدغم می شوند.

هدف غایی به دست آوردن توافق عمومی ملی و بین المللی در مورد اولویتهای انکشاف افغانستان و به دست آوری حمایت کامل بین المللی برای حمایت از این اولویتها است.

بحث ها در سطح ولایات، جمع آوری اطلاعات و مشوره ها: در حالی که نبود وقت و منابع، از بحث در مورد استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان فراتر از کابل جلوگیری می نماید، طرح بنیادی این است که مشاوری پیرامون استراتژی کامل انکشاف ملی افغانستان در تمام ولایات صورت گیرد تا هر دو، درک وسیع از اولویتهای ملی و تقویت استراتژی انکشاف ملی افغانستان از طریق پیوند دادن " واقعیهای ساحه" با استراتژی انکشاف ملی صورت گیرد. جلسات استراتژی انکشاف ملی افغانستان به سطح ولایات برگزار خواهد شد (اگر منابع اجازه بدهند، این کار در مرکز ولسوالیها انجام خواهد شد) تا روی استراتژی انکشاف ملی افغانستان بحث صورت گیرد. این بحث ها گروه های محلی، بنیادهای سیاسی، اداری، مذهبی و مدنی، سازمانهای غیر حکومتی (انجوها)، نماینده گان ملل متحد و هسته های نظامی را به خاطر بحث روی اولویت های ملی و ولایتی انکشافی گرد هم خواهد آورد. نتایج به دست آمده از بحث ها به خاطر تأمل و اندیشه پیرامون استراتژی انکشاف ملی افغانستان، جمع آوری و ترتیب خواهند شد. به مثابه نتیجه بحث های ولایتی در مورد استراتژی انکشاف ملی افغانستان، هدف حکومت به میان آوردن یک سیمای جامع خصوصیات برای هر ولایت است: (۱) اولویتهای انکشافی رهبری ولایتی و ولسوالی در سرتاسر افغانستان (۲) منابع طبیعی، دارایی های زیرساختی و فرصت ها برای انکشاف در هر ولایت (۳) مشکلات بزرگ در صورت استفاده از این فرصت ها (۴) شاخص های کلیدی اجتماعی ضرورت و قابلیت در میان نفوس (به طور مثال صحت، معارف، احصائیه های استخدام) برای هر ولایت، و در نهایت (۵) تا یکدست اولویتهای ستراتیژیک انکشاف ملی را آگاهی دهد و هم توسط استراتژی انکشاف ملی آگاهی داده شده باشد.

جمع آوری اطلاعات و مشوره ها در سطح گروه های محلی: اندازه درک استراتژی انکشاف ملی افغانستان، از نیازها و آرزوهای جوامع روستایی و پاسخ به آنها برای موفقیت این استراتژی امر ضروری است. مباحثی در داخل دولت در مورد استفاده بالقوه از شوراهای انکشاف گروه های محلی به عنوان وسیله یی برای ادغام دیدگاه های جوامع روستایی در استراتژی انکشاف ملی افغانستان برگزار خواهند شد. تا جایی که منابع و زمان اجازه می دهد، دولت قصد دارد تضمین نماید که کار شورا های انکشاف گروه های محلی،

اولویتهای انکشاف را به اطلاع استراتیژی انکشاف ملی افغانستان برساند و خود شوراها نیز از این اولویتهای مطلع گردند. برای انجام این هدف، دولت می خواهد از درسهای آموخته شده از دیگر موقعیت ها که سند فقر زدایی از اشکال مختلف تحقیق اشتراکی و میکانیزم های مشورتی به منظور به دست آوردن دیدگاه های جوامع در مورد اولویتهای انکشافی شان بهره برده است، استفاده کند.

با توحید مشاوره ها، با نظارت و تلاش برای به دست آوردن اطلاعات، روند استراتیژی انکشاف ملی افغانستان می خواهد تصویر جغرافیایی ولسوالی ها و ولایات را ایجاد کند که به دولت و کمک دهنده گان کمک خواهد کرد تا خصوصیات، سرمایه ها، و چالش های بی مانند جمعیت شناسی و جغرافیایی ولایات و ولسوالی های مختلف افغانستان را بهتر بشناسند. دولت شوراها محلی موجود و شوراها انکشافی را در سطح محلی در روند جمع آوری اطلاعات، تعیین اولویت های انکشاف، و در گزینش بهترین روشها که از لحاظ مصرف، شناسایی و اجرای اولویتهای استراتیژی انکشاف ملی در سطح جامعه به صرفه تر باشند را مشمول خواهد ساخت. کارشناسانی به کشور آورده خواهند شد تا تضمین نمایند که روش مورد استفاده در استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان بهترین میکانیزمهای مورد استفاده در سطح بین المللی را به کار خواهد گرفت تا تضمین نمایند که ارزیابی های روستایی تا حد امکان سهم گیرانه و معنا دار است و هم در رابطه با به دست آوری اطلاعات دقیق و هم تضمین اینکه در نهایت از اظهار نظر ها به طور درست در ایجاد پالیسی استفاده می شود، از آنها کار گرفته خواهد شد.

تعداد زیادی از سازمانهای جامعه مدنی مشوره ها صورت خواهد گرفت. دولت اذعان می کند: " جامعه مدنی" شامل تمام افراد و گروه هایی است که بخشی از دولت یا سکتور خصوصی نیستند و خودشان را در ساختار های غیر خشن سازماندهی می کنند تا از منافع شان حفاظت کنند یا آن را افزایش دهند. در افغانستان "جامعه مدنی" شامل شوراها، جرگه ها، شورا های بزرگان، جنبش های عرفانی و خانقاه ها ؛ نهادهای مذهبی همچون مساجد، مدرسه ها، و تکیه خانه ها؛ کمیته های مدیریت آب، مجامع فرهنگی، مجامع هنری و مسلکی، سازمانهای غیر انتفاعی و غیر دولتی (افغان و غیر افغان)، سازمانهای توده یی زنان، جوانان، معلمان، کارگران، معلولین، افراد مسلکی و ژورنالیست ها؛ مراکز/شوراها صلح؛ گروههای محصلین پوهنتون ها؛ سازمانهای مبتنی بر جمعیت های محل؛ سازمانها و طرفداران حقوق بشر و شوراها انکشاف جامعه^{۱۰۴}. بسیاری از این ها ساختارهای سنتی هستند که ساختار جامعه مدنی در حال انکشاف امروز را شکل می دهند. مشوره گیری از جامعه مدنی، در همکاری با گروه های کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، وزارت های کلیدی و نماینده گان جامعه مدنی انجام خواهد شد که هم از منابع لازم برخوردار بوده و هم متعهد می باشند تضمین کنند که از طیف گسترده یی از آرای جامعه مدنی در روند انکشاف استراتیژی انکشاف ملی افغانستان استفاده گردد. برای تضمین این که مشوره گیری ها در سطح ولایات و ولسوالی ها شامل مشورت با نماینده گان جامعه مدنی در نواحی مختلف گردد، باید گامهای عملی برداشته شود.

^{۱۰۴} این تعریف از " برگزاری جریان مشوره جویی از جامعه مدنی در افغانستان" (اگست ۲۰۰۵)، توسط انجو ها به استراتیژی انکشاف ملی افغانستان ارائه گردید و گروه " بی.آر.ای.بی " افغانستان را ایجاد نمود.

در جریان مشوره جویی، توجه ویژه‌ی بی به سازمان های غیر حکومتی (انجوها) داخلی و بین المللی با تجربه که از سالیان متمادی در کنار افغانهایی که در فقر زنده گی می کنند، کار کرده اند خواهد شد. بسیاری از انجوها قبل از دوره طالبان و در زمان حکومت آنان در افغانستان فعالیت کرده اند و به قدر کافی تعهدشان نسبت به فقراء و همچنین توانایی مسلکی شان را در خدمت به فقراء به اثبات رسانیده اند. این سازمان های غیر حکومتی (انجوها)، به ویژه آنانی که مأموریت های اجرایی برای خدمت به فقرا دارند و هم در مأموریت خود پالیسی دارند تا از طرف فقراء از آنان حمایت کنند- به طور خاصی از موقعیتی برخوردار هستند تا تضمین نمایند که نگرانی های فقرای افغانستان در روند استراتژی انکشاف ملی افغانستان در نظر گرفته خواهد شد. از این سازمان ها (انجوها) چه به طور رسمی و یا غیر رسمی در طول روند کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان مشوره گیری صورت خواهد گرفت، و دولت متعهد می باشد تضمین نماید که نه تنها به نظریات انجوها گوش داده خواهد شد، بل آنها در تعیین نتایج نهایی، اثر گذار خواهند بود^{۱۰۵}. به طور خاص، مهم است که انجوها در سه عرصه از مباحثات شرکت نمایند:

۱. اول، انجوهایی که در زمینه هایی مانند صحت، معارف، حفاظت جامعه، اقتصادهای کوچک، و اقدامات بشردوستانه تخصص دارند، باید به طور کامل در ساختار اصلاح شده گروه مشورتی شرکت داده شوند تا اولویتهای استراتژی انکشاف ملی افغانستان را بر یک مبنای رکن به رکن مورد بحث قرار بدهند؛

۲. دوم، بسیار مهم است که انجوهایی که در ولایات و ولسوالی ها حضور تاریخی داشته اند، در مباحث استراتژی انکشاف ملی افغانستان در سطوح ملی شرکت کنند تا تضمین گردد که دیدگاه های آنان در مورد اولویتهای جغرافیایی در نظر گرفته می شود؛

۳. سوم، انجوها باید در مباحث گسترده تر و دامنه دار در مورد اولویتهای سیاست برنامه انکشاف ملی افغانستان شرکت کنند تا تضمین گردد که به نیازها و حقوق مردمی که انجوها به آنها خدمت می کنند توجه کافی صورت می گیرد.

مباحثات با انجوها و سایر فعالان جامعه مدنی نه تنها برای تضمین اینکه تصمیمات پالیسی استراتژی انکشاف ملی افغانستان به بهترین شکل طراحی گردیده است تا فقر را کاهش دهد، به نگرانی های حقوق بشر و حقوق زنان رسیدگی کند، و مباحث سیاسی صلح آمیز را انکشاف دهد، ضروری می باشد، بلکه برای تضمین تملک ملی گسترده استراتژی انکشاف ملی افغانستان و تقویت اجرای تصمیمات پالیسی آن نیز لازمی است.

^۴ در حالی که در صداقت سازمانی و کمک بسیاری از انجوها داخلی و بین المللی به افغانستان هیچ شک و شبیه ای نیست، سازمانهایی نیز وجود دارند که خودشان را انجوها می نامند ولی در حقیقت هیچ ارزشی و یا ارزش کمی برای هیچ کس به غیر از خودشان قائل نیستند، بنابراین دولت متعهد است بخش انجوها را پاکسازی نماید تا شهرت خوب "انجوها واقعی" را حفظ کند و حضور اشخاص و سازمانهایی را که تنها به نام انجوها هستند از این عرصه حذف نماید.

اشتراک مهاجرین افغان: باوجود بازگشت گسترده مهاجرین و دیگران از سال ۱۳۸۱ تا اکنون، هنوز هم مقدار زیادی از سرمایه انسانی افغانستان در مهاجرت به سر می برند. استراتژی کامل انکشاف ملی افغانستان موقعیت مهمی را برای سهم گیری افغانهایی که در مهاجرت به سر می برند و می خواهند در انکشاف افغانستان شرکت جویند فراهم می آورد تا آنان را در باره آینده کشور شان تهییج کند و تشویق نماید تا بخشی از این آینده باشند. استراتژی انکشاف ملی افغانستان میکانیزم هایی را، هم از طریق مشوره جویی های عملی و هم از طریق بحث های مناسب در مکانهای انتخاب شده - به کار خواهد گرفت تا مهاجرین افغان را در استراتژی انکشاف ملی افغانستان، قسماً با دریافت نظریات شان و قسماً با شرکت دادن دوباره شان در افغانستان سهیم گرداند.

۱۲،۴ توافقنامه اجتماعی براساس ارتباطات

استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان و توافقنامه افغانستان اساسی را برای شهروند کشور بخاطر درک تلاش های انکشاف ملی و بین المللی فراهم میسازد. از میکانیزم های نظارتی باید به حیث یک وسیله فراتر از طرح مرکزی برای ارزیابی اجراءات دولت و نتایج عرضه خدمات استفاده به عمل آید. از این میکانیزم نهادینه شده به منظور تقویت روابط میان دولت و جامعه استفاده گردد و باید اطمینان حاصل گردد تا دولت (۱)حسابده (۲)شفاف باشد و (۳) از نظر ستراتیژیک به امتیازات، حقوق و وضعیت اقتصادی تمام افغانها بدون درنظرداشت نژاد، جنسیت اجتماعی و پیوند های جغرافیایی توجه نماید.

به همین منظور ما در نظر داریم که یک استراتژی ارتباطی را انکشاف دهیم تا شهروندان کشور حتی در دوردست ترین نقطه کشور بتوانند از اطلاعات مبتنی بر تلاشهای انکشافی ما، آگاهی حاصل نمایند. ما نیاز داریم تا شورای ملی از استراتژی ملی ما حمایت کند و چالش هایی را که استراتژی ما با آن روبرو خواهد بود، دریابد.

ما به این باور هستیم تا توافق ملی را میان همه ادارات دولتی و مردم افغانستان در رابطه به دیدگاه و استراتژی انکشافی خود ایجاد نماییم. هدف ما این است تا این کار را از طریق توافقنامه اجتماعی انجام دهیم تا این توافقنامه افغانستان و معیارهایی را که ما با جامعه بین المللی به میان آورده ایم، تکمیل نماید. توافقنامه اجتماعی از طریق روند مشاوره در استراتژی انکشاف ملی افغانستان تبارز خواهد کرد.

۱۲،۵ اداره و جستجوی منابع برای روند مشورتی

گروه کاری استراتژی انکشاف ملی افغانستان که در عرصه های مختلف دولتی و سهم داران فعالیت مینماید، مسئولیت اداره روند مشورتی را به عهده دارد. اطلاعات جدید پیرامون این روند همراه با اصول آن در جلسات کمیته گروه مشورتی و ویبسایت^{۱۰۶} دولتی ارائه خواهد گردید. وسعت و عمق روند مشورتی از سوی

^{۱۰۶} مراجعه شود به <http://www.ands.gov.af/main.asp>

منابع دست داشته و میعاد مورد نظر مشوره ها، تعیین خواهد گردید. برای روند مشورتی استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، کمکهایی از سوی کشور های کمک کننده همزمان با ارائه طرح استراتیژی انکشاف ملی افغانستان در ماه جنوری درخواست خواهد گردید. هرگاه دولت روند مکمل مشورتی و استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان را الی ۱۰ جدی سال ۱۳۸۶ تکمیل نماید و مشوره هایی را که در فوق ذکر گردید یک دست و منجم سازد، نکات ذیل باید هنگام تهیه استراتیژی کامل انکشاف ملی افغانستان مد نظر گرفته شوند:

هماهنگی و مشوره مرکزی:

۱. گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان نیاز به ظرفیت بشری و منابعی خواهد داشت تا مشوره ها را تسهیل، منسجم و تحلیل نماید و همچنان اطلاعات اصلاح شده را از گروه های مشورتی جمع آوری نموده و به حیث واحد حمایت گر برای کمیته نظارت غرض تکمیل و تهیه استراتیژی انکشاف ملی افغانستان ارسال کند. سپس گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان منحل خواهد شد و وظایف آن، در دستگاه دولتی مدغم خواهد گردید؛

۲. وزارتخانه های رهبری کننده گروه های مشورتی، به منظور انسجام مشوره های سکتوری و تهیه گزارش های سکتوری، نیاز به کمکهای تخنیکی خواهند داشت؛

۳. گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان برای مدیریت و استفاده از بازتابهای مسائل مربوط به مشوره جویی های ولایتی و شورا های انکشاف محلی و همچنین تضمین این که نظارت و جستجوی اطلاعات بر مبنای ولایت به ولایت، به طور درست مدیریت گردد، مورد نیاز می باشند؛

۴. تمام مشوره گیری های دیگر در کابل با جامعه مدنی، انجوها و دیگران، نیاز به هماهنگی و منابع مالی و انسانی بیشتر دارد.

هماهنگی ولایتی:

منابع بشری و انسانی به خاطر یکجا سازی یک سلسله از مشوره های تشدید ولایتی در مورد استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان جهت گرد هم آوردن اشتراک کنندگان به سطح مرکز و ولایات برای یک تعداد مشوره های تشدید روی استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان که در مدت ۱۸ ماه بوقوع خواهد پیوست نیاز خواهد بود. این مشوره ها باید شامل اشتراک کنندگان کلیدی که (محدود به آن نخواهد بود) مقامات اداری ولایتی و نماینده گان حکومت مرکزی، کمیته های انکشاف ولایتی، نمایندگان شورای ملی، گروه های بازسازی ولایتی، انجوها، رهبران مذهبی، نمایندگان جامعه مدنی و تمویل کننده گان کلیدی باشند. نشستهای یکباره گی برای این سهامداران کافی نخواهد بود. باید زمان و منابع انسانی و مالی کافی به خاطر یقینی ساختن این که برای این سهامداران مواد ترجمه شده مناسب فراهم شده است و هم برای آنها جلسات سازمان داده شده تا در آن نظریات و پیشنهاد ها در رابطه با استراتیژی انکشاف ملی افغانستان مکمل به صورت مکمل مورد

بحث قرار گرفته و همچنان این موضوع مورد بحث قرار گیرد که چگونه استراتژی انکشاف ملی افغانستان در ولایاتشان مورد اجراء قرار خواهند گرفت.

تحقیقات و اداره اطلاعات:

۱- جستجوی اطلاعات کلیدی برای هر ولایت مستلزم دست یابی به کارشناسان داخلی و بین المللی می باشد تا به تعدادی از ساحات در ولایات سفر کنند و جستجو های اولیه را انجام دهند و نتایج تحقیقات شان را در موادی که می توان از آنها برای آگاهی در ساختن پالیسی کار گرفت، ادغام نمایند.

پیشنهاد های (پروپوزال های) تمویل به خاطر حمایت فوری بعد از تصویب استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان توسط جمعیت دونه ها برای این تحقیق به تمویل کننده گان ارائه خواهد شد.

۲- درحالی که برنامه های حکومت از نزدیک با موسسات موجود برای تحقیق (مانند واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان) و ابتکارات (مانند ارزیابی ملی خطر ها و آسیب پذیری) در ادغام اطلاعات و نتایج نظارت همکاری می کند، مجبور خواهد بود بر منابع انسانی خود و تشخیص تمویل به مقصد اجرای مؤثرانه این تحقیق سرمایه گذاری کند.

۱۲,۶ میعاد برای انکشاف استراتژی کامل انکشاف ملی افغانستان

استراتژی کامل انکشاف ملی افغانستان در دوسال یعنی تا تاریخ ۱۰ جدی ۱۳۸۶ به پایه اكمال خواهد رسید. به دست آوردن اطمینان در این مورد که استراتژی انکشاف ملی افغانستان بر بنیاد مشوره های جامع و تحلیل اطلاعات تهیه شده است، ضروری خواهد بود. مراحل کلیدی روند انکشافی استراتژی انکشاف ملی افغانستان عبارتند از :

(از ماه ۱-۳) مرحله اول: بررسی پالیسی و مصارف:

استراتژی کامل انکشاف ملی افغانستان از بررسی پالیسی ها و برنامه هایی که در جلد اول و دوم استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان منعکس و پیشنهاد گردیده اند، آغاز میگردد. بررسی هایی از سوی گروه های مشورتی و اداره احصاییه مرکزی با ادارات جامعه مدنی، سکتور خصوصی، و دیگر سهم داران کلیدی، اجراء خواهد شد. توجه خاص در عرصه دخیل ساختن شورای ملی در مباحثه استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان و کار با وزارت خانه های مربوطه جهت تسوید خلاصه برنامه و معیار های عملی وعده داده شده در جلد دوم استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان، صورت خواهد گرفت. مصارف کلی طوری که در فصل دهم ذکر گردید، درج خواهد گردید.

(ماه ۴-۶) مرحله دوم، آغاز جمع آوری اطلاعات و ادغام آن ها:

در حالی که استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان بر اطلاعات دست داشته وابسته بود، هدف از روند کامل استراتژی انکشاف ملی افغانستان عبارت از ارتقاء سطح آگاهی دولت در مورد واقعیت های عملی میباشد.

هدف دولت به ویژه این است تا از واقعیت های آمارگیری اقتصادی، سیاسی و امنیتی در سطح ولایات^{۱۰۷} واقف گردد. به طور مثال، دولت مجموع اطلاعات ذیل را در مرحله دوم استراتیژی انکشاف ملی افغانستان توحید خواهد نمود.

بمنظور نیل به توافقتنامه افغانستان و معیار های عملیاتی، لازم است تا اساس موثق و احصاییه یی را برای کلیه اهداف ما انکشاف دهیم.

معیارهای اساسی: به منظور نیل بر توافقتنامه افغانستان و معیار های عملی یی که در جلد دوم استراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان درج گردیده اند، ضرورت خواهد بود تا ما برای همه مقاصد خویش، معیار های موثق احصاییه یی را انکشاف دهیم. این کار باید از سوی اداره احصاییه مرکزی صورت گیرد نه از سوی تیم استراتیژی انکشاف ملی افغانستان. این تحلیل باید در مرحله دوم آغاز شود و در یکسال تکمیل گردد (الی اواسط ۲۰۰۷)

- **نفوس شماری:** اطلاعات دقیق و درست در رابطه به واقعیت های آمار گیری در افغانستان ضرورت خواهد بود. ارقام نفوس و تفکیک اقشار مردم به منظور تأمین تعادل استراتیژی انکشافی ما مهم است. در این مدت زمان، تلاش ها برای نفوس شماری سرعت بخشیده خواهد شد و اطلاعات ابتدایی آمار در اواسط سال ۲۰۰۷ در دسترس قرار خواهد گرفت. (و نفوس شماری الی اواخر ۲۰۰۸ تکمیل خواهد گردید).

- **اقتصاد عظیم:** ما نیاز داریم تا تحلیل خویش را پیرامون معلومات اقتصادی موجود تعمیق بخشیم، مانند محاسبات ملی، نرخ ها، نمونه های تجارتي، سطوح پول، حدود و خاصیت اقتصاد غیر رسمی، ارقام کاریابی، و روابط بازار. دولت در نظر دارد تا به منظور توحید این اطلاعات یکجا با شرکای بین المللی خویش چون صندوق بین المللی پول، کار نماید.

- **تاریخچه فقر و رشد بالقوه و دسترسی به خدمات:** ما برنامه یی را طرح خواهیم کرد تا از مشوره ها در سطح ولایات استفاده نمایم تا بتوانیم به نحو بهتر از سطح فقر، ساحات اقتصادی و رشد، توزیع سرمایه و تأمین معیشت قشر آسیب پذیر (بیجاشده گان، عودت کننده گان، معیوبین، زنان، کودکان، بیوه ها و غیره) آگاهی حاصل نماییم. این تلاشها، همچنان اطلاعات ما را در رابطه به دسترسی و کیفیت معارف، آب و آبیاری و حفظ الصحة، تقویت خواهد نمود. این اطلاعات پیرامون تحقیقاتی که قبلاً در ارزیابی ملی خطر ها و آسیب پذیری و گزارش های انکشاف بشری ملل متحد صورت گرفته موضوع را مورد بحث قرار خواهد داد.

^۱ در این رابطه، گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان به حیث تسهیل کننده در روند اداره اطلاعات عمل خواهد نمود تا تحقیق کننده معلومات در حالی که مهم است تا گروه کاری استراتیژی انکشاف ملی افغانستان - که یک ساختار موقتی خواهد بود - دارای میکانیسم های پر مصرف نباشد، این موضوع نیز مهم است که گروه کاری فوق به منظور انجام وظایف کوتاه مدت خویش، دارای منابع کافی باشد.

- **امنیت و حکومتداری:** استراتیژی اطلاعاتی ما طوری طرح خواهد گردید تا تفاهم امنیت ملی و امنیت بشری فردی را افزایش دهد و توجه خاص در ارتباط به سطح آگاهی حقوق بشر و مصونیت، سطح تعلیمات مدنی و سهم سیاسی، آموزش رای دهنده گان و آزادی مطبوعات، مبذول گردد.

- **محیط زیست:** تحلیل اطلاعات دست داشته در رابطه با استفاده از منابع طبیعی و معلومات پیرامون چالش های محیطی.

مرحله سوم (ماه ها ۷-۱۲): تحقیق اطلاعات و انجام مشوره ها با شوراهاى انكشاف محلى، شورای ملی و ادارات ولایتی، و بررسی بودجه یی:

در حالی که تحقیق اطلاعات در جریان خواهد بود، دولت در یک رشته مشوره ها به سطح روستا ها و ولایات سهم خواهد گرفت. (در صورتی که وقت و منابع ایجاب نماید، مشوره ها در سطح ولسوالی ها نیز انجام خواهد شد.) این مشوره ها روشن خواهند نمود که با نماینده گان منتخب، مدیران ولایات، رهبران جوامع محلی، جامعه مدنی، نماینده گان سازمان های غیر حکومتی و سکتور خصوصی در رابطه با نکات ذیل اخذ مشوره شده است:

(۱) اهداف دارای اولویت ما برای فقر زدایی (۲) موانعی که در راه رسیدن به هدف های خویش در پیش رو داریم. (۳) استراتیژی ها و برنامه هایی را که به منظور نیل بر این اهداف تطبیق مینمایم. و (۴) میکانیزم ها برای نظارت بر استراتیژی فقر زدایی دولت میخواد تا از شوراهاى انكشاف محلى به منظور آگاه ساختن جوامع محلى در مورد اولویت های انكشافی استفاده به عمل آورد. وزارت مالیه روند بررسی بودجه سال ۱۳۸۶ را به منظور تطبیق مصارف با اولویت های استراتیژی انكشاف ملی افغانستان در سطح کشور، آغاز خواهد نمود.

مرحله چهارم (ماه های ۱۳-۱۸): جمع آوری اطلاعات، بررسی و نهایی سازی بودجه ۱۳۸۶: نتایج تمام مذاکرات مربوطه به پالیسی و تحقیق اطلاعات در جریان مرحله چهارم به منظور بررسی و گفتگو، جمع آوری و توحید خواهند گردید. ضمناً، بودجه سال ۱۳۸۶ نهایی خواهد شد و همچنان مباحثات دوجانبه و چند جانبه با مراجع تمویل کننده پیرامون تطبیق بیشتر وجوهات ایشان با اولویت های استراتیژی انكشاف ملی افغانستان، صورت خواهد گرفت.

مرحله پنجم: (ماه ها ۱۹-۲۳) مشوره ها ی نهایی و ارائه طرح استراتیژی انكشاف ملی افغانستان. مبتنی بر اطلاعات به دست آمده و مشوره های انجام شده در مرکز وولایات، و بر اساس نظریات گروه های مشورتی، دولت مسوده یی از استراتیژی انكشاف ملی افغانستان را برای سالهای ۱۳۸۷-۱۳۹۱ به منظور بحث و گفتگو با یک تعداد سهم داران ارائه خواهد نمود. همچنان سفارشات را در آن درج نموده و به تاریخ ۱۰ جدی سال ۱۳۸۶، استراتیژی کامل انكشاف ملی افغانستان را به چاپ خواهد رساند.

۱۲،۷ نتیجه

استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان محصول یک سلسله مشوره های سازنده و شفاف در سرتاسر افغانستان با تمویل کننده گان و سهامداران کلیدی از جامعه مدنی افغانستان و جامعه بین المللی است. این سند، مانند اسناد دیگری از این قبیل، به نحوی دیدگاه و قسماً مصالحه میان اولویتهای و سهامداران رقابت کننده می باشد و در کلیت آن عقیده ما بر این است که یک دیدگاه بلند پروازانه - ولی نه غیر واقع بینانه - را برای افغانستان عرضه می دارد. ما به ساده گی نمی توانیم مانند معمول از عهده تجارت و پیشه وری برآیم و یا فقر را در افغانستان یک پدیده از قبل فرض شده و یک نورم بپذیریم. از طریق به کار بستن استراتژی موقت انکشاف ملی افغانستان و استراتژی کامل انکشاف ملی هدف ما این است که محدوده های ناشی از جنگ و فقر را بشکنیم و افغانستان را به گونه باثبات و استوار در راه صلح و امید به آینده و خوشبختی سوق دهیم. این دیدگاه برای کودکان ما قابل دسترسی است.

حکومت قصد دارد که استراتژی انکشاف ملی افغانستان یک سند زنده باشد و به طور مداوم از طریق مشوره های بازبینی و دقیق ساخته شود. ما قصد داریم هر سال یک بازنگری اولویتهای ستراتیژیک را در پلان گذاری بودجه یی خود، بحث های مان با تمویل کننده گان از طریق مجمع سالانه انکشاف افغانستان، با شورای ملی و مردم افغانستان مدغم سازیم. با گذشت زمان استراتژی انکشاف ملی افغانستان اتفاق نظر میان حکومت، دونهای کلیدی و مردم افغانستان را بازتاب خواهد داد.

ما از همه افغانها می طلبیم که این سند را بخوانند، روی آن بحث کنند و در بخشهایی که با نتیجه گیری های آن ها موافق نیستند، این نتیجه گیری ها را به چالش گیرند و هنگامی که معتقد شدند که ما راه درست ستراتیژیک را برای افغانستان پیشنهاد کرده ایم، درجهت تحقق آن کار نمایند. از طریق تلاشهای مشترکمان می توانیم به گونه استوار، افغانستان و نسل های آینده کشور را در مسیر صلح و خوشبختی قرار دهیم.

مأخذ کلیدی

۱. گزارش انکشافی هزار ساله افغانستان؛ سپتمبر ۲۰۰۵، سازمان ملل متحد (گزارش دوم)
۲. چارچوب انکشاف ملی افغانستان، ۲۰۰۲؛ سند پالیسی دولت افغانستان
۳. گزارش ملی انکشاف بشری افغانستان ۲۰۰۴: امنیت با چهره بشری، چالش ها و مسوولیت ها: ۲۰۰۴، گزارش پروگرام انکشافی ملل متحد
۴. افغانستان: فقر، آسب پذیری و مصونیت اجتماعی: ارزیابی مقدماتی - گزارش شماره ۲۹۶۹۴ - افغانستان؛ ۲۰۰۵، بانک جهانی، واشنگتن دی سی.
۵. افغانستان: حکومت سازی، رشد مداوم و کاهش فقر، بانک جهانی: یک گزارش اقتصادی کشور: ۲۰۰۴؛ بانک جهانی، واشنگتن دی سی

۶. ارزیابی فساد اداری و چارچوب استراتژیک برای جلوگیری و دقت به فساد اداری، افغانستان؛ ۲۰۰۳، گزارش پروگرام انکشافی ملل متحد
۷. چارچوب هزارساله بیواکو برای باهم زیستن و بسوی یک جامعه عاری از موانع و استوار روی حقوق برای افراد معیوب در آسیا و پسیفیک؛ ۲۰۰۲، ملل متحد، مجلس بین الدول، شیگا، جاپان
۸. اعلامیه پیکینگ و طرح عملی، چهارمین کنفرانس جهانی در مورد زنان؛ سپتمبر ۱۹۹۵، چین
۹. اعلامیه برلین، کنفرانس در مورد افغانستان، اپریل، ۲۰۰۴، آلمان
۱۰. کاهش موانع: همکاری منطقه‌یی برای انکشاف بشری و امنیت بشری: دسمبر ۲۰۰۵، گزارش پروگرام انکشافی ملل متحد
۱۱. اعلامیه بشکیک، کنفرانس در مورد همکاری های منطقه‌یی افغانستان: آسیای میانه؛ ایران و پاکستان؛ می ۲۰۰۴، قرغزستان
۱۲. ارزیابی معمول کشور، برای دولت انتقالی اسلامی افغانستان؛ ۲۴ اکتوبر، سیستم سازمان ملل متحد، کابل-افغانستان
۱۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان (در ماه جنوری ۲۰۰۴ توسط دولت به تصویب رسید).
۱۴. پروژه دموکراسی و حاکمیت قانون (افغانستان/نومبر ۲۰۰۵): وجه خیریه کارنیگی برای صلح بین المللی، واشنگتن دی سی.
۱۵. آیا اسناد استراتژی کاهش فقر کشور های فقیر را رشد داده و بانک جهانی را تضعیف مینماید، ویا راه دیگری وجود دارد؟ ستیوارت، ایف ووانگ ایم (۲۰۰۳) سند کاری QEHI ۱۰۸: پوهنتون آکسفورد
۱۶. مخدرات و انکشاف در افغانستان/سند جلوگیری از جنگ و آغاز بازسازی شماره ۱۸. (بایرد W و وارد C): دسمبر ۲۰۰۴، بانک جهانی، واشنگتن دی سی.
۱۷. اعلامیه دبی در مورد همکاری های منطقه‌یی در عرصه اقتصاد؛ سپتمبر ۲۰۰۳، امارات متحده عرب
۱۸. صندوق بین المللی پول، جمهوری افغانستان – بررسی چهارم تحت برنامه نظارت پرسونل که ماموریت صندوق بین المللی پول را خاتمه میبخشد، ۱۸ می ۲۰۰۵، افغانستان
۱۹. کنوانسیون بین المللی بمنظور حفاظت و ارتقای حقوق معیوبین؛ دسمبر ۲۰۰۱، اجلاس عمومی سازمان ملل متحد، نیو یارک
۲۰. ماحول برای سرمایه گذاری در افغانستان: بهره برداری از فرصت ها در یک حالت نامعلوم (مسوده)؛ نومبر ۲۰۰۵، بانک جهانی، واشنگتن دی سی
۲۱. اعلامیه کابل در مورد روابط حسنه همسایه گی؛ دسمبر ۲۰۰۲، افغانستان
۲۲. تبدیل نمودن اداره زراعت و محصولات زراعتی و استفاده متداوم از منابع طبیعی به وسیله توسعه اقتصادی در افغانستان: چارچوب پالیسی و استراتژی برای احیا و انکشاف سکتور زراعت و منابع طبیعی افغانستان، ۲۰۰۴؛ سند پالیسی دولت افغانستان
۲۳. تنظیم سیستم مالی عامه برای انکشاف / گروه کاهش فقر و اداره اقتصادی آسیای جنوبی؛ اکتوبر ۲۰۰۵؛ بانک جهانی واشنگتن دی سی
۲۴. بسیج کردن عواید داخلی در افغانستان: ساختار ها، پالیسی ها، اداره و دور نما ها؛ ۲۰۰۵، گزارش مشترک صندوق بین المللی پول و بانک جهانی.

۲۵. ارزیابی ملی خطرات و آسیب پذیری، سروی ملی سال ۱۳۸۴؛ دولت افغانستان/وزارت احیا و انکشاف دهات، دفتر AIMS و همکاران بین المللی (بانک جهانی، NHDR و پروگرام انکشافی ملل متحد)
۲۶. اعلامیه پاریس در مورد موثریت کمک ها: مالکیت، هماهنگی، انطباق، نتایج و حسابدگی دو جانبه، سازمان همکاری های اقتصادی و انکشافی، ۲۰۰۵، فرانسه.
۲۷. دورنما برای انکشاف منطقه یی و همکاری های اقتصادی در منطقه وسیع آسیای مرکزی؛ بیانیه بانک جهانی در کنفرانس کابل در رابطه به همکاری های اقتصادی منطقه یی. ۳-۴ دسمبر ۲۰۰۵، کابل-افغانستان
۲۸. برنامه های سرمایه گذاری عامه؛ ۱۳۸۴، دولت افغانستان (به طور سکتوری).
۲۹. پالیسی و استراتژی تغذی عامه: ۲۰۰۳-۲۰۰۶، ریاست تغذی عامه، وزارت صحت عامه (۲۰۰۴)، دولت افغانستان
۳۰. مصوونیت آینده افغانستان: تکامل و مسیر استراتژیک آینده (مارچ ۲۰۰۴)؛ یک گزارش دولت افغانستان و ادارات بین المللی (پروگرام انکشافی ملل متحد/هیئت کمک ملل متحد برای افغانستان/بانک انکشاف آسیایی/بانک جهانی)
۳۱. قوانین معیاری در مورد ایجاد برابری فرصت ها برای افراد معیوب، دسمبر ۱۹۹۳، اجلاس عمومی ملل متحد، نیویارک.
۳۲. وضع اطفال جهان: طفولیت تحت تهدید؛ دسمبر ۲۰۰۵، صندوق اطفال ملل متحد
۳۳. مشوره های استراتژیک در مورد مهاجرین و بیجا شدن مردم افغانستان در داخل و خارج؛ ۷ اکتوبر ۲۰۰۵، در کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان در ژنیو برگزار گردید.
۳۴. دولت انتقالی اسلامی افغانستان : استخراج معادن به مثابه منبع رشد / گزارش ۲۸۲۳۱- افغانستان؛ ۲۰۰۴، بانک جهانی، واشنگتن دی سی
۳۵. شاخص های انکشافی جهان؛ ۲۰۰۵، بانک جهانی، واشنگتن دی سی
۳۶. گزارش انکشاف جهان: ماحول بهتر برای سرمایه گذاری برای همه اشخاص؛ سپتمبر ۲۰۰۵، بانک جهانی، واشنگتن دی سی
۳۷. گزارش انکشافی جهان: برابری و انکشاف؛ سپتمبر ۲۰۰۶، بانک جهانی، واشنگتن دی سی
۳۸. برنامه جهانی تدابیر برای معیوبین؛ دسمبر ۱۹۸۲، اجلاس عمومی ملل متحد، نیویارک
۳۹. دیدگاه ۲۰۲۰: اهداف انکشافی هزارساله افغانستان (۲۰۰۵)؛ دولت افغانستان (چاپ شده توسط سازمان ملل متحد)

ضمیمه ۱

جدول چارچوب پالیسی

رکن اول: امنیت

سکټور ۱ : امنیت	۸۵/۱۳۸۴ (۲۰۰۶)	۸۶/۱۳۸۵ (۲۰۰۷)	۸۷/۱۳۸۶ (۲۰۰۸)	۸۸/۱۳۸۷ (۲۰۰۹)	۸۹/۱۳۸۸ (۲۰۱۰)
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، با حمایت و همکاری نزدیک مقامات افغانستان، نیروهای بین المللی کمک به امنیت (ایساف)، رهبری ناتو، عملیات آزادی مداوم (او، ای، ایف) و تیم های بازسازی ولایتی (پی. آر. تی) مربوط، امنیت و ثبات بیشتر را در تمام مناطق افغانستان، منجمله از طریق خود افغانها، تأمین خواهند نمود.				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، دولت یک اردوی ملی مسلکی، از لحاظ قومی متوازن، قابل احترام مردم، به صورت دموکراتیک حسابه، منظم، آموزش دیده و مجهز جهت برآوردن نیازمندی های امنیتی کشور باشد و به طور فزاینده از عواید دولت تمویل گردد و با ظرفیت اقتصاد کشور متناسب باشد، ایجاد خواهد نمود. به خاطر انکشاف اردوی ملی افغانستان به ۷۰۰۰۰ تن طوریکه در نشت بن روی آن بحث صورت گرفت، کمکها در طی پنج سال آینده برای افغانستان ادامه خواهد یافت. شیوه انکشاف طوری تنظیم میگردد که براساس ارزیابی های مشترک کیفیت دورانی باشد و توسط دولت افغانستان و جامعه بین المللی در رابطه با معیار های موافقه شده در شرایط موجوده، در نظرگرفته میشود.				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، پولیس ملی و پولیس سرحدی افغانستان با تشکیل کامل، مسلکی، کارا و از لحاظ قومی متوازن، مرکب از حداکثر ۶۲۰۰۰ تن میباشد به صورت مؤثر قادر به بر آورده ساختن نیازهای امنیتی کشور بوده، از نظر مالی بیشتر پایدار خواهد بود.				
	در راستای اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده و تعهدات افغانستان به میثاق او تلوا، تا سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) اراضی آلوده به ماین ها و مواد منفجر ناشده تا ۷۰ فیصد کاهش خواهد یافت. تا جدی سال ۱۳۸۶ (اخیر سال ۲۰۰۷ میلادی) تمام ذخایر ماین های ضد پرسونل جابجا و از بین برده خواهند شد.				
	تمام گروه های مسلح غیر قانونی الی اخیر سال خورشیدی ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) در تمام ولایات منحل خواهند شد.		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، تمام مهمات نا مصون، غیر قابل استفاده و اضافی از بین برده خواهند شد.		
	تمام ماین های ذخیره شده ضد پرسونل الی جدی سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تعیین محل و منهدم خواهد گردید.				

رکن دوم: حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر

سکٲور ٢: حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر

٨٨/١٣٨٧ (٢٠٠٩)	٨٧/١٣٨٦ (٢٠٠٨)	٨٦/١٣٨٥ (٢٠٠٧)	٨٥/١٣٨٤ (٢٠٠٦)
تا جدی سال ١٣٨٩ (اخر سال ٢٠١٠)، دستگاه حکومت (به شمول تعدادی از وزارتخانه ها) تجدید ساختار و اصلاح خواهند شد تا یک اداره دولتی که از لحاظ مالی پایدار است به وجود آید. کمیسیون خدمات ملکی تقویه خواهد شد. وظایف سکٲور خدمات ملکی به نحوی تنظیم خواهد یافت که اصلاح انعکاس دهنده وظایف و مسؤولیت های اصلی و عمده تواند بود.			یک میکانیزم واضح و شفاف در مورد تقرر مقامات عالی رتبه دولت مرکزی و سکٲور عدلی، والیان ولایات، قوماندان های امنیه، ولسوالها و آمرین امنیتی ولایات در طی شش ماه ایجاد، در طی دوازده ماه تعمیل و در ظرف ٢٤ ماه به صورت کامل تطبیق خواهد شد.
			الی جدی سال ١٣٨٥ (اخر سال ٢٠٠٦ میلادی)، تعداد واحد های اداری و مرزبندی های آنها با هدف کمک به ثبات مالی مورد بررسی و تجدید نظر قرار خواهد گرفت.
تا جدی سال ١٣٨٩ (اخر سال ٢٠١٠)، در پیشبرد فعالیت های کمیسیون خدمات ملکی، تعیینات بر اساس شایستگی و لیاقت، طرز العمل های آزمایش و بررسی مبتنی بر اجرای کار در تمام ساحات حکومت به شمول حکومت مرکزی، سکٲور عدلی و پولیس، تطبیق شده، حمایت های لازم برای ارتقای ظرفیت سکٲور خدمات ملکی فراهم خواهد گردید تا این سکٲور ها به طور مؤثر فعالیت نمایند.			بررسی های سالانه اجرای کار برای تمام کارمندان عالیرتبه (رتبه ٢ و بالاتر آن) به اساس اجراء اشخاص در ماه جدی سال ١٣٨٦ (اخر سال ٢٠٠٧ میلادی) آغاز خواهد گردید.
میکانیزم نظارتی جهت بررسی از تطبیق آن تا اواخر سال ١٣٨٧ (٢٠٠٨ میلادی) ایجاد خواهد گردید	قوانین ملی علیه فساد الی اواخر سال ١٣٨٦ (٢٠٠٧) تعدیل خواهد شد.	معاهده ملل متحد در مورد فساد الی جدی سال ١٣٨٥ (٢٠٠٦ میلادی) تصویب خواهد گردید.	
تا پایان سال ١٣٨٩ (٢٠١٠ میلادی)، ظرفیت حکومت برای گزارش دهی تعهداتش در مورد حقوق بشر تقویت خواهد گردید. ادارات انفاذ قانون و امنیت در دولت، روش و طرز العمل هایی را به منظور جلوگیری از دستگیری و حبس های خود سرانه، شکنجه، باج گیری و مصادره غیر قانونی املاک، وضع خواهند نمود تا این نوع اعمال ریشه کن گردند. آزادی بیان - به شمول آزادی رسانه ها - تقویت خواهد گردید. آگاهی از حقوق بشر مشمول نصاب تعلیمی خواهد شد و در میان قانون گذاران، کارمندان عدلی و دیگر ادارات			

	حکومتی و مردم پخش خواهد گردید. نظارت از حقوق بشر بر عهده حکومت خواهد بود و این کار مستقلانه از جانب کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان انجام خواهد شد و ملل متحد تدابیر مؤثری را به منظور حفاظت از حقوق بشر پیگیری خواهد نمود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، برای تحقق اهداف خویش، در رابطه به نظارت، تحقیق، حفاظت و بهبود حقوق بشر حمایت خواهد شد.			
	تا پایان ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، برنامه کاری ملی برای زنان افغانستان، به طور کامل، تطبیق خواهد گردید. در راستای اهداف ام. دی. جی. افغانستان، شرکت زنان در تمام ادارات حکومتی - به شمول ادارات انتخابی و انتصابی سکتور خدمات ملکی - افزایش خواهد یافت.			
	نفوس شماری الی جدی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) اجرا و نتایج کامل آن به چاپ خواهد رسید.	معیار های قابل اعتماد احصاییه بی برای همه اهداف کمیته در ربع اول ماه جدی سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد و غرض پیگیری پیشرفت آنها، ظرفیت احصاییه بی ارتقاء خواهد یافت.		
		برای شورای ملی الی ربع اول ماه جدی سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) حمایت کافی اداری و تخنیکی فراهم خواهد گردید تا نقش هایی را که قانون اساسی به آن محول نموده، طور مؤثر ایفا نماید.		

رکن دوم: حکومتاری، حاکمیت قانون و حقوق بشر (ادامه)

حکومتاری، تحکیم قانون و حقوق بشر	۸۵/۱۳۸۴ (۲۰۰۶)	۸۶/۱۳۸۵ (۲۰۰۷)	۸۷/۱۳۸۶ (۲۰۰۸)	۸۸/۱۳۸۷ (۲۰۰۹)	۸۹/۱۳۸۸ (۲۰۱۰)
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اواخر سال ۲۰۱۰)، دستگاه حکومت (به شمول تعدادی از وزارتخانه ها) تجدید ساختار و اصلاح خواهند شد تا یک اداره دولتی که از لحاظ مالی پایدار است به وجود آید. کمیسیون خدمات ملکی تقویه خواهد شد. وظایف سکتور خدمات ملکی به نحوی تنظیم خواهد یافت که اصلاح انعکاس دهنده وظایف و مسؤولیت های اصلی و عمده تواند بود.				
	لست دایمی ثبت احوال ملکی و لست رای دهنده گان همراه با سند واحد هویت ملی الی اواخر سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) ایجاد خواهد شد.	لست دایمی ثبت احوال ملکی و لست رای دهنده گان همراه با سند واحد هویت ملی الی اواخر سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) ایجاد خواهد شد.	لست دایمی ثبت احوال ملکی و لست رای دهنده گان همراه با سند واحد هویت ملی الی اواخر سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) ایجاد خواهد شد.	لست دایمی ثبت احوال ملکی و لست رای دهنده گان همراه با سند واحد هویت ملی الی اواخر سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) ایجاد خواهد شد.	لست دایمی ثبت احوال ملکی و لست رای دهنده گان همراه با سند واحد هویت ملی الی اواخر سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) ایجاد خواهد شد.
	کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان دارای استقلال، ظرفیت و منابع عالی خواهد بود تا الی جدی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در موقفی باشد که بتواند انتخابات را به شیوه پایدار از لحاظ مالی راه اندازی نماید. دولت افغانستان مصارف انتخابات آینده را از منابع خود تهیه خواهد نمود	کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان دارای استقلال، ظرفیت و منابع عالی خواهد بود تا الی جدی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در موقفی باشد که بتواند انتخابات را به شیوه پایدار از لحاظ مالی راه اندازی نماید. دولت افغانستان مصارف انتخابات آینده را از منابع خود تهیه خواهد نمود	کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان دارای استقلال، ظرفیت و منابع عالی خواهد بود تا الی جدی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در موقفی باشد که بتواند انتخابات را به شیوه پایدار از لحاظ مالی راه اندازی نماید. دولت افغانستان مصارف انتخابات آینده را از منابع خود تهیه خواهد نمود	کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان دارای استقلال، ظرفیت و منابع عالی خواهد بود تا الی جدی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در موقفی باشد که بتواند انتخابات را به شیوه پایدار از لحاظ مالی راه اندازی نماید. دولت افغانستان مصارف انتخابات آینده را از منابع خود تهیه خواهد نمود	کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان دارای استقلال، ظرفیت و منابع عالی خواهد بود تا الی جدی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در موقفی باشد که بتواند انتخابات را به شیوه پایدار از لحاظ مالی راه اندازی نماید. دولت افغانستان مصارف انتخابات آینده را از منابع خود تهیه خواهد نمود

	محول نموده، طور مؤثر ایفا نماید.		
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (آخر سال ۲۰۱۰)، چارچوب حقوقی مورد ضرورت مطابق احکام قانون اساسی، به شمول قانون مدنی، جنایی و تجاری ایجاد خواهد گردید و برای تمام نهاد های قضایی و تقنینی توزیع و به دسترس کافه ملت قرار خواهد گرفت.		
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (آخر سال ۲۰۱۰)، نهاد های عدلی مسوول در تمام ولایات افغانستان کاملاً فعال گردیده، معیاد اوسط جهت حل منازعات ناشی از قراردادها تا حد ممکن کاهش خواهد یافت.		
	بررسی و اصلاح طرز العمل های نظارتی مربوط به فساد اداری، عدم موجودیت پروسه عدلی مناسب و سوء اجرای عدالت، در جدی سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) آغاز و الی جدی سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) به طور کامل تطبیق خواهد گردید.		
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (آخر سال ۲۰۱۰) این اصلاحات، مسلکی بودن، اعتبار و اصالت نهاد های کلیدی سیستم عدلی (وزارت عدلیه، قضا، دفتر لوی حارنوالی، وزارت امور داخله و ریاست امنیت ملی) را تقویت خواهد بخشید.		
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (آخر سال ۲۰۱۰)، زیربنای سکتور عدلی احیای مجدد گردیده و در محابس برای زنان و نوجوانان مکانهای حبس جداگانه فراهم خواهد گردید		
	تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت تعداد دستگیری ها، تعقیب قانونی قاچاقبران و مامورین مفسد را افزایش خواهد داد و همچنان اساس اطلاعات خود را در مورد کسانی که در تجارت مواد مخدر دخیل اند، بهبود خواهد بخشید؛ با این نظر که شیوه انتخاب را برای تعیینات در ادارات مرکزی و ولایتی		
	پروسه ثبت زمین در تمام واحد های اداری و ثبت حقوق مالکیت در مورد تمام ساحات شهری عمده الی جدی سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) آغاز خواهد گردید.	یک سیستم عادلانه برای حل منازعات زمین الی جدی سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد خواهد شد. ثبت زمین های روستا ها در جدی ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) روی دست گرفته میشود.	پروسه ثبت زمین در تمام واحد های اداری و ثبت حقوق مالکیت در مورد تمام ساحات شهری عمده الی جدی سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۸ میلادی) به پایه اکمال خواهد رسید.
	الی جدی سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) موسسات مذهبی و علما اعم از مرد و زن پیرامون مسایل پالیسی توسعه ملی سهم خواهند گرفت.		
	الی جدی سال ۱۳۸۹ (اواخر ۲۰۱۰ میلادی) تدابیر قوی جهت حصول اطمینان از افزایش سهم زنان در فعالیت های اسلامی به سطح ملی و بین المللی، اتخاذ خواهد گردید.		

رکن سوم: انکشاف اقتصادی و اجتماعی

۸۵/۱۳۸۴ (۲۰۰۶)	۸۶/۱۳۸۵ (۲۰۰۷)	۸۷/۱۳۸۶ (۲۰۰۸)	۸۸/۱۳۸۷ (۲۰۰۹)	۸۹/۱۳۸۸ (۲۰۱۰)
یک سیستم مالی پایدار جهت حفظ و مراقبت سرکها الی جدی سال ۱۳۸۶ (اخیر سال ۲۰۰۷ میلادی).		افغانستان الی جدی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) دارای یک سرک حلقوی کاملاً ارتقاء یافته و مناسب و همچنان سرک هایی که این سرک حلقه یی را به کشور های همجوار وصل نماید، خواهد بود.		
تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، میدان هوایی بین المللی کابل و میدان هوایی هرات، معیار های مورد نظر سازمان بین المللی هوانوردی ملکی را طور کامل حاصل خواهند نمود. کیفیت میدان های هوایی مزار شریف، جلال آباد و کندهار از طریق ترمیمات خط پرواز، رهنمایی هوایی نصب تجهیزات آتش نشانی، نجات و مخابرویی، ارتقاء خواهد یافت. همچنان کیفیت هفت میدان هوایی داخلی دیگر بمنظور تسهیل ترانسپورت هوایی داخلی بهبود خواهد پذیرفت. خدمات و مصارف ترانسپورت هوایی به تدریج با معیار ها و نرخهای بازار بین المللی قابل رقابت خواهند بود.				
یک استراتژی به منظور انکشاف و استفاده از انرژی های قابل تجدید الی جدی سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد خواهد شد.		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، انرژی برق به دسترس حد اقل ۶۵ فیصد خانه و راه ها، ۹۰ فیصد تأسیسات غیر راهبشی در شهر های بزرگ و حد اقل ۲۵ فیصد خانه و راه های دهات قرار خواهد گرفت. مصارف انرژی برق از حد اقل ۷۵ فیصد مصرف کننده گان اخذ خواهد گردید.		
استراتژی ها و پلانیهای پایدار غرض اداره منابع آب که مشتمل بر تأمین آب صحی و آبیاری خواهد بود الی جدی سال ۱۳۸۵ (اخیر سال ۲۰۰۶ میلادی) ایجاد خواهد شد.		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، سرمایه گذاری در عرصه آبیاری باعث خواهد شد تا حد اقل ۳۰ فیصد آب از شبکه های بزرگ آبرسانی تأمین گردد.		
ایجاد یک شبکه ملی مخابراتی تا بیشتر از ۸۰ فیصد مردم افغانستان دسترسی به مخابرات قابل استطاعت داشته باشند و اضافه تر از ۱۰۰ میلیون دالر سالانه از عواید عامه بدست آید.				
یک زمینه انتظامی به منظور استخراج منابع طبیعی و منرال ها الی جدی ۱۳۸۵ ایجاد خواهد گردید		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، شرایط و زیربنای سرمایه گذاری به منظور جذب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی بهبود خواهد یافت.		
تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، ظرفیت ادارات شاروالی ها تقویت خواهند شد تا بتوانند انکشاف شهر ها را اداره نموده، خدمات شهری را طور مؤثر، متمر و شفاف ارائه نمایند. در راستای بر آورده ساختن اهداف ام. دی. جی افغانستان، زمینه سرمایه گذاری در ساحات آبرسانی و صحت عامه فراهم خواهد گردید که ۵۰ فیصد خانه و راه ها در کابل و ۳۰ فیصد خانه و راه ها در دیگر شهر های بزرگ به آب نل دسترسی داشته باشند.				

بخش ۳: زیربنای منابع طبیعی
تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)،

رکن سوم: رشد اقتصادی و اجتماعی

سکتور ۴: معارف	۸۹/۱۳۸۸ (۲۰۱۰)	۸۸/۱۳۸۷ (۲۰۰۹)	۸۷/۱۳۸۶ (۲۰۰۸)	۸۶/۱۳۸۵ (۲۰۰۷)	۸۵/۱۳۸۴ (۲۰۰۶)
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، در راستای برآورده شدن اهداف ام. دی. جی افغانستان، شمولیت خالص در مکاتب ابتدایی برای دختران و پسران بالترتیب حد اقل ۶۰ فیصد و ۷۵ فیصد خواهد بود. یک نصاب تعلیمی جدید در تمام مکاتب متوسط مورد استفاده قرار خواهد گرفت. تعداد معلمین زن ۵۰ فیصد افزایش یافته، ۷۰ فیصد معلمین افغانستان امتحان سویه را سپری خواهند کرد. یک سیستم غرض ارزیابی درجه پیشرفت یاد گیری مانند سیستم امتحان ملی برای شاگردان، ایجاد خواهد گردید				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، تعداد شاگردان شامل در پوهنتون ها به ۱۰۰۰۰۰ تن خواهد رسید که حد اقل ۳۵ فیصد آن شاگردان اناث خواهند بود. نصاب تعلیمی پوهنتونهای دولتی با در نظر داشت نیازمندی های انکشاف کشور و رشد سکتور خصوصی مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت.				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، به تعداد ۱۵۰۰۰۰ مرد و زن با استفاده از امکانات سکتور های دولتی و خصوصی در بخش مهارت های مسلکی آموزش خواهند دید				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، تدابیر لازم جهت توقف قاچاق آثار عتیقه و اعاده آثار تاریخی و مصنوعات ویران شده، اتخاذ خواهد گردید.				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، رسانه ها منحبث مراجع مستقل، کثرت گرا و قابل دسترس به تمام زنان و مردان افغانستان در سرتاسر کشور، به منظور رشد یک جامعه آزاد و دموکراتیک، حفاظت خواهند گردید.				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، ورزش با تأکید خاص بالای دسترسی کودکان، زنان و معیوبین به آن، ارتقاء داده خواهد شد.				

رکن سوم: رشد اقتصادی و اجتماعی

۸۵/۱۳۸۴ (۲۰۰۶)

۸۶/۱۳۸۵ (۲۰۰۷)

۸۷/۱۳۸۶ (۲۰۰۸)

۸۸/۱۳۸۷ (۲۰۰۹)

۸۹/۱۳۸۸ (۲۰۱۰)

سکتور ۵: صحت

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير ۲۰۱۰) در راستای اهداف انكشافی ۱۵ ساله افغانستان، مجموعه خدمات اساسی صحتی توسعه داده خواهد شد تا حد اقل ۹۰ فیصد مردم را تحت پوشش قرار دهد، مرگ و مير مادران به ۱۵ فیصد کاهش داده خواهد شد. شد و برنامه واکسیناسیون امراض وقایوی برای اطفال زیر سن ۵ ساله تطبیق خواهد گردید و میزان مرگ و مير اطفال به ۲۰ فیصد کاهش داده خواهد شد.

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير سال ۲۰۱۰)، مجموعه خدمات اساسی شفاخانه ها در ۵۰ فیصد از شفاخانه های ولایتی و ساحوی تطبیق خواهد گردید.

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير سال ۲۰۱۰)، برد های محلی در ۵۰ فیصد از تمام شفاخانه های ولایتی و ساحوی، ایجاد خواهد گردید.

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير سال ۲۰۱۰)، تناسب شفاخانه هانیکه در ولایات و ولسوالی ها خدمات عاجل نسانی و ولادی با کیفیت خوب فراهم مینمایند، به ۸۰ فیصد افزایش داده خواهد شد.

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير سال ۲۰۱۰)، شیوع پائین واقعات مثبت اچ ای فی (>۰۰) در میان مردم تأمین خواهد گردید تا مرگ و مير مربوط به اچ ای فی مرض ایدز کاهش یابد.

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير سال ۲۰۱۰)، شیوع مرض ملاریا به ۵۰ فیصد کاهش یافته و میزان مرگ و مير از اثر مرض ملاریا به ۸۰ فیصد کاهش داده خواهد شد.

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير سال ۲۰۱۰)، خطر انتان، مرض و مرگ و مير به اثر مرض توبرکلوز از طریق افزایش کورس های کوتاه مدت مستقیماً نظارت شده کاهش خواهد یافت و ۱۰۰ فیصد مردم را تا جدى سال ۱۳۸۵ (اخير سال ۲۰۰۶) تحت پوشش قرار خواهد داد.

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير سال ۲۰۱۰)، حد اقل ۷۰ فیصد واقعات توبرکلوز کشف و حد اقل ۸۵ فیصد این واقعات معالجه خواهند گردید.

تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخير سال ۲۰۱۰)، کارمندان صحتی مسلکی، مجرب و فعال در سکتور صحتی در سرتاسر افغانستان بشکل متوازن به منظور عرضه مجموعه خدمات اساسی شفاخانه ها و مجموعه خدمات ابتدائی صحتی اعزام خواهند گردید.

رکن سوم: رشد اقتصادی و اجتماعی

سکتور ۶: زراعت و انکشاف دهات	۸۵/۱۳۸۴ (۲۰۰۶)	۸۶/۱۳۸۵ (۲۰۰۷)	۸۷/۱۳۸۶ (۲۰۰۸)	۸۸/۱۳۸۷ (۲۰۰۹)	۸۹/۱۳۸۸ (۲۰۱۰)
	تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، چارچوب سازمانی، تقنینی و تشویقی ضروری جهت افزایش تولید و حاصل دهی ایجاد خواهد گردید. تا محیط مساعد برای زراعت قانونی و صنایع روستایی مکنی به زراعت ایجاد شود. همچنین سرمایه گذاری دولتی در سکتور کشاورزی ۳۰ فیصد افزایش خواهد یافت. در عرصه های ذیل امعان نظر ویژه مبذول میگردد:				
	باغداری دایمی، مسائل بهداشتی حیوانات و مصونیت غذایی از طریق ایجاد ادارات ویژه حمایه یی و میکانیزم های عرضه خدمات مالی، حمایت از انجمن های دهقانان، نشانه گذاری تولیدات ملی، اعلان به موقع قیمتها و معلومات جوی و احصاییه ها، فراهم نمودن تحقیقات ستراتیژیک و کمک تخنیکی و تأمین دسترسی به آبیاری و سیستمهای تنظیم آب				
	تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، موثریت اداره آب آبیاری، تصمیم گیری مشارکتی و اصلاحات اداری و اداره محیط زیست ارتقا داده خواهد شد و توزیع عادلانه تر منفعت ها در سرتاسر سیستم های آبیاری و محیط های مختلف زراعتی تأمین خواهد گردید.				
	تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، دسترسی به آب صحی به ۹۰ فیصد و امکانات بهداشتی به ۵۰ فیصد از روستا ها انکشاف می یابد. ارتباط جاده یی برای ۴۰ فیصد از دهکده ها میسر خواهد شد که این مسئله دسترسی به بازار ها، اشتغال و خدمات اجتماعی را افزایش خواهد داد. ۴۷ فیصد روستا ها از آبیاری به پیمانانه کوچک مستفید خواهند گردید. حدود ۸۰۰۰۰۰ خانه وار (۲۲ فیصد تمام خانه وار های افغانستان) از خدمات مالی بهتر مستفید خواهند گردید. معیشت حد اقل ۱۵ فیصد مردم دهات از طریق تأمین ۹۱ میلیون روز کاری حمایت خواهد شد.				
	تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، انکشاف دهات به صورت جامع تقویت خواهد شد تا از مزایای آن ۱۹ میلیون نفر در بیشتر از ۳۸۰۰۰ دهکده بهره مند شوند. این کار از طریق انتخاب حد اقل ۱۴۰۰۰ شورای داوطلب انکشاف محلی در تمام دهکده های باقیمانده، تقویت اداره محلی و دادن اختیارات به جوامع محلی صورت خواهد گرفت.				
	تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، حدود ۸۰۰۰۰۰ خانه وار (۲۲ فیصد تمام خانه وار های افغانستان) از خدمات مالی بهتر مستفید خواهند گردید.				
	تا جدى سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، پالیسی و چارچوب منظم بمنظور تقویت ایجاد تشبثات کوچک و متوسط روستایی تهیه خواهد گردید و حمایت اداری در تمام ۳۴ ولایت جهت طرح های تشبثی توسط اجتماع ها و سازمان های روستایی فراهم خواهد گردید.				

رکن سوم: رشد اقتصادی و اجتماعی

سک‌تور ۷: مصونیت اجتماعی	(۲۰۰۶) ۸۵/۱۳۸۴	(۲۰۰۷) ۸۶/۱۳۸۵	(۲۰۰۸) ۸۷/۱۳۸۶	(۲۰۰۹) ۸۸/۱۳۸۷	(۲۰۱۰) ۸۹/۱۳۸۸
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، در راستای برآورده شدن اهداف ام. دی. جی افغانستان، تناسب افرادی که عاید شان کمتر از ۱ دالر آمریکایی در روز می باشد سالانه ۳ فیصد و تناسب افراد یکه از گرسنگی رنج میبرند سالانه ۵ فیصد کاهش خواهد یافت				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، یک سیستم مؤثر آماده گی و واکنش در برابر حوادث ایجاد خواهد گردید.				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، تعداد خانواده هایی که سر پرستی آنها به عهده زنان بوده، دچار فقر مزمن هستند ۲۰ فیصد کاهش و میزان اشتغال آنها ۲۰ فیصد افزایش خواهد یافت				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، فرصت های اشتغال برای جوانان و عساکر ملکی شده از طریق برنامه های خاص افزایش خواهد یافت.				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، کمکهای بیشتر به منظور تأمین نیازمندی های خاص افراد معیوب، به شمول ادغام ایشان در جامعه از طریق فرصت های تحصیلی و کار مفید، فراهم خواهد گردید.				
	تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، تمام مهاجرین که عودت مینمایند و هم بیجاشد گان داخلی از مساعدت ها جهت احیا مجدد شرایط زندگی و ادغام شان در محلات اصلی، مستفید خواهند شد. ادغام آنها از طریق برنامه های انکشاف ملی به ویژه در ساحات کلیدی ، حمایت خواهد گردید.				

رکن سوم: توسعه اقتصادی و اجتماعی

۸۹/۱۳۸۸ (۲۰۱۰)		۸۸/۱۳۸۷ (۲۰۰۹)		۸۷/۱۳۸۶ (۲۰۰۸)		۸۶/۱۳۸۵ (۲۰۰۷)		۸۵/۱۳۸۴ (۲۰۰۶)	
چارچوب میان مدت مالی تخصیص منابع بودجه یی را از آغاز سال ۱۳۸۷ رهنمایی میکند.									
دولت یک چارچوب مصارف میان مدت را برای بودجه سال ۱۳۸۸ و بودجه های بعدی تهیه خواهد نمود.									
عواید مجموعی داخلی بودجه یی - که معادل ۴٫۵ فیصد تولیدات قانونی ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۳ میباشد - بطور متداوم افزایش و به ۸ فیصد تولیدات ناخالص داخلی در سال ۱۳۸۹ بالغ خواهد گردید. تناسب عواید در مقابل مجموع مصارف تخمین شده عادی، به شمول مصارف تخمین شده عادی در بودجه های انکشافی اساسی و خارجی طوری اجرا خواهند گردید که از ۲۸ فیصد در سال ۱۳۸۳ به تخمیناً ۵۸ فیصد در سال ۱۳۹۱ افزایش یابند که این امر منتج به نیازمندی متداوم برای (۱) مساعدت های خارجی در بودجه اساسی گردیده و (۲) موثرت هزینه مساعدت هایی که مصارف عادی را از طریق بودجه انکشافی خارجی تمویل میگردد، افزایش خواهد داد.									
تا جدی سال ۱۳۸۶ (اخیر سال ۲۰۰۷)، دولت اداره بهبود یافته شفاف مالی را در سطح مرکز و ولایات از طریق ایجاد و تطبیق معیار ها برای اداره مالی منظور شده و نظارت شده توسط جامعه بین المللی، به شمول معیار های مربوط به برنامه تسهیل رشد و فقر زدایی تامین خواهد نمود. در عوض، مقصد دولت متقاعد ساختن تمویل کننده گان میباشد تا میزان مساعدت های مجموعی خارجی را به افغانستان افزایش دهد که این مساعدت ها در بودجه اساسی از ۱۹٫۵ فیصد در سال ۱۳۸۴ به حد اقل ۵۰ فیصد در سال ۱۳۹۰ افزایش خواهد یافت.									
تمام قوانین، مقررات و طرز العمل های مربوط به سرمایه گذاری تا جدی سال ۱۳۸۵ ساده گردیده و با هم مطابقت خواهند داشت.		تمام قوانین، مقررات و طرز العمل های مربوط به سرمایه گذاری تا جدی سال ۱۳۸۶ تطبیق خواهند گردید.							
قوانین جدید سازمان های تجارتی تا جدی سال ۱۳۸۵ شامل شورای ملی خواهند گردید.		استراتژی دولت برای خصوصی سازی تصدی های دولتی تا جدی ۱۳۸۸ تطبیق خواهد گردید.							
تا جدی سال ۱۳۸۹، افغانستان عضویت () حاصل خواهد کرد.									
تا جدی سال ۱۳۸۹، صادراتی که از توافقنامه های ترجیعی با ایالات متحده امریکا، امارات متحده عرب، جاپان، کانادا و هندوستان منفعت میبرند، ارزش افزایش داده خواهد شد.									
تا جدی سال ۱۳۸۹، دولت اوقات اوسط توريد را به ۲۰ روز و اوقات صادرات را به ۱۵ روز کاهش خواهد داد.									
بانک های دولتی که جواز را دوباره اخذ ننموده اند، تا جدی سال ۱۳۸۵ تسویه خواهند گردید.		مقررات احتیاطی از لحاظ بین المللی منظور شده برای تمام سکتور های اساسی بانکی و نهاد های مالی غیر بانکی تا جدی سال ۱۳۸۶ تهیه خواهند گردید. فعالیت نظارت از بانک د افغانستان بانک تا جدی سال ۱۳۸۶ بیشتر تقویت خواهد گردید. ساختار مجدد بانک های تجارتی دولتی تا جدی سال ۱۳۸۶ تکمیل خواهد گردید.							

سکتور ۸: اداره اقتصادی و توسعه سکتور خصوصی

محیط زیست

مسایل مشترک

مسایل مشترک											
		۸۹/۱۳۸۸ (۲۰۱۰)		۸۸/۱۳۸۷ (۲۰۰۹)		۸۷/۱۳۸۶ (۲۰۰۸)		۸۶/۱۳۸۵ (۲۰۰۷)		۸۵/۱۳۸۴ (۲۰۰۶)	
چندر		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، پلان کاری ملی برای زنان افغانستان به طور کامل تطبیق خواهد گردید. در راستای اهداف ام. دی. جی. افغانستان، شرکت زنان در تمام ادارات حکومتی افغانستان به شمول ادارات منتخب و انتصابی سکتور خدمات ملکی تقویت خواهد گردید.									
مبارزه با مواد مخدر		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، دولت ظرفیت تنفیذ قانون را به سطح مرکز و ولایات تقویت خواهد نمود که این امر باعث تزئید سالانه، قابل ملاحظه یی در فیصدی ضبط و انعدام مواد مخدر و همچنان تخریب تسهیلات پروسس مواد مخدر و نیز باعث اتخاذ تدابیر مؤثر به منظور امحای زرع خشخاش، خواهد شد									
		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، دولت با حکومتهای همسایه و منطقه در راستای افزایش هماهنگی و تشریک مساعی استخباراتی کار خواهد نمود تا فیصدی ضبط و انعدام مواد مخدری که از سرحدات افغانستان قاچاق میگردد، افزایش یافته و اقدامات مؤثر علیه قاچاقچیان مواد مخدر اتخاذ گردد.									
		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، دولت تعداد دستگیری، تعقیب قانونی قاچاقبران و مامورین فاسد را افزایش خواهد داد و همچنان اساس معلومات خود را در مورد کسانیکه در تجارت مواد مخدر دخیل اند، بهبود خواهند بخشید، با این نظر که سیستم انتخاب برای تعیینات در ادارات مرکزی و ولایتی، منحیث بخش از میکانیزم تعینات که قبلاً درین بخش تذکر یافته بود، ارتقاء بخشد									
		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، دولت برنامه هایی را طرح و تطبیق خواهد نمود تا یک کاهش پایدار در ساحه زمینهای تحت زرع خشخاش و دیگر مواد مخدر، به وجود آید که این کار از طریق تقویت و تنوع کسب معاش های مشر و و دیگر تدابیر مبارزه علیه مواد مخدر به مثابه قسمتی از اهداف عمومی دولت مبتنی بر کاهش اندازه مطلق و نسبی اقتصاد مواد مخدر مطابق با اهداف ام. دی. جی دولت، صورت خواهد گرفت									
		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، دولت برنامه هایی را به منظور کاهش تقاضا برای مواد مخدر و تأمین امکانات معالجه یی بهتر برای استعمال کننده گان، تطبیق خواهد نمود.									
همکاری منطقه یی		تا جدی سال ۱۳۸۹ (اخیر سال ۲۰۱۰)، افغانستان و همسایه های آن از طریق اداره مشترک سرحدات و دیگر توافقات تجارت و ترانزیتی دو و چند جانبه، زمینه یی را فراهم خواهند آورد که ترانزیت کالا در مدت زمان کمتر از طریق افغانستان صورت گیرد. افغانستان از طریق خریداری دو جانبه برق و پروژه های آبی سرحدی مشترک، مقدار برق موجود در کشور را افزایش خواهد داد. افغانستان همچنان مقدار آب موجود برای آبیاری را از طریق امضاء توافقتنامه با کشور هایی که آبهای دریاهای افغانستان به آن سرازیر میشوند افزایش خواهد داد. افغانستان و همسایه های آن موافقتنامه هایی را به امضا خواهند رساند که به موجب آن افغانستان بتواند کارگران مسلکی را از کشور های همسایه خویش به کشور وارد نماید و در عین حال افغان ها این امکان را داشته باشند تا در کشور های منطقه زمینه کاریافته، دستمزد خویش را به وطن ارسال نمایند.									
فساد اداری		مبارزه با فساد		میکانیزم نظارتی جهت نظارت از تطبیق آن الی ماه جدی سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸) بمیان خواهد آمد		قوانین کشور با متیاق متذکره الی ختم سال ۲۰۰۷ وفق خواهد نمود		معاهده ملل متحد در مورد فساد تا جدی سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تصویب خواهد گردید.			
محیط زیست		در راستای بر آورده ساختن اهداف ام. دی. جی افغانستان، چارچوب های تقنینی و خدمات مدیریت محیط زیست غرض حفاظت کیفیت هوا و آب، اداره مواد فاضله و کنترول آلوده گی ایجاد گردیده، پالیسی های منابع طبیعی انکشاف یافته و تطبیق آن در تمام سطوح دولتی و در سطح محلی الی اواخر سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) آغاز خواهد گردید.									

ضمیمه ۲:

چارچوب سیاست اقتصاد عظیم افغانستان

چارچوب پالیسی اقتصاد عظیم افغانستان ۱۳۸۷-۱۳۸۳					
۱۳۸۷ ۲۰۰۸/۰۹ پیش بینی	۱۳۸۶ ۲۰۰۷/۰۸ پیش بینی	۱۳۸۵ ۲۰۰۶/۰۷ پیش بینی	۱۳۸۴ ۲۰۰۵/۰۶ پیش بینی	۱۳۸۴ ۲۰۰۴/۰۵ تخمینی	
عاید و رشد					
۱۱،۷۹۷	۹،۹۹۹	۸،۶۰۸	۷،۱۳۹	۵،۹۷۱	تولیدات ناخالص داخلی (قیمت های فعلی، میلیون دالر، به استثنای تولید تریاک)
-	۱۰،۶	۱۱،۷	۱۳،۸	۸،۰	رشد حقیقی تولیدات ناخالص داخلی (تغییر سالانه، فیصدی)
-	۳۸۸	۳۴۴	۲۹۴	۲۵۳	تولیدات ناخالص داخلی سرانه (میلیون دالر)
قیم اموال مصرفی و شاخص های پولی					
-	-	۸،۰	۱۰،۰	۱۶،۳	شاخص قیم اموال مصرفی (فیصدی تغییر سالانه، کابل)
-	-	۲۲،۵	۲۷،۸	۳۷،۵	جریان واحد پول داخلی (تغییر سالانه)
۲،۷۴۳	۲،۴۴۳	۲،۱۴۳	۱،۷۳۰	۱،۲۶۱	ذخایر ناخالص متبذله اسعار خارجی (میلیون دالر)
۸،۱	۵،۴	۵،۰	۳،۷	۳،۰	(ماه های واردات مورد نظر) *
مالیه دولت					
۳۹،۸۳۵	۳۱،۹۷۰	۲۵،۸۶۴	۱۸،۷۷۶	۱۲،۸۰۰	عواید داخلی (میلیون افغانی)
-	۵،۵	۵،۲	۵،۲	۴،۵	عواید داخلی (فیصدی تولیدات ناخالص داخلی غیر تریاک)
۵۰،۶۴۳	۴۴،۰۹۲	۳۸،۰۴۳	۳۳،۶۰۱	۲۶،۷۱۶	مصارف عملیاتی (میلیون افغانی)
۹،۷۴۸	۱۱،۴۹۰	۱۳،۷۳۳	۱۶،۸۷۸	۱۴،۹۸۴	کمکهای بلاعوض مراجع تمویل کننده برای بودیجه عملیاتی (میلیون افغانی)
-۲۲،۰۰۶	-۲۰،۰۴۷	-۱۷،۴۲۵	-۱۴،۵۵۵	-۱۳،۹۱۶	بیانسن بودیجه عملیاتی (به استثنای کمکهای بلا عوض) (میلیون افغانی)
-۱،۰۶۰	-۶۳۲	۱،۵۵۴	۵۴،۲	۱،۰۶۸	بیانسن بودیجه عملیاتی (به شمول کمکهای بلا عوض) (میلیون افغانی)
بیانسن تادیات					
-۳،۹۹۶،۱	-۳،۸۳۳،۳	-۴،۲۴۳،۷	-۳،۷۶۱،۳	-۳،۴۶۰،۸	بیانسن تجارت (میلیون دالر)
۱،۸۵۲،۲	۱،۸۴۶،۹	۱،۹۵۹،۰	۱،۸۹۲،۷	۱،۶۵۶،۱	صادرات اجناس (به استثنای تریاک) (میلیون دالر)
۵،۸۴۸،۴	۵،۶۸۰،۲	۶،۲۰۲،۷	۵،۶۵۴،۰	۵،۱۱۶،۹	واردات اجناس (میلیون دالر)
-۱،۳۴۸،۵	-۱،۰۹۴،۱	-۱،۳۲۴،۱	-۱،۱۳۴،۵	-۱،۱۳۸،۹	حساب جاری (به شمول کمکهای بلاعوض) (میلیون دالر)
-۱۱،۴	-۱۰،۹	-۱۵،۴	-۱۵،۹	-۱۹،۱	بیانسن حساب جاری (به شمول کمکهای بلاعوض) (فیصدی تولیدات ناخالص داخلی)
-۴،۳۵۵،۵	-۴،۱۷۹،۵	-۴،۶۸۵،۸	-۴،۲۸۳،۰	-۳،۹۲۶،۰	حساب جاری (به استثنای کمکهای بلاعوض) (میلیون دالر)
-۳۶،۹	-۴۱،۸	-۵۴،۴	-۶۰،۰	-۶۵،۸	بیانسن حساب جاری (به استثنای کمکهای بلاعوض) (فیصدی تولیدات ناخالص داخلی)

- : معلومات موجود نیست؛

جی .دی .پی : تولیدات ناخالص داخلی

منابع: دولت افغانستان ، گزارش داخلی شماره ۳۷۱/۰۵ صندوق بین المللی پول (بررسی پنجم به اساس برنامه نظارت کارمندان و تقاضا برای تمديد) و بررسی ششم (ما بعد) .

* در ماه های واردات اموال و خدمات به استثنای واردات بر صادرات دوباره .

ضمیمه ۳
چارچوب میان مدت مالی افغانستان
۱۳۸۵-۸۹

۲۰۱۰/۱۱ ۱۳۸۹	۲۰۰۹/۱۰ ۱۳۸۸	۲۰۰۸/۰۹ ۱۳۸۷	۲۰۰۷/۰۸ ۱۳۸۶	۲۰۰۶/۰۷ ۱۳۸۵	
تمام ارقام به میلیون دالر آمریکایی مگر آنکه طوری دیگری تذکر یافته باشد.					
۱۲۲۰ %۱۸,۱	۱۰۳۳ %۲۱,۱	۸۵۳ %۲۶,۰	۶۷۷ %۲۲,۳	۵۳۲ %۴۰,۴	عواید داخلی (فیصدی) رشد سالانه
۱۲۲۵ ۶۷۰ ۵۵۵	۱۱۱۸ ۶۱۵ ۵۰۴	۹۶۸ ۵۳۸ ۴۳۱	۸۴۲ ۴۵۷ ۳۸۴	۷۱۹ ۴۲۰ ۲۹۹	بودجه عادی - حق الزحمه ها - غیر حق الزحمه یی
۳۱۱ ۱۳۰ ۱۴۴ ۶۱ ۱۵۰ ۷۴ ۹ ۶۵	۳۰۴ ۱۳۰ ۱۳۵ ۵۸ ۱۵۰ ۸۰ ۸ ۷۱	۲۴۱ ۱۳۰ ۱۲۶ ۵۶ ۱۵۰ ۸۶ ۸ ۷۸	۱۸۱ ۱۳۰ ۱۱۸ ۵۴ ۱۵۰ ۹۲ ۸ ۸۵	۱۲۵ ۱۳۰ ۸۶ ۵۰ ۱۵۰ ۱۰۰ ۷ ۹۲	اقدام خارج از بودجه - اردو - پولیس - خدمات صحی - حمایه معارف - برنامه همبستگی ملی - سایر اقدام - پارلمان - انتخابات
۸۷۲	۸۵۷	۷۸۹	۷۲۶	۶۴۱	اقدام خارج از بودجه
۲۰۹۶	۱۹۷۵	۱۷۵۷	۱۵۶۸	۱۳۶۰	مصارف مجموعی عادی
(۸۷۶)	(۹۴۲)	(۹۰۴)	(۸۹۱)	(۸۲۸)	خلای مالی
اقدام یادداشتی					
%۸,۱	%۷,۸	%۷,۲	%۶,۶	%۶,۰	فیصدی عواید تولیدات ناخالص داخلی
%۱۸۲,۱	%۱۶۸,۱	%۱۵۸,۶	%۱۴۸,۰	%۱۲۶,۶	فیصدی عواید حق الزحمه (به استثنای اردو)
%۱۴۰,۹	%۱۲۷,۵	%۱۲۰,۹	%۱۱۳,۴	%۱۰۰,۰	فیصدی عواید حق الزحمه (شامل اردو)
%۵۸,۲	%۵۲,۳	%۴۸,۵	%۴۳,۲	%۳۹,۱	فیصدی عواید مصارف مجموعی عادی
۷,۵	۷,۵	۹,۷	۱۰,۸	۱۱,۲	رشد حقیقی تولیدات ناخالص داخلی
%۵,۰	%۵,۰	%۵,۰	%۵,۰	%۸,۰	فیصدی کاهش قیمت تولیدات ناخالص داخلی
۴۸,۵	۴۸,۵	۴۸,۵	۴۸,۵	۴۸,۵	نرخ تبادل (افغانی/دالر آمریکایی)
۱۵,۰۳۰	۱۳,۳۱۶	۱۱,۷۹۷	۱۰,۲۴۲	۸,۸۰۳	تولیدات ناخالص داخلی (میلیون دالر)
۲۷	۲۶	۲۶	۲۵	۲۵	نفوس (میلیون)
%۱۰	%۱۰	%۱۵	%۱۵	%۲۰	فیصدی افزایش تطابق
۰,۰	۷,۲	۷,۲	۳۲,۷	۳۶,۸	مقیاس جدید (میلیون دالر آمریکایی)
-	۱,۰۹۰	۸۹۲	۷۱۲	۵۹۵	پیش بینی عواید وزارت مالیه اکتوبر سال
-	%۸,۶	%۷,۶	%۷,۰	%۶,۸	۲۰۰۵ ، فیصدی تولیدات ناخالص داخلی

بعضی از ارقام تخمینی چارچوب مالی میان مدت دولت و چارچوب فعلی اقتصاد عظیم باید در تطابق با یکدیگر باشند که در نخستین مراحل انکشاف استراتژی کامل انکشاف افغانستان صورت خواهد گرفت.

ضمیمه ۴

توافقنامه افغانستان

"بر مبنای موفقیت‌ها"
کنفرانس لندن در باره افغانستان

توافقنامه افغانستان

۱۱-۱۲ دلو ۱۳۸۴ مطابق ۳۱ جنوری - ۱ فبروری ۲۰۰۶

کنفرانس لندن در باره افغانستان

۱۱- ۱۲ دلو ۱۳۸۴ مطابق ۳۱ جنوری - ۱ فبروری ۲۰۰۶

توافقنامه افغانستان

جمهوری اسلامی افغانستان و جامعه بین المللی:

نسبت به تقویت مشارکتهای شان برای بهبود بخشیدن سطح زنده گی مردم افغانستان و کمک به صلح و امنیت ملی، منطقه یی و جهانی، مصمم می باشند؛

بر تعهدات مشترک شان به منظور تداوم کار، در روشنی کنفرانس های بُن، توکیو و برلین برای نیل به یک افغانستان باثبات و مرفه و دارای حکومت سالم و متعهد به پیروی حقوق بشر برای همه تحت حاکمیت قانون و نیز به منظور حفظ و تقویت این تعهدات در دایره زمانی این توافقنامه و فراتر از آن تأکید می نمایند؛

شهامت و اراده افغانهایی را که با دلیری در برابر افراط گرایی خشن و مصائب ناشی از آن، اساس یک حکومت دیموکراتیک، صلح دوست، کلیت گرا و با سعادت مبتنی بر اصول اسلام را بنا نهاده اند، تصدیق می نمایند؛

تطبیق کامل توافقنامه بُن را از طریق تصویب یک قانون اساسی جدید در ماه جدی سال ۱۳۸۳، تدویر انتخابات ریاست جمهوری در ماه میزان ۱۳۸۳ و انتخابات شورای ملی و شورا های ولایتی در ماه سنبله ۱۳۸۴ که افغانستان را قادر ساخته است تا موقف بر حق خود را در جامعه بین المللی باز یابد، به نظر تأیید می نگرند؛

این مسئله که روند صلح و ثبات افغانستان تا هنوز تکمیل نگردیده است و اینکه سهم گیری نیرومند جهانی در رفع چالش هایی که هنوز هم باقیمانده، ضرورت است، از طریق تأمین شرایط مناسب برای رشد و انکشاف متداوم اقتصادی، تقویت نهادهای حکومتی و جامعه مدنی، رفع تهدیدهای باقی مانده تروریستی، رفع چالش ها در مبارزه با مواد مخدر، اعمار مجدد ظرفیت ها و زیربناها، فقرزدایی و تأمین نیازمندی های اساسی بشری برای از بین بردن میراث کشمکش ها و منازعات در افغانستان مصمم میباشند؛

در مورد توافقنامه افغانستان، موافقت می کنند.

هدف

حکومت افغانستان اهداف عمده خود را، برای نیل به رفاه ملت، در گزارش سال ۱۳۸۴ اهداف انکشافی افغانستان در یانزده سال آینده (ام. دی. جی) ارائه نموده است. در مطابقت با این اهداف، این توافقنامه سه عرصه یا رکن مهم و به هم مرتبط را برای پنج سال بعد از تصویب این توافقنامه ذیل مشخص می نماید:

۱. امنیت،
 ۲. حکومتمداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر،
 ۳. انکشاف اقتصادی و اجتماعی.
- یک عرصه کاری حیاتی و مشترک بعدی عبارت از محو صنعت مواد مخدر است که هنوز هم به حیث یک تهدید جدی در برابر مردم و حکومت افغانستان، منطقه و فراتر از آن باقی مانده است .

بدین وسیله حکومت افغانستان، برای تحقق این دورنمای مشترک آینده، متعهد میشود. متقابلاً جامعه بین المللی هم تعهد میکند که در راستای به دسترس قراردادن منابع و حمایت های لازم برای تحقق این دیدگاه، ادای مسؤلیت نماید. ضمیمه اول این توافقنامه نتایج مفصل، معیارها و میعادها را برای تکمیل این توافقنامه - در مطابقت با اهداف عالی تعیین شده در استراتژی انکشاف ملی افغانستان - بیان میکند. همچنان حکومت افغانستان و جامعه جهانی متعهد میشوند که مؤثریت و حسابدگی کمک های بین المللی را آن چنان که در ضمیمه دوم بیان گردیده است، بهبود بخشند.

اصول همکاری

حکومت افغانستان و جامعه جهانی در تطبیق این توافقنامه، موارد ذیل را رعایت خواهند نمود:

- ۱- احترام به فرهنگ کلیت گرا، ارزش ها و تاریخ افغانستان مبتنی بر اسلام؛
- ۲- همکاری بین حکومت افغانستان و جامعه بین المللی بر اساس مشارکت که در آن حکومت افغانستان مالکیت کامل داشته و نقش هماهنگ کننده، محوری و بیطرفانه جامعه بین المللی را ملل متحد به عهده خواهد داشت؛
- ۳- احترام بیشتر به سنتهای دیرینه مردم افغانستان برای سهمگیری و اشتیاق شان به حق مالکیت؛
- ۴- پیگیری تداوم مالی، نهادی و ثبات محیط زیست؛
- ۵- ایجاد ظرفیت های متداوم در میان افغانها، اعمار نهاد های مؤثر حکومتی و جامعه مدنی، با تأکید خاص بر ظرفیتهای بشری زنان و مردان بصورت یکسان؛
- ۶- حصول اطمینان از تخصیص متوازن و منصفانه منابع داخلی و بین المللی در سرتاسر افغانستان برای تأمین آینده با سعادت و مرفه؛
- ۷- تأکید به حقوق و وظایف مساوی مرد و زن در تمام پالیسی ها و برنامه ها؛

۸- ارتقای همکاری منطقه‌یی؛ و

۹- مبارزه با فساد اداری و تأمین شفافیت و حسابدهی در ادارات دولتی.

امنیت:

امنیت واقعی شرط لازم و بنیادی برای رسیدن به ثبات و انکشاف در افغانستان است. امنیت را نمی‌توان صرف با شیوه‌های نظامی فراهم نمود، بلکه تأمین امنیت مستلزم حاکمیت سالم، عدالت و حاکمیت قانون است، که توسط بازسازی و انکشاف تقویت میشود. با همکاری جامعه جهانی، حکومت افغانستان از طریق انحلال تمام گروه‌های مسلح غیر قانونی صلح را تحکیم خواهد بخشید. حکومت افغانستان و جامعه بین‌المللی شرایط مصون را از طریق تقویت نهاد‌های افغانی ایجاد خواهد نمود تا نیازمندی‌های امنیتی را از لحاظ توانمندی و تداوم مالی، برآورده سازند.

در این راستا، نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت (آیساف)، تحت رهبری ناتو، نیروی عملیات آزادی مداوم (او. ای. اف) تحت رهبری امریکا و کشور‌های همکار در اصلاح سکتور امنیتی، مشروط بر مراعات طرزالعمل‌های ملی مصوب کشور‌های همکار، به حمایت قوی خویش از حکومت افغانستان در جهت تأمین و دوام امنیت و ثبات در کشور ادامه خواهند داد. آنها به تقویت و ارتقای ظرفیت نیروهای امنیتی داخلی به منظور حصول اطمینان از کارایی کامل این نیروها، ادامه خواهند داد. نیروهای عملیات آزادی مداوم (او. ای. اف) در همکاری نزدیک با حکومت افغانستان و نیروهای آیساف، به انجام عملیات مشترک علیه دهشت افگنی ادامه خواهند داد. نیروهای آیساف حضور خویش را در سرتاسر افغانستان - از جمله، از طریق تیم‌های بازسازی ولایتی (پی، آر، تی) - انکشاف بخشیده، به تقویت ثبات و حمایت از اصلاحات سکتور امنیتی در مناطق تحت فعالیت خویش ادامه خواهند داد.

احترام کامل به حاکمیت افغانستان و تقویت گفتگو و همکاری بین افغانستان و کشور‌های همسایه آن، یک تضمین اساسی در راستای تأمین امنیت در افغانستان و منطقه به شمار میرود. جامعه بین‌المللی از اقدامات مشخص ایجاد اعتماد در نیل به این مقصود حمایت خواهد نمود.

حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر:

حکومتی مبتنی بر دیموکراسی و رعایت حقوق بشر، اساس پیشرفت متداوم سیاسی را در افغانستان تشکیل میدهد. حکومت افغانستان ظرفیت خویش را جهت ارائه خدمات اساسی به مردم در سرتاسر کشور به طور سریع ارتقا خواهد بخشید. حکومت، اشخاص مسلکی با کفایت و قابل اعتماد را، در ادارات خدمات ملکی بر اساس شایسته‌گی استخدام می‌نماید. یک اداره مؤثر تر، جوابده و شفاف را در همه سطوح حکومت ایجاد می‌کند، اصلاحات قابل ارزیابی را در امر مبارزه با فساد انجام میدهد، از عدالت و حاکمیت قانون حمایت می‌کند و رعایت از حقوق تمام افغانها را تقویت می‌بخشد.

حکومت افغانستان به ایجاد نهاد های هماهنگ و کارا در هر ولایت اولویت خواهد داد. این نهاد ها شامل اداره های ملکی، پولیس، زندانها و نهاد های عدلی میباشند. این نهاد ها دارای چارچوبهای مناسب قانونی و طرز العمل های استخدام مامورین آموزش دیده، معاشات کافی، منابع زیر بنایی لازم و ظرفیت های نظارت خواهند بود. حکومت یک اداره انتخاباتی را که از نظر مالی و نهادی تداوم داشته باشد، تحت نظارت کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، برای برگزاری انتخابات آینده، تشکیل خواهد داد.

اصلاح سکتور عدلی برای حکومت افغانستان و جامعه بین المللی اولویت دارد. هدف این است تا دسترسی مساویانه، عادلانه و شفاف به عدالت و احکام قابل تعمیم، برای تمام افغانها، بر اساس قوانین کتبی و محاکمه های عادلانه تحقق یابد. تدابیری که در این راستا اتخاذ خواهد شد، عبارتند از: تکمیل اصلاحات قانونی در سکتور حکومتی و خصوصی، ایجاد ظرفیت در نهاد ها و پرسونل عدلی، بهبود حقوق بشر و آگاهی های حقوقی و احیای مجدد زیربناهای عدلی.

حکومت افغانستان و جامعه بین المللی تعهد خود را نسبت به حمایت و ارتقای حقوقی که در قانون اساسی و قوانین رایج بین المللی، از جمله میثاق های بین المللی حقوق بشرو دیگر معاهدات امضا شده، و از جانب افغانستان نیز پیشبینی گردیده، مجدداً ابراز مینمایند. به منظور اعاده اعتماد میان کسانی که جنگ زنده گی شان را تباه ساخته است و نیز به منظور ایجاد احساس مشترک شهروندی و فرهنگ تحمل، کلیت گرایی و احترام به حاکمیت قانون، حکومت افغانستان با همکاری جامعه بین المللی برنامه عمل صلح، عدالت و مصالحه را تطبیق خواهد نمود.

انکشاف اقتصادی و اجتماعی:

حکومت افغانستان به حمایت جامعه بین المللی، مدارج بلند رشد متداوم اقتصادی را با اهداف کاهش گرسنه گی، فقر و بیکاری تعقیب خواهد نمود. حکومت نقش و استعداد بالقوه سکتور خصوصی را - در پهلوی سکتور های حکومتی و غیر انتفاعی - ارتقا میدهد، صنعت مواد مخدر را کنترل میکند، ثبات اقتصاد عظیم را تأمین مینماید و انکشاف سرمایه بشری، اجتماعی و فزیکتی کشور را احیا و ارتقا میبخشد تا از این طریق یک اساس سالم را برای نسل جدید رهبران و افراد مسلکی ایجاد کند، جامعه مدنی را تقویت نماید و اسکان مجدد عودت کننده گان، بیجاشده گان داخلی و جنگجویان قبلی را تکمیل کند.

سرمایه گذاری های عامه برشش بخش رکن های انکشاف اقتصادی و اجتماعی استراتژی انکشاف ملی افغانستان استوار خواهد بود:

۱- زیربنا و منابع طبیعی،

۲- معارف،

۳- صحت،

۴- زراعت و انکشاف دهات،

۵- مصونیت اجتماعی، و

۶- حاکمیت اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی.

در هر یک از این عرصه ها، هدف این است تا نتایج قابل ملاحظه یی به منظور تأمین رشد متوازن اقتصادی که موجب فقرزدایی، افزایش مشاغل و ایجاد تصدی های خصوصی، ارتقای فرصت ها در منطقه و بهبود رفاه تمام افغانها میشود، حاصل گردد.

مبارزه با مواد مخدر یک اولویت چند بُعدی:

مقابله با تهدیدی که صنعت مواد مخدر برای امنیت ملی، منطقه یی و بین المللی و نیز برای انکشاف کشور، حکومت و رفاه افغانها پدید می آورد، یکی از اولویت های حکومت و جامعه بین المللی را تشکیل خواهد داد. هدف از این مقابله کاهش مستمر و قابل ملاحظه کشت خشکاش و قاچاق مواد مخدر - با در نظر داشت امحای کامل آن - میباشد. عناصر اساسی مشتمل بر جلوگیری بهبود یافته، انفاذ قانون و ارتقای ظرفیت قضایی، افزایش همکاری بین افغانها، کشورهای همسایه و جامعه بین المللی، در رابطه با قطع تجارت مواد مخدر، تهیه بدیل های وسیعتر اقتصادی برای دهقانان و کارگران به شکل انکشاف همه جانبه قریه ها و بنای نهادهای مبارزه با مواد مخدر در سطح کشور و ولایات است. همچنان تطبیق سیاست عدم تحمل در برابر فساد اداری، امحای مواد مخدر ضروری پنداشته میشود. اشاعه این پیام که تولید و تجارت مواد مخدر غیر اخلاقی و ناقض قوانین اسلامی است، و بالاخر تلاش در این راستا که تقاضای غیر قانونی به مواد مخدر کاهش داده شود، از هدف های حکومت است.

انسجام و نظارت:

حکومت افغانستان و جامعه بین المللی مورد مشترک انسجام و نظارت را - به منظور تطبیق تعهدات سیاسی که شامل این توافقنامه میباشد - ایجاد خواهند نمود. حسب تفصیلات ضمیمه شماره ۳، این مورد تحت ریاست مشترک حکومت جمهوری اسلامی افغانستان و ملل متحد قرار خواهد داشت و یک دارالانشای کوچک آن را کمک خواهد کرد. مورد یاد شده سبب انسجام بیشتر مساعی حکومت افغانستان و جامعه بین المللی در تطبیق این توافقنامه خواهد شد. همچنان گزارش عمومی منظم و به موقع از اجراءات خویش را ارائه خواهد نمود.

ضمیمه شماره ۱ (توافقنامه افغانستان)

معیارها و میعاد های زمانی

حکومت افغانستان با حمایت جامعه بین المللی متعهد میگردد تا معیار های ذیل را در میعاد های مشخص شده به تحقق برساند:

امنیت

نیروهای امنیتی بین المللی: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، با حمایت و همکاری نزدیک حکومت افغانستان، نیروهای بین المللی کمک به امنیت (آیساف) به رهبری ناتو، عملیات آزادی مداوم (او، ای، ایف) و تیم های بازسازی ولایتی (پی. آر. تی)، امنیت و ثبات بیشتر را در تمام مناطق افغانستان - از جمله، از طریق تقویت نیروهای افغانی - تأمین خواهند نمود.

اردوی ملی افغانستان: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، یک اردوی ملی قابل احترام به مردم و مسلکی - که از لحاظ قومی متوازن بوده - ایجاد و اکمال میگردد. این اردو باید به صورت دیموکراتیک حسابد، منظم و آموزش دیده، جهت برآوردن نیازمندی های امنیتی کشور مجهز بوده و به طور فزاینده از عواید حکومت تمویل گردد و با ظرفیت اقتصاد کشور متناسب باشد. جامعه بین المللی به منظور انکشاف اردوی ملی افغانستان به ۷۰۰۰۰ تن - آن چنان که در مذاکرات بُن روی آن بحث صورت گرفت - به کمکهای خود به افغانستان ادامه خواهد داد. شیوه انکشاف طوری تنظیم میگردد که براساس ارزیابی های مشترک استوار بر کیفیت و زمان خدمت باشد که توسط حکومت افغانستان و جامعه بین المللی در رابطه با معیار های موافقه شده در شرایط موجود، در نظر گرفته میشود.

پولیس ملی افغانستان و پولیس سرحدی: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، پولیس ملی و پولیس سرحدی افغانستان با تشکیل کامل، مسلکی، کارا و از لحاظ قومی متوازن، مرکب از حداکثر ۶۲۰۰۰ تن که به صورت مؤثر قادر به بر آورده ساختن نیازهای امنیتی کشور باشد و از نظر مالی تداوم خواهد داشت، به میان خواهد آمد.

انحلال گروه های مسلح غیر قانونی: تمام گروه های مسلح غیر قانونی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) در تمام ولایات منحل خواهند شد.

مبارزه با مواد مخدر: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت ظرفیت تنفیذ قانون را در سطح مرکز و ولایات تقویت خواهد نمود که باعث تزئید قابل ملاحظه یی در فیصدی ضبط و امحای مواد مخدر و تخریب تسهیلات پروسس مواد مخدر میگردد و باعث اتخاذ تدابیر مؤثر، به شمول امحای زرع خشخاش، خواهد شد.

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت افغانستان و حکومت‌های همسایه و منطقه در راستای افزایش هماهنگی و تشریک مساعی استخباراتی با هم کار خواهند نمود تا فیصدی ضبط و امحای مواد مخدری که از سرحدات افغانستان قاچاق می‌گردد، افزایش یابد و اقدامات مؤثر علیه قاچاقچیان مواد مخدر اتخاذ گردد.

مبارزه با ماینها و مهمات: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای اهداف انکشافی افغانستان در پانزده سال آینده (ام. دی. جی) و تعهدات افغانستان به میثاق اوتاوا، اراضی آلوده به ماین ها و مواد منفجر ناشده تا ۷۰ فیصد کاهش خواهد یافت. محل تمام ماین های ذخیره شده ضد پرسونل تا سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تثبیت و منهدم خواهد شد. همچنان تمام مهمات غیر مصون، غیر قابل ترمیم و اضافی، تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تخریب خواهند گردید.

حکومتداری، حاکمیت قانون و حقوق بشر

اصلاحات ادارات حکومتی: تا سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، دستگاه حکومت - به شمول تعدادی از وزارتخانه ها - ساختار مجدد و اصلاح خواهند شد تا یک اداره حکومتی که از لحاظ مالی تداوم داشته باشد، به وجود می آید. کمیسیون خدمات ملکی تقویت خواهد شد. وظایف سکتور خدمات ملکی به نحوی تنظیم خواهد یافت که اصلاحات انعکاس دهنده وظایف و مسئولیت های اصلی باشد.

یک میکانیزم واضح و شفاف سراسری در مورد تقرر مقامات بلند پایه حکومت مرکزی و سکتور عدلی، والیان ولایات، قوماندان های امنیه، ولسوالها و رؤسای امنیت ولایات، در طی شش ماه ایجاد، در طی دوازده ماه تعمیل، و در طی ۲۴ ماه، به صورت کامل تطبیق خواهد شد.

تا پایان سال ۱۳۸۵ تعداد واحد های اداری و حدود اربعه آنها - با هدف کمک به ثبات مالی - مورد بررسی و تجدید نظر قرار خواهند گرفت.

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تعیینات بر اساس شایسته گی و لیاقت، سوابق کار و ارزیابی مبتنی بر اجرای کار در پُست های خدمات ملکی، در تمام سطوح حکومت به شمول حکومت مرکزی، سکتور عدلی و پولیس، تطبیق خواهد شد و حمایت های لازم برای ارتقای ظرفیت سکتور خدمات ملکی فراهم خواهد گردید تا این سکتورها به طور مؤثر فعالیت نمایند. بررسی اجراءات سالانه تمام کارمندان بلند پایه (رتبه ۲ و بالاتر آن) تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) صورت خواهد پذیرفت.

مبارزه با فساد اداری: معاهده ملل متحد در مورد فساد اداری تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تصویب خواهد گردید که بر اساس آن قوانین مربوط داخلی کشور تا اخیر سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تعدیل خواهد

شد و یک میکانیزم نظارتی برای بررسی تطبیق این قوانین تا پایان سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) ایجاد خواهد گردید.

نفوس شماری و احصاییه: نفوس شماری تا پایان سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) اجرا خواهد شد و نتایج کامل آن به نشر خواهد رسید. اساسات با اعتبار احصاییه بی برای همه معیارهای کمیتی تا اواسط سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد و برای پیگیری پیشرفت آنها، ظرفیت احصاییه بی ارتقا خواهد یافت.

شورای ملی: برای شورای ملی تا اواسط ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) حمایت کافی اداری و تخنیکی فراهم خواهد گردید تا وظایفی را که قانون اساسی به این شورا محول کرده است، طور مؤثر ایفا نماید.

انتخابات: کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان که دارای صلاحیت کامل، ظرفیت و منابع لازم خواهد بود باید تا پایان سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در موقعی باشد که بتواند انتخابات را به شیوه دوامدار از لحاظ مالی راه اندازی نماید. حکومت افغانستان مصارف انتخابات آینده را تا حد امکان، از منابع خود تهیه خواهد نمود. فهرست دایمی ثبت احوال ملکی و فهرست رای دهنده گان همراه با سند واحد هویت ملی تا پایان سال ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) آماده خواهد شد.

برابری جنسیت اجتماعی (جنس): تا پایان ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، برنامه کاری ملی برای زنان افغانستان، به طور کامل، تطبیق خواهد گردید. در راستای اهداف ام. دی. جی. افغانستان، شرکت زنان در تمام ادارات حکومتی - به شمول ادارات انتخابی و انتصابی سکتور خدمات ملکی - افزایش خواهد یافت.

حاکمیت قانون: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، چارچوب حقوقی مورد ضرورت مطابق احکام قانون اساسی، به شمول قانون مدنی، جنایی و تجاری ایجاد خواهد گردید و برای تمام نهاد های قضایی و تقنینی توزیع و به دسترس کافه ملت قرار خواهد گرفت.

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، نهاد های عدلی مسئول در تمام ولایات افغانستان کاملاً فعال گردیده، و اوسط میعاد برای حل منازعات ناشی از قراردادهای بین افراد، تا حد ممکن کاهش خواهد یافت.

بررسی و اصلاح طرز العمل های نظارتی مربوط به فساد اداری، عدم موجودیت پروسه عدلی مناسب و سوء اجرای عدالت، در پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) آغاز و تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، به طور کامل تطبیق خواهد گردید. این اصلاحات، مسلکی بودن، اعتبار و اصالت نهادهای کلیدی نظام عدلی (وزارت عدلیه، قضا، دفتر لوی خرنوالی، وزارت امور داخله و ریاست امنیت ملی) را تقویت خواهد بخشید.

تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، زیربنای سکتور عدلی احیا خواهد شد و در زندانها برای زنان و نوجوانان مکانهای حبس جداگانه فراهم خواهد گردید.

ثبت زمین: روند ثبت زمین در تمام واحد های اداری و ثبت حقوق مالکیت در تمام ساحات عمده شهری، تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) و تا سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) در مناطق دیگر آغاز خواهد گردید. یک نظام عادلانه، برای حل منازعات زمین تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد خواهد شد. ثبت زمین های قریه ها در پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) روی دست گرفته میشود.

مبارزه با مواد مخدر: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت تعداد دستگیری ها، تعقیب قانونی قاچاقبران و مامورین مفسد را افزایش خواهد داد و همچنان اساس اطلاعات خود را در مورد کسانی که در تجارت مواد مخدر دخیل اند، بهبود خواهد بخشید؛ با این نظر که شیوه انتخاب را برای تعیینات در ادارات مرکزی و ولایتی - به مثابه بخشی از میکانیزم تعیینات - که قبلاً درین ضمیمه تذکر یافته است، ارتقا بخشد.

حقوق بشر: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، ظرفیت حکومت برای گزارش دهی تعهداتش در مورد حقوق بشر تقویت خواهد گردید. ادارات انفاذ قانون و امنیت در دولت، روش و طرز العمل هایی را به منظور جلوگیری از دستگیری و حبس های خود سرانه، شکنجه، باج گیری و مصادره غیر قانونی املاک، وضع خواهند نمود تا این نوع اعمال ریشه کن گردند. آزادی بیان - به شمول آزادی رسانه ها - تقویت خواهد گردید. آگاهی از حقوق بشر مشمول نصاب تعلیمی خواهد شد و در میان قانون گذاران، کارمندان عدلی و دیگر ادارات حکومتی و مردم پخش خواهد گردید. نظارت از حقوق بشر بر عهده حکومت خواهد بود و این کار مستقلانه از جانب کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان انجام خواهد شد و ملل متحد تدابیر مؤثری را به منظور حفاظت از حقوق بشر پیگیری خواهد نمود. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، برای تحقق اهداف خویش، در رابطه به نظارت، تحقیق، حفاظت و بهبود حقوق بشر حمایت خواهد شد.

تطبیق پلان کاری صلح، عدالت و مصالحه تا پایان سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) به پایه اکمال خواهد رسید.

انکشاف اقتصادی و اجتماعی

زیربنا و منابع طبیعی

سرکها: افغانستان تا سال ۱۳۸۷ (۲۰۰۸ میلادی) دارای یک سرک حلقه بی کاملاً پیشرفته و مناسب و همچنان سرک هایی که این سرک حلقه بی را به کشور های همجوار وصل نماید، خواهد بود. همچنان تا اواسط سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) افغانستان دارای یک نظام مالی توانمند و دوامدار برای حفظ و مراقبت سرکها خواهد بود.

حمل و نقل هوایی: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، میدان هوایی بین المللی کابل و میدان هوایی هرات، معیار های مورد نظر سازمان جهانی هوانوردی ملکی را به صورت کامل به دست خواهد آورد. کیفیت میدان های هوایی مزار شریف، جلال آباد و کندهار با ترمیم خط پرواز، ایجاد رهنمای پروازها، بهبود تجهیزات آتش نشانی و به میان آوردن تدابیر نجات و مخابره، ارتقا خواهد یافت. همچنان کیفیت هفت میدان هوایی داخلی دیگر، به منظور تسهیل حمل و نقل هوایی داخلی، بهبود خواهد یافت. خدمات و مصارف حمل و نقل هوایی به تدریج با معیار ها و ارزشهای بازار بین المللی قابل رقابت خواهند بود.

انرژی: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، انرژی برق به دسترس حد اقل ۶۵ فیصد خانواده ها، ۹۰ فیصد تأسیسات غیر رهائشی در شهرهای بزرگ و حد اقل ۲۵ فیصد خانواده ها در روستاها، قرار خواهد گرفت. مصارف انرژی برق از حد اقل ۷۵ فیصد مصرف کننده گان شبکه ملی نیروی برق اخذ خواهد گردید. یک استراتژی به منظور انکشاف و استفاده از انرژی های قابل تجدید تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) ایجاد خواهد شد.

معادن و منابع طبیعی: یک فضای مساعد انتظامی جهت استخراج مؤثر معادن و منابع طبیعی افغانستان تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) ایجاد خواهد گردید، و تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، فضای سرمایه گذاری و زیربناها - به منظور جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی و داخلی در این راستا - بهبود خواهد یافت.

اداره منابع آب: استراتژی ها و پلانهایی دایمی برای اداره منابع آب که مشتمل بر تأمین آب صحی و آبیاری خواهد بود، تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) ایجاد خواهد شد. سرمایه گذاری در عرصه آبیاری باعث خواهد شد تا حد اقل ۳۰ درصد آب از شبکه های بزرگ آبرسانی تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تأمین شود.

انکشاف شهری: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، ظرفیت ادارات شاروالی ها تقویت خواهند شد تا بتوانند انکشاف شهرها را اداره کنند و خدمات شهری را به طور مؤثر، متمرکز و شفاف ارائه نمایند. در راستای بر آورده ساختن اهداف ام. دی. جی. افغانستان، زمینه سرمایه گذاری در ساحات آبرسانی و صحت عامه فراهم خواهد گردید تا ۵۰ درصد خانواده ها در کابل و ۳۰ درصد خانواده هادر سایر شهرهای بزرگ به آب نل دسترسی داشته باشند.

محیط زیست: در راستای بر آورده ساختن اهداف ام. دی. جی افغانستان، چارچوب های تقنینی و اداره خدمات محیط زیست به منظور حفاظت کیفیت هوا و آب، انتقال مواد فاضله و مراقبت آلوده گی ایجاد خواهند شد.

سیاست های منابع طبیعی انکشاف خواهند یافت و تطبیق آن ها در تمام سطوح حکومتی و محلی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) آغاز خواهد گردید.

معارف

آموزش ابتدایی و ثانوی: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای برآورده شدن اهداف ام. دی. جی افغانستان، شمولیت خالص در مکاتب ابتدایی برای دختران و پسران، بالترتیب، حد اقل ۶۰ فیصد و ۷۵ فیصد خواهد بود. یک نصاب تعلیمی جدید در تمام مکاتب متوسطه مورد استفاده قرار خواهد گرفت. تعداد آموزگاران زن ۵۰ فیصد خواهد یافت و ۷۰ فیصد آموزگاران افغانستان امتحان سوپیه را سپری خواهند کرد. یک شیوه خاص برای ارزیابی درجه پیشرفت یاد گیری، مانند امتحان ملی برای شاگردان، ایجاد خواهد گردید.

تحصیلات عالی: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تعداد شاگردان پوهنتون ها به ۱۰۰۰۰۰ تن خواهد رسید که حد اقل ۳۵ فیصد آن شاگردان اناث خواهند بود. نصاب تعلیمی پوهنتونهای حکومتی - با درنظرداشت نیازمندی های انکشاف کشور و انکشاف سکتور خصوصی - مورد تجدید نظر قرار خواهد گرفت.

انکشاف مهارت ها: مطالعه درباره منابع بشری تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) تکمیل خواهد گردید و به تعداد ۱۵۰۰۰۰ مرد و زن با استفاده از امکانات سکتور های حکومتی و خصوصی تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در بخش مهارت های مسلکی آموزش خواهند دید.

میراث های فرهنگی افغانستان: فهرست جامع گنجینه های فرهنگی افغانستان تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تهیه خواهد شد. تدابیر لازم برای برگرداندن میراث های فرهنگی، توقف قاچاق آثار فرهنگی و اعاده صنعت های تاریخی آسیب دیده، تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، اتخاذ خواهد گردید.

صحت

صحت و تغذیه: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، در راستای برآورده شدن اهداف ام. دی. جی. افغانستان، مجموعه خدمات اساسی صحتی انکشاف خواهد یافت تا حد اقل ۹۰ فیصد نفوس را احتوا نماید. مرگ و میر مادران ۱۵ فیصد کاهش خواهد یافت و تمام کودکان کمتر از ۵ سال در مقابل امراض قابل وقایه توسط واکسین مصنوعیت حاصل خواهند کرد و میزان تلفات ۲۰ فیصد کاهش خواهد یافت.

زراعت و انکشاف دهات

زراعت و مالداري: تا پايان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ ميلادی)، چارچوب نهادی، تقنینی و تشويقی ضروری به منظور افزايش توليد و حاصلدهی ايجاد خواهد گرديد. تا محيط مساعدی برای زراعت مشروع و صنايع روستایی متکی به زراعت، ايجاد شود. همچنين سرمايه گذاری حکومتی در سکتور کشاورزی ۳۰ درصد افزايش خواهد يافت. در عرصه های ذیل توجه ویژه مبذول میگردد: باغداری دایمی، مسائل صهی حیوانات و مصونیت غذایی از طریق ايجاد نماینده گی های ویژه حمایتی و میکانیزم های عرضه خدمات مالی، حمایت از انجمن های دهقانان، نشانه گذاری تولیدات ملی، اعلان به موقع قیمتها، اطلاعات جوی و احصاییه ها، فراهم نمودن تحقیقات استراتژیک و کمک تخنیکي، تأمین دسترسی به آبیاری و شیوه های تنظیم آب.

انکشاف گسترده دهات: تا پايان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ ميلادی)، انکشاف دهات به صورت جامع تقویت خواهد شد تا از مزایای آن ۱۹ میلیون نفر در بیشتر از ۳۸۰۰۰ دهکده بهره مند شوند. این کار از طریق انتخاب حد اقل ۱۴۰۰۰ شورای داوطلب انکشاف محلی در تمام روستا های باقیمانده، تقویت اداره محلی و اعطای اختیارات به جوامع محلی صورت خواهد گرفت. دسترسی به آب صهی به ۹۰ فیصد و امکانات صهی به ۵۰ فیصد از قریه ها انکشاف می یابد. ارتباط مواصلاتی برای ۴۰ فیصد از قریه ها میسر خواهد شد که این مسئله دسترسی به بازار ها، اشتغال و خدمات اجتماعی را افزايش خواهد داد. ۴۷ فیصد روستا ها از آبیاری به پیمانانه کوچک بهره مند خواهند گردید. حدود ۸۰۰۰۰۰ خانواده (۲۲ فیصد تمام خانواده های افغانستان) از خدمات مالی بهتر بهره مند خواهند گردید. معیشت حد اقل ۱۵ فیصد مردم دهات از طریق تأمین ۹۱ میلیون روز کار حمایت خواهد شد.

مبارزه با مواد مخدر: تا پايان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ ميلادی)، حکومت برنامه هایی را طرح و تطبیق خواهد نمود تا یک کاهش ثابت در ساحه زمینهای زرع خشخاش و دیگر مواد مخدر، به وجود آید که این کار از طریق تقویت و تنوع راه های کسب معاش مشروع و دیگر تدابیر مبارزه با مواد مخدر، به مثابه قسمتی از اهداف عمومی حکومت مبتنی بر کاهش اندازه مطلق و نسبی اقتصاد مواد مخدر مطابق با اهداف ام. دی. جی حکومت، صورت خواهد گرفت.

مصونیت اجتماعی

فقر زدایی: تا پايان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ ميلادی)، در راستای برآورده شدن اهداف ام. دی. جی. افغانستان، شمار افرادی که درآمد شان کمتر از یک دالر امریکایی در روز است، سالانه سه فیصد و شمار افرادی که از گرسنه گی رنج میبرند سالانه پنج فیصد کاهش خواهد يافت.

مسائل بشری و واکنش در برابر حوادث ناگوار: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، یک نظام مؤثر آماده گی و واکنش در برابر حوادث ناگوار ایجاد خواهد گردید.

معیوبین: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، کمکهای بیشتر به منظور تأمین نیازمندی های خاص افراد معیوب، به شمول ورود ایشان در جامعه، از طریق فرصت های تحصیلی و کار مفید، فراهم خواهد گردید.

اشتغال جوانان و عساکر ملکی شده: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، فرصت های اشتغال برای جوانان و عساکر ملکی شده از طریق برنامه های خاص افزایش خواهد یافت.

مهاجران و بیجا شده گان داخلی: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تمام مهاجرانی که عودت مینمایند و هم بیجاشده گان داخلی، از مساعدت ها، برای احیای مجدد شرایط زنده گی و جاگزین ساختن شان در محلات اصلی، مستفید خواهند شد. ورود آنان در جامعه از طریق برنامه های انکشاف ملی به ویژه در ساحات کلیدی، حمایت خواهد گردید.

زنان آسیب پذیر: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، تعداد خانواده هایی که سر پرستی آنها به عهده زنان بوده است و دچار فقر مزمن هستند ۲۰ فیصد کاهش و میزان اشتغال آنها ۲۰ فیصد افزایش خواهد یافت.

مبارزه با مواد مخدر: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، حکومت برنامه هایی را به منظور کاهش تقاضا برای مواد مخدر و تأمین امکانات معالجه یی بهتر برای استعمال کننده گان، تطبیق خواهد نمود.

حاکمیت اقتصادی و انکشاف سکتور خصوصی

اداره مالی: تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی)، حکومت بهبود و شفافیت در اداره مالی را، در سطح مرکز و ولایات کشور، از طریق ایجاد و دستیابی به اهداف مشخص برای اداره مالی تأمین خواهد نمود. این اهداف که با موافقه جامعه بین المللی و تحت نظارت آن تحقق یافت، مشمول برنامه "رشد مبتنی بر فقرزدایی" نیز هستند. در مقابل و در راستای حساب دهی بهتر حکومت، کمک دهنده گان بیشتر سعی خواهند نمود تا سهم کمکهای خارجی را به افغانستان که به بودجه اصلی حکومت میرود، افزایش دهند.

عوااید داخلی: مجموع عوااید داخلی بودجه افغانستان که در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴ میلادی) معادل ۴،۵ فیصد تولیدات ناخالص داخلی بود تا سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی) به تدریج به ۸ فیصد تولیدات ناخالص داخلی خواهد رسید. پیش بینی میشود که نسبت عوااید بر مجموع مصارف عادی - به شمول مصارف عادی در بودجه اصلی و بودجه انکشافی خارجی - از ۲۸ فیصد در سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴ میلادی) به ۵۸ فیصد در سال ۱۳۸۹

(۲۰۱۰ میلادی) افزایش یابد. در نتیجه، طبق اصول مندرج در ضمیمه دوم، ضرورت مداوم در عرصه های ذیل وجود خواهد داشت، (۱) کمک های خارجی برای بودجه اصلی، و (۲) افزایش مؤثریت قیمت‌ها در کمک هایی که مصارف عادی را از طریق بودجه انکشافی خارجی تمویل مینمایند.

انکشاف سکتور خصوصی و تجارت: تمام قوانین، مقررات و طرز العمل های مربوط به سرمایه گذاری تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) ساده و هماهنگ خواهند گردید، و تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) تطبیق خواهند شد. قوانین جدید ادارات تجاری، تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی)، در شورای ملی مطرح خواهند گردید. استراتیژی حکومت در مورد فروش تصدی های حکومتی تا پایان ۱۳۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) تکمیل خواهد شد.

خدمات مالی و مارکیتهای: مقررات احتیاطی قبول شده بین المللی برای تمام سکتور های عمده و مؤسسات مالی بانکی و غیر بانکی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی)، تدوین میشود. نقش نظارتی بانک مرکزی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی)، بیشتر تقویت میگردد. ساختار مجدد بانکهای تجاری حکومتی تا پایان سال ۱۳۸۶ (۲۰۰۷ میلادی) به پایه اكمال خواهد رسید. آن‌عه از بانک های حکومتی که جواز دوباره دریافت نکرده اند، تا پایان سال ۱۳۸۵ (۲۰۰۶ میلادی) منحل میشوند.

همکاری منطقه یی: تا پایان سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۰ میلادی)، افغانستان و همسایه های آن از طریق اداره مشترک سرحدات و دیگر توافقات تجاری و ترانزیت دو و یا چند جانبه، زمینه یی را فراهم خواهند آورد تا ترانزیت کالاها در مدت زمان کمتر از طریق افغانستان صورت گیرد. افغانستان از طریق خریداری دو جانبه برق، مقدار برق موجود در کشور را افزایش خواهد داد. افغانستان و همسایه های آن موافقتنامه هایی را به امضا خواهند رساند که به موجب این موافقتنامه ها افغانستان بتواند کارگران مسلکی را از کشور های همسایه خویش به کشور وارد نماید و در عین حال افغان ها این امکان را داشته باشند تا در کشور های منطقه زمینه کار یابند و دستمزد خویش را به وطن ارسال نمایند.

ضمیمه شماره ۲ (توافقنامه افغانستان) بهبود مؤثریت مساعدت ها به افغانستان

جامعه بین المللی از اواخر سال ۱۳۸۰ (دسمبر ۲۰۰۱ میلادی) تا اکنون برای آینده حکومتی مبتنی بر دیموکراسی در افغانستان، سرمایه گذاری قابل ملاحظه یی نموده است. این توافقنامه تأکیدی بر آن تعهدات است. حکومت افغانستان و جامعه بین المللی در بهبود مؤثریت کمک ها به افغانستان، طبق اعلامیه پاریس با درک نیازمندی های خاص افغانستان و نتایج آن برای حمایت کمک دهنده گان، متعهد میباشند.

مطابق به اعلامیه پاریس و اصول همکاری مندرج در این توافقنامه، حکومت و جامعه بین المللی کمک کننده به افغانستان موافقه می نمایند که اصول بهبود مؤثریت کمکها تحت این توافقنامه عبارتند از:

الف) رهبری حکومت افغانستان در تعیین اولویت ها، استراتژی های انکشافی و در چارچوب آنها، تعیین نیازمندی های کشور و هماهنگی مساعدتهای کشور های کمک کننده، و
ب) شفافیت و حسابداری - هم از جانب حکومت و هم از جانب مراجع کمک کننده - در ارتباط به مساعدت های بین المللی که به افغانستان میشود.

تحت این اصول و به منظور ارتقای مؤثریت کمکها به افغانستان، حکومت امور ذیل را انجام خواهد داد:

- تهیه استراتژی انکشاف ملی افغانستان که به صورت مفصل اولویت بندی شده است، همراه با شاخص های نظارتی، به شمول شاخص های اهداف ام. دی. جی. افغانستان؛
- بهبود توانمندی حکومت در تولید عواید داخلی؛ از طریق عواید گمرکی و مالیات و از طریق اخذ مصارف خدمات رفاهی عامه و حمل و نقل؛
- توافق با تمویل کننده گان، مؤسسات مالی بین المللی و ادارات ملل متحد در مورد معیارهای انتقال کمکها از طریق بودجه اصلی حکومت و استفاده از این کمکها و نظارت بر اجراءات بر اساس آن معیارها؛
- گزارشدهی منظم به شورای ملی و تمام مردم افغانستان مراجع کمک کننده، از طریق مجمع انکشاف افغانستان در مورد استفاده از مساعدت های مراجع کمک کننده و اجراءات انجام شده به منظور نیل به معیارهای مندرج در این توافقنامه.

مراجع کمک کننده امور ذیل را انجام خواهند داد:

- فراهم نمودن مساعدت در چارچوب استراتژی انکشاف ملی افغانستان. درمورد برنامه ها و پروژه ها با حکومت هماهنگی ایجاد میگردد تا روی اولویتها تمرکز صورت بگیرد، از تکرار جلوگیری شود و در قیمت ها صرفه جویی رونما گردد و فعالیتهای مراجع کمک کننده مؤجه، قابل قبول و مدلل باشد.
- فراهم آوری تعهدات مالی و مساعدتهای فزاینده چندین ساله که قابل پیشبینی باشد تا حکومت بتواند تطبیق استراتژی انکشاف ملی خود را بهتر برنامه ریزی کند و کمک های غیر مشروط را در مواقع لازم فراهم نماید.
- افزایش تناسب کمک هایی که از طریق بودجه اصلی مصرف میشود؛ بر حسب توافقات دوجانبه حکومت افغانستان با هریک از کمک کننده ها و همچنان افزایش تناسب کمکهایی که به شیوه های قابل پیشبینی تری که حکومت افغانستان در آن سهم است مصرف، میشود؛ مانند صندوق امانتی بازسازی افغانستان، صندوق وجهی نظم و قانون برای افغانستان و صندوق امانتی مبارزه با مواد مخدر.
- کمک به انکشاف سیستم اداره مصارف حکومتی که برای بهبود شفافیت و حسابداری در استفاده از منابع کمک کننده لازم است، و مبارزه با فساد اداری.
- با توجه به نیازمندی به ارتقای ظرفیت افغانستان، مصرف کمکهایی که از طریق بودجه خارجی تأمین میگردند، باید طوری انجام شود تا در ادارات حکومتی، سکتور خصوصی و سکتور غیر انتفاعی ظرفیت ایجاد نماید.
- حصول اطمینان از این که پالیسی های انکشافی، به شمول پالیسی ها در عرصه معاشات، نهاد های ملی را که در میان مدت و درازمدت متداوم هستند، در انجام برنامه ها توسط حکومت تقویت می نمایند.
- در قسمت مساعدت هایی که از طریق بودجه اصلی مصرف نمیشوند، کمک کننده ها کوششهای ذیل را به خرج خواهند داد:
 - o هماهنگ ساختن مساعدت های تخنیکی با نیازمندی های حکومت، به منظور تمرکز روی اولویت ها و کاهش در مصارف ناشی از معاملات و تکرار فعالیت ها؛
 - o کاهش در مصارف اداره خارجی و مصارف ثابت پروژه ها، به منظور ارتقای ظرفیت سکتور خصوصی افغانستان در اداره و اجرای پروژه ها؛
 - o استفاده بیشتر از مؤسسات افغانی به مثابه مؤسسات تطبیق کننده و به کارگماشتن افغانهای کار آزموده در داخل و خارج از کشور؛
 - o افزایش خرید مواد مورد ضرورت برای فعالیتهای ملکی و نظامی از داخل افغانستان؛ و
 - o استفاده از مواد افغانی در تطبیق پروژه ها، به خصوص برای پروژه های زیربنایی.

- در چارچوب اصول بین المللی داوطلبی رقابتی، ارتقای سهمگیری سکتور خصوصی افغانستان، در روند داوطلبی و تقویت همکاری های کشور های فقیر به منظور غلبه بر موانع ظرفیت و کاهش مصارف انجام پروژه ها.

- فراهم نمودن معلومات به موقع، شفاف و جامع در مورد جریان مساعدتهای خارجی، به شمول قرارها، تعهدات و پرداخت ها، به شیوه یی که حکومت افغانستان را به برنامه ریزی فعالیت های خود و ارائه گزارش های جامع بودجه یی به شورای ملی قادر نماید. این امر شامل ماهیت و مقدار کمکهایی خواهد بود که از طریق بودجه اصلی و بودجه خارجی به افغانستان، ارائه میگردد، و
- ارائه گزارش به حکومت درمورد مساعدت بودجه خارجی با استفاده از وجوه، کارآیی، کیفیت و مؤثریت آن و نیز نتایج به دست آمده از آن.

هدف از این تعهدات دوجانبه آن است تا کمکهای مراجع کمک کننده به حکومت افغانستان، به نحو مؤثر و مثمر مورد استفاده قرار گیرند و از شفافیت و حسابداری بیشتر برخوردار باشند و افغانها و مالیه دهنده گان در کشور های تمویل کننده، دریابند که در برابر مصرف پول ارزشهایی به دست آمده اند.

ضمیمه شماره ۳ (توافقتنامه افغانستان)

نظارت و هماهنگی

حکومت افغانستان و جامعه بین المللی به این باور اند که موفقیت توافقنامه افغانستان مستلزم تعهدات نیرومند سیاسی، امنیتی و مالی به منظور حصول معیارهای مورد نظر، در میعاد موافقت شده، می باشد. به همین ترتیب، موفقیت این توافقنامه مستلزم ایجاد یک مکانیزم مؤثر برای ایجاد هماهنگی و نظارت است.

به همین ترتیب، علاوه بر مکانیزم های موجود انسجام سکتوری، حکومت افغانستان و جامعه بین المللی یک مورد مشترک هماهنگی و نظارت را - به اشتراک مقامات بلند پایه حکومت افغانستان که توسط رئیس جمهور تعیین میشوند و همچنان نمایندگان جامعه بین المللی - ایجاد مینمایند. مورد هماهنگی تحت ریاست مشترک یک مقام بلند پایه حکومت افغانستان که توسط رئیس جمهور و نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در افغانستان، تعیین میگردد، قرار خواهد داشت. هدف آن عبارت از انسجام عمومی تطبیق این توافقنامه خواهد بود. این مورد دارای یک دارالانشای کوچک - متشکل از کارمندان حکومت افغانستان و ملل متحد - خواهد بود که در صورت ضرورت توسط کارشناسان تخصصی کمک خواهد گردید.

این مورد، جلسات دوره ای و در صورت ضرورت جلسات ویژه ای را برای بررسی تطبیق این توافقنامه و ارائه پیشنهاد های اصلاحی لازم برگزار مینماید.

آن نهاد های حکومتی افغانستان و مکانیزم های هماهنگی سکتوری که در تطبیق استراتژی انکشاف ملی افغانستان دخیل اند نظریات شان را، در مورد تطبیق توافقنامه، به مورد ارائه خواهند کرد. علاوه بر این، مورد به خاطر اجرای ارزیابی ها، نظریات جامعه بین المللی را - به شمول ادارات ملل متحد، نهاد های مالی بین المللی، سازمان های کمک کننده، نیروهای امنیتی بین المللی و سازمان های غیر حکومتی مربوط و نماینده های جامعه مدنی - مورد توجه قرار خواهد داد.

گزارش های منظم در مورد پیشرفت روند تطبیق این توافقنامه، توسط مورد مشترک هماهنگی و نظارت، به اطلاع مردم خواهد رسید.

ضمیمه شماره ۴ (توافقتنامه افغانستان)

اشتراک کننده گان کنفرانس لندن در پیرامون افغانستان
(لست افراد دعوت شده در این کنفرانس بعداً نهایی میگردد)

کشورهای اشتراک کننده:

آسترالیا
آلمان
آیسلند
اتریش
اردن
ازبکستان
افغانستان (ریاست مشترک)
امارات متحده عرب
انگلستان (ریاست مشترک)
ایالات متحده امریکا
ایتالیا
ایران، جمهوری اسلامی
بحرین
برازیل
برونای
بلجیم
بلغاریا
پاکستان
پرتغال
پولند
تاجکستان
ترکمنستان
ترکیه
جاپان
چک، جمهوری
چین
دنمارک
روسیه، جمهوری فدراتیف
رومانیا
زیلاند جدید
سویدن
سویس
عربستان سعودی
فرانسه
فنلند
قرغزستان
قزاقستان
قطر
کانادا
کوریای جنوبی
کویت

لیتوانیا
مالیزیا
مصر
ناروی
هالند
هسپانیا
هندوستان
هنگری
یونان

مؤسسات اشتراک کننده:

اتحادیه اروپا
انجمن همکاری منطقه یی آسیای جنوبی
بانک انکشاف اسلامی
بانک انکشاف آسیای
بانک جهانی
بنیاد آغا خان
پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو)
سازمان کنفرانس کشور های اسلامی
سازمان همکاری اقتصادی
سازمان همکاری اقتصادی و انکشافی
سازمان همکاری شانگهای
صندوق بین المللی پول
مجمع جامعه مدنی افغانستان
ملل متحد (ریاست مشترک)
کمسیون اروپا

ناظرین

آیرلند
ارجنتاین
ایستونیا
چیلی
سازمان امنیت و همکاری اروپا
سلواکیا
سلوانیا
سوریه
عمان
قبرس
کروشیا
لتویا
لوگزامبورگ
مالتا
مکسیکو